

ماه خدا

پژوهشی جامع
در باره ماه مبارک رمضان از نگاه قرآن و حدیث

محمدی می شهری

جلد اول



ترجمه : جواد محمدی

بایگاری : رسول افقی

نِسْبَةُ الْقَلَمِ



مرکز تحقیقات کتب و پژوهش‌های اسلامی



مآذان چاپ‌نشر

مرکز تحقیقات دارالحديث : ۸۶



محمّدی ری شهری، محمّد، ۱۳۲۵ -

[شهر الله في الكتاب والسنة: ترجمه فارسی]

ماه خدا / محمّد محمدی ری شهری؛ نویسنده همکار: رسول افقی؛ مترجم جواد محدّثی. - قسم: دارالحديث،

۱۴۲۵ ق = ۱۳۸۳.

ISBN (set): 978 - 964 - 7489 - 93 - 5

ج ۲. - (مرکز تحقیقات دارالحديث : ۸۶).

ISBN : 978 - 964 - 7489 - 91 - 1

فهرست نویسی پیش از انتشار بر اساس اطلاعات فیبا.

کتاب نامه: ج ۲. ص ۱۰۶۷ - ۱۰۸۵ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. ماه رمضان - احادیث. ۲. روزه - احادیث. ۳. احادیث شیعه - قرن ۱۴. ۴. احادیث اهل سنت - قرن ۱۴.

الف. افقی، رسول، ۱۳۴۶ -، نویسنده همکار، ب. محدّثی، جواد، ۱۳۳۹ -، مترجم. ج. عنوان.

۲۹۷/۲۱۲

BP ۱۴۱/۵/م ۸/۳۰۴۱۱۳۸۳

ماه خدا

پژوهشی جامع
در باره ماه مبارک رمضان از نگاه قرآن و حدیث

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

محمدی رسی شهری

با همکاری: رسول افقی

جلد اول

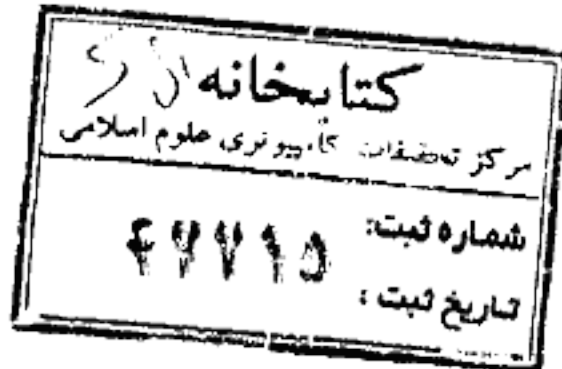
ترجمه: جواد محدثی

ماه خدا/ ج ۱، پژوهشی جامع درباره ماه مبارک رمضان از نگاه قرآن و حدیث

محمد محمدی ری شهری

همکار: رسول افقی

مترجم: جواد محدثی



تحقیق: مرکز تحقیقات دارالحدیث

بازبینی علمی: سید محمد کاظم طباطبایی، محمد احسانی فر

استخراج احادیث: رسول افقی، محمد رضا سبحانی نیا

اعراب گذار: مرتضی خوش نصیب

سرپرستار: محمد هادی خالقی

ویراستار فارسی: محمد باقری زاده اشعری

ویراستار عربی: عادل اسدی

فهرست ها: رعد بهبهانی

کتاب نامه: مهدی هوشمند

نمونه خوانی: محمود سپاسی، مصطفی اوجی، مهدی جوهرچی، محمد محمودی

حروف چینی: حسین افخمیان

صفحه آرایی: محمد باقر نجفی

خوش نویسی: حسن فرزنانگان

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: سوم / ۱۳۸۹

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت دوره: ۱۴۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، نبش کوی ۱۲ پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ / ص.پ

۳۷۱۸۵ / ۴۴۶۸

نمایشگاه و فروشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵ -- فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت

عبدالعظیم حسنی علیه السلام صحن کاشانی) تلفن: ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه هم کف)

تلفن: ۰۵۱۱ ۲۲۴۰۰۶۲-۳

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان نختی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهار راه پل خاکی، سمت چپ، ساختمان

کوثر) تلفن: ۸۴۲۶۳۳۲

<http://www.hadith.net>

hadith@hadith.net

ISBN (set): 978 - 964 - 7489 - 93 - 5

ISBN : 978 - 964 - 7489 - 91 - 1

❖ کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است ❖

فهرست اجمالی

پیش‌گفتار.....	۷
درآمد.....	۱۳

بخش اول : فضایل ماه خدا

فصل یکم : عظمت و احترام ماه رمضان.....	۳۳
فصل دوم : ویژگی‌های ماه رمضان.....	۳۹
فصل سوم : برکات ماه رمضان.....	۵۳
سخنی درباره به بند کشیده شدن شیطان‌ها در ماه رمضان.....	۷۷
فصل چهارم : تأکید بر بهره‌وری از برکات ماه رمضان.....	۸۳

بخش دوم : آمادگی برای میهمانی خدا

فصل یکم : شناخت میهمانی خدا.....	۹۱
سخنی در شرح حدیث : «روزه ، برای من است».....	۱۰۵
سخنی درباره مراتب روزه‌داری.....	۱۵۷
فصل دوم : آمادگی برای میهمانی خدا.....	۱۶۱
فصل سوم : اسباب آمادگی برای میهمانی خدا.....	۱۸۷
سخنی درباره تقویت آثار روزه با اصلاح غذا.....	۱۹۵

۶ ماه خدا

فصل چهارم: دعا‌های آمادگی برای میهمانی خدا ۲۰۱

بخش سوم: آداب میهمانی خدا

فصل یکم: آداب روزه‌داری ۲۴۵

فصل دوم: کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است ۳۱۵

فصل سوم: دعا‌های مشترک ۳۶۹

فصل چهارم: آداب مخصوص شب‌های ماه رمضان ۴۹۹



مرکز تحقیقات کتب و آثار اسلامی

پیش‌گفتار

ستایش، از آن پروردگار جهانیان است. و سلام و درود بر بنده برگزیده‌اش محمد، و دودمان پاک و اصحاب نیک و خجسته او باد!

از نگاه اسلام، فلسفه خلقت انسان و هدف در نظر گرفته شده برای او، رسیدن به کمال مطلق است. از این رو، آنچه در منابع و متون اسلامی به عنوان رمز و راز بعثت پیامبران الهی آمده است (همچون: عدالت، علم و آزادی)، مقدمه تربیت انسان و رسیدن او به مرتبه «انسان کامل» است.

بر پایه این شناخت، برای آنان که اسلام را باور دارند و به این آیین دل بسته‌اند، سزاوار است که از هر فرصتی برای رسیدن به این هدف والا، بهره بگیرند. در این میان، ماه رمضان برای خداجویان سالک، فرصتی است بی‌همتا، که اگر به خوبی مورد استفاده قرار بگیرد، به تعبیر قرآن کریم که می‌فرماید:

﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾^۱

شب قدر، بهتر از هزار ماه است.

می‌توان یک‌شبه، راه هزار ماهه را پیمود.

خداوند سبحان، در این ماه بافضیلت، میهمانی ویژه‌ای را برای تربیت روح ترتیب داده است، به گونه‌ای که می‌تواند در حیات معنوی انسان تحولی پدید آورد

که او را به سعادت ابدی برساند و کامیابی همیشگی را برایش تضمین کند.
نکته مهم در این مسیر، آن است که انسانی که تصمیم دارد به دنیای این ضیافت گسترده وارد شود، بداند: به کجا می‌رود؟ معنای میهمانی الهی چیست و چگونه باید وارد آن شود؟ چه باید انجام دهد و چگونه مسئولیت خویش را ادا کند؟ و چگونه از آن بیرون آید؟

شناخت همه اینها ضروری است تا انسان از این میهمانی، به نحو شایسته بهره‌مند گردد.

این کتاب، گامی در این مسیر است و به پرسش‌های یادشده، با بهره‌گیری از قرآن کریم و متون حدیثی، پاسخ‌های کافی می‌دهد.

روش کتاب

روش ما در بررسی و کاوش و مستندسازی مباحث در این مجموعه، متکی به عناصر زیر است:

۱. از دیدگاه ما، احادیثی که از خاندان پیامبر ﷺ روایت شده‌اند، در واقع، حدیث پیامبر خدایند، همان‌گونه که امام رضا علیه السلام فرمود: «ما از طرف خدا و پیامبر او سخن می‌گوییم»^۱ و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «سخن من، سخن پدرم است و سخن پدرم، سخن جدّم است و سخن جدّم، سخن حسین است و سخن حسین، سخن حسن است و سخن حسن، سخن امیر مؤمنان و سخن امیر مؤمنان، سخن پیامبر خداست و سخن پیامبر خدا، سخن خداوند متعال است»^۲.

کلمه «سنت» که در عنوان این کتاب آمده است، برای بیان همین نکته و مفهوم است که در کتاب، از همه احادیث روایت‌شده از پیامبر ﷺ و خاندان او، یکسان بهره گرفته شده است.

۱. رجال الکشی: ۴۰۱/۴۹۰، بحار الأنوار: ۶۲/۲۵۰.

۲. الکافی: ۱۴/۵۳، منیه المرید: ۳۷۳، الإرشاد: ۱۸۶/۲، بحار الأنوار: ۲۸/۱۷۹، ر.ک: اهل بیت در قرآن و

حدیث: ۲۶۱/۱ «حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست».

۲. کوشیده‌ایم در حدّ توان، همه روایات مربوط به هر موضوع را از منابع گوناگون شیعه و اهل سنت، به طور مستقیم، استخراج و گردآوری کنیم و با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای رایانه‌ای، آنها را روی برگه‌های مخصوص تنظیم نماییم تا زمینه‌ی گزینش کامل‌ترین، موثق‌ترین و کهن‌ترین آنها فراهم آید. در مورد استفاده از دعاها نیز جز در مواردی اندک، تنها از ادعیه‌ای که مستند به معصومان است، بهره گرفته‌ایم.

۳. سعی کرده‌ایم تا از آوردن روایات تکراری پرهیز نماییم، جز در این موارد:
 الف) آن جا که نکته‌ی مهمی در تفاوت واژه‌ها و اصطلاحات، نهفته بوده است.
 ب) در مواردی که متن حدیث، در متون شیعه و اهل سنت، تفاوت داشته است.

ج) آن جا که متن روایت، بیش از یک سطر نبوده و مربوط به دو باب بوده است.
 ۴. در مواردی که متن‌های رسیده از پیامبر خدا و امامان علیهم‌السلام، متعدّد بوده‌اند، حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در متن، و نشانی روایات ائمه دیگر با ذکر عنوان و مأخذ، در پانویست می‌آید، مگر آن که روایت آنان، نکته‌ی تازه‌ای داشته باشد که آن نیز در متن آورده می‌شود.

۵. در هر موضوع، پس از ذکر آیات مربوط به آن، روایات معصومان به ترتیب زمانی (از پیامبر خدا تا امام مهدی علیه‌السلام) آورده می‌شوند، مگر آن که روایتی در تفسیر آیات مذکور باشد (که در این صورت، پیش از روایات دیگر می‌آید)، یا آن که تناسب موضوعی روایات، ترتیب دیگری را ایجاب کند.

۶. در آغاز هر روایت، تنها نام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا امامی را آورده‌ایم که حدیث از او نقل شده است، مگر آن که راوی، فعل آنان را نقل کرده، یا سؤال و جوابی در میان بوده و یا راوی، سخنی را در متن حدیث آورده باشد که کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا آن امام نیست.

۷. به خاطر تعدّد نام‌ها و لقب‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام، نام واحدی را برگزیده‌ایم که به صورت ثابت در اول روایت می‌آید و بر شخص مورد نظر، دلالت می‌کند.

۸. در پانوشته‌ها، منابع احادیث، به ترتیب معتبرترین آنها تنظیم شده است؛ لیکن گاه به دلیلی که بر محققان پوشیده نیست (از جمله: پرهیز از تکرار، اختلاف منابع یا راوی و یا شخصی که از او روایت شده)، این ترتیب را پس از نخستین منبع، مراعات نکرده‌ایم.

۹. هر گاه دسترسی به منابع اولیه ممکن باشد، حدیث مستقیماً از آنها نقل می‌شود. آن گاه نشانی بحار الأنوار (در احادیث شیعه) و کنز العمال (در احادیث اهل سنت) به عنوان دو منبع اساسی و جامع حدیث شیعه و اهل سنت، افزوده می‌شود. ۱۰. پس از ذکر منابع، گاه با نشانه «ر.ک»، به منابع دیگر ارجاع داده می‌شود؛ چرا که متن ارجاعی، با متن نقل شده تفاوت بسیار دارد؛ ولی در عین حال، با متن اصلی و موضوع بحث، مرتبط است.

۱۱. ارجاع به ابواب دیگر این کتاب، به خاطر تناسب و اشتراک محتوایی میان احادیث آنهاست.

۱۲. هدف از «درآمد»هایی که برای فصل‌های کتاب، نوشته شده یا توضیحات و استنتاج‌هایی که در پی احادیث آمده است، ارائه چشم‌انداز کلی روایات آن بخش یا آن فصل است. گاه هم به توضیح و تبیین برخی از مفاهیم دشوار و پیچیده احادیث، پرداخته شده است.

۱۳. مهم‌ترین نکته در این شیوه، کوشش در حدّ توان برای تأیید اطمینان‌آور صدور احادیث هر باب از معصوم است که به کمک قرائن عقلی و نقلی برای اثبات محتوای احادیث، صورت پذیرفته است.

در پایان، بر خود لازم می‌دانم مراتب سپاس و قدردانی خود را از همه سروران فاضل و محققان عزیز و بزرگوار در مرکز تحقیقات دارالحدیث که در پدید آوردن و عرضه این اثر نفیس، کوشش‌هایی ستودنی داشته‌اند، ابراز دارم. بویژه از فاضل گران‌قدر جناب آقای رسول افقی که بار سنگین این کار را بر دوش داشتند و برادر فاضل آقای مرتضی خوش‌نصیب که در آماده‌سازی بخشی از آن، سهیم بوده‌اند.

همچنین از فاضل گران‌مایه جناب آقای جواد محدّثی که با ترجمه دقیق، روان و زیبای این کتاب، زمینه بهره‌مندی پارسی‌زبانان را فراهم ساختند، صمیمانه سپاس‌گزارم. از خدای سبحان برای همه این عزیزان در راه برافراشتن رایت فرهنگ اسلامی و همکاری در نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام و سخنان نورانی آنان، توفیق بیشتر خواستارم.

رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا؛ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

محمّد محمّدی ری‌شهری

۸ ربیع‌الثانی ۱۴۲۵

۷ خرداد ۱۳۸۳

۲۸ می ۲۰۰۴



مرکز تحقیقات کتب و پژوهش‌های اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

درآمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واژه «رمضان» از ریشه «رَمَضَ» است، به معنای بارانی که اول پاییز می‌بارد و هوا را از خاک و غبارهای تابستان پاک می‌کند و یا به معنای داغی سنگ از شدت گرمای آفتاب.^۱

اما درباره این که چرا این نام برای یکی از ماه‌های سال، گذاشته شده است، زمخشری (م ۵۲۸ ق) گوید:

اگر گویی: «چرا ماه رمضان را به این نام نامیده‌اند؟»، گویم: روزه در ماه رمضان، عبادتی دیرین است، و گویا عرب‌ها این نام را به خاطر داغ شدنشان از حرارت گرسنگی و چشیدن سختی آن، نهاده‌اند، همچنان که به آن «ناتق (رنج‌آور)» هم گفته‌اند؛ چون سختی روزه، آنان را به رنج و زحمت می‌افکند.

و گفته‌اند: چون نام ماه‌ها را از زبان قدیم نقل کرده‌اند، آنها را با زمان‌هایی که در آنها قرار داشتند، نامیده‌اند و این ماه، در روزهای

۱. ر.ک: تفسیر الفخر الرازی: ۸۹/۵ والعین: ۳۲۷. یادآوری این نکته لازم است که فخر رازی، این دو معنا را در اشتقاق «رمضان»، از خلیل بن احمد فراهیدی نقل کرده است؛ لیکن پوشیده نماند که معنای نخست، در بیشتر فرهنگ‌های لغت نیامده است. از سوی دیگر، در تهذیب اللغةی ازهری آمده است: «ابر و باران رمضی یعنی ابر و باران آخر تابستان و اول پاییز که چون گرما و حرارت خورشید را به خود می‌گیرند، رمضی نامیده شده‌اند» (تهذیب اللغة: ۱۴۶۹/۲).

گرم و داغ بوده است.^۱

شماری از روایات، این نام‌گذاری را به سبب نقشی دانسته‌اند که ماه رمضان در پاکسازی آئینه جان از آلودگی‌های گناهان و پاکسازی روان از زنگار خطاها دارد. از پیامبر ﷺ روایت است:

إِنَّمَا سُمِّيَ رَمَضَانُ؛ لِأَنَّهُ يُرْمَضُ الذُّنُوبُ؛^۲

این ماه را رمضان نامیده‌اند: چون گناهان را می‌زداید.

این وجه در نام‌گذاری، از یک سو با ریشه لغوی «رمضان» و از سوی دیگر با برکات، رهاوردها و آثار آن، هماهنگ و متناسب است.

آیا «رمضان» نام خداست؟

شماری از احادیث شیعه و اهل سنت، صراحت دارند که «رمضان» از نام‌های خدای سبحان است.^۳ از این رو، نهی شده که آن را بدون افزودن واژه «ماه» به کار برند،^۴ همان گونه که سزاوار نیست انسان بگوید: این، رمضان است؛ رمضان آمد؛ رمضان رفت؛ رمضان را روزه گرفتیم؛ و... و هر که چنین بگوید، باید به عنوان کفاره این سخن، صدقه بدهد و روزه بگیرد.^۵

لیکن این روایات، با مشکلات متعددی رو به رویند؛ زیرا هم سندشان مخدوش

۱. الکشاف: ۱/۱۱۳. ونسیر، ر.ک: معجم مقاییس اللغة: ۲/۴۴۰، المصباح المنیر: ۲۳۱، النهایة: ۲/۲۶۴.

اساس البلاغة: ۲۵۲. مفردات ألفاظ القرآن: ۳۶۶، مجمع البحرین: ۲/۷۳۲.

۲. برای آگاهی از منابع حدیث ر.ک: ص ۵۲ ح ۳۴.

۳. ر.ک: السنن الکبری: ۴/۳۳۹، الفردوس: ۵/۵۲۳، کنز العمال: ۸/۴۸۴، ۲۳۷۴۲ و ح ۲۳۷۴۳.

الکافی: ۴/۲۷۰، کتاب من لایحضره الفقیه: ۲/۱۷۲، ۲۰۵۰، معانی الأخبار: ۱/۳۱۵، بصائر الدرجات:

۱۲/۳۱۱، بحار الأنوار: ۱/۳۷۶/۹۶.

۴. ر.ک: منابع پاورقی قبلی. و همچنین: الکافی: ۴/۱۷۰، کتاب من لایحضره الفقیه: ۲/۱۷۲، ۲۰۵۱، معانی

الأخبار: ۲/۳۱۵، فضائل الأشهر الثلاثة: ۷۳/۹۳، الجعفریات: ۲۴۱ و ص ۵۹، الإقبال: ۲۹/۱، بحار الأنوار:

۲/۳۷۷/۹۶ و ح ۳.

۵. ر.ک: الجعفریات: ۲۴۱ و ص ۵۹، النوادر، راوندی: ۴۰۷/۲۰۸، الإقبال: ۲۹/۱، بحار الأنوار: ۲/۳۷۷/۹۶.

است و هم دلالتشان نارساست، با این توضیح که؛
 اولاً، هیچ یک از روایات مورد اشاره، از نظر سند، معتبر نیستند.
 ثانیاً، با مراجعه به روایاتی که به شمارش نام‌های خداوند پرداخته‌اند، دیده می‌شود که چنین نامی در میان آنها نیست.
 ثالثاً، در بسیاری از روایاتی که از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نقل شده است، کلمه «رمضان» بدون آن که واژه «ماه» در اول آن باشد، به کار رفته است و بسیار بعید است که راویان، از پیش خود، مضاف را از همه این روایات، حذف کرده باشند.^۱

نام‌های ماه رمضان

احادیث اسلامی، «ماه رمضان» را با نام‌ها و صفات متعددی توصیف کرده‌اند که همه آنها عظمت این ماه را نشان می‌دهند و بیانگر نقش مثبت، ژرف و سازنده آن در رشد، بالندگی و فراهم آوردن سعادت دنیوی و اخروی انسان‌اند. از جمله این نام‌ها و صفات، موارد زیرند:

۱. ماه خدا، ۲. ماه بزرگ‌تر خدا، ۳. ماه میهمانی خدا، ۴. ماه نزول قرآن، ۵. ماه تلاوت قرآن، ۶. ماه روزه گرفتن، ۷. ماه مسلمانی،^۸
۸. ماه پاک‌کننده، ۹. ماه خالص‌سازی، ۱۰. ماه نماز، ۱۱. ماه آزادسازی،^{۱۲}

۱. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن: ۲۶/۲.

۲. ر.ک: ج ۵ و ج ۱۰-۱۳ و ج ۲۱۰ و ج ۲۱۸ و ج ۲۲۵ و ج ۲۲۷ و ج ۲۳۲ و ج ۴۶۶.

۳. ر.ک: ج ۸.

۴. ر.ک: ص ۴۱ (ویژگی‌های ماه رمضان / ماه میهمانی خدا).

۵. ر.ک: ص ۴۹ (ویژگی‌های ماه رمضان / نزول قرآن، در شب قدر). و ج ۲۲۵.

۶. ر.ک: ج ۲۲۵ و ج ۲۲۶. و ص ۳۲۷ (زیاد قرآن خواندن).

۷. ر.ک: ج ۷ و ج ۲۲۵ و ج ۲۲۶.

۸. ر.ک: ج ۷.

۸-۱۰. ر.ک: ج ۷.

۱۱. ر.ک: ج ۷ و ج ۲۲۶.

۱۲. ر.ک: ص ۵۹ (برکات ماه رمضان / آزادی از آتش دوزخ). و ج ۲۲۵ و ج ۲۲۷ و ج ۴۶۶.

۱۲. ماه صبر، ۱۳^۱. ماه مواسات (همدردی)، ۱۴^۲. ماه برکت، ۱۵^۳. ماه آمرزش، ۴.
 ۱۶. ماه رحمت، ۱۷^۵. ماه توبه، ۱۸^۶. ماه بازگشت، ۱۹^۷. ماه استغفار، ۲۰^۸. ماه دعا، ۹.
 ۲۱. ماه عبادت، ۲۲^{۱۰}. ماه اطاعت، ۲۳^{۱۱}. ماه مبارک، ۲۴^{۱۲}. ماه بزرگ، ۲۵^{۱۳}. ماهی که
 خداوند [در آن] روزی مؤمن را می‌افزاید، ۲۶^{۱۴}. سرور ماه‌ها، ۲۷^{۱۵}. عید اولیای خدا، ۱۴.
 ۲۸. بهار قرآن، ۲۹^{۱۷}. بهار فقیران، ۳۰^{۱۸}. بهار مؤمنان، ۳۱^{۱۹}. ماه مسابقه، ۲۰.
 و ۳۲. ماه روزی‌یافته، ۲۱.

ویژگی‌ها و برکات ماه رمضان

ماه رمضان، ویژگی‌های مهمی دارد که ریشه برکات بزرگ این ماه و پایه

۱ و ۲. رک: ح ۲۱۹ و ۲۲۰.

۳. رک: ح ۲۲۳ و ۲۲۵ و ۲۲۷ و ۲۳۱.

۴. رک: ح ۲۲۵ و ۲۲۷ و ۲۳۱ و ۴۶۰.

۵. رک: ح ۲۲۵ و ۲۳۱ و ۴۶۰.

۶. رک: ح ۲۲۵ - ۲۲۷ و ۲۳۱ و ۴۶۰.

۷. رک: ح ۲۲۵ و ۲۲۷ و ۲۳۱ و ۴۶۰.

۸. رک: ح ۲۲۵ و ۲۲۶.

۹ - ۱۱. رک: ح ۲۲۵.

۱۲. رک: ح ۲۶ و ۵۹ و ۲۲۰.

۱۳. رک: ح ۲۲۰ و ۲۲۴.

۱۴. رک: ح ۲۱۹ - ۲۲۰.

۱۵. رک: ص ۴۳ (ویژگی‌های ماه رمضان / سرور ماه‌ها). و ح ۲۱ و ۲۲۱ و ص ۱۷۷ و ح ۲۳۰.

۱۶. رک: ح ۸.

۱۷. رک: ح ۴۴۶.

۱۸. رک: ح ۱۲ و ۴۶۶.

۱۹. شیخ مفید گوید: این ماه، طبق حدیثی که از پیامبر خدا نقل شده است، «سرور ماه‌ها» و طبق حدیثی که از

اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است، «بهار مؤمنان» است و ماهی است که صالحان، آن را «مِضمار» (هدف یا نقطه پایان

مسابقه) می‌نامیده‌اند (مسار الشیعة: ۲۰).

۲۰. رک: یاورقی قبلی - و ح ۷۹۸ و ۷۹۹.

۲۱. رک: ح ۷۲.



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

نعمت‌های بی شمار آن هستند.^۱

شکوه، عظمت و برکات مادی و معنوی‌ای که از این ماه، نصیب اهل ایمان می‌شود، از نگاه احادیث اسلامی، قابل توصیف نیستند و اگر مسلمانان شناخت درستی از برکات این ماه بافضیلت داشتند و مواهب و دستاوردهای بزرگ آن را می‌دانستند، آرزو می‌کردند که سراسر سال، رمضان باشد. حدیث پیامبر خدا در این مورد، چنین است:

لَوْ يَعْلَمُ الْعِبَادُ مَا فِي رَمَضَانَ، لَتَمَنَّتْ أَنْ يَكُونَ رَمَضَانُ سَنَةً؛^۲
اگر بندگان بدانند که در رمضان، چه [نعمت‌ها و آثاری] هست،
آرزو می‌کنند که رمضان، یک سال باشد.

از میان ویژگی‌های فراوانی که این ماه دارد، به اختصار به دو نمونه - به خاطر اهمیت که دارند - اشاره می‌کنیم و یادآور می‌شویم که این کتاب، در واقع، شرح و تفصیل همین دو ویژگی است:

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۱. آغاز سال

از ویژگی‌های مهم ماه رمضان، که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام^۳ بر آن تأکید شده، این است که این ماه، آغاز سال است. در پرتو این نکته، دو سؤال پیش می‌آید:

اول. معنای «آغاز» سال و مقصود از آن چیست؟

دوم. عرب‌ها، «محرم» را آغاز سال قرار داده‌اند و سنت آنان، هم‌اکنون نیز بر این جاری است؛ که محرم را آغاز رسمی سال هجری می‌شمارند. با این همه، چرا در روایات اسلامی، ماه رمضان به عنوان آغاز سال، شناخته شده است؟

سید ابن طاووس (م ۶۶۴ ق) در این زمینه می‌نویسد:

۱. در بخش مربوط به نام‌های این ماه (ص ۱۵ و ۱۶) و در بخش «ویژگی‌های ماه رمضان» و «برکات ماه رمضان»

(ص ۳۹ تا ۷۸) به بعضی از این ویژگی‌ها و برکات، اشاره شده است.

۲. برای آگاهی از منابع حدیث ر.ک: ص ۳۲ ح ۲.

۳. ر.ک: ص ۴۲ (ویژگی‌های ماه رمضان / آغاز سال).

بدان که من روایات را درباره این که «محرم، آغاز سال است یا ماه رمضان؟» مختلف یافتم؛ لیکن آنچه از عمل علمای بزرگ و معبرمان و تألیفات علمای گذشته دریافتم، این است که به طور مشخص، آغاز سال، «ماه رمضان» است. شاید ماه روزه (رمضان)، آغاز سال در مورد عبادات اسلامی است و محرم، آغاز سال در مورد تاریخ‌ها و کارهای مهم مردم.^۱

لیکن ما به روایتی برخوردیم که محرم را آغاز سال بدانند. از این رو، آنچه در سخن سید ابن طاووس درباره تعارض میان دو دسته روایات (که برخی، آغاز سال را محرم و برخی ماه رمضان می‌دانند) آمده است، درست به نظر نمی‌رسد.

آری، طبق گفته علامه مجلسی، مشهور میان عرب‌ها، آن است که آغاز سالشان «محرم» است؛^۲ اما این که چرا روایات اهل بیت علیهم‌السلام با این سنت جاری عرب‌ها مخالفت کرده و «ماه رمضان» را آغاز سال دانسته‌اند، پس از روشن شدن معنای «آغاز سال»، روشن می‌شود. مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

معنای آغاز سال

ظاهراً «آغاز سال» معنای حقیقی ندارد؛ بدین معنا که شروع زمان به صورت تکوینی، لحظه خاصی ندارد تا تنها همان لحظه، آغاز سال به شمار آید و نه لحظات دیگر. به نظر می‌رسد که این «آغاز»، از جمله امور اعتباری است که در پی تنوع و تعدد اعتبارها، معانی گوناگونی می‌یابد.^۳

با این حساب، هر روزی به اعتباری خاص می‌تواند آغاز سال یا پایان آن باشد و آنچه میان اقوام مختلف به عنوان آغاز سالشان وجود دارد و با هم مختلف است،

۱. الإقبال: ۳۲/۱.

۲. ر.ک: بحار الأنوار: ۳۷۶/۵۸.

۳. ر.ک: بحار الأنوار: ۳۷۶/۵۸ و جواهر الکلام: ۲۵/۵.

این گونه تفسیر می‌شود. به عنوان نمونه، ایرانیان باستان، نخستین روز از ماه فروردین (برابر با ۲۱ مارس میلادی) را آغاز سال، برگزیده و آن را عید شمرده‌اند و این سنت، هنوز هم دایر است، در حالی که عرب‌ها، روز اوّل محرم را آغاز سال خود دانسته‌اند و مسیحیان نیز روز میلاد حضرت مسیح علیه السلام را آغاز سالشان قرار داده‌اند.

آغاز سال و تجدید حیات معنوی

وقتی مفهوم «آغاز سال» را در پرتو فرهنگ اسلامی بررسی می‌کنیم، چنین می‌یابیم که این پدیده، به اعتبارهای گوناگونی وابسته است. برخی از متون دینی تأکید دارند که ماه رمضان، آغاز سال است؛^۱ برخی از آنها «شب قدر» را آغاز سال دانسته‌اند؛^۲ و برخی نیز «عید فطر» را اوّل سال،^۳ تعیین کرده‌اند.

همچنان که آغاز فروردین، شروع سال طبیعی است (چون در این هنگام، زمین، جامه نو می‌پوشد و درختان، سبز می‌شوند)، ماه رمضان هم آغاز سال انسانیت از نگاه اسلام است؛ چرا که در این ماه عزیز، حیات معنوی اهل سیر و سلوک، تجدید می‌شود و آنان که در مسیر حرکت به سوی کمال مطلق‌اند، جانشان شکوفا شده، آماده دیدار خداوند می‌شوند.

از این رو، می‌توان گفت که «فروردین»، آغاز تجدید حیات مادی برای گیاهان در دنیای طبیعت و «ماه رمضان»، آغاز تجدید حیات معنوی انسان در عالم انسانیت است.

اما روایتی که «شب قدر» را آغاز سال می‌داند، به این اعتبار است که آن شب، آغاز سال تقدیر است و همه مقدرات یک سال، در آن رقم زده می‌شود. روایتی هم که «عید فطر» را آغاز سال می‌شمارد، به این اعتبار است که آن روز،

۱. ر.ک: ص ۴۳ (ویژگی‌های ماه رمضان / آغاز سال). و ص ۹۳۳ ح ۸۰۱.

۲. ر.ک: ص ۷۵۵ (فضایل و ویژگی‌های شب قدر / آغاز و پایان سال است).

۳. ر.ک: ص ۹۳۳ ح ۸۰۱.

اولین روز سالی است که خوردن و نوشیدن در آن حلال می‌شود - آن گونه که در متن روایت، تصریح شده است^۱ - و یا برای این است که عید فطر، آغاز دور تازه‌ای از زندگی انسان و از سرگیری اعمال است، پس از این که گناهانش در کوره گداخته روزه ذوب گردیده و از پرونده اعمالش کاملاً زدوده و ریشه کن شده‌اند.

۲. میهمانی الهی

دومین ویژگی برجسته‌ای که در فضای این ماه بافضیلت جلوه‌گر است، وجود زمینه‌ها و ظرفیت‌هایی است که برای میهمانی خدای سبحان فراهم آمده‌اند، آن گونه که پیامبر خدا در توصیف این ویژگی فرمود:

هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاقَةِ اللَّهِ، وَ جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ؛^۲

ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت گشته‌اید و از اهل کرامت خدا قرار داده شده‌اید.

در حقیقت، این ویژگی، ریشه ویزگی اول، بلکه سرچشمه همه ویزگی‌ها و برکات این ماه مبارک است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که میهمانی الهی در این مقطع زمانی، و غذاهای معنوی ویژه‌ای که خداوند برای پذیرایی از میهمانانش در چنین ضیافتی فراهم ساخته است، ریشه تحولات ژرف معنوی‌ای است که در این ماه بافضیلت، بر زندگی انسان سایه می‌افکنند، و سفره‌ای است گسترده برای همگان که هر کس، می‌تواند از برکات بی‌شمار آن برخوردار شود.

معنای میهمانی خدا

نخستین سؤالی که درباره دومین ویژگی این ماه مطرح است، معنای میهمانی خدای سبحان در این ماه و میزبانی او از دوستانش است. مگر همه مردم در همه اوقات، میهمانان خدا نیستند که بر سر سفره الهی فرود آمده‌اند؟

۱. ر.ک: ص ۹۳۳ ح ۸۰۱.

۲. ر.ک: ص ۱۶۱ ح ۲۱۸. وص ۴۱ (ویژگی‌های ماه رمضان / ماه میهمانی خدا).

به علاوه، پایه میهمانی، همان خوردنی و آشامیدنی‌ای است که میزبان برای میهمان فراهم می‌کند. پس، این چه ضیافتی است که پرهیز از خوردن و آشامیدن، نخستین شرط آن است؟

پاسخ این سؤال، از تحلیل واقع‌بینانه حقیقت انسان و شناخت بنیادهای وجودی او به دست می‌آید. انسان از نگاه اسلام، ترکیبی از جسم و جان است. همان گونه که جسم انسان برای تداوم وجود خویش نیازمند غذاهای مادی است، هویت و حقیقت انسانی او نیز نیازمند غذاهای معنوی از سنخ خود است.

روشن است که خداوند سبحان، میهمانی رمضان را برای پذیرایی از جسم و وجود مادی دوستانش فراهم نساخته است؛ چرا که بدن‌های آنان، مثل همگان، در ضیافت همیشگی خدایند، و به تعبیر سعدی شیرازی:

ادیم زمین، سفره عام اوست چه دشمن بر این خوان ینما، چه دوست^۱
این، در حالی است که اغلب دشمنان خدا از این سفره گسترده، بیش از دیگران بهره می‌برند. نتیجه، این که: ارزش پذیرایی از جسم و تأمین خواسته‌های مادی، هرگز به پای تأمین نیازهای معنوی نمی‌رسد، بخصوص که قرآن کریم تصریح می‌کند: اگر بیم آن نبود که همه مردم به کفر بگروند، کافر به بالاترین امکانات مادی، نایل می‌شد:

﴿وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لَبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّنْ فِصَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ* وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ* وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۲

اگر بیم آن نبود که مردم [در، گم‌راهی] امت واحد شوند، برای خانه‌های کسانی که به خداوند کافر می‌شوند، سقف‌هایی از نقره و

۱. بوستان سعدی: ص ۲.

۲. الزخرف، آیه ۳۳-۳۵.

نردبان‌هایی قرار می‌دادیم که از آن بالا بروند* و برای خانه‌هایشان درها و تخت‌هایی که بر آن تکیه زنند، قرار می‌دادیم* و [نیز] انواع زیورها را. همانا همه اینها کالای زندگی دنیایی است و سرای آخرت نزد پروردگارت برای تقوایندگان است.

در حدیث پیامبر ﷺ نیز آمده است:

لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا كَانَتْ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ ﷻ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ، مَا سَقَى الْكَافِرَ، وَ الْفَاجِرَ مِنْهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ؛^۱

اگر نبود این که دنیا در نزد خدا برابر با بال پشه‌ای هم نیست، هرگز در آن، یک جرعه آب نیز به کافر و فاجر نمی‌نوشانند!

خدای متعال در میهمان‌سرای رمضان، جان‌ها و روح‌های دوستانش را به ضیافت فرا خوانده است، نه بدن‌ها و وجود مادی آنان را، و این، ضیافتی است که جز او، کسی ارزش آن را نمی‌داند. از این رو خدای سبحان فرموده است:

الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أَجْزَى بِهِ؛^۲

روزه، از آن من است و من خود، پاداش آن را می‌دهم.

از سوی دیگر، شرایط و آداب این میهمانی، باید هماهنگ با ضیافت جان باشد و طعام و نوشیدنی آن، هماهنگ با ضیافت روح و هدف از آن نیز پدید آوردن تحوّل روحی و تجدید حیات معنوی انسان و تقویت بنیه روانی او.

در این زمینه، عالم ربّانی مرحوم شیخ رضا (فرزند فقیه و فیلسوف و عارف بزرگوار، شیخ محمدحسین اصفهانی) در الرسالة المجدیّة در شرح این سخن پیامبر ﷺ که: «در این ماه، به میهمانی الهی دعوت گشته‌اید و از اهل کرامت الهی

۱. الأمالی، طوسی: ۱۱۶۲/۵۳۱، مکارم الأخلاق: ۲۶۶۱/۳۶۸/۲، تنبیه الخواطر: ۵۶/۲، تحف العقول: ۴۰.

الأمالی، صدوق: ۳۴۸/۳۰۵، التمهید: ۱۷۹/۴۹، سنن الترمذی: ۲۳۲۰/۵۶۰/۴، المستدرک علی الصحیحین:

۷۸۴۸/۳۴۲/۴ در دو منبع اخیر، «و الفاجر» وجود ندارد، کنز العمال: ۶۱۳۲/۱۹۵/۳.

۲. برای آگاهی از منابع حدیث رک: ص ۱۰۰ ح ۱۰۸.

قرار داده شده‌اید»، چه زیبا نوشته است که:

بدان! این میهمانی، پذیرایی از جسم نیست و بدن تو به این میهمانی دعوت نشده است؛ چرا که تو در ماه رمضان، در همان خانه‌ای ساکن هستی که در ماه شعبان ساکن بودی و غذای تو، همان نان و آب‌گوشتی است که در ماه‌های دیگر سال می‌خوردی، [با این تفاوت که] در روزهای این ماه، از خوردن آن منع شده‌ای؛ بلکه روح توست که میهمان این ضیافت است و به منزل و غذایی دیگر دعوت شده است که روحانی و هماهنگ با روح است.

دعوت به ماه رمضان، دعوت به بهشت است و غذاهای این میهمانی نیز از نوع غذاهای بهشتی است. هر دو، میهمان خانه خداپند؛ لیکن نام میهمان‌سرا در این جا «ماه رمضان» است و نامش در آن جا «غرفه‌های بهشتی». این جا غیب است و آن جا مشهود و عیان؛ این جا تسبیح و تهلیل است و آن جا چشمه سلسبیل؛ این جا نعمت‌های پوشیده و اندوخته هستند و آن جا «میوه‌ای از آنچه بر می‌گزینند» و گوشت بریان پرنده‌ای که میل دارند^۱.

پس نعمت‌ها در هر جهان با پوشش همان جهان، آشکار می‌شوند و گاهی هم هست که نعمت‌ها در همین دنیا برای پیامبران و معصومان، به شکل آن جهانی، آشکار می‌شوند. آنچه در روایات بسیاری آمده که: پیامبر خدا برای فاطمه زهرا علیها السلام یا امام حسن و امام حسین علیهما السلام میوه‌ای از میوه‌های بهشت یا جامه‌ای از جامه‌های بهشت آورد، گواه این مطلب است.

بلکه بالاتر از این، گاهی این امور برای شیعیان خاص نیز فراهم می‌آید، البته به تناسب وسعت وجود و مرتبه‌ای از کمال که به آن

رسیده‌اند. بارها و بارها از نزدیک‌ترین خویشان سببی و نسبی خود^۱ شنیده‌ام که می‌گفت:

«در یکی از روزهای ماه رمضان، مشغول خواندن زیارت "امین الله" در مرقد امیر مؤمنان در نجف بودم. چون به این عبارت زیارت رسیدم که: «مائده‌های رحمت برای آنانی که از خوان نعمت روزی می‌طلبند، آماده است و سرچشمه‌های سیرابی برای تشنگان، پُر آب است»، در همان حال که در معنای آن تأمل و اندیشه می‌کردم، ناگهان سفره‌ای برایم آشکار شد که طعام‌ها و نوشیدنی‌های گوناگون بر آن چیده شده بود، آن چنان که تا آن زمان، تصوّرش را هم نکرده بودم. من مشغول خوردن از غذای آن بودم و در همان حال به یک مسئله فقهی نیز می‌اندیشیدم. حالتی شگفت و دهشت‌زا بود! در واقع، حقیقت غذا [ی روح]، همین است که روزه را باطل نمی‌کند...».

شراب طهور در زندگی دنیا، محبت خداست و بهترین وقتی که برای فراهم ساختن آن مغتنم است، همین ضیافتی است که ساقی‌اش، همان میزبان‌ش است.

هرگز مپندار که تعبیرات این بنده، خیالات و اوهام شاعران یا شطحیات صوفیان افراطی است. هرگز مباد که از زبان قرآن و حدیث، فراتر روم یا در اعتقاداتم از آنچه خداوند و پیامبر ﷺ گفته و به آن فرمان داده‌اند، پیش‌تر روم؛ بلکه مقصود، سخن همان خدایی است که در سوره «هل أتى» می‌فرماید: «خداوند به آنان

۱. به نظر می‌رسد که مقصود وی، پدر بزرگوارش شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) باشد.

شراب طهور می نوشاند^۱.

از چنین نگاهی به ضیافت رمضان و میهمانی خدا در این ماه شریف، مباحث کتابی که پیش روی شماست، به پنج بخش تقسیم می شود، به نحوی که هم اکنون بدان اشاره می کنیم:

بخش اول: اهمیت میهمانی الهی

بخش نخست کتاب، به بررسی اهمیت ضیافت رمضان و ارزش این میهمانی از نگاه اسلام، پرداخته است. پژوهشگر، از مباحث این بخش، شناختی اجمالی به ویژگی ها و برکات این میهمانی پیدا می کند. همچنین فصل چهارم این بخش، آثار منفی محرومیت از برکات این ماه و پیامدهای ویرانگری را که شخص محروم مانده از بهره این میهمانی را فرا می گیرد، بیان می کند.

بخش دوم: آمادگی برای ورود به میهمانی خدا

روشن است که انسان، بدون داشتن آمادگی های لازم و شرایط و زمینه های ضروری برای ورود به این میهمانی، نمی تواند به این ضیافت الهی وارد شود و از آن در جهت تجدید حیات معنوی - که اصلی ترین هدف خلقت انسان و نقطه اوج فلسفه وجودی اوست - بهره مند گردد.

بررسی این آمادگی ها و شرایط و زمینه های لازم برای ورود به میهمانی الهی، هدف اصلی در بخش دوم کتاب است.

شناخت، نخستین شرط اساسی برای ورود به محدوده ضیافت الهی است. این شناخت، افق گسترده ای دارد که از شناخت معنای میهمانی خدا آغاز می شود و تا

۱. اشاره است به حدیث امام صادق علیه السلام در مورد آیه مذکور، که فرمود: «آنان را از هر چیزی جز خدا پاک می سازد؛ چرا

که هر کس به چیزی از موجودات، آلوده گردد، پاک نیست، مگر به خدای متعال» (مجمع البیان: ۱۰ / ۶۲۳).

۲. جامع الذرر (نوشته عالم ربانی و استاد اخلاق حجت الاسلام والمسلمین حاج سید حسین فاطمی رضوان الله

تعالی علیه): ۳۳۵ - ۳۳۷ به نقل از رساله مجدیّه.

شناخت: فلسفه روزه، ارزشی که روزه و روزه‌دار از آن برخوردارند، نقش روزه در حیات مادی و معنوی انسان، و نیز مراتب این ضیافت ربانی، امتداد می‌یابد. میهمانان خدا، بدون شناخت و آگاهی از این مسائل، نمی‌توانند برای بهره‌مندی از ضیافت الهی و برخورداری از دستاوردهای آن، آماده شوند.

اهمیت این شناخت، در محدوده‌ای گسترده و در بر دارنده تمام این مسائل، فصل اول از بخش دوم کتاب را با عنوان «شناخت میهمانی خدا»، به خود اختصاص داده است.

نکته مهم دیگری که اهمیت بسیار دارد، ضرورت برنامه‌ریزی برای آماده‌سازی مسلمانان جهت ورود به میهمان‌سرای رضائی است. بررسی سیره اهل بیت (ع) در این زمینه، نشان می‌دهد که آن بزرگواران به این موضوع، توجهی خاص داشته‌اند. برای اثبات این مدعا و محتوای این اندیشه، ملاحظه خطبه‌های پیامبر خدا و امام علی (ع) که در آستانه ماه رمضان و با هدف آماده‌سازی و استقبال از آن بیان کرده‌اند، کافی است. فصل سوم این بخش، به این سخنان اختصاص دارد. مطالعه این خطبه‌ها، مسئولیت رهبران سیاسی، دینی و فرهنگی را در کشورهای اسلامی در مورد آماده ساختن مسلمانان برای ورود به میهمان‌سرای الهی و بهره‌گیری از برکات و آثار آن، دو چندان می‌کند.

افزون بر این، برای آمادگی جهت ضیافت الهی، تنها شناخت، کافی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از اعمال و دعا‌هایی که به همین خاطر بیان شده‌اند و این هدف را تأمین می‌کنند، ضروری‌اند. در دو فصل، سوم و چهارم از بخش دوم، به این مسئله پرداخته شده است.

بخش سوم: آداب میهمانی خدا

آداب میهمانی الهی را می‌توان به سه دسته زیر تقسیم کرد:
دسته اول. آدابی که توجه و پایبندی به آنها، شرط حتمی برای ورود به میهمانی

الهی است. این دسته، عبارت است از پرهیز از مفطرات روزه^۱ به قصد قربت. جایگاه بررسی این دسته از آداب (احکام)، فقه است و چون «رساله‌های عملیه» آنها را به نحو مبسوط بیان کرده‌اند، نیازی به طرح تفصیلی این مباحث در این مجموعه نیست.

دسته دوم. آدابی که رعایت آنها، شرط ضروری برای بهره‌برداری انسان از این ضیافت الهی در جهت تجدید حیات معنوی خویش و رسیدن به تکامل روحی است. بخش سوم این کتاب، بیان این گونه آداب را، پیش از بازگو نمودن سایر آداب روزه‌داری، در ذیل عنوان «مهم‌ترین آداب»^۲ عهده‌دار است.

آنچه جامع همه آداب این دسته است، پرهیز از محرمات الهی است. از این رو، در گزارش خطبه معروفی که پیامبر ﷺ در آستانه ماه رمضان فرمود، آمده است که امام علی علیه السلام در اثنای آن پرسید:

يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟
ای پیامبر خدا! بهترین کارها در این ماه چیست؟

پیامبر خدا پاسخ داد:

الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛^۳

«پرهیز از محرمات الهی».

در تبیین پاسخ پیامبر، می‌توان گفت که گناهان، آفاتی هستند که حیات معنوی انسان را تهدید می‌کنند و مانع شکوفایی آن می‌شوند. از این رو، با وجود گناهان -

۱. مفطرات روزه، عبارت‌اند از: یک. خوردن و آشامیدن، دو. جماع (آمیزش)، سه. استمناء، چهار. دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام، پنج. رساندن غبار غلیظ به حلق، شش. فرو بردن تمام سر در آب، هفت. باقی ماندن بر حال جنابت یا حیض یا نفاس تا اذان صبح، هشت. اماله کردن با چیزهای روان، نه. قی کردن عمدی.

۲. ر.ک: ص ۲۴۵.

۳. برای آگاهی از متن کامل حدیث و منابع آن ر.ک: ص ۱۶۰ ح ۲۱۸ و ص ۲۴۴ ح ۲۴۳.

که مانع رشد معنوی انسان‌اند - روزه هرگز نمی‌تواند موجب تحوّل معنوی در انسان شود. بنا بر این، روزه‌دار مبتلا به آفت گناه، از روزه‌اش بهره نمی‌برد و به تعبیر پیامبر خدا:

رُبَّ صَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجُوعُ وَالْعَطَشُ، وَ رُبَّ قَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ قِيَامِهِ السَّهَرُ؛^۱

چه بسا روزه‌داری که بهره‌اش از روزه خویش، گرسنگی و تشنگی است و چه بسا نمازخوانی که بهره‌اش از سحرخیزی، بیدار ماندن است!

امام علی علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرماید:

كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالظَّمَأُ، وَ كَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهَرُ وَالْعَنَاءُ، حَبْذَا نَوْمُ الْأَكْيَاسِ وَ إِفْطَارُهُمْ؛^۲

چه بسا روزه‌داری که از روزه‌اش جز گرسنگی و تشنگی، بهره‌ای ندارد و چه بسا نمازخوانی که از نمازش جز بیداری و رنج، بهره‌ای نمی‌برد. خوشا خواب و خوراکِ خردمندان هوشیار!^۳

بنا بر این، پرهیز از مفطرات روزه، شرط ورود به میهمانی الهی است و پرهیز از گناهان، شرط بهره‌وری از برکات آن.

دسته سوم. آدابی که مراعات آنها، شرط رسیدن به بهره‌وری کامل از میهمانی الهی است. اگر از بخش سوم، باب اول را استثنا کنیم، ابواب دیگر این بخش - که

۱. الأُمّالی، طوسی: ۲۷۷/۱۶۶، فضائل الأشهر الثلاثة: ۱۵۸/۱۴۴، بحار الأنوار: ۴/۲۸۹/۹۶؛ سنن ابن ماجه:

۱/۵۳۹/۱۶۹۰، سنن الدارمی: ۲/۷۵۷/۲۶۲۰، مسند ابن حنبل: ۳/۷/۳-۸۸۶۵، السنن الکبری:

۴/۸۳۱۳/۴۴۹/۴، المعجم الکبیر: ۱۲/۲۹۲/۱۳۴۱۳، کنز العمال: ۳/۴۷۳/۷۴۹۰ و ۷۴۹۱.

۲. نهج البلاغة: حکمت ۱۴۵، خصائص الأئمة علیهم السلام: ۱۰۴، روضة الواعظین: ۳۸۳، بحار الأنوار: ۲۲/۲۹۴/۹۶.

۳. مقصود از «هوشیاران» در این جا، عالمان عارفانند؛ چرا که عبادت آنان، با عقاید صحیحشان، مطابق است (شرح نهج البلاغة: ۱۸/۳۳۴).

بیشترین مقدار از حجم کتاب را تشکیل داده‌اند - به این دسته از آداب می‌پردازند. تلاش شده تا همه عناصری که در متون و منابع اسلامی، به تحقق این نوع بهره‌وری از میهمانی الهی نقش دارند، گردآوری شوند؛ لیکن باید توجه داشت که اینها آداب استجابی‌اند و هر کس می‌تواند به اندازه توان و حال و فرصتی که دارد، از آنها بهره‌مند گردد.

بخش چهارم: بهترین شب‌های میهمانی خدا

شب قدر، برترین، سودمندترین و بابرکت‌ترین شب ماه مبارک رمضان است. قرآن کریم، این شب را چنین توصیف می‌کند:

﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ^۱﴾

شب قدر، بهتر از هزار ماه است.

این آیه قرآن، دلالت می‌کند که این شب ارزشمند، برکات و بخشش‌های زیادی برای اهل مراقبت دارد؛ برکاتی که بالاتر از برکات کارهای شایسته در هزار ماه (یعنی کمی بیشتر از عمر متوسط یک انسان) هستند. از این رو، پیامبر خدا فرمود:

شَهْرُ رَمَضَانَ سَيِّدُ الشُّهُورِ، وَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ سَيِّدَةُ اللَّيَالِي^۲؛

ماه رمضان، سرور ماه‌هاست و شب قدر، سرور شب‌هاست.

بر این اساس، در این مجموعه، بخشی مستقل با هدف بیان معارف مربوط به این شب و آداب آن، اختصاص یافته است.

بخش پنجم: آداب خروج از میهمان‌سرای الهی

۱. قدر، آیه ۴.

۲. بحار الأنوار: ۸۹/۵۳/۴۰ به نقل از کنز الفوائد.

خروج از میهمان‌سرای الهی نیز آداب خاصی دارد، همان‌گونه که ورود به دایره این میهمانی ارجمند، آدابی دارد. مراعات این آداب و پایبندی به آنها، در جبران کاستی‌هایی که در طول اقامت انسان در این میهمان‌سرا وجود داشته، سهم دارد و نقاط ضعف و کمبودهای آن را جبران می‌کند و امکان بیشتری در بهره‌مندی از برکاتش به او می‌دهد تا در خدمت تقویت بُعد روحی و بنیۀ معنوی خویش باشد.

بخش پنجم کتاب، به بیان و شرح این آداب، اختصاص دارد. آنچه در این زمینه توجه‌برانگیز و دارای درس‌ها و نکات آموزنده است، سیره اهل بیت علیهم‌السلام در وداع با ماه میهمانی الهی است.

با توجه به این نکات و دیدگاه‌ها، این کتاب با الهام از آیات و آموزه‌های قرآن کریم و احادیث شریف، برای پرداختن به این ماه ضیافت الهی و مبارک، شکل کلی و چارچوب مسائل را در پنج بخش یادشده سامان داده است.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

بخش اول

فضایل ماه خدا



فصل یکم : عظمت و جلال ماه رمضان

فصل دوم : ویژگی های ماه رمضان

فصل سوم : برکات ماه رمضان

فصل چهارم : تأکید بر عبودیت و دوری از برکات ماه رمضان

الفصل الأول

عظمة شهر رمضان وحرمته

١. رسول الله ﷺ - عِنْدَ حُضُورِ شَهْرِ رَمَضَانَ - : سُبْحَانَ اللَّهِ! مَاذَا يَسْتَقْبِلُكُمْ؟! وَمَاذَا تَسْتَقْبِلُونَ؟! - قَالَهَا ثَلَاثًا -^١.
٢. عنه ﷺ: لَوْ يَعْلَمُ الْعِبَادُ مَا فِي رَمَضَانَ لَتَمَنَّتْ أَنْ يَكُونَ رَمَضَانُ سَنَةً.^٢
٣. عنه ﷺ: لَوْ عَلِمْتُمْ مَا لَكُمْ فِي رَمَضَانَ لَرَدْتُمْ لِلَّهِ شُكْرًا.^٣
٤. عنه ﷺ: لَا يَكُونَنَّ شَهْرُ رَمَضَانَ عِنْدَكُمْ كَغَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ؛ فَإِنَّ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ حُرْمَةً وَفَضْلًا عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ، وَلَا يَكُونَنَّ شَهْرُ رَمَضَانَ يَوْمٌ صَوْمِكُمْ كَيَوْمِ فِطْرِكُمْ.^٤

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ١٤٠/١٥٠، بحار الأنوار: ٩٦/٣٤٧/١٣ نقلًا عن القطب الراوندي في النوادر؛ صحيح ابن خزيمة: ٣/١٨٩/١٨٨٥، المعجم الأوسط: ٥/١٥٨/٤٩٣٥ كلها عن أنس. وانظر ص ٥٦ ح ٤٨.

٢. فضائل الأشهر الثلاثة: ١٤٠/١٥١ عن ابن مسعود، بحار الأنوار: ٩٦/٣٤٦/١٢ نقلًا عن القطب الراوندي في النوادر نحوه: صحيح ابن خزيمة: ٣/١٩٠/١٨٨٦، المعجم الكبير: ٢٢/٣٨٩/٩٦٧، شعب الإيمان: ٣/٣١٣/٣٦٣٤ كلها عن أبي مسعود الفقاري، مسند أبي يعلى: ٥/١٢٤/٥٢٥١ عن ابن مسعود، كنز العمال: ٨/٤٧٦/٢٣٧١٥.

٣. ثواب الأعمال: ٩٣/١٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ٨١/٦٣، الأمالي للصدوق: ١٠٣/٧٩، روضة الواعظين: ٣٧٥ كلها عن ابن عباس، بحار الأنوار: ٨/١٨٣/١٤٧.

٤. فضائل الأشهر الثلاثة: ٩٥/٧٨ عن محمد بن أبي عمير عن غير واحد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦/٣٤٠/٥.

فصل یکم

عظمت و احترام ماه رمضان

۱. پیامبر خدا ﷺ - به هنگام فرا رسیدن ماه رمضان - : «سبحان الله! چه چیز به استقبال شما می آید؟! و شما چه چیز را استقبال می کنید؟!».

پیامبر ﷺ این را سه بار فرمود.

۲. پیامبر خدا ﷺ : اگر بندگان می دانستند که در رمضان چه [برکاتی] هست، آرزو می کردند که رمضان، یک سال باشد.

۳. پیامبر خدا ﷺ : اگر می دانستید که در رمضان برای شما چه [نعمت ها و برکاتی] هست، از خداوند بیشتر سپاس گذاری می کردید.

۴. پیامبر خدا ﷺ : ماه رمضان پیش شما مثل ماه های دیگر نباشد؛ چرا که نزد خداوند، احترام و بر سایر ماه ها برتری دارد. در ماه رمضان، روز روزه داری شما مثل روز خوردنتان نباشد! (ادب و حرمت این ماه را نگه دارید).

٥. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ خَطَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ، وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ، وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي، وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ...»^١.

٦. عنه عليه السلام - مِنْ خُطْبَتِهِ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ -: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ شَهْرٌ فَضَّلَهُ اللَّهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ كَفَضْلِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ، وَهُوَ شَهْرٌ يُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الرَّحْمَةِ، وَيُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ النَّيرانِ، وَهُوَ شَهْرٌ يُسْمَعُ فِيهِ النَّدَاءُ وَيُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ وَيُرْحَمُ فِيهِ الْبُكَاءُ، وَهُوَ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ نَزَلَتْ الْمَلَائِكَةُ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ فَتَسَلَّمُ عَلَى الصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى مَطْلَعِ الْفَجْرِ....

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ شُمُوسَ شَهْرِ رَمَضَانَ تَطْلُعُ عَلَى الصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ، وَإِنَّ أَقْمَارَهُ لَيَطْلُعُ عَلَيْهِمُ بِالرَّحْمَةِ، وَمَا مِنْ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِنَ الشَّهْرِ إِلَّا وَالْبِرُّ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى يَتَنَازَرُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ....

عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّ شَهْرَكُمْ لَيْسَ كَالشُّهُورِ؛ أَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ، وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي، وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ....^٢.

٧. الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ دُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ -: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ؛ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ.

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ٦١/٧٧، الأمالي للصدوق: ٤/٨٤، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/٢٩٥/٥٣، الإقبال: ٢٦/١ كلها عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦/٣٥٦/٢٥. انظر تمامه في ص ١٦٠ ح ٢١٨.

٢. فضائل الأشهر الثلاثة: ١٠٧/١٠١ عن مسعدة الربيعي عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليه السلام. انظر تمامه في ص ١٧٦ ح ٢٣٠.

۵. امام علی (ع): روزی، پیامبر خدا برای ما خطبه خواند و فرمود: «ای مردم! ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش، به شما روی آورده است؛ ماهی که نزد خدا برترین ماه‌ها، روزهایش بهترین روزها، شب‌هایش برترین شب‌ها، و ساعاتش بهترین ساعت‌هاست...».

۶. امام علی (ع) - در خطبه خویش در اولین روز ماه رمضان - : ای مردم! این ماه، ماهی است که خداوند، آن را بر ماه‌های دیگر برتری داده است، همچون برتری ما بر دیگر مردم. و ماهی است که درهای آسمان و درهای رحمت، در آن گشوده می‌شوند و درهای دوزخ در آن بسته می‌شوند. و ماهی است که ندا [ای خداوند متعال] در آن شنیده می‌شود، دعا در آن مستجاب می‌گردد و گریه مورد ترحم قرار می‌گیرد. و ماهی است که در آن، شبی وجود دارد که فرشتگان در آن شب از آسمان فرود می‌آیند و بر مردان و زنان روزه‌دار، به اذن پروردگارشان، تا دمیدن صبح، سلام می‌دهند...
 ای مردم! خورشید و ماه‌های ماه رمضان بر مردان و زنان روزه‌دار، با رحمت می‌تابد و هیچ روز و شبی از این ماه نیست، مگر آن که از سوی خدای متعال، بر این امت، نیکی فرو می‌بارد....

بندگان خدا! این ماه شما، همچون ماه‌ها [ی دیگران] نیست؛ روزهایش برترین روزها، شب‌هایش برترین شب‌ها و ساعاتش بهترین ساعت‌هاست... .

۷. امام سجّاد (ع) - در دعای خود به هنگام ورود ماه رمضان - : ستایش، خدایی را که ما را به ستایش خود، رهنمون ساخت و ما را از اهل حمد خویش قرار داد تا سپاس‌گزار نیکی او باشیم و بدین سبب، به ما پاداش نیکوکاران را عطا کند.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ، وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ وَسَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ
لِنَسْلُكَهَا بِمَنْنِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ، حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا، وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصَّيَامِ، وَشَهْرَ
الْإِسْلَامِ، وَشَهْرَ الطَّهْوَرِ، وَشَهْرَ التَّمْحِيصِ وَشَهْرَ الْقِيَامِ....^١

٨. عنه عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ وَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ -: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ،
وَيَا عِيدَ أَوْلِيَائِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ، وَيَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَالسَّاعَاتِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْرٍ قَرُبَتْ فِيهِ الْأَمَالُ وَنُشِرَتْ فِيهِ الْأَعْمَالُ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِينٍ جَلَّ قَدْرُهُ مَوْجُودًا، وَأَفْجَعَ فَقْدُهُ مَفْقُودًا، وَمَرْجُوُّ
آلَمٍ فِرَاقُهُ.^٢

٩. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِرَمَضَانَ حَقًّا وَحُرْمَةً لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ مِنَ الشُّهُورِ.^٣

وانظر: ص ٦٠ (جوامع بركاته وخصائصه).

ص ١٦٠ (تأهيل الناس لضيفاة الله).

١. الصحيفة السجادية: ١٦٥ الدعاء ٤٤، مصباح المتهجد: ٦٠٧/٦٩٥، الإقبال: ١/١١١ كلاهما نحوه. انظر
تمامه في ص ٢١٦ ح ٢٥٨.

٢. الصحيفة السجادية: ١٧١ الدعاء ٤٥، مصباح المتهجد: ٦٤٢/٧١٨، الإقبال: ١/٢٢٢ كلاهما نحوه، المزار
الكبير: ٦١٩، البلد الأمين: ٤٨٠، المصباح للكفعمي: ٨٤٥، بحار الأنوار: ٩٨/١٧٢/١. انظر تمامه في
ص ٨٧٨ ح ٧٤٥.

٣. الكافي: ٢/٦١٧/٢ وج ١/١٥٤/٤، تهذيب الأحكام: ٢/٦٤/٢١٥، كَلَّهَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حمزة.

سپاس، خدایی را که ما را بی‌منت، برخوردار از دین خود ساخت و ما را برای آیین خویش ویژه ساخت و راه‌های احسان خود را برای ما هموار ساخت تا با منت او، این راه‌ها را پیموده، به رضوان او برسیم؛ سپاسی که از ما بپذیرد و با آن از ما خشنود گردد. سپاس، خداوندی را که ماه رمضان خود را یکی از آن راه‌ها قرار داد، ماه روزه‌داری، ماه اسلام، ماه پاک‌کننده، ماه آزمون و پاک شدن از گناه، و ماه قیام برای عبادت ...

۸. امام سجّاد علیه السلام - در دعای خویش به هنگام وداع با ماه رمضان - : بدرود، ای ماه بزرگ‌تر خدا و ای عید اولیای الهی!

بدرود، ای بهترین اوقاتی که همراهت بودیم و ای بهترین ماه در میان روزها و ساعت‌ها!

بدرود، ای ماهی که برآمدن آرزوها در آن، نزدیک شد و کارها [ای نیک] در آن، گسترش یافت!

بدرود، ای همنشینی که تا بود، قدر و بهایش بزرگ بود و چون از دست می‌رود، فقدانش دردناک است و [ای] مایهٔ امید که جدایی از آن، ناراحت‌کننده است!

۹. امام صادق علیه السلام : ماه رمضان، حق و حرمتی دارد که هیچ یک از ماه‌ها شبیه آن نیست.

ر.ک: ص ۶۱ (مجموعهٔ برکات و ویژگی‌های ماه رمضان)

ص ۱۶۱ (آمادگی برای میهمانی خدا).

الفصل الثاني خصائص شهر رمضان



١٠. رسول الله ﷺ: شعبان شهري، وشهر رمضان شهر الله.^١
١١. عنه ﷺ: شهر رمضان شهر الله، وشهر شعبان شهري؛ شعبان المظهر، ورمضان المكفر.^٢
١٢. عنه ﷺ: رمضان شهر الله، وهو ربيع الفقراء.^٣

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ٢٠ / ٤٤، الأمالي للصدوق: ٣٨ / ٧١ كلاهما عن العلاء بن يزيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، تحف العقول: ٤١٩ عن الإمام الرضا عليه السلام عنه ﷺ، الإقبال: ٢٩٣ / ٣ عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، روضة الواعظين: ٤٤١، دعائم الإسلام: ٢٨٣ / ١، بحار الأنوار: ٤ / ٦٨ / ٩٧.

٢. كنز العمال: ٢٣٦٨٥ / ٤٦٦ / ٨ نقلاً عن ابن عساكر وج ١٢ / ٣٢٣ / ٢٥٢١٦ نقلاً عن الديلمي وكلاهما عن عائشة.

٣. ثواب الأعمال: ٥ / ٨٤، النوادر للأشعري: ٢ / ١٧ كلاهما عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام، فضائل الأشهر الثلاثة: ٣٧ / ٥٨ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، الجعفریات: ٥٨، النوادر للراوندي: ١٣٤ / ١٧٤ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام، بحار الأنوار: ٢٦ / ٧٥ / ٩٧.

فصل دوم

ویژگی های ماه رمضان



۱۰. پیامبر خدا ﷺ: شعبان، ماه من است و ماه رمضان، ماه خداست.

۱۱. پیامبر خدا ﷺ: ماه رمضان، ماه خداست و ماه شعبان، ماه من است؛ شعبان

پاک کننده و رمضان پوشاننده [و جبران کننده گناهان].

۱۲. پیامبر خدا ﷺ: رمضان، ماه خداست. این ماه، بهار فقیران است.

١٣ . الإمام علي عليه السلام : شهر رمضان شهر الله ، وشعبان شهر رسول الله ﷺ ، ورجب شهري .^١

٢/٢

شهر ضيافة الله

١٤ . رسول الله ﷺ - في وصف شهر رمضان - : هو شهر دُعيتُم فيه إلى ضيافة الله ، وجُعِلتُم فيه من أهل كرامة الله ، أنفاسُكم فيه تسبيح ، ونومُكم فيه عبادة ، وعَمَلُكم فيه مقبول ، ودُعاؤُكم فيه مُستجاب .^٢

١٥ . عنه عليه السلام : إذا كان يوم القيامة يُنادي المُنادي : أين أضياف الله؟ فيؤتى بالصائمين ... فيحملون على نُجُب من نور ، وعلى رؤوسهم تاج الكرامة ، ويذهب بهم إلى الجنة .^٣

١٦ . الإمام علي عليه السلام - من خطبته في أول يوم من شهر رمضان - : أيها الصائم ، تدبر أمرَكَ ؛ فإنَّكَ في شهرِكَ هذا ضيفُ ربِّكَ ، أنظر كيف تكون في ليلِكَ ونهارِكَ؟ وكيف تحفظ جوارحك عن معاصي ربِّكَ؟ أنظر ألا تكون بالليل نائماً وبالنهار غافلاً؛ فينقضي شهرُكَ وقد بقي عليك وزرُكَ؛ فتكون عند استيفاء الصائمين أجورهم من الخاسرين ، وعند فوزهم بكرامة مَلِيكِهِم من المحرومين ، وعند سعادتهم بمجاورة ربِّهم من المطرودين .^٤

١ . المغنعة : ٣٧٣ ، مسار الشيعة : ٥٦ ، مصباح المتهجد : ٧٩٧ .

٢ . فضائل الأشهر الثلاثة : ٦١ / ٧٧ ، الأمالي للصدوق : ٤ / ٨٤ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ٥٣ / ٢٩٥ / ١ ، الإقبال : ٢٦ / ١ كلها عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عن أبياته عليه السلام ، بحار الأنوار : ٢٥ / ٣٥٦ / ٩٦ ، انظر تمامه في ص ١٦٠ ح ٢١٨ .

٣ . مستدرک الوسائل : ٢٢ / ٢٢٠٧٩ نقلاً عن تفسير أبي الفتوح الرازي .

٤ . فضائل الأشهر الثلاثة : ١٠٨ / ١٠١ عن مسعدة الربيعي عن الإمام الصادق عن أبيه عن أبياته عليه السلام . انظر تمامه في ص ١٧٦ ح ٢٣٠ .

۱۳. امام علی علیه السلام: رمضان، ماه خداست؛ شعبان، ماه پیامبر خداست و رجب، ماه من است.

۲/۲ ماه میهمانی خدا

۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در توصیف ماه رمضان - : آن، ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده‌اید و در آن، از اهل کرامت خدا قرار داده شده‌اید. نفس‌هایتان در آن، تسبیح است؛ خوابتان در آن، عبادت است؛ عمل [خیر] شما در آن، پذیرفته است؛ و دعای شما در آن، مستجاب است.

۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون روز قیامت شود، منادی ندا می‌دهد: «کجایند میهمانان خدا؟». پس، روزه‌داران را می‌آورند... آنان را بر مرکب‌هایی عالی از [جنس] نور سوار می‌کنند، و در حالی که تاج کرامت بر سر آنان است، آنان را به بهشت می‌برند.

۱۶. امام علی علیه السلام - در خطبه خویش در اولین روز از ماه رمضان - : ای روزه‌دار! در کار خود بیندیش، که تو در این ماه، میهمان پروردگار خویش هستی! بنگر که در شب و روزت چگونه‌ای و چگونه اعضای خود را از نافرمانی پروردگارت نگه می‌داری!

بنگر! مبادا در شب، خواب باشی و در روز، غافل. پس، این ماه بگذرد و [بار] گناهت بر دوشت مانده باشد و آن گاه که روزه‌داران پاداش‌های خود را می‌گیرند، از زیانکاران باشی و آن گاه که آنان از کرامت مولایشان نصیب می‌برند، از محرومان باشی و آن گاه که آنان از سعادت همسایگی با پروردگارشان برخوردار می‌گردند، تو از رانده‌شدگان باشی!

١٧ . الإمام الباقر عليه السلام: شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ رَمَضَانَ، وَالصَّائِمُونَ فِيهِ أَضْيَافُ اللَّهِ وَأَهْلُ كَرَامَتِهِ، مَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ شَهْرُ رَمَضَانَ فَصَامَ نَهَارَهُ وَقَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَاجْتَنَبَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ، دَخَلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.^١

٣/٢

سَيِّدُ الشُّهُورِ

١٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: شَهْرُ رَمَضَانَ سَيِّدُ الشُّهُورِ.^٢

١٩ . الإمام الرضا عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ رُفِّتِ الشُّهُورُ إِلَى الْحَشْرِ يُقَدَّمُهَا شَهْرُ رَمَضَانَ عَلَيْهِ مِنْ كُلِّ زِينَةٍ حَسَنَةٍ، فَهُوَ بَيْنَ الشُّهُورِ يَوْمَئِذٍ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ، فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: وَدِدْنَا لَوْ عَرَفْنَا هَذِهِ الصُّورَ!

فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - جَلَّ جَلَالُهُ -: «يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ، هَذِهِ صُورُ الشُّهُورِ الَّتِي عِدَّتْهَا عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، سَيِّدُهَا وَأَفْضَلُهَا شَهْرُ رَمَضَانَ، أَبْرَزْتُهَا لِتَعْرِفُوا فَضْلَ شَهْرِي عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ، وَلِيَشْفَعَ لِلصَّائِمِينَ مِنْ عِبَادِي وَإِمَائِي وَأَشْفَعُهُ فِيهِمْ».^٣

٤/٢

أَوَّلُ السَّنَةِ

٢٠ . الإمام علي عليه السلام: إِنَّ أَوَّلَ كُلِّ سَنَةٍ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.^٤

١ . فضائل الأشهر الثلاثة: ١٢٣ / ١٣٠ عن زياد بن المنذر .
 ٢ . شرح الأخبار: ١ / ٢٢٣ / ٢٠٧، الفضائل: ١٢٥ كلاهما عن سلمان، بحار الأنوار: ٨٩ / ٥٤ / ٤٠؛ فضائل الأوقات للبيهقي: ٨٩ / ٢٠٥، شعب الإيمان: ٣ / ٣١٤ / ٣٦٢٧ وص ٣٥٥ / ٢٧٥٥ كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ٨ / ٤٨٢ / ٢٣٧٣٤ .
 ٣ . فضائل الأشهر الثلاثة: ١١٠ / ١٠٢ عن عبد الله بن عامر عن أبيه .
 ٤ . الإقبال: ١ / ١٩٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ٩٧ / ٣٥٠ .

۱۷. امام باقر علیه السلام: ماه رمضان، ماه رمضان! روزه‌داران در آن، میهمانان خدا و اهل کرامت الهی‌اند. هر کس ماه رمضان بر او وارد شود و او روزش را روزه بگیرد و بخشی از شبش را به عبادت و نماز بایستد و از آنچه خداوند بر او حرام کرده، پرهیز کند، بدون حساب وارد بهشت می‌شود.

۳/۲

سرور ماه

۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ماه رمضان، سرور ماه‌هاست.

۱۹. امام رضا علیه السلام: چون روز قیامت شود، ماه‌ها را به رستاخیز می‌آورند، در حالی که ماه رمضان، که با هر زیور نیکویی آراسته است، پیشاپیش آنهاست. آن روز، ماه رمضان در میان ماه‌ها، همچون ماه در میان ستاره‌هاست. مردمی که آن جا گرد آمده‌اند، به یکدیگر می‌گویند: دوست داشتیم که این چهره‌ها را می‌شناختیم!

منادی، از سوی خدای متعال ندا سر می‌دهد که: «ای همه آفریدگان! اینها، سیمای ماه‌هایی است که نزد خداوند، از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، شمارشان در کتاب خدا دوازده‌تاست. سرور و برتر آنها، ماه رمضان است. آن را آشکار ساختم تا برتری ماه مرا بر ماه‌های دیگر بشناسید و تا برای مردان و زنانی که بنده من‌اند، شفاعت کند و من هم شفاعتش را درباره آنان بپذیرم».

۴/۲

آغاز سال

۲۰. امام علی علیه السلام: آغاز هر سال، نخستین روز از ماه رمضان است.

٢١. عنه عليه السلام - مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ -: أَتَاكُمْ شَهْرُ رَمَضَانَ، وَهُوَ سَيِّدُ الشُّهُورِ، وَأَوَّلُ السَّنَةِ....^١

٢٢. الإمام الصادق عليه السلام: شَهْرُ رَمَضَانَ رَأْسُ السَّنَةِ.^٢

٢٣. تهذيب الأحكام عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا سَلِمَ شَهْرُ رَمَضَانَ سَلِمَتِ السَّنَةُ.

وقال: رَأْسُ السَّنَةِ شَهْرُ رَمَضَانَ.^٣

٢٤. الكافي عن عمرو الشامي عن الإمام الصادق عليه السلام قال: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ»^٤؛ فَغَرَّةُ الشُّهُورِ شَهْرُ اللَّهِ - عَزَّ ذِكْرُهُ - وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ.^٥

٢٥. الكافي عن علي بن رباب عن الإمام الكاظم عليه السلام: «أَدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسْتَقْبِلَ دُخُولِ السَّنَةِ» وَذَكَرَ أَنَّهُ مَنْ دَعَا بِهِ مُحْتَسِبًا مُخْلِصًا لَمْ تُصِبْهُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فِتْنَةٌ وَلَا آفَةٌ يُضَرُّ بِهَا دِينُهُ وَبَدَنُهُ، وَوَقَّاهُ اللَّهُ - عَزَّ ذِكْرُهُ - شَرَّ مَا يَأْتِي بِهِ تِلْكَ السَّنَةِ. [وَذَكَرَ الدُّعَاءَ].^٦

١. الإرشاد: ١٤/١، إعلام الوري: ٣١٠/١، المناقب لابن شهر آشوب: ٢٧١/٢، روضة الواعظين: ١٥٠ كلها عن الأصمغ بن نباتة، بحار الأنوار: ٤١/٣١٥/٤٠.

٢. الإقبال: ٣٢/١ عن هشام بن سالم، بحار الأنوار: ٥٨/٣٧٦/٧.

٣. تهذيب الأحكام: ٤/٣٣٣/١٠٤٦، الإقبال: ٣١/١.

٤. التوبة: ٣٦.

٥. الكافي: ٤/٦٥/١، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٢/٥٤٦، فضائل الأشهر الثلاثة: ٨٧/٦٦، الأمالي للصدوق: ١١٨/١٠٥، الإقبال: ٣١/١، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٩٩/١٨٤٣، بحار الأنوار: ٥٨/٣٧٦/٩.

٦. الكافي: ٤/٧٢/٣، تهذيب الأحكام: ٣/١٠٦/٢٦٦، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٠٢/١٨٤٨، بحار الأنوار: ٨/٣٧٦/٥٨، انظر تمامه في ص ٢٣٢ ح ٢٦١.

۲۱. امام علی علیه السلام - در خطبه‌ای - : ماه رمضان، شما را فرا رسیده است؛ ماهی که سرورِ ماه‌هاست و آغاز سال است ...

۲۲. امام صادق علیه السلام : ماه رمضان، سرِ سال است.

۲۳. تهذیب الأحکام - به نقل از هشام بن سالم، از امام صادق علیه السلام - : «هرگاه ماه رمضان سالم باشد، [همه] سال سالم است». و فرمود: «سرِ سال، ماه رمضان است».

۲۴. امام صادق علیه السلام - به نقل از عمرو شامی - : «همانا شمار ماه‌ها نزد خداوند، دوازده ماه است در کتاب خدا، روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید». آغاز این ماه‌ها،^۱ ماه خدای متعال است و آن، ماه رمضان است.

۲۵. الکافی - به نقل از علی بن رثاب - : امام کاظم علیه السلام فرموده: «در ماه رمضان، در پیشواز ورود سال، این دعا را بخوان» و فرموده است که هر کس این دعا^۲ را به خاطر خدا و خالصانه بخواند، در آن سال، فتنه و آفتی که به دین و بدنش زیان برساند، به او نمی‌رسد و خدای متعال، او را از شر آنچه در آن سال پیش آید، ننگه می‌دارد.

۱. در متن عربی، «غَزَّة الشهور» (آغاز ماه‌ها) آمده است. «غَزَّة» هر چیز، به معنای اوّل آن است، (که در احادیث نیز آمده: ماه رمضان، آغاز سال است)، یا مراد از آن، برترین و کامل‌ترین ماه‌هاست، همچنان که در النهایة آمده است: «غَزَّة هر چیز، آن است که ارزشمندتر باشد». غَزَّة، به معنای سفیدی هم آمده است. پس احتمال آن نیز هست. بر این اساس، تعبیر یادشده، یعنی: ماهی که با انوار معنوی، پُرفروغ است. البته معنای اوّل، درست‌تر است (بحار الأنوار: ۵۸ / ۳۷۶).

۲. برای دیدن دعا، ر.ک: ص ۲۳۳، ح ۲۶۱.

٥/٢

فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

٢٦ . رسول الله ﷺ: قَدْ جَاءَكُمْ شَهْرُ رَمَضَانَ؛ شَهْرٌ مُبَارَكٌ... فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، مَنْ حُرِمَهَا فَقَدْ حُرِمَ.^١

٢٧ . سنن أبي داود عن عبد الله بن عمر: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ - وَأَنَا أَسْمَعُ - عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَقَالَ: «هِيَ فِي كُلِّ رَمَضَانَ».^٢

٢٨ . مسند ابن حنبل عن أبي مرثد: سَأَلْتُ أَبَا ذَرٍّ قُلْتُ: كُنْتُ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ؟

قَالَ: أَنَا كُنْتُ أَسْأَلُ النَّاسَ عَنْهَا^٣، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَفِي رَمَضَانَ هِيَ أَوْ فِي غَيْرِهِ؟
قَالَ: «بَلْ هِيَ فِي رَمَضَانَ».^٤

قَالَ: قُلْتُ: تَكُونُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ مَا كَانُوا فَإِذَا قُبِضُوا رُفِعَتْ، أَمْ هِيَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؟

قَالَ: «بَلْ هِيَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».^٥

وانظر: ص ٧٧٤ (أي ليلة هي).

١ . تهذيب الأحكام: ٤/١٥٢/٤٢٢، الأمالي للحميد: ١١٢/٢ و ١٣٠/١، الأمالي للطوسي: ٧٤/١٠٨.

وص ١٤٩/٢٤٦ كلها عن أبي هريرة، بحار الأنوار: ٩٧/١٧/٣٤: سنن النسائي: ٤/١٢٩، مسند ابن حنبل:

٢/٨/٧١٥١ وص ٤١٢/٩٥٠٢، المصنف لابن أبي شيبة: ٢/٤١٩/١ كلها عن أبي هريرة.

٢ . سنن أبي داود: ٢/١٣٨٧/٥٤، السنن الكبرى: ٤/٥٠٦/٨٥٢٦، وانظر ص ٧٤٢ ح ٦١٣.

٣ . يعني أشد الناس مسألة عنها.

٤ . مسند ابن حنبل: ٨/١١٧/٢١٥٥٥، المستدرک علی الصحیحین: ١/٦٠٣/١٥٩٦ وج ٢/٥٧٨/٣٩٦٠.

السنن الكبرى: ٤/٥٠٥/٨٥٢٥.

۵/۲

شب قدر، در ماه رمضان است

۲۶. پیامبر خدا ﷺ: ماه رمضان، شما را فرا رسیده است؛ ماهی مبارک ... که در آن، شب قدر است که بهتر از هزار ماه است. محروم، کسی است که از آن شب، محروم بماند.

۲۷. سنن ابی داوود - به نقل از عبد الله بن عمر -: از پیامبر خدا درباره شب قدر پرسیدند و من هم می‌شنیدم. فرمود: «آن، در هر ماه رمضانی هست».

۲۸. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو مرثد -: از ابو ذر پرسیدم: آیا از پیامبر خدا درباره شب قدر پرسیده‌ای؟

گفت: «من از همه مردم، بیشتر، پرسشگر آن بودم».

گفتم: ای پیامبر خدا! مرا از شب قدر آگاه ساز که آیا در رمضان است یا در غیر آن؟

فرمود: «بلکه در رمضان است».

گفتم: آیا همراه با پیامبران است، تا وقتی که باشند و چون پیامبران بمیرند، شب قدر هم برداشته می‌شود، یا آن که شب قدر تا روز قیامت هست؟ فرمود: «بلکه تا روز قیامت هست».

ر.ک: ص ۷۷۵ (شب قدر، چه شبی است؟).

٦/٢

فِيهِ نَزَلَ الْقُرْآنُ

الكتاب

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»^١.

الحديث

٢٩. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أُنْزِلَ الْقُرْآنُ فِي ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ^٢.

٣٠. الإمام الرضا ﷺ: إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي أُنْزِلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ الْقُرْآنُ، وَفِيهِ فَرَّقَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، كَمَا قَالَ اللَّهُ ﷻ: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»^٣.

٣١. الكافي عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق ﷺ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» وَإِنَّمَا أُنْزِلَ فِي عِشْرِينَ سَنَةً بَيْنَ أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «نَزَلَ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، ثُمَّ نَزَلَ فِي طَوْلِ عِشْرِينَ سَنَةً»^٤.

١. البقرة: ١٨٥.

٢. الكافي: ٦/٢٩٩/٢ عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق ﷺ.

٣. عيون أخبار الرضا ﷺ: ١/١١٦/٢، علل الشرايع: ٢٧٠ كلاهما عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ١/٨٠/٦.

٤. الكافي: ٦/٢٢٨/٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ٦٧/٨٧، الأمالي للصدوق: ١٠٦/١١٩، تفسير القمي: ١/٦٦، تفسير العياشي: ١/٨٠/١٨٤ عن إبراهيم، بحار الأنوار: ٦١/٢٥/٩٧.

۶/۲

نزول قرآن، شب قدر

قرآن

«ماه رمضان، ماهی که قرآن در آن فرود آمده است تا هدایتی برای مردم و نشانه‌هایی روشن از هدایت و جداسازی [میان حق و باطل] باشد».

حدیث

۲۹. پیامبر خدا ﷺ: قرآن، در بیست و سوم ماه رمضان، فرو فرستاده شده است.

۳۰. امام رضا علیه السلام: همانا ماه رمضان، ماهی است که خداوند متعال، قرآن را در آن نازل کرد و حق و باطل را در آن از هم جدا ساخت، آن گونه که خداوند فرموده است: «ماه رمضان، ماهی که قرآن در آن فرود آمده است تا هدایتی برای مردم و نشانه‌هایی روشن از هدایت و جداسازی [میان حق و باطل] باشد».

۳۱. الکافی - به نقل از حفص بن غیاث - : از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «ماه رمضان، ماهی که قرآن در آن فرود آمده است» پرسیدم، در حالی که قرآن از اوّل تا آخرش، در بیست سال نازل شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «قرآن همه‌اش یکباره در ماه رمضان به بیت معمور^۱ نازل شد. سپس در طول بیست سال [به تدریج] نازل گشت».

۱. گفته‌اند که بیت معمور (خانه آباد) در آسمان چهارم و برابر کعبه است. از غرق شدن، شکوه کرد و خداوند هم آن را به آسمان فرا برد و پایه‌اش باقی ماند. هر روز، هفتاد هزار فرشته وارد آن می‌شوند و (جز همان یک نوبت) دیگر بار به سوی آن باز نمی‌گردند. «معمور»، یعنی آباد، و آبادی آن، از زیادی فرشتگانی است که آن را در بر می‌گیرند (مجمع البحرین: ۲/ ۱۲۶۹).

فِيهِ نَزُولُ الْكِتَابِ السَّمَاوِيِّ

٣٢. رسول الله ﷺ: نَزَلَتْ صُحُفُ إِبْرَاهِيمَ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأُنْزِلَتْ التَّوْرَةُ لَيْسَتْ مَضِينٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأُنْزِلَ الْإِنْجِيلُ لِثَلَاثَ عَشْرَةَ لَيْلَةً خَلَّتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأُنْزِلَ الزَّبُورُ لِثَمَانِي عَشْرَةَ خَلَوْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأُنْزِلَ الْقُرْآنُ فِي ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.^١

٣٣. الإمام الصادق عليه السلام: نَزَلَتْ التَّوْرَةُ فِي سِتٍّ مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَنَزَلَ الْإِنْجِيلُ فِي اثْنَتَيْ^٢ عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَنَزَلَ الزَّبُورُ فِي لَيْلَةٍ ثَمَانِي عَشْرَةَ مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَنَزَلَ الْقُرْآنُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.^٣



مركز تحقيقات کتب ویراسته‌شده

١. الكافي: ٦/٢٩٩/٢ عن حفص بن غياث، تفسير العياشي: ١/٨٠/١٨٤ عن إبراهيم وفيه «لأربع وعشرين من رمضان» بدل «في ثلاث وعشرين...» وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٧/٢٥/٦١، المسنن الكبير: ٩/٣١٧/١٨٦٤٩، المعجم الأوسط: ٤/١١١/٣٧٤٠، تفسير الطبري: ٢/الجزء الثاني/١٤٥، أسباب نزول القرآن: ٢٠/١٤ كلها عن وائلة بن الأسقع وفيها «لأربع وعشرين خلت» بدل «في ثلاث وعشرين»، كنز العمال: ٢/١٦/٢٩٦٢.

٢. في المصدر «اثني» والتصحيح من بحار الأنوار.

٣. الكافي: ٤/١٥٧/٥، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٤/٥٥٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٥٩/٢٠٢٦ كلها عن أبي بصير، المقنعة: ٩/٣٠ وليس فيه «ونزل الزبور في ليلة ثمانى عشرة مضت من شهر رمضان»، بحار الأنوار: ١١/٥٩/٦٤.

۷/۲

نزول کتاب آسمانی، در آن است

۳۲. پیامبر خدا ﷺ: صُحُف ابراهیم، در شب اوّل ماه رمضان نازل شد. تورات، شش [شب] از ماه رمضان گذشته، نازل شد. انجیل، سیزده شب از ماه رمضان گذشته، نازل شد. زبور، هیجده [شب] از ماه رمضان گذشته، نازل شد. و قرآن، در بیست و سوم ماه رمضان، نازل گشت.

۳۳. امام صادق علیه السلام: تورات، شش [شب] از ماه رمضان گذشته، نازل شد. انجیل، دوازده شب از ماه رمضان گذشته، نازل شد. زبور، هجده شب از ماه رمضان گذشته، فرود آمد. و قرآن، در شب قدر نازل گشت.



مرکز تحقیقات کتب و نشر اسلامی

الفصل الثالث

بركات شهر رمضان



٣٤. رسول الله ﷺ: إِنَّمَا سُمِّيَ رَمَضَانُ؛ لِأَنَّهُ يُرْمَضُ الذُّنُوبُ.^١

٣٥. عنه ﷺ: أَتَدْرُونَ لِمَ سُمِّيَ شَعْبَانُ شَعْبَانٌ؟ لِأَنَّهُ يَتَشَعَّبُ مِنْهُ خَيْرٌ كَثِيرٌ لِرَمَضَانَ، وَإِنَّمَا سُمِّيَ رَمَضَانُ رَمَضَانٌ؛ لِأَنَّهُ تُرْمَضُ فِيهِ الذُّنُوبُ - أَي تُحَرِّقُ -.^٢

٣٦. الدر المنثور عن عائشة: قِيلَ لِلنَّبِيِّ ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا رَمَضَانُ؟

قَالَ: «أَرْمَضَ اللَّهُ فِيهِ ذُنُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَغَفَرَهَا لَهُمْ».^٣

٣٧. رسول الله ﷺ: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ وَقَامَهُ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ،

١. الفردوس: ٢/ ٦٠/ ٢٢٣٩، كنز العمال: ٨/ ٤٦٦/ ٢٣٦٨٨ نقلًا عن محمد بن منصور السمعاني وابن مندة في

أما ليهما، الدر المنثور: ١/ ٤٤٤ نقلًا عن ابن مردويه وكلها عن أنس.

٢. مستدرک الوسائل: ٧/ ٤٨٤/ ٨٧١٠ نقلًا عن القطب الراوندي في لب اللباب؛ كنز العمال: ٨/ ٥٩١/ ٢٤٢٩٣

نقلًا عن أبي الشيخ في الثواب والديلمي عن أنس.

٣. الدر المنثور: ١/ ٤٤٤ نقلًا عن ابن مردويه والأصبهاني.

فصل سوم

برکات ماه رمضان



۳۴. پیامبر خدا ﷺ: رمضان را به این خاطر رمضان نامیده‌اند که گناهان را می‌سوزاند.

۳۵. پیامبر خدا ﷺ: آیا می‌دانید که چرا شعبان را شعبان نامیده‌اند؟ چون از آن، خیر فراوان برای رمضان، منشعب می‌شود، و رمضان را به این خاطر رمضان نامیده‌اند که گناهان در آن، سوزانده می‌شوند.

۳۶. الدر المنثور - به نقل از عایشه - : به پیامبر ﷺ گفتند: ای پیامبر خدا! رمضان چیست؟ فرمود: «خداوند در آن، گناهان مؤمنان را می‌سوزاند و می‌آمرزد».

۳۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس رمضان را از روی ایمان و برای خدا و پاداش او، روزه بگیرد و به عبادت برخیزد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود؛ و هر کس شب قدر را از روی ایمان و به امید پاداش الهی، به عبادت بایستد، گناهان گذشته‌اش بخشوده می‌گردد.

وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.^١

٣٨. عنه عليه السلام: شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرٌ فَرَضَ اللَّهُ ﷻ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ؛ فَمَنْ صَامَهُ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.^٢

٣٩. عنه عليه السلام: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ وَخَتَمَهُ بِصَدَقَةٍ؛ وَغَدَا إِلَى الْمُصَلَّى بِغُسْلٍ، رَجَعَ مَغْفُورًا لَهُ.^٣

٤٠. عنه عليه السلام: يَأْمُرُ اللَّهُ مَلَكًا يُنَادِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْهَوَاءِ: أَبْشِرُوا عِبَادِي! فَقَدْ وَهَبْتُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ السَّالِفَةَ، وَشَفَعْتُ بَعْضَهُمْ فِي بَعْضٍ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُسْكِرٍ أَوْ حَقَدَ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ.^٤

٤١. عنه عليه السلام: إِنْ رَمَضَانَ شَهْرٌ افْتَرَضَ اللَّهُ ﷻ صِيَامَهُ، وَإِنِّي سَنَنْتُ لِلْمُسْلِمِينَ قِيَامَهُ؛ فَمَنْ صَامَهُ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.^٥

٤٢. عنه عليه السلام: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ؛ وَعَرَفَ حُدُودَهُ؛ وَتَحَفَّظَ مِمَّا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَحَفَّظَ

١. سنن الترمذي: ٦٨٣/٦٧/٣، صحيح البخاري: ١٨٠٢/٦٧٢/٢، صحيح مسلم: ١٧٥/٥٢٤/١، سنن أبي داود: ١٣٧٢/٤٩/٢ وليس فيها «وقامه»، فضائل الأوقات للبيهقي: ٥٧/٤٠ كلها عن أبي هريرة؛ فضائل الأشهر الثلاثة: ٩٤/١٠٥ عن ابن عباس وحسب ١٥٤/١٤٢ وليس فيه ذيله، الأمالي للطوسي: ٢٤٧/١٥٠ كلاهما عن أبي هريرة وليس فيهما «وقامه»، بحار الأنوار: ٩٦/٣٦٦/٤٢ وج ٣٥/١٧/٩٧.
٢. تهذيب الأحكام: ٤٢١/١٥٢/٤ عن عبد الرحمن بن عوف عن أبيه، عوالي اللآلي: ١/١٣٢/٣، بحار الأنوار: ٩٦/٣٧٥/٦٣.

٣. ثواب الأعمال: ١/١٠٢ عن أنس، بحار الأنوار: ٩٠/٣٦٣/١٥، المعجم الأوسط: ٥٧/٦/٥٧٨٤ عن أبي هريرة، كنز العمال: ٨/٤٨٢/٢٣٧٣٣.

٤. الدعوات: ٥٦١/٢٠٧، بحار الأنوار: ٩٧/٥/٥.

٥. مسند ابن حنبل: ١٦٨٨/٤١٣/١، سنن ابن ماجه: ١٣٢٨/٤٢١/١، سنن النسائي: ١٥٨/٤، مسند أبي يعلى: ١/٨٦٢/٣٩٥ كلها عن عبد الرحمن بن عوف نحوه؛ مستدرک الوسائل: ٧/٣٩٧/٨٥١٦ نقلًا عن القطب الراوندي في النوادر عن عبد الرحمن عن أبيه عنه عليه السلام وفيه «شهر فرض الله صيامه وسن قيامه...».

۳۸. پیامبر خدا ﷺ: ماه رمضان، ماهی است که خداوند، روزه آن را بر شما واجب ساخت. پس هر کس آن را از روی ایمان و به امید پاداش الهی روزه بدارد، از گناهانش بیرون می‌آید، همچون روزی که مادرش او را زاده است.

۳۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس رمضان را روزه بدارد و آن را با صدقه به پایان ببرد و با غسل به نمازگاه برود، آمرزیده باز می‌گردد.

۴۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند به فرشته‌ای فرمان می‌دهد که در هر روز از ماه رمضان در هوا ندا دهد: «ای بندگان من! مژده گناهان گذشته شما را بخشیدم و شفاعت شما را درباره یکدیگر در شب قدر قبول کردم، مگر آن که با شراب افطار کرده باشد، یا از برادر مسلمانش کینه در دل داشته باشد».

۴۱. پیامبر خدا ﷺ: همانا رمضان، ماهی است که خداوند، روزه آن را واجب کرده است و من قیام [برای نماز] را در آن، سنت قرار داده‌ام. پس هر کس آن را از روی ایمان و به خاطر ثواب الهی روزه بدارد، از گناهان خارج می‌شود، همچون روزی که مادرش او را زاده است.

۴۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس رمضان را روزه بدارد و حدود آن را بشناسد و خود را از آنچه سزاوار خویشنداری در این ماه است، نگه بدارد، گناهان پیشین را پاک کرده است.

فيه، كَفَّرَ ما قَبْلَهُ.^١

٣٣. عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ تَمَسَّكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِسِتِّ خِصَالٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ: أَنْ يَحْفَظَ دِينَهُ، وَيَصُونَ نَفْسَهُ، وَيَصِلَ رَحِمَهُ، وَلَا يُؤْذِيَ جَارَهُ، وَيَرْعَى إِخْوَانَهُ، وَيَحْزَنَ لِسَانَهُ. أَمَّا الصَّيَامُ فَلَا يَعْلَمُ ثَوَابَ عَامِلِهِ إِلَّا اللَّهُ.^٢

٣٤. عنه عليه السلام: شَهْرُ رَمَضَانَ يُكَفِّرُ ما قَبْلَهُ إِلَى شَهْرِ رَمَضَانَ.^٣

٣٥. عنه عليه السلام: إِنَّ رَمَضَانَ إِلَى رَمَضَانَ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا.^٤

٣٦. عنه عليه السلام - كَانَ يَقُولُ -: الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ؛ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ؛ وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ، مُكْفِّرَاتٌ مَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتَنِبَ الْكَبَائِرُ.^٥

٣٧. عنه عليه السلام: مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.^٦

٣٨. فضائل الأوقات عن أنس: لَمَّا أَقْبَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام: «سُبْحَانَ اللَّهِ! ماذا تَسْتَقْبِلُونَ؟! ماذا يَسْتَقْبِلُكُمْ؟!».

١. مسند ابن حنبل: ١١٥٢٤/١١٠/٤، صحيح ابن حبان: ٣٤٣٣/٢٢٠/٨، السنن الكبرى: ٨٥٠٥/٥٠١/٤.

مسند أبي يعلى: ١٠٥٣/١٩/٢، كَلَّهَا عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ، الزَّهْدُ لِابْنِ الْمُبَارَكِ (الملحقات): ٩٨/٢٤ عَنْ عطاء بن يسار، كنز العمال: ٢٣٧٢٧/٤٨١/٨؛ فضائل الأشهر الثلاثة: ١٣٨/١٣١ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ.

٢. مستدرک الوسائل: ٨٤٤٣/٣٧٠/٧، نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ الباب.

٣. المعجم الكبير: ٨٠١٦/٢٦١/٨ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ، كنز العمال: ٢٣٦٨٦/٤٦٦/٨، نقلًا عن ابن أبي الدنيا في فضل رمضان عن أبي هريرة وج ١٩٠٥٦/٣١٨/٧.

٤. مستدرک الوسائل: ٨٥٢٤/٤٠٠/٧، نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ الباب؛ المعجم الكبير: ٥٤٤٥/٣٨/٦ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ وَفِيهِ «صِيَامٌ» بِدَلِّ «إِنَّ»، كنز العمال: ٢٣٧٣٦/٤٨٢/٨.

٥. صحيح مسلم: ١٦/٢٠٩/١، مسند ابن حنبل: ٩٢٠٨/٣٦٢/٣، السنن الكبرى: ٢٠٧٥٩/٣١٥/١٠، كَلَّهَا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، كنز العمال: ١٨٨٩٤/٢٨٤/٧.

٦. صحيح البخاري: ٣٧/٢٢/١ وج ١٩٠٤/٧٠٧/٢، صحيح مسلم: ١٧٣/٥٢٣/١، سنن أبي داود: ١٣٧١/٤٩/٢، سنن الترمذي: ٨٠٨/١٧٢/٣، سنن ابن ماجه: ١٣٢٦/٢٢٠/١، كَلَّهَا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ.

۳۳. پیامبر خدا ﷺ: همانا هر کس در ماه رمضان، شش کار را با قوت انجام دهد، خداوند گناهانش را می‌آمرزد: دین خود را حفظ کند، خویشتن را نگه دارد، به خویشاوندانش نیکی کند، همسایه‌اش را نیازارد، حال برادرانش را مراعات کند و زبان خویش را در کام نگه دارد. اما روزه! پس پاداش روزه‌دار را جز خداوند نمی‌داند.

۳۴. پیامبر خدا ﷺ: [روژه] ماه رمضان، همه گناهان پیش از آن را تا رمضان [دیگر،] پاک می‌کند.

۳۵. پیامبر خدا ﷺ: رمضان تا رمضان، کفاره (پاک‌کننده) [گناهان] میان این دو رمضان است.

۳۶. پیامبر خدا ﷺ - می‌فرمود -: نمازهای پنجگانه، نماز جمعه تا نماز جمعه و رمضان تا رمضان، پاک‌کننده گناهان میان آنهایند، هرگاه که از گناهان کبیره پرهیز شود.

۳۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس ماه رمضان را از روی ایمان و به امید پاداش الهی [به عبادت] برخیزد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود.

۳۸. فضائل الأوقات - به نقل از انس -: چون ماه رمضان فرا رسید، پیامبر خدا فرمود: «سبحان الله! به استقبال چه چیزی می‌روید؟! و چه چیزی به استقبال شما می‌آید?!».

فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَحَيَّ نَزَلَ أَوْ عَدُوُّ حَضَرَ؟

قَالَ: «لا، وَلَكِنْ شَهْرُ رَمَضَانَ يَغْفِرُ اللَّهُ تَعَالَى فِي لَيْلَةٍ لِكُلِّ أَهْلِ هَذِهِ الْقِبْلَةِ». قَالَ: وَفِي الْقَوْمِ رَجُلٌ يَهْزُ رَأْسَهُ: بَخٍ بَخٍ! فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: «كَأَنَّكَ ضَاقَ صَدْرُكَ بِمَا سَمِعْتَ!»

قَالَ: لا وَاللَّهِ، لا يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَكِنْ ذَكَرْتُ الْمُنَافِقَ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «الْمُنَافِقُ كَافِرٌ، وَلَيْسَ لِلْكَافِرِ فِي ذَا شَيْءٍ»^١.

٢/٣

الْعَتِيقُ مِنَ النَّارِ

٣٩. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سُمِّيَ شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرَ الْعَتِيقِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ سِتِّمِئَةَ عَتِيقٍ، وَفِي آخِرِهِ مِثْلَ مَا أَعْتَقَ فِيمَا مَضَى^٢.

٥٠. عَنْهُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ سِتِّمِئَةَ أَلْفٍ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ^٣، فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ أَعْتَقَ اللَّهُ بِعَدَدِ كُلِّ مَنْ مَضَى^٤.

٥١. عَنْهُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ سِتِّمِئَةَ أَلْفٍ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ كُلُّهُمْ قَدْ

١. فضائل الأوقات للبيهقي: ٤٢/٦٦، شعب الإيمان: ٣/٣٠٩/٣٦٢١، صحيح ابن خزيمة: ٣/١٨٩/١٨٨٥، المعجم الأوسط: ٥/١٥٨/٤٩٣٥ كلاهما نحوه: فضائل الأشهر الثلاثة: ١٤٠/١٥٠، بحار الأنوار: ٩٦/٣٤٧/١٣ نقلًا عن القطب الراوندي في النوادر.

٢. النوادر للأشعري: ١٨/٢ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦/٢٨١/٦.

٣. قال البيهقي في فضائل الأوقات: والمراد بالعدد المذكور في مثل [هـ] عند علمائنا الكثرة دون أعيان العدد المذكور في الخبر، وكل ذلك - والله أعلم - فيمن عرف حدود هذا الشهر وحفظ حقوقه.

٤. شعب الإيمان: ٣/٣٠٣/٣٦٠٤، فضائل الأوقات للبيهقي: ٤٤/٦٩ كلاهما عن الحسن، كنز العمال:

عمر بن خطاب گفت: پدرم و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! وحیی نازل شده است، یا دشمنی روی آورده است؟

فرمود: «نه؛ ولی در ماه رمضان، خداوند در یک شب، همهٔ اهل این قبله (مسلمانان) را می‌آمزد».

در میان مردم، مردی بود که سرش را تکان می‌داد و می‌گفت: به به! پیامبر خدا به او فرمود: «گویا از آنچه شنیدی، سینه‌ات دچار تنگی شد!».

گفت: نه، ای پیامبر خدا! ولی من به یاد منافقان افتادم.

پیامبر خدا فرمود: «منافق، کافر است و کافر را در این مسئله، بهره‌ای

نیست».



آزادی آتش و زخم

۴۹. پیامبر خدا ﷺ: ماه رمضان را ماه آزادسازی نامیده‌اند؛ چون خداوند در هر روز و شب، ششصد آزادشده دارد و نیز در آخر ماه، به اندازهٔ آنچه در [روزها و شب‌های] گذشته آزاد کرده است.

۵۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، در هر شب [ماه] رمضان، ششصد هزار آزادشده از آتش دارد.^۱ پس چون آخرین شب فرا رسد، خداوند به شمار همهٔ آنچه پیش‌تر آزاد کرده، آزاد می‌کند.

۵۱. پیامبر خدا ﷺ: خداوند را در هر روز جمعه، ششصد هزار آزادشده از آتش

۱. بیهقی در فضائل الأوقات گفته است: نزد علمای ما، مقصود از عدد یادشده، «فراوانی» است، نه همان عدد یادشده در روایت. و همهٔ اینها - که خدا داناتر است - برای کسی است که حدود این ماه را بشناسد و حقوق آن را نگه دارد.

استَوْجَبُوهَا، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَلْفَ عَتَقٍ مِنَ النَّارِ كُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوهَا، وَلَهُ يَوْمَ الْفِطْرِ مِثْلُ مَا أُعْتِقَ فِي الشَّهْرِ وَالْجُمُعَةِ.^١
٥٢. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عِنْدَ كُلِّ فِطْرَةٍ^٢ عَتَقَاءَ مِنَ النَّارِ.^٣

٥٣. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَتَقَاءَ وَطُلُقَاءَ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُسْكِرٍ، فَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ أُعْتِقَ فِيهَا مِثْلُ مَا أُعْتِقَ فِي جَمِيعِهِ.^٤

٥٤. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ غَفَرَ اللَّهُ لِمَنْ شَاءَ مِنَ الْخَلْقِ، فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا ضَاعَفَهُمْ، فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَلِيهَا ضَاعَفَ كُلُّ مَا أُعْتِقَ، حَتَّى آخِرِ لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَضَاعَفَ مِثْلُ مَا أُعْتِقَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ.^٥

وانظر: العنوان الآتي (جوامع بركاته وخصائصه).
ص ١٦٠ (تأهيل الناس لضيافة الله).

مرکز تحقیات کتب و اسناد اسلامی
٣/٣

جوامع بركاته وخصائصه

٥٥. رسول الله صلى الله عليه وآله - في فضل شهر رمضان -: هُوَ شَهْرُ أَوَّلِهِ رَحْمَةٌ، وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ، وَآخِرُهُ الْإِجَابَةُ وَالْعِتْقُ مِنَ النَّارِ.^٦

١. مستدرک الوسائل: ٧/ ٤٨٤ / ٨٧١٠ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

٢. الفطرة: المرأة من الإفطار.

٣. فضائل الأوقات للبيهقي: ٤٤/ ٦٧ عن أبي أمامة.

٤. الكافي: ٤/ ٦٨ / ٧، تهذيب الأحكام: ٤/ ١٩٣ / ٥٥١، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/ ٩٨ / ١٨٢٨، الأمالي

للصدوق: ١١٣ / ٩١ كلها عن محمد بن مروان، بحار الأنوار: ٩٦ / ٣٦٢ / ٣١.

٥. الإقبال: ١ / ٢٨ عن محمد بن مروان، المصباح للكفعمي: ٨٣٦ نحوه.

٦. الكافي: ٤ / ٦٧ / ٤، تهذيب الأحكام: ٣ / ٥٨ / ١٩٨، وج ٤ / ١٥٣ / ٤٢٣، كتاب من لا يحضره الفقيه:

است که همه آنان شایسته آن اند؛ و [خداوند را] در هر ساعت از شب یا روز ماه رمضان، هزار آزادشده از آتش است که همه آنان شایسته آن اند؛ و او را در روز فطر، به اندازه آزادشدگان در این ماه و جمعه است.

۵۲. پیامبر خدا ﷺ: خدا را به هنگام هر نوبت افطار، آزادشدگانی از آتش است.

۵۳. امام صادق علیه السلام: خدا را در هر شب ماه رمضان، آزادشدگان و رهاشدگانی از آتش است، مگر کسی که با شراب افطار کند. پس چون آخرین شب آن فرا رسد، به اندازه همه کسانی که در این ماه آزاد کرده است، آزاد می کند.

۵۴. امام صادق علیه السلام: چون شب اول ماه رمضان شود، خداوند، از آفریدگان، هر که را بخواهد، می آمرزد. پس چون شب بعد فرا رسد، دو برابر آنان را می آمرزد. شب بعد، دو برابر همه آنانی را که آمرزیده و آزاد کرده است، می آمرزد، تا [آن که در] آخرین شب ماه رمضان، دو برابر آنچه در هر شب آزاد کرده است، از آتش آزاد می کند.

ر.ک: عنوان بعدی (مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان).

ص ۱۶۱ (آمادگی برای میهمانی خدا).

۳/۳

مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان

۵۵. پیامبر خدا ﷺ: درباره فضیلت ماه رمضان - : ماهی است که آغاز آن رحمت، میانه آن آمرزش و پایان آن اجابت [دعا] و آزادی از آتش است.

٥٦. عنه عليه السلام: إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَتُحْتَأَبُوابُ الرَّحْمَةِ، وَغُلِّقَتْ أَبُوابُ جَهَنَّمَ، وَسُلِسِلَتِ الشَّيَاطِينُ.^١

٥٧. عنه عليه السلام - مِنْ خُطْبَتِهِ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ -: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ، إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ غُلَّتْ مَرَدَّةُ الشَّيَاطِينِ، وَفُتِّحَتْ أَبُوابُ السَّمَاءِ وَأَبُوابُ الْجَنَانِ وَأَبُوابُ الرَّحْمَةِ، وَغُلِّقَتْ أَبُوابُ النَّارِ.^٢

٥٨. عنه عليه السلام: إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ فَتُحْتَأَبُوابُ الْجَنَّةِ، وَغُلِّقَتْ أَبُوابُ النَّارِ، وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ.^٣

٥٩. عنه عليه السلام - يُبَشِّرُ أَصْحَابَهُ -: جَاءَكُمْ رَمَضَانُ، جَاءَكُمْ شَهْرٌ مُبَارَكٌ إِفْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ، تَفْتَحُ فِيهِ أَبُوابُ الْجَنَانِ، وَتُعَلَّقُ أَبُوابُ الْجَحِيمِ، وَتُغْلَى فِيهِ الشَّيَاطِينُ، فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِمَ.^٤

٦٠. عنه عليه السلام: إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَادَى الْجَلِيلُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى -:

١/٩٥/١٨٣١. الخصال: ٢٥٩/١٣٥، ثواب الأعمال: ٩١/٧، كلها عن أبي الورد عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦/٣٤٢/٦؛ صحيح ابن خزيمة: ٣/١٩٢/١٨٨٧، شعب الإيمان: ٣/٣٠٦/٣٦٠٨ كلاهما عن سلمان وفيهما «وآخره عتق من النار»، كنز العمال: ٨/٤٧٧/٢٣٧١٤.

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ١٤٢/١٥٣ عن أبي هريرة.

٢. الكافي: ٤/٦٧/٦، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٣/٥٥٠ وليس فيه «وأبواب الجنان»، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٩٧/١٨٣٣، ثواب الأعمال: ٨٩/٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ٨٠/٦٢، كلها عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦/٣٦٠/٢٧.

٣. صحيح مسلم: ٢/٧٥٨/١، الموطأ: ١/٣١١/٥٩، سنن النسائي: ٤/١٢٦، مسند ابن حنبل: ٣/٢٧٧/٨٦٩٢، السنن الكبرى: ٤/٣٣٩/٧٩٠٦، كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ٨/٤٦١/٢٣٦٦٢؛ فضائل الأشهر الثلاثة: ١٤١/١٥٢ عن أبي سهل نافع بن مالك عن أبيه عن الإمام الباقر عليه السلام عنه عليه السلام.

٤. فضائل الأوقات للبيهقي: ٣٧/٤٥، سنن النسائي: ٤/١٢٩ وفيه «وتغل في مردة الشياطين»، مسند ابن حنبل: ٣/٧١٥١/٨/٧١٥١ وص ٤١٢/٩٥٠٢، المصنف لابن أبي شيبة: ٢/٤١٩/١؛ تهذيب الأحكام: ٤/١٥٢/٢٢٢ وليس فيه «وتغل في أبواب الجحيم»، الأمالي للمفيد: ١١٢/٢ وص ٣٠١/١، كلها عن أبي هريرة نحوه، بحار الأنوار: ٩٦/٣٦٦/٣١.

۵۶. پیامبر خدا ﷺ: چون ماه رمضان وارد شود، درهای رحمت، گشوده، و درهای دوزخ، بسته شوند و شیاطین به بند کشیده شوند.

۵۷. پیامبر خدا ﷺ: در خطبه خویش در آخرین جمعه ماه شعبان - ای گروه مردم! هر گاه هلال ماه رمضان برآید، شیاطین سرکش به بند کشیده می‌شوند، درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت، گشوده، و درهای آتش، بسته می‌شوند.

۵۸. پیامبر خدا ﷺ: چون رمضان آید، درهای بهشت باز می‌شوند، درهای آتش بسته می‌گردند و شیاطین، به زنجیر و بند کشیده می‌شوند.

۵۹. پیامبر خدا ﷺ: در مژده دادن به یاران خویش -: رمضان، شما را فرا رسیده است. ماهی مبارک، شما را فرا رسیده که خداوند، روزه‌داری آن را بر شما واجب ساخته است. در این ماه، درهای بهشت، گشوده و درهای جهنم، بسته می‌شوند و شیاطین به بند کشیده می‌شوند. در آن، شبی است که بهتر از هزار ماه است. هر کس از خیر آن محروم شود، به یقین، محروم مانده است.

۶۰. پیامبر خدا ﷺ: چون شب اول ماه رمضان شود، خدای با عظمت ندا دهد: «... ای جبرئیل! به زمین فرود آی و شیاطین سرکش را به بند کش تا روزه‌بندگانم را بر آنان تباه نسازند».

«... يا جبرئيل، انزل على الأرض فعلٌ فيها مَرَدَّةُ الشَّيَاطِينِ حَتَّى لَا يُفْسِدُوا عَلَى عِبَادِي صَوْمَهُمْ»^١.

٦١. عنه عليه السلام: إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ وَمَرَدَّةُ الْجِنِّ، وَغُلِّقَتِ أَبْوَابُ النَّارِ فَلَمْ يُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ، وَفُتِّحَتِ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ فَلَمْ يُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ، وَيُنَادِي مُنَادٍ: «يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ! وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ أَقْصِرْ! وَلِلَّهِ عُتَقَاءُ مِنَ النَّارِ»^٢.

٦٢. عنه عليه السلام: إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فُتِّحَتِ أَبْوَابُ الْجَنَانِ كُلُّهَا فَلَمْ يُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ وَاحِدٌ الشَّهْرَ كُلَّهُ، وَغُلِّقَتِ أَبْوَابُ النَّارِ فَلَا يُفْتَحُ مِنْهَا بَابٌ وَاحِدٌ الشَّهْرَ كُلَّهُ، وَغُلَّتِ عُتَاةُ الْجِنِّ، وَنَادَى مُنَادٍ فِي السَّمَاءِ كُلِّ لَيْلَةٍ إِلَى انْفِجَارِ الصُّبْحِ: «يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ هَلُمَّ! وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ انْتَه! هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ يُغْفَرُ لَهُ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ يُتَابُ عَلَيْهِ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَيُعْطَى؟ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَيُسْتَجَابُ لَهُ؟ وَلِلَّهِ عِنْدَ وَقْتِ كُلِّ لَيْلَةٍ فِطْرٌ مِنْ رَمَضَانَ عُتَقَاءُ يُعْتَقُّهُمْ مِنَ النَّارِ».

٦٣. الإمام علي عليه السلام: لَمَّا خَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ:

١. بحار الأنوار: ٥١/٣٤٨/٩٦ نقلًا عن القطب الراوندي في النوادر، الأملاني للحفيد: ٣/٢٣٠، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٣٣/١٢٦، شعب الإيمان: ٣/٣٦٩٥/٣٢٥، فضائل الأوقات للبيهقي: ٢٩/٦٤، تاريخ دمشق: ٢٩١/٥٢ كلها عن ابن عباس نحوه، كنز العمال: ٨/٥٨٦/٢٤٢٨١.

٢. سنن الترمذي: ٣/٦٦/٦٨٢، سنن ابن ماجه: ١/٥٢٦/١٦٤٢، المستدرک علی الصحیحین: ١٥٣٢/٤٢١/١، السنن الكبرى: ٤/٥٠٠/٨٥٠١، صحيح ابن حبان: ٨/٢٢٢/٣٤٣٥، صحيح ابن خزيمة: ١٨٨٣/١٨٨/٣ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ٨/٤٦٢/٢٣٦٦٤ و ص ٢٣٧٠٣/٤٦٩، بحار الأنوار: ٢٠/٣٥٠/٩٦ نقلًا عن القطب الراوندي في النوادر.

٣. تاريخ بغداد: ١/٢٨٤/١٢٨ عن ابن عباس، فضائل الأوقات للبيهقي: ٤٤/٦٨ وليس فيه «وغلقت أبواب النار فلا يفتح منها باب واحد الشهر كله»، شعب الإيمان: ٣/٣٠٤/٣٦٠٦ كلاهما عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ٢٣٧٠٤/٤٦٩/٨، مستدرک الوسائل: ٧/٤٣٦/٨٦٠٤ نقلًا عن درر اللآلئ عن ابن مسعود.

۶۱. پیامبر خدا ﷺ: چون اولین شب ماه رمضان شود، شیاطین و سرکشانِ جن به بند کشیده شوند و درهای آتش، بسته شوند؛ پس، هیچ دری از آنها گشوده نگردد. و درهای بهشت، باز شوند؛ پس هیچ دری از آنها بسته نگردد، و ندا دهنده‌ای ندا می‌دهد: «ای جویای خیر! روی آور، و ای جویای شر! کوتاه بیا (دست بردار)! و خدا را آزادشدگانی از آتش است».

۶۲. پیامبر خدا ﷺ: چون اولین شب [ماه] رمضان شود، همه درهای بهشت، گشوده شوند. پس در همه این ماه، حتی یک در از آنها بسته نگردد؛ و درهای آتش، بسته شوند و در همه ماه، حتی یک در از آنها گشوده نگردد؛ و سرکشانِ جن به بند کشیده شوند و هر شب تا دمیدن صبح، منادی در آسمان ندا دهد: «ای جویای خیر! پیش آی، و ای جویای شر! دست بردار. آیا استغفارکننده‌ای هست تا آمرزیده شود؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست که توبه‌اش پذیرفته گردد؟ آیا خواهنده‌ای هست تا عطا شود؟ آیا دعا‌کننده‌ای هست تا دعایش پذیرفته گردد؟ و خدا را به هنگام هر شب عید فطری از رمضان، آزادشدگانی است که آنان را از آتش، آزاد می‌کند».

۶۳. امام علی علیه السلام: چون ماه رمضان فرا رسید، پیامبر خدا ایستاد و خدا را ستایش و درود گفت. سپس فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ، كَفَاكُمْ اللَّهُ عَذْوَكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ... أَلَا وَقَدْ وَكَّلَ اللَّهُ ﷻ بِكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ سَبْعِينَ مِنْ مَلَائِكَتِهِ، فَلَيْسَ بِمَحْلُولٍ حَتَّى يَنْقُضِيَ شَهْرُكُمْ هَذَا، أَلَا وَأَبْوَابُ السَّمَاءِ مُفْتَحَةٌ مِنْ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْهُ، أَلَا وَالْدُّعَاءُ فِيهِ مَقْبُولٌ»^١.

٦٤. رسول الله ﷺ: رَجَبُ شَهْرِ اللَّهِ الْأَصْبُ^٢، يَصُبُّ اللَّهُ فِيهِ الرَّحْمَةَ عَلَى عِبَادِهِ، وَشَهْرُ شَعْبَانَ تَنْشَعِبُ فِيهِ الْخَيْرَاتُ. وَفِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تُغْلَى الْمَرَدَّةُ مِنَ الشَّيَاطِينِ، وَيُغْفَرُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ سَبْعِينَ أَلْفًا، فَإِذَا كَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ غَفَرَ اللَّهُ بِمِثْلِ مَا غَفَرَ فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ وَشَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى ذَلِكَ الْيَوْمِ، إِلَّا رَجُلٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحْنَاءٌ، فَيَقُولُ اللَّهُ ﷻ: أَنْظِرُوا هَؤُلَاءِ حَتَّى يَصْطَلِحُوا^٣.

٦٥. عنه ﷺ: مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَحَفِظَ فَرْجَهُ وَلِسَانَهُ وَكَفَّ أَذَاهُ عَنِ النَّاسِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ، وَأَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ، وَأَحْلَاهُ دَارَ الْقَرَارِ، وَقِيلَ شَفَاعَتُهُ فِي عَدَدِ رَمَلٍ عَالِجٍ مِنْ مُذْنِبِي أَهْلِ التَّوْحِيدِ^٤.

٦٦. عنه ﷺ: إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَى خَلْقِهِ، وَإِذَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَى عَبْدٍ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَدًا، وَلِلَّهِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ وَيَوْمٍ أَلْفُ أَلْفٍ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ، فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ تِسْعٍ وَعِشْرِينَ أَعْتَقَ اللَّهُ فِيهَا مِثْلَ جَمِيعِ مَا أَعْتَقَ فِي الشَّهْرِ كُلِّهِ، فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الْفِطْرِ ارْتَجَبَتِ الْمَلَائِكَةُ وَتَجَلَّى الْجَبَّارُ بِنُورِهِ مَعَ أَنَّهُ لَا يَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ وَهُمْ فِي عِيدِهِمْ مِنَ الْغَدِ: يَا مَعْشَرَ الْمَلَائِكَةِ، يُوْحَى إِلَيْهِمْ: «مَا

١. كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٣٧/٩٨/٢، ثواب الأعمال: ٥/٩٠، الإقبال: ٧٢/١ وفيهما «سبعة» بدل

«سبعين»، بحار الأنوار: ٥٦/٣٧١/٩٦؛ كنز العمال: ٥٨٣/٨/٢٤٢٧٤ نقلًا عن الأصبهاني في التريغيب.

٢. في المصدر: «الأصم»، والأصح ما أثبتناه كما في بعض نسخ المصدر الخطية وبحار الأنوار.

٣. عيون أخبار الرضا ﷺ: ٣٣١/٧١/٢ عن دارم بن قبيصة عن الإمام الرضا عن آبائه ﷺ، بحار الأنوار: ١٦/٣٦/٩٧.

٤. الأمالي للصدوق: ٣٨/٧١، فضائل الأشهر الثلاثة: ٢٠/٤٤ كلاهما عن العلاء بن يزيد عن الإمام الصادق عن

آبائه ﷺ، روضة الواعظين: ٤٢١، بحار الأنوار: ٢٤/٣٥٦/٩٦.

«ای مردم! خداوند، دشمن شما را از جن و انس، کفایت کرد... آگاه باشید! خداوند بر هر شیطان سرکشی، هفتاد فرشته گماشت. او رها نمی‌شود تا این ماهتان سپری گردد. آگاه باشید که درهای آسمان از نخستین شب این ماه، گشوده‌اند و دعا در آن، پذیرفته است».

۶۴. پیامبر خدا ﷺ: رجب، ماه ریزش (رحمت) خداست و در آن، رحمت خدا بر بندگانش فرو می‌ریزد، و در ماه شعبان، خیرات منشعب می‌شوند. در نخستین شب ماه رمضان، شیاطین سرکش به بند کشیده می‌شوند و هر شب، هفتاد هزار نفر آمرزیده می‌شوند. پس چون شب قدر شود، خداوند، به همان اندازه که در رجب و شعبان و ماه رمضان تا آن روز آمرزیده است، می‌آمرزد، مگر کسی را که میان او و برادرش دشمنی باشد، که خداوند متعال می‌فرماید: «[آمرزش] اینان را به تأخیر اندازید تا با هم آشتی کنند».

۶۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس ماه رمضان را روزه بدارد و پاکدامنی ورزد و زبانش را حفظ کند و آزارش را به مردم نرساند، خداوند، گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد و از آتش آزادش می‌کند و در سرای ابدی جایش می‌دهد و شفاعت او را دربارهٔ موخدان گنهکار به تعداد کوه‌های به هم پیوسته^۱، می‌پذیرد.

۶۶. پیامبر خدا ﷺ: چون شب اول ماه رمضان شود، خداوند به آفریدگانش [با عنایت] می‌نگرد و هر گاه خداوند به بنده‌ای [از روی عنایت] بنگرد، هرگز عذابش نمی‌کند. و خدا را در هر شب و روزی هزار هزار آزادشده از آتش است. پس چون شب بیست و نهم شود، [خداوند] در آن شب، به اندازهٔ همهٔ

۱. زَمْلُ عَالِج، که در متن عربی حدیث آمده است، به کوه‌های به هم پیوسته‌ای گفته می‌شود که از یک سو به «دهناء» (کویر ریع الخالی) و از سوی دیگر به «نَجْد» (سرزمینی کوهستانی در شمال جزیره العرب) منتهی می‌شود و بسیار وسعت دارد (المصباح المنیر: ۴۲۵). عوالج الرمال نیز به معنای ماسه‌هایی است که بر هم انباشته می‌شوند (النهاية: ۳ / ۲۸۷).

جَزَاءُ الْأَجِيرِ إِذَا وَفَى عَمَلَهُ؟» تَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يُوفَى أَجْرُهُ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ»^١.

٦٧. عنه عليه السلام: إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَتُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ فَلَا يُغْلَقُ مِنْهَا بَابٌ حَتَّى يَكُونَ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ، فَلَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يُصَلِّي فِي لَيْلَةٍ مِنْهَا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفًا وَخَمْسِمِئَةً حَسَنَةً بِكُلِّ سَجْدَةٍ، وَبَنَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ لَهَا سِتُونَ أَلْفَ بَابٍ، لِكُلِّ بَابٍ مِنْهَا قَصْرٌ مِنْ ذَهَبٍ مُوشَّحٍ بِيَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ، فَإِذَا صَامَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ رَمَضَانَ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى مِثْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَمَنْ شَهِدَ رَمَضَانَ اسْتَغْفَرَ لَهُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ صَلَاةِ الْغَدَاةِ إِلَى أَنْ تَوَارَى بِالْحِجَابِ، وَكَانَ لَهُ بِكُلِّ سَجْدَةٍ سَجْدَتُهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِلِيلٍ أَوْ نَهَارٍ شَجَرَةٌ يَسِيرُ الرَّكِيبُ فِي ظِلِّهَا خَمْسِمِئَةً عَامًا^٢.

٦٨. الخصال عن جابر بن عبد الله عن رسول الله ﷺ: أُعْطِيَتْ أُمَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أُمَّةٌ نَبِيٍّ قَبْلِي:

أَمَّا وَاحِدَةٌ: فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَظَرَ اللَّهُ ﷻ إِلَيْهِمْ، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَدًا.

وَأَمَّا الثَّانِيَّةُ: فَإِنَّ خُلُوفَ أَفْوَاهِهِمْ - حِينَ يُمْسُونَ - عِنْدَ اللَّهِ ﷻ أَطْيَبُ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ.

وَأَمَّا الثَّالِثَةُ: فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي لَيْلِهِمْ وَنَهَارِهِمْ.

١. الترغيب والترهيب: ١٨/٩٨/٢ نقلًا عن الأصبهاني، كثر العمال: ٢٣٧٠٧/٤٧١/٨ نقلًا عن ابن صصري في أماليه وكلاهما عن أبي هريرة.

٢. فضائل الأوقات لليهقي: ٤٠/٦٠، شعب الإيمان: ٣/٢١٤/٣٦٣٥ وفيه «من شهر رمضان واستغفر» بدل «ومن شهد رمضان استغفر» وكلاهما عن أبي سعيد الخدري، كثر العمال: ٢٣٧٠٦/٤٧٠/٨.

آنچه در همه ماه آزاد ساخته است، آزاد می‌کند و چون شب عید فطر شود، فرشتگان به جنبش می‌آیند و خدای شکوهمند، با فروغ خود تجلی می‌کند، به گونه‌ای که ستایشگران نمی‌توانند او را بستایند.

پس [خداوند] به فرشتگان - در حالی که در تدارک عید فردایشان‌اند - وحی می‌فرماید: «ای گروه فرشتگان! پاداش کارگری که کار خود را کامل انجام دهد، چیست؟».

فرشتگان گویند: پاداش کامل داده می‌شود.

خدای متعال می‌فرماید: «شما را گواه می‌گیرم که آنان را آمرزیدم».

۶۷. پیامبر خدا ﷺ: چون اولین شب [ماه] رمضان شود، درهای آسمان، گشوده شوند. پس هیچ دری از آنها بسته نمی‌شود تا آن که آخرین شب رمضان فرا رسد. هیچ بنده مؤمنی در شبی از آن، نماز نخواند، مگر آن که خداوند برای هر سجده، هزار و پانصد حسنه بنویسد و برایش خانه‌ای از یاقوت سرخ که شصت هزار در دارد، در بهشت بنا کند که برای هر دری قصری طلایی و آراسته به یاقوت سرخ است.

پس چون اولین روز [ماه] رمضان را روزه بگیرد، همه گناهان گذشته‌اش تا مثل آن روز، آمرزیده شود. و هر کس به [ماه] رمضان برسد، هر روز، هفتاد هزار فرشته از نماز بامداد تا آن گاه که [خورشید] پوشیده در حجاب شود، برای او آمرزش می‌طلبند. و برای او در برابر هر سجده‌ای که شب یا روز در ماه رمضان به جا آورده است، درختی خواهد بود که سوار، در [امتداد] سایه آن [باید] پانصد سال راه برود.

۶۸. الخصال - به نقل از جابر بن عبد الله، از پیامبر خدا - : «به امت من در ماه رمضان،

پنج چیز داده شده که به امت هیچ پیامبری پیش از من داده نشده است:

یکی، آن که: چون نخستین شب ماه رمضان شود، خداوند [با نظر رحمت] به آنان می‌نگرد و خداوند به هر کس [چنین] بنگرد، هرگز عذابش نمی‌کند.

دوم، آن که: بوی ناخوش دهان آنان، آن گاه که به شب وارد شوند، نزد خداوند

متعال از بوی مشک، خوش‌بوتر است.

سوم، آن که: فرشتگان در هر شب و روزشان، برای آنان آمرزش می‌طلبند.

وَأَمَّا الرَّابِعَةُ: فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَأْمُرُ جَنَّتَهُ أَنْ اسْتَغْفِرِي وَتَزَيِّنِي لِعِبَادِي، فَيُوشِكُ أَنْ يَذْهَبَ عَنْهُمْ نَصَبُ الدُّنْيَا وَأَذَاهَا وَيَصِيرُوا إِلَى جَنَّتِي وَكَرَامَتِي.

وَأَمَّا الْخَامِسَةُ: فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ غُفِرَ لَهُمْ جَمِيعاً.

فَقَالَ رَجُلٌ: فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

فَقَالَ: أَلَمْ تَرَ إِلَى الْعُمَّالِ إِذَا فَرَّغُوا مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَفَوَّ؟^١

٦٩. رسول الله ﷺ: إِنَّ الْجَنَّةَ تُزَخَّرُ لِرَمَضَانَ مِنْ رَأْسِ الْحَوْلِ إِلَى حَوْلِ قَابِلٍ، فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ رَمَضَانَ هَبَّتْ رِيحٌ تَحْتَ الْعَرْشِ مِنْ فَوْقِ الْجَنَّةِ عَلَى الْحُورِ الْعِينِ، فَيَقْلُنَ: يَا رَبِّ، اجْعَلْ لَنَا مِنْ عِبَادِكَ أَزْوَاجاً تَقَرُّ بِهِمْ أَعْيُنُنَا وَتَقَرُّ أَعْيُنُهُمْ بِنَا.^٢

٧٠. عنه ﷺ: إِنَّ الْجَنَّةَ لَتُنَجَّدُ وَتُزَيَّنُ مِنَ الْحَوْلِ إِلَى الْحَوْلِ لِذُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْهُ هَبَّتْ رِيحٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ يُقَالُ لَهَا الْمُشِيرَةُ تَصْفِقُ وَرَقَ أَشْجَارِ الْجَنَانِ وَحَلَقَ الْمَصَارِيحَ، فَيَسْمَعُ لِذَلِكَ طَنِينَ لَمْ يَسْمَعْ السَّامِعُونَ أَحْسَنَ مِنْهُ، وَتَبْرُزْنَ الْحُورُ الْعِينُ حَتَّى يَقِفْنَ بَيْنَ شُرَفِ الْجَنَّةِ، فَيُنَادِينَ: هَلْ مِنْ خَاطِبٍ إِلَى اللَّهِ ﷻ فَيُزَوِّجَهُ؟....

١. الخصال: ١٠١/٣١٧، فضائل الأشهر الثلاثة: ٦٩/٩٠ وفيه «إذا عملوا كيف يوتون أجورهم» بدل «إذا فرغوا...» وص ١٣٠/١٣٦، الأمالي للطوسي: ١٠٨٧/٤٩٦ نحوه، بحار الأنوار: ٣٦/٣٦٤/٩٦ وص ٣٦٨/٤٥: مسند ابن حنبل: ٧٩٢٢/١٤٤/٣ عن أبي هريرة نحوه، شعب الإيمان: ٣/٣٠٣/٣٦، فضائل الأوقات للبيهقي: ٤٧/٣٨، كنز العمال: ٢٣٧٠٩/٤٧٢/٨.

٢. فضائل الأوقات للبيهقي: ٦٢/٤١ عن ابن عمر وص ٦٣/٤٢، صحيح ابن خزيمة: ١٨٨٦/١٩٠/٣، المعجم الكبير: ٩٦٧/٣٨٩/٢٢، شعب الإيمان: ٣٦٣٤/٣١٣/٣ كلها عن أبي مسعود، كنز العمال: ٢٣٧١٥/٤٧٨/٨، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٥١/١٤١ عن ابن مسعود: بحار الأنوار: ١٢/٣٤٦/٩٦ نقلاً عن القطب الراوندي في النوادر عن أبي مسعود نحوه.

چهارم، آن که: خداوند متعال به بهشت خود فرمان می‌دهد که: «استغفار کن و خود را برای بندگانم بیارای. نزدیک است که رنج و آزار دنیا از آنان زدوده شود و به بهشت من و کرامت من روی آورند».

اما پنجم، آن که: چون آخرین شب فرا رسد، همه آنان آمرزیده می‌شوند.

مردی گفت: در شب قدر، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «مگر نمی‌بینی که کارگران، چون از کارهای خود فارغ می‌شوند، مزد کامل می‌گیرند؟».

۶۹. پیامبر خدا ﷺ: بهشت، از سر سال تا سال آینده برای رمضان آراسته می‌شود. پس چون اولین روز [ماه] رمضان شود، نسیمی از زیر عرش از بالای بهشت بر حوریان بهشتی می‌وزد. می‌گویند: «پروردگارا! برای ما از بندگان، همسرانی قرار بده که چشم ما بدانان، و چشم آنان به ما روشن گردد!».

۷۰. پیامبر خدا ﷺ: همانا بهشت برای ورود ماه رمضان، از سال تا سال، آراسته و زینت می‌شود. پس چون نخستین شب ماه رمضان شود، نسیمی از زیر عرش می‌وزد که به آن، «مُشیره (برانگیزنده)» گویند. برگ درختان بهشت و حلقه‌های درهای بهشت به صدا در می‌آیند و از حرکت آنها آهنگی شنیده می‌شود که شنوندگان، زیباتر از آن را شنیده‌اند. حوریان بهشتی سر بر می‌آورند و میان سر درهای بهشت می‌ایستند و بانگ بر می‌آورند: «آیا خواستگاری به درگاه خدا هست تا خداوند، او را همسر دهد؟...».

وَيَقُولُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ سُؤْلَهُ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ؟ مَنْ يُقْرِضُ الْعَلِيَّةَ غَيْرَ الْمُعْدِمِ، وَالْوَفِيِّ غَيْرَ الظَّالِمِ»؟

وإنَّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي آخِرِ كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ أَلْفَ أَلْفِ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ، فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ وَيَوْمُ الْجُمُعَةِ أَعْتَقَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْهُمَا أَلْفَ أَلْفِ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ، وَكُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوا الْعَذَابَ، فَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَعْتَقَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ بِعَدَدِ مَا أَعْتَقَ مِنْ أَوَّلِ الشَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ.

فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ أَمَرَ اللَّهُ ﷻ جِبْرِئِيلَ ﷺ، فَهَبَطَ فِي كَتِيبَةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى الْأَرْضِ... فَيَجَاوِزَانِ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، وَيَبْثُ جِبْرِئِيلُ ﷺ الْمَلَائِكَةَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ، فَيُسَلِّمُونَ عَلَى كُلِّ قَائِمٍ وَقَاعِدٍ، وَمُصَلٍّ وَذَاكِرٍ وَيُصَافِحُونَهُمْ وَيُؤْمِنُونَ عَلَى دُعَائِهِمْ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ نَادَى جِبْرِئِيلُ ﷺ: يَا مَعْشَرَ الْمَلَائِكَةِ، الرَّحِيلَ الرَّحِيلَ، فَيَقُولُونَ: يَا جِبْرِئِيلُ، فَمَاذَا صَنَعَ اللَّهُ تَعَالَى فِي حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ؟ فَيَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَظَرَ إِلَيْهِمْ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فَعَفَا عَنْهُمْ وَغَفَرَ لَهُمْ إِلَّا أَرْبَعَةً: ... مُدْمِنَ الْخَمْرِ، وَالْعَاقِي لَوَالِدَيْهِ، وَالْقَاطِعَ الرَّحِمِ، وَالْمُشَاحِنَ.

فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الْفِطْرِ - وَهِيَ تُسَمَّى: «لَيْلَةُ الْجَوَائِزِ» - أَعْطَى اللَّهُ الْعَامِلِينَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ، فَإِذَا كَانَتْ غَدَاةُ يَوْمِ الْفِطْرِ بَعَثَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ فِي كُلِّ الْبِلَادِ، فَيَهْبِطُونَ إِلَى الْأَرْضِ وَيَقِفُونَ عَلَى أَفْوَاهِ السُّكَّكِ، فَيَقُولُونَ: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، أَخْرِجُوا إِلَى رَبِّ كَرِيمٍ؛ يُعْطِي الْجَزِيلَ وَيَغْفِرُ الْعَظِيمَ.

فَإِذَا بَرَزُوا إِلَى مُصَلَّاهُمْ قَالَ اللَّهُ ﷻ لِلْمَلَائِكَةِ: «مَلَائِكَتِي، مَا جَزَاءُ الْأَجِيرِ إِذَا

و خدای متعال در هر شب از ماه رمضان، سه بار می‌فرماید: «آیا خواهنده‌ای هست که خواسته‌اش را برآورم؟ آیا توبه‌کننده‌ای هست که توبه‌اش را بپذیرم؟ آیا آمرزش‌خواهی هست که او را ببامرزم؟ کیست که به توانگر مورد اعتماد و وفاکننده بی‌ستم، قرض دهد؟»^۱.

و خداوند را به هنگام افطار در آخر هر روز از ماه رمضان، هزار هزار آزاده‌شده از آتش است.

پس چون شب جمعه و روز جمعه شود، خداوند در هر ساعتی از آنها، هزار هزار نفر را از آتش، آزاد می‌کند که همه آنان سزاوار عذاب‌اند. پس چون آخرین روز ماه رمضان شود، خداوند در آن روز، به شمار آنچه از اول تا آخر ماه، آزاد کرده است، آزاد می‌کند.

پس چون شب قدر شود، خداوند به جبرئیل علیه السلام فرمان می‌دهد و او و گروهی از فرشتگان، به زمین فرود می‌آیند... آنان از شرق و غرب، عبور می‌کنند و در آن شب، جبرئیل، فرشتگان را پخش می‌کند. پس بر هر ایستاده و نشسته‌ای و نمازگزار و ذکرگوینده‌ای سلام می‌کنند و با آنان دست می‌دهند و دعا‌های آنان را تا طلوع فجر، آمین می‌گویند.

پس چون سپیده بدمد، جبرئیل ندا می‌دهد: «ای گروه فرشتگان! کوچ، کوچ!».
[فرشتگان] می‌گویند: ای جبرئیل! پس خداوند با حاجت‌های مؤمنان از امت محمد، چه می‌کند؟

می‌گوید: «خدای متعال در این شب به همه آنان نگرست و همه را بخشود و آمرزید، مگر چهار نفر را: ... شرابخوار، عاق والدین‌شده، قطع رحم‌کننده و کینه‌توز».
پس چون شب عید فطر شود - که به آن «لَيْلَةُ الْجَوَائِزِ» (شب جایزه‌ها) گویند - خداوند، مزد عمل‌کنندگان را بی‌حساب می‌دهد. پس چون صبح روز فطر شود، خداوند، فرشتگان خود را به همه شهرها می‌فرستد. آنان به زمین فرود می‌آیند و سر راه‌ها و گذرگاه‌ها می‌ایستند و می‌گویند: «ای امت محمد! به سوی

۱. یعنی خدا که از بنده‌اش قرض می‌خواهد، توانگر است و به وعده خود وفا می‌کند.

عَمِلَ عَمَلَهُ؟» فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: إِلَهْنَا وَسَيِّدُنَا، جَزَاؤُهُ أَنْ تُؤْفَى أَجْرُهُ. فَيَقُولُ اللَّهُ ﷻ: «فَإِنِّي أَشْهَدُكُمْ مَلَائِكَتِي، أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَهُمْ عَنْ صِيَامِهِمْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَقِيَامِهِمْ فِيهِ رِضَايَ وَمَغْفِرَتِي».

وَيَقُولُ: «يَا عِبَادِي، سَلُونِي، فَوَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا تَسْأَلُونَنِي الْيَوْمَ فِي جَمْعِكُمْ لِأَخْرَجَتُكُمْ وَدُنْيَاكُمْ إِلَّا أُعْطِيْتُكُمْ، وَعِزَّتِي لَا أَسْتُرَنَّ عَلَيْكُمْ عَوْرَاتِكُمْ مَا رَاقَبْتُمُونِي، وَعِزَّتِي لَا أَجْرُتُكُمْ وَلَا أَفْضَحُكُمْ بَيْنَ يَدَيِ أَصْحَابِ الْخُلُودِ، انْصَرَفُوا مَغْفُورًا لَكُمْ، قَدْ أَرْضَيْتُمُونِي وَرَضِيتُ عَنْكُمْ».

فَتَفْرَحُ الْمَلَائِكَةُ وَتَسْتَبْشِرُ وَيُهْنِي بَعْضُهَا بَعْضًا بِمَا يُعْطِي اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ إِذَا أَفْطَرُوا.^١

٧١. الكافي عن جابر: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ يَبْكُرُ إِلَى الْمَسْجِدِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ حِينَ تَكُونُ الشَّمْسُ قَدَرِ رُمَحٍ، فَإِذَا كَانَ شَهْرُ رَمَضَانَ يَكُونُ قَبْلَ ذَلِكَ. وَكَانَ يَقُولُ: «إِنَّ لِي جَمْعَ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى جَمْعِ سَائِرِ الشُّهُورِ فَضْلًا كَفَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ».^٢

٧٢. الإمام الصادق ﷻ: إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ فِي رَمَضَانَ، وَتُصَفَّدُ الشَّيَاطِينُ، وَتُقَبَّلُ أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ؛ نِعَمَ الشَّهْرِ رَمَضَانَ؛ كَانَ يُسَمَّى عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: الْمَرْزُوقَ.^٣

وانظر: ص ١٢٢ (بركات ضيافة الله).

١. الأمالي للمفيد: ٣/٢٣٠، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٢٦/١٣٣ نحوه، الإقبال: ٢٣/١، بحار الأنوار: ١/٢٣٨/٩٦؛ فضائل الأوقات للبيهقي: ١٢٩/٦٤، تاريخ دمشق: ٢٩١/٥٢ كلها عن ابن عباس، كنز العمال: ٨/٥٨٥/٨، ٢٤٢٨١/٨. ٢. الكافي: ٨/٢٢٩/٣، تهذيب الأحكام: ٢/٢٤٤/٦٦٠، ثواب الأعمال: ١/٦٢ وليس فيه صدره، بحار الأنوار: ١/٣٧٦/٩٦.

٣. الكافي: ٢/١٥٧/٤، تهذيب الأحكام: ٢/٥٩/٢٠١، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٦٠/٢٠٢٩، ثواب الأعمال: ٩/٩٢ كلها عن علي بن أبي حمزة، بحار الأنوار: ٥٧/٣٧٢/٩٦.

پروردگار کریم خویش بیرون آید که پاداش فراوان می‌دهد و گناه بزرگ را می‌آمرزد».

پس چون به نمازگاه‌های خویش برآیند، خداوند به فرشتگان می‌فرماید: «فرشتگان من! مزد کارگری که کارش را انجام دهد، چیست؟».

فرشتگان گویند: ای معبود و سرور ما! پاداش او، آن است که مزدش کامل داده شود.

پس خداوند می‌فرماید: «شما فرشتگانم را گواه می‌گیرم که من پاداش روزه‌داری و نمازشان را در ماه رمضان، رضایت و آمرزش خود قرار دادم» و می‌فرماید: «ای بندگان من! از من بخواهید. به عزت و جلالم سوگند، امروز در این اجتماع خود، برای دنیایان چیزی نمی‌خواهید، مگر آن که به شما می‌دهم. به عزتم سوگند، تا وقتی مرا مراقب خود بدانید، عیب‌های شما را می‌پوشانم. به عزتم سوگند، شما را پناه می‌دهم و شما را پیش اصحاب خلود (جاودانگی) رسوا نمی‌سازم. باز گردید که آمرزیده‌اید. مرا راضی کردید؛ من هم از شما راضی شدم».

پس فرشتگان به خاطر پاداشی که خداوند به این امت، هنگام افطار، عطا می‌کند، خوش حال می‌شوند و به یکدیگر مژده و تهنیت می‌گویند.

۷۱. الکافی - به نقل از جابر - : امام باقر علیه السلام صبح روزهای جمعه، آن گاه که خورشید به اندازه یک نیزه برآمده بود، به مسجد می‌رفت و چون ماه رمضان می‌شد، پیش از آن می‌رفت و می‌فرمود: «فضیلت جمعه‌های ماه رمضان بر جمعه‌های دیگر ماه‌ها، همچون فضیلت ماه رمضان بر ماه‌های دیگر است».

۷۲. امام صادق علیه السلام: در [ماه] رمضان، درهای آسمان گشوده می‌شوند، شیاطین به بند کشیده می‌شوند و اعمال مؤمنان پذیرفته می‌شود. رمضان، خوب ماهی است! در روزگار پیامبر خدا به ماه رمضان، «مرزوق (روزی یافته)» می‌گفتند.

ر.ک: ص ۱۲۳ (برکات میهمانی خدا).



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

سخنی دربارهٔ به بند کشیده شدن شیطان با در ماه رمضان

در بسیاری از احادیث این باب، به این نکته اشاره شده بود که در ماه رمضان، شیاطین به بند کشیده می‌شوند. در این زمینه پرسش‌هایی پدید می‌آید، از قبیل این که:

شیطان کیست؟ در نظام حکیمانه خلقت، چرا به شیطان اجازه داده شده که انسان را گمراه سازد؟ مرز تسلط شیطان بر انسان تا کجاست؟ چرا خداوند، در ماه رمضان، شیاطین را به بند می‌کشد و از تأثیر گمراه‌گرانه آنان جلوگیری می‌کند؛ ولی در ماه‌های دیگر، آنان را آزاد می‌گذارد؟ و سرانجام، اگر این گونه روایات درست‌اند، چگونه شماری از روزه‌داران، در این ماه، مرتکب گناه می‌شوند؟

پاسخ تفصیلی و کافی به این پرسش‌ها، مجال دیگری می‌طلبد؛^۱ اما آنچه به طور اجمال می‌توان گفت، این است که: در دیدگاه اسلامی، شیاطین، موجوداتی نامرئی از جنس جن‌اند که از شعور، آگاهی، آزادی و قدرت انتخاب برخوردارند؛ لیکن با سوء استفاده از آزادی خود، با زیبا جلوه دادن زشتی‌ها و تحریک هوس‌های نامشروع انسان، به گمراه ساختن و فریب دادن او می‌پردازند.

۱. در موسوعة میزان الحکمة، در ذیل مدخل «شیطان»، به پاسخ تفصیلی این سؤال‌ها و بررسی ابعاد این موضوع خواهیم پرداخت، إن شاء الله.

اما در ورای این نقش اغواگرانه‌ای که شیاطین در نظام آفرینش بازی می‌کنند، حکمت: شکوفایی استعدادهای پنهانی انسان، تربیت در حدّ انسان کامل، و آماده ساختن او در سایه مقاومت در برابر این لغزشگاه‌ها و فریب‌ها، نهفته است. این، در حالی است که مرز سلطه شیاطین بر انسان، از حدّ تحریک و وسوسه فراتر نمی‌رود. از این رو، آنان انسان را به زشتی‌ها دعوت می‌کنند؛ لیکن نمی‌توانند او را به ارتکاب زشتی‌ها وادارند.^۱

با این توضیح، آنچه در این مورد باید بررسی شود، دو مسئله است: نخست، به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضان.

دوم، بررسی عوامل پنهان در ورای انجام دادن گناهان در این ماه، با آن که شیاطین در بندند و نقش گمراهگرانه ندارند.

علّت به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضان

تحلیل و بررسی روایات دینی در موضوع به بند کشیده شدن شیاطین و جلوگیری از آنها در ماه رمضان، دو علّت را نشان می‌دهد، با این توضیح که علّت دوم در طول علّت اول است:

۱. طبیعت پیشگیرانه روزه

روزه به طور طبیعی، زمینه‌ای را که شیطان بر اساس آن، انسان را به گمراهی می‌کشد، از بین می‌برد. به تعبیر دقیق‌تر، زنجیری که در ماه رمضان، شیطان را به بند می‌کشد، چیزی جز خودِ روزه نیست. از این رو، در حدیث پیامبر خدا آمده است:

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَجْرِي مِنَ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فَضَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ؛^۲

۱. در قرآن آمده است: «چون کار دآوری به پایان می‌رسد، شیطان می‌گوید: خداوند به شما وعده راست داد. و من به شما وعده دادم؛ اما تخلف کردم. من بر شما سلطه‌ای نداشتم، جز آن که شما را دعوت کردم. شما هم پذیرفتید. پس مرا سرزنش نکنید و خودتان را ملامت کنید» (ابراهیم، آیه ۲۲).

۲. إحياء علوم الدين: ۳۴۲/۱، المحجة البيضاء: ۱۴۸/۵، عوالي اللئالی: ۹۷/۲۷۳/۱ و ص ۶۶/۳۲۵، بحار الأنوار: ۴۲/۷۰. و نیز بدون جمله: «فَضَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ» در منابع زیر آمده است: صحیح البخاری:

شیطان در انسان جاری می‌شود، همچون جریان خون. پس با گرسنگی، مجاری او را تنگ کنید.

این حدیث، به روشنی بر این نکته دلالت دارد که روزه به طور طبیعی، مانع تسلط شیطان بر انسان می‌شود. زنجیری که روزه دارد، نه تنها شیطان را به بند می‌کشد، بلکه کشش‌های نفس اماره را هم مهار می‌کند، آن را به اسارت در می‌آورد و جلوی سلطه آن را بر انسان می‌گیرد، و به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام:

نِعَمَ الْعَوْنُ عَلَى أَسْرِ النَّفْسِ وَ كَسْرِ عَادَتِهَا التَّجَوُّعُ؛^۱

گرسنگی، چه خوب یاوری برای اسیر کردن نفس و شکستن عادت آن است!

بر این اساس، همه روایاتی که در ستایش گرسنگی و نقش آن در خودسازی و تربیت نفس، وارد شده‌اند، هدف آنها ایجاد موانع طبیعی در برابر سلطه شیطان بر انسان و نگهداری انسان از کشش‌ها و اغواگری‌های نفس و نیز آزادسازی نیروهای عقلی و شکوفاسازی استعدادهای انسانی است، آن گونه که از این دو روایت - که از مجموعه احادیث این گونه برگزیده‌ایم - روشن می‌شود.^۲ پیامبر خدا فرمود:

جَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْجُوعِ وَالْعَطَشِ، فَإِنَّ الْأَجْرَ فِي ذَلِكَ كَأَجْرِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۳

به وسیله گرسنگی و تشنگی، با نفس خویش جهاد کنید؛ چرا که پاداش آن، مثل پاداش جهادکننده در راه خداست.

نیز فرمود:

أَحْيُوا قُلُوبَكُمْ بِقِلَّةِ الضَّحِكِ وَقِلَّةِ الشَّبَعِ، وَ طَهِّرُوهَا بِالْجُوعِ

➤ ۶/۲۶۲۴/۶۷۵۰، سنن ابن ماجه: ۱/۵۶۶/۱۷۷۹، مسند ابن حنبل: ۴/۳۱۳/۱۲۵۹۳ و ص ۵۶۸/۱۴۰۴۴، سنن الدارمی: ۲/۷۷۶/۲۶۸۰.

۱. عیون الحکم و المواعظ: ۴۹۴، غرر الحکم: ۹۹۴۴.
 ۲. برای آگاهی بیشتر از این گونه روایات، ر.ک: ص ۱۳۵ (برکات میهمانی خدا / حکمت) و ص ۱۳۷ (تقرب به خدا) و ص ۱۴۵ (بهشتی شدن).
 ۳. إحياء علوم الدين: ۳/۱۲۴، المحبّة البيضاء: ۵/۱۴۶.

تَصَفُّو [تَصَفُّ] وَ تَرَقُّو^۱

دل‌های خود را با کم خندیدن و کم خوردن، زنده کنید و آن را با گرسنگی، پاک سازید تا صاف و رقیق شود.

۲. عنایت ویژه خداوند

افزون بر پشتوانه‌ای که روزه به طور طبیعی برای روزه‌داران جهت جلوگیری از سلطه شیطان و اغواگری‌های او پدید می‌آورد، این برنامه عبادی، خود به خود، زمینه‌ساز شمول عنایت‌های خدا بر آنان می‌گردد. آنچه در روایات با عنوان به بند کشیدن شیاطین در این ماه آمده است، به همین نکته اشاره دارد.

به عبارت دیگر، عنایت الهی گزاف نیست تا سؤال شود: چرا خدای سبحان، مانع سلطه شیطان نمی‌شود و در بقیه ماه‌ها بین انسان و سلطه او فاصله نمی‌اندازد؟ هرگز؛ بلکه ریشه این توفیق و عنایت الهی، در انتخاب خود انسان و ورود او به میهمان‌سرای رمضان، نهفته است.

عَلَّتْ سَوْدَ نَبْرَدَن اَز به بند کشیده شدن شیاطین

در چارچوب تحلیلی که گذشت - که می‌رساند در این ماه، شیاطین نسبت به انسان و دست کم نسبت به روزه‌داران، سلطه ندارند - سؤال اساسی دومی مطرح می‌شود؛ چرا که می‌بینیم گاهی روزه‌داران هم در این ماه دچار غفلت و گناه می‌شوند. تشریع کفاره‌هایی که برای درمان این حالت‌هاست نیز گواه آن است. سید ابن طاووس^۲ در تصویر این نکته می‌گوید:

یکی از دینداران از من پرسید: «من از به بند کشیده شدن شیاطین بهره‌چندانی نمی‌برم؛ چون همان حالت غفلت را که پیش از ماه رمضان داشتم، دارم و گویا فرقی نکرده است و بازنجیر شدن یاران شیطان، از آن کاسته نشده است...»^۲.

۱. إحياء علوم الدين: ۱۲۹/۳؛ المحجّة البيضاء: ۱۵۲/۵.

۲. سید ابن طاووس، پنج جواب برای این سؤال بیان می‌کند که هیچ کدام قانع‌کننده نیست، مگر پاسخ اخیر که همراه با توضیحاتی در متن می‌آید (ر.ک: الإقبال: ۷۲/۱).

دو پاسخ به این پرسش می‌توان داد:

۱. شیطان، به تنهایی زمینه‌ساز گناهان نیست.

این پاسخ، بر این نکته استوار است که خطاها و گناهانی که از انسان سر می‌زند، تنها به شیطان و اغواگری او مربوط نمی‌شود؛ بلکه دو منشأ اساسی دیگر هم دارد: نفس اماره، و زنگارهای متراکمی که پیامد گناهان پیشین‌اند و دل را آلوده و سیاه ساخته‌اند.

در واقع، عنایت الهی‌ای که در ماه رمضان شامل انسان می‌شود، تنها تأثیر عامل نخستین را که مربوط به شیطان است، از بین می‌برد؛ اما دو عامل دیگر همچنان نقش ایفا می‌کنند و جهت زمینه‌سازی برای انحراف انسان و سر زدن گناهان از او و غافل ماندن وی، کافی‌اند.

بر فرض که روزه بتواند همهٔ کشش‌های نفس اماره را بپوشاند و تأثیر آن را در کشاندن انسان به طرف خطاها و گناهان از بین ببرد، زنگارهای متراکم از گناهان گذشته، کافی‌اند که برای روزه‌دار، خطر آفرین باشند و او را در معرض غفلت و گناه قرار دهند.

۲. در بند بودن شیطان‌ها، نسبی است.

از تحلیل گذشته روشن شد که زنجیری که شیطان را به بند می‌کشد، از خود روزهٔ ماه رمضان فراهم می‌شود و نه از چیز دیگری. بنا بر این، هر چه روزه مستحکم‌تر و کامل‌تر باشد، زنجیری که شیطان را به بند می‌کشد و جلوی نفس اماره را می‌گیرد، محکم‌تر خواهد بود و از میزان غفلت و انحراف‌های ناشی از آن، خواهد کاست.

بر این پایه، می‌توان گفت: روزهٔ آنان که در ماه رمضان، گناهانی مرتکب می‌شوند، روزهٔ کاملی نیست.

الفصل الرابع

التأكيد على إثم تماريركاته

٧٣. رسول الله ﷺ: إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ.^١
٧٤. عنه ﷺ: إِنَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ خَرَجَ عَنْهُ هَذَا الشَّهْرُ وَلَمْ يُغْفَرْ ذُنُوبُهُ، فَحِينَئِذٍ يَخْسِرُ حِينَ يَفُوزَ الْمُحْسِنُونَ بِجَوَائِزِ الرَّبِّ الْكَرِيمِ.^٢
٧٥. عنه ﷺ: مَنْ انْسَلَخَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَلَا غُفْرَانَ لِلَّهِ لَهُ.^٣
٧٦. عنه ﷺ: رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ دَخَلَ عَلَيْهِ رَمَضَانٌ ثُمَّ انْسَلَخَ قَبْلَ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ.^٤
٧٧. عنه ﷺ - عِنْدَ دُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ -: إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ قَدْ حَضَرَكُمْ، وَفِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، مَنْ حُرِمَهَا فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ، وَلَا يُحْرَمُ خَيْرَهَا إِلَّا مَحْرُومٌ.^٥

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ٦١/٧٧، الأُمالي للصدوق: ١٥٤/١٤٩، عيون أخبار الرضا ﷺ: ١/٢٩٥/٥٣ كلها عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عن آبائه ﷺ، بحار الأنوار: ٢٥/٣٥٦/٩٦.

٢. فضائل الأشهر الثلاثة: ٥٣/٧٣، عيون أخبار الرضا ﷺ: ١/٢٩٣/٤٦، الأُمالي للصدوق: ١٠٩/٨٢ كلها عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عن آبائه ﷺ، روضة الواعظين: ٣٧٢، بحار الأنوار: ٣٠/٣٦٢/٩٦.

٣. الإقبال: ١/٤٥٤.

٤. سنن الترمذي: ٥/٥٥٠/٣٥٤٥، مسند ابن حنبل: ٣/٦١/٧٤٥٥، صحيح ابن حبان: ٣/١٨٩/٩٠٨ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ١٦/٣٧/٤٣٨٣٠، جامع الأحاديث للقمي: ٨٣، بحار الأنوار: ٧٤/٨٦/١٠٠.

٥. سنن ابن ماجه: ١/٥٢٦/١٦٤٤٤، مشكاة المصابيح: ١/٦١٤/١٩٦٤، كلاهما عن أنس، كنز العمال: ٨/٥٣٤/٢٤٠٢٨ وانظر المصنف لعبد الرزاق: ٤/١٧٥/٧٢٨٣.

فصل چهارم

تأکید بر بهره‌وری از برکات ماه رمضان

۷۳. پیامبر خدا ﷺ: بدبخت، کسی است که در این ماه بزرگ، از آمرزش الهی محروم بماند.

۷۴. پیامبر خدا ﷺ: بدبخت واقعی، کسی است که این ماه از او بگذرد؛ ولی گناهانش آمرزیده نشوند. پس آن گاه که نیکوکاران به جوایز پروردگار کریمشان دست می‌یابند، او زیانکار (بازنده) می‌گردد.

۷۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس از ماه رمضان بیرون آید، ولی آمرزیده نشود، پس خدا او را نیامرزد!

۷۶. پیامبر خدا ﷺ: ناتوان و خوار [باد] کسی که ماه رمضان بر او وارد شود و پیش از آن که آمرزیده شود، بیرون رود.

۷۷. پیامبر خدا ﷺ: به هنگام ورود ماه رمضان -: همانا این ماه، شما را فرا رسیده است. در آن، شبی است بهتر از هزار ماه. هر کس از آن محروم ماند، از همه خیر محروم مانده است و جز محروم، از خیر آن بی‌بهره نمی‌ماند.

٧٨. عنه عليه السلام: إِنَّ جِبْرِيلَ أَتَانِي فَقَالَ: مَنْ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَدَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، قُل: آمِينَ، فَقُلْتُ: آمِينَ.^١

٧٩. عنه عليه السلام: مَنْ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ.^٢

٨٠. أسد الغابة عن أنس: إِرْتَقَى النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله عَلَى الْمِنْبَرِ دَرَجَةً فَقَالَ: «آمِينَ»، فَقِيلَ لَهُ: عَلَامَ أَمَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

فَقَالَ: «أَتَانِي جِبْرِيلُ فَقَالَ: رَغِمَ أَنْفُ مَنْ أَدْرَكَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ؛ قُل: آمِينَ».^٣

٨١. السنن الكبرى عن أبي هريرة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ارْتَقَى الْمِنْبَرَ فَقَالَ: «آمِينَ آمِينَ آمِينَ». فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا كُنْتَ تَصْنَعُ هَذَا!

فَقَالَ: «قَالَ لِي جِبْرِيلُ عليه السلام: رَغِمَ أَنْفُ عَبْدٍ دَخَلَ عَلَيْهِ رَمَضَانُ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ، فَقُلْتُ: آمِينَ».

ثُمَّ قَالَ: رَغِمَ أَنْفُ عَبْدٍ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْكَ، فَقُلْتُ: آمِينَ.
ثُمَّ قَالَ: رَغِمَ أَنْفُ عَبْدٍ أَدْرَكَ وَالِدَيْهِ أَوْ أَحَدَهُمَا فَلَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ، فَقُلْتُ: آمِينَ».^٤

٨٢. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَفِي أَيِّ شَهْرٍ يُغْفَرُ لَهُ؟^٥

١. صحيح ابن حبان: ٩٧/١٨٨/٣ عن أبي هريرة، المعجم الكبير: ٢/٢٤٤/٢٠٢٢، الفردوس:

١٦٣٥/٤٠٥/١ كلاهما عن جابر بن سمرة، كنز العمال: ١٦/٣٧/٤٣٨٣١؛ المقنعة: ٣٠٨ عن الإمام

الباقر عليه السلام، دعائم الإسلام: ١/٢٦٩ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ٩٦/٣٤٢/٦.

٢. فضائل الأشهر الثلاثة: ١١٥/١٠٩ عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عليه السلام.

٣. أسد الغابة: ١/٢٩٦/٢٥٨.

٤. السنن الكبرى: ٤/٨٠٥٤/٥٠٠، الأدب المفرد: ١٩٤/٦٤٦، فضائل الأوقات للبيهقي: ٧٣/٤٥.

٥. ثواب الأعمال: ٩٦/١٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ٨٦/٨٦، الأمل في الصدوق: ١٠٧/٧٩، روضة

الواعظين: ٣٧٨ كلها عن ابن عباس، بحار الأنوار: ٨/١٨٥/١٤٧.

۷۸. پیامبر خدا ﷺ: جبرئیل نزد من آمد و گفت: «هر کس ماه رمضان را دریابد و آمرزیده نشود و وارد آتش شود، پس دور باد از رحمت خدا! بگو: آمین». من هم گفتم: آمین.

۷۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس ماه رمضان را دریابد، ولی آمرزیده نشود، پس دور باد از رحمت خدا! و هر کس شب قدر را دریابد، ولی آمرزیده نشود، پس دور باد از رحمت خدا!

۸۰. أسد الغابة - به نقل از انس - : پیامبر ﷺ یک پله بر منبر بالا رفت و فرمود: «آمین». گفتند: برای چه «آمین» گفتی، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: ناتوان و بی بهره باد کسی که رمضان را دریابد و آمرزیده نشود! بگو: آمین».

۸۱. السنن الکبری - به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا بر منبر رفت و فرمود: «آمین، آمین، آمین». گفتند: ای پیامبر خدا! چنین نمی‌کردی!

فرمود: «جبرئیل به من گفت: "محروم و ناتوان باد کسی که ماه رمضان بر او وارد شود، پس آمرزیده نگردد!". پس گفتم: آمین».

سپس گفت: «محروم باد بنده‌ای که نزد او یاد شوی و بر تو صلوات نفرستد!». پس گفتم: آمین.

سپس گفت: «محروم باد بنده‌ای که پدر و مادرش یا یکی از آن دو را دریابد و [با نیکی کردن بر آنان] وارد بهشت نشود!». پس گفتم: آمین».

۸۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در ماه رمضان آمرزیده نشود، پس در کدام ماه آمرزیده می‌شود؟!

٨٣. عنه عليه السلام: قَدْ جَاءَكُمْ شَهْرُ رَمَضَانَ؛ شَهْرٌ مُبَارَكٌ... فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، مَنْ حُرِمَهَا فَقَدْ حُرِمَ^١.

٨٤. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ^٢، إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ^٣.

تعليق

أحاديث هذا الفصل هي تحذير وإنذار في ظاهرها، وهي بشارة في باطنها، خاصةً أحاديث النبي عليه السلام التي يدعو فيها على من لم تشمله المغفرة الإلهية في هذا الشهر الكريم وينعته بالشقاء. ولذا جاء عن العالم الرباني ملكي تبريزي (ت ١٣٤٣ق) -رضوان الله عليه- قوله: «ومن أبلغ ما ورد في البشارة لشهر رمضان دعاء النبي عليه السلام على من لم يُغْفَرْ له فيه، حيث إنه عليه السلام قال: «مَنْ انْسَلَخَ عَنْهُ شَهْرُ رَمَضَانَ وَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَلَا عُفْرَ اللَّهُ لَهُ» فَإِنَّ هَذَا الدُّعَاءَ بِلِحَازِ أَنَّهُ عليه السلام بُعِثَ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، بَشَارَةً عَظِيمَةً لِسَعَةِ الرَّحْمَةِ وَعُمُومِ الْغُفْرَانِ فِي الشَّهْرِ، وَإِلَّا لَمْ يَكُنْ مَعَ كَوْنِهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ يَدْعُو لِمُسْلِمٍ وَلَوْ كَانَ مُذْنِباً^٤».

١. تهذيب الأحكام: ٤/١٥٢/٤٢٢، الأمالي للمفيد: ٢/١١٢ وص ١/٣٠١، الأمالي للطوسي: ١٠٨/٧٤ وص ٢٤٦/١٤٩ كلُّها عن أبي هريرة وزادوا فيها «يُردَّدُ عليه السلام ذلك ثلاث مرَّات». بحار الأنوار: ٣٤/١٧/٩٧؛ سنن النسائي: ١٢٩/٤، مسند ابن حنبل: ٣/٨/٧١٥١ وص ٢/٩٥٠٢، المصنَّف لعبد الرزاق: ٤/١٧٥/٧٣٨٣، شعب الإيمان: ٣/٣٠١/٣٦٠٠ كلُّها عن أبي هريرة وفيها «من حرم خيرها فقد حرم».
٢. يقال: عامٌ قَابِلٌ: الَّذِي يَقْبَلُ بَعْدَ الْعَامِ الْمَاضِي (مجمع البحرين: ٣/١٤٣٥).
٣. الكافي: ٤/٦٦/٣، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٢/٥٤٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٩٩/١٨٤١، الإقبال: ١/٢٨ كلُّها عن هشام بن الحكم، المقنعة: ٣٠٩، دعائم الإسلام: ١/٢٦٩، بحار الأنوار: ٩٦/٣٢٢/٦.
٤. المراقبات: ١٠٣.

۸۳. پیامبر خدا ﷺ: ماه رمضان، شما را فرا رسيد، ماهی مبارک ... در آن، شب قدر است که بهتر از هزار ماه است. محروم، کسی است که از آن بی بهره بماند.
۸۴. امام صادق علیه السلام: هر کس در ماه رمضان آمرزیده نشود، تا سال آینده آمرزیده نمی‌شود، مگر آن که روز عرفة را درک کند.

نکته

ظاهر احادیث این فصل، هشدار و بیم دادن است؛ اما باطن آنها بشارت است، بویژه احادیث پیامبر ﷺ که کسانی را که در این ماه، مشمول آمرزش الهی نمی‌شوند، نفرین می‌کند و آنان را بدبخت می‌شمارد. از این رو، عالم ربانی مرحوم آية الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (م ۱۳۴۳ ق) می‌گوید:

از رساترین نکاتی که در بشارت به ماه رمضان روایت شده، نفرین پیامبر ﷺ بر کسانی است که در این ماه آمرزیده نمی‌شوند، آن جا که فرموده است: «آمرزیده مباد کسی که ماه رمضان از او بگذرد و آمرزیده نشود!».

از آن جا که پیامبر ﷺ رحمتی برای جهانیان برانگیخته شده است، این نفرین، بشارت بزرگی به رحمت گسترده و فراگیری آمرزش الهی در این ماه است، وگرنه ایشان با آن که رحمتی برای جهانیان است، هرگز مسلمانی را نفرین نمی‌کند، هر چند فردی گنهکار باشد.^۱



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش دوم

آمادگی برای میثاقی خدا



فصل یکم شناخت میثاقی خدا
مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

فصل دوم : آمادگی برای میثاقی خدا

فصل سوم : ایستادگی آمادگی برای میثاقی خدا

فصل چهارم : دعای آمادگی برای میثاقی خدا

الفصل الأول مَعْرِفَةُ ضِيَاقَةِ اللَّهِ



الكتاب

«يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^١
الحديث

٨٥. الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ خَمْساً وَلَمْ يَفْتَرِضْ إِلَّا حَسَناً جَمِلاً:
الصَّلَاةَ، وَالزَّكَاةَ، وَالْحَجَّ، وَالصِّيَامَ، وَوَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.^٢

٨٦. الإمام الباقر عليه السلام: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ
الْبَيْتِ، وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ.^٣

١. البقرة: ١٨٣.

٢. بشارة المصطفى: ١٠٨ عن حسين بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ٢٣/١٠٥/٤ وانظر الكافي: ٢٧١/٨/٣٩٩.

٣. الخصال: ٢٧٨/٢١ عن أبي حمزة الثمالي، الكافي: ٢/٢١/٧ عن عبد الله بن عجلان وج ١/٦٢/٤، تهذيب الأحكام: ٤/١٥١/٤١٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٧٤/١٧٧٠، فضائل الأشهر الثلاثة: ١١٩/١١٧ كلها عن زرارة نحوه. بحار الأنوار: ٢٧/١٠٣/٦٩ وج ٢١/٣٧٦/٦٨.

فصل یکم

شناخت میهمانی خدا



قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته (واجب) شده است، آن گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، نوشته شده بود. باشد که پروا کنید!».

حدیث

۸۵. امام سجّاد علیه السلام: خداوند، پنج چیز را واجب کرده است و جز نیکو و زیبا، واجب نکرده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت ما اهل بیت.
۸۶. امام باقر علیه السلام: اسلام بر پنج پایه بنا شده است: برپا داشتن نماز، پرداختن زکات، حج خانه خدا، گرفتن روزه ماه رمضان و ولایت ما اهل بیت.

٨٧. عنه عليه السلام: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ، وَالْوَلَايَةِ. وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُوْدِي بِالْوَلَايَةِ.^١

٨٨. الإمام الصادق عليه السلام: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ دَعَائِمَ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ، وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأُئِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^٢

٨٩. عنه عليه السلام: مَا كَلَّفَ اللَّهُ الْعِبَادَ إِلَّا مَا يُطِيقُونَ، إِنَّمَا كَلَّفَهُمْ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ صَلَوَاتٍ، وَكَلَّفَهُمْ مِنْ كُلِّ مِثْقَلٍ دِرْهَمٍ خَمْسَةَ دَرَاهِمٍ، وَكَلَّفَهُمْ صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي السَّنَةِ.^٣

٩٠. عنه عليه السلام: يُسْأَلُ الْمَيِّتُ فِي قَبْرِهِ عَنْ خَمْسٍ: عَنْ صَلَاتِهِ، وَزَكَاتِهِ، وَحُجَّتِهِ، وَصِيَامِهِ، وَوَلَايَتِهِ إِيَّانَا أَهْلَ الْبَيْتِ.^٤

٩١. عنه عليه السلام: أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عليه السلام: الصَّلَوَاتُ الْمَفْرُوضَاتُ، وَعَنِ الزَّكَاةِ، وَعَنِ الصَّيَامِ الْمَفْرُوضِ.^٥

٩٢. عنه عليه السلام: إِذَا جِئْتَ بِالْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ لَمْ تُسْأَلْ عَنْ صَلَاةٍ، وَإِذَا جِئْتَ بِصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ تُسْأَلْ عَنْ صَوْمٍ.^٦

١. الكافي: ٢/١٨/٣ وص ٨/٢١ كلاهما عن فضيل بن يسار وص ١/١٨، الأُمالي للطوسي: ١٢٤/١٩٢ نحوه، المحاسن: ١/٢٤٥/١٠٣٣ كلها عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ٦٨/٢٣٣٢/٨.

٢. فضائل الأشهر الثلاثة: ٨٦/٦٥ وص ١١٢/١٠٦، الأُمالي للصدوق: ٢٤٠/٢٠٤ كلها عن المفضل بن عمر، بحار الأنوار: ٦٨/٣٧٦/٢٢ وج ٢٥٧/٣٩.

٣. المحاسن: ١/٤٦١/١٠٦٩، تهذيب الأحكام: ٤/١٥٤/٢٢٦ كلاهما عن هشام بن سالم، النخصال: ٥٣١/٩ عن إسماعيل بن مهران وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ٥/٤١/٦٦ وص ٣٠٥/١٩.

٤. الكافي: ٣/٢٤١/١٥ عن أحمد الخراساني رفعه، بحار الأنوار: ٦/٢٤٥/١١١ وج ٢١/٦٥٩/٢١٧.

٥. فضائل الأشهر الثلاثة: ١١٠/١٠٣، الأُمالي للصدوق: ٣٢٨/٣٨٨ كلاهما عن عمار بن موسى، روضة الواعظين: ٣٢٩، بحار الأنوار: ٢٧/١٦٧/٢.

٦. كتاب من لا يحضره الفقيه: ١/٢٠٥/٦١٤ عن معمر بن يحيى.

۸۷. امام باقر علیه السلام : اسلام بر پنج پایه بنا شده است : نماز ، زکات ، روزه ، حج ، و ولایت .
و به هیچ چیز همچون ولایت ، ندا داده نشده است .

۸۸. امام صادق علیه السلام : اسلام بر پنج پایه استوار شده است : نماز ، زکات ، روزه ، حج ، و ولایت امیر مؤمنان و امامان از فرزندان او . درود خدا بر آنان !

۸۹. امام صادق علیه السلام : خداوند ، بندگان را به چیزی که تاب نیاورند ، موظف نکرده است . همانا آنان را در شبانه روز ، به پنج نماز ، موظف ساخته است و از هر دویست درهم ، به پنج درهم مکلف نموده و در سال ، به روزه ماه رمضان تکلیف کرده است .

۹۰. امام صادق علیه السلام : از مرده در قبر درباره پنج چیز سؤال می شود : نمازش ، زکاتش ، حجش ، روزه اش ، و ولایتش نسبت به ما اهل بیت .

۹۱. امام صادق علیه السلام : [در قیامت ،] آن گاه که بنده در پیشگاه خداوند می ایستد ، نخستین چیزی که از او می پرسند ، نمازهای واجب ، زکات و روزه واجب است .

۹۲. امام صادق علیه السلام : هر گاه نمازهای پنجگانه را انجام داده باشی ، از نماز دیگر سؤال نمی شوی ، و چون روزه ماه رمضان را گرفته باشی ، از روزه دیگر سؤال نمی شوی .

٩٣. الإمام الرضا عليه السلام - فيما جمعه الفضل بن شاذان من كلامه في علل الفرائض -:
فإن قيل: فلم أمروا بصوم شهر رمضان؛ لا أقل من ذلك ولا أكثر؟

قيل: لأنه قوة العباد الذي يعم فيه القوي والضعيف. وإنما أوجب الله الفرائض على أغلب الأشياء وأعم القوى، ثم رخص لأهل الضعف. وإنما أوجب الله ورغب أهل القوة في الفضل، ولو كانوا يصلحون على أقل من ذلك لنقصهم، ولو احتاجوا إلى أكثر من ذلك لزادهم.^١

٩٤. عنه عليه السلام - أيضاً -: فإن قال: فلم جعل الصوم في شهر رمضان خاصة دون سائر الشهور؟

قيل: لأن شهر رمضان هو الشهر الذي أنزل الله تعالى فيه القرآن، وفيه فرق بين الحق والباطل، كما قال الله تعالى: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾، وفيه نبي محمد صلى الله عليه وآله، وفيه ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر، وفيها يفرق كل أمر حكيم، وهو رأس السنة يقدر فيها ما يكون في السنة من خير أو شر، أو مضرّة أو منفعة، أو رزق أو أجل؛ ولذلك سُميت: «ليلة القدر».^٢

٢/١

حكمة الصيام

٩٥. الإمام علي عليه السلام: حرس الله عباده المؤمنين بالصلوات والزكوات ومجاهدة الصيام

١. علل الشرايع: ٩/٢٧٠، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/١١٧/٢ كلاهما عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ١/٨٠/٦ وج ٥١/٣٧٠/٩٦.

٢. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/١١٦/٢، علل الشرايع: ٩/٢٧٠ كلاهما عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ٥١/٣٧٠/٩٦.

۹۳. امام رضا علیه السلام - در مجموعه‌ای که فضل بن شاذان از سخن ایشان درباره حکمت واجبات، گرد آورده است - : پس اگر بگویند: «چرا به روزه ماه رمضان فرمان یافته‌اند، نه کمتر از آن و نه بیشتر؟»، گفته می‌شود: برای آن که انجام دادن این مقدار روزه در توان بندگان است و نیرومند و ناتوان را فرا می‌گیرد.

همانا خداوند، واجبات را بر پایه چیزهای غالب‌تر و نیروهای فراگیرتر، مقرر داشته و سپس ناتوانان را رخصت داده است. خداوند بر توانمندان واجب ساخته و به بیشتر، تشویق کرده است؛ و اگر شایسته کمتر از آن بودند، از تکلیفشان می‌کاست و اگر به بیش از آن نیاز داشتند، بر تکلیفشان می‌افزود.

۹۴. امام رضا علیه السلام - در همان مجموعه - : اگر بگویند: «چرا تنها در ماه رمضان روزه

واجب شده است و نه ماه‌های دیگر؟»، گفته می‌شود: زیرا ماه رمضان، ماهی است که خداوند در آن، قرآن را نازل کرده و در آن میان حق و باطل، جدایی انداخته است، آن چنان که خداوند فرموده است: «ماه رمضان، ماهی که قرآن در آن فرود آمده است تا هدایتی برای مردم و نشانه‌هایی روشن از هدایت و فرقان باشد». محمد صلی الله علیه و آله نیز در این ماه به پیامبری رسیده است.

و در آن، شب قدر است که بهتر از هزار ماه است. در آن شب، هر امر حکمت‌آمیزی مقدر (جدا) می‌شود و آن، سرآغاز سال است و آنچه در طول سال از خیر و شر، زیان و سود، یا مقدار روزی و مدت عمر خواهد بود، در آن شب، مقدر می‌شود. از این رو به آن، «شب قدر» گویند.

۲/۱

حکمت روزه گرفتن

۹۵. امام علی علیه السلام : خداوند، بندگان مؤمن خویش را با نمازها، زکات‌ها و تلاش برای روزه گرفتن در روزهای واجب‌شده، نگهداری کرده است تا اعضایشان آرامش

فِي الْأَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ؛ تَسْكِيناً لِأَطْرَافِهِمْ، وَتَخْشِيعاً لِأَبْصَارِهِمْ، وَتَذْليلاً
لِنُفُوسِهِمْ، وَتَخْفِيزاً لِقُلُوبِهِمْ، وَإِذَا هَاباً لِلْخَيْلَاءِ عَنْهُمْ، وَلَمَّا فِي ذَلِكَ مِنْ تَعْفِيرِ
عِتَاقِ الْوُجُوهِ بِالثَّرَابِ تَوَاضِعاً، وَالتَّصَاقِ كَرَائِمِ الْجَوَارِحِ بِالْأَرْضِ تَصَاغُراً،
وَلِحُقُوقِ الْبَطُونِ بِالْمُتُونِ مِنَ الصَّيَامِ تَذْليلاً.^١

٩٦. عنه عليه السلام: فَرَضَ اللَّهُ الصَّيَامَ ابْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ.^٢

٩٧. فاطمة عليها السلام: فَرَضَ [الله] ^٣... الصَّيَامَ تَبْيِيتاً لِلْإِخْلَاصِ.^٤

٩٨. الإمام الحسين عليه السلام - فِي بَيَانِ عِلَّةِ الصَّيَامِ -: لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَسَّ الْجُوعِ فَيَعُودَ بِالْفَضْلِ
عَلَى الْمَسَاكِينِ.^٥

٩٩. الإمام الصادق عليه السلام - أَيْضاً -: إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عليه السلام الصَّيَامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ وَالْفَقِيرُ؛
وَذَلِكَ أَنَّ الْغَنِيَّ لَمْ يَكُنْ لِيَجِدَ مَسَّ الْجُوعِ فَيَرْحَمَ الْفَقِيرَ؛ لِأَنَّ الْغَنِيَّ كُلَّمَا أَرَادَ
شَيْئاً قَدَّرَ عَلَيْهِ، فَأَرَادَ اللَّهُ عليه السلام أَنْ يُسَوِّيَ بَيْنَ خَلْقِهِ، وَأَنْ يُذِيقَ الْغَنِيَّ مَسَّ الْجُوعِ
وَالْأَلَمَ؛ لِيَرْقَى عَلَى الضَّعِيفِ فَيَرْحَمَ الْجَائِعَ.

١٠٠. الإمام الرضا عليه السلام - مِمَّا كَتَبَهُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ فِي جَوَابِ مَسَائِلِهِ -: عِلَّةُ الصَّوْمِ
لِعِرْفَانِ مَسَّ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ؛ لِيَكُونَ ذَلِيلاً مُسْتَكِيناً مَا جُوراً مُحْتَسِباً صَابِراً،

١. نهج البلاغة: الخطبة ١٩٢.

٢. نهج البلاغة: الحكمة ٢٥٢.

٣. أثبتنا ما بين المعقوفين من كتاب من لا يحضره الفقيه وبحار الأنوار وفي الاحتجاج: «جعل الله...».

٤. علل الشرايع: ٢/٢٤٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٣/٥٦٨/٤٩٤٠ وفيه «تبيناً» بدل «تشبيهاً» وكلاهما
عن زينب بنت الإمام علي عليه السلام، الاحتجاج: ١/٢٥٨/٤٩ عن عبد الله بن الحسن المثنى عن آبائه عليهم السلام عنها عليها السلام،
بحار الأنوار: ٩٦/٣٦٨/٤٧.

٥. المناقب لابن شهر آشوب: ٤/٦٨، بحار الأنوار: ٩٦/٣٧٥/٦٢.

٦. كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٧٣/١٧٦٦، علل الشرايع: ٢/٣٧٨، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٠٢/٨٨ وفيه
«ليحسن على الضعيف ويطعم الجائع»، الإقبال: ١/٣٠ كلها عن هشام بن الحكم، مجمع البيان: ١/٤٩٠ وليس
فيه «أن يسوي بين خلقه».

یابد و چشمانشان خشوع پیدا کند و جان‌هایشان رام گردد و دل‌هایشان متواضع شود و غرور از آنان زدوده گردد، به سبب حکمت‌هایی که در آنهاست، چون: خاکی شدن چهره‌های عزتمند از روی تواضع، به زمین چسبیدن اعضای شریف از روی فروتنی، و چسبیدن شکم‌ها به پشت‌ها از روی رام شدن.

۹۶. امام علی (ع): خداوند، روزه را واجب فرمود، تا آزمونی برای اخلاص آفریدگان باشد.

۹۷. حضرت فاطمه (ع): روزه برای استوارسازی اخلاص، واجب شده است.

۹۸. امام حسین (ع): درباره حکمت روزه‌داری -: تا ثروتمند، رنج گرسنگی را بچشد؛ پس بر بینوایان نیکی کند.

۹۹. امام صادق (ع): درباره حکمت روزه‌داری -: خداوند متعال، روزه را واجب ساخته است تا ثروتمند و تهی‌دست، برابر شوند؛ چون [بدون روزه] ثروتمند، رنج گرسنگی را نمی‌چشید تا به فقیر ترخم کند؛ زیرا ثروتمند هرگاه چیزی را بخواهد، بر آن تواناست. پس خدای متعال خواست تا میان بندگان برابری پدید آورد و ثروتمند هم طعم گرسنگی و رنج را بچشد تا بر ناتوان، رقت قلب یابد و بر گرسنه ترخم نماید.

۱۰۰. امام رضا (ع): از جمله آنچه در پاسخ سؤال‌های محمد بن سنان نوشته است -: روزه‌داری، برای شناخت رنج گرسنگی و تشنگی است و برای آن است که هر روزه‌داری فروتن، شکسته، پاداش‌یافته و دارای نیت الهی و شکیبا باشد و

وَيَكُونُ ذَلِكَ دَلِيلًا لَهُ عَلَى شِدَائِدِ الْآخِرَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِنْكَسَارِ لَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ، وَاعْظًا لَهُ فِي الْعَاجِلِ، دَلِيلًا عَلَى الْآجِلِ؛ لِيَعْلَمَ شِدَّةَ مَبْلَغِ ذَلِكَ مِنْ أَهْلِ الْفَقْرِ وَالْمَسْكِنَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^١

١٠١. عنه عليه السلام - فِيمَا جَمَعَهُ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ مِنْ كَلَامِهِ فِي عِلَلِ الْفَرَائِضِ -: فَإِنْ قِيلَ: فَلِمَ أُمِرُوا بِالصَّوْمِ؟ قِيلَ: لِكَيْ يَعْرِفُوا أَلَمَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ، وَيَسْتَدِلُّوا عَلَى فَقْرِ الْآخِرَةِ، وَلِيَكُونَ الصَّائِمُ خَاشِعًا دَلِيلًا مُسْتَكِينًا، مَا جُورًا مُحْتَسِبًا عَارِفًا، صَابِرًا عَلَى مَا أَصَابَهُ مِنَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ؛ فَيَسْتَوْجِبَ الثَّوَابَ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِمْسَاكِ عَنِ الشَّهَوَاتِ، وَلِيَكُونَ ذَلِكَ وَاعِظًا لَهُمْ فِي الْعَاجِلِ، وَرَائِضًا لَهُمْ عَلَى أَدَاءِ مَا كَلَّفَهُمْ، وَدَلِيلًا لَهُمْ فِي الْأَجْرِ، وَلِيَعْرِفُوا شِدَّةَ مَبْلَغِ ذَلِكَ عَلَى أَهْلِ الْفَقْرِ وَالْمَسْكِنَةِ فِي الدُّنْيَا فَيُؤَدُّوا إِلَيْهِمْ مَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ فِي أَمْوَالِهِمْ.^٢

١٠٢. عنه عليه السلام - فِي عِلَّةِ الصَّوْمِ -: اِمْتَحَنَهُمْ بِضَرْبِ مِنَ الطَّاعَةِ كَيْمَا يَتَأَلَّوْا بِهَا عِنْدَهُ الدَّرَجَاتِ؛ لِيَعْرِفَهُمْ فَضْلَ مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِمْ مِنْ لَذَّةِ الْمَاءِ وَطِيبِ الْخُبْزِ، وَإِذَا عَطِشُوا يَوْمَ صَوْمِهِمْ ذَكَرُوا يَوْمَ الْعَطَشِ الْأَكْبَرَ فِي الْآخِرَةِ، وَزَادَهُمْ ذَلِكَ رَغْبَةً^٣ فِي الطَّاعَةِ.^٤

١٠٣. الكافي عن حمزة بن محمد: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ [الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام]: لِمَ فَرَضَ اللَّهُ الصَّوْمَ؟ فَوُرِدَ الْجَوَابُ:

«لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَضَضَ الْجُوعِ فَيَجِنَّ عَلَى الْفَقِيرِ».^٥

١. كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٧٦٧/٧٣/٢، علل الشرايع: ١/٣٧٨، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/٩١/٢، بحار الأنوار: ٢/٩٧/٦ وج ٥٢/٣٧٠/٩٦.

٢. علل الشرايع: ٩/٢٧٠، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/١١٦/٢ وفيه «الانكسار» بدل «الإمساك» و«الآجل» بدل «الأجر» وكلاهما عن الفضل بن شاذان، بحار الأنوار: ١/٧٩/٦ وج ٥١/٣٦٩/٩٦.

٣. في المصدر: «رقبة»، وما أثبتناه من بحار الأنوار.

٤. المناقب لابن شهر آشوب: ٣٥٥/٤، بحار الأنوار: ٦/١١٣/٦.

٥. الكافي: ٦/١٨١/٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٧٦٨/٧٣/٢، الأمالي للصدوق: ٧٥/٩٧ وفيهما «مس» الجوع فَيَجِنَّ عَلَى الْفَقِيرِ.

اینها راهنمای او بر سختی‌های قیامت گردند، علاوه بر این که برای روزه‌دار، حالت فرو شکستن شهوات پدید می‌آید و او را در دنیا پند می‌دهد و راهنمایی بر آخرت است، تا بداند که فقیران و بینوایان در دنیا و آخرت، چه سختی‌هایی می‌کشند.

۱۰۱. امام رضا علیه السلام - در مجموعه‌ای که فضل بن شاذان از سخنان ایشان درباره حکمت واجبات، گرد آورده است - : پس اگر گفته شود: «چرا مأمور به روزه شدند؟»، گفته می‌شود: تا رنج گرسنگی و تشنگی را بشناسند و نشانی بر نیاز آخرت بیابند و تا روزه‌دار، خاشع، فروتن، شکسته، پاداش‌یافته، امیدوار به اجر الهی و عارف گردد و بر گرسنگی و تشنگی‌ای که به او می‌رسد، شکیباً شود تا شایسته پاداش گردد، به علاوه خودداری از برآوردن خواسته‌های نفس، و برای این که روزه، در دنیا مایه پند آنان شود و سبب تمرین آنان بر انجام دادن تکلیف‌های خدا و راهنمای آنان در پاداش گردد و تا بدانند که چه سختی‌هایی بر فقیران و بینوایان در دنیا می‌گذرد؛ پس آنچه را خداوند برای فقیران در اموال آنان واجب ساخته، به آنان بپردازند.

۱۰۲. امام رضا علیه السلام - درباره حکمت روزه - : خداوند، از آن روبندگان را با انواع طاعت‌ها آزموده است که نزد خداوند به درجاتی برسند، تا ارزش آنچه را خداوند از لذت آب و گوارایی نان، روزی آنان ساخته است، دریابند و هر گاه در روز روزه‌داری خود تشنه شوند، به یاد روز تشنگی بزرگ در قیامت بیفتند و این، مایه رغبت بیشتر آنان در طاعت گردد.

۱۰۳. الکافی - به نقل از حمزة بن محمد - : به امام عسکری علیه السلام نوشتم: چرا خداوند، روزه را واجب ساخته است؟

چنین جواب آمد: «تا ثروتمند، سختی گرسنگی را دریابد و بر نیازمند، دلسوزی کند».

٣/١

فَضْلُ الصَّيَّامِ

١٠٤. رسول الله ﷺ: جَعَلَ اللَّهُ ... قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ.^١
١٠٥. عنه ﷺ: قَالَ حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ: إِنَّ مَثَلَ هَذَا الدِّينِ كَمَثَلِ شَجَرَةٍ ثَابِتَةٍ؛ الْإِيمَانُ أَصْلُهَا، وَالصَّلَاةُ عُرْوَتُهَا، وَالزَّكَاةُ مَاؤُهَا، وَالصَّوْمُ سَعْفُهَا.^٢
١٠٦. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ: التَّهَجُّدُ فِي اللَّيْلِ بِالصَّلَاةِ، وَلِقَاءُ الْإِخْوَانِ، وَالصَّوْمُ.^٣
١٠٧. لقمان عليه السلام - فِي مَوْعِظَتِهِ لِابْنِهِ -: يَا بُنَيَّ، السَّفِينَةُ إِيْمَانٌ، وَشِرَاعُهَا التَّوَكُّلُ، وَسُكَّانُهَا الصَّبْرُ، وَمَجَاذِفُهَا الصَّوْمُ وَالصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ.^٤

٤/١

الصَّوْمُ لِلَّهِ

١٠٨. رسول الله ﷺ: قَالَ اللَّهُ ﷻ: «الصَّوْمُ لِي، وَأَنَا أَجْزِي بِهِ».^٥

١. مكارم الأخلاق: ١٤١/٨٣/١، بحار الأنوار: ٢٤٩/١٦.
٢. علل الشرايع: ٥/٢٤٩ عن أنس، بحار الأنوار: ٢/١٠٩/٦ وج ٣٠/٣٨٠/٦٨ وانظر جامع الأخبار: ١٠٨/١٩١ والفردوس: ٤/١٤٥/٦٤٤٧.
٣. دعائم الإسلام: ١/٢٦٩، الأمالي للطوسي: ٢٩١/١٧٢ عن بحر السقاء وفيه «إفطار الصائم» بدل «الصوم»، بحار الأنوار: ٩٦/٢٥٧/٤١.
٤. الاختصاص: ٣٣٦ عن الأوزاعي، بحار الأنوار: ٢٢/٤٢٧/١٣ نقلًا عن جعفر بن الحسين المؤمن القمي في كتابه النوادر.
٥. تهذيب الأحكام: ٤/١٥٢/٤٢٠ عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٧٧٣/٧٥/٢، الكافي: ٤/٦٣/٦ عن أبي الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «عليه» بدل «به»؛ صحيح البخاري: ٦/٢٧٢٣/٧٠٥٤ وص ٧١٠٠/٢٧٤١، مسند ابن حنبل: ٣/١٦/٧١٩٩ كلها عن أبي هريرة وص ٧١٧٧/١٣، صحيح مسلم: ٢/٨٠٧/١٦٥، السنن الكبرى: ٤/٤٥٤/٨٣٣٣، مسند أبي يعلى: ١/٤٦٩/١٠٠١ كلها عن أبي هريرة وأبي سعيد الخدري، سنن النسائي: ٤/١٥٩ عن الإمام علي عليه السلام.

۳/۱

فصلت روزه

۱۰۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، فروغ دیدگانم را در نماز و روزه قرار داده است.

۱۰۵. پیامبر خدا ﷺ: حبیب من جبرئیل گفت: «مَثَل این دین، همچون «مَثَل درختی ثابت و استوار است. ریشه‌اش ایمان است و رگ‌هایش نماز. آب آن، زکات است و شاخ و برگش، روزه».

۱۰۶. امام صادق (ع): سه چیز از رحمت خداست: شب‌زنده‌داری و نماز گزاری در شب، دیدار با برادران، و روزه گرفتن.

۱۰۷. لقمان (ع): در موعظه خویش به پسرش -: «فرزندم! ایمان، کشتی است. بادبان آن، توکل است؛ سگان آن، صبر است؛ و تیرک‌های بادبان آن، نماز و روزه و زکات‌اند.

۴/۱

روزه برای خداست

۱۰۸. پیامبر خدا ﷺ: خداوند فرموده است: «روزه، برای من است و خودم پاداش آن را می‌دهم».

١٠٩. عنه عليه السلام: كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ يُضَاعَفُ؛ الْحَسَنَةُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِئَةٍ ضِعْفٍ،

قَالَ اللَّهُ تعالى: «إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي، وَأَنَا أَجْزِي بِهِ، يَدَعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِي».^١

١١٠. عنه عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ؛ فَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا إِلَى

سَبْعِمِئَةٍ ضِعْفٍ، إِلَّا الصِّيَامَ هُوَ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ، إِنَّهُ يَتْرُكُ الطَّعَامَ وَشَهْوَتَهُ مِنْ

أَجْلِي، وَيَتْرُكُ الشَّرَابَ وَشَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِي؛ فَهُوَ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ».^٢

١١١. عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - : «كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ هُوَ لَهُ غَيْرَ الصِّيَامِ؛

هُوَ لِي، وَأَنَا أَجْزِي بِهِ». وَالصِّيَامُ جُنَّةُ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَمَا يَقِي

أَحَدَكُمْ سِلَاحُهُ فِي الدُّنْيَا. وَلَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ تعالى مِنْ رِيحِ

الْمِسْكِ. وَالصَّائِمُ يَفْرَحُ بِفَرَحَتَيْنِ: حِينَ يُفْطِرُ فَيَطْعَمُ وَيَشْرَبُ، وَحِينَ يَلْقَانِي

فَادْخُلُهُ الْجَنَّةَ».^٣

١١٢. عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ مَحْضٌ.^٤

١١٣. الإمام علي عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : الصَّوْمُ عِبَادَةٌ بَيْنَ الْعَبْدِ وَخَالِقِهِ،

لَا يَطْلُعُ عَلَيْهَا غَيْرُهُ، وَكَذَلِكَ لَا يُجَازِي عَنْهَا غَيْرُهُ.^٥

وانظر: ص ٩٦، ح ٩٦ و ٩٧.

١. صحيح مسلم: ١٦٤/٨٠٧/٢. سنن الترمذي: ١٣٦/٢٦٤/٢، سنن ابن ماجه: ٢/١٢٥٦/٢٨٢٣

وليس فيهما «يدع شهوته وطعامه من أجلي». سنن النسائي: ١٦٢/٤، مسند ابن حنبل: ٣/٥١٨/١٠١٧٩

وفيه «شرابه» بدل «شهوته»، السنن الكبرى: ٤/٢٥٤/٨٣٣٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٤٣/١٥٦، كلها عن

أبي هريرة، معاني الأخبار: ٩١/٤٠٩ عن أنس وكلاهما نحوه.

٢. سنن الدارمي: ١/٤٥١/١٧١٩، مسند أبي يعلى: ٥/٣٥٨/٥٩٢١، كلاهما عن أبي هريرة، مسند ابن حنبل:

٣/٦٩/٧٤٩٧ عن عبد الله عن أبيه وكلاهما نحوه.

٣. النخصل: ٢٥/٤٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٣٤/١٤٢ وزاد فيه «من النار» قبل «يوم القيامة» وكلاهما عن

ابن عباس، روضة الواعظين: ٣٨٣.

٤. كنز العمال: ٨/٢٥٠/٢٣٦٠٩ نقلًا عن شعب الإيمان عن عثمان بن مظعون.

٥. شرح نهج البلاغة: ٢٠/٢٩٦/٢٨٥.

۱۰۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کار آدمی زاده، چند برابر می شود. کار نیک، ده برابر تا هفتصد برابر می شود. خداوند فرموده است: «مگر روزه، که برای من است و خودم پاداش آن را می دهم، [که روزه دار،] خواسته دل و خوراکش را به خاطر من وا می گذارد».

۱۱۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند می فرماید: «هر کار آدمی زاده، برای خود اوست. کار نیک ده برابر تا هفتصد برابر می شود، مگر روزه داری، که آن برای من است و خودم پاداش آن را می دهم. روزه دار، غذا و علاقه به آن را به خاطر من ترک می کند و نوشیدنی و علاقه به آن را به خاطر من رها می نماید. پس، آن برای من است و خودم، پاداش آن را می دهم».

۱۱۱. پیامبر خدا ﷺ: خدای متعال فرموده است: «هر کار آدمی زاده برای خود اوست، مگر روزه داری، که برای من است و من خودم پاداش آن را می دهم. روزه، سپر بنده مؤمن در روز قیامت است، همان گونه که در دنیا هر یک از شما را سلاحش حفاظت می کند. بوی ناخوش دهان روزه دار نزد خدا از بوی مشک، خوش بوتر است. روزه دار، دو بار خوش حال می شود: هنگامی که افطار می کند و می خورد و می نوشد و آن گاه که مرا دیدار می کند. پس، او را وارد بهشت می کنم».

۱۱۲. پیامبر خدا ﷺ: بر تو باد روزه، که عبادتی ناب است!

۱۱۳. امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان - : روزه، عبادتی میان بنده و آفریدگار اوست. کسی جز آفریدگار، از آن آگاه نمی شود و کسی جز پروردگار، پاداش آن را نمی دهد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نخنی در شرح حدیث: «روزه، برای من است»

ابو حامد غزالی در شرح این حدیث، گفته است:
این که روزه برای خداست و این شرافت را یافته که به خداوند، نسبت داده شود
(هر چند همه عبادات، برای اوست، همچنان که کعبه این شرف را یافته که خانه او
باشد، در حالی که همه زمین برای اوست) دو معنا دارد:

نخست، این که: روزه، پرهیز و ترک است و عملی پنهان است و در آن، کاری
نیست که دیده شود. به خلاف همه عبادت‌ها که در معرض دید مردم انجام
می‌شوند، روزه، عبادتی است که جز خدا آن را نمی‌داند؛ چرا که کاری است باطنی
که همان صبر است.

دوم، این که: روزه، سرکوبی دشمن خداست؛ چون ابزار شیطان ملعون،
شهوت‌ها هستند و شهوات با خوردن و آشامیدن، نیرو می‌یابند. از این رو،
پیامبر ﷺ فرموده است:

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَجْرِي مِنَ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ؛ فَضَيِّقُوا مَجَارِيَهُ
بِالْجُوعِ؛^۱

شیطان، همچون خون، در وجود آدمی جاری می‌شود، پس

گذرگاه‌های او را با گرسنگی، تنگ کنید

از آن جا که بخصوص روزه، سرکوبی شیطان و بستن و تنگ ساختن گذرگاه‌های اوست، شایسته است که ویژه خدا گردد؛ زیرا سرکوبی دشمن خدا، یاری نمودن خداست، و یاری‌رسانی خداوند به بنده‌اش، در پی یاری کردن بنده به خداست. خداوند فرموده است:

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُخْلِفَ أَقْدَامَكُمْ﴾^۱

اگر خدا را یاری کنید، خدا یاری‌تان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.

پس شروع تلاش، از بنده است و پاداش دادن به هدایت، از خدا. از این رو فرموده است:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۲

و آنان که در راه ما جهاد کنند، ما راه‌های خود را به آنان نشان می‌دهیم.

و فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾^۳

خداوند، سرنوشت یک ملت را عوض نمی‌کند، تا وضع خودشان را تغییر دهند.

این تغییر، با شکستن شهوات انجام‌پذیر است؛ چون شهوت‌ها، چراگاه‌های شیاطین‌اند و تا وقتی سرسبز باشند، رفت و آمد آنها بریده نمی‌شود و تا در رفت و آمدند، جلال خداوند بر بنده آشکار نمی‌شود و بنده از دیدار خدا محروم می‌ماند. پیامبر خدا ﷺ فرمود:

۱. محمد، آیه ۷.

۲. عنکبوت، آیه ۶۹.

۳. رعد، آیه ۱۱.

لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ، لَنَظَرُوا إِلَى مَلَكُوتِ السَّمَاءِ؛

اگر نبود این که شیاطین، دور و بر دل‌های آدمی زادگان می چرخند، آدمیان به ملکوت آسمان می نگریستند.^۱

از این رو، روزه در عبادت و سپر ایمنی گشته است.

در کتاب النهایة ابن اثیر آمده است:

مردم، در تأویل این حدیث و این که: «چرا خداوند، روزه و پاداش آن را مخصوص خود ساخته است، هر چند همه عبادت‌ها و پاداش آنها، از سوی خدا و بر عهده اوست؟»، بسیار گفته‌اند. آنان در این باره وجوهی را ذکر کرده‌اند که محور همه آنها، این است که: روزه، رازی میان خدا و بنده است و کسی جز او، از آن آگاه نمی‌شود. پس بنده، روزه‌دار واقعی نمی‌شود، مگر آن که در اطاعت، اخلاص داشته باشد.

گرچه همان طور است که گفته‌اند، ولی عبادات دیگری هم هستند که در پنهان بودن، مثل روزه‌اند، مانند: نماز بی‌وضو و نماز در جامه نجس و این گونه اعمال پنهانی که همراه با عبادات‌اند و جز خدا و نمازگزار، آنها را نمی‌داند.

بهترین چیزی که در تأویل این حدیث شنیده‌ام، این است که: همه عبادت‌هایی که بندگان با انجام دادن آنها به خداوند، تقرب می‌جویند (مانند: نماز، حج، صدقه، اعتکاف، دعا، نیایش، قربانی و انواع عبادت‌های دیگر)، مشرکان نیز با همانها خداهای خویش و آنچه را شریک خدا قرار داده بودند، پرستیده‌اند؛ اما هرگز شنیده نشده است که گروهی از مشرکان و پیروان مذاهب در دوران‌های پیشین، معبودهای خود را با «روزه» پرستیده باشند و بدین وسیله به آنها تقرب جسته باشند.

روزه، به عنوان عبادت، تنها از سوی ادیان آسمانی، شناخته شده است. از این رو، خداوند فرموده است: «روزه، برای من است و خودم پاداش آن را می‌دهم»، یعنی: در آن، کسی شریک من نگشته است و با آن جز من، پرستش نشده است. پس در این هنگام، خودم پاداش آن را بر عهده می‌گیرم و به کسی دیگر، چه فرشتگان مقرب و چه غیر آنان، وا نمی‌گذارم؛ تا اندازه‌ای که به من اختصاص یابد.^۱

اما آنچه اخیراً در تفسیر این حدیث رایج شده که حدیث مذکور چنین قرائت می‌شود: «الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أُجْزِي بِهِ؛ روزه برای من است و من - یعنی خداوند متعال - جزا داده می‌شوم به آن»، تا آن جا که ما جستجو کردیم، هیچ یک از حدیث‌شناسان گذشته، آن را چنین قرائت نکرده و از آن، چنین معنایی نفهمیده است.



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

٥/١

قِيمَةُ الصَّائِمِ

الكتاب

«التَّائِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّاجِدُونَ الْآمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْخَافُونَ لِحُذُودِ اللَّهِ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»^١.
«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِينَ وَالْقَنَاتِ وَالصَّادِقِينَ
وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَشِيعِينَ وَالْخَشِيعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ
وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّابِتِينَ وَالصَّابِتَاتِ وَالْخَافِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْخَافِضَاتِ وَالذَّاكِرِينَ
اللَّهُ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^٢.

الحديث

١١٤. رسول الله ﷺ - في قوله تعالى: «التَّائِبُونَ الْعَبِدُونَ الْحَمِيدُونَ السَّاجِدُونَ» -:
السَّائِحُونَ وَهُمْ الصَّائِمُونَ^٣.

١١٥. عنه ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ مَائِدَةً عَلَيْهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبٍ
بَشَرٍ، لَا يَقَعُدُ عَلَيْهَا إِلَّا الصَّائِمُونَ^٤.

١١٦. عنه ﷺ: نَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ، وَنَفْسُهُ تَسْبِيحٌ^٥.

١. التوبة: ١١٢.

٢. الأحزاب: ٣٥.

٣. في الحديث: «سياحة هذه الأمة الصيام»، قيل للصائم: سائح؛ لأن الذي يسبح في الأرض متعبداً يسبح ولا زاد
له ولا ماء، فحين يجد يطعم. والصائم يمضي نهاره لا يأكل ولا يشرب شيئاً فشبهه به (النهاية: ٢/٤٣٣).

٤. الكافي: ١/١٥/٥، تهذيب الأحكام: ٦/١٣٠/٢٢٤ كلاهما عن أبي عمرو الزيري عن الإمام الصادق عليه السلام،
بحار الأنوار: ٣٥٦/٦٩؛ المستدرک على الصحيحين: ٢/٣٦٥/٣٢٨٨، شعب الإيمان: ٣/٢٩٣/٣٥٧٨
كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ٢/٧/٢٩٠٤.

٥. المعجم الأوسط: ٩/١٧٠/٩٤٢٣ عن أنس، كنز العمال: ٨/٤٥٢/٢٣٦٢٠.

٦. ثواب الأعمال: ٧٥/٢ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد: ٩٥/٣٢٤ عن الإمام عليه السلام.

۵/۱

ارزش روزه دار

قرآن

﴿مُؤْمِنًا﴾ توبه کنندگان، پرستشگران، ستایشگران، سیاحتگران (روزه داران)^۱، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، امر به معروف و نهی از منکر کنندگان و نگهبانان حدود الهی اند و مؤمنان را بشارت بده.

﴿هَمانا﴾ خداوند برای مردان و زنان مسلمان و مؤمن، پرستشگر، راستگو، صابر، خاشع، صدقه دهنده، روزه دار، پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را بسیار یاد می کنند، آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.



حدیث

۱۱۴. پیامبر خدا ﷺ - دربارهٔ آیه: ﴿مُؤْمِنًا﴾ توبه کنندگان، پرستشگران، ستایشگران، سیاحتگران ... اند - : سیاحتگران، همان روزه داران اند.^۲

۱۱۵. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، سفره‌ای دارد که بر آن نعمتی است که نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه بر دل بشری گذشته است. بر سر این سفره، جز روزه داران نخواهند نشست.

۱۱۶. پیامبر خدا ﷺ: خواب روزه دار، عبادت است و نفس او، تسبیح است.

۱. دربارهٔ این معنا، رک: حدیث ۱۱۴.

۲. در حدیث است: «سیاحت این امت، روزه است». این که به روزه دار، «گردشگر» گفته شده، به خاطر شباهتی است که میانشان وجود دارد؛ زیرا کسی که در زمین سیاحت می کند، عبادت پیشه‌ای است که بی توشه و اب می گردد و هر گاه چیزی بیابد، می خورد. روزه دار هم روزش را بدون خوردن و نوشیدن می گذراند.

١١٧. عنه عليه السلام: نَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ، وَصَمْتُهُ تَسْبِيحٌ، وَعَمَلُهُ مُضَاعَفٌ، وَدُعَاؤُهُ مُسْتَجَابٌ، وَذَنْبُهُ مَغْفُورٌ.^١

١١٨. عنه عليه السلام: إِنَّ الصَّائِمَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ الْقَلَمُ حَتَّى يُفْطِرَ، مَا لَمْ يَأْتِ بِشَيْءٍ يَنْقُضُ.^٢

١١٩. عنه عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ تعالى: «... لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ حِينَ يُفْطِرُ، وَفَرْحَةٌ حِينَ يَلْقَى رَبَّهُ».^٣

١٢٠. عنه عليه السلام: لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ، وَفَرْحَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يُنَادِي الْمُنَادِي: «أَيْنَ الظَّالِمَةُ أَكْبَادُهُمْ؟ وَعِزَّتِي، لِأُرْوِيَنَّهُمُ الْيَوْمَ».^٤

١٢١. عنه عليه السلام: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ.^٥

١٢٢. عنه عليه السلام: أَمْرُكُمْ بِالصَّيَامِ؛ فَإِنَّ مَثَلَ ذَلِكَ كَمَثَلِ رَجُلٍ فِي عِصَابَةٍ مَعَهُ صُرَّةٌ فِيهَا



«الصادق عن أبيه عليه السلام، الجعفر بن محمد: ٥٨ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ٢٧٠/١، الكافي: ١٢/٦٤/٤، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٠/٥٤٠ كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام

الصادق عليه السلام: حلية الأولياء: ٨٣/٥ عن ابن مسعود، الفردوس: ٢/١٢٤/٢٦٤٥ عن أسامة بن زيد.

١. شعب الإيمان: ٣/٤١٥/٣٩٢٧ وح ٣٩٢٩ وليس فيه «وذنبه مغفور»، الفردوس: ٤/٢٤٨/٦٧٣٤ وفيه

«نفسه» بدل «صمته» وكلها عن عبد الله بن أبي أوفى وح ٢/٣٩٧/٣٧٦١ عن ابن عمر نحوه؛ كتاب من لا يحضره

الغفقيه: ٢/٧٦/١٧٨٣، ثواب الأعمال: ٢/٧٥ عن الحسين بن أحمد عن أبيه، الدعوات: ٢٧/٤٥، عدة

الداعي: ١١٧ كلها عن الإمام الصادق عليه السلام وفيها «متقبل» بدل «مضاعف» وليس فيها «وذنبه مغفور».

٢. فضائل الأشهر الثلاثة: ٥٥/٣٣ وص ١١٦/١١١ كلاهما عن سليمان المروزي عن الإمام الرضا عليه السلام والآخر

من دون إسناد إليه عليه السلام وفيه «فينقض صومه».

٣. صحيح البخاري: ٦/٢٧٢٣/٧٠٥٤ وح ٢/٦٧٣/١٨٠٥ نحوه، صحيح مسلم: ٢/٨٠٧/١٦٤، سنن ابن ماجه:

١/٥٢٥/١٦٣٨ كلها عن أبي هريرة؛ الكافي: ٤/٦٥/١٥، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٢٠/١٢٠ كلاهما عن

أبي الصباح الكناني، كتاب من لا يحضره الغفقيه: ٢/٧٦/١٧٨٠ كلها عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسناد إليه عليه السلام.

٤. مسند زيد: ٢٠٣ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليه السلام.

٥. صحيح البخاري: ٢/٦٧٠/١٧٩٥ وح ٥/٢٢١٥/٥٥٨٣، صحيح مسلم: ٢/٨٠٧/١٦٤، سنن الترمذي:

٣/١٣٦/٧٦٤، سنن ابن ماجه: ١/٥٢٥/١٦٣٨ كلها عن أبي هريرة؛ كتاب من لا يحضره الغفقيه:

٢/٧٥/١٧٧٣، النخصال: ٤٥/٤٢ عن ابن عباس.

۱۱۷. پیامبر خدا ﷺ: خواب روزه‌دار، عبادت است؛ سکوتش تسبیح است؛ عملش دو برابر است؛ دعایش مستجاب است و گنااهش آمرزیده است.

۱۱۸. پیامبر خدا ﷺ: بر روزه‌دار، قلم [ثبت گناهان] جاری نمی‌شود^۱ تا آن که افطار کند، [البته] تا وقتی که آنچه روزه را باطل می‌کند، انجام نداده باشد.

۱۱۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند می‌فرماید: «... روزه‌دار، دو خوش‌حالی دارد: یکی خوش‌حالی او، هنگامی که افطار می‌کند؛ و دیگری خوش‌حالی او هنگامی که با پروردگارش دیدار می‌نماید».

۱۲۰. پیامبر خدا ﷺ: روزه‌دار، دو خوش‌حالی دارد: خوش‌حالی او به هنگام افطارش، و خوش‌حالی او در روز قیامت، [آن‌گاه] که منادی ندا می‌دهد: «کجایند صاحبان جگرهای سوخته و تشنه؟ به عزتم سوگند، امروز سیرابشان می‌کنم».

۱۲۱. پیامبر خدا ﷺ: سوگند به آن که جانم در دست اوست، بوی ناخوش دهان روزه‌دار نزد خدای متعال، خوش‌بوتر از بوی مُشک است.

۱۲۲. پیامبر خدا ﷺ: شما را به روزه‌داری فرمان می‌دهم. مَثَل روزه، مَثَل مردی است که در میان گروهی است و با خود، کیسه‌ای مُشک دارد. همه خرسندند

۱. بی‌تردید، این حدیث و امثال آن، مجوز ارتکاب گناه نیستند و مقصود، آن است که روزه، مانع از انجام دادن گناهان می‌گردد و در نتیجه گناهی در پرونده روزه‌دار، ثبت نمی‌شود.

مِسْكٌ، فَكُلُّهُمْ يَعْجَبُ أَوْ يُعْجِبُهُ رِيحُهَا، وَإِنَّ رِيحَ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ.^١

١٢٣. عنه عليه السلام: ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ: دَعْوَةُ الصَّائِمِ، وَدَعْوَةُ الْمُسَافِرِ، وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ.^٢

١٢٤. عنه عليه السلام: أَوْلِيَاءُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ الْعَنَاءُ، مَسْحَبَةُ أَلْوَانِهِمْ مِنَ الشَّهْرِ، وَمُنْحَنِيَّةُ أَصْلَابُهُمْ مِنَ الْقِيَامِ، قَدْ لَصِقَتْ بِطُونُهُمْ بِظُهُورِهِمْ مِنْ طَوْلِ الصَّيَامِ.^٣

١٢٥. عنه عليه السلام: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَظَّمَهُ؛ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ، وَبَطْنَهُ مِنَ الطَّعَامِ، وَعَفَا نَفْسَهُ بِالصَّيَامِ وَالْقِيَامِ.^٤

١٢٦. عنه عليه السلام: مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَمَلَكٌ يُنَادِي فِي الْمَقَابِرِ: مَنْ تَغِيبُطُونَ؟ فَيَقُولُونَ: أَهْلَ الْمَسَاجِدِ؛ يُصَلُّونَ وَلَا تَقْدِرُ، وَيَصُومُونَ وَلَا تَقْدِرُ.^٥

١٢٧. الإمام علي عليه السلام: لَوْ دَافَعْتُ يَوْمَكَ يَا غَافِلًا بِالْقِيَامِ، وَقَطَعْتَ يَوْمَكَ بِالصَّيَامِ، وَاقْتَصَرْتَ عَلَى الْقَلِيلِ مِنْ لَعَقِ الطَّعَامِ، وَأَحْيَيْتَ مُجْتَهِدًا لَيْلَكَ بِالْقِيَامِ؛ كُنْتَ أَحَرَى أَنْ تَنَالَ أَشْرَفَ الْمَقَامِ.^٦

١. سنن الترمذي: ٢٨٦٣/١٤٨/٥، مسند ابن حنبل: ١٧١٧٠/٩٠/٦، وص ١٧٨١٥/٢٣٩ وفيهما «كلهم يجد ريح المسك»، صحيح ابن حبان: ٦٢٣٣/١٢٥/١٤، المستدرک علی الصحیحین: ١/٥٨٣/١٥٣٤ كلاهما نحوه وكلها عن الحارث الأشعري.

٢. فضائل الأشهر الثلاثة: ١٥٧/١٤٣ عن أبي هريرة.

٣. التحصين لابن فهد: ٣٩/٢٢ عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل.

٤. الكافي: ٢/٢٣٧/٢٥ عن عيسى النهريري عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالي للصدوق: ٤٨٢/٣٨٠ عن عيسى النهريري عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، عنه عليه السلام، مشكاة الأنوار: ٢٨٨/١٢٢ وص ٦١٥/٢٢١ عن الإمام الصادق عليه السلام، روضة الواعظين: ٣٢٠ وص ٤٧٢ وفيها «عنى» بدل «عفا»، بحار الأنوار: ٢٣/٢٨٨/٦٩.

٥. مستدرک الوسائل: ٣/٣٦٣/٣٧٨٦ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ الباب.

٦. البلد الأمين: ٣١٨، المصباح للكفعمي: ٤٩٧ وفيه «لو دافعت يومك يا غافلاً بالصيام» وكلاهما عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ١٤/١٠٩/٩٤.

که [یا خود،] مشک دارند و یا بوی خوش مُشک، آنان را خرسند می‌کند. بوی روزه‌دار، نزد خدا از بوی مُشک، خوش‌بوتر است.

۱۲۳. پیامبر خدا ﷺ: سه دعا، مستجاب است: دعای روزه‌دار، دعای مسافر و دعای ستم‌دیده.

۱۲۴. پیامبر خدا ﷺ: بر [بدن‌های] اولیای خدا آثار رنج است: از شب‌بیداری، رنگ‌پریده‌اند؛ از نماز، خمیده‌قامت‌اند؛ و به سبب روزه‌داری درازمدت، شکم‌هایشان به پشتشان چسبیده است.

۱۲۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس خدا را بشناسد و عظمتش را دریابد، دهانش را از سخن و شکمش را از غذا، نگه می‌دارد و با روزه و نماز، خویشتن‌داری می‌کند.

۱۲۶. پیامبر خدا ﷺ: هیچ روزی نیست، مگر آنی که فرشته‌ای در گورستان‌ها ندا می‌دهد: «به حال چه کسی رشک می‌برید؟». می‌گویند: به حال مسجدیان. آنان نماز می‌خوانند؛ ولی ما نمی‌توانیم، و روزه می‌گیرند؛ ولی ما نمی‌توانیم.

۱۲۷. امام علی علیه السلام: ای غافل! اگر با نماز، خوابت را کنار بزنی و با روزه روزت را سپری کنی و به خوراکی اندک بسنده کنی و شب خودت را تلاشگرانه با نماز زنده بداری، سزاوار آنی که به برترین جایگاه، دست یابی.

١٢٨. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَامَ لَيْلَهُ ثُمَّ أَصْبَحَ صَائِمًا نَهَارَهُ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ ذَنْبٌ، وَلَمْ يَخْطُ خُطْوَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً، وَلَمْ يَتَكَلَّمْ بِكَلِمَةٍ خَيْرٍ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً، وَإِنْ مَاتَ فِي نَهَارِهِ صُعِدَ بِرُوحِهِ إِلَى عِلِّيِّينَ، وَإِنْ عَاشَ حَتَّى يُفْطِرَ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَوَابِينَ^١.

١٢٩. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَلَائِكَةٌ مُوَكَّلِينَ بِالصَّائِمِينَ، يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى آخِرِهِ، وَيُنَادُونَ الصَّائِمِينَ كُلَّ لَيْلَةٍ عِنْدَ إِفْطَارِهِمْ: «أَبْشِرُوا عِبَادَ اللَّهِ! فَقَدْ جُعْتُمْ قَلِيلًا وَسَتَشْبَعُونَ كَثِيرًا، بَوْرِكْتُمْ وَبَوْرِكَ فَيْكُمْ». حَتَّى إِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَادَى: «أَبْشِرُوا عِبَادَ اللَّهِ! غُفِرَ لَكُمْ ذُنُوبُكُمْ، وَقَبِلَ تَوْبَتُكُمْ، فَانْظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ فِيمَا تَسْتَأْنِفُونَ»^٢.

١٣٠. الإمام الصادق عليه السلام: خُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رَائِحَةِ الْمِسْكِ^٣.

١٣١. عنه عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَى مُوسَى عليه السلام: «مَا يَمْنَعُكَ مِنْ مُنَاجَاتِي؟»

فَقَالَ: يَا رَبِّ، أَجِلُّكَ عَنِ الْمُنَاجَاةِ لِخُلُوفِ فَمِ الصَّائِمِ.

فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَيْهِ: «يَا مُوسَى، لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدِي مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ»^٤.

١٣٢. عنه عليه السلام: مَنْ صَامَ لِلَّهِ ﷻ يَوْمًا فِي شِدَّةِ الْحَرِّ فَأَصَابَهُ ظَمَأٌ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ يَمَسِّحُونَ وَجْهَهُ وَيُبَشِّرُونَهُ، حَتَّى إِذَا أَفْطَرَ قَالَ اللَّهُ ﷻ لَهُ:

١. المعقنة: ٣٧٥ عن محمد بن مسلم وص ٣٠٥.

٢. فضائل الأشهر الثلاثة: ٥٢/٧٢، الأمالي للصدوق: ٨١/١٠٨ كلاهما عن محمد بن مسلم، روضة الواعظين: ٣٧٢، بحار الأنوار: ٢٨/٣٦١/٩٦.

٣. ثواب الأعمال: ٤/٧٥ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ٢٢/٢٥٣/٩٦.

٤. الكافي: ١٣/٦٤/٤، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٢٢/١٢١ كلاهما عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابنا، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٧٧٩/٧٦/٢، بحار الأنوار: ٣١/٣٤٥/١٣.

۱۲۸. امام باقر علیه السلام : مؤمن، چون شب را به عبادت برخیزد و روز را روزه بدارد، برایش گناهی نوشته نمی‌شود و هیچ گامی بر نمی‌دارد، مگر آن که خداوند برای او حسنه‌ای می‌نویسد، و هیچ سخن نیکی نمی‌گوید، مگر آن که خداوند برای او حسنه‌ای می‌نویسد، و اگر همان روز بمیرد، روحش را به والاترین درجات بالا می‌برند، و اگر زنده بماند تا آن که افطار کند، خداوند او را در میان توبه‌گران می‌نویسد.

۱۲۹. امام باقر علیه السلام : خدای متعال، فرشتگانی را بر روزه‌داران، گماشته است که در هر روز از ماه رمضان تا پایان آن برای آنان استغفار می‌کنند و هر شب، هنگام افطار روزه‌داران، به آنان خطاب می‌کنند: «بشارت باد بر شما، ای بندگان خدا! اندکی گرسنه شدید و بسیار، سیر خواهید شد. برکت یافتید و مایه برکت گشتید»، تا آخرین شب ماه رمضان شود. [پس] ندا می‌دهد: «مژده باد شما را، ای بندگان خدا! گناهانتان آمرزیده و توبه‌تان پذیرفته شد. پس بنگرید در اعمالی که آغاز می‌کنید، چگونه‌اید».

۱۳۰. امام صادق علیه السلام : بوی ناخوش دهان روزه‌دار، نزد خداوند، برتر از بوی مُشک است.
۱۳۱. امام صادق علیه السلام : خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: «چه چیز مانع مناجات تو با من است؟».

گفت: پروردگارا! از این رو که بوی دهان روزه‌دار، ناخوش است، از مناجات با تو سر باز می‌زنم.
خداوند به او وحی کرد: «ای موسی! بوی ناخوش دهان روزه‌دار نزد من، خوش‌تر از بوی مُشک است».

۱۳۲. امام صادق علیه السلام : کسی که در گرمای سخت، روزی را برای خدا روزه بدارد و تشنه شود، خداوند، هزار فرشته را بر او می‌گمارد که چهره‌اش را لمس می‌کنند و بشارتش می‌دهند، تا آن گاه که افطار کند، که خداوند به او می‌فرماید: «چه خوش است بوی تو و نشاط تو! فرشتگان من! گواه باشید که او را آمرزیدم».

«ما أطيب ريحك وروحك! ملائكتي، اشهدوا أنني قد غفرتُ له»^١.

١٣٣. عنه عليه السلام: إذا رأى الصائم قوماً يأكلون أو رجلاً يأكل، سبَّحت كلُّ شعرةٍ منه^٢.

١٣٤. سعد السعود - في ما نقله من الزبور -: معشر الصَّوَامِ، بَشَّرَ الصَّائِمِينَ بِمَرْتَبَةِ الْفَائِزِينَ^٥.

٦/١

دُعَاءُ الْمَلَائِكَةِ لِلصَّائِمِ

١٣٥. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تعالى وَكَلَّ مَلَائِكَتَهُ بِالدُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ».

وَقَالَ: «أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ عليه السلام عَنْ رَبِّهِ أَنَّهُ قَالَ: مَا أَمَرْتُ مَلَائِكَتِي بِالدُّعَاءِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي إِلَّا اسْتَجَبْتُ لَهُمْ فِيهِ»^٦.

١٣٦. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ صَائِمٍ يَحْضُرُ قَوْماً يَطْعَمُونَ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ أَعْضَاؤُهُ، وَكَانَتْ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ عَلَيْهِ، وَكَانَتْ صَلَاتُهُمْ اسْتِغْفَاراً^٧.

١. الكافي: ٨/٦٤٤/٤ وص ١٧/٦٥، ثواب الأعمال: ١/٧٦، الأمالي للصدوق: ٩٣٥/٦٨٣، فضائل الأشهر الثلاثة:

١١٩/١٢٠ كلها عن يونس بن ظبيان، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٧٨١/٧٦/٢، بحار الأنوار: ٥/٢٤٧/٩٦.

٢. في المصدر: «سبَّحت» وهو تصحيف، والصحيح ما أثبتناه كما في فضائل الأشهر الثلاثة.

٣. لعل المراد منه أنه يعطى ثواب ذلك، أو أن شهوته للطعام لما أثرت في جميع بدنه وأثيب بقدر ذلك فكأنه سبَّحت جميع أعضائه (مرآة العقول: ٢٠٤/١٦).

٤. الكافي: ١٦/٦٥/٤، فضائل الأشهر الثلاثة: ١١٨/١١٩ كلاهما عن السَّمَّان الأرمني.

٥. سعد السعود: ٥٠، بحار الأنوار: ٨/٤٠/٧٧.

٦. الكافي: ١١/٦٤٤/٤، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٢٣/١٢١، المحاسن: ٢١٤/١٤٩/١ كلها عن مسعدة، كتاب

من لا يحضره الفقيه: ١٧٧٨/٧٦/٢، المقنعة: ٣٠٤، بحار الأنوار: ٢٦/٢٥٣/٩٦.

٧. كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٠٥/٨٧/٢، ثواب الأعمال: ١/٧٧، الأمالي للصدوق: ٩٣٦/٦٨٣ كلاهما

عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ٤/٢٤٧/٩٦.

۱۳۳. امام صادق علیه السلام: هر گاه روزه دار، گروهی را ببیند که غذا می خورند، یا مردی را ببیند که غذا می خورد، هر موی او خدا را تسبیح می گوید^۱.

۱۳۴. سعد السعود - از جمله آنچه از سخن خداوند در زبور نقل کرده است - :
روزه داران را مژده باد به درجه رستگاران!

۶/۱

دعای فرشتگان برای روزه دار

۱۳۵. امام صادق علیه السلام - به نقل از پدرانش علیهم السلام - : پیامبر خدا فرمود: «خداوند، فرشتگان خود را برای دعا به روزه داران، گماشته است» و فرمود: «جبرئیل از طرف خداوند، مرا خبر داد که خداوند فرمود: هرگز فرشتگانم را مأمور دعا برای هیچ یک از بندگانم نکردم، مگر آن که دعایشان را درباره او مستجاب ساختم».

۱۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ روزه داری در میان گروهی که غذا می خورند، حاضر نمی شود، مگر آن که اعضایش تسبیح می گویند و درود فرشتگان بر او خواهد بود. درود فرشتگان، همان استغفار است.

۱. شاید مراد، این باشد که ثواب آن به او داده می شود، یا چون میل به غذا در همه بدن او تأثیر می گذارد، به همان اندازه به او ثواب داده می شود، گویا همه اعضایش تسبیح خدا گفته اند.

١٣٧ . عنه عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ الصَّائِمَ إِذَا جَالَسَ الْقَوْمَ وَهُمْ ^١ يَطْعَمُونَ، صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُفْطِرَ الصَّائِمَ. ^٢

١٣٨ . سنن ابن ماجه عن أم عمارة: أَتَانَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَرَّبَنَا إِلَيْهِ طَعَاماً، فَكَانَ بَعْضُ مَنْ عِنْدَهُ صَائِماً، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:

«الصَّائِمُ إِذَا أَكَلَ عِنْدَهُ الطَّعَامُ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ». ^٣

١٣٩ . سنن ابن ماجه عن بريدة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِبِلَالٍ: «الْقَدَاءُ يَا بِلَالُ!» فَقَالَ: إِنِّي صَائِمٌ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «نَأْكُلُ أَرْزَاقَنَا وَفَضْلُ رِزْقِ بِلَالٍ فِي الْجَنَّةِ. أَشَعَرْتُ يَا بِلَالُ أَنَّ الصَّائِمَ تُسَبِّحُ عِظَامُهُ وَتُسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ مَا أَكَلَ عِنْدَهُ؟». ^٤

١٤٠ . الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الصَّائِمَ مِنْكُمْ لَيَرْتَعُ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ، تَدْعُو لَهُ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُفْطِرَ. ^٥

١٤١ . عنه عليه السلام: مَنْ كَتَمَ صَوْمَهُ قَالَ اللَّهُ تعالى لِمَلَائِكَتِهِ: «عَبْدِي اسْتَجَارَ مِنْ عَذَابِي فَأَجِירוهُ». وَكَلَّ اللَّهُ تعالى مَلَائِكَتَهُ بِالْدُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ، وَلَمْ يَأْمُرْهُمْ بِالْدُّعَاءِ لِأَحَدٍ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُمْ فِيهِ. ^٦

١ . في المصدر: «وهو»، والصحيح ما أثبتناه كما في مجمع الزوائد: ٥٢٢٥/٤٥٨/٣.

٢ . المعجم الأوسط: ٦/٢٧٥/٦٣٩٩ عن ابن عباس.

٣ . سنن ابن ماجه: ١/٥٥٦/١٧٤٨، مسند ابن حنبل: ١٠/٤١٣/٢٧٥٤٣ وح ٢٧٥٤٢ وص ٢٧١٢٧/٣٠٠.

سنن الترمذي: ٣/١٥٣/٧٨٥، السنن الكبرى: ٤/٥٠٣/٨٥١٣ والأربعة الأخيرة نحوه.

٤ . سنن ابن ماجه: ١/٥٥٦/١٧٤٩، شعب الإيمان: ٣/٢٩٧/٣٥٨٦، تاريخ دمشق: ٥٤/١١٠/١١٣٨٨ وج ٢٦٦٢/٢٦٦٢ عن سليمان بن بريدة.

٥ . الكافي: ٨/٣٦٦/٥٥٦، المقنعة: ٢٧٤ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي وص ٣٠٥، روضة الواعظين: ٣٨٣، بحار الأنوار: ٢٧/١٣٢/١٢٣.

٦ . الكافي: ٤/٦٤/١٠، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٠/٥٣٩ وفيه «كثر» بدل «كتم» وكلاهما عن السكوني، بحار الأنوار: ٥٩/١٩٠/٤٤.

۱۳۷. پیامبر خدا ﷺ: روزه‌دار، وقتی با گروهی که می‌خورند، همنشین شود، فرشتگان بر او درود می‌فرستند، تا آن که افطار کند.

۱۳۸. سنن ابن ماجه - به نقل از أمّ عماره - : پیامبر خدا پیش ما آمد. غذایی نزد او آوردیم. بعضی از همراهانش روزه بودند. پیامبر خدا فرمود: «هرگاه نزد روزه‌دار غذا خورده شود، فرشتگان بر او درود می‌فرستند».

۱۳۹. سنن ابن ماجه - به نقل از بُزیده - : پیامبر خدا به بلال فرمود: «ای بلال! صبحانه بخور». گفت: روزه‌ام.

پیامبر خدا فرمود: «ما روزی خود را می‌خوریم و اضافی روزی بلال، در بهشت است. ای بلال! آیا می‌دانی تا وقتی که نزد یک روزه‌دار غذا خورده می‌شود، استخوان‌هایش تسبیح می‌گویند و فرشتگان برای او استغفار می‌کنند؟».

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

۱۴۰. امام صادق (ع): روزه‌دار از شما، در گلستان‌های بهشت، بهره‌مند می‌شود. فرشتگان برای او دعا می‌کنند، تا آن که افطار کند.

۱۴۱. امام صادق (ع): هر کس روزه خود را پنهان دارد، خداوند به فرشتگانش می‌فرماید: «بنده من از آتش، پناه جست. پس پناهش دهید».

و خداوند متعال، فرشتگان خود را می‌گمارد تا برای روزه‌داران دعا کنند. و خداوند، هرگز آنان را مأمور دعا برای هیچ کس نکرده، مگر آن که دعایشان را درباره او پذیرفته است.

١٢٢ . الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مَلَائِكَةٌ مُوَكَّلِينَ بِالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ، يَمَسَحُونَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ، وَيُسْقِطُونَ عَنْهُمْ ذُنُوبَهُمْ. وَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مَلَائِكَةٌ قَدْ وَكَّلَهُمْ بِالْإِسْتِغْفَارِ لِلصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ، لَا يَعْلَمُ عَدَدَهُمْ إِلَّا اللَّهُ عليه السلام ^١
وانظر: ص ١١٦، ج ١٢٩.

٧/١

بَرَكَاتُ صِيَامِ اللَّهِ

أ - التَّقْوَى

الكتاب

﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ ^٢.



مرکز تحقیقات کتب ویراثه اسلامی

١ . فضائل الأشهر الثلاثة: ١٠٤ / ٩٢ عن الحسن بن علي بن فضال.

٢ . البقرة: ١٨٣.

۱۴۲. امام رضا علیه السلام: خداوند متعال، فرشتگانی دارد که بر مردان و زنان روزه‌دار، گماشته شده‌اند و بال‌های خویش را بر آنان می‌کشند و گناهانشان را فرو می‌ریزند. خداوند متعال، فرشتگانی دارد که آنان را گماشته تا برای مردان و زنان روزه‌دار، استغفار کنند. شمار آنان را کسی جز خدا نمی‌داند.

ر.ک: ص ۱۱۷، ح ۱۲۹

۷/۱

برکات میهمانی خدا

الف - تقوا

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته (واجب) شده است، آن گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، نوشته شده بود. باشد که پروا کنید!»^۱.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

۱. در تفسیر المیزان (ج ۲، ص ۸) آمده است: «بت پرستان، وقتی جرم و گناهی مرتکب می‌شدند، برای راضی ساختن خدایانشان یا فرو نشانیدن خشم آنها روزه می‌گرفتند، و نیز آن گاه که برآمدن حاجتی را خواستار بودند. این شیوه، نوعی معامله و مبادله بود که نیاز معبود را بر می‌آورد تا نیاز بنده را برآورد، یا رضایت او را به دست می‌آورد تا او هم رضای بنده‌اش را به دست آورد.»

خداوند، بزرگوarter از آن است که درباره او فقر، نیاز، تأثر و یا آزاری تصوّر شود و او از هر کاستی‌ای، به دور است. پس، هر عبادتی، هر اثری هم داشته باشد، به بنده برمی‌گردد، نه به خدای متعال. گناهان نیز چنین‌اند. خداوند فرموده است: «اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید، به خودتان بدی کرده‌اید» (اسراء، آیه ۷). قرآن کریم، در آموزش‌های خود، به همین نکته اشاره دارد و آثار طاعت‌ها و نافرمانی‌ها را به انسان باز می‌گرداند؛ انسانی که جز نیاز، چیزی نیست. خداوند فرموده است: «ای مردم! شما نیازمندان به خدایید و خداوند، بی‌نیاز است» (فاطر، آیه ۱۵).

نیز درباره روزه اشاره می‌کند که: «باشد که پروا کنید». و این که امید است در سایه روزه، تقوا به دست آید، جای شک نیست؛ چرا که هر انسانی با فطرت خویش در می‌یابد که برای کسی که خواستار پیوند با دنیای پاکی و الایی و رسیدن به درجه کمال و معنویت است، نخستین کار، دوری جستن از ارضای بی‌حد و مرز لذت‌های جسمانی، پرهیز از زیاده‌روی در شهوات بدن، و وارستگی از تعلقات به زمین است و در یک کلمه، پرهیز از

الحديث

١٢٣ . رسول الله ﷺ: الصَّيَّامُ جُنَّةٌ.^١

١٢٤ . عنه ﷺ: الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ.^٢

١٢٥ . عنه ﷺ: الصَّيَّامُ جُنَّةٌ وَحِصْنٌ خَصِينٌ مِنَ النَّارِ.^٣

١٢٦ . معاني الأخبار عن أنس عن رسول الله ﷺ: «الصَّوْمُ جُنَّةٌ - يَعْنِي حِجَابٌ - مِنَ النَّارِ».

وإِنَّمَا قَالَ ذَلِكَ؛ لِأَنَّ الصَّوْمَ نُسْكٌ بَاطِنٌ لَيْسَ فِيهِ نَزْعَةٌ شَيْطَانٍ وَلَا مُرَاءَاةَ إِنْسَانٍ.^٤

١٢٧ . رسول الله ﷺ: إِنَّمَا الصَّيَّامُ جُنَّةٌ يَسْتَجِنُّ بِهَا الْعَبْدُ مِنَ النَّارِ.^٥

مركز تحقيقات كوفية علوم اسلامی

١ . صحيح البخاري: ١٧٩٥/٦٧٠/٢ وص ١٨٠٥/٦٧٣ وج ٧٠٥٤/٢٧٢٣/٦ صحيح مسلم: ١٦٢/٨٠٦/٢ سنن أبي داود: ٢٣٦٣/٣٠٧/٢ الموطأ: ٥٧/٣١٠/١ سنن النسائي: ١٦٦/٤ و١٦٧، السنن الكبرى: ٨٣٠٩/٢٢٨/٤ كَلَّهَا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ . تهذيب الأحكام: ٩٥٨/٢٤٢/٢ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ ﷺ عَنْهُ ﷺ .

٢ . الكافي: ٥/١٩/٢ وج ١/٦٢/٤ ، تهذيب الأحكام: ٤/١٥١/٤ ، فضائل الأشهر الثلاثة: ١١٧/١١٩ ، تفسير العياشي: ١٠٩/١٩١/١ كَلَّهَا عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ ﷺ ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٧٧١/٧٤/٢ سنن الترمذي: ٧٤٢/١٣٦/٣ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، مِنْ ابْنِ مَاجَةَ: ١/٥٢٥/١٦٣٩ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ ، مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى: ٤/٥/٣٦٤٤ عَنْ أَنَسٍ .

٣ . مسند ابن حنبل: ٩٢٣٦/٣٦٧/٣ ، شعب الإيمان: ٢٨٩/٣/٢٥٧١ كلاهما عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَح ٣٥٧٠ عَنْ جَابِرٍ وَفِيهِ «الصَّيَّامُ جُنَّةٌ حَصِينَةٌ مِنَ النَّارِ» ، كنز العمال: ٨/٤٤٣/٢٣٥٦٥ .

٤ . معاني الأخبار: ٨٨/٤٠٨ ، بحار الأنوار: ١٥/٢٥١/٩٦ . وفي مصباح الشريعة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الصَّوْمُ جُنَّةٌ» ، أَي سِتْرَةٌ مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا ، وَحِجَابٌ مِنْ عَذَابِ الْآخِرَةِ (مصباح الشريعة: ١٣٣) .

٥ . مسند ابن حنبل: ١٥٢٦٤/٢١٣/٥ عَنْ جَابِرٍ ، الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ: ٨٢٨٦/٥٨/٩ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ ، شُعْبُ الْإِيمَانِ: ٢٨٩/٣/٣٥٧٠ عَنْ جَابِرٍ عَنْهُ ﷺ عَنْ اللَّهِ ﷻ وَفِيهِ «يَسْتَجِنُّ» بِدَلِّ «يَسْتَجِنُّ» ، كنز العمال: ٨/٤٥٢/٢٣٦١٨ .

حدیث

۱۴۳. پیامبر خدا ﷺ: روزه، سپر است.
۱۴۴. پیامبر خدا ﷺ: روزه، سپری نگه‌دارنده از آتش است.
۱۴۵. پیامبر خدا ﷺ: روزه، سپر است و دژی استوار و نگه‌دارنده از آتش است.
۱۴۶. معانی الأخبار - به نقل از آنس - : پیامبر خدا فرمود: «روزه، سپر - یعنی حجاب و باز دارنده - از آتش است»^۱.
۱۴۷. پیامبر خدا ﷺ: همانا روزه، سپری است که بنده با آن، خود را از آتش، حفظ می‌کند.



﴿ آنچه او را از پرداختن به پروردگار دور می‌کند.﴾

این، تقوایی است که با روزه گرفتن و چشم‌پوشی از شهوات به دست می‌آید. نزدیک‌تر از این و مناسب‌تر از این برای حال عموم مردم، چه از اهل دنیا باشد و چه از اهل آخرت، آن است که از خواستنی‌های حلال (مثل: خوردن، نوشیدن و آمیزش) که مورد ابتلای همگان است، پرهیز کند تا برایش ورزیدگی جهت پرهیز نمودن و دوری جستن از حرام‌ها فراهم آید و بدین گونه اراده خود را برای دوری جستن از گناهان و تقرب به خدا، تربیت کند. هر که در خواستنی‌های حلال و مباح، دعوت الهی را پاسخ دهد و شنوا و فرمان‌بردار باشد، یقیناً درباره حرام‌ها و نافرمانی‌های از خدا، شنواتر و فرمان‌بردارتر خواهد بود.

۱. پیامبر ﷺ این را از آن جهت فرمود که روزه، عبادتی باطنی است و لغزش شیطانی یا ریا (نشان دادن به دیگران) در آن نیست (معانی الأخبار: ۴۰۸). در مصباح الشریعة است که پیامبر خدا فرمود: «روزه، سپر است؛ یعنی، پوششی است که او را از آفات دنیا و عذاب آخرت، نگه می‌دارد.

١٢٨ . عنه عليه السلام: الصَّوْمُ جُنَّةٌ مَا لَمْ يَخْرِقْهَا.^١

١٢٩ . عنه عليه السلام: إِنَّ الصَّيَّامَ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ بَوَائِقِ الدَّهْرِ.^٢

١٥٠ . عنه عليه السلام: قَالَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - : ... الصَّيَّامُ جُنَّةُ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، كَمَا يَبْقَى أَحَدَكُمْ سِلَاحُهُ فِي الدُّنْيَا.^٣

١٥١ . الإمام علي عليه السلام: إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوْسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ - سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى - الْإِيمَانُ بِهِ وَرَسُولِهِ ... وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ مِنَ الْعِقَابِ.^٤

١٥٢ . الإمام الصادق عليه السلام - لِعَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ - : أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَبْوَابِ الْخَيْرِ؟ الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ.^٥



ب - ذَهَابُ الْأَشْرِ وَالشُّبْقِ

١٥٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ مَحْصَنَةٌ لِلْعِرْقِ، مُذْهِبٌ لِلْأَشْرِ.^٦

١٥٤ . عنه عليه السلام: يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، عَلَيْكُمْ بِالْبَاءِ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوهُ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّيَّامِ؛ فَإِنَّهُ

١ . سنن النسائي: ١٦٧/٤ و ١٦٨، سنن الدارمي: ١٦٨٣/٤٤١/١، مسند ابن حنبل: ١٦٩٠/٤١٤/١

وص ١٧٠٠/٤١٧، المستدرک علی الصحیحین: ٥١٥٣/٢٩٧/٣، السنن الکبری: ٨٣١٤/٤٥٠/٤

وج ١٨٥٦٦/٢٨٨/٩ کلها عن أبي عبيدة الجراح؛ نثر الدر: ٢٣١/١.

٢ . الجامع الصغير: ٥٠٥٩/١٠٣/٢، كنز العمال: ٢٣٦٠٣/٤٤٩/٨، كلاهما نقلًا عن ابن النجار عن أبي مليكة.

٣ . الخصال: ٤٢/٤٥، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٤٢/١٣٤ وزاد فيه «من النار» قبل «يوم القيامة» وكلاهما عن ابن عباس، روضة الواعظين: ٣٨٣.

٤ . نهج البلاغة: الخطبة ١١٠.

٥ . تهذيب الأحكام: ٤١٩/١٥٢/٤، الكافي: ٣/٦٢/٤ وفيه «إن الصوم جنة» بدل «الصوم جنة من النار».

من لا يحضره الفقيه: ١٧٧٥/٧٥/٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٢٦/١٢٢ وليس فيه «من النار»، المحاسن:

١٠٣٨/٢٥٠/١، بحار الأنوار: ٣٥/٢٥٦/٩٦.

٦ . الزهد لابن المبارك: ١١١٢/٣٩٢، كنز العمال: ٢٣٦١٠/٤٥٠/٨، نقلًا عن أبي نعيم في الطب وكلاهما عن

شداد بن عبد الله؛ نثر الدر: ٢٠٨/١.

۱۴۸. پیامبر خدا ﷺ: روزه، سپری نگه‌دارنده است، تا وقتی که بنده آن را پاره نکند.^۱

۱۴۹. پیامبر خدا ﷺ: روزه، سپری نگه‌دارنده از آتش و مصیبت‌های روزگار است.

۱۵۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال فرموده است: «... روزه، سپر نگه‌دارنده بنده مؤمن از آتش در روز قیامت است، همان‌گونه که در دنیا هر یک از شما را سلاحش حفظ می‌کند».

۱۵۱. امام علی علیه السلام: برترین وسیله‌ای که خداجویان به آن توشل جسته‌اند، ایمان به خدا و پیامبر او ... و روزه ماه رمضان است؛ چرا که آن، نگه‌دارنده از عقاب است.

۱۵۲. امام صادق علیه السلام: خطاب به علی بن عبد‌العزیز: آیا تو را خبر ندهم به درهای نیکی؟ روزه، سپری نگه‌دارنده از آتش است.

ب - کاستن از سرمستی و غریزه جنسی

۱۵۳. پیامبر خدا ﷺ: روزه بگیرید؛ چرا که نیروی شهوت را می‌کاهد و سرمستی را می‌برد.

۱۵۴. پیامبر خدا ﷺ: ای گروه جوانان! ازدواج و آمیزش کنید. اگر نتوانستید، روزه

۱. سید رضی، پس از نقل روایت، می‌گوید: «این، استعاره است و پیامبر ﷺ روزه را - که روزه‌دار را از عذاب‌ها و عقاب‌های سخت حفظ می‌کند، آن‌گاه که نیت خود را برای روزه، خالص و اندرون خود را شایسته سازد - به سپر، تشبیه کرده است و کسی را که خود را با روزه از لغزش‌ها و سخنان ناروا و کارهای زشت نگه می‌دارد، همچون کسی دانسته که خود را با آن سپر (پوشش) حفاظت می‌کند. نیز کسی را که خویش را با پیروی از هوای نفس و تباهی نابود می‌سازد، همانند کسی دانسته که آن سپر را دریده و خود را از هیچ زخم و آسیبی مصون نداشته است. این، از بهترین و دل‌نشین‌ترین تمثیل‌ها و تشبیه‌هاست» (المجازات النبویة: ۲۴۱).

وجاؤه.^١

١٥٥ . المعجم الكبير: عَنْ قُدَامَةَ بْنِ مَظْعُونٍ عَنْ أَخِيهِ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ أَنَّهُ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي رَجُلٌ تَشَقُّ عَلَيَّ هَذِهِ الْعُزْبَةُ فِي الْمَغَازِي، فَتَأْذَنُ لِي فِي الْإِخْتِصَاءِ فَأَخْتَصِي؟

قَالَ: «لا، وَلَكِنْ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَظْعُونٍ بِالصَّيَامِ؛ فَإِنَّهُ مَجْفَرَةٌ».^٢

١٥٦ . مسند ابن حنبل عن عبدالله بن عمرو: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِذْنٌ لِي أَنْ أَخْتَصِيَ!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خِصَاءُ أُمَّتِي الصَّيَامُ وَالْقِيَامُ».^٣

١٥٧ . مسند ابن حنبل عن جابر: جَاءَ شَابٌّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَتَأْذَنُ لِي فِي الْخِصَاءِ؟

فَقَالَ: «صُمْ وَسَلِّ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».^٤

١٥٨ . المعجم الكبير عن ابن عباس: شَكَى رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ الْعُزْبَةَ، فَقَالَ: أَلَا أَخْتَصِي؟

١ . الكافي: ٢/١٨٠/٤ عن عبدالله بن بكير عن بعض أصحابنا عن أحدهما ﷺ، السرائر: ٥١٨/٢ عن ابن مسعود نحوه؛ سنن النسائي: ١٦٩/٤، مسند ابن حنبل: ٣٥٩٢/١٤/٢ وص ٢٣/١٠٨ وص ٢٣٥/١١١ وص ١٢٦/١١٢، السنن الكبرى: ٨٤٥٣/٤٨٩/٤ وزادوا فيها «فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ» بعد «عليكم بالباه» وكلها عن عبدالله.

٢ . المعجم الكبير: ٨٣٢٠/٣٨/٩، شعب الإيمان: ٣/٣٠٠/٣ وفيه «الخصي» بدل «مجفرة»، كنز العمال: ٢٣٦٣٤/٤٥٦/٨.

٣ . مسند ابن حنبل: ٦٦٢٣/٥٨٢/٢، الزهد لابن المبارك: ١١٠٦/٣٩١ عن سعد بن مسعود وليس فيه «والقيام»، كنز العمال: ٢٣٥٩٨/٤٤٩/٨ وانظر الطبقات الكبرى: ٣/٣٩٤ ومجمع البيان: ٢/٢٩٠ والمجازات النبوية: ٥٣/٨٥.

٤ . مسند ابن حنبل: ١٥٠٤٠/١٧٦/٥ وص ١٥١٠٧/١٨٦، الزهد لابن المبارك: ١١٠٧/٣٩١.

بگیرید؛ چرا که نیروی جنسی را می‌کاهد.

۱۵۵. المعجم الكبير - به نقل از قدامة بن مظعون، از برادرش عثمان بن مظعون - :
ای پیامبر خدا! من مردی هستم که در جنگ‌ها، بی‌همسری بر من سخت
می‌آید. آیا اجازه می‌دهی که خود را اخته کنم؟ فرمود: «نه؛ لیکن - ای پسر
مظعون! - روزه بگیر، که نیروی جنسی را می‌کاهد».

۱۵۶. مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن عمر - : مردی خدمت پیامبر خدا آمد و
گفت: ای پیامبر خدا! اجازه بده که خود را اخته کنم. پیامبر خدا فرمود:
«اختگی امت من، روزه و عبادت در شب است».

۱۵۷. مسند ابن حنبل - به نقل از جابر - : جوانی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: آیا اجازه
می‌دهی که خود را اخته کنم؟ فرمود: «روزه بگیر و از فضل خداوند بخواه».

۱۵۸. المعجم الكبير - به نقل از ابن عباس - : مردی به پیامبر خدا از بی‌همسری
شکایت کرد و گفت: آیا خود را اخته نکنم؟

فَقَالَ: «لَا، لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَصَىٰ أَوْ اخْتَصَىٰ، وَلَكِنْ صُمَّ وَوَفَّرَ شَعَرَ جَسَدِكَ».^١

١٥٩. الكافي عن محمد بن يحيى رفعه: جاء إلى النبي ﷺ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ عِنْدِي طَوْلٌ فَأَنْكِحُ النِّسَاءَ، فَأَلَيْكَ أَشْكُو الْعُزُوبِيَّةَ! فَقَالَ: «وَفَّرَ شَعَرَ جَسَدِكَ وَأَدِمِ الصِّيَامَ». فَفَعَلَ، فَذَهَبَ مَا بِهِ مِنَ الشَّبَقِ.^٢

ج - تَبَاعُدُ الشَّيْطَانِ

١٦٠. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: «أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟» قَالُوا: بَلَى.



قَالَ: «الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ».^٣
١٦١. فضائل الأشهر الثلاثة عن يونس بن ظبيان: قُلْتُ لِلصَّادِقِ عليه السلام: مَا الَّذِي يُبَاعَدُ عَنَّا إِبْلِيسَ؟

قَالَ: «الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ، وَالصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ، وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْمُؤَازَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعَانِ دَائِرَهُ، وَالِاسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِينَهُ».^٤

د - صِحَّةُ الْبَدَنِ

١٦٢. رسول الله ﷺ: صُومُوا تَصِحُّوا.^٥

١. المعجم الكبير: ١١٦/١١، كنز العمال: ١٦/٢٧٣/٤٤٤١٦ وص ٤٨٣/٤٥٥٦٩.
٢. الكافي: ٥/٥٦٤/٣٦، عوالي اللآلي: ٣/٣٠٩/١٢٩ نحوه.
٣. الكافي: ٤/٦٢/٢، تهذيب الأحكام: ٤/١٩١/٥٤٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ٧٥/٥٧، الأمالي للصدوق: ١١٧/١٠٢ كلها عن إسماعيل بن أبي زياد، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٧٥/١٧٧٤.
٤. فضائل الأشهر الثلاثة: ٩٢/٧١ وص ٧٦/٥٨.
٥. الدعوات: ٧٦/١٧٩، دعائم الإسلام: ١/٣٤٢ عن الإمام علي عليه السلام، عوالي اللآلي: ١/٢٦٨/٧٠، بحار

فرمود: «نه. کسی که خود را اخته کند، از ما نیست؛ لیکن روزه بگیر و موهای بدنت را بلند کن».

۱۵۹. الکافی - به نقل از محمد بن یحیی - : مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! ثروت و امکاناتی ندارم که زن بگیرم. از بی همسری، شکایت نزد تو آورده‌ام!

فرمود: «موی بدنت را بلند کن و پیوسته روزه بگیر».

رفت و چنان کرد و نیروی شهوتش کاسته شد.

ج - دور شدن شیطان

۱۶۰. امام صادق علیه السلام - به نقل از پدرانش علیه السلام - : پیامبر ﷺ به اصحاب خویش فرمود: «آیا به شما خبر بدهم، چیزی را که اگر انجام دهید، شیطان از شما دور می‌شود، آن گونه که مشرق از مغرب دور شده است؟».

گفتند: آری.

فرمود: «روزه، شیطان را سیه‌رو می‌کند».

۱۶۱. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از یونس بن ظبیان - : به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه چیزی ابلیس را از ما دور می‌سازد؟

فرمود: «روزه، چهره او را سیاه می‌کند؛ صدقه، کمرش را می‌شکند؛ دوست داشتن به خاطر خدا و یاری نمودن بر کار نیک، ریشه او را می‌کند و استغفار، رگ دلش را قطع می‌کند».

د - تن‌درستی

۱۶۲. پیامبر خدا ﷺ: روزه بگیرید تا تن‌درست شوید.

١٦٣. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تعالى أَوْحَى إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ «أَخْبِر قَوْمَكَ أَنْ لَيْسَ عَبْدٌ يَصُومُ يَوْمًا ابْتِغَاءً وَجْهِي إِلَّا أَصْحَحْتُ جِسْمَهُ، وَأَعْظَمْتُ أَجْرَهُ».^١

١٦٤. عنه عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تعالى إِلَى عِيسَى فِي الْإِنْجِيلِ أَنْ «قُلْ لِلْمَلَأْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: إِنَّ مَنْ صَامَ لِمَرْضَاتِي صَحَّحْتُ لَهُ جِسْمَهُ، وَأَعْظَمْتُ لَهُ أَجْرَهُ».^٢

١٦٥. الإمام علي عليه السلام: الصَّيَامُ أَحَدُ الصَّحَّتَيْنِ.^٣

١٦٦. رسول الله صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَزَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصَّيَامُ.^٤

١٦٧. الإمام علي عليه السلام - فيما أوصى بِهِ الْحَسَنَ عليه السلام عِنْدَ وَفَاتِهِ -: عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ زَكَاةُ الْبَدَنِ وَجُنَّةٌ لِأَهْلِهِ.^٥

هـ- الْمُقَاوَمَةُ فِي الْمَصَائِبِ
الكتاب

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ».^٦

الحديث

١٦٨. الإمام الصادق عليه السلام - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^٧ -: الصَّبْرُ

١. شعب الإيمان: ٣/١٢٢/٣٩٢٣ عن أبي إسحاق الهمداني عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ٨/٤٤٧/٢٣٥٨٧.

٢. الفردوس: ١/١٤٣/٥١٢، كنز العمال: ٨/٤٥٥/٢٣٦٣٣ نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب وكلاهما عن أبي الدرداء.

٣. غرر الحكم: ١٦٨٣.

٤. الكافي: ٤/٦٢/٢، تهذيب الأحكام: ٤/١٩١/٥٤٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ٧٥/٥٧ كلها عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٧٥/١٧٧٤، نهج البلاغة: الحكمة ١٣٦، المقنعة: ٣٠٤.

٥. الأمالي للحميد: ١/٢٢٢، الأمالي للطوسي: ٨/٨ كلاهما عن الفجيع العقيلي عن الإمام الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦/٢٤٨/١٠.

٦. البقرة: ١٥٣.

٧. البقرة: ٢٥.

۱۶۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی کرد که: «به قوم خودت خبر بده که هیچ بنده‌ای به خاطر من روزه نمی‌گیرد، مگر آن که تنش را سالم می‌سازم و پاداش او را بزرگ می‌دارم».

۱۶۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال در انجیل به عیسی ﷺ وحی کرد که: «به مردم بنی اسرائیل بگو: هر کس برای کسب رضای من روزه بگیرد، بدنش را سالم می‌کنم و پاداشش را بزرگ می‌دارم».

۱۶۵. امام علی علیه السلام: روزه، یکی از دو [عامل]^۱ تن‌درستی است.

۱۶۶. پیامبر خدا ﷺ: هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدن‌ها، روزه گرفتن است.

۱۶۷. امام علی علیه السلام - در وصیت خویش به امام حسن علیه السلام به هنگام وفات - : روزه بدار؛ چرا که زکات بدن است و سپری نگه‌دارنده برای روزه‌داران است.

مرکز تحقیقات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

هـ- مقاومت در مصیبت‌ها

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از صبر و نماز، یاری بجوید. یقیناً خداوند، با صابران است».

حدیث

۱۶۸. امام صادق علیه السلام - درباره آیه: «از صبر و نماز، یاری بجوید» - : صبر، همان

۱. یعنی روزه به تنهایی به اندازه همه عوامل دیگر تن‌درستی در تأمین سلامت انسان، نقش دارد.

هُوَ الصَّوْمُ.^١

١٦٩. فضائل الأشهر الثلاثة عن سليم عمن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام - في قول الله ﷻ: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾^٢ -: يَعْنِي الصَّيَامَ وَالصَّلَاةَ.

وقال عليه السلام: إِذَا نَزَلَتْ [بِ] الرَّجُلِ النَّازِلَةُ أَوْ الشَّدَّةُ فَلْيَصُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ يَقُولُ: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ﴾ يَعْنِي الصَّيَامَ.^٣

و - الْحِكْمَةُ

١٧٠. الإمام علي عليه السلام - في حديث المعراج -: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ: ... يَا رَبِّ، وَمَا مِيرَاثُ الصَّوْمِ؟

قَالَ: «الصَّوْمُ يُوْرِثُ الْحِكْمَةَ، وَالْحِكْمَةُ تُوْرِثُ الْمَعْرِفَةَ، وَالْمَعْرِفَةُ تُوْرِثُ الْيَقِينَ؛ فَإِذَا اسْتَيْقَنَ الْعَبْدُ لَا يُبَالِي كَيْفَ أَصْبَحَ؛ يُعْسِرُ أَمْ يُيسِّرُ».^٤

١٧١. رسول الله ﷺ: الْقَلْبُ يَتَحَمَّلُ الْحِكْمَةَ عِنْدَ خُلُوقِ الْبَطْنِ؛ الْقَلْبُ يَمُجُّ الْحِكْمَةَ عِنْدَ امْتِلَاءِ الْبَطْنِ.^٥

١٧٢. عنه عليه السلام: إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْجُوعِ وَالتَّفَكُّرِ فَاقْتَرِبُوا مِنْهُمْ؛ فَإِنَّهُ تَجْرِي الْحِكْمَةُ مِنْهُمْ.^٦

١٧٣. عنه عليه السلام: مَنْ أَجَاعَ بَطْنَهُ؛ عَظُمَتْ فِكْرَتُهُ وَفُطِنَ قَلْبُهُ.^٧

١. تفسير العياشي: ١/ ٤٣/ ٤٠ عن عبد الله بن طلحة، بحار الأنوار: ٩٦/ ٢٥٤/ ٢٩.

٢. البقرة: ٤٥.

٣. فضائل الأشهر الثلاثة: ١٢٢/ ١٢٥، تفسير العياشي: ١/ ٤٣/ ٤١ عن سليمان الفراء عن أبي الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦/ ٢٥٤/ ٣٠.

٤. إرشاد القلوب: ٢٠٣، بحار الأنوار: ٧٧/ ٢٧/ ٦.

٥. تنبيه الخواطر: ٢/ ١١٩.

٦. كنز العمال: ٩/ ٢٧/ ٢٤٨١٨ نقلاً عن الحاكم في تاريخه والديلمي عن ابن عمر.

٧. إحياء علوم الدين: ٣/ ١٢٩؛ المحجة البيضاء: ٥/ ١٥٤.

روزه است.

۱۶۹. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از سلیم، از کسی دیگر، از امام صادق علیه السلام درباره

این کلام الهی: «از صبر و نماز، یاری بجوئید» -: «یعنی روزه و نماز».

و فرمود: «هر گاه مصیبتی بزرگ یا سختی ای بر کسی وارد شد، روزه بگیرد؛ چرا که

خداوند می فرماید: «از صبر یاری بجوئید»، یعنی از روزه».

و - حکمت

۱۷۰. امام علی علیه السلام - در حدیث معراج -: پیامبر صلی الله علیه و آله از پروردگارش در شب معراج

پرسید: ... پروردگارا! رهاورد روزه چیست؟

فرمود: «روزه، حکمت می آورد و حکمت، معرفت می آورد و معرفت، به

یقین می رساند. پس هر گاه بنده به یقین رسید، در این فکر نیست که چگونه

صبح کرده است: با تنگ دستی یا توانگری».

۱۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وقتی شکم خالی باشد، قلب، بار حکمت می کشد و آن گاه که پر

باشد، قلب، حکمت را برمی گرداند و بیرون می افکند.

۱۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه اهل گرسنگی و اندیشه را دیدید، به آنان نزدیک شوید؛

چرا که حکمت، با آنها جریان دارد.

۱۷۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شکمش را گرسنه بدارد، فکرش بزرگ و قلبش هوشمند

می شود.

ز - التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ

١٧٣ . رسول الله ﷺ - لِأَسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ -: يَا أَسَامَةَ، عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ يُقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ. إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ رِيحٍ فَمِ الصَّائِمِ تَرَكَ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ لِلَّهِ ﷻ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَأْتِيَكَ الْمَوْتُ وَبَطْنُكَ جَائِعٌ وَكَبِدُكَ ظَمَانٌ فَافْعَلْ؛ فَإِنَّكَ تُدْرِكُ شَرَفَ الْمَنَازِلِ فِي الْآخِرَةِ، وَتَحِلُّ مَعَ النَّبِيِّينَ^١.

١٧٥ . عنه ﷺ: مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ فِي إِنْصَاتٍ وَسُكُوتٍ، وَكَفَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ وَفَرَجَهُ وَجَوَارِحَهُ مِنَ الْكَذِبِ وَالْحَرَامِ وَالْغِيْبَةِ تَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ قَرَّبَهُ اللَّهُ تَعَالَى حَتَّى يَمَسَّ رُكْبَتَي إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ ﷺ^٢.

١٧٦ . عنه ﷺ: أَفْضَلُكُمْ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى أَطْوَلُكُمْ جَوْعًا وَتَفَكُّرًا؛ وَأَبْغَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كُلُّ نَوُومٍ وَأَكُولٍ وَشَرُوبٍ^٣.

١٧٧ . إحياء علوم الدين عن عيسى ﷺ: أَجْبِعُوا أَكْبَادَكُمْ، وَأَعْرُوا أَجْسَادَكُمْ؛ لَعَلَّ قُلُوبَكُمْ تَرَى اللَّهَ ﷻ. وَرُويَ ذَلِكَ أَيْضًا عَنْ نَبِيِّنَا ﷺ^٤.

ح - إجابة الدعاء

١٧٨ . رسول الله ﷺ: إِنَّ لِكُلِّ صَائِمٍ دَعْوَةً^٥.

١ . تاريخ دمشق: ٧٦/٨، بغية الباحث: ٣٤٤/١١٩؛ التحصين لابن فهد: ٣٩/٢٠ نحوه وكلها عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل، دعائم الإسلام: ١/٢٧٠ عن الإمام الباقر ﷺ عنه ﷺ وفيه صدره فقط، بحار الأنوار: ٤١/٢٥٨/٩٦.

٢ . ثواب الأعمال: ١/٢٤٤ عن أبي هريرة وابن عباس، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٣٢/١٣٩، روضة الواعظين: ٣٧٣ كلاهما عن أبي هريرة، جامع الأخبار: ٢٠٣/٢٩٦، أعلام الدين: ٤٢٤ عن ابن عباس وكلها نحوه، بحار الأنوار: ٣٠/٣٧١/٧٦.

٣ . تنبيه الخواطر: ١/١٠٠، المحجة البيضاء: ١٤٦/٥؛ إحياء علوم الدين: ١٢٤/٣.

٤ . إحياء علوم الدين: ١٢٥/٣؛ المحجة البيضاء: ١٤٨/٥، مشكاة الأنوار: ١٥٠٣/٤٤٨ عن رسول الله ﷺ نحوه.

٥ . الزهد لابن المبارك: ١٤٠٩/٤٩٤، مسند الشهاب: ١٢٨/٢/١٠٣١ كلاهما عن الحارث بن عبيدة؛ الدعوات: ٤٤/٢٦ عن الإمام الكاظم ﷺ، بحار الأنوار: ٣٣/٢٥٥/٩٦.

ز - تقرب به خدا

۱۷۴. پیامبر خدا ﷺ - خطاب به أسامة بن زید - : ای أسامة! روزه بگیر؛ چرا که به خدا نزدیک می‌سازد. هیچ چیزی نزد خدا محبوب‌تر از بوی دهان روزه‌داری نیست که به خاطر خدا غذا و نوشیدنی را ترک کرده است.

پس اگر بتوانی زمانی که مرگ، تو را درمی‌یابد، شکمت گرسنه و جگرت تشنه باشد، چنان کن، که در آخرت، شرافت منزلگاه‌ها را درک می‌کنی و با پیامبران، هم‌خانه می‌شوی.

۱۷۵. پیامبر خدا ﷺ : هر کس ماه رمضان را در گوش سپردن و سکوت، روزه بدارد و برای تقرب به خدا، گوش، چشم، غریزه جنسی و اعضایش را از دروغ و حرام و غیبت نگه دارد، خداوند، او را نزدیک می‌دارد، تا آن جا که زانوهای ابراهیم خلیل علیه السلام را لمس کند.

۱۷۶. پیامبر خدا ﷺ : بامنزلت‌ترین شما نزد خداوند، کسی است که گرسنگی و اندیشه‌اش طولانی‌تر باشد، و منفورترین شما نزد خدا، هر پُرخواب و پُرخور و پُرنوشی است.

۱۷۷. إحياء علوم الدين - به نقل از عیسی علیه السلام - : دل‌هایتان را گرسنه و بدن‌هایتان را عریان بدارید.^۱ باشد که دل‌هایتان خدا را ببینند.^۲

ح - اجابت دعا

۱۷۸. پیامبر خدا ﷺ : هر روزه‌داری، دعایی [مستجاب] دارد.

۱. مقصود، اجتناب از لباس‌هایی است که با هدف خودنمایی پوشیده می‌شود.

۲. این حدیث، از پیامبر ما ﷺ نیز روایت شده است.

١٧٩ . عنه عليه السلام: الصَّائِمُ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُ.^١

وانظر: ص ٢٩٤ (ما ينبغي عند الإفطار / الدعاء).

ط - الأَمْنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

١٨٠ . الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عليه السلام قَالَ مُوسَى: ... إلهي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَامَ فِي بَيَاضِ النَّهَارِ يَلْتَمِسُ بِذَلِكَ رِضَاكَ؟
قَالَ: «يَا مُوسَى، لَهْ جَنَّتِي، وَلَهْ الْأَمَانُ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْعِتْقُ مِنَ النَّارِ».^٢

١٨١ . الإمام الهادي عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عليه السلام قَالَ مُوسَى: ... إلهي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ لَكَ مُحْتَسِبًا؟
قَالَ: «يَا مُوسَى، أُقِيمَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُقَامًا لَا يَخَافُ فِيهِ».
قَالَ: إلهي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ يُرِيدُ بِهِ النَّاسَ؟
قَالَ: «يَا مُوسَى، ثَوَابُهُ كَثَوَابٍ مَنْ لَمْ يَصُمه».^٣

ي - الرَّاحَةُ يَوْمَ الْحِسَابِ

١٨٢ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تَخْرُجُ الصُّوَامُ مِنْ قُبُورِهِمْ، يُعْرِفُونَ بِرِيحِ صِيَامِهِمْ، أَفْوَاهُهُمْ أَطْيَبُ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ، فَيُلْقُونَ بِالْمَوَائِدِ وَالْأَبَارِيقِ مُخْتَمَةً بِالْمِسْكِ، فَيَقَالُ لَهُمْ: «كُلُوا فَقَدْ جُعْتُمْ، وَاشْرَبُوا فَقَدْ عَطِشْتُمْ، ذُرُوا النَّاسَ

١ . مسند ابن حنبل: ١٠١٨٧/٥١٩/٣، المصنّف لابن أبي شيبة: ١٢/٤٢٤/٢، مسند إسحاق بن راهويه:

١/٣٢٠/٣٠٣، مسند الشهاب: ١/١٦٣/٢٣٠، كلّها عن أبي هريرة؛ عدّة الداعي: ١١٧، عوالي اللآلي:

٢/٢٢٣/٣٤ وانظر فضائل الأشهر الثلاثة: ١٥٧/١٤٣ والسنن الكبرى: ٣/٤٨١/٦٣٩٢.

٢ . فضائل الأشهر الثلاثة: ٨٩/٦٨ عن زياد بن المنذر، بحار الأنوار: ٩٦/٣٦٤/٣٤ وج ٦٩/٤١٤/١٣١.

٣ . الأمالي للصدوق: ٢٧٧/٣٠٧ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني، بحار الأنوار: ٩٦/٣٦٣/٣٣.

۱۷۹. پیامبر خدا ﷺ: دعای روزه‌دار، رد نمی‌شود.

ر.ک: ص ۲۹۵ (آنچه هنگام افطار سزاوار است / دعا).

ط - ایمنی در روز قیامت

۱۸۰. امام باقر ﷺ: آن‌گاه که خداوند با موسی بن عمران ﷺ سخن گفت، موسی گفت:

خدایا! پاداش کسی که به خاطر رضای تو در روز روشن روزه بگیرد، چیست؟

فرمود: «ای موسی! بهشت من، برای اوست و برای اوست ایمنی از هر

هراسی در روز قیامت و آزادی از آتش دوزخ».

۱۸۱. امام هادی ﷺ: آن‌گاه که خداوند با موسی بن عمران ﷺ سخن گفت، موسی

گفت: پروردگارا! پاداش آن که به خاطر پاداش و رضای تو ماه رمضان را روزه

بگیرد، چیست؟

فرمود: «ای موسی! روز قیامت، او را جایگاهی می‌دهم که در آن جا بیمی

نداشته باشد».

گفت: خدایا! پس پاداش آن که ماه رمضان را به خاطر مردم، روزه بگیرد،

چیست؟

فرمود: «ای موسی! پاداش او، همچون پاداش کسی است که آن ماه را

روزه نگرفته باشد».

ی - آسودگی در روز حساب

۱۸۲. پیامبر خدا ﷺ: چون روز قیامت شود، روزه‌داران از گورهای خود بیرون

می‌آیند. آنان با بوی روزه‌داری‌شان شناخته می‌شوند. دهان‌هایشان

خوش‌بوتر از بوی مُشک است، [فرشتگان] با آنان همراه با سفره‌ها و

تُنگ‌های مَهرخورده با مُشک، دیدار می‌کنند و به آنان گفته می‌شود:

«بخورید، که گرسنگی کشیدید و بنوشید، که تشنه شدید. مردم را وا گذارید و

وَاسْتَرِيحُوا فَقَدْ أُعْيِيْتُمْ إِذِ اسْتَرَاخَ النَّاسُ». فَيَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَيَسْتَرِيحُونَ
وَالنَّاسُ فِي عَنَاءٍ وَظَمًا.^١

١٨٣. عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ لَيْسَ عَلَيْهِمْ حِسَابٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا كَانَ حَسَلًا: الصَّائِمُ،
وَالْمُسَحَّرُ، وَالْمُرَابِطُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^٢

١٨٤. عنه عليه السلام: مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ خُفِّفَ عَنْهُ مِنْ وَقُوفِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
عِشْرِينَ سَنَةً.^٣

ك - الشُّفَاعَةُ فِي الْآخِرَةِ

١٨٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّيَّامُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ يَقُولُ الصَّيَّامُ: أَيْ
رَبِّ، مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ؛ فَشَفَّعْنِي فِيهِ، وَيَقُولُ الْقُرْآنُ: مَنَعْتُهُ
النَّوْمَ بِاللَّيْلِ؛ فَشَفَّعْنِي فِيهِ - قَالَ -؛ فَيُشَفَّعَانِ.^٤

١٨٦. عنه عليه السلام: إِذَا مَاتَ الْعَبْدُ كَانَتْ الصَّلَاةُ عِنْدَ رَأْسِهِ، وَالصَّدَقَةُ عَنْ يَمِينِهِ، وَالصَّيَّامُ
عِنْدَ صَدْرِهِ.^٥

ل - التَّبَاعُدُ مِنَ النَّارِ

١٨٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَاعَدَ اللَّهُ مِنْهُ جَهَنَّمَ مَسِيرَةَ مِائَةٍ

١. الدر المنثور: ١/٤٤٢ نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب، كنز العمال: ٨/٤٥٧/٢٣٦٤٤ نقلاً عن أبي الشيخ في الثواب والديلمي وكلاهما عن أنس.

٢. المعجم الكبير: ١١/٢٨٥/١٢٠ عن ابن عباس، كنز العمال: ٨/٤٥٠/٢٣٦٠٤ وج ١٥/٨١٦/٤٣٢٤٦.

٣. تاريخ بغداد: ١٢/٢٤٣/٦٦٩٤ عن ابن عباس.

٤. مسند ابن حنبل: ٢/٥٨٦/٦٦٣٧، المستدرک علی الصحيحین: ١/٧٤٠/٢٠٣٦، حلية الأولياء: ٨/١٦١

وفيه «والشراب» بدل «والشهوات»، الفردوس: ٢/٤٠٨/٣٨١٥ كلّها عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ٨/٢٣٥٧٥/٤٤٤/٨.

٥. حلية الأولياء: ٦/١٤٧ عن ثوبان، كنز العمال: ١٥/٨٣٠/٢٣٣٠٢.

به آسایش پردازید؛ زیرا آن گاه که آنان آسوده بودند، شما رنج کشیدید». پس می‌خورند و می‌آشامند و می‌آسایند، در حالی که مردم، در رنج و تشنگی‌اند.

۱۸۳. پیامبر خدا ﷺ: برای سه کس، در آنچه بخورند، حساب نیست، اگر حلال باشد: روزه‌دار، سحری‌خور و مرزبان در راه خدا.
۱۸۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در راه خدا یک روز را روزه بدارد، به اندازه بیست سال از توقفش در روز قیامت تخفیف داده می‌شود.

ک - شفاعت در آخرت

۱۸۵. پیامبر خدا ﷺ: در روز قیامت، روزه و قرآن، از بنده شفاعت می‌کنند. روزه می‌گوید: پروردگارا! من او را از طعام و خواسته‌های دل^۱ در روز، جلوگیری کردم. پس شفاعتم را درباره او بپذیر، رسولی
قرآن هم گوید: من او را از خواب شبانه باز داشتم. پس شفاعتم را درباره او بپذیر.

پس شفاعت هر دو، پذیرفته می‌شود.

۱۸۶. پیامبر خدا ﷺ: آن گاه که بنده بمیرد، نماز، بالای سرش خواهد بود، صدقه سمت راست او و روزه کنار سینه‌اش.

ل - دور شدن از آتش

۱۸۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در راه خدا یک روز را روزه بدارد، خداوند، دوزخ را به

۱. در برخی منابع، به جای «خواسته‌های دل»، «نوشیدنی» آمده است.

عام

١٨٨. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَرِيضَةً بَاعَدَ اللَّهُ مِنْهُ جَهَنَّمَ كَمَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ السَّبْعِ، وَمَنْ صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا بَاعَدَ اللَّهُ مِنْهُ جَهَنَّمَ مَسِيرَةَ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ^٢.

١٨٩ . عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا مِنْ عَبْدٍ يَصُومُ يَوْماً فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا بَاعَدَ اللَّهُ بِذَلِكَ الْيَوْمِ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفاً.^٣

١٩٠. عَنْهُ عليه السلام: مَنْ صَامَ يَوْمًا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى بَعَدَهُ اللَّهُ مِنْ جَهَنَّمَ كَبَعْدِ غُرَابٍ طَارَ وَهُوَ قَرِخٌ حَتَّى مَاتَ هَرِمًا.^٢

١٩١. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ خَنْدَقًا كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.^٥

١٩٢. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ مُتَطَوِّعًا فِي غَيْرِ رَمَضَانَ، بُعِدَ مِنَ النَّارِ مِثْلَةَ
عَامِ سَيْرِ الْمُضْمَرِّ الْمُجِيدِ.

١. سنن النسائي: ١٧٤/٤، مسند أبي يعلى: ١٧٤١/٣١٤/٢، المعجم الكبير: ٩٢٧/٣٣٥/١٧، عن عقبة ابن عامر، المعجم الأوسط: ٣٠٩/٣ عن عمرو بن عبسة، كنز العمال: ٢٣٥٩٧/٤٤٩/٨.

٢. المعجم الكبير: ١٧/١٢٠/٢٩٥ عن عتبة بن عبد السلمي، كنز العمال: ٤/٣٤١/١٠٨٠٠.

٣. صحيح مسلم: ١٦٧/٨٠٨/٢ وح ١٦٨، صحيح البخاري: ٢٦٨٥/١٠٤٤/٣، سنن الترمذي: ١٦٢٣/١٦٦/٤، سنن ابن ماجه: ١٧١٧/٥٤٨/١، مسند ابن حنبل: ١١٢١٠/٥٤/٤، السنن الكبرى: ٨٤٥٢/٤٨٨/٤ كلها نحوه، سنن النسائي: ١٧٣/٤ كلها عن أبي سعيد الخدري.

٤. مسند ابن حنبل: ١٠٨١٠/٦١٩/٣ عن أبي هريرة، المعجم الكبير: ٦٣٦٥/٥٦/٧، المعجم الأوسط: ٣١١٨/٢٧١/٣، مسند أبي يعلى: ٩١٧/٤٢٨/١ كلها عن سلمة بن قيصر، شعب الإيمان: ٣/٢٩٩/٣ ٣٥٩٠ عن سلمة بن فيض، كنز العمال: ٢٤١٥٥/٥٥٨/٨، مستدرک الوسائل: ٨٧٥١/٥٠٤/٧ نقلاً عن درر اللآلي عن سلامة بن قيصر.

٥. سنن الترمذي: ١٦٧/٤، المعجم الكبير: ١/٢٣٦/٧٩٢١ كلاهما عن أبي أمامة، المعجم الأوسط: ١٠٨٠٦/١١٢/٥ عن جابر، تاريخ بغداد: ١٣/٤٥٥/٧٣٠٠ عن ابن مسعود، كنز العمال: ٤/٣٣٢/١٠٨٠٦.

٦. مسند أبي يعلى: ١٧٧/٢، ١٢٨٤ عن معاذ، المعجم الكبير: ٨/١٩٨، ٧٨٠٦ عن أبي أمامة نحوه.

اندازه مسافت صد سال، از او دور می‌سازد.

۱۸۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در راه خدا یک روز را روزه واجب بگیرد، خداوند، دوزخ را به اندازه فاصله میان آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه از او دور می‌سازد و هر کس یک روز را روزه مستحب بگیرد، خداوند، دوزخ را به اندازه مسافت بین آسمان [و زمین] از او دور می‌سازد.

۱۸۹. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که در راه خدا یک روز را روزه بدارد، مگر آن که خداوند به سبب آن روز، چهره او را هفتاد پاییز (هفتاد سال) از آتش دور می‌کند.

۱۹۰. پیامبر خدا ﷺ: هر کس یک روز را برای خدای متعال روزه بدارد، خداوند، او را از دوزخ دور می‌سازد، همچون دوری کلاغی که در حال جوجگی، پرواز کند تا آن که از پیری بمیرد.

۱۹۱. پیامبر خدا ﷺ: هر کس یک روز را در راه خدا روزه بدارد، خداوند، میان او و آتش، فاصله‌ای به اندازه فاصله آسمان تا زمین، قرار می‌دهد.

۱۹۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس یک روز را در غیر ماه رمضان در راه خدا روزه مستحب بگیرد، به اندازه صد سال از آتش دور می‌شود، با سرعت حرکت تکسوار تیزگام.

١٩٣ . عنه عليه السلام: الصَّوْمُ يُذِيلُ اللَّحْمَ، وَيُبْعِدُ مِنَ حَرِّ السَّعِيرِ.^١
١٩٤ . كنز العمال عن خالد بن الوليد: جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: إِنِّي سَأَيْلُكَ عَمَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

فَقَالَ لَهُ: «سَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ...».

قَالَ: مَا الَّذِي يُطْفِئُ نَارَ جَهَنَّمَ؟

قَالَ: «الصَّوْمُ».^٢

وانظر: ص ١٢٢ (بركات ضيافة الله / التقوى).

م - الْفَوْزُ بِالْجَنَّةِ

١٩٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ خُتِمَ لَهُ بِصِيَامٍ يَوْمٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ.^٣
١٩٦ . عنه عليه السلام: مَنْ خَتَمَ اللَّهُ (بِهِ) بِصَوْمٍ يَوْمٍ أَرَادَ بِهِ اللَّهُ تَعَالَى، أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.^٤
١٩٧ . عنه عليه السلام: مَنْ صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.^٥
١٩٨ . عنه عليه السلام: مَنْ مَنَعَهُ الصَّيَّامُ مِنْ طَعَامٍ يَشْتَهِيهِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُطْعِمَهُ مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ، وَيَسْقِيَهُ مِنْ شَرَابِهَا.^٦

١ . المعجم الأوسط: ٩ / ١٧٠ / ٩٤٢٣ عن أنس.

٢ . كنز العمال: ١٢٧ / ١٦ / ٤٤١٥٤ نقلًا عن شمس الدين بن القماح في مجموع له عن أبي العباس المستغفري.

٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ٤ / ١٨٢ / ٥٤١٧ وج ٢ / ٨٦ / ١٨٠٢، ثواب الأعمال: ١ / ٧٧ / ١ / ٧٧ كلها عن جابر عن

الإمام الباقر عليه السلام وفي الأخيرين من دون إسناد إليه عليه السلام: كنز العمال: ٨ / ٢٣٥٩٩ / ٤٤٩ / ٨ نقلًا عن البزار عن حذيفة.

٤ . تاريخ دمشق: ١٢ / ٢٧٠ / ٢٩٤٣، كنز العمال: ١٥ / ٨٥٢ / ٤٣٢٨٩ وج ١٦ / ٢٣٣ / ٢٢٧٩ / ٤٤٢٧٩ كلاهما نقلًا عن

مسند أبي يعلى وكلها عن حذيفة.

٥ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٨٦ / ١٨٠١، مكارم الأخلاق: ١ / ٢٠٠ / ٩٤٤ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام.

٦ . ثواب الأعمال: ١ / ٧٧ / ١ عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه عليه السلام. بحار الأنوار:

٢٣ / ٢٥٣ / ٩٦.

٦ . الغارات: ٢ / ٧٠٧، إرشاد القلوب: ١٥ كلاهما عن سويد بن غفلة عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار:

٦٦ / ٣٢٢ / ١ / ٣ / ٣٩١٧ وفيه «من الطعام أو الشراب يشتهي»، المناقب للخوارزمي:

١١٨ / ١٣٠ كلاهما عن سويد بن غفلة عن الإمام علي عليه السلام عنه عليه السلام. كنز العمال: ٨ / ٤٥٦ / ٢٣٦٢٥

وص ٥٨٣ / ٢٤٢٧٣.

۱۹۳. پیامبر خدا ﷺ: روزه، گوشت را می خشکاند و از گرمای دوزخ، دور می سازد.

۱۹۴. کنز العمال - به نقل از خالد بن ولید - : مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت: من

از تو درباره آنچه در دنیا و آخرت است، می پرسم.

به او فرمود: «هر چه می خواهی، بپرس ...».

گفت: چه چیزی آتش دوزخ را فرو می نشاند؟

فرمود: «روزه».

رک: ص ۱۲۲ (برکات میهمانی خدا / تقوا).

م - بهشتی شدن

۱۹۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس عمرش با روزه یک روز به پایان رسد، وارد بهشت

می شود.

۱۹۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس پایان عمرش را با یک روز روزه برای خدا به پایان برد،

خداوند، او را وارد بهشت می کند.

۱۹۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس یک روز را روزه مستحب بگیرد، خداوند، او را وارد

بهشت می کند.

۱۹۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کس که روزه گرفتن، وی را از غذای مورد علاقه اش باز دارد،

بر خداست که او را از غذای بهشت بخوراند و از نوشیدنی بهشت بنوشاند.

١٩٩. إحياء علوم الدين عن عائشة: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «أَدِيمُوا قَرَعَ بَابِ

الْجَنَّةِ يَفْتَحَ لَكُمْ». فَقُلْتُ: كَيْفَ نُدِيمُ قَرَعَ بَابِ الْجَنَّةِ؟

قَالَ: «بِالْجُوعِ وَالظَّمَا».^١

٢٠٠. الإمام الحسن ﷺ: مَنْ صَامَ عَشْرَةَ أَشْهُرٍ رَمَضَانَ مُتَوَالِيَاتٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ.^٢

٢٠١. مسند ابن حنبل عن أبي أمامة: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ: مُرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ.

قَالَ: «عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَا عِدَلَ لَهُ».^٣

٢٠٢. الإمام الباقر ﷺ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ فَقَالَ: «يَا أَسَامَةُ، عَلَيْكَ بِطَرِيقِ الْجَنَّةِ، وَإِيَّاكَ أَنْ تُخْتَلَجَ عَنْهَا».

فَقَالَ أَسَامَةُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا أَيْسَرُ مَا يَقْطَعُ بِهِ ذَلِكَ الطَّرِيقُ؟

قَالَ: «الظَّمَا فِي الْهَوَاجِرِ، وَكَسْرُ النَّفْسِ عَنِ لَذَّةِ الدُّنْيَا. يَا أَسَامَةُ،

عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ، وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَأْتِيَكَ الْمَوْتُ وَبَطْنُكَ جَائِعٌ فَافْعَلْ».^٤

٢٠٣. رسول الله ﷺ: إِنَّ الْجَنَّةَ مُشْتَاقَةٌ إِلَى أَرْبَعَةِ نَفَرٍ ... وَصَائِمِ شَهْرِ رَمَضَانَ.^٥

١. إحياء علوم الدين: ٣/١٢٦، المحجة البيضاء: ٥/١٤٩.

٢. الخصال: ٤٢/٤٤٥ عن محمد بن الحسين الكرخي، بحار الأنوار: ٩٦/٣٦٥/٣٩.

٣. مسند ابن حنبل: ٨/٢٧١/٢٢٢١١، سنن النسائي: ٤/١٦٦، صحيح ابن حبان: ٨/٢١٢/٣٤٢٥، المصنف لابن أبي شيبة: ٢/٤٢٣/٥ وفيهما «لا مثل له» بدل «لا عدل له»، كنز العمال: ٨/٥٨٣/٢٤٢٧٥.

٤. دعائم الإسلام: ١/٢٧٠، التحصين لابن فهد: ٢٠/٣٩، عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل عن رسول الله ﷺ نحوه، بحار الأنوار: ٩٦/٢٥٨/٤١؛ تاريخ دمشق: ٨/٧٨ عن عبد الله بن عباس ومحمد بن علي بن أبي طالب وص ٧٦، بغية الباحث: ١١٩/٣٤٤ كلاهما عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل عنه ﷺ وكلها نحوه.

٥. مستدرک الوسائل: ٧/٤٠٠/٨٥٢٤ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

۱۹۹. إحياء علوم الدين - به نقل از عایشه - : شنیدم که پیامبر خدا می فرمود: «پیوسته، در بهشت را بکوبید تا به روی شما گشوده شود».

گفتم: چگونه پیوسته در بهشت را بکوبیم؟

فرمود: «با گرسنگی و تشنگی».

۲۰۰. امام حسن علیه السلام: هر کس ده ماه رمضان را پیوسته روزه بگیرد، وارد بهشت می شود.

۲۰۱. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو امامه - : نزد پیامبر خدا رفتم و گفتم: مرا به کاری فرمان بده که مرا به بهشت وارد کند. فرمود: «روزه بگیر، که چیزی با آن برابر نیست».

۲۰۲. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا به اُسامه بن زید سفارش کرد و گفت: «ای اُسامه! در راه بهشت باش و مبادا تو را از آن جدا سازند».

اُسامه گفت: ای پیامبر خدا! آسان ترین چیزی که با آن، این راه پیموده می شود، چیست؟

فرمود: «تشنگی در گرمای سوزان و در هم شکستن نفس ها از لذت دنیا. ای اُسامه! روزه بگیر؛ چرا که سپر بازدارنده از آتش است و اگر بتوانی که در حالت گرسنگی شکم باشی و مرگت فرا رسد، چنین کن».

۲۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهشت، مشتاق چند نفر است: ...، یکی هم روزه دار ماه رمضان.

٢٠٤ . عنه عليه السلام: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ مَاتَ دَخَلَ الْجَنَّةَ.^١

٢٠٥ . عنه عليه السلام: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ حَدَّثَ نَفْسَهُ أَنْ يَصُومَ إِنْ عَاشَ ، فَإِنْ مَاتَ بَيْنَ ذَلِكَ دَخَلَ الْجَنَّةَ.^٢

٢٠٦ . عنه عليه السلام: مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَاجْتَنَبَ فِيهِ الْحَرَامَ وَالْبَهْتَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، وَأَوْجَبَ لَهُ الْجَنَانَ.^٣

٢٠٧ . الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصُومُ يَوْمًا تَطَوُّعًا يُرِيدُ مَا عِنْدَ اللَّهِ ﷻ ، فَيَدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ.^٤

ن - جَوَامِعُ الْبَرَكَاتِ

٢٠٨ . رسول الله ﷺ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ احْتِسَابًا إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لَهُ سَبْعَ خِصَالٍ: أَوَّلُهَا: يَذُوبُ الْحَرَامُ فِي جَسَدِهِ. وَالثَّانِيَةُ: يَقْرُبُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﷻ. وَالثَّالِثَةُ: يَكُونُ قَدْ كَفَّرَ خَطِيئَةَ آدَمَ أَبِيهِ ﷺ. وَالرَّابِعَةُ: يُهَوِّنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ. وَالخَامِسَةُ: أَمَانٌ مِنَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَالسَّادِسَةُ: يُعْطِيهِ اللَّهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ. وَالسَّابِعَةُ: يُطْعِمُهُ اللَّهُ ﷻ مِنْ طَيِّبَاتِ الْجَنَّةِ.^٥

١. كنز العمال: ١١٨٤٦/١٥/٥ نقلاً عن الديلمي عن أبي سعيد الخدري.
٢. بحار الأنوار: ٩/٣٤٥/٩٦ نقلاً عن القطب الراوندي في النوادر عن عبد الله بن مسعود.
٣. بحار الأنوار: ١٠/٣٤٦/٩٦ نقلاً عن القطب الراوندي في النوادر عن أبي إسماعيل بن خالد عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علي عليه السلام.
٤. الكافي: ٥/٦٣/٤، تهذيب الأحكام: ٩٤١/٢٣٨/٢، ثواب الأعمال: ١/٦٢، كلّها عن إسماعيل بن يسار، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١/٢٠٩/٦٣١ كلّها عن الإمام الصادق عليه السلام.
٥. كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٧٦٩/٧٤/٢ عن الإمام الحسن عليه السلام، الخصال: ١٤/٣٤٦، فضائل الأشهر الثلاثة: ٨٧/١٠١، علل الشرايع: ١/٣٧٩، الأمالي للصدوق: ٢٦٠/٢٧٩ والأربعة الأخيرة عن الحسن بن عبد الله عن أبيه عن جدّه الإمام الحسن عليه السلام عنه عليه السلام، روضة الواعظين: ٣٧٣، بحار الأنوار: ٩٦/٣٦٩/٤٩.

۲۰۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و سپس بمیرد، وارد بهشت می‌شود.

۲۰۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و سپس در دل خود بگوید که اگر زنده بماند، [باز هم] روزه می‌گیرد، چنانچه در این میان بمیرد، وارد بهشت می‌شود.

۲۰۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس ماه رمضان را روزه بدارد و در آن از حرام و تهمت پرهیز کند، خداوند از او راضی می‌شود و بهشت را بر او واجب می‌سازد.

۲۰۷. امام باقر ع: همانا شخص، یک روز را به خاطر ثواب الهی، روزه مستحب می‌گیرد؛ خداوند هم او را وارد بهشت می‌سازد.



ن - مجموعهٔ برکت‌ها

۲۰۸. پیامبر خدا ﷺ: هیچ مؤمنی نیست که به خاطر خدا ماه رمضان را روزه بدارد، مگر آن که خداوند متعال، هفت ویژگی را برای او حتمی می‌سازد:

نخست: حرام در بدنش ذوب می‌شود. دوم: به رحمت الهی نزدیک می‌گردد. سوم: کفارهٔ خطای پدرش آدم را ادا می‌کند. چهارم: خداوند، دشواری‌های دم‌جان دادن را بر او آسان می‌سازد. پنجم: از گرسنگی و تشنگی روز قیامت، ایمن می‌گردد. ششم: خداوند به او از آتش امان می‌دهد. و هفتم: خداوند به او از نعمت‌های پاکیزهٔ بهشت می‌خوراند.

٢٠٩. عنه ﷺ: مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَمَضَانَ مُحْتَسِبًا كَانَ لَهُ بِصَوْمِهِ مَا لَوْ أَنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا اجْتَمَعُوا مِنْذُ كَانَتِ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ لَأَوْسَعَهُمْ طَعَامًا وَشَرَابًا، لَا يَطْلُبُ إِلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ.^١

٢١٠. فضائل الأشهر الثلاثة عن الضحّاك عن الإمام عليّ عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «شَعْبَانُ شَهْرِي وَشَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ؛ فَمَنْ صَامَ شَهْرِي كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ صَامَ شَهْرَ اللَّهِ ﷻ آنَسَ اللَّهُ وَحِشَتُهُ فِي قَبْرِهِ، وَوَصَلَ وَحَدَّثَهُ، وَخَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ مُبَيِّضًا وَجْهَهُ، وَأَخَذَ الْكِتَابَ بِيَمِينِهِ وَالْخُلْدَ بِيَسَارِهِ حَتَّى يَقِفَ بَيْنَ يَدَي رَبِّهِ ﷻ، فَيَقُولُ: عَبْدِي! فَيَقُولُ: لَبَّيْكَ سَيِّدِي! فَيَقُولُ ﷻ: صُمْتُ لِي؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ يَا سَيِّدِي، فَيَقُولُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى -: خُذُوا بِيَدِ عَبْدِي حَتَّى تَأْتُوا بِهِ نَبِيِّي^٢، فَأُوتَى بِهِ، فَأَقُولُ لَهُ: صُمْتَ شَهْرِي؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَأَقُولُ: أَنَا أَشْفَعُ لَكَ الْيَوْمَ».

مرکز تحقیقات کتب ویراسته

- قَالَ -: «فَيَقُولُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى -: أَمَّا حُقُوقِي فَقَدْ تَرَكَتُهَا لِعَبْدِي، وَأَمَّا حُقُوقُ خَلْقِي فَمَنْ عَفَا عَنْهُ فَعَلَيَّ عِوَضُهُ حَتَّى يَرْضَى».

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «فَأَخَذُ بِيَدِهِ حَتَّى أَنْتَهِيَ بِهِ إِلَى الصُّرَاطِ فَأَجِدُهُ دَحْضًا مَزَلَقًا، لَا يَنْبُتُ عَلَيْهِ أَقْدَامُ الْخَاطِئِينَ، فَأَخَذُ بِيَدِهِ فَيَقُولُ لِي صَاحِبُ الصُّرَاطِ: مَنْ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَأَقُولُ: هَذَا فُلَانٌ مِنْ أُمَّتِي، كَانَ قَدْ صَامَ بِالدُّنْيَا شَهْرِي ابْتِغَاءَ شَفَاعَتِي، وَصَامَ شَهْرَ رَبِّهِ ابْتِغَاءَ وَعْدِهِ، فَيَجُوزُ الصُّرَاطَ بِعَفْوِ اللَّهِ ﷻ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى بَابِ الْجَنَّتَيْنِ، فَاسْتَفْتَحَ لَهُ، فَيَقُولُ رِضْوَانُ: لَكَ أَمْرُنَا أَنْ نَفْتَحَ الْيَوْمَ وَلِأُمَّتِكَ».

١. المعجم الكبير: ١١/٨٩/١١١٩٩ عن ابن عباس، كنز العمال: ٨/٤٨١/٢٣٧٢٩.

٢. في المصدر: «منّي»، والتصحيح من بحار الأنوار.

۲۰۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس یک روز را از [ماه] رمضان به خاطر خدا روزه بگیرد، یاداش روزه‌اش به قدری است که اگر همه مردم دنیا از آغاز تا فرجام دنیا، گرد آیند، وی می‌تواند آنان را سیر و سیراب نماید، بدون آن که از بهشتیان، اندکی درخواست کند.

۲۱۰. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از ضحاک، از امام علی علیه السلام: - پیامبر خدا فرمود: «شعبان، ماه من است و ماه رمضان، ماه خداست. پس هر که ماه مرا روزه بدارد، در روز قیامت، شفیع او خواهم بود. و هر کس ماه خدا را روزه بدارد، خداوند در گور، وحشت او را به انس، تبدیل می‌کند؛ تنهایی او را [به انس خود] پیوند می‌دهد؛ و او از گور خویش سفیدرو بیرون می‌آید و نامه عمل را به دست راستش و جاودانگی [در بهشت] را در دست چپش می‌گیرد، تا آن که در پیشگاه پروردگارش می‌ایستد.



خداوند می‌فرماید: «بنده من!»
می‌گوید: لبتیک، سرورم!
می‌فرماید: «برای من، روزه گرفتی؟»
می‌گوید: آری، سرورم!

خداوند متعال می‌فرماید: دست بندهام را بگیرد و نزد پیامبرم ببرد.
او را نزد من می‌آورند. من به او می‌گویم: ماه مرا روزه گرفتی؟
می‌گوید: آری.

پس می‌گویم: من امروز، تو را شفاعت می‌کنم.
پس خدای متعال می‌فرماید: «من از حقوق خودم به خاطر بندهام گذشتم؛ اما درباره حقوق مردم: پس هر که از او درگذرد، عوض آن بر من است تا آن که راضی شود».

پیامبر ﷺ فرمود: «پس، دست او را می‌گیرم و وی را به صراط می‌برم. صراط را لغزنده می‌یابم، به گونه‌ای که پای خطاکاران بر آن استوار نمی‌ماند. [آن جا نیز] دست او را می‌گیرم.

مأمور صراط به من می‌گوید: ای پیامبر خدا! این کیست؟
می‌گویم: فلانی است، از امت من. در دنیا به خاطر رسیدن به شفاعتم، ماه مرا روزه گرفته است و به خاطر رسیدن به وعده الهی، ماه خدا را روزه داشته است.

قَالَ، ثُمَّ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام : صوموا شهرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَكُنْ لَكُمْ شَفِيعاً، وصوموا شهرَ اللَّهِ تَشْرَبُوا مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتومِ.^١

٢١١. مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام - : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ». فَالصَّوْمُ يُمِيتُ هَوَى النَّفْسِ وَشَهْوَةَ الطَّبْعِ، وَفِيهِ حَيَاةُ الْقَلْبِ، وَطَهَارَةُ الْجَوَارِحِ، وَعِمَارَةُ الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ، وَالشُّكْرُ عَلَى النِّعَمِ، وَالْإِحْسَانُ إِلَى الْفُقَرَاءِ، وَزِيَادَةُ التَّضَرُّعِ وَالْخُشُوعِ وَالْبُكَاءِ، وَحَبْلُ الْإِلْتِجَاءِ إِلَى اللَّهِ، وَسَبَبُ انْكِسَارِ الشَّهْوَةِ، وَتَخْفِيفُ الْحِسَابِ، وَتَضْعِيفُ الْحَسَنَاتِ، وَفِيهِ مِنَ الْفَوَائِدِ مَا لَا يُحْصَى؛ وَكَفَى مَا ذَكَرْنَا مِنْهُ لِمَنْ عَقَلَ وَوَفَّقَ لِاسْتِعْمَالِهِ.^٢



وانظر: ص ١١٠ (قيمة الصائم).

ص ١١٨ (دعاء الملائكة للصائم).

ص ٥٢ (بركات شهر رمضان).

مركز تحقيقات كليات علوم دینی

٨/١

رَحِمَاتُ صِيَامِ اللَّهِ

٢١٢. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : إِنَّ أَيْسَرَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الصَّائِمِ فِي صِيَامِهِ، تَرْكُ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ.^٣

٢١٣. الإمام علي عليه السلام : صَوْمُ الْجَسَدِ الْإِمْسَاكُ عَنِ الْأَغْذِيَةِ بِإِرَادَةٍ وَاخْتِيَارٍ؛ خَوْفاً مِنَ الْعِقَابِ وَرَغْبَةً فِي الثَّوَابِ وَالْأَجْرِ.^٤

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ١٣٢/١٢٤ و ص ٤٤/٤٦، بحار الأنوار: ٩٧/٨٣/٥٤.

٢. مصباح الشريعة: ١٣٥، بحار الأنوار: ٩٦/٢٥٤/٢٨.

٣. المقنعة: ٣١٠، الإقبال: ١/١٩٦ عن أبي بصير وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٧/٣٥٢.

٤. غرر الحكم: ٥٨٨٨.

پس با عفو الهی از صراط می‌گذرد تا آن که به درِ دو بهشت می‌رسد.
 من می‌خواهم تا بهشت را برای او بگشایند. رضوان (نگهبان بهشت)
 می‌گوید: ما فرمان یافته‌ایم که بهشت را برای تو و برای امت تو بگشاییم.»
 [راوی گوید: سپس امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:] ماه پیامبر را روزه بگیرید تا
 شفیع شما باشد و ماه خدا را روزه بگیرید تا از شراب ناب و سر به مهر بهشتی
 بنوشید.

۲۱۱. مصباح الشریعة - در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده است - : پیامبر خدا
 فرمود: «خدای متعال فرموده است: روزه، برای من است و خود من پاداش
 آن را می‌دهم.»

پس روزه، هوای نفس و شهوت طبع را می‌میراند و در آن، زندگی دل،
 پاکی اعضا، آبادی ظاهر و باطن، سپاس نعمت‌ها، نیکی به فقیران و فزونی
 نالیدن و خشوع و گریه است. روزه، ریسمان پناهندگی به خدا و مایه
 شکستن شهوت، سبک شدن حساب و چند برابر شدن حسنات است و در
 آن، بهره‌هایی بی‌شمار است و آنچه از فوایدش یاد کردیم، برای آن که خرد
 ورزد و توفیق عمل یابد، بس است.

ر.ک: ص ۱۱۱ (ارزش روزه‌دار).

ص ۱۱۹ (دعای فرشتگان برای روزه‌دار).

ص ۵۳ (برکات ماه رمضان).

۸/۱ درجات میهمانی خدا

۲۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آسان‌ترین چیزی که خداوند بر روزه‌دار در روزه‌داری اش واجب
 ساخته، نخوردن و نیاشامیدن است.

۲۱۳. امام علی علیه السلام: روزه بدن، پرهیز با اراده و اختیار از غذاهاست، از روی ترس از
 کیفر و با امید به پاداش و اجر الهی.

٢١٤. عنه ﷺ: صَوْمُ النَّفْسِ إِمْسَاكُ الْحَوَاسِّ الْخَمْسِ عَنِ سَائِرِ الْمَآثِمِ، وَخُلُوءُ الْقَلْبِ عَنِ جَمِيعِ أَسْبَابِ الشَّرِّ.^١

٢١٥. عنه ﷺ: صَوْمُ النَّفْسِ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا أَنْفَعُ الصَّيَامِ.^٢

٢١٦. عنه ﷺ: صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْآثَامِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ عَنِ الطَّعَامِ.^٣

٢١٧. عنه ﷺ: صَوْمُ الْقَلْبِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ اللِّسَانِ، وَصِيَامُ اللِّسَانِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ.^٤



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی

١. غرر الحكم: ٥٨٨٩.

٢. غرر الحكم: ٥٨٧٤.

٣. غرر الحكم: ٥٨٧٣.

٤. غرر الحكم: ٥٨٩٠.

۲۱۴. امام علی علیه السلام: روزه نفس، نگهداری حواس پنجگانه از دیگر گناهان و تهی بودن دل از تمام اسباب بدی است.

۲۱۵. امام علی علیه السلام: سودمندترین روزه، نگهداشتن نفس از لذت‌های دنیاست.

۲۱۶. امام علی علیه السلام: نگه داشتن دل از اندیشیدن درباره گناهان، برتر از نگه داشتن شکم از غذاست.

۲۱۷. امام علی علیه السلام: روزه دل، بهتر از روزه زبان است و روزه زبان، بهتر از روزه شکم.



مرکز تحقیقات کتب و پژوهش‌های اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

سخنی درباره مراتب روزه داری

از روایات گذشته، همچنین از آنچه در فصل آداب روزه داری خواهد آمد، روشن می‌گردد که روزه، از نظر مراتب و از زاویه نقشی که در تکامل انسان دارد، به سه دسته تقسیم می‌شود و از همین روست که علمای اخلاق و سیر و سلوک، روزه را به: روزه عوام، روزه خواص و روزه خواص خواص، تقسیم کرده‌اند. و اینک، توضیح فشرده‌ای از آنها:

دسته اول. روزه عوام

این مرتبه از روزه، با پرهیز از مفطرات روزه صورت می‌پذیرد، با شرحی که در کتاب‌های فقهی آمده است. این مرتبه از روزه، آسان‌ترین و پایین‌ترین مرتبه روزه است. آنچه از پیامبر ﷺ روایت شده که:

إِنَّ أَيْسَرَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الصَّائِمِ فِي صِيَامِهِ، تَرْكُ الطَّعَامِ
وَالشَّرَابِ؛^۱

آسان‌ترین چیزی که خدای متعال بر روزه‌دار در روزه داری‌اش واجب ساخته است، نخوردن و نیاشامیدن است.

به این مرتبه از روزه‌داری اشاره دارد.

دسته دوم. روزه خواص

در این مرتبه از روزه، روزه‌دار، تنها به پرهیز از مفطرات روزه، بسنده نمی‌کند؛ بلکه از همه حرام‌های الهی پرهیز می‌نماید. از این رو، اجتناب از مفطرات، شرط درستی روزه است و اجتناب از حرام‌ها، شرط قبولی آن. بر این اساس، همه احادیثی که با عنوان «مهم‌ترین آداب روزه‌داری»^۱ خواهند آمد، به این مرتبه از روزه‌داری اشاره دارند.

دسته سوم. روزه خواص خواص

این مرتبه از روزه، با باز داشتن قلب و نگهداری آن از هر چیزی که اشغال‌کننده دل (چه حلال و چه حرام) است بجز خدا، به دست می‌آید. ابو حامد غزالی (م ۵۰۵ ق) در توصیف این مرتبه از روزه می‌گوید:

أما روزه خواص خواص، روزه دل از همّت‌های دُن و اندیشه‌های دنیوی و باز داشتن کلی آن از غیر خداوند است. شکستن این مرتبه از روزه، با اندیشه درباره غیر خدا و قیامت، و فکر درباره دنیا تحقق می‌یابد. مگر دنیایی که به خاطر دین خواسته شود، که چنین دنیایی، توشه آخرت است و دنیا نیست. تا آن جا که اهل دل گفته‌اند: «هر کس در روزش به تدبیر آنچه با آن افطار می‌کند، اهتمام ورزد، گناه بر او نوشته می‌شود؛ چرا که این، از کم‌اطمینانی به فضل خدا و یقین اندک به روزی موعود خویش است».

این مرتبه، رتبه پیامبران، صدیقان و مقربان است. در تفصیل قولی آن، نباید درنگ طولانی داشت؛ ولی در تحقق عملی آن، تأمل به جاست؛ چرا که آن، رویکرد به خداوند و روی‌گردانی از غیر خدا با

همه همت است و آراسته شدن به این سخن خداست که:

﴿قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ﴾^۱ بگو: «خدا!» سپس وا

گذارشان تا در باطل خویش به بازیچه مشغول باشند»^۲.

امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام، در اشاره به این سه مرتبه می‌فرماید:

صَوْمُ الْقَلْبِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ اللِّسَانِ وَ صِيَامُ اللِّسَانِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ
الْبَطْنِ^۳

روزه دل، بهتر از روزه زبان است و روزه زبان، بهتر از روزه شکم.

هر یک از این دو مرتبه اخیر، به نسبت تلاش روزه‌داران و آمادگی آنان، مراتب

بسیاری دارد، علاوه بر این که خود روزه هم از زاویه انگیزه‌های روزه‌دار، گوناگون

است. نقطه اوج این مراتب، حال روزه‌داری است که انگیزه روزه‌داری‌اش، نه بیم از

کیفر و نه شوق به ثواب؛ بلکه تنها به خاطر فرمان‌برداری از فرمان الهی،

علاقه‌مندی به تقرب به خدای سبحان و کسب رضا و لقای اوست.

از خداوند سبحان می‌خواهیم که توفیقمان دهد تا در راه آنچه موجب افزایش

بهره ما از ضیافت کریمانه رمضان می‌شود، بکوشیم و بالاترین و والاترین مراتب

روزه‌داری را به ما عنایت فرماید.

۱. انعام، آیه ۹۱.

۲. إحياء علوم الدين: ۱/ ۳۵۰؛ المحجة البيضاء: ۱۳۱/۲.

۳. غرر الحكم: ۵۸۹۰.

الفصل الثاني تأهيل الناس لضيافة الله

١/٢

خطابات النبي عند دخول شهر رمضان

٢١٨ . الإمام الرضا عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام : إن رسول الله ﷺ خطبنا ذات يوم فقال :

«أيها الناس ، إنه قد أقبل إليكم شهر الله بالبركة والرحمة والمغفرة ، شهر هو عند الله أفضل الشهور ، وأيامه أفضل الأيام ، ولياليه أفضل الليالي ، وساعاته أفضل الساعات .

هو شهر دُعيتُم فيه إلى ضيافة الله ، وجُعِلتُم فيه من أهل كرامة الله ، أنفاسُكم فيه تسبيح ، ونومُكم فيه عبادة ، وعملُكم فيه مقبول ، ودُعاؤُكم فيه مُستجاب .

فاسألوا الله ربَّكم بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُوفِّقَكُم لِيَصِيَامِهِ وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ ؛ فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ .

وَاذْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَعَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعَطَشَهُ ، وَتَصَدَّقُوا عَلَى فَقَرَائِكُمْ وَمَسَاكِينِكُمْ ، وَوَقَّروا كِبَارَكُمْ ، وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ ، وَصَلُوا أَرْحَامَكُمْ ،

فصل دوم

آمادگی برای میهمانی خدا

۱/۲

خطبه های پایمبر، پنجم فرارسیدن ماه رمضان

۲۱۸. امام رضا علیه السلام - به نقل از پدرانش علیهم السلام، از امام علی علیه السلام - : روزی، پیامبر خدا برای ما خطبه خواند و فرمود:

«ای مردم! همانا ماه خدا، همراه با برکت و رحمت و آمرزش، به شما روی آورده است؛ ماهی که نزد خدا برترین ماه‌هاست و روزهایش برترین روزها، شب‌هایش برترین شب‌ها و ساعاتش برترین ساعات است.

ماهی است که در آن به میهمانی خدا دعوت شده‌اید و از شایستگان کرامت الهی قرار داده شده‌اید. نفْس‌هایتان در آن، تسبیح است، خوابتان در آن، عبادت، عملتان در آن، پذیرفته و دعايتان در آن، مورد اجابت است.

پس با نیت‌های راست و دل‌های پاک، از پروردگارتان بخواهید تا برای روزه‌داری آن و تلاوت کتاب خویش، توفیقتان دهد؛ چرا که بدبخت، کسی است که در این ماه بزرگ، از آمرزش الهی محروم بماند.

با گرسنگی و تشنگی خود در این ماه، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد کنید؛ به نیازمندان و بینوایان صدقه بدهید؛ به بزرگان خود احترام، و بر

وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَغُضُّوا عَمَّا لَا يَحِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ، وَعَمَّا لَا يَحِلُّ
الِاسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ، وَتَحَنَّنُوا عَلَى أَيْتَامِ النَّاسِ يُتَحَنَّنْ عَلَى أَيْتَامِكُمْ،
وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ، وَارْفَعُوا أَيْدِيَكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ
صَلَوَاتِكُمْ؛ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ، يَنْظُرُ اللَّهُ ﷻ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ،
يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ، وَيُلَاقِيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرَهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَفُكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ،
وظُهُورَكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطَوْلِ سُجُودِكُمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
- تَعَالَى ذِكْرُهُ - أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَلَّا يُعَذِّبَ الْمُصَلِّينَ وَالسَّاجِدِينَ، وَلَا يُرَوِّعَهُمْ
بِالنَّارِ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ.

أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ فَطَرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ
عِنْدَ اللَّهِ عِتْقُ نَفْسَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ».

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ!

فَقَالَ ﷺ: «اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ.

أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ حَسَنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَ لَهُ جَوَازٌ عَلَى
الصُّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَمَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ
خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ حِسَابَهُ، وَمَنْ كَفَّ فِيهِ شَرُّهُ كَفَّ اللَّهُ فِيهِ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ
أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَكْرَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَةً وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ
يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ قَطَعَ رَحِمَةً قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحِمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ
بِصَلَاةٍ كُتِبَ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ قَرْضًا كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مَنْ أَدَّى
سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَمَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ ثَقَّلَ اللَّهُ
مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخَفَّفُ الْمَوَازِينُ، وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ

کوچک‌هایتان ترخیم، و به بستگانتان نیکی کنید؛ زیانتان را نگه دارید؛ چشم‌هایتان را از آنچه نگاه به آن حلال نیست، بپوشانید؛ گوش‌هایتان را از آنچه شنیدنش حلال نیست، فرو بندید؛ به یتیمان مردم، محبت کنید تا بر یتیمان شما محبت ورزند؛ از گناهانتان به پیشگاه خداوند توبه کنید؛ در هنگام نمازها، دستانتان را بر آستان او به دعا بلند کنید، که آن هنگام (وقت نماز)، برترین ساعت‌هاست و خداوند با نظر رحمت به بندگانش می‌نگرد و هر گاه با او مناجات کنند، پاسخشان می‌دهد و چون او را صدا بزنند، جوابشان می‌گوید و چون او را بخوانند، اجابتشان می‌کند.

ای مردم! جان‌های شما در گرو کارهای شماست، پس با آمرزش خواهی خود، آنها را آزاد سازید؛ و پشت‌های شما از بار گناهانتان سنگین است، پس با طول دادن سجده‌های خود، آنها را سبک کنید، و بدانید که خداوند - که یادش والاست - به عزت خود، سوگند خورده است که نمازگزاران و سجده‌کنندگان را عذاب نمی‌کند و در روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان [برای حساب] می‌ایستند، آنان را با آتش، هراسان نمی‌سازد.

ای مردم! هر که از شما در این ماه، روزه‌داری را افطار دهد، پاداش او برای آن، نزد خدا، آزاد کردن یک برده و آمرزش گناهان گذشته اوست.

پس گفتند: ای پیامبر خدا! همه ما توانایی این کار را نداریم! پیامبر ﷺ فرمود: «خود را از آتش نگه دارید، هر چند با یک دانه خرما؛ مخود را از آتش نگه دارید، هر چند با یک جرعه آب.

ای مردم! هر کس اخلاقش را در این ماه، نیکو سازد، برای او وسیله عبور از صراط خواهد بود، در آن روز که گام‌ها بر صراط می‌لغزد؛ و هر کس در این ماه بر بردگان خود آسان بگیرد، خداوند حساب او را سبک خواهد گرفت؛ و هر کس در این ماه، شرّ خود را [از دیگران] باز دارد، خداوند در روز دیدارش، غضب خویش را از او باز خواهد داشت؛ و هر که در این ماه، یتیمی را گرامی بدارد، در روز دیدار، خداوند، گرامی‌اش خواهد داشت؛ و هر که در آن به خویشاوند خود نیکی کند، در روز دیدار، خداوند با رحمتش به او نیکی خواهد کرد؛ و هر کس در آن از خویشان خود ببرد، خداوند در روز دیدار، رحمتش را از او قطع خواهد نمود؛ و هر کس در آن، نماز مستحبتی بخواند، برای او دوری از آتش، نوشته می‌شود؛ و هر کس

خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ.

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَانِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَلَّا يُغْلِقَهَا عَلَيْكُمْ، وَأَبْوَابَ النَّيرانِ مُغْلَقَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَلَّا يَفْتَحَهَا عَلَيْكُمْ، وَالشَّيَاطِينَ مَغْلُولَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَلَّا يُسَلِّطَهَا عَلَيْكُمْ».

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): فَقُمْتُ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟

فَقَالَ: «يَا أَبَا الْحَسَنِ، أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ (عليه السلام)».

ثُمَّ بَكَى، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يُبْكِيكَ؟

فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ، أَبْكِي لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ، كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ، وَقَدْ انْتَبَعْتَ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، شَقِيقُ عَاقِرٍ نَاقَةٍ تَمُودُ، فَضَرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى فَرْقِكَ (قَرْنِكَ) فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ».

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟

فَقَالَ: «فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ».

ثُمَّ قَالَ (عليه السلام): «يَا عَلِيُّ، مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي؛ لِأَنَّكَ مِنِّي كَنَفْسِي، وَرَوْحُكَ مِنْ رَوْحِي، وَطِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي. إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَلَقَنِي وَإِيَّاكَ، وَاصْطَفَانِي وَإِيَّاكَ، وَاخْتَارَنِي لِلنُّبُوَّةِ وَاخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ، وَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَنِي نُبُوتِي».

يَا عَلِيُّ، أَنْتَ وَصِيِّي، وَأَبُو وَلَدِي، وَزَوْجُ ابْنَتِي، وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي، أَمْرُكَ أَمْرِي وَنَهْيُكَ نَهْيِي. أَقْسِمُ بِأَلَدِي بِعَثْنِي بِالنُّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ، إِنَّكَ لَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ عَلَى سِرِّهِ، وَخَلِيفَتُهُ

واجبی را در آن ادا کند، پاداش کسی را دارد که هفتاد واجب را در ماه‌های دیگر، ادا کرده است؛ و هر کس در آن بر من زیاد صلوات بفرستد، خداوند در روزی که وزنه اعمال، سبک می‌شود، وزنه اعمال او را بیفزاید؛ و هر کس در آن، آیه‌ای از قرآن تلاوت کند، پاداش کسی را دارد که در ماه‌های دیگر، ختم قرآن کرده است.

ای مردم! در این ماه، درهای بهشت، بازند. پس، از پروردگارتان بخواهید که آنها را بر شما نبندد؛ و درهای دوزخ، بسته‌اند. پس، از پروردگارتان بخواهید که آنها را بر شما نگشاید؛ و شیطان‌ها در بندند. پس، از پروردگارتان بخواهید که آنها را بر شما مسلط نسازد.

من برخاستم و گفتم: ای پیامبر خدا! برترین کارها در این ماه چیست؟ فرمود: «ای ابو الحسن! برترین کارها در این ماه، پرهیز از حرام‌های الهی است». سپس گریست.

گفتم: ای پیامبر خدا! سبب گریه شما چیست؟ فرمود: «ای علی! بر این می‌گیرم که حرمت تو را در این ماه می‌شکنند. گویا می‌بینم تو در حال نماز برای پروردگار خویشی، که نگون‌بخت‌ترین اولین و آخرین، همو که برادر پی‌کننده ناقه قوم ثمود است، برمی‌خیزد و بر فرق سرت ضربتی می‌زند و محاسنت، از خون سرت، رنگین می‌شود».

گفتم: ای پیامبر خدا! آیا در آن حالت، دینم سالم است؟ فرمود: «دینت، سالم است».

سپس فرمود: «ای علی! هر کس تو را بکشد، مرا کشته است و هر کس تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است و هر کس تو را ناسزا گوید، مرا ناسزا گفته است؛ چرا که تو از من هستی، همچون جان من. روح تو، از روح من است و سرشت تو، از سرشت من. خدای متعال، من و تو را آفرید و من و تو را برگزید و مرا برای پیامبری، و تو را برای امامت، انتخاب کرد. هر کس امامت تو را انکار کند، نبوت مرا انکار کرده است.

ای علی! تو وصی من، پدر فرزندان من، همسر دختر من و جانشین من بر امتم هستی، در حال حیاتم و پس از مرگم. فرمان تو، فرمان من است و نهی تو، نهی من است. سوگند به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت و مرا بهترین

عَلَى عِبَادِهِ»^١.

٢١٩. الإمام الباقر عليه السلام: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النَّاسَ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ:

«أَيُّهَا النَّاسُ، قَدْ أَظْلَكُمُ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ؛ فَرَضَ اللَّهُ ﷻ صِيَامَهُ، وَجَعَلَ قِيَامَ لَيْلِهِ نَافِلَةً، فَمَنْ تَطَوَّعَ بِصَلَاةِ لَيْلَةٍ فِيهِ كَانَ كَمَنْ تَطَوَّعَ بِسَبْعِينَ لَيْلَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَجَعَلَ لِمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِخَصَلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَالْإِبرِّ كَأَجْرِ مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ تَعَالَى، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ تَعَالَى كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ تَعَالَى فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ.

وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ، وَإِنَّ الصَّبْرَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ، وَهُوَ شَهْرُ الْمُوَسَاةِ، وَهُوَ شَهْرُ يَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِ فِيهِ، وَمَنْ فَطَرَ فِيهِ مُؤْمِنًا صَائِمًا كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ بِذَلِكَ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِذُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى».

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يُفْطَرَ صَائِمًا!

فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا الثَّوَابَ لِمَنْ لَا يَقْدِرُ إِلَّا عَلَى مَذَقَةٍ مِنْ لَبَنٍ يُفْطَرُ بِهَا صَائِمًا، أَوْ شَرِبَةِ مَاءٍ عَذْبٍ، أَوْ تَمْرَاتٍ، لَا يَقْدِرُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ. وَمَنْ خَفَّفَ فِيهِ عَنْ مَمْلُوكِهِ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ حِسَابَهُ.

وَهُوَ شَهْرُ أَوَّلِهِ رَحْمَةً، وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةً، وَآخِرُهُ إِجَابَةٌ وَالْعِتْقُ مِنَ النَّارِ. وَلَا غِنَى بِكُمْ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ: خَصَلَتَانِ تُرْضَوْنَ اللَّهُ ﷻ بِهِمَا، وَخَصَلَتَانِ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْهُمَا، فَأَمَّا اللَّتَانِ تُرْضَوْنَ اللَّهُ ﷻ بِهِمَا: فَشَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنْتَنِي رَسُولُ اللَّهِ.

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ٦١/٧٧، الأمالي للصدوق: ١٥٤/١٤٩، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/٢٩٥/٥٣، الإقبال:

٢٦/٢٦ كلها عن الحسن بن علي بن فضال، بحار الأنوار: ٩٦/٢٥٦/٢٥.

آفریدگان قرار داد، تو حجت پروردگار بر خلق اویی و امین او بر رازش و جانشین او بر بندگانش».

۲۱۹. امام باقر (ع): پیامبر خدا در آخرین جمعه شعبان، خطبه خواند. خدا را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود:

«ای مردم! ماهی بر شما سایه افکنده که در آن، شبی است بهتر از هزار ماه، و آن، ماه رمضان است. خداوند، روزه‌اش را واجب ساخته و نماز در شبش را مستحب قرار داده است. پس هر کس یک شب در آن، نماز مستحب بخواند، گویا هفتاد شب نماز مستحب در ماه‌های دیگر خوانده است. و برای کسی که در آن، کار نیک مستحبی از کارهای نیک انجام دهد، پاداشی همچون پاداش کسی قرار داده که واجبی از واجبات الهی را انجام داده است، و هر کس در آن، واجبی از واجبات خداوند را ادا کند، همچون کسی خواهد بود که در ماه‌های دیگر، هفتاد واجب از واجبات الهی را انجام داده است.

این ماه، ماه صبر است و پاداش صبر، بهشت است. این ماه، ماه مواسات (همدردی با دیگران در نیازها) است و ماهی است که در آن، خداوند، روزی مؤمن را می‌افزاید. هر کس مؤمن روزه‌داری را در آن افطار دهد، نزد خداوند، پاداش آزاد کردن یک بنده و آمرزش گناهان گذشته‌اش را دارد».

گفتند: ای پیامبر خدا! همه ما توان افطار دادن به روزه‌دار را نداریم.

فرمود: «خداوند، کریم است؛ این ثواب را به کسی نیز می‌دهد که برای افطار دادن، جز بر جرعه‌ای شیر یا جرعه‌ای آب و یا چند خرما قدرت ندارد و بیش از این را نمی‌تواند.

هر کس در این ماه بر برده خویش سبک بگیرد، خداوند هم حسابش را سبک می‌گیرد.

ماه رمضان، ماهی است که آغازش رحمت، میانش آمرزش، و پایانش اجابت و آزادی از آتش دوزخ است.

شما از چهار خصلت، بی‌نیاز نیستید: دو خصلت که خدا را با آنها راضی می‌کنید، و دو خصلت که از آن دو، بی‌نیاز نیستید. اما آن دو خصلتی که خدا را با آنها راضی می‌کنید، شهادت به این است که: معبودی جز خداوند نیست و من فرستاده‌ی خدایم. و اما دو خصلتی که از آن بی‌نیاز نیستید، از خداوند،

وَأَمَّا اللَّتَانِ لَا غِنَىٰ بِكُم عَنْهُمَا: فَتَسْأَلُونَ اللَّهَ فِيهِ حَوَائِجَكُم وَالْجَنَّةَ،
وَتَسْأَلُونَ اللَّهَ الْعَافِيَةَ، وَتَعُوذُونَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»^١.

٢٢٠. دعائم الإسلام: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ خَطَبَ النَّاسَ آخِرَ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ، فَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ قَدْ أَظْلَكَكُمْ شَهْرٌ عَظِيمٌ، شَهْرٌ مُبَارَكٌ، شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةُ الْعَمَلِ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ. مَنْ تَقَرَّبَ فِيهِ بِخَصَلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ. وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ، وَالصَّبْرُ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ، وَشَهْرُ الْمَوَاسَاةِ، شَهْرٌ يُزَادُ فِيهِ فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِ؛ مَنْ فَطَّرَ فِيهِ صَائِمًا كَانَ لَهُ مَغْفِرَةٌ لِدُنُوبِهِ وَعِتْقٌ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ، وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْءٌ».

فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ كُلُّنَا يَجِدُ مَا يُفْطِّرُ الصَّائِمَ! فَقَالَ ﷺ: «يُعْطِي اللَّهُ هَذَا الثَّوَابَ مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا عَلَى مَذْقَةٍ لَبَنٍ أَوْ تَمْرَةٍ أَوْ شَرِبَةٍ مَاءٍ، وَمَنْ أَشْبَعَ صَائِمًا سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ حَوْضِي شَرِبَةٍ لَا يَظْمَأُ بَعْدَهَا. وَهُوَ شَهْرٌ أَوَّلُهُ رَحْمَةٌ، وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ، وَآخِرُهُ عِتْقٌ مِنَ النَّارِ؛ مَنْ خَفَّفَ عَنْ مَمْلُوكِهِ فِيهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَأَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ. وَاسْتَكْثَرُوا فِيهِ مِنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ: خَصَلَتَانِ تُرْضُونَ بِهِمَا رَبَّكُم، وَخَصَلَتَانِ لَا غِنَىٰ بِكُم عَنْهُمَا، فَأَمَّا الْخَصَلَتَانِ اللَّتَانِ تُرْضُونَ بِهِمَا رَبَّكُم: فَشَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَتَسْتَغْفِرُونَهُ، وَأَمَّا اللَّتَانِ لَا غِنَىٰ بِكُم عَنْهُمَا: فَتَسْأَلُونَ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَتَعُوذُونَ بِهِ مِنَ النَّارِ»^٢.

١. المعقنة: ٣٠٦، الكافي: ٤/٦٦/٤، تهذيب الأحكام: ٣/٥٧/١٩٨ وج ٤/١٥٢/٤٢٣، كتاب من لا يحضره

الغفيع: ١٨٣١/٩٤/٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ٥١/٧١، وفيه «المساواة» بدل «المواساة» وكلها عن أبي الورد، بحار الأنوار: ٩٦/٣٥٩/٢٦.

٢. دعائم الإسلام: ١/٢٦٨، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٣٤/١٢٩ عن سلمان، بحار الأنوار: ٩٦/٣٤٢/٦ وص ١٨/٣٥٠: صحيح ابن خزيمة: ٣/١٩١/١٨٨٧، شعب الإيمان: ٣/٣٠٥/٣٦٠٨، فضائل الأوقات للبيهقي: ٣٨/٤٨ كلها عن سلمان.

نیازهایتان و بهشت را بطلبید و از خداوند، عافیت بخواهید و از آتش به خداوند پناه ببرید».

۲۲۰. دعائم الإسلام: در آخرین روز شعبان، پیامبر خدا برای مردم خطبه خواند و فرمود:

«ای مردم! ماهی بزرگ بر شما سایه افکنده است، ماهی مبارک، ماهی که در آن، شبی است که عمل در آن، بهتر از عمل در هزار ماه است. هر کس با کار نیکی از نیکی‌ها در آن به خداوند تقرب جوید، گویا واجبی را در ماه‌های دیگر ادا کرده است، و هر کس واجبی را در آن انجام دهد، همچون کسی است که هفتاد واجب را در ماه‌های دیگر انجام داده است.

و آن، ماه صبر است و پاداش صبر، بهشت است. ماه مواسات (همدردی) است و ماهی است که روزی مؤمن در آن افزوده می‌شود. هر کس روزه‌داری را در آن افطار دهد، پاداشش آمرزش گناهانش و آزادی‌اش از آتش است و برای او به اندازه آن [روزه‌دار]، پاداش است، بی آن که از اجر او چیزی کاسته شود».

برخی گفتند: ای پیامبر خدا! همه ما آن اندازه چیزی نداریم که روزه‌داری را افطار دهیم.

فرمود: «خداوند، این پاداش را به کسی می‌دهد که روزه‌داری را به اندازه جرعه‌ای شیر یا دانه‌ای خرما و یا جرعه‌ای آب، افطار دهد. و هر کس روزه‌داری را سیر کند، خداوند، او را از حوض من چنان سیراب می‌کند که پس از آن هرگز تشنه نمی‌گردد.

این، ماهی است که آغازش رحمت، میانش آمرزش و پایانش آزادی از آتش است. هر که در این ماه بر برده خود آسان بگیرد، خداوند، او را می‌آمرزد و از آتش، آزادش می‌کند. در این ماه، چهار کار را زیاد انجام دهید، که با دو کار، پروردگارتان را راضی می‌کنید و از دو کار هم بی‌نیاز نیستید. اما دو کاری که پروردگارتان را با آنها راضی می‌کنید، شهادت به یکتایی خداوند و آمرزش خواهی از اوست. و اما آن دو که از آنها بی‌نیاز نیستید، از خداوند، بهشت بخواهید و از آتش به او پناه ببرید».

٢٢١. الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمَّا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَذَلِكَ فِي ثَلَاثِ بَقِيْنَ مِنْ شَعْبَانَ، قَالَ لَيْلَالٍ: «نَادِ فِي النَّاسِ»، فَجَمَعَ النَّاسَ، ثُمَّ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ:

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ قَدْ خَصَّكُمْ اللَّهُ بِهِ وَحَضَرَكُمْ، وَهُوَ سَيِّدُ الشُّهُورِ، لَيْلَةٌ فِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، تُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ النَّارِ وَتُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَنَانِ؛ فَمَنْ أَدْرَكَهُ وَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَدْرَكَهُ وَالْذِّبِ وَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، وَمَنْ ذَكَرْتُ عَنْدهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ».^١

٢٢٢. الكافي عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقْبَلُ بِوَجْهِهِ إِلَى النَّاسِ فَيَقُولُ:

«يَا مَعْشَرَ النَّاسِ، إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ غُلَّتْ مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ، وَفُتِّحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الْجَنَانِ وَأَبْوَابُ الرَّحْمَةِ، وَغُلَّتْ أَبْوَابُ النَّارِ، وَاسْتُجِيبَ الدُّعَاءُ، وَكَانَ لِلَّهِ فِيهِ عِنْدَ كُلِّ فِطْرِ عِتْقَاءُ يُعْتَقُهُمُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ، وَيُنَادِي مُنَادٍ كُلَّ لَيْلَةٍ: هَلْ مِنْ سَائِلٍ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ؟ اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُتَّقٍ خَلْفًا، وَأَعْطِ كُلَّ مُعْسِكٍ تَلْفًا، حَتَّى إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَوَّالٍ نُوْدِيَ الْمُؤْمِنُونَ: أَنْ اِغْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ فَهُوَ يَوْمُ الْجَائِزَةِ».

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَمَا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا هِيَ بِجَائِزَةِ الدَّنَانِيرِ وَلَا الدَّرَاهِمِ!^٢

١. في فضائل الأشهر الثلاثة «من» بدل «في».

٢. الكافي: ٥/٦٧/٤، تهذيب الأحكام: ٥٢٩/١٩٢/٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٣٢/٩٦/٢، فضائل الأشهر الثلاثة: ٥٥/٧٤، فيهما «قد حضركم» بدل «قد خصكم الله به وحضركم»، بحار الأنوار: ٣١/٣٦٣/٩٦.

٣. الكافي: ٦/٦٧/٤، تهذيب الأحكام: ٥٥٠/١٩٣/٤، وليس فيه «وأبواب الجنان»، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٣٣/٩٧/٢، ثواب الأعمال: ٢/٨٩، فضائل الأشهر الثلاثة: ٦٢/٨٠، بحار الأنوار:

٩٦/٣٦٠/٢٧، تاريخ دمشق: ١٠٨٤٥/١٨٦/٥١ نحوه، كنز العمال: ٢٤٢٨٨/٥٩٠/٨.

۲۲۱. امام باقر علیه السلام: چون ماه رمضان در حال فرا رسیدن بود و سه روز از شعبان مانده

بود، پیامبر خدا به بلال فرمود: «مردم را خبر کن».

مردم گرد آمدند. [پیامبر صلی الله علیه و آله] بر منبر رفت و خدا را حمد و ثنا گفت.

سپس فرمود:

«ای مردم! خداوند، شما را به این ماه، ویژه ساخته است و اینک فرا

می‌رسد. آن، سرور ماه‌هاست [و] در آن، شبی بهتر از هزار ماه است. درهای

آتش در آن بسته می‌شوند و درهای بهشت در آن گشوده می‌گردند. پس دور

باد از رحمت حق، کسی که این ماه را دریابد و آمرزیده نشود! دور باد از

رحمت حق، کسی که پدر و مادرش را دریابد و [با نیکی به آنان] آمرزیده

نشود! دور باد از رحمت حق، کسی که مرا نزد او یاد کنند و او بر من درود

نفرستد! خدا او را نیامرزد!».

۲۲۲. الکافی - به نقل از جابر، از امام باقر علیه السلام - : پیامبر خدا روی به مردم می‌کرد و

می‌فرمود:

«ای گروه مردم! هر گاه هلال ماه رمضان طلوع کند، شیاطین سرکش به

بند کشیده می‌شوند، درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت گشوده

می‌گردند، درهای آتش بسته می‌شوند، و دعا اجابت می‌شود.

خدا را در هر عید فطری، آزادشدگانی است که آنان را از آتش می‌رهاند. و

هر شب منادی ندا می‌دهد: «آیا خواهنده‌ای هست؟ آیا استغفارکننده‌ای

هست؟ خدایا! به هر انفاق‌کننده‌ای جایگزین عطا کن و هر امساک‌کننده [از

انفاق] را دچار تلف ساز!» تا آن که هنگامی که هلال شوال بر می‌آید، مؤمنان

را ندا می‌دهند که: «به سوی جایزه‌هایتان بشتابید، که امروز روز جایزه

است!».

[سپس امام باقر علیه السلام فرمود:] به خدایی که جانم در دست اوست، آن

جایزه، دینار و درهم نیست.

٢٢٣ . رسول الله ﷺ: - مِنْ كَلَامٍ لَهُ وَقَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ -: أَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرُ بَرَكَةٍ، يُغْنِيكُمْ اللَّهُ فِيهِ فَيَنْزِلُ الرَّحْمَةُ، وَيَحُطُّ الْخَطَايَا، وَيَسْتَجِيبُ فِيهِ الدُّعَاءَ، يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى تَنَافُسِكُمْ، وَيُبَاهِي بِكُمْ مَلَائِكَتَهُ؛ فَأَرَوْا اللَّهَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ خَيْرًا؛ فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ فِيهِ رَحْمَةُ اللَّهِ ﷻ.

٢٢٤ . فضائل الأشهر الثلاثة عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرٌ عَظِيمٌ، يُضَاعِفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَيَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ؛ مَنْ تَصَدَّقَ فِي هَذَا الشَّهْرِ بِصَدَقَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَمَنْ أَحْسَنَ فِيهِ إِلَى مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ».

ثُمَّ قَالَ عليه السلام: «إِنَّ شَهْرَكُمْ هَذَا لَيْسَ كَالشُّهُورِ؛ إِذَا أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ أَقْبَلَ بِالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ، وَإِذَا أَدْبَرَ عَنْكُمْ أَدْبَرَ بِغُفْرَانِ الذُّنُوبِ. هَذَا شَهْرُ الْحَسَنَاتِ فِيهِ مُضَاعَفَةٌ، وَأَعْمَالُ الْخَيْرِ فِيهِ مَقْبُولَةٌ، مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ لِلَّهِ ﷻ رَكْعَتَيْنِ يَتَطَوَّعُ بِهِمَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ».

ثُمَّ قَالَ عليه السلام: «إِنَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ خَرَجَ عَنْهُ هَذَا الشَّهْرُ وَلَمْ يُغْفَرْ ذَنْبُهُ، فَحِينَئِذٍ يَخْسِرُ حِينَ يَفُوزُ الْمُحْسِنُونَ بِجَوَائِزِ الرَّبِّ الْكَرِيمِ»^٢.

٢٢٥ . رسول الله ﷺ: «إِنَّ بَيْنَ شَعْبَانَ وَشَوَّالٍ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، وَهُوَ شَهْرُ اللَّهِ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - وَهُوَ شَهْرُ الْبَرَكَاتِ، وَهُوَ شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ، وَهُوَ شَهْرُ الرَّحْمَةِ، وَهُوَ شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَهُوَ شَهْرُ الْإِنَابَةِ، وَهُوَ شَهْرُ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَهُوَ شَهْرُ الْإِسْتِغْفَارِ، وَهُوَ شَهْرُ الصَّيَامِ، وَهُوَ شَهْرُ الدُّعَاءِ، وَهُوَ شَهْرُ الْعِبَادَةِ، وَهُوَ شَهْرُ

١ . مجمع الزوائد: ٣/٣٤٤/٤٧٨٣، الدر المنثور: ١/٤٥٣ وفيه «يغشاكم» بدل «يغنيكم» وكلاهما نقلًا عن

الطبراني عن عباد بن الصامت، كنز العمال: ٨/٤٦٧/٢٣٦٩٢.

٢ . فضائل الأشهر الثلاثة: ٧٣/٥٣، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/٢٩٣/٤٦، الأمالي للصدوق: ١٠٩/٨٢،

روضة الواعظين: ٣٧٢، بحار الأنوار: ٩٦/٣٦١/٢٩.

۲۲۳. پیامبر خدا ﷺ - در سخنی در آستانه ماه رمضان - : ماه رمضان بر شما آمد، ماه برکت. خداوند در آن بی نیازتان می کند، رحمت فرو می فرستد، خطاها را از شما فرو می ریزد و دعا را در آن مستجاب می کند.

[خداوند] به مسابقه و پیشتازی شما [در عبادت] می نگرد و با شما بر فرشتگانش مباحثات می کند. پس به خداوند از جانب خود نیکی نشان دهید. بدبخت، کسی است که در این ماه از رحمت خدا محروم شود.

۲۲۴. فضائل الأشهر الثلاثة - به نقل از حسن بن علی بن فضال، از امام رضا (ع)، از پدرانش (ع) - : پیامبر خدا فرمود: «ماه رمضان، ماهی بزرگ است. خداوند در این ماه، حسنات را دو برابر می کند و سیئات را محو می سازد و درجات را بالا می برد. هر کس در این ماه، صدقه ای دهد، خداوند او را می آمرزد و هر کس در این ماه به برده خویش نیکی کند، خداوند او را می آمرزد».

سپس فرمود: «این ماه شما، همچون ماه های دیگر نیست. وقتی به سراغ شما می آید، با برکت و رحمت می آید و چون می رود، با آمرزش گناهان می رود. این [ماه]، ماهی است که حسنات، در آن دو برابر می گردند و کارهای خیر در آن قبول می شوند. هر کس از شما در این ماه، دو رکعت نماز مستحب برای خدا بخواند، خداوند او را می آمرزد».

سپس فرمود: «بدبخت واقعی، کسی است که این ماه از او بگذرد و گناهانش آمرزیده نشود. پس آن گاه که نیکوکاران، جوایز خود را از پروردگار کریم دریافت می کنند، او زیانکار می گردد».

۲۲۵. پیامبر خدا ﷺ: میان ماه شعبان و شوال، ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده است و آن، ماه خدای متعال است، ماه برکت، ماه آمرزش، ماه رحمت، ماه توبه و ماه بازگشت به سوی خدا، ماه قرائت قرآن، ماه استغفار، ماه روزه داری، ماه دعا، ماه عبادت، ماه طاعت و ماه آزاد شدن از آتش و دست یافتن به بهشت.

الطَّاعَةِ، وَهُوَ شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ.

مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ، فَأَيُّكُمْ مُتَّقٍ (يَتَّقُ) يُبْلِغُ شَهْرَ رَمَضَانَ قَابِلٍ؟! صَوْمُهُ صِيَامٌ مَنْ يَرَى أَنَّهُ لَا يَصُومُ بَعْدَهُ أَبَدًا؛ فَكَمْ مِنْ صَائِمٍ لَهُ عَامًا أَوَّلَ أَمْسٍ عَامَكُمْ هَذَا فِي الْقَبْرِ مَدْفُونًا، وَأَصْبَحَ فِي التُّرَابِ وَحِيدًا فَرِيدًا! يُنَبِّهُكُمُ اللَّهُ مِنْ رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ، وَغَفَرَ لَنَا وَلَكُمْ يَوْمَ الدِّينِ.^١

٢٢٦. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَهْرُ رَمَضَانَ لَيْسَ كَالشُّهُورِ؛ لِمَا تُضَاعَفُ فِيهِ مِنَ الْأَجُورِ. هُوَ شَهْرُ الصَّيَامِ، وَشَهْرُ الْقِيَامِ، وَشَهْرُ التَّوْبَةِ وَالِاسْتِغْفَارِ، وَشَهْرُ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ؛ هُوَ شَهْرُ أَبْوَابِ الْجَنَانِ فِيهِ مُفْتَحَةٌ وَأَبْوَابُ النَّارِ فِيهِ مُغْلَقَةٌ؛ هُوَ شَهْرٌ يُكْتَبُ فِيهِ الْأَجَالُ، وَيُبْتِثُ فِيهِ الْأَرْزَاقُ، وَفِيهِ لَيْلَةٌ فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ، وَيُكْتَبُ فِيهَا وَفْدُ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا عَلَى الصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ فِي كُلِّ أَمْرٍ، سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ.

مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ إِلَى قَابِلٍ؛ فَبَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَاتِ الْآنَ وَبَابُ التَّوْبَةِ مَفْتُوحٌ وَالْدُّعَاءُ مُسْتَجَابٌ قَبْلَ «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْشَرْتَنِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنَابِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السُّلَخِرِينَ»^٢.

٢٢٧. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ ﷻ، وَهُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَهُوَ شَهْرُ الْبَرَكَاتِ، وَهُوَ شَهْرُ الْإِنَابَةِ، وَهُوَ شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَهُوَ شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ، وَهُوَ شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ. أَلَا فَاجْتَنِبُوا فِيهِ كُلَّ حَرَامٍ، وَأَكْثَرُوا فِيهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَسَلُّوا فِيهِ حَوَائِجَكُمْ، وَاشْتَغَلُوا فِيهِ بِذِكْرِ رَبِّكُمْ. وَلَا يَكُونَنَّ شَهْرُ رَمَضَانَ عِنْدَكُمْ كَغَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ؛ فَإِنَّ لَهُ

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ١١٧/١١٢ عن علي بن الحسين البرقي عن أبيه عن جده [عن] الإمام الحسن عليه السلام.

٢. الزمر: ٥٦.

٣. فضائل الأشهر الثلاثة: ١٠٠/٨٦ عن ابن عباس.

هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود، تا سال آینده آمرزیده نخواهد شد.

پس، کدامتان اطمینان دارید که به ماه رمضان آینده برسید؟

آن را روزه بدارید، روزه داشتن کسی که می‌اندیشد پس از آن، دیگر آن ماه را روزه نخواهد داشت. چه بسا روزه‌داری که آن را سال نخست، روزه گرفته؛ اما امسال در گور آرمیده است و در خاک، یکه و تنها مانده است. خداوند، شما را از خواب غفلت بیدار کند و ما و شما را در روز جزا بیامرزدا

۲۲۶. پیامبر خدا ﷺ: ماه رمضان، همچون ماه‌های دیگر نیست، به خاطر پاداش‌هایی که در آن، دو برابر می‌شود. آن، ماه روزه‌داری و عبادت است، ماه توبه و استغفار، و ماه تلاوت قرآن. آن، ماهی است که در آن، درهای بهشت، گشوده و درهای آتش، بسته‌اند. و ماهی است که اجل‌ها در آن نوشته می‌شوند و روزی‌ها پخش می‌گردند.

و در آن، شبی است که هر فرمان حکمت‌آمیزی، در آن مقدر (جدا) می‌گردد و میهمانان خانه خدا، در این ماه نوشته می‌شوند. در این ماه، فرشتگان و روح‌الآمین به اذن پروردگارشان، بر مردان و زنان روزه‌دار، درباره هر کاری فرود می‌آیند. آن شب تا دمیدن صبح، سلامت است.

هر کس در ماه رمضان آمرزیده نشود، تا سال آینده آمرزیده نگردد. پس، هم‌اکنون که در توبه گشوده است و دعا مستجاب است، به کارهای نیک بشتابید، پیش از آن که «شخص بگوید: دریغا بر آن کوتاهی‌ای که در حضور خدا کردم! و من از مسخره‌کنندگان بودم».

۲۲۷. پیامبر خدا ﷺ: ماه رمضان، ماه خداست؛ ماهی که خداوند، حسنات را در آن، دو برابر می‌کند و سیئات را محو می‌کند، ماه برکت، ماه بازگشت به سوی خدا، ماه توبه، ماه آمرزش، ماه آزاد شدن از آتش و دست یافتن به بهشت. پس، در این ماه از هر حرامی پرهیزید و در آن، زیاد قرآن تلاوت کنید و در آن، حاجت‌های خویش را بخواهید و در آن، به ذکر پروردگارتان بپردازید

عِنْدَ اللَّهِ حُرْمَةٌ وَفَضْلٌ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ . وَلَا يَكُونَنَّ شَهْرُ رَمَضَانَ يَوْمٌ صَوْمِكُمْ كَيَوْمِ فِطْرِكُمْ^١.

وانظر: ص ٦٠ (جوامع بركاته وخصائصه).

٢/٢

خُطَابَاتُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عِنْدَ حَضْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ

٢٢٨ . الإمام علي عليه السلام - كَانَ إِذَا جَاءَ شَهْرُ رَمَضَانَ خَطَبَ النَّاسَ قَائِلًا -: إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي افْتَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَلَمْ يَفْتَرِضْ قِيَامَهُ قَدْ أَتَاكُمْ . أَلَا إِنَّ الصَّوْمَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَحَدَهُمَا ، وَلَكِنْ مِنَ اللَّغْوِ وَالْكَذِبِ وَالْبَاطِلِ^٢.

٢٢٩ . السنن الكبرى - عَنِ الشَّعْبِيِّ -: إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَخْطُبُ إِذَا حَضَرَ رَمَضَانُ ، ثُمَّ يَقُولُ : «هَذَا الشَّهْرُ الْمُبَارَكَ الَّذِي فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَلَمْ يَفْرِضْ قِيَامَهُ ؛ لِيَحْذَرَ رَجُلٌ أَنْ يَقُولَ : أَصُومُ إِذَا صَامَ فُلَانٌ أَوْ أَفْطِرُ إِذَا أَفْطَرَ فُلَانٌ . أَلَا إِنَّ الصَّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَلَكِنْ مِنَ الْكَذِبِ وَالْبَاطِلِ وَاللَّغْوِ . أَلَا لَا تَقْدَمُوا الشَّهْرَ ؛ إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَلَالَ فَصُومُوا ، وَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَفْطِرُوا ، فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا الْعِدَّةَ»^٣.

٢٣٠ . الإمام الباقر عن آبائه عليه السلام : خُطِبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ، فَحَمِدَ اللَّهَ بِأَفْضَلِ الْحَمْدِ وَأَشْرَفِهَا وَأَبْلَغِهَا ، وَأَثْنَى عَلَيْهِ بِأَحْسَنِ الثَّنَاءِ ، وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ ﷺ ، ثُمَّ قَالَ :

١ . فضائل الأشهر الثلاثة : ٧٨ / ٩٥ عن محمد بن أبي عمير عن غير واحد عن الإمام الصادق عليه السلام .

٢ . درر الأحاديث النبوية : ٧٥ عن يحيى بن الحسين .

٣ . السنن الكبرى : ٧٩٥٥ / ٣٥١ / ٤ ، فضائل الأوقات للبيهقي : ٧٨ / ٤٧ ، كنز العمال : ٥٨٢ / ٨ ، ٢٤٢٧٢ وانظر

المصنّف لابن أبي شيبة : ٢ / ٢٢٠ / ٦ وص ٤٣٨ / ١١ .

و مبادا ماه رمضان نزد شما، مانند ماه‌های دیگر باشد؛ چرا که آن نزد خداوند، نسبت به ماه‌های دیگر، حرمت و برتری دارد و مبادا در ماه رمضان، روز روزه‌داری تان مثل روز خوردنتان باشد.

ر.ک: ص ۶۱ (مجموعهٔ برکات و ویژگی‌های ماه رمضان).

۲/۲

خطبه‌های امیرمؤمنان، هنگام فرارسیدن ماه رمضان

۲۲۸. امام علی علیه السلام - هر گاه ماه رمضان فرا می‌رسید، برای مردم چنین خطبه می‌خواند -: این ماه مبارک، که خداوند روزه‌داری آن را واجب ساخته است، شما را فرا رسید. آگاه باشید که روزه، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه پرهیز از بیهوده و دروغ و ناروا نیز هست.

۲۲۹. السنن الکبری - به نقل از شعبی -: هر گاه ماه رمضان فرا می‌رسید، علی علیه السلام خطبه می‌خواند و سپس می‌فرمود: «این ماه مبارک، ماهی است که خداوند روزه آن را بر شما واجب ساخته است، و عبادت شبانه را واجب نساخته است؛ مبادا که کسی بگوید: هر گاه فلانی روزه بگیرد، من هم روزه می‌گیرم و هر گاه فلانی بخورد، من هم می‌خورم!

آگاه باشید که روزه، تنها پرهیز از خوردن و نوشیدن نیست؛ بلکه پرهیز از دروغ و ناروا و بیهوده است. آگاه باشید که از ماه، جلوتر نیفتید. آن گاه که هلال را دیدید، روزه بگیرید و آن گاه که آن را [در آغاز سؤال] دیدید، بخورید. پس اگر دیده نشد، شمار ماه را کامل سازید».

۲۳۰. امام باقر علیه السلام - به نقل از پدرانش علیهم السلام -: علی علیه السلام در اولین روز ماه رمضان در مسجد کوفه خطبه خواند. پس خدا را به بهترین ستایش و برترین و رساترین ثنا ستود و بر پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله درود فرستاد. سپس فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ شَهْرُ فَضْلَةِ اللَّهِ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ كَفَضْلِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ؛ وَهُوَ شَهْرٌ يُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الرَّحْمَةِ، وَيُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ النَّيرانِ؛ وَهُوَ شَهْرٌ يُسْمَعُ فِيهِ النَّدَاءُ، وَيُسْتَجَابُ فِيهِ الدُّعَاءُ، وَيُرْحَمُ فِيهِ الْبُكَاءُ؛ وَهُوَ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ نَزَلَتْ الْمَلَائِكَةُ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ؛ فَتَسَلَّمُ عَلَى الصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى مَطْلَعِ الْفَجْرِ، وَهِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ قُدِّرَ فِيهَا وَلَا يَتِي قَبْلَ أَنْ خُلِقَ آدَمُ ﷺ بِالْقِيَامِ، صِيَامُ يَوْمِهَا أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ أَلْفِ شَهْرٍ، وَالْعَمَلُ فِيهَا أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ.

أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ شُمُوسَ شَهْرِ رَمَضَانَ تَطْلُعُ عَلَى الصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ، وَإِنَّ أَقْمَارَهُ لَيَطْلُعُ عَلَيْهِمُ بِالرَّحْمَةِ، وَمَا مِنْ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِنَ الشَّهْرِ إِلَّا وَالْبُرُّ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى يَتَنَائَرُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ، فَمَنْ ظَفِرَ مِنْ نِثَارِ اللَّهِ بِدُرَّةٍ كَرَّمَ عَلَى اللَّهِ يَوْمَ يَلْقَاهَا، وَمَا كَرَّمَ عَبْدٌ عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَعَلَ الْجَنَّةَ مَثْوَاهُ.

عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّ شَهْرَكُمْ لَيْسَ كَالشُّهُورِ؛ أَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ، وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي، وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ؛ هُوَ شَهْرُ الشَّيَاطِينِ فِيهِ مَغْلُولَةٌ مَحْبُوسَةٌ؛ هُوَ شَهْرٌ يَزِيدُ اللَّهُ فِيهِ الْأَرْزَاقَ وَالْأَجَالَ، وَيَكْتُشِبُ فِيهِ وَفْدُ بَيْتِهِ؛ وَهُوَ شَهْرٌ يَقْبَلُ أَهْلَ الْإِيمَانِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّضْوَانِ، وَالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ، وَمَرْضَاةِ الْمَلِكِ الدِّيَّانِ. أَيُّهَا الصَّائِمُ، تَدَبَّرْ أَمْرَكَ؛ فَإِنَّكَ فِي شَهْرِكَ هَذَا ضَيْفُ رَبِّكَ، أَنْظِرْ كَيْفَ تَكُونُ فِي لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ؟ وَكَيْفَ تَحْفَظُ جَوَارِحَكَ عَنْ مَعَاصِي رَبِّكَ؟ أَنْظِرْ أَلَّا تَكُونَ بِاللَّيْلِ نَائِمًا وَبِالنَّهَارِ غَافِلًا؛ فَيَنْقُضِي شَهْرَكَ وَقَدْ بَقِيَ عَلَيْكَ وَزْرُكَ؛ فَتَكُونَ عِنْدَ اسْتِيفَاءِ الصَّائِمِينَ أَجُورَهُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ، وَعِنْدَ فَوْزِهِمْ بِكَرَامَةِ مَلِكِهِمْ مِنَ الْمُحْرُومِينَ، وَعِنْدَ سَعَادَتِهِمْ بِمُجَاوَرَةِ رَبِّهِمْ مِنَ الْمَطْرُودِينَ.

أَيُّهَا الصَّائِمُ، إِنْ طُرِدْتَ عَنْ بَابِ مَلِكِكَ فَأَيَّ بَابٍ تَقْصِدُ؟ وَإِنْ حَسَرَمَكَ

«ای مردم! این ماه، ماهی است که خداوند، آن را بر ماه‌های دیگر برتری داده است، مانند برتری ما اهل بیت بر دیگر مردم. و آن، ماهی است که درهای آسمان و درهای رحمت، در آن گشوده می‌شوند و درهای آتش در آن بسته می‌گردند. و ماهی است که در آن ندا شنیده می‌شود و دعا مستجاب می‌گردد و گریه مورد ترخم قرار می‌گیرد.

ماهی است که در آن، شبی وجود دارد که فرشتگان از آسمان فرود آمده، بر مردان و زنان روزه‌دار، به اذن پروردگارشان تا طلوع سپیده سلام می‌دهند و آن شب، "شب قدر" است. دو هزار سال پیش از آن که آدم علیه السلام آفریده شود، ولایت من در آن شب، مقدر شد. روزه گرفتن آن، برتر از روزه‌داری هزار ماه است و عمل در آن، برتر از عمل در هزار ماه است.

ای مردم! خورشید ماه رمضان بر مردان و زنان روزه‌دار، با رحمت می‌تابد و ماه آن با رحمت بر آنان نورافشانی می‌کند و هیچ روز و شبی از این ماه نیست، مگر آن که پروردگار متعال، بر سر این اامت، نیکی می‌افشاند. پس هر کس از ریزش نعمت الهی ذره‌ای^۱ بهره‌مند گردد، در روز دیدارش با خدا، نزد خداوند، گرامی خواهد بود و هیچ بنده‌ای نزد خدا گرامی نگردد، مگر آن که خداوند، بهشت را جایگاه او قرار می‌دهد.

بندگان خدا! این ماه شما، همچون دیگر ماه‌ها نیست. روزهایش برترین روزهاست و شب‌هایش برترین شب‌ها و ساعاتش برترین ساعات است. آن، ماهی است که شیطان‌ها در آن در بند و زندانی‌اند؛ ماهی که خداوند در آن، روزی‌ها و اجل‌ها را می‌افزاید و میهمانان خانه‌اش را می‌نویسد؛ ماهی که اهل ایمان با آمرزش و رضای الهی، با شادی و نعمت‌های الهی، و با خشنودی فرمانروای دادگر و توانا، پذیرفته می‌شوند.

ای روزه‌دار! در کار خویش نیک بنگر، که در این ماه، میهمان پروردگار خویش هستی. بنگر که در شب و روزت چگونه‌ای و چگونه اعضای خود را از نافرمانی خدا حفظ می‌کنی. بنگر تا مبادا شب در خواب باشی و روز در

۱. در متن حدیث، «ذره» آمده است؛ لیکن به نظر می‌رسد در اصل، «ذرة» بوده و نقطه آن افتاده است؛ زیرا کلمه

«ذره» در این جا معنای مناسبی ندارد. م

رَبُّكَ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُكَ؟ وَإِنْ أَهَانَكَ فَمَنْ ذَا الَّذِي يُكَرِّمُكَ؟ وَإِنْ أَذْلَكَ فَمَنْ
ذَا الَّذِي يُعِزُّكَ؟ وَإِنْ خَذَلَكَ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكَ؟ وَإِنْ لَمْ يَقْبَلِكَ فِي زُمْرَةِ
عَبِيدِهِ فَإِلَى مَنْ تَرْجِعُ بِعُبُودِيَّتِكَ؟ وَإِنْ لَمْ يُقِلِّكَ عَشْرَتَكَ فَمَنْ تَرْجُو لِغُفْرَانِ
ذُنُوبِكَ؟ وَإِنْ طَالَبَكَ بِحَقِّهِ فَمَاذَا يَكُونُ حُجَّتُكَ؟

أَيُّهَا الصَّائِمُ، تَقَرَّبْ إِلَى اللَّهِ بِتِلَاوَةِ كِتَابِهِ فِي لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ؛ فَإِنَّ كِتَابَ اللَّهِ
شَافِعٌ مُشَفَّعٌ يَشْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَهْلِ تِلَاوَتِهِ، فَيَعْلُونَ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ بِقِرَاءَةِ
آيَاتِهِ.

بَشِّرْ أَيُّهَا الصَّائِمُ! فَإِنَّكَ فِي شَهْرِ صِيَامِكَ فِيهِ مَفْرُوضٌ، وَنَفْسُكَ فِيهِ
تَسْبِيحٌ، وَنَوْمُكَ فِيهِ عِبَادَةٌ، وَطَاعَتُكَ فِيهِ مَقْبُولَةٌ، وَذُنُوبُكَ فِيهِ مَغْفُورَةٌ،
وَأَصْوَاتُكَ فِيهِ مَسْمُوعَةٌ، وَمُنَاجَاةُكَ فِيهِ مَرْحُومَةٌ. وَلَقَدْ سَمِعْتُ حَبِيبِي
رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

«إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عِنْدَ فِطْرِ كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عُتْقَاءَ مِنَ النَّارِ
لَا يَعْلَمُ عَدَدَهُمْ إِلَّا اللَّهُ هُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ، فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْهُ أَعْتَقَ
فِيهَا مِثْلَ مَا أَعْتَقَ فِي جَمِيعِهِ».

فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ هَمْدَانَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، زِدْنَا مِمَّا حَدَّثَكَ بِهِ
حَبِيبُكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.

فَقَالَ: «نَعَمْ، سَمِعْتُ أَخِي وَابْنَ عَمِّي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ صَامَ شَهْرَ
رَمَضَانَ فَحَفِظَ فِيهِ نَفْسَهُ مِنَ الْمَحَارِمِ دَخَلَ الْجَنَّةَ».

قَالَ الْهَمْدَانِيُّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، زِدْنَا مِمَّا حَدَّثَكَ بِهِ أَخُوكَ وَابْنُ عَمِّكَ فِي
شَهْرِ رَمَضَانَ.

قَالَ: «نَعَمْ، سَمِعْتُ خَلِيلِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا

غفلت؛ پس این ماه بر تو بگذرد و بار گناهت همچنان بر دوشت مانده باشد؛ پس آن گاه که روزه‌داران پاداش‌های خود را می‌گیرند، تو از زیانکاران باشی و آن گاه که به کرامت فرمانروای خویش نایل می‌شوند، از محرومان گردی و آن گاه که به همسایگی با پروردگارشان سعادت‌مند می‌شوند، تو از طردشدگان باشی!

ای روزه‌دار! اگر از درگاه صاحب رانده شوی، به کدام درگاه روی خواهی آورد؟ و اگر پروردگارت محروم سازد، کیست که روزی‌ات دهد؟ و اگر تو را خوار شمرد، کیست که اکرامت کند؟ و اگر ذلیلت ساخت، کیست که عزتت بخشد؟ و اگر تو را وا گذاشت، کیست که یاری‌ات کند؟ و اگر تو را در جمع بندگان نپذیرفت، بندگی‌ات را به آستان چه کس خواهی برد؟ و اگر از خطایت در نگذشت، برای آمرزش گناهانت به چه امید خواهی بست؟ و اگر حق خویش را از تو طلبید، حجت تو چه خواهد بود؟

ای روزه‌دار! در شب و روزت با تلاوت کتاب خدا، به او تقرب بجوی، که همانا کتاب خدا، شفیع است که روز قیامت، شفاعتش برای قرآن‌خوانان پذیرفته است و با خواندن آیات آن، از درجه‌های بهشت بالا می‌روند.

مژده ای روزه‌دار! تو در ماهی هستی که روزه‌داری‌ات در آن، واجب، نفّس کشیدن در آن، تسبیح، خُفتن در آن، عبادت، طاعت در آن، پذیرفته، گناهانت در آن، آمرزیده، صداهايت در آن، شنیده‌شده، و مناجات در آن، مورد ترحم است. از حبیب پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود:

«خداوند متعال را در هنگام افطار هر شب ماه رمضان، آزادشدگانی از آتش است که شمار آنان را کسی جز خداوند نمی‌داند. شمار آنان، نزد او در علم غیب است. پس چون آخرین شب این ماه شود، خداوند به شمار همه کسانی که در تمام این ماه آزاد کرده، آزاد خواهد نمود».

مردی از قبیله همدان برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! از آنچه حبیب تو درباره ماه رمضان فرمود، بیشتر بگو.

فرمود: «باشد! شنیدم که برادر و پسر عمویم، پیامبر خدا، می‌فرمود: هر کس ماه رمضان را روزه بدارد و خود را در این ماه از حرام‌ها نگه دارد، وارد بهشت می‌شود».

وَاحْتِسَاباً دَخَلَ الْجَنَّةَ».

قَالَ الْهَمْدَانِيُّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، زِدْنَا مِمَّا حَدَّثَكَ بِهِ خَلِيلُكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ.

فَقَالَ: «نَعَمْ، سَمِعْتُ سَيِّدَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُفْطِرْ فِي شَيْءٍ مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى حَرَامٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ».

فَقَالَ الْهَمْدَانِيُّ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، زِدْنَا مِمَّا حَدَّثَكَ بِهِ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي هَذَا الشَّهْرِ.

فَقَالَ: «نَعَمْ، سَمِعْتُ أَفْضَلَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَقُولُ: إِنَّ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ يُقْتَلُ فِي سَيِّدِ الشُّهُورِ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا سَيِّدُ الشُّهُورِ، وَمَنْ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ؟

قَالَ: أَمَّا سَيِّدُ الشُّهُورِ فَشَهْرُ رَمَضَانَ، وَأَمَّا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنْ؟

قَالَ: إِي وَرَبِّي، إِنَّهُ يَنْبَغُ أَشْقَى أُمَّتِي شَقِيقُ عَاقِرِ نَاقَةِ ثَمُودَ، ثُمَّ يَضْرِبُكَ ضَرْبَةً عَلَى فَرْقِكَ تُخْضَبُ مِنْهَا لِحْيَتُكَ».

فَأَخَذَ النَّاسُ بِالْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ. فَقَطَعَ ﷺ خُطْبَتَهُ وَنَزَلَ.^١

٣/٢

كَلَامُ ثَامِنٍ الْحَجَّ عِنْدَ حُضُورِ شَهْرِ رَمَضَانَ

٢٣١. الإمام الرضا ﷺ: الْحَسَنَاتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَقْبُولَةٌ، وَالسَّيِّئَاتُ فِيهِ مَغْفُورَةٌ. مَنْ

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ١٠٧/١٠١ عن مسعدة الربيعي عن الإمام الصادق ﷺ.

آن مرد همدانی گفت: ای امیر مؤمنان! از آنچه برادر و پسر عمویت دربارهٔ ماه رمضان فرمود، بیشتر بگو.

فرمود: «باشد! شنیدم که دوستم پیامبر خدا می‌فرمود: «هر کس از روی ایمان و به خاطر اجر الهی، [ماه] رمضان را روزه بدارد، وارد بهشت می‌شود».

مرد همدانی گفت: ای امیر مؤمنان! از آنچه دوستت دربارهٔ این ماه فرمود، بیشتر بگو.

فرمود: «باشد! شنیدم که سرور اولین و آخرین، پیامبر خدا می‌فرمود: «هر کس [ماه] رمضان را روزه بدارد و در شب‌های آن حرام نخورد، وارد بهشت می‌شود».

مرد همدانی گفت: ای امیر مؤمنان! از آنچه سرور اولین و آخرین با تو دربارهٔ این ماه گفت، بیشتر بگو.

فرمود: «باشد! شنیدم که برترین پیامبران و فرستادگان و فرشتگان مقرب می‌فرمود: «همانا سرور اوصیا، در سرور ماه‌ها کشته می‌شود».

گفتم: ای پیامبر خدا! سرور ماه‌ها، کدام است و سرور اوصیا کیست؟
فرمود: «اما سرور ماه‌ها، ماه رمضان است و اما سرور اوصیا، تویی، ای علی!».

گفتم: ای پیامبر خدا! آیا چنین خواهد شد؟

فرمود: «آری، به پروردگارم سوگند! همانا نگون‌بخت‌ترین امت من، برادر پی‌کنندهٔ ناقهٔ ثمود، برمی‌خیزد و ضربتی بر فرق سرت می‌زند که محاسنت از خون آن، رنگین می‌شود».

پس مردم شروع به گریه و شیون کردند. علی علیه السلام خطبه‌اش را به پایان برد و فرود آمد.

۳/۲

سخن‌های هشتم، هنگام فرارسیدن ماه رمضان

قَرَأَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ﷻ كَانَ كَمَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنْ الشُّهُورِ، وَمَنْ ضَحِكَ فِيهِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لَمْ يَلْقَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ضَحِكَ فِي وَجْهِهِ وَبَشَّرَهُ بِالْجَنَّةِ، وَمَنْ أَعَانَ فِيهِ مُؤْمِناً أَعَانَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَمَنْ كَفَّ فِيهِ غَضَبَهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ نَصَرَ فِيهِ مَظْلُوماً نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ مَنْ عَادَاهُ فِي الدُّنْيَا، وَنَصَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ الْحِسَابِ وَالْمِيزَانِ.

شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ الْبَرَكَاتِ، وَشَهْرُ الرَّحْمَةِ، وَشَهْرُ الْمَغْفِرَةِ، وَشَهْرُ التَّوْبَةِ وَالْإِنَابَةِ؛ مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقِيَ أَيُّ شَهْرٍ يُغْفَرُ لَهُ؟! فَاسْأَلُوا اللَّهَ أَنْ يَقْبَلَ مِنْكُمْ فِيهِ الصِّيَامَ، وَلَا يَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْكُمْ، وَأَنْ يُوَفِّقَكُمْ فِيهِ لِمَطَاعَتِهِ وَيَعْصِمَكُمْ مِنْ مَعْصِيَتِهِ، إِنَّهُ خَيْرُ مَسْئُولٍ^١.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ٩٧/٨٢ عن الحسن بن علي بن فضال، بحار الأنوار: ٩٦/٣٤١/٥.

کس در ماه رمضان یک آیه از کتاب خدا بخواند، مثل کسی است که در غیر آن، ختم قرآن کرده باشد و هر کس در این ماه، به صورت برادر مؤمنش بخندد، خدا را در قیامت دیدار نخواهد کرد، مگر آن که در چهره او خواهد خندید^۱ و به بهشت، مرده‌اش خواهد داد.

و هر کس در آن ماه، مؤمنی را یاری کند، خداوند، او را بر گذشتن از صراط، در آن روز که قدم‌ها بر آن می‌لغزد، یاری خواهد کرد. و هر کس در آن، خشم خود را نگه دارد، خداوند نیز روز قیامت، خشمش را از او نگه خواهد داشت. و هر کس در آن، ستم‌دیده‌ای را یاری کند، خداوند، او را در دنیا بر ضد کسی که با وی دشمنی نماید، یاری می‌کند و روز قیامت نیز هنگام حساب و میزان، یاری‌اش می‌نماید.

ماه رمضان، ماه برکت است، ماه رحمت، ماه آمرزش، ماه توبه و بازگشت به سوی خدا. هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود، پس در چه ماهی آمرزیده گردد؟! پس، از خداوند بخواهید که در این ماه، روزه شما را بپذیرد و آن را آخرین رمضان شما قرار ندهد و شما را بر طاعت خویش توفیق دهد و از نافرمانی خود نگه دارد، که او بهترین کسی است که از او درخواست می‌شود.

۱. مقصود، تجلی حضرت حق - جل و علا - با صفت رحمت و رافت بر دل مؤمن است.

الفصل الثالث

أَسْبَابُ التَّهَيُّلِ ضِيَاةُ اللَّهِ



٢٣٢ . عيون أخبار الرضا عليه السلام عن عبد السلام بن صالح الهروي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ

عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عليه السلام فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ، فَقَالَ لِي:

«يَا أَبَا الصَّلْتِ، إِنَّ شَعْبَانَ قَدْ مَضَى أَكْثَرُهُ، وَهَذَا آخِرُ جُمُعَةٍ مِنْهُ، فَتَذَارَكَ

فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ تَقْصِيرَكَ فِيمَا مَضَى مِنْهُ، وَعَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى مَا يَعْنِيكَ وَتَرَكَ مَا

لَا يَعْنِيكَ، وَأَكْثَرَ مِنَ الدُّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَتُوبَ إِلَى اللَّهِ مِنْ

ذُنُوبِكَ؛ لِيُقْبَلَ شَهْرُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَأَنْتَ مُخْلِصٌ لِلَّهِ ﷻ، وَلَا تَدْعَنَّ أَمَانَةً فِي عُنُقِكَ

إِلَّا أَدَيْتَهَا، وَلَا فِي قَلْبِكَ حِقْدًا عَلَى مُؤْمِنٍ إِلَّا نَزَعْتَهُ، وَلَا ذَنْبًا أَنْتَ مُرْتَكِبُهُ إِلَّا

[أ] قَلَعْتَ عَنْهُ، وَاتَّقِ اللَّهَ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي سِرِّ أَمْرِكَ وَعَلَانِيَتِكَ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ

عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» إِنَّ اللَّهَ بَلِّغَ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا^١،

وَأَكْثَرَ مِنْ أَنْ تَقُولَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ هَذَا الشَّهْرِ:

فصل سوم

اسباب آمادگی برای میهمانی خدا

۱/۳

توبه پیش از فرا رسیدن ماه رمضان

۲۳۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام - به نقل از عبد السلام بن صالح هروی - : در آخرین جمعه ماه شعبان ، خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم . به من فرمود :

«ای ابو صلت! بیشتر شعبان گذشته است و این ، آخرین جمعه از آن است . پس در آنچه از آن مانده ، کوتاهی های ت را در آنچه گذشته است ، جبران کن . به کاری روی آور که برایت مفید باشد و آنچه را بیهوده است و به تو مربوط نیست ، وا گذار .

زیاد دعا و استغفار و تلاوت قرآن داشته باش و از گناهانت به درگاه خدا توبه کن ، تا در حالی ماه خدا سوی تو آید که برای خدا خالص شده باشی . هیچ امانتی را بر عهده خویش باقی نگذار ، مگر آن که ادا کرده باشی ، و هیچ کینه ای را در دلت نسبت به مؤمنی نگاه مدار ، مگر آن که از دل به در آورده باشی ، و هیچ گناهی را که مرتکب می شدی ، رها مکن ، مگر این که از آن ، دست برداشته باشی .

از خدا پروا کن و در نهان و آشکار کارت ، بر او توکل کن و هر کس بر خدا توکل کند ، او برایش بس است . خداوند ، فرمان خویش را پیش خواهد برد . به یقین ، خداوند برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است . و در باقی مانده این ماه ، زیاد بگو :

اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ قَدْ عَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاعْفِرْ لَنَا فِيمَا
بَقِيَ مِنْهُ .

فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - يُعْتِقُ فِي هَذَا الشَّهْرِ رِقَاباً مِنْ النَّارِ لِحُرْمَةِ
شَهْرِ رَمَضَانَ^١.

٢/٣

صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ آخِرِ شَعْبَانَ

٢٣٣ . السنن الكبرى عن أنس: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الصَّوْمِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «صَوْمُ
شَعْبَانَ تَعْظِيماً لِرَمَضَانَ»^٢.

٢٣٤ . الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ آخِرِ شَعْبَانَ وَوَصَلَهَا بِشَهْرِ رَمَضَانَ،
كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ^٣.

٣/٣

إِصْلَاحُ الطَّعَامِ

٢٣٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُوا الْحَلَالَ يَتِمَّ لَكُمْ صَوْمُكُمْ^٤.

١ . عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١٩٨/٥١/٢، الإقبال: ٤٢/١ وليس فيه «وترك ما لا يعينك»، بحار الأنوار: ١٧/٧٣/٩٧.

٢ . السنن الكبرى: ٨٥١٧/٥٠٣/٤، شعب الإيمان: ٣٨١٩/٢٧٧/٣، كنز العمال: ٢٤٢٩٢/٥٩١/٨، ثواب الأعمال: ١٤/٨٦، بحار الأنوار: ٣٥/٧٧/٩٧.

٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٢٩/٩٤/٢، الخصال: ٦/٥٨٢ عن العباس بن هلال، فضائل الأشهر الثلاثة: ٣١/٥٣ عن الحسن بن علي بن فضال وكلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام، الأمالي للصدوق: ١٠٣٨/٧٦٨ عن المفضل بن عمر، الإقبال: ٤٣/١، بحار الأنوار: ٧٢/٩٧.

٤ . كنز العمال: ٤٣٣٥٦/٨٤٤/١٥ نقلاً عن الديلمي عن جابر.

«خدایا! اگر ما را در آنچه از شعبان گذشته است، نیامرزیده‌ای، پس ما را در باقی‌مانده آن ببخشای!».

همانا خداوند متعال، در این ماه به احترام ماه رمضان، بسیاری را [از آتش] آزاد می‌کند».

۲/۳

سه روز روزه داری در آخر شعبان

۲۳۳. السنن الکبری - به نقل از انس - : به پیامبر خدا گفتند: کدام روزه برتر است؟ فرمود: «روزه شعبان در بزرگداشت رمضان».

۲۳۴. امام صادق علیه السلام : هر کس سه روز آخر شعبان را روزه بدارد و آنها را به ماه رمضان متصل کند، خداوند برای او پاداش روزه دو ماه پیاپی را می‌نویسد.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی
۳/۳

اصلاح غذا

۲۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : غذای حلال بخورید تا روزه برای شما کامل گردد.

٢٣٦ . عِدَّة الداعي عن رسول الله ﷺ: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ». وقيل: عَلَى الْمَاءِ.^١

٢٣٧ . إرشاد القلوب عن حذيفة بن اليمان رفعه عن رسول الله ﷺ: «إِنَّ قَوْمًا يَجِيئُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُمْ مِنَ الْحَسَنَاتِ أَمْثَالُ الْجِبَالِ، فَيَجْعَلُهَا اللَّهُ هَبَاءً مَنْثُورًا، ثُمَّ يُؤَمَّرُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ».

فَقَالَ سَلْمَانُ: صِفْهُمْ لَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ.

فَقَالَ: «أَمَّا إِنَّهُمْ قَدْ كَانُوا يَصُومُونَ وَيُصَلُّونَ، وَيَأْخُذُونَ أَهْبَةً مِنَ اللَّيْلِ، وَلَكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا عَرَّضَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنَ الْحَرَامِ وَثَبُوا عَلَيْهِ».^٢

٢٣٨ . المعجم الكبير: عَنْ ضَمْرَةَ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ أُمِّ عَبْدِ اللَّهِ أُخْتِ شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ أَنَّهَا بَعَثَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِقَدَحٍ لَبَنٍ عِنْدَ فِطْرِهِ وَهُوَ صَائِمٌ، وَذَلِكَ فِي طَوْلِ النَّهَارِ وَشِدَّةِ الْحَرِّ، فَرَدَّ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَنِّي كَانَ لَكَ هَذَا اللَّبَنُ؟». قَالَتْ: مِنْ شَاةٍ لِي.

فَرَدَّ إِلَيْهَا رَسُولُهَا: «أَنِّي كَانَتْ لَكَ هَذِهِ الشَّاةُ؟». قَالَتْ: إِسْتَرَيْتُهَا مِنْ مَالِي. فَأَخَذَهُ مِنْهَا.

فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ أَتَتْهُ أُمُّ عَبْدِ اللَّهِ، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِاللَّبَنِ مَرِيئَةً لَكَ مِنْ طَوْلِ النَّهَارِ وَشِدَّةِ الْحَرِّ، فَرَدَدْتَ الرَّسُولَ فِيهِ!

فَقَالَ لَهَا: «بِذَلِكَ أَمَرْتُ الرُّسُلَ: أَلَّا نَأْكُلَ إِلَّا طَيِّبًا، وَلَا نَعْمَلَ إِلَّا صَالِحًا».^٣

٢٣٩ . الكافي عن أبي بصير: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ ؑ: إِنِّي ضَعِيفُ الْعَمَلِ قَلِيلُ الصِّيَامِ،

١ . عِدَّة الداعي: ١٤١ وص ٢٨٤ وفيه «الدعاء» بدل «العبادة»، بحار الأنوار: ١٠٣/١٦/٧٣ وج ٥٦/٢٥٨/٨٤.

٢ . إرشاد القلوب: ١٩١.

٣ . المعجم الكبير: ٢٥/١٧٤/٤٢٨، المستدرک علی الصحیحین: ٤/١٤٠/٧١٥٩، الورع لابن أبي الدنيا:

١١٦/٨٣، مسند الشاميين: ٢/٢٥٦/١٤٨٨، أسد الغابة: ٧/٣٤٨/٧٥١٥.

۲۳۶. **عَدَّة الداعی** - به نقل از پیامبر خدا - : «عبادت با حرامخواری، همچون ساختن بنا بر شنزار است» و نیز نقل شده است: «همچون ساختن بنا بر آب».

۲۳۷. **إرشاد القلوب** - به نقل از حذیفه بن یمان - : پیامبر خدا فرمود: «روز قیامت، گروهی می آیند، در حالی که حسناتشان همچون کوه‌هاست. خداوند، همه آنها را نابود و پراکنده می‌سازد. سپس فرمان می‌رسد که آنان را به آتش بیفکنید». سلمان گفت: ای پیامبر خدا! آنان را برای ما توصیف کن.

فرمود: «آنان، کسانی هستند که روزه گرفته، نماز خوانده و شب‌زنده‌داری کرده‌اند؛ لیکن هرگاه حرامی بر آنان عرضه می‌شده، بر آن می‌شتافتند».

۲۳۸. **المعجم الكبير** - به نقل از حمزة بن حبیب، درباره اُمّ عبد الله (خواهر شَداد بن اوس) - : وی هنگام افطار، ظرف شیری برای پیامبر خدا که روزه بود، فرستاد و این، در روزی بلند با هوای گرم بود.

پیامبر خدا آن را نزد زن برگرداند که: «این شیر را از کجا آورده‌ای؟».

گفت: از گوسفندم [دوشیده‌ام].
پیامبر ﷺ، فرستاده آن زن را [دوباره] نزد او برگرداند که: «این گوسفند را از کجا آورده‌ای؟».

گفت: از مال خودم خریده‌ام.

پس پیامبر ﷺ آن را از او گرفت.

چون فردا شد، اُمّ عبد الله نزد پیامبر ﷺ رفت و گفت: ای پیامبر خدا! شیر را از روی دلسوزی (به خاطر بلندی روز و شدت گرما) برایتان فرستادم. آن گاه فرستاده مرا برگرداندی!

به او فرمود: «پیامبران، چنین مأمورند. [مأموریم] که جز پاکیزه نخوریم و جز شایسته انجام ندهیم».

۲۳۹. **الكافی** - به نقل از ابو بصیر - : مردی به امام باقر ﷺ گفت: من [از نظر] کار

[خیر]، ضعیف و روزه‌داری‌ام اندک است؛ لیکن امیدوارم که جز حلال، چیزی نخورم.

ولكنني أرجو ألا آكل إلا حلالاً.

فَقَالَ لَهُ: «أَيُّ الْجِتْهَادِ أَفْضَلُ مِنْ عِقَّةِ بَطْنٍ وَفَرَجٍ؟»^١.

٢٣٠. الإمام الباقر (عليه السلام) - لأبي حمزة الثمالي -: «يَبْعَثُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَوْمًا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ نَوْراً كَالْقَبَاطِيِّ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: كُنْ هَبَاءً مَنثوراً».

ثُمَّ قَالَ: «أَمَّا وَاللَّهِ يَا أَبَا حَمْزَةَ، إِنَّهُمْ كَانُوا لَيُصُومُونَ وَيُصَلُّونَ وَلَكِنْ كَانُوا إِذَا عَرَضَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنَ الْحَرَامِ أَخَذُوهُ، وَإِذَا عَرَضَ لَهُمْ شَيْءٌ مِنْ فَضْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنْكَرُوهُ»^٢.



مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

١. الكافي: ٢/٧٩/٤، المحاسن: ١/٤٥٥/١٠٥٢، مشكاة الأنوار: ٢٧٥/٨٢٦ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ٢٦٩/٤ و ص ٢٧٣/١٨.

٢. تفسير القمي: ٢/١١٢ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ٧/١٧٦/٩ وج ٧٠/٢٩٣/٣٥.

به او فرمود: «چه کوششی برتر از پاک دامن‌ی در شکم و شهوت؟».

۲۳۰. امام باقر (ع) - خطاب به ابو حمزه ثمالی - : روز قیامت، خداوند، گروهی را بر می‌انگیزد که پیشاپیش آنان نوری مثل قباطی^۱ است. سپس به آن نور گفته می‌شود: «نابود و پراکنده شو».

[سپس فرمود:] به خدا، سوگند - ای ابو حمزه! - آنان کسانی هستند که نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند؛ لیکن هرگاه چیزی از حرام به آنان عرضه می‌شد، می‌گرفتند و هرگاه چیزی از عطای امیر مؤمنان (ع) به آنان داده می‌شد، رد می‌کردند.



۱. قِیَاطِی (جمع قَبْطِیَّة)، نوعی جامهٔ مصری است که سفید و نازک است. گویا به «قبط (مصریان)» منسوب است (النهاية: ۴ / ۶).



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

سخنی درباره تقویت آثار روزه با اصلاح غذا

خوردن و نوشیدن به هنگام افطار و سحر، جان‌مایه روزه‌داری است. از این رو، در نظر اسلام، حلال یا حرام بودن خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، اندازه و نوع آنها و همچنین انگیزه روزه‌داران از خوردن و آشامیدن، در میزان بهره‌وری از روزه نقشی اساسی دارند و در دستاوردهای روزه‌دار از برکات این میهمانی، بسیار مؤثرند.

نخستین شرط بهره‌وری از روزه، آن است که نیروی تأمین‌کننده و پشتوانه انسان برای روزه گرفتن، حلال باشد. غذای حرام، نه تنها در بهره‌مندی انسان از آثار و برکات روزه، نقش تخریبی دارد، بلکه آفتی است که همه عبادت‌ها را تهدید می‌کند، بدان گونه که در روایات گذشته اشاره شد. از این رو، از پیامبر خدا روایت شده است:

الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ؛^۱

عبادت همراه با حرام‌خواری، مثل بنا ساختن بر شنزار است.

بر این پایه، برای روزه‌دار، شناخت غذاهای حرام، اهمیتی ویژه دارد.

انواع خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حرام

خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حرام، چند قسم‌اند:

۱. آنچه حرمت ذاتی دارد، مثل: گوشت حیوانات حرام‌گوشت، تخم پرندگان حرام‌گوشت، بعضی از اعضای حیوانات حلال‌گوشت (مانند: نرینه، بچه‌دان، دُنبِلان، مثانه، غده‌های بدن، کیسه صفرا، نخاع)، اعیان نجس (مانند: مُردار، خون، گوشت خوک، شراب و هر مایع مست‌کننده دیگر).^۱
۲. آنچه حرمت عَرَضی دارد، مانند: غذاهایی که به سبب برخورد با عین نجس، متنجس شده‌اند، یا برای جسم و جان انسان، زیان عمده دارند.
۳. آنچه با مال حرام تهیّه می‌شود، مثل: سفره‌های افطاری‌ای که بدون اجازه قانونی، هزینه‌شان از بیت‌المال، پرداخت می‌شود.
۴. آنچه از مال مخلوط به حرام، تهیّه می‌شود.
۵. آنچه از مالی تهیّه می‌شود که حقوق شرعی آن (مانند: خمس و زکات) پرداخت نشده است.
۶. آنچه با مال حلال فراهم می‌شود؛ ولی در کیفیت و مقدار آن، اسراف می‌گردد.

پرهیز از غذاهای شبهه‌ناک

اگر روزه‌دار بخواهد از روزه‌اش بهره‌برد، سزاوار است که نه تنها از غذاهایی که حرمتشان قطعی است، بلکه از غذاهای شبهه‌ناک هم پرهیز کند. غذاهای شبهه‌ناک دو گونه‌اند:

نوع اوّل: غذاهایی که در ظاهر، حلال شمرده می‌شوند، مثل: غذایی که میزبان

۱. برای آگاهی بیشتر از این قسم محرمات، علاوه بر منابع فقهی، رک: رساله فی الواجب والحرام، [آیت الله] علی مشکینی دام ظلّه.

مسلمان برای میهمانش تهیه می‌کند؛ ولی میهمان، احتمال می‌دهد که از مال حرام باشد.

نوع دوم: غذاهایی که در ظاهر، حرام شمرده می‌شوند، مثل: غذایی که از مال مخلوط به حرام تهیه می‌شود، به گونه‌ای که جدا کردن حلال و حرام آن، ممکن نیست.

نکته قابل توجه در این زمینه، آن است که اسلام برای استفاده از این گونه غذاها، راه حل دارد و برای رهایی از پیامدهای آن، تدبیری اندیشیده است، مانند پرداخت خمس مال شبهه‌ناک. از این راه، روزه‌دار می‌تواند از مشکل غذاهای شبهه‌ناکی که بخصوص در میهمانی‌ها می‌خورد و یا به میهمانان خود می‌دهد، برهد، تا روزه ماه رمضان پاک و دارای آثار معنوی بیشتری باشد.



انگیزه‌های خوردن و آشامیدن

انگیزه‌ای که روزه‌دار در خوردن و آشامیدن در وقت افطار و سحر دارد، تأثیر مهمی در بهره‌وری کامل از برکات روزه دارد. در یکی از توصیه‌های پیامبر ﷺ به ابو ذر غفاری، چنین آمده است:

«يَا أَبَا ذَرٍّ! لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ حَتَّى الْأَكْلِ وَالنُّوْمِ؛^۱

ای ابو ذر! برای هر چیزی نیت خوب داشته باش، حتی برای خوردن و خوابیدن.

میان روزه‌داری که سحری و افطار را تنها برای رفع گرسنگی و تشنگی می‌خورد، با کسی که آنها را به قصد قربت و کسب رضای الهی می‌خورد، فرق بسیار است. نورانیت روزه‌ای که روزه‌دار با قصد قربت غذا می‌خورد، هرگز با روزه‌ای که روزه‌دار با انگیزه حیوانی و خواسته نفس غذا می‌خورد و نیرو می‌گیرد، برابر نیست.

روشن است که انگیزه‌ خدایی در این کار - که روزه‌ دار می‌ گوید: «به قصد تقرب به خدا، غذا می‌ خورم» - نیازمند مقدماتی است که با این عمل، هماهنگ باشد، که از جمله آنها، تناسب نوع و مقدار غذا با نیاز بدن است.

بر اساس مقدمات و توضیح‌ هایی که گذشت، می‌ توان فشرده سخن را در زمینه اصلاح غذا به وسیله روزه‌ دار، در سه نکته زیر خلاصه کرد که پایبندی و رعایت آنها موجب می‌ شود تا روزه‌ دار، هر چه بیشتر، از مواهب و دستاوردهای ضیافت الهی، بهره‌ مند گردد:

۱. حلال بودن آنچه خورده و آشامیده می‌ شود و پرهیز از غذاهای حرام و شبه‌ ناک.

۲. تناسب نوع و مقدار غذاها و نوشیدنی‌ ها با نیاز و خواسته بدن و پرهیز روزه‌ دار از غذاهای رنگارنگ و افزون از حد نیاز.

۳. خوردن و آشامیدن به قصد قربت و با انگیزه کسب رضای الهی و اطاعت از فرمان او.

عالم ربانی مرحوم آیه الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، در پایان بحثی که درباره انواع روزه‌ داران از جهت برخوردشان با خوردنی‌ ها و آشامیدنی‌ ها دارد، می‌ گوید:

برخی از آنان، همه خورد و خوراکشان، حلال و دور از اسراف و تجمل است؛ بلکه در مقدار خوردنی و آشامیدنی‌ شان، حتی از اندازه حلال و غیر مکروه هم متواضعانه می‌ کاهند و این گونه از لذت می‌ گذرند و در خورشت، به یک نوع، بسنده می‌ کنند، یا بعضی از لذت‌ ها و فزونی‌ ها را ترک می‌ کنند.

درجات آنان نزد پروردگارشان، که نگاه‌ دارنده تلاش‌ ها و مجاهدت‌ های آنان است، محفوظ است و آنان پاداش می‌ یابند و هیچ ستمی به آنان نمی‌ شود. خداوند، آنان را به بهترین کارهایشان پاداش می‌ دهد و از عطای خویش، بی‌ حساب بر آنان می‌ افزاید.

پس هیچ کس نمی داند چه پاداش های بزرگی - که مایه چشم روشنی

است و برایشان پنهان نگه داشته شده است - خواهند داشت؛

پاداش هایی که بر هیچ دلی خطور نکرده است.^۱

خدایا! ما را هم از آنان قرار بده!



مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

۱. برای مطالعه تمام سخن وی، رک: المراقبات: ۹۸.

الفصل الرابع

الرَّعِيَّةُ التَّهَيُّؤُ لِرَافَةِ اللَّهِ

١/٢

الرَّعِيَّةُ آخِرُ شَعْبَانَ

٢٣١ . الإمام الصادق عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فِي آخِرِ شَعْبَانَ :-

[اللَّهُمَّ] إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ هُدًى
لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ ، فَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْنَا لَنَا وَسَلِّمْنَا
مِنَّا فِي بُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ .^١

٢٣٢ . عنه عليه السلام - مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْ شَعْبَانَ وَأَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ :-

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ
مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ ، فَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْنَا لَنَا وَتَسَلِّمْنَا مِنَّا فِي بُسْرِ
مِنْكَ وَعَافِيَةٍ ، يَا مَنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ وَشَكَرَ الْكَثِيرَ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ .
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي إِلَى كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلًا ، وَمِنْ كُلِّ مَا لَا تُحِبُّ
مَانِعًا ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، يَا مَنْ عَفَا عَنِّي وَعَمَّا خَلَوْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ ،

١ . تفسير العياشي : ١ / ٨٠ / ١٨٢ عن الحارث النصري . بحار الأنوار : ٩٦ / ٣٨٣ / ١ .

فصل چهارم

دعای آمادگی برای میثانی خدا



۲۴۱. امام صادق علیه السلام - در دعای خویش در آخر شعبان - :

[خدایا!] این ماه مبارک، که قرآن را در آن فرو فرستاده‌ای و آن را مایه هدایت مردم و نشانه‌هایی روشن از هدایت و فرقان قرار داده‌ای، فرا رسید. پس، ما را در این ماه، سالم بدار و نیز آن را برای ما و از ما سلامت بدار، در آسانی و تن‌درستی از سوی خودت!

۲۴۲. امام صادق علیه السلام - از جمله دعاهایی که در آخرین شب شعبان و اولین شب ماه رمضان می‌خواند - :

خداوندا! این ماه مبارک، که قرآن را در آن فرو فرستاده‌ای و آن را مایه هدایت مردم و نشانه‌هایی روشن از هدایت و فرقان قرار داده‌ای، فرا رسید. پس، ما را در این ماه، سالم بدار و نیز آن را برای ما سالم بدار و آن را با

۱. معنای «ما را در این ماه، سالم بدار»، آن است که چیزی مانند بیماری و غیر آن برای ما پیش نیاید که نتوانیم روزه بگیریم. و معنای «آن را برای ما سالم بدار»، این است که ماه رمضان، روشن باشد و چنان نباشد که اول و آخرش، قطعی نباشد و روزه و عید فطر، آشفته گردد. و معنای «آن را از ما سلامت بدار»، این است که ما را در این ماه، از گناهان، حفظ کن (مجمع البحرین: ۸۷۴/۲).

یا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْنِی بِارْتِکَابِ الْمُعَاصِی ، عَفْوُكَ عَفْوُكَ یا کَرِیْمُ ،
إِلَهِی وَعَظَّمْتَنِی فَلَمْ أُثْعَظْ ، وَزَجَرْتَنِی عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ ، فَمَا
عُذْرِی؟ فَاعْفُ عَنِّی یا کَرِیْمُ ، عَفْوُكَ عَفْوُكَ .

اللَّهُمَّ ، إِنِّی أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ ، وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ ، عَظَّمَ
الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْتَحْسُنِ التَّجَاوُزُ مِنْ عِنْدِكَ ، یا أَهْلَ الثَّقَوَى وَیا أَهْلَ
الْمَغْفِرَةِ ، عَفْوُكَ عَفْوُكَ .

اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ ، ضَعِیفٌ فَقِیْرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ ،
وَأَنْتَ مُنْزِلُ الْغِنَى وَالْبَرَکَةِ عَلَى الْعِبَادِ ، فَاهِرٌ مُقْتَدِرٌ ، أَحْصَيْتَ أَعْمَالَهُمْ
وَقَسَمْتَ أَرْزَاقَهُمْ ، وَجَعَلْتَهُمْ مُخْتَلِفَةً أَلْسِنَتُهُمْ وَأُلُوانُهُمْ ، خَلَقْتَ مِنْ بَعْدِ
خَلْقِی ، لَا یَعْلَمُ الْعِبَادُ عِلْمَكَ ، وَلَا یَقْدِرُ الْعِبَادُ قَدْرَكَ ، وَكُنَّا فَقِیْرٌ إِلَى
رَحْمَتِكَ ، فَلَا تُصْرِفْ عَنِّی وَجْهَكَ ، وَاجْعَلْنِی مِنْ صَالِحِی خَلْقِكَ فِی
الْعَمَلِ وَالْأَمَلِ وَالْقَضَاءِ وَالْقَدَرِ .

اللَّهُمَّ أَبْقِنِی خَیْرَ الْبَقَاءِ ، وَأَفْنِنِی خَیْرَ الْفَنَاءِ ؛ عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِیَائِكَ
وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ وَالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ ، وَالْخُشُوعِ وَالْوَفَاءِ وَالتَّسْلِيمِ
لَكَ ، وَالتَّصَدِیقِ بِكِتَابِكَ ، وَاتَّبَاعِ سُنَّةِ رَسُولِكَ .

اللَّهُمَّ مَا كَانَ فِی قَلْبِی مِنْ شَكٍّ أَوْ رِیْبَةٍ ، أَوْ جُحُودٍ أَوْ قُنُوطٍ ، أَوْ
فَرَحٍ أَوْ بَدَخٍ ، أَوْ بَطَرٍ أَوْ خِيَلَاءٍ ، أَوْ رِبَاٍ أَوْ سُمْعَةٍ ، أَوْ شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ ،
أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ عِصْيَانٍ ، أَوْ عَظَمَةٍ أَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ ، فَاسْأَلْكَ
یا رَبِّ أَنْ تُبَدِّلَنی مَكَانَهُ إِیْمَانًا بِوَعْدِكَ ، وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ ، وَرِضًا
بِقَضَائِكَ ، وَزُهْدًا فِی الدُّنْیَا ، وَرَغْبَةً فِیْمَا عِنْدَكَ ، وَأُثْرَةً وَطُمَأْنِینَةً وَتَوْبَةً
نَصُوحًا ، أَسْأَلُكَ ذَلِكَ یا رَبِّ الْعَالَمِینَ .

إِلَهِی أَنْتَ مِنْ جِلْمِكَ تُعْصَى ، وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تُطَاعُ ؛ فَكَأَنَّكَ
لَمْ تُعْصَ ، وَأَنَا وَمَنْ لَمْ یُعْصِكَ سُكَّانُ أَرْضِكَ ، فَكُنْ عَلَيْنَا بِالْفَضْلِ جَوَادًا ،

آسانی و تن‌درستی از سوی خودت، از ما دریافت کن. ای که اندک را می‌گیری و پاداش بسیار می‌دهی! اندک را از من بپذیر!

خداوندا! از تو می‌خواهم که به سوی هر نیکی، راهی و در برابر هر آنچه دوست نداری، باز دارنده‌ای برایم قرار دهی! ای مهربان‌ترین مهربانان! ای که از من و از گناهانی که در نهان انجام داده‌ام، چشم پوشیدی؛ ای آن که مرا به خاطر نافرمانی‌ها مؤاخذه ننمودی! ببخشای، ببخشای، ببخشای، ای بزرگوار! خدایا! پندم دادی، پند نگرفتم! از گناهانت بازم داشتی، دست برنداشتم!

چه عذری دارم؟! پس بر من ببخشای، ای بزرگوار! ببخشای، ببخشای! خداوندا! از تو آسودگی را به هنگام مرگ و بخشایش را به هنگام حساب، می‌خواهم. بنده‌ات گناه بزرگ آوزد. اینک، گذشت از سوی تو، نیکوست، ای شایسته تقوا و ای شایسته آمرزش! ببخشای، ببخشای!

خداوندا! من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو ام، ناتوانی که نیازمند رحمت توست؛ و تویی که بر بندگان، توانگری و برکت را فرو می‌فرستی و چیره با اقتداری و کارهای بندگان را شمرده و روزی‌هایشان را تقسیم کرده‌ای و آنان را با زبان‌ها و رنگ‌های گوناگون، قرار داده‌ای، آفرینشی پس از آفرینشی.

بندگان، نه دانش تو را دارند و نه قدرت تو را. همه ما نیازمند رحمت تویم. پس، روی رحمت را از من برنگردان و مرا در کار و امید و تقدیر خویش، از بندگان شایسته‌ات قرار بده!

خداوندا! مرا به نیکوترین ماندن، باقی بدار و به بهترین فنا، فانی ساز؛ بر دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان و شوق به درگاهت و هراس از عظمت و خشوع و وفا و تسلیم نسبت به خودت و باور به کتابت و پیروی از سنت فرستاده‌ات.

خداوندا! آنچه در دلم هست، از شک و تردید، یا انکار و یأس، یا شادی بی‌جا و غرور، یا سرمستی و غرور، یا ریا و آوازه‌خواهی، یا دشمنی و نفاق، یا کفر و تبه‌کاری و نافرمانی، یا خودبزرگ‌بینی و یا هر چه که دوست نمی‌داری - پروردگارا - از تو می‌خواهم که آنها را به ایمان به وعده‌ات، وفا به پیمان‌ت، رضا به تقدیرت، پارسایی در دنیا، شوق به آنچه پیش توست، بزرگواری، آرامش و توبه^۱ راستین^۱، تبدیل کنی! ای پروردگار جهانیان! اینها را از تو می‌طلبم.

۱. در متن عربی، «توبه نصوحاً» (توبه نصوح) آمده است. توبه نصوح، یعنی توبه درست و بی‌غل و غش؛ توبه‌ای که پس از آن، انسان به گناه برنگردد (ر.ک: مجمع البحرین: ۱۷۸۹/۳).

وَبِالْخَيْرِ قَوَادًا ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً لَا تُحْصَى وَلَا تُعَدُّ ، وَلَا يَقْدَرُ
قَدْرَهَا غَيْرُكَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .^١

٢/٤

الرَّغِيَّةُ رُؤْيَا هِلَالِ شَهْرِ رَمَضَانَ

٢٣٣ . الإمام الباقر عليه السلام : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَهَلَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ
وَرَفَعَ يَدَيْهِ فَقَالَ :

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ ، وَالْعَافِيَةِ
الْمُجَلَّلَةِ ، وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ ، وَدَفْعِ الْأَسْقَامِ . اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ
وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ . اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ فِيهِ .^٢

٢٣٤ . الإمام علي عليه السلام : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا اسْتَهْلَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ
بِوَجْهِهِ وَقَالَ :

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ ، وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلَّلَةِ
وَدَفْعِ الْأَسْقَامِ ، وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ ، وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ وَالْقِيَامِ
وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ . اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لِنَشْهُرِ رَمَضَانَ وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ فِيهِ ؛ حَتَّى
يَنْقَضِيَ عَنَّا شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ عَفَوْتَ عَنَّا وَغَفَرْتَ لَنَا وَرَحِمْتَنَا .^٣

١ . مصباح المتهجد: ٩١١/٨٥٠ عن الحارث بن المغيرة النضري . الإقبال: ٤٣/١ ، البلد الأمين: ١٩٢ .

٢ . الكافي: ١/٧٠/٤ ، تهذيب الأحكام: ٥٦٢/١٩٦/٤ كلاهما عن جابر . كتاب من لا يحضره الفقيه:
١٨٤٦/١٠٠/٢ ، مصباح المتهجد: ٦٢٥/٥٤٠ .

٣ . الإقبال: ٦٢/١ عن محمد بن الحنفية . كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٣٣/٩٦/٢ ، الأمالي للصدوق:
٧٨/١٠٢ ، فضائل الأشهر الثلاثة: ٦٢/٨٠ ، ثواب الأعمال: ٢/٨٩ ، كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عنه عليه السلام
نحوه . بحار الأنوار: ١/٣٧٨/٩٦ ؛ تاريخ دمشق: ١٠٨٤٥/١٨٦/٥١ نحوه ، كنز العمال: ٢٤٢٨٨/٥٨٩/٨ .

خدایا! چون بردباری، نافرمانی‌ات می‌کنند و چون بزرگواری و بخشنده‌ای، فرمانت می‌برند، آن چنان که گویا نافرمانی‌ات نکرده‌اند. من و آن که نافرمانی تو نکرده است، ساکنان زمین تویم. پس با عطای خویش بر ما، بخشنده و خیررسان باش، ای مهربان‌ترین مهربانان!

درود خدا بر محمد و خاندان او، درودی پیوسته و بی‌شمار، درودی که ارزش آن را کسی جز تو نداند، ای مهربان‌ترین مهربانان!

۲/۴

دعای یَدِ نِ هِلالِ ماهِ رمضان

۲۴۳. امام باقر (ع): هرگاه هِلالِ ماهِ رمضان دیده می‌شد، پیامبر خدا دستانش را رو به قبله بلند می‌کرد و می‌گفت:

«خداوندا! آن را با ایمنی و ایمان، با سلامت و اسلام، با عافیت فراگیر، با روزی گسترده و با دفع بیماری‌ها، بر ما بتابان!»

خداوندا! توفیق روزه‌داری و عبادت و تلاوت قرآن را در آن به ما روزی کن!

خداوندا! آن را برای ما سالم بدار و آن را از ما سالم دریافت کن و ما را در آن، سلامت بدار!».

۲۴۴. امام علی (ع): هرگاه هِلالِ ماهِ رمضان دیده می‌شد، پیامبر خدا رو به قبله می‌کرد و می‌گفت:

«خداوندا! آن را با ایمنی و ایمان، با سلامت و اسلام، با عافیت فراگیر، با دفع بیماری‌ها، با روزی گسترده و با یاری بر نماز و روزه و عبادت و تلاوت قرآن، بر ما بنمایان!»

خداوندا! ما را برای ماه رمضان سلامت بدار و آن را از ما به سلامت، دریافت کن و ما را در آن، سالم بدار، تا این که ماه رمضان از ما بگذرد، در حالی که ما را بخشوده و آمرزیده باشی و بر ما رحم کرده باشی!».

٢٣٥ . الدعاء للطبراني عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَى هِلَالَ رَمَضَانَ قَالَ: «هِلَالُ خَيْرٍ وَرُشْدٍ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - آمَنْتُ بِالَّذِي خَلَقَكَ»^١.

٢٣٦ . الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - إِذَا أَهَلَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ أَقْبَلَ إِلَى الْقِبْلَةِ ثُمَّ قَالَ:

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ ، وَالْعَافِيَةِ
الْمُجَلَّلَةِ ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَبِقِيَامِهِ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ ، اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا
وَتَسَلِّمْ مِنَّا وَسَلِّمْ فِيهِ^٢.

٢٣٧ . الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ إِذَا كَانَ بِالْكُوفَةِ يَخْرُجُ وَالنَّاسُ مَعَهُ
يَتَرَاءَى هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ ، فَإِذَا رَأَاهُ قَالَ:

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ ، وَصِحَّةٍ مِنْ
الشَّقَمِ ، وَفَرَاغٍ لِمَطَاعَتِكَ مِنَ الشُّغْلِ ، وَكَفِنَا بِالْقَلِيلِ مِنَ النَّوْمِ^٣.

٢٣٨ . الإمام الباقر عليه السلام: مَرَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ فِي طَرِيقِهِ يَوْمًا فَنَظَرَ إِلَى هِلَالَ شَهْرِ
رَمَضَانَ ، فَوَقَّفَ فَقَالَ:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الدَّائِبُ السَّرِيعُ ، الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ ،
الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكَ التَّدْبِيرِ .

آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلُمَ ، وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ ، وَجَعَلَ آيَةً مِنْ آيَاتِ
مُلْكِهِ ، وَعَلَامَةً مِنْ عِلَامَاتِ سُلْطَانِهِ ، فَحَدَّ بِكَ الزَّمَانَ ، وَامْتَهَنَكَ بِالْكَمَالِ

١ . الدعاء للطبراني: ٢٨٣/٩٠٦ ، سنن أبي داود: ٤/٣٢٤/٥٠٩٢ ، المصنّف لعبد الرزاق: ١١/٢٠٧/٢٠٣٣٨ ،
المصنّف لابن أبي شيبة: ٧/١٢١/٦ كلّها عن قتادة وفيها «الهِلال» بدل «هِلال رمضان» ، كنز العمال:
١٨٠٤٠/٧٧/٧

٢ . الكافي: ٤/٧٣/٤ ، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٧/٥٦٣ كلاهما عن عمرو بن شمر ، مصباح المتعجّد:
٦٢٤/٥٤١

٣ . الإقبال: ١/٦٥ عن الفضيل بن يسار .

۲۴۵. الدعاء طبرانی - به نقل از انس - : هرگاه پیامبر خدا هلال رمضان را می‌دید،

سه بار می‌فرمود: «هلال خیر و رشد. ایمان آوردم به آن که تو را آفرید».

۲۴۶. امام صادق علیه السلام : هرگاه هلال ماه رمضان دیده می‌شد، امیر مؤمنان علیه السلام رو به قبله

می‌کرد و می‌گفت :

«خداوندا! آن را با ایمنی، ایمان، سلامت، اسلام و عافیت فراگیر، بر ما

بنمایان!

خداوندا! روزه‌داری و عبادت و تلاوت قرآن را در آن، روزی ما کن!

خداوندا! آن را برای ما سلامت بدار و آن را از ما به سلامت دریافت کن و

ما را در آن، سالم بدار!».

۲۴۷. امام صادق علیه السلام - به نقل از پدران خویش علیهم السلام - : علی علیه السلام، آن گاه که در کوفه بود،

همراه مردم برای دیدن هلال ماه رمضان بیرون می‌شد و چون آن را می‌دید،

می‌فرمود :

«خداوندا! آن را با ایمنی، ایمان، سلامت، اسلام، درستی از بیماری و

آسودگی برای طاعت خویش، به ما بنمایان و ما را به اندکی خواب، کفایت

کن!».

۲۴۸. امام باقر علیه السلام : روزی، امام سجّاد علیه السلام در مسیر خود می‌گذشت که به هلال ماه

رمضان نگاه انداخت. ایستاد و [خطاب به آن] چنین گفت :

«ای آفریده فرمان‌بردار، چرخنده پرشتاب، رفت‌وآمدکننده در

منزلگاه‌های تقدیر و کارگزار [الهی] در سپهر تدبیر!

ایمان آوردم به آن که تاریکی‌ها را با تو روشن کرد و مبهم‌ها را با تو پدیدار

نمود و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های فرمان‌روایی‌اش و علامتی از علایم

حکومتش قرار داد و زمان را با تو مرزبندی کرد و تو را با کمال و کاهش،

دمیدن و غروب کردن، و روشنی و گرفتگی، به کار گرفت. در همه اینها،

وَالنُّقْصَانِ ، وَالطُّلُوعِ وَالْأُفُولِ ، وَالْإِنَارَةِ وَالْكُسُوفِ ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهٗ مُطِيعٌ وَإِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ .

سُبْحَانَهُ! مَا أَعْجَبَ مَا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ ، وَالطَّفَّ مَا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ! جَعَلَكَ مِفْتَاحَ شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ ، فَاسْأَلِ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ ، وَخَالِقِي وَخَالِقَكَ ، وَمُقَدِّرِي وَمُقَدَّرَكَ ، وَمُصَوِّرِي وَمُصَوَّرَكَ ؛ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ يَجْعَلَكَ هِلَالَ بَرَكَاتٍ لَا تَمَحُّهَا الْأَيَّامُ ، وَطَهَارَةٍ لَا تُدْنِسُهَا الْآثَامُ ؛ هِلَالَ أَمْنٍ مِنَ الْآفَاتِ ؛ وَسَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ ؛ هِلَالَ سَعِيدٍ لَا نَحْسَ فِيهِ ، وَيُؤْمِنُ لَا تَكْذَبُهُ ، وَيُسِرُّ لَا يُمَارِجُهُ عُسْرٌ ، وَخَيْرٌ لَا يَشُوبُهُ شَرٌّ ؛ هِلَالَ أَمْنٍ وَإِيمَانٍ ، وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ ، وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ ، وَأَزْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ ، وَأَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ ، وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ ، وَاعْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْآثَامِ وَالْحَوْتَةِ ، وَأَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ النِّعْمَةِ ، وَآلِسْنَا فِيهِ جُنْنَ الْعَافِيَةِ ، وَاتِمِّمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ طَاعَتِكَ فِيهِ الْمِنَّةَ ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ .^١

٢٣٩ . الكافي: عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ إِذَا أَهْلَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ قَالَ :

اللَّهُمَّ أَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ ، وَالتَّيَقِينِ وَالْإِيمَانِ ، وَالْبِرِّ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى .^٢

١ . الإقبال: ١/ ٦٣ ، الأُمالي للطوسي: ١٠٨٦/ ٤٩٥ عن إسحاق بن جعفر وكلاهما عن الإمام الكاظم عن أبيه عليه السلام ، الصحيفة السجادية: ١٦٣ الدعاء ٤٣ ولم يذكر فيه اختصاصه بشهر رمضان . مصباح المتهجد: ٥٤٢/ ٦٢٨ من دون إسناد إلى المعصوم وكلها نحوه ، بحار الأنوار: ٩٥/ ٣٤٤ وج ٣٧٩/ ٩٦ وانظر كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٤٧/ ١٠١/ ٢ .

٢ . الكافي: ٤/ ٧٤/ ٤ .

مطیع فرمانش بودی و به انجام دادن خواسته‌اش شتابان.

منزه است خدا! چه شگفت و زیباست آنچه در کار تو تدبیر کرده است و چه ظریف است آنچه درباره‌ی تو انجام داده است! تو را کلید ماهی نو برای کاری نو قرار داده است. از خداوند، پروردگارم و پروردگارت، آفریدگارم و آفریدگارت، تقدیرسازم و تقدیرسازت، صورتگرم و صورتگرت، می‌خواهم که بر محمد و دودمان محمد درود فرستد و تو را هلال برکتی قرار دهد که روزها آن را نابود نمی‌سازند؛ هلال طهارتی که گناهان، آن را نمی‌آلایند؛ هلال ایمنی از آفت‌ها و سلامت از گناهان؛ هلال خجستگی، که در آن بدشگونی نیست، و هلال فرخندگی، که در آن سختی راه ندارد؛ هلال آسانی، که دشواری به آن نمی‌آمیزد و هلال نیکی، که پلیدی به آن آمیخته نمی‌گردد؛ و هلال ایمنی و ایمان، نعمت و احسان، و سلامت و اسلام.

خداوند! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را از خشنودترین کسانی قرار ده که هلال بر آنان تابیده است و از پاک‌ترین کسانی که به آن نگریسته‌اند و از خوش‌بخت‌ترین کسانی که در آن، تو را پرستیده‌اند! در این ماه، ما را به طاعت و توبه توفیق ده و از گناهان و حرام، نگه دار! در این ماه، ما را بر شکر نعمت، رهنمون باش و پوشش‌های عافیت را بر ما بپوشان و منت خویش را با کامل ساختن طاعتت در آن، بر ما تمام ساز! همانا تویی منت‌گذار پسندیده. و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او باد!.

۲۴۹. الکافی - به نقل از معاویه بن عمار - : وقتی هلال ماه رمضان دیده می‌شد، امام

صادق علیه السلام می‌فرمود:

«خدایا! این ماه را با سلامت و اسلام، یقین و ایمان، نیکی و توفیق بر

آنچه دوست داری و می‌پسندی، بر ما وارد کن!».

٢٥٠ . الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ الْهَلَالَ فَقُلْ :

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ ، وَأَنْزَلْتَ فِيهِ
الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ . اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ ،
وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا ، وَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْنَا مِنْهُ^١ وَسَلِّمْنَا لَنَا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ ، إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ^٢ .

٢٥١ . عنه عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تُشِرْ إِلَيْهِ ، وَلَكِنْ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ ، وَارْفَعْ
يَدَيْكَ إِلَى اللَّهِ عز وجل ، وَخَاطِبِ الْهَلَالَ تَقُولُ :

رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ^٣ ،
وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ ، وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى . اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي
شَهْرِنَا هَذَا ، وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَعَوْنَهُ ، وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ ، وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ^٤ .
٢٥٢ . الإمام الكاظم عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ الْهَلَالَ فَقُلْ :

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ ، فَأَعِنَّا
عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا ، وَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْنَا لَنَا فِي يُسْرِ مِنْكَ
وَعَافِيَةٍ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^٥ .

٢٥٣ . الإمام الرضا عليه السلام: مَعَاشِرَ شِيعَتِي ، إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تُشِيرُوا
إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ ، وَلَكِنْ اسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ وَارْفَعُوا أَيْدِيَكُمْ إِلَى السَّمَاءِ وَخَاطِبُوا

١ . قوله : سَلِّمْنَا مِنْهُ : أي لا يصيبنا فيه ما يحول بيننا وبين صومه من مرض أو غيره (النهاية: ٢/ ٣٩٥) .

٢ . الإقبال: ١/ ٦٤ .

٣ . في كتاب من لا يحضره الفقيه: «بالأمن والأمان» ، وفي الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: «بالأمن والأمانة والإيمان» .

٤ . الإقبال: ١/ ٦٤ ، المقنع: ١٨٥ وليس فيه «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا ...» ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/ ١٠٠
ذيل ح ١٨٤٦ وفيه «قال أبي عليه السلام في رسالته إلي: إِذَا رَأَيْتَ هِلَالَ ...» ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ٢٠٦ وزاد
فيه «وَكَبَّرَ فِي وَجْهِهِ» بعد «وخاطب الهلال» ، بحار الأنوار: ٩٦/ ٣٨٣/ ٩ .

٥ . الإقبال: ١/ ٦٥ .

۲۵۰. امام صادق علیه السلام: هر گاه هلال را دیدی، بگو:

«خداوندا! ماه رمضان فرا رسید و روزه‌داری آن را بر ما واجب ساختی و قرآن را در آن فرو فرستادی تا هدایتی برای مردم و نشانه‌هایی روشن از هدایت و فرقان باشد.

خداوندا! ما را بر روزه‌داری آن یاری کن و آن را از ما بپذیر! ما را در آن، سلامت بدار و ما را از آن، سالم بدار و آن را برای ما با آسانی و عافیت از سوی خودت، سالم بدار! همانا تو بر هر چیزی توانایی، ای بخشایشگر مهربان!».

۲۵۱. امام صادق علیه السلام: چون هلال ماه رمضان را دیدی، به سوی آن اشاره مکن؛ بلکه دست‌هایت را رو به قبله به سوی درگاه خداوند، بالا ببر و خطاب به هلال، چنین بگو:

«پروردگار من و پروردگار تو، خداوند است، پروردگار جهانیان. خداوندا! آن را با ایمنی، ایمان، سلامت، اسلام و شتاب به سوی آنچه محبوب و پسندیده‌توست، بر ما وارد کن! *بسم الله الرحمن الرحیم* خداوندا! این ماه را بر ما مبارک گردان و خیر و یاری آن را روزی ما کن و رنج و بدی و بلا و فتنه آن را از ما برگردان!».

۲۵۲. امام کاظم علیه السلام: هر گاه هلال را دیدی، بگو:

«خداوندا! ماه رمضان فرا رسید؛ ماهی که روزه‌داری و عبادت در آن را بر ما واجب ساخته‌ای. پس در آن، بر روزه‌داری و عبادت، یاری‌مان کن و از ما بپذیر و ما را در آن و آن را برای ما سلامت بدار، همراه با آسانی و عافیتی از سوی خودت! همانا تو بر هر چیز توانایی، ای مهربان‌ترین مهربانان!».

۲۵۳. امام رضا علیه السلام: ای گروه پیروان من! هر گاه هلال ماه رمضان برآمد، با انگشتان به سوی آن اشاره نکنید؛ بلکه دست‌هایتان را رو به قبله به طرف آسمان بلند کنید و به هلال خطاب نمایید و چنین بگویید:

الهلال وقولوا:

رَبُّنَا وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ . اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلَيْنَا هِلَالاً مُبَارَكاً ، وَوَقِّفْنَا
لِصِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ ، وَسَلِّمْنا فِيهِ وَتَسَلِّمْنا مِنْهُ^١ فِي يُسْرٍ وَعَافِيَةٍ ، وَاسْتَعْمِلْنَا
فِيهِ بِطَاعَتِكَ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

فَمَا مِنْ عَبْدٍ فَعَلَ ذَلِكَ إِلَّا كَتَبَهُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فِي جُمْلَةِ الْمَرْحُومِينَ ،
وَأَثَبَتْهُ فِي دِيوانِ الْمَغْفُورِينَ .

وَلَقَدْ كَانَتْ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﷺ تَقُولُ ذَلِكَ سُنَّةً^٢ .

٢٥٢ . الْمُقْنَعَةُ: مِنَ السُّنَّةِ الثَّابِتَةِ عَنِ الرَّسُولِ ﷺ الدُّعَاءُ عِنْدَ رُؤْيَةِ الْهِلَالِ ، فَإِذَا
طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ لِإِسْتِهْلَالٍ ؛ فَإِنَّهُ مَأْثُورٌ عَنِ
الصَّادِقِينَ ﷺ :

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا وَعَلَى أَهْلِ يُبُوتَاتِنَا وَأَشْيَاعِنَا وَإِخْوَانِنَا بِأَمْنٍ وَإِيمَانٍ ،
وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ ، وَبِرٍّ وَتَقْوَى ، وَعَافِيَةٍ مُجَلَّلَةٍ ، وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَسَنٍ ، وَفَرَاغٍ
مِنَ الشُّغْلِ ، وَاكْتِفَاءٍ فِيهِ^٤ بِالْقَلِيلِ مِنَ النَّوْمِ ، وَمُسَارَعَةٍ فِيمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى ،
وَتُبَّتْنَا عَلَيْهِ .

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي هَذَا الشَّهْرِ^٥ ، وَارْزُقْنَا بَرَكَتَهُ وَخَيْرَهُ ، وَعَوْنَهُ وَغُنَمَهُ
وَفَوْزَهُ^٦ ، وَاصْرِفْ عَنَّا شَرَّهُ وَضُرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ .

اللَّهُمَّ مَا قَسَمْتَ فِيهِ مِنْ رِزْقٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ فَضْلٍ أَوْ مَغْفِرَةٍ

١ . كَذَا فِي الْمَصْدَرِ . وَلَعَلَّ الصَّوَابَ : «وَسَلِّمْنا مِنْهُ» وَقَدْ مَرَّ مَعْنَاهَا . وَفِي بَعْضِ الْأَدْعِيَةِ : «وَتَسَلِّمْنا مِنْهُ» .

٢ . وَيُمْكِنُ ضَبْطُهَا بِهَذِهِ الصُّورَةِ : «تَقُولُ : ذَلِكَ سُنَّةٌ» .

٣ . فَضَائِلُ الْأَشْهُرِ الثَّلَاثَةِ : ٩٩ / ٨٤ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْخُرَازِيِّ .

٤ . فِي الْإِقْبَالِ : «وَاكْتِفَاءٍ بِدَلِّ» وَ«وَاكْتِفَاءٍ فِيهِ» .

٥ . فِي الْإِقْبَالِ : «فِي شَهْرِنَا هَذَا» .

٦ . فِي الْإِقْبَالِ : «وَنُورُهُ وَيَمْنُهُ وَرَحْمَتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ» بِدَلِّ «وَفَوْزُهُ» .

«پروردگار ما و پروردگار تو، خداوند است، پروردگار جهانیان. خدایا! آن را بر ما هلالی مبارک بگردان و ما را بر روزه‌داری ماه رمضان، موفق بدار و ما را در آن و آن را از ما سلامت بدار، همراه با آسانی و عافیتی از سوی خویش، و ما را در آن به فرمان‌برداری خویش به کار گیر! همانا تو بر هر چیز، توانایی». پس، هیچ بنده‌ای نیست که چنین کند، مگر آن که خداوند، او را در گروه رحمت‌یافتگان می‌نویسد و نامش را در دفتر آمرزیدگان، ثبت می‌کند.

سرور زنان جهان، فاطمه علیها السلام، می‌فرمود که این، مستحب است.

۲۵۴. **المقنعة**: از سنت‌های ثابت‌شده پیامبر صلی الله علیه و آله، دعا به هنگام دیدن هلال است. پس

چون هلال ماه رمضان برآمد، برای دیدن هلال، این دعا را که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام وارد شده است، بخوان:

«خداوندا! آن را بر ما و خانواده‌های ما و پیروان و برادران دینی ما وارد کن، با ایمنی و ایمان، با سلامت و اسلام، با نیکی و تقوا، با عافیتی فراگیر، با روزی گسترده و نیکو، با آسایش از گرفتاری، با بسنده کردن به اندکی خواب و با شتافتن به سوی آنچه دوست داری و می‌پسندی؛ و ما را بر آن استوار بدار! خداوندا! ما را در این ماه، برکت بخش و برکت، خیر، یاری، سود و کامیابی آن را روزی ما کن و بدی، زیان، بلا و فتنه‌اش را از ما برگردان! خداوندا! سهم ما را در این ماه از آنچه از روزی، خیر، عافیت، نعمت،

أَوْ رَحْمَةٍ ، فَاجْعَلْ نَصِيبَنَا فِيهِ الْأَكْثَرَ ، وَحَظَّنَا مِنْهُ الْأَوْفَرَ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^١.

٣/٤

الرَّغِيَّةُ دُخُولُ شَهْرِ رَمَضَانَ

أ - أدعية النبي

٢٥٥ . الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ يَقُولُ:
اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ ، اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ
فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ . اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ
رَمَضَانَ ، وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَاتِهِ ، وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا^٢.

٢٥٦ . الدعاء للطبراني عن عائشة: لَمَّا حَضَرَ رَمَضَانُ ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَدْ حَضَرَ
رَمَضَانُ فَمَا أَقُولُ؟ قَالَ: قُولِي:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ؛ فَاعْفُ عَنِّي^٣.

٢٥٧ . الدعاء للطبراني عن عبادة بن الصامت: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُعَلِّمُنَا هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ
إِذَا جَاءَ رَمَضَانُ ، أَنْ يَقُولَ أَحَدُنَا:

اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي رَمَضَانَ ، وَسَلِّمْ رَمَضَانَ لِي ، وَتَسَلِّمْهُ مِنِّي مُتَقَبَّلًا^٤.

١ . المقنعة: ٣١٥، الإقبال: ٦٦/١ نحوه وفيه «ثم قل ما وجدناه في نسخة عتيقة من كتب أصول الشيعة: ربّي وربك الله ربّ العالمين، اللهم صلّ على محمد وآل محمد، وأهلّهُ علينا...».

٢ . الإقبال: ١٣٧/١، بحار الأنوار: ٩٧/١/٣٤٠.

٣ . الدعاء للطبراني: ٩١٥/٢٨٥، كنز العمال: ٨/٥٨٨/٢٤٢٨٢ نقلاً عن ابن النجار.

٤ . ويمكن ضبطها بهذا الشكل: «مُتَقَبَّلًا».

٥ . الدعاء للطبراني: ٩١٢/٢٨٤ وح ٩١٣ عن مكحول، سير أعلام النبلاء: ٥١/١٩، وفيهما «لرمضان» بدل «من

رمضان»، كنز العمال: ٨/٥٨٤/٢٤٢٧٧.

آمرزش و رحمت در آن تقسیم می‌کنی، بیشتر و بهره ما را از آن، سرشارتر بگردان! همانا تو بر هر چیز، توانایی.»

۳/۴

دعای ورود ماه رمضان

الف - دعاهای پیامبر ﷺ

۲۵۵. امام صادق علیه السلام: چون ماه رمضان وارد می‌شد، پیامبر خدا می‌فرمود:

«خداوندا! ماه رمضان وارد شد. خداوندا! ای پروردگار ماه رمضان؛ ماهی که در آن قرآن را فرو فرستادی و آن را نشانه‌هایی روشن از هدایت و فرقان قرار دادی! خداوندا! در ماه رمضان برای ما برکت قرار بده و ما را بر روزه‌داری و نماز آن یاری کن و آن را از ما بپذیر!»

۲۵۶. الدعاء طبرانی - به نقل از عایشه -: چون ماه رمضان فرا رسید، گفتم: ای پیامبر خدا! ماه رمضان رسید. چه بگویم؟

فرمود: «بگو:

«خداوندا! تو بخشایشگری و گذشت را دوست می‌داری. پس، از من در گذر!»»

۲۵۷. الدعاء طبرانی - به نقل از عبادة بن صامت -: چون [ماه] رمضان می‌آمد، پیامبر

خدا به ما یاد می‌داد که هر کدام از ما این کلمات را بگوییم:

«خداوندا! مرا از رمضان، سلامت بدار و رمضان را برای من، سلامت بدار و آن را در حالی که از من پذیرفته‌ای، دریافت کن!»

ب - دُعاء الإمام زين العابدين

٢٥٨ . الإمام زين العابدين (ع) - في دُعائه إذا دخل شهر رمضان :-

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ ، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ ؛ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنْ
الشَّاكِرِينَ ، وَلِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ .

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ ، وَاخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ ، وَسَبَّلَنَا فِي سُبُلِ
إِحْسَانِهِ ، لِنَسْلُكَهَا بِمَنْتِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ ؛ حَمْدًا يَتَقَبَّلُهُ مِنَّا ، وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا .

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ رَمَضَانَ ؛ شَهْرَ الصَّيَامِ ،
وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ ، وَشَهْرَ الطَّهْوَرِ ، وَشَهْرَ التَّمْحِيصِ ، وَشَهْرَ الْقِيَامِ (الَّذِي
أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ) .^١

فَأَبَانَ فَضِيلَتَهُ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرُمَاتِ الْمَوْفُورَةِ
وَالْقَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ ، فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ إِعْظَامًا ، وَحَجَرَ فِيهِ
الْمَطَاعِمَ وَالْمَشَارِبَ إِكْرَامًا ، وَجَعَلَ لَهُ وَقْتًا بَيْنًا ؛ لَا يُجِزُّ - جَلَّ وَعَزَّ - أَنْ
يُقَدَّمَ قَبْلَهُ ، وَلَا يَقْبَلُ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ .

ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ ، وَسَمَّاها لَيْلَةَ الْقَدْرِ
«تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»^٢ ، سَلَامٌ دَائِمٌ
الْبَرَكَةِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ ، وَإِجْلَالَ حُرْمَتِهِ ،
وَالْتَحَفُظَ مِمَّا حَظَرْتَ فِيهِ ، وَأَعِزَّنَا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ
مَعَاصِيكَ ، وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ ؛ حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ ،
وَلَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ ، وَحَتَّى لَا تَبْسُطَ أَيْدِينَا إِلَى مَحْظُورٍ ، وَلَا نَخْطُو

١ . البقرة : ١٨٥ .

٢ . القدر : ٢ .

ب - دعای امام سجّاد علیه السلام

۲۵۸. امام سجّاد علیه السلام - در دعای خویش، آن گاه که ماه رمضان وارد می شد - : سپاس، خدایی را که ما را به حمد خویش راه نمود و ما را از ستایشگران خود قرار داد تا از سپاس گزاران نعمتش باشیم و برای آن، به ما پاداش نیکوکاران را بدهد. ستایش، خدایی را که دینش را به ما ارزانی داشت و ما را ویژه آیین خود ساخت و ما را در راههای احسان خویش راهی ساخت تا با منت او آن را به سوی رضایتش بیوییم؛ ستایشی که از ما بپذیرد و آن را از ما بپسندد. و ستایش، برای خدایی است که یکی از آن راهها را، ماه خودش رمضان قرار داد، ماه روزه داری، ماه اسلام، ماه پاک کننده، ماه آزمون و پاکی، و ماه عبادت «که در آن قرآن نازل شده است، برای هدایت مردم و نشانه هایی روشن از هدایت و فرقان».

پس، برتری آن را بر ماه های دیگر، با احترام های فراوان و برتری های مشهور، روشن ساخت. پس، از روی بزرگداشت، آنچه را در غیر این ماه، حلال ساخته بود، در این ماه، حرام کرد، و از روی گرامیداشت، در آن از خوردنی ها و آشامیدنی ها بر حذر داشت و برای آن، وقتی روشن قرار داد، بی آن که اجازه دهد که از آن پیش افتند و نه می پذیرد که از آن، تأخیر اندازند. سپس یکی از شب های آن را بر شب های هزار ماه، برتری بخشید و آن را «شب قدر» نامید که «فرشتگان و «روح» در آن شب، با اذن پروردگارشان برای هر کاری فرود می آیند»؛ شبی سلامت با برکت پیوسته تا صبح دم، برای هر کس از بندگان که بخواهد، با هر حکم مسلمی که تقدیر کرده باشد. خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و شناخت فضیلتش، بزرگداشت احترامش و پرهیز (از آنچه بر حذرمان داشته ای) را به ما الهام کن و ما را با نگه داشتن اعضا از نافرمانی تو و به کارگیری آنها در این ماه بر آنچه خشنودت می سازد، بر روزه داری آن یاری کن تا با گوش هایمان به آنچه بیهوده است، گوش نسپاریم و با چشم هایمان شتابان به بازیچه ننگریم و دستانمان را به آنچه ممنوع است، نگشاییم و با گام هایمان به سوی حرام، راه

بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ ، وَحَتَّى لَا تَعَيَّ بُطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَّتْ ، وَلَا تَنْطِقَ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَثَّلَتْ ، وَلَا تَتَكَلَّفَ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ ، وَلَا تَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِي يَبْقَى مِنْ عِقَابِكَ ، ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِبَاءِ الْمُرَائِينَ ، وَسُمْعَةِ الْمُسْمِعِينَ ، لَا تُشْرِكْ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ ، وَلَا تَبْتَغِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاقِفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمِيسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ ، وَفُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ ، وَوُظَائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتَ ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ ، وَأَنْزِلْنَا فِيهَا مَنَزِلَةَ الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا ؛ الْحَافِظِينَ لِأَرْكَانِهَا ؛ الْمُؤَذِّنِينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا ، عَلَى مَا سَنَّهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا ، عَلَى أَتَمِّ الطُّهُورِ وَأَسْبَغِهِ ، وَأَيِّتِنِ الْخُشُوعَ وَأَبْلَغِهِ .

وَوَقِّفْنَا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ ، وَأَنْ نَتَعَاهدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ ، وَأَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّيَبَاتِ ، وَأَنْ نُطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّرَكَوَاتِ .

وَأَنْ نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا ، وَأَنْ نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنَا ، وَأَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا ، حَاشَا مَنْ عَوْدِي فِيكَ وَلَكَ ؛ فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا ثَوَالِيَهُ ، وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا نُصَافِيَهُ .

وَأَنْ نَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الزَّائِكَةِ بِمَا تُطَهِّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَتَعْصِمُنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ ؛ حَتَّى لَا يُوْرِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ ، وَأَنْوَاعِ الْقُرْبَةِ إِلَيْكَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الشَّهْرِ ، وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ - مِنْ مَلِكٍ قَرَّبْتَهُ ، أَوْ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ ، أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ

نپوئیم و شکم‌هایمان جز آنچه را حلال کرده‌ای، در بر نگیرد و زبان‌هایمان، جز آنچه را تو فرموده‌ای، نگوید و جز در آنچه به ثوابت نزدیکمان می‌سازد، نکوشیم و جز به آنچه از کيفرت نگه‌مان می‌دارد، نپردازیم! آن گاه همه اینها را پیراسته از ریای ریاکاران و آوازه‌جویی آوازه‌جویان قرار بده تا کسی را شریک تو نگیریم و خواسته‌ای جز تو در این ماه نجوئیم!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و در این ماه، ما را بر اوقات نمازهای پنجگانه آگاهی ده، با آن حدودی که خود مشخص کرده‌ای و واجباتی که لازم نموده‌ای و تکالیفی که به آنها موظف ساخته‌ای و اوقاتی که تعیین کرده‌ای! ما را در این ماه در مرتبه‌ی کسانی فرود آر که به مراتب آن رسیده و ارکان آن را نگهبان‌اند و آنها را در اوقاتش انجام می‌دهند، آن گونه که بنده‌ات و فرستاده‌ات - که درود تو بر او و خاندانش باد - در رکوع و سجود و همه‌آدابش، سنت نهاده‌است، با کامل‌ترین وضو و روشن‌ترین و رساترین خشوع! ما را در این ماه، توفیق ده که به خویشانمان نیکی و احسان کنیم و با بخشش و عطا، به همسایگانمان رسیدگی کنیم و اموال خویش را از حقوق دیگران جدا سازیم و با پرداخت زکات، آنها را پاک کنیم و با کسی که از ما بریده، بپیوندیم و با هر که بر ما ستم کرده، انصاف داشته باشیم و با هر که با ما دشمنی کرده، آشتی کنیم، جز با آن که در راه تو و برای تو با او دشمنی می‌شود؛ چرا که او دشمنی است که هرگز با او دوستی نمی‌کنیم و از حزبی است که هرگز با آن، دل صاف نمی‌کنیم.

و [توفیق ده که] در این ماه با کارهای پاکی که ما را به سبب آنها از گناهان، پاک می‌کنی، به تو نزدیک شویم و ما را در آن، از این که عیب‌ها را از سر بگیریم، نگاه داری، تا این که هیچ یک از فرشتگانت جز کمتر از آنچه از ابواب طاعت انجام می‌دهیم و انواع تقرب‌ها که به درگاهت می‌جوئیم، به درگاهت نیاورد.

خداوندا! از تو می‌خواهم، به حق این ماه و به حق هر کس که تو را در آن، از آغاز تا انجامش، عبادت کرده، از فرشته‌ای که مقرب داشته‌ای یا پیامبری که فرستاده‌ای و یا بنده شایسته‌ای که او را برگزیده‌ای، که بر محمد و

اِخْتَصَصْتَهُ - أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَهْلُنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ
مِنْ كَرَامَتِكَ ، وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَةِ فِي طَاعَتِكَ ،
وَاجْعَلْنَا فِي نَظْمٍ مَنِ اسْتَحَقَّ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى بِرَحْمَتِكَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَجَنِّبْنَا الْإِلْحَادَ فِي تَوْحِيدِكَ ، وَالتَّقْصِيرَ
فِي تَعْبِيدِكَ ، وَالشُّكَّ فِي دِينِكَ ، وَالْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ ، وَالْإِغْفَالَ
لِحُرْمَتِكَ ، وَالْإِنْخِدَاعَ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي شَهْرِنَا
هَذَا رِقَابٌ يُعْتَقُّهَا عَفْوُكَ أَوْ يَهَبُهَا صَفْحُكَ ، فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ
الرَّقَابِ ، وَاجْعَلْنَا لِشَهْرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَامْحَقْ ذُنُوبَنَا مَعَ امْتِحَاقِ هِلَالِهِ ، وَاسْلَخْ
عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْسِلَاحِ أَيَّامِهِ ؛ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا وَقَدْ صَفَّقْتَنَا فِيهِ مِنْ
الْخَطِيئَاتِ وَأَخْلَصْتَنَا فِيهِ مِنَ الشَّيْئَاتِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَإِنْ مِلْنَا فِيهِ فَعَدَّلْنَا ، وَإِنْ زَغْنَا فِيهِ
فَقَوَّمْنَا ، وَإِنْ اشْتَمَلَ عَلَيْنَا عَدُوُّكَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ .

اللَّهُمَّ اشْحَنُ عِبَادَتَنَا إِيَّاكَ ، وَزَيِّنْ أَوْقَاتَهُ بِطَاعَتِنَا لَكَ ، وَأَعِنَّا فِي
نَهَارِهِ عَلَى صِيَامِهِ ، وَفِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَيْكَ ، وَالْخُشُوعِ لَكَ
وَالذَّلَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ ؛ حَتَّى لَا يَشْهَدَ نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ ، وَلَا لَيْلُهُ بِتَفْرِيطٍ .

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَّرْتَنَا ، وَاجْعَلْنَا مِنْ
عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ «الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^١ ،
«وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ»^٢ ،

١. المؤمنون : ١١ .

٢. المؤمنون : ٦٠ .

خاندانش درود فرستی و ما را در آن، شایسته کرامتی سازی که به دوستان خود وعده داده‌ای و آنچه را برای کوشایان در طاعتت مقرر ساخته‌ای، برای ما هم قرار دهی و ما را در زمره آنانی قرار دهی که با رحمت، والاترین مرتبه بهشت را لایق گشته‌اند.

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از انحراف در یکتایی‌ات، کوتاهی در بزرگداشت، شک در دینت، کوری به راهت، غفلت از احترامت و فریب خوردن از دشمنت، شیطان رانده‌شده، دور بدار!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و اگر در هر شبی از شب‌های این ماه ما، عفو تو کسانی را آزاد می‌کند یا گذشت تو آنان را می‌بخشاید، ما را هم از آن آزادشدگان قرار بده و ما را از بهترین یاران و اهل این ماه قرار بده! خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و با ناپدید شدن هلال این ماه، گناهان ما را محو کن و با پایان یافتن روزهای آن، پیامدهای گناهان ما را به پایان بر، تا در حالی این ماه از ما بگذرد که از گناهان، پاکمان ساخته و از بدی‌ها جدایمان کرده‌ای!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و اگر در آن به انحراف رفتیم، راستمان کن و اگر کج رفتیم، برپایمان دار و اگر دشمنت (شیطان)، ما را احاطه کرد، از چنگ او رهایمان ساز!

خداوندا! این ماه را آکنده از پرستش خودت گردان و اوقاتش را با فرمان‌برداری ما از تو بیارای و ما را در روزش بر روزه‌داری، و در شبش بر نماز و نالیدن به درگاهت و خشوع برایت و خاکساری در پیشگاهت یاری کن تا روز آن، بر غفلت ما، و شبش به کوتاهی ما گواهی ندهد!

خداوندا! در ماه‌ها و روزهای دیگر نیز تا زنده‌ایم، ما را چنین قرار بده و ما را از بندگان شایسته خود قرار بده؛ «آنان که بهشت را به میراث می‌برند و در آن جاویدان‌اند» و «آنان که هر چه انجام می‌دهند، در حالی است که دل‌هایشان هراسان است که به سوی پروردگارشان باز می‌گردند» و آنان

وَمِنَ الَّذِينَ «يُسْرِعُونَ فِي الْحَيَازِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ»^١.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَكُلِّ أَوَانٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ ،
 عَدَدَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ ، وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهِ بِالْأَضْعَافِ الَّتِي لَا
 يُحْصِيهَا غَيْرُكَ ، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ^٢.

ج - أدعية الإمام الصادق

٢٥٩ . الإمام الصادق عليه السلام : إِذَا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَقُلْ :

اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ ، وَأَنْزَلْتَ فِيهِ
 الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ . اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ ،
 اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنَّا ، وَسَلِّمْنَا فِيهِ وَتَسَلِّمُهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ ، إِنَّكَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^٣.

٢٦٠ . الإقبال : دعاء آخر إن دعوت به أوَّل ليلة في شهر الصيام فقدم لفظ : «لَيْلَتِي
 هَذِهِ» عَلَى «يَوْمِي هَذَا» ، وَإِنْ دَعَوْتَ بِهِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنَ الشَّهْرِ فَادْعُ بِاللَّفْظَةِ
 الَّتِي يَأْتِي فِيهِ ، وَالَّذِي رَجَحَ فِي خَاطِرِي أَنَّ الدَّعَاءَ بِهِ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْهُ .
 رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعَكَبَرِيِّ ، بِإِسْنَادِهِ إِلَى
 أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ : يَقُولُ عِنْدَ حُضُورِ شَهْرِ رَمَضَانَ :

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الْمُبَارَكُ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ
 هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ قَدْ حَضَرَ ، فَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمْنَا لَنَا

١ . المؤمنون : ٦١ .

٢ . الصحيفة السجادية : ١٦٥ الدعاء ٤٤ ، مصباح المتعبد : ٦٠٧ / ٦٩٥ ، الإقبال : ١ / ١١١ كلاهما نحوه .

٣ . الكافي : ٣ / ٧٤ / ٥ ، تفسير العياشي : ١ / ٨٠ / ١٨٣ كلاهما عن أبي بصير ، المقنع : ١٨٥ ، المقنعة : ٣١٥ من
 دون إسناد إلى المعصوم ، الإقبال : ١ / ١٤٦ وفيه «...اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ ،
 وَتَقَبَّلْهُ ...» بحار الأنوار : ٩٦ / ٣٨٣ / ٢ .

که «در انجام دادن نیکی‌ها می‌شتابند و پشیمان در خیرات‌اند». خداوندا! بز محمد و خاندانش، هر لحظه و هر زمان و هر حال درود فرست، به شمار همه آنان که برایشان درود فرستاده‌ای و چندین برابر همه آنها، که شمارش را جز تو نمی‌داند! همانا تو هر چه خواهی، می‌کنی.

ج - دعاهای امام صادق علیه السلام

۲۵۹. امام صادق علیه السلام: هر گاه ماه رمضان رسید، بگو:

«خداوندا! ماه رمضان فرا رسید، که روزه‌داری‌اش را بر ما واجب ساخته‌ای و در آن قرآن را فرو فرستاده‌ای، تا هدایتگر مردم باشد و نشانه‌هایی روشن از هدایت و فرقان. خداوندا! بر روزه‌داری آن یاری‌مان کن و آن را از ما بپذیر و ما را در آن، سلامت بدار و آن را همراه آسانی و عافیت، از ما دریافت کن! همانا تو بر هر چیز توانایی، ای مهربان‌ترین مهربانان!»

۲۶۰. الإقبال [سید ابن طاووس گوید]: دعای دیگری است که اگر در شب اول ماه روزه خواندی، لفظ «امشبم» را بر «امروزم» مقدم بدار و اگر در نخستین روز از ماه خواندی، به همان لفظی بخوان که در دعا آمده است. آنچه در نظر من برتر است، این است که این دعا در اولین روز ماه رمضان خوانده شود. این دعا را با سند خود به ابو محمد هارون بن موسی تلکبری و با سندش به امام صادق علیه السلام، روایت کرده‌ایم که فرمود: «چون ماه رمضان فرا رسد، می‌گویی:

خداوندا! این ماه مبارک رمضان، که در آن قرآن را فرو فرستاده‌ای و آن را مایه هدایت مردم و نشانه‌هایی روشن از هدایت و فرقان قرار داده‌ای، فرا رسیده است. پس، ما را در آن و آن را برای ما سلامت بدار و آن را همراه با آسانی و عافیت از سوی خودت، از ما دریافت کن!

وَتَسَلِّمُهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ .

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَنْ تَغْفِرَ لِي فِي شَهْرِي هَذَا ، وَتَرْحَمَنِي فِيهِ ، وَتُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ، وَتُعْطِيَنِي فِيهِ خَيْرَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ ، وَخَيْرَ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمَّتُهُ لَكَ مُنْذُ أَسْكَنْتَنِي أَرْضَكَ إِلَى يَوْمِي هَذَا ، وَاجْعَلْهُ عَلَيَّ أَتَمَّةً نِعْمَةً ، وَأَعَمَّةً عَافِيَةً ، وَأَوْسَعَةً رِزْقًا ، وَأَجْرَلَةً وَأَهْنَأَةً .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ الْعَظِيمِ ، أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هَذَا ، أَوْ يَنْقُضِيَ بَقِيَّةُ هَذَا الْيَوْمِ ، أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ ، أَوْ يَخْرُجَ هَذَا الشَّهْرُ ، وَلَكَ قِبَلِي مَعَهُ تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِذَلِكَ ، أَوْ تُؤَاخِذَنِي بِهِ ، أَوْ تَقْفَنِي بِهِ مَوْقِفَ خِزْيٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، أَوْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقَاكَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِيهِمْ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ ، وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ ، وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ ، وَلِرَغْبَةٍ لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِكَ ، وَلِحَاجَةٍ لَا تُقْضَى دُونَكَ .

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ مَسْأَلَتِكَ ، وَرَحِمْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ سَيِّدِي الْإِجَابَةُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ ، وَالتَّجَاؤُ لِي فِيمَا قَدْ فَرَعْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافْتَحْ لِي مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا لَا تُفْقِرُنِي بَعْدَهُ إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ أَبَدًا ، تَزِيدُنِي بِذَلِكَ لَكَ شُكْرًا ، وَإِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا ، وَبِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ غِنًى وَتَعَفُّفًا .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَكُونَ جَزَاءَ إِحْسَانِكَ الْإِسَاءَةَ مِنِّي .

خداوندا! از تو می‌خواهم که در این ماه، مرا بیامرزی و بر من رحمت آوری و از آتش برهانی و بهترین چیزی که به هر یک از آفریدگانت داده‌ای و خواهی داد، به من هم بدهی، و از وقتی که مرا در زمین خود جای داده‌ای تا امروز، آن را آخرین ماه رمضانی قرار مدهی که برایت روزه گرفته‌ام. آن را برای من پر نعمت‌ترین، با عافیت‌ترین، پر روزی‌ترین، سرشارترین و گواراترین ماه، قرار بده!

خداوندا! به تو و وجود بزرگوار و فرمان‌روایی بزرگت پناه می‌برم. مبادا خورشید، امروز غروب کند، یا بقیه این روز سپری شود، یا سپیده این شب طلوع نماید، یا این ماه پایان پذیرد، در حالی که هنوز گناه و خطای نبخشوده‌ای داشته باشم که می‌خواهی مرا به سبب آن، مورد سختگیری و مؤاخذه قرار دهی، یا مرا در دنیا و آخرت در جایگاه خواری نگه داری و یا در روزی که دیدارت می‌کنم، به سبب آن عذابم کنی، ای مهربان‌ترین مهربانان! خداوندا! تو را می‌خوانم، برای اندوهی که جز تو آن را نمی‌زداید و برای رحمتی که جز به تو به دست نمی‌آید و برای غم جانکاهی که جز تو آن را برطرف نمی‌سازد و برای خواسته‌ای که جز به تو نمی‌توان به آن رسید و برای نیازی که جز با تو بر نمی‌آید.

خداوندا! همان گونه که از شأن تو بود که از من خواستی تا از درگاه تو بخواهم و از رحمت تو بود که تو را یاد کنم، - سرورم! - این نیز از شأن تو باشد که دعایم را اجابت کنی و از آنچه به درگاه تو نالیدم، نجاتم بخشی.

خداوندا! بر محمد و دودمان محمد درود فرست و از گنجینه‌های رحمت خویش بر من چنان رحمتی بگشای که پس از آن هرگز در دنیا و آخرت عذابم نکنی، و از نعمت گسترده‌ات چنان روزی حلال و پاکیزه‌ای روزی‌ام کن که پس از آن به کسی جز تو نیازمندم نسازی و به سبب آن بر سپاس‌گزاری‌ام برایت بیفزایی و نیازمندی مرا به خودت بیشتر کنی و از غیر خودت بی‌نیازتر و عفیف‌ترم گردانی!

خدایا! پناه می‌برم به تو از این که پاداش نیکی‌ات از سوی من، بدی باشد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَصْلِحَ عَمَلِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ النَّاسِ ، وَأُفْسِدَهُ
فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تُحَوِّلَ سِرِّيَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ، أَوْ تَكُونَ مُخَالِفَةً
لِطَاعَتِكَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ آثَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ .
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعْمَلَ مِنْ طَاعَتِكَ قَلِيلاً أَوْ كَثِيراً أُرِيدُ بِهِ أَحْداً
غَيْرَكَ ، أَوْ أَعْمَلَ عَمَلاً يُخَالِفُهُ رِياءٌ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوًى يُرْدِي مَنْ يَرْكَبُهُ .
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَجْعَلَ شَيْئاً مِنْ شُكْرِي فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ
لِغَيْرِكَ ؛ أَطْلُبُ بِهِ رِضا خَلْقِكَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَعَدَّى حَدُودَكَ ؛ أَتَزَيِّنُ بِذَلِكَ لِلنَّاسِ ،
وَأُرَكِّنُ بِهِ إِلَى الدُّنْيَا .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ ،
وَأَعُوذُ بِطَاعَتِكَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ ، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ ،
لَا أَحْصِي الثَّنَاءَ عَلَيْكَ وَلَوْ حَرَصْتُ ، وَأَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ ،
سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ مَظَالِمَ كَثِيرَةٍ لِعِبَادِكَ عِنْدِي ، فَأَيُّمَا
عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ أَوْ أَمَةٍ مِنْ إِمَائِكَ كَانَتْ لَهُ قِبَلِي مَظْلَمَةٌ ظَلَمْتُهُ إِيَّاهَا فِي مَالِهِ
أَوْ بَدَنِهِ أَوْ عِرْضِهِ لَا أَسْتَطِيعُ أَدَاءَ ذَلِكَ إِلَيْهِ وَلَا أَتَحَلَّلُهَا مِنْهُ ، فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَرْضِهِ أَنْتَ عَنِّي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ ، وَهَبْهَا لِي .
وَمَا تَصْنَعُ يَا سَيِّدِي بِعَذَابِي وَقَدْ وَسَّعْتَ رَحْمَتَكَ كُلَّ شَيْءٍ ؟! وَمَا
عَلَيْكَ يَا رَبِّ أَنْ تُكْرِمَنِي بِرَحْمَتِكَ وَلَا تُهَيِّنَنِي بِعَذَابِكَ ؟! وَلَا يَنْقُصَكَ

خدایا! پناه می‌برم به تو از این که کار میان خودم و مردم را اصلاح کنم؛ ولی کار میان خودم و تو را خراب سازم.

خدایا! پناه می‌برم به تو از این که در نظرم چیزی برتر از اطاعت تو باشد.
 خدایا! پناه می‌برم به تو از این که طاعتی کم یا زیاد را به خاطر کسی جز تو انجام دهم یا کاری آمیخته به ریا انجام دهم.
 خدایا! پناه می‌برم به تو از تسلیم نفس شدن، که هر که مرتکبش شود، هلاکش می‌سازد.

خدایا! پناه می‌برم به تو از این که سپاسم بر نعمتی که به من دادی، برای جز تو باشد و در پی پسند آفریده‌های تو باشم.

خدایا! پناه می‌برم به تو از این که از مرزی از مرزهای فراتر روم، تا بدین سبب، خود را برای مردم بیارایم، یا میل به دنیا داشته باشم.
 خدایا! از کيفرت به بخشایش پناه می‌برم و از خشم به خرسندی‌ات، و از نافرمانی‌ات به طاعتت و از تو به خودت، ثنای ذاتت، بزرگ است. هر چه بخواهم و بکوشم، از عهده ثنای تو بر نمی‌آیم و تو، آن گونه‌ای که خویش را ستوده‌ای، منزهی و با حمد تو ستایش و تسبیح می‌گویم.

خداوندا! به خاطر حقوق بسیاری که از بندگان بر گردن دارم، از تو آمرزش می‌خواهم و به درگاهت توبه می‌کنم. پس، هر بنده‌ای از بندگان و هر کنیزی از کنیزانت که حق بر گردن من دارد و به او در مورد مال و بدن و آبرویش ستم کرده‌ام و یارای ادای حق او و حلالیت‌خواهی از او را ندارم، پس از آن که بر محمد و خاندانش درود می‌فرستی، وی را خودت، با هر چه و به هر شکلی که می‌خواهی، از من راضی ساز و آن حق را بر من ببخش!

سرورم! عذاب مرا می‌خواهی چه کنی؛ تو که رحمت همه چیز را فراگیر است؟ خدایا! چه می‌شود که مرا با رحمت خویش اکرام کنی و با عذابت خوارم نگردانی؟ پروردگارا! اگر آنچه را از تو خواستم، برآوری، چیزی از تو کم

يَا رَبِّ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا سَأَلْتُكَ وَأَنْتَ وَاجِدٌ لِكُلِّ شَيْءٍ !
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ ثَبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ
 فِيهِ ، وَمِمَّا ضَيَّعْتُ مِنْ فَرَائِضِكَ وَأَدَاءِ حَقِّكَ - مِنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ ،
 وَالصَّيَامِ ، وَالْجِهَادِ ، وَالْحَجِّ ، وَالْعُمْرَةِ ، وَإِسْبَاغِ الْوُضُوءِ ، وَالْغُسْلِ مِنْ
 الْجَنَابَةِ ، وَقِيَامِ اللَّيْلِ ، وَكَثْرَةِ الذِّكْرِ ، وَكَفَّارَةِ التَّيْمِينِ ، وَالِاسْتِرْجَاعِ فِي
 الْمَعْصِيَةِ ، وَالصُّدُودِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَصَّرْتُ فِيهِ ؛ مِنْ فَرِيضَةٍ أَوْ سُنَّةٍ - فَإِنِّي
 أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ ، وَمِمَّا رَكِبْتُ مِنَ الْكَبَائِرِ ، وَأَتَيْتُ مِنَ
 الْمَعَاصِي ، وَعَمِلْتُ مِنَ الذُّنُوبِ ، وَاجْتَرَحْتُ مِنَ السَّيِّئَاتِ ، وَأَصَبْتُ مِنَ
 الشَّهَوَاتِ ، وَبَاشَرْتُ مِنَ الْخَطَايَا ، مِمَّا عَمِلْتُهُ مِنْ ذَلِكَ عَمْدًا أَوْ خَطَأً ؛ سِرًّا
 أَوْ عَلَانِيَةً .

فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَمِنْ سَفْكِ الدَّمِ ، وَعُقُوقِ الْوَالِدَيْنِ ، وَقَطْعَةِ
 الرَّحِمِ ، وَالْفَرَارِ مِنَ الزَّحْفِ ، وَقَذْفِ الْمُحَصَّنَاتِ ، وَأَكْلِ أَمْوَالِ الْيَتَامَى
 ظُلْمًا ، وَمُشَاهَدَةِ الزُّورِ ، وَكِتْمَانِ الشَّهَادَةِ ، وَأَنْ أُشْتَرِيَ بِعَهْدِكَ فِي نَفْسِي
 ثَمَنًا قَلِيلًا ، وَأَكْلِ الرُّبَا وَالْغُلُولِ ، وَالسُّحْتِ وَالسَّحْرِ ، وَالْكِتْمَانِ وَالطَّيْرَةِ ،
 وَالشَّرِكِ وَالرِّبَا ، وَالسَّرِقَةِ وَشُرْبِ الْخَمْرِ ، وَنَقْصِ الْمِكْيَالِ وَبَخْسِ
 الْمِيزَانِ ، وَالشَّقَاقِ وَالنِّفَاقِ ، وَنَقْصِ الْعَهْدِ وَالْفِرْيَةِ ، وَالْخِيَانَةِ وَالْغَدْرِ ،
 وَإِخْفَارِ الدِّمَةِ وَالْحَلْفِ ، وَالْغِيْبَةِ وَالنَّمِيمَةِ وَالْبُهْتَانِ ، وَالْهَمْزِ وَاللَّمزِ وَالْتَنَابُزِ
 بِالْأَلْقَابِ ، وَأَذَى الْجَارِ وَدُخُولِ بَيْتِ بَغِيْرٍ إِذْنِ ، وَالْفَخْرِ وَالْكِبَرِ وَالْإِشْرَاكِ
 وَالْإِصْرَارِ وَالِاسْتِكْبَارِ ، وَالْمَشْيِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا ، وَالْجَوْرِ فِي الْحُكْمِ ،
 وَالِاعْتِدَاءِ فِي الْقَضَبِ ، وَرُكُوبِ الْحَمِيَّةِ ، وَتَعْصُدِ الظَّالِمِ ، وَعَوْنِ عَلَى
 الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ، وَقِلَّةِ الْعَدَدِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ^١ ، وَرُكُوبِ الظَّنِّ
 وَاتِّبَاعِ الْهَوَى ، وَالْعَمَلِ بِالشَّهْوَةِ ، وَالْأَمْرِ بِالْمُنْكَرِ ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمَعْرُوفِ ،

١. قلة الأهل والمال ليست من الذنوب كما هو واضح. ومن هنا يحتمل التصحيف في هذه الفقرة ولعل المراد القلة الناشئة عن الذنوب.

نمی‌شود، که تو همه چیز داری.

خداوندا! از تو آمرزش می‌خواهم؛ و از هر گناهی که از آن توبه کردم، اما دوباره مرتکب شدم، به درگاهت توبه می‌کنم؛ و از هر چه از واجبات و ادای حَقِّ تباه کردم، از: نماز و زکات، روزه و جهاد، حج و عمره، وضوی کامل و غسل جنابت، شب‌زنده‌داری و یاد فراوان، کفارهٔ دروغ و بازگشت‌خواهی در گناه و جلوگیری از هر چه در آن کوتاهی کردم، از: واجب و مستحب، از تو آمرزش می‌خواهم و از آن به سویت روی می‌آورم؛ و از هر گناه کبیره و معصیت و بدی‌ای که مرتکب شدم و در پی شهوات رفتم و یا خطا کردم، به عمد یا خطا، نهان و یا آشکار، توبه می‌کنم.

من به درگاهت توبه می‌کنم، از آن [گناه] و نیز از: ریختن خون، نافرمانی پدر و مادر، قطع رَحِم، فرار از میدان جنگ، تهمت زدن به زنان پاک‌دامن، ظالمانه خوردن مال یتیمان، شهادت دروغ دادن، کتمان شهادت، و این که عهد تو را دربارهٔ خودم به بهایی اندک بفروشم، و از: رباخواری، خیانت در غنائم، مال حرام، جادوگری، کتمان، قال بد زدن، شرک، ریا، سرقت، میخواری، کاستن از پیمان، کم‌فروشی، دشمنی، دورویی، پیمان‌شکنی، دروغ بستن، خیانت، نیرنگ زدن، وفا نکردن به پیمان (تعهد) و سوگند، غیبت، سخن‌چینی کردن، تهمت زدن، مسخره کردن با چشم و اشاره، نام بد نهادن بر دیگران، آزردهن همسایه، ورود بی‌اجازه به یک خانه، فخر، تکبر، شرک ورزیدن، اصرار بر گناه، سرکشی کردن، راه رفتن مغرورانه، حکم ظالمانه نمودن، تجاوز از حق به هنگام خشم، تعصب ورزیدن، یاری‌رسانی به ستمگر، کمک کردن به گناه و دشمنی، کاستی شمار خانواده و ثروت و فرزند،^۱ با گمان عملی کردن، در پی هوای نفس بودن، عمل به شهوت، فرمان دادن به منکر، نهی از معروف، تباه‌گری در زمین، انکار حق، به ناحق

۱. آشکار است که کاستی خانواده و دارایی گناه نیست و از این رو احتمال تصحیف در متن می‌رود و شاید مقصود

کاستی‌هایی باشد که در اثر گناه پدید می‌آید.

وَفَسَادٍ فِي الْأَرْضِ ، وَجُحُودِ الْحَقِّ ، وَالْإِدْلَاءِ إِلَى الْحُكَامِ بِغَيْرِ حَقٍّ ،
وَالْمَكْرِ وَالْخَدِيعَةِ ، وَالْبُخْلِ ، وَقَوْلٍ فِيمَا لَا أَعْلَمُ ، وَأَكْلِ الْمَيْتَةِ وَالْدَّمِ وَلَحْمِ
الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ، وَالْحَسَدِ وَالْبَغْيِ وَالِدُّعَاءِ إِلَى الْفَاحِشَةِ .
وَالْتَّسَمَنِي بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ ، وَالْإِعْجَابِ بِالنَّفْسِ ، وَالْمَنِّ بِالْعَطِيَّةِ ،
وَالْإِرْتِكَابِ إِلَى الظُّلْمِ ، وَجُحُودِ الْقُرْآنِ ، وَقَهْرِ الْيَتِيمِ ، وَانْتِهَارِ السَّائِلِ ،
وَالْحِنْتِ فِي الْإِيمَانِ وَكُلِّ يَمِينٍ كَاذِبَةٍ فَاجِرَةٍ ، وَظُلْمِ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي
أَمْوَالِهِمْ وَأَشْعَارِهِمْ وَأَعْرَاضِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ .

وَمَا رَأَاهُ بَصَرِي ، وَسَمِعَهُ سَمْعِي ، وَنَطَقَ بِهِ لِسَانِي ، وَتَسَطَّطَ إِلَيْهِ يَدِي ،
وَنَقَلَتْ إِلَيْهِ قَدَمِي ، وَبَاشَرَهُ جِلْدِي ، وَخَدَّعْتُ بِهِ نَفْسِي مِمَّا هُوَ لَكَ
مَعْصِيَةٌ ، وَكُلَّ يَمِينٍ زَوْرٍ .
وَمِنْ كُلِّ فَاحِشَةٍ وَذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ عَمِلْتُهَا فِي سَوَادِ اللَّيْلِ وَبَيَاضِ
النَّهَارِ ، فِي مَلَأٍ أَوْ خَلَاءٍ ، مِمَّا عَلِمْتُهُ أَوْ لَمْ أَعْلَمْهُ ، ذَكَرْتُهُ أَوْ لَمْ
أَذْكُرْهُ ، سَمِعْتُهُ أَوْ لَمْ أَسْمَعْهُ ، غَضَبْتُكَ فِيهِ رَبِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ ، وَفِيمَا
سِوَاهَا مِنْ حِلٍّ أَوْ حَرَامٍ تَعَدَّيْتُ فِيهِ أَوْ قَصَّرْتُ عَنْهُ ، مُنْذُ يَوْمَ خَلَقْتَنِي
إِلَى أَنْ جَلَسْتُ مَجْلِسِي هَذَا ، فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ ، وَأَنْتَ يَا كَرِيمُ تَوَابُ
رَحِيمٌ .

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْمَحَامِدِ الَّتِي لَا تُحْصَى ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْبَلْ تَوْبَتِي ، وَلَا تُرَدِّدْهَا لِكَثْرَةِ ذُنُوبِي وَمَا أُسْرَفْتُ عَلَى
نَفْسِي ؛ حَتَّى لَا أَرْجِعَ فِي ذَنْبٍ تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ، فَاجْعَلْهَا يَا عَزِيزُ تَوْبَةً
نَصُوحاً صَادِقَةً مَبْرُورَةً لَدَيْكَ مَقْبُولَةً مَرْفُوعَةً عِنْدَكَ ، فِي خَزَائِنِكَ الَّتِي
ذَخَرْتَهَا لِأَوْلِيَائِكَ حِينَ قَبِلْتَهَا مِنْهُمْ وَرَضِيتَ بِهَا عَنْهُمْ .

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ نَفْسُ عَبْدِكَ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

به حاکمان رشوه دادن، مکر نمودن و فریب دادن، بخل ورزیدن، سخن گفتن آن جا که نمی‌دانم، خوردن مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام خدا [هنگام ذبح] بر آن گفته نشده، حسد ورزیدن، ستم کردن، دعوت به فحشا، آرزوی داشتن آنچه خداوند [به دیگری] عطا کرده است،^۱ خودپسندی، منت نهادن به خاطر بخشش، مرتکب ظلم شدن، انکار قرآن، راندن یتیم و نیازمند، شکستن قسم، هر سوگند دروغ و ناروا، ستم کردن به هر یک از بندگان در اموال و موها و آبروها و پوست‌هایشان، و آنچه را چشم دیده و گوش شنیده و زبانم گفته و دستم انجام داده و گامم به سوی آن رفته و پوستم به آن رسیده و هر گناهی که پیش خودم و با خودم گفته‌ام، و از هر سوگند دروغ و از: هر زشتی و گناه و خطایی که کرده‌ام، در تاریکی شب یا روشنائی روز، در جمع یا خلوت، دانسته یا ندانسته، آنچه در یاد دارم یا به یادم نیست، شنیده‌ام یا نشنیده‌ام، در مورد هر آنچه به اندازه چشم بر هم زدنی در آن، پروردگارم را نافرمانی کرده‌ام و در غیر اینها، از حلال یا حرامی که از حق فراتر رفته‌ام یا کوتاه آمده‌ام، از آن روز که مرا آفریده‌ای، تا اینک که در جایگاهم نشسته‌ام؛ پس، من از آن به درگاهت توبه می‌کنم و تو - ای بزرگوارا - توبه‌پذیر و مهربانی.

خداوندا! ای صاحب منت و احسان و خوبی‌های بی‌شمارا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و توبه‌ام را بپذیر و به خاطر فزونی گناهانم و اسرافم بر خویش، توبه‌ام را رد مکن، تا آن که گناهی را که از آن پیش تو توبه کردم، دوباره انجامش ندهم. توبه‌ام را - ای خدای عزیز - توبه‌ای خالصانه، راستین، پذیرفته درگاهت و بالا رفته تا آستانت قرار بده، در آن گنجینه‌های رحمتی که برای دوستانت ذخیره ساخته‌ای، آن گاه که توبه آنان را پذیرفته و از ایشان راضی شده‌ای.

خداوندا! این جان، جان بنده توست. از تو می‌خواهم که بر محمد و

۱. اشاره‌ای است به آیه ۳۲ سوره نساء «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ»، یعنی برتری‌ها و نعمت‌هایی که خداوند به برخی عطا کرده است، نباید موجب برانگیختن آرزوهای دور و دراز و دست نیافتنی و یا کینه و حسادت شود، اگر چه آرزوی داشتن شبیه آنها، بدون لطمه زدن به نعمت دیگران، غبطه و بی‌اشکال است.

مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُحَصِّنَهَا مِنَ الذُّنُوبِ وَتَمْنَعَهَا مِنَ الْخَطَايَا وَتَحَرِّزَهَا مِنَ
السَّيِّئَاتِ ، وَتَجْعَلَهَا فِي حِصْنٍ حَصِينٍ مَنِيْعٍ لَا يَصِلُ إِلَيْهَا ذَنْبٌ وَلَا خَطِيئَةٌ ،
وَلَا يُفْسِدُهَا غَيْبٌ وَلَا مَعْصِيَةٌ ؛ حَتَّى أَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ
وَأَنَا مَسْرُورٌ ، تَغِيْطُنِي مَلَائِكَتُكَ وَأَنْبِيََاؤُكَ وَجَمِيعُ خَلْقِكَ ، وَقَدْ قَبِلْتَنِي
وَجَعَلْتَنِي طَائِعاً طَاهِراً زَاكِياً عِنْدَكَ مِنَ الصَّادِقِينَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَرِفُ لَكَ بِذُنُوبِي ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْهَا
ذُنُوباً لَا تُظْهِرُهَا لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ،
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ .

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مِنْ عَطَائِكَ وَمَنَّكَ وَفَضْلِكَ وَفِي عِلْمِكَ وَقَضَائِكَ أَنْ
تَرْزُقَنِي الثَّوْبَةَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاعْصِمْنِي بَقِيَّةَ عُمْرِي ،
وَأَحْسِنْ مَعُونَتِي فِي الْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى
وَالنَّشَاطِ وَالْفَرَحِ وَالصَّحَّةِ ، حَتَّى أُبْلُغَ فِي عِبَادَتِكَ وَطَاعَتِكَ الَّتِي يَحِقُّ لَكَ
عَلَيَّ رِضَاكَ .

وَأَنْ تَرْزُقَنِي بِرَحْمَتِكَ مَا أَقِيمُ بِهِ حُدُودَ دِينِكَ ، وَحَتَّى أَعْمَلَ فِي ذَلِكَ
بِسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَافْعَلْ ذَلِكَ بِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَشْكُرُ التَّسْبِيحَ وَتَغْفِرُ الْكَثِيرَ ،
وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ - تَقُولُهَا ثَلَاثاً .^١

د - دُعَاءُ الْإِمَامِ الْكَاظِمِ

٢٦١ . الكافي عن علي بن رناب عن الإمام الكاظم عليه السلام : أَدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

خاندان محمد درود فرستی و جانم را از گناهان، نگاه داری و از خطاها باز داری و از بدی‌ها محافظت کنی و آن را در دژی استوار و نفوذناپذیر قرار دهی تا گناه و خطایی به آن نرسد و عیب و عصیانی تباهش نسازد، تا آن که در روز قیامت، در حالی دیدارت کنم که از من خشنودی و من خوش حالم و فرشتگان و پیامبران و همه آفریدگانت بر من رشک می‌برند، آن گاه که مرا پذیرفته‌ای و مرا فرمان‌بردار و پاک، نزد خودت از راستان، قرار داده‌ای!

خداوندا! در پیشگاهت به گناهانم اعتراف می‌کنم. پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گناهانم را چنان گردان که بر هیچ یک از آفریدگانت آشکار نسازی، ای آمرزنده گناهان، ای مهربان‌ترین مهربانان! تو منزهی - ای خداوند - و تو را می‌ستایم. بد کردم و بر خویشتن ستم نمودم؛ پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا پیامرزا همانا تو بخشاینده مهربانی.

خداوندا! اگر از عطا و منت و احسانت چنین است و در علم و تقدیرت، این است که توبه را روزی‌ام کنی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در باقی‌مانده عمرم نگه دار و در تلاش و کوشش و شتاب به سوی آنچه دوست داری و می‌پسندی و در نشاط و شادمانی و تن‌درستی، نیکو یاری‌ام کن تا در بندگی و طاعت تو، آن گونه که شایسته توست، به رضای تو برسم!

می‌خواهم که با رحمت خویش، آنچه را با آن احکام دین تو را بر پا دارم، روزی‌ام کنی و در این راه، به سنت پیامبرت - که درود تو بر او و خاندانش باد - عمل کنم. این را با همه مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب زمین انجام بده! [پس سه بار می‌گویی:] خداوندا! تو کار اندک را سپاس گفته و پاداش می‌دهی و گناه بسیار را می‌آمرزی و تو آمرزنده و مهربانی.

د - دعای امام کاظم علیه السلام

۲۶۱. الکافی - به نقل از علی بن رثاب - : امام کاظم علیه السلام فرمود: «در ماه رمضان در طلوعه ورود سال^۱ این دعا را بخوان» و فرمود: «هر کس این دعا را به خاطر

۱. این سخن دلیلی دیگر بر این است که آغاز سال شرعی، ماه رمضان است (ر.ک: ویژگی‌های ماه رمضان اول سال).

مُسْتَقْبِلِ دُخُولِ السَّنَةِ ، وَذَكَرَ أَنَّهُ مَنْ دَعَا بِهِ مُحْتَسِباً مُخْلِصاً لَمْ تُصِبْهُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فِتْنَةٌ وَلَا آفَةٌ يُضَرُّ بِهَا دِينُهُ وَبَدَنُهُ ، وَوَقَاهُ اللَّهُ - عَزَّ ذِكْرُهُ - شَرَّ مَا يَأْتِي بِهِ تِلْكَ السَّنَةُ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِجَبَرَوْتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ ، يَا نَوْرُ يَا قُدُّوسُ ، يَا أَوَّلَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ يَا بَاقِيَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقَمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نُزُولُ الْبَلَاءِ^١ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحِسُّ غَيْثَ السَّمَاءِ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَوْرِثُ النَّدَمَ ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ ، وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ ، وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ .

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجِبْرِئِيلَ ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ ﷺ وَأَهْلِ بَيْتِهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمَا سَمَّيْتَ يَا عَظِيمُ ، أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ ، وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ بِالْقَلِيلِ

١ . في كتاب من لا يحضره الفقيه والإقبال : «واغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء» .

پاداش الهی و مخلصانه بخواند، در آن سال، فتنه و آفتی که به دین و بدن او زیان برساند، به او نخواهد رسید و خدای متعال، او را از بدی‌های آن سال ننگه می‌دارد:

خداوندا! تو را به آن نامت که هر چیز بدان گردن نهاده است، و به آن رحمت که هر چیز را فرا گرفته است، و به آن قدرت که با آن بر هر چیز غلبه یافته‌ای، و به آن عظمت که هر چیز در برابر آن فروتن است، و به آن توانمندی و شوکتی که بر هر چیز غالب است، و به آن دانشت که بر هر چیز احاطه دارد، می‌خوانم.

ای نور، ای بی‌عیب! ای آغاز قبل از هر چیز و ای ماندگار پس از هر چیز! ای خداوند، ای بخشایشگر، ای خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گناهانی را از من ببخشای که نعمت‌ها را تغییر می‌دهند، و گناهانی را از من بیامرز که دشمنان را چیره می‌سازند، و گناهانی را از من بیامرز که امید را قطع می‌کنند، و گناهانی را از من بیامرز که به سبب آنها بلا نازل می‌شود، و گناهانی را از من بیامرز که باران آسمان را ننگه می‌دارند، و گناهانی را از من بیامرز که پرده را کنار می‌زنند، و گناهانی را از من بیامرز که نابودی را نزدیک می‌سازند، و گناهانی را از من بیامرز که پشیمانی را به همراه می‌آورند، و گناهانی را از من بیامرز که رشته‌های پیوند (با تو را) می‌برند، و مرا از آن زره محکم خویش، که آسیبی به آن نمی‌رسد، بپوشان و در باقی‌مانده این سال، مرا از شر آنچه شب و روز از آن حذر می‌کنم، ایمن گردان!

خداوندا! ای پروردگار آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه در آنها و میان آنهاست! ای پروردگار عرش بزرگ! ای پروردگار سوره حمد و قرآن بزرگ! ای پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل! و ای پروردگار محمد ﷺ - آن که سرور رسولان و آخر پیامبران است - و خاندانش!

به حق خودت و به آنچه نامیده‌ای - ای بزرگ! ای تویی که نعمت بزرگ عطا می‌کنی و هر بدی را باز می‌داری و هر پاداش فراوانی را عطا می‌کنی و

وَالْكَثِيرُ^١ وَتَفَعَّلْ مَا تَشَاءُ ، يَا قَدِيرُ يَا اللَّهُ ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ، وَالْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ هَذِهِ السَّنَةِ سِتْرَكَ ، وَنَضْرُ وَجْهِي بِنُورِكَ ، وَأُحِبَّنِي^٢ بِمَحَبَّتِكَ ، وَبَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ وَجَزِيلَ عَطَائِكَ مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطٍ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ ، وَالْبِسْنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَتَكَ ، يَا مُوَضِّعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى ، وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ كُلِّ مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ ، تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَفِطْرَتِهِ ، وَعَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ ، وَعَلَى خَيْرِ وَفَاءٍ فَتَوَفَّنِي ؛ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ .

اللَّهُمَّ وَجِّنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ ، وَاجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ عَافِيَتِهِ وَأَخَافُ مَقْتِكَ إِيَّايَ عَلَيْهِ ، حَذَرًا أَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَاسْتَوْجِبْ بِهِ نَقْصًا مِنْ حَظِّي لِي عِنْدَكَ ، يَا زَوْوَفُ يَا رَحِيمُ .
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ هَذِهِ السَّنَةِ فِي حِفْظِكَ وَجِوَارِكَ وَكَنْفِكَ ، وَجَلِّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ ، وَهَبْ لِي كَرَامَتَكَ ، عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاءُ وَجْهَكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ .

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعًا لِصَالِحٍ مِنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَالْحَقْنِي بِهِمْ ، وَاجْعَلْنِي مُسْلِمًا لِمَنْ قَالَ بِالصَّدَقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي أَنْ تُحِيطَ بِهِ خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَتَبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي ، فَتَحُولَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ ، فَأَكُونَ مَنَسِيًّا عِنْدَكَ ، مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ .

١. في التهذيب: «وتضاعف من الحسنات بالقليل وبالكثر» وفي الفقيه «وتضاعف من الحسنات الكثير بالقليل» .

٢. في تهذيب الأحكام: «وأحِبَّنِي» .

حسنات را چند برابر می‌کنی و در برابر کار کم پاداش فراوان می‌دهی^۱ و آنچه می‌خواهی، می‌کنی! ای توانا، ای خداوند! ای بخشایشگر، ای مهربان! - از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در باقی‌مانده این سال، پوشش خود را بر من بپوشانی و با فروغ خود، چهره‌ام را طراوت بخشی و با محبت خویش دوستم بداری و مرا به رضوان و کرامت ارجمند خود و پاداش فراوانت (از خیر آنچه پیش توست و از خیر آنچه به هر یک از بندگان می‌دهی) برسانی و افزون بر اینها عافیت خود را بر من بپوشانی.

ای جایگاه هر شکوه، ای گواه هر نجوا، ای دانای هر نهان! ای برگرداننده هر بلایی که بخواهی، ای نیکوبخشایش، ای نیک‌گذشت! مرا بر آیین و سرشت ابراهیم و بر دین و سنت محمد و با بهترین مرگ، بمیران، در حالی که دوستدار دوستان و دشمن دشمنانت باشم!

خداوند! در این سال، مرا از هر کار و سخن و رفتاری که از تو دور می‌کند، دور بدار، و در این سال، مرا به هر کار و سخن و رفتاری که به تو نزدیک می‌سازد، بگمار - ای مهربان‌ترین مهربانان - و مرا از هر کار و سخن و رفتاری که از من سرزند و از زیان فرجامش بیم داشته باشم و از خشم بر خود بترسم، باز دار، مبادا که روی عنایت را از من برگردانی و من مستوجب کاهش بهره‌ام از نزد تو گردم، ای خیرخواه، ای مهربان!

خداوند! در باقی‌مانده این سال، مرا در حفظ، جوار و پناه خود قرار بده و با پوشش عافیت مرا بپوشان و کرامت را بر من ارزانی دار، ای که پناهت استوار و ثنای ذاتت باشکوه است و معبودی جز تو نیست!

خداوند! مرا پیرو دوستان شایسته‌ات که در گذشته‌اند، قرار بده و مرا به آنان ملحق ساز و مرا پذیرای کسی قرار بده که از طرف آنان بر تو راست گفته است! و به تو پناه می‌برم - ای خدا - از این که خطا و ظلم و اسرافم بر خود و پیروی از هوای نفسم و پرداختن به خواسته‌های دلم مرا فراگیرد و این، میان من و رحمت و رضای تو فاصله اندازد و نزد تو از فراموش‌شدگان، و در معرض خشم و عقوبت باشم.

۱. ترجمه را مطابق با متن «کتاب من لایحضره الفقیه» آوردیم که درست‌تر نشان می‌دهد.

اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَاهُ بِهٖ عَنِّي، وَقَرِّبْنِي بِهٖ إِلَيْكَ زُلْفَى.
 اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا ﷺ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ
 غَمَّهُ وَصَدَّقْتَهُ وَعَدَّكَ وَأَنْجَزْتَ لَهُ مَوْعِدَكَ بِعَهْدِكَ، اللَّهُمَّ بِذَلِكَ فَكَفِنِي
 هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ وَأَفَاتِهَا وَأَسْقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا وَشُرُورَهَا وَأَحْزَانَهَا وَضِيقَ
 الْمَعَاشِ فِيهَا، وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتِمَامِ دَوَامِ الْعَافِيَةِ وَالْثَعْمَةِ
 عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَاعْتَرَفَ، وَأَسْأَلُكَ
 أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرْتَهَا حَفَظْتُكَ وَأَحْصَتْهَا كِرَامُ
 مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ، وَأَنْ تَعْصِمَنِي إِلَهِي مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُثْرِي إِلَى
 مُنْتَهَى أَجَلِي، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
 وَآتِنِي كُلَّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ؛ فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالدُّعَاءِ وَتَكَلَّمْتَ
 لِي بِالْإِجَابَةِ.^١

مرکز تحقیقات کتب ویراسته‌های اسلامی

هـ- دُعَاءُ الْإِمَامِ الْجَوَادِ

۲۶۲. الإقبال عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني: صَلَّى أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ
 الرُّضَا ﷺ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ فِي لَيْلَةٍ رَأَى فِيهَا هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ
 الصَّلَاةِ وَنَوَى الصِّيَامَ رَفَعَ يَدَيْهِ فَقَالَ:

اللَّهُمَّ، يَا مَنْ يَمْلِكُ التَّدْبِيرَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ
 الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتُجِنُّ الضُّمِيرُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، اللَّهُمَّ
 اجْعَلْنَا مِمَّنْ نَوَى فَعَمِلَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِمَّنْ شَقِيَ فَكَسِلَ، وَلَا مِمَّنْ هُوَ عَلَى
 غَيْرِ عَمَلٍ يَتَكَلَّمُ، اللَّهُمَّ صَحِّحْ أَبْدَانَنَا مِنَ الْعِلَلِ، وَأَعِزَّنَا عَلَى مَا افْتَرَضْتَ
 عَلَيْنَا مِنَ الْعَمَلِ، حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا شَهْرُكَ هَذَا وَقَدْ أَذَيْنَا مَفْرُوضَكَ فِيهِ

١. الكافي: ٣/٧٢/٤، تهذيب الأحكام: ٣/١٠٦/٢٦٦، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٠٢/٢/١٨٤٨.

المقنعة: ٣٢٠، الإقبال: ١/١١٥، بحار الأنوار: ٩٧/٢٣٤١/٢.

خداوندا! مرا به هر کار شایسته‌ای که تو را از من خرسند می‌سازد، موفق
بدار و مرتبه‌ام را به خودت نزدیک گردان!

خداوندا! آن سان که پیامبرت محمد را از بیم دشمنش کفایت کردی و
برای اندوهش گشایش ایجاد کردی و غصه‌اش را برطرف ساختی و وعده‌ات را
برای او محقق نمودی و به عهد و پیمان با او وفا کردی - خدایا - به حق این
بزرگواری‌ات، مرا هم در این سال، از هراس و آفت‌ها و بیماری‌ها و فتنه‌ها و
بدی‌ها و اندوه‌ها و تنگناهای زندگی، کفایت کن و مرا با رحمت خویش، به
عافیت کامل و دوام عافیت و نعمت در نزد تو پایان عمرم برسان!

از تو می‌خواهم، خواستن آن که بد کرده و ستم کرده و اعتراف نموده
است. از تو می‌خواهم که گناهان گذشته‌ام را که مراقبان و فرشتگان بزرگوار
بر من بر شمرده‌اند، ببخشایی و مرا تا آخر عمرم از گناهان ننگه داری. ای
خدا، ای مهربان! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و هر چه را از تو
خواستم و در درگاهت به آن اظهار علاقه کردم، عطایم کن! همانا تو مرا به دعا
فرمان داده‌ای و عهده‌دار اجابت گشته‌ای».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

هـ - دعای امام جواد (ع)

۲۶۲. الإقبال - به نقل از عبدالعظیم حسنی - : امام جواد (ع) در شبی که هلال ماه
رمضان را دید، نماز مغرب را خواند و پس از پایان نماز، چون نیت روزه کرد،
دست برداشت و چنین گفت:

«خداوندا! ای آن که مالک تدبیری و بر هر چیز، توانایی! ای آن که
نگاه‌های ناروای چشم‌ها را می‌دانی و از آنچه در سینه‌ها نهان و در درون،
پنهان است، باخبری! ای خدای باریک‌بین و آگاه!

خداوندا! ما را از آنانی قرار ده که نیت کردند و عمل نمودند، و از آنانی قرار
مده که بدبخت شدند و سستی نشان دادند، و نه از آنان که به غیر عمل، تکیه
کردند.

خداوندا! بدن‌های ما را از بیماری‌ها سالم بدار و بر کاری که بر ما واجب
ساخته‌ای، یاری ده تا آن که این ماهت بر ما بگذرد، در حالی که تکلیف
واجبت را ادا کرده باشیم.

عَلَيْنَا ، اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ ، وَوَفِّقْنَا لِقِيَامِهِ ، وَنَشْطُنَا فِيهِ لِلصَّلَاةِ ،
وَلَا تَحْجُبْنَا مِنَ الْقِرَاءَةِ ، وَتَهَيَّلْ لَنَا فِيهِ إِيْتَاءَ الزَّكَاةِ .

اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا وَصَبًا وَلَا تَعَبًا وَلَا سَقَمًا وَلَا عَطَبًا ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا
الْإِفْطَارَ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ ، اللَّهُمَّ تَهَيَّلْ لَنَا فِيهِ مَا قَسَمْتَهُ مِنْ رِزْقِكَ وَتَسَّرْ
مَا قَدَّرْتَهُ مِنْ أَمْرِكَ ، وَاجْعَلْهُ حَلَالًا طَيِّبًا نَقِيًّا مِنَ الْآثَامِ ، خَالِصًا مِنَ الْآصَارِ
وَالْأَجْرَامِ .

اللَّهُمَّ ، لَا تُطْعِمْنَا إِلَّا طَيِّبًا غَيْرَ خَبِيثٍ وَلَا حَرَامٍ ، وَاجْعَلْ رِزْقَكَ لَنَا حَلَالًا
لَا يَشْوِبُهُ ذَنْسٌ وَلَا أَسْقَامٌ ، يَا مَنْ عِلْمُهُ بِالسِّرِّ كَعِلْمِهِ بِالْإِعْلَانِ ، يَا مُتَقَضِّلًا
عَلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
خَبِيرٌ ، أَلْهِمْنَا ذِكْرَكَ وَجَنِّبْنَا غُسْرَكَ ، وَأَنْلِنَا يُسْرَكَ وَاهْدِنَا لِلرَّشَادِ ، وَوَفِّقْنَا
لِلسَّدَادِ ، وَاعْصِمْنَا مِنَ الْبَلَايَا ، وَصُنَّا مِنَ الْأَوْزَارِ وَالْخَطَايَا ، يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ
عَظِيمَ الذُّنُوبِ غَيْرُهُ ، وَلَا تَكْشِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَأَكْرَمَ
الْأَكْرَمِينَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ ، وَاجْعَلْ صِيَامَنَا مَقْبُولًا ،
وَبَالِيزٌ وَالتَّقْوَى مَوْصُولًا ، وَكَذَلِكَ فَاجْعَلْ سَعْيَنَا مَشْكُورًا ، وَقِيَامَنَا
مَبْرُورًا ، وَقُرْآنَنَا مَرْفُوعًا ، وَدُعَاءَنَا مَسْمُوعًا ، وَاهْدِنَا لِلْحُسْنَى ، وَجَنِّبْنَا
الْعُسْرَى ، وَتَسِّرْنَا لِلْيُسْرَى ، وَأَعْلِ لَنَا الدَّرَجَاتِ ، وَضَاعِفِ لَنَا الْحَسَنَاتِ ،
وَاقْبَلْ مِنَّا الصَّوْمَ وَالصَّلَاةَ ، وَاسْمَعْ مِنَّا الدَّعَوَاتِ ، وَاغْفِرْ لَنَا الْخَطِيئَاتِ ،
وَتَجَاوَزْ عَنَّا السَّيِّئَاتِ ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَامِلِينَ الْفَائِزِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ، حَتَّى يَنْقَضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ عَنَّا وَقَدْ قَبِلْتَ
فِيهِ صِيَامَنَا وَقِيَامَنَا ، وَرَزَّكَتَ فِيهِ أَعْمَالَنَا ، وَغَفَرْتَ فِيهِ ذُنُوبَنَا ، وَأَجَزَلْتَ
فِيهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ نَصِيبَنَا ، فَإِنَّكَ الْإِلَهُ الْمُجِيبُ وَالرَّبُّ الْقَرِيبُ ، وَأَنْتَ بِكُلِّ
شَيْءٍ مُحِيطٌ .^١

خداوندا! بر روزه‌داری‌اش یاری‌مان کن و بر عبادتش توفیق‌مان ده و برای نماز در آن، نشاط‌مان بخش و ما را از قرائت [قرآن]، محروم نگردان و پرداخت زکات را در آن برای ما آسان ساز!

خداوندا! بر ما درد مدام، خستگی، بیماری و نابودی را چیره مساز!

خداوندا! به ما افطاری از روزیِ حلالیت روزی‌گردان!

خداوندا! آنچه را در آن از روزی‌ات بر ما تقسیم کرده‌ای و آنچه را از فرمانت بر ما مقدر ساخته‌ای، برایمان آسان گردان و آن روزی را حلال، پاک، دور از آلودگی‌ها و پیراسته از گناهان و جرم‌ها قرار بده!

خداوندا! جز پاکیزه نیالوده و غیر حرام به ما نخوران، و روزی خود را برای ما حلال و به دور از آلودگی و بیماری‌ها قرار بده!

ای که نهان را چون آشکار می‌دانی! ای که بر بندگان با فضل، نیکی می‌کنی! ای که بر هر چیز، توانا و از هر چیز، آگاه و به هر چیز، دانایی! یادت را به ما الهام کن، و ما را از دشواری دور گردان، و به آسانی‌ات برسان، و به درستکاری، رهنمون‌مان باش، و به راه درست توفیق‌مان ده، و از بلاها نگاهمان دار و از گناهان و خطاها مصون‌مان ساز!

ای آن که جز او کسی گناهان بزرگ را نبخشاید و جز او بدی را برطرف نسازد! ای مهربان‌ترین مهربانان و گرامی‌ترین گرامیان! بر محمد و دودمان پاکش درود فرست و روزه‌داری ما را بپذیر و به نیکی و تقوا پیوسته ساز. نیز تلاشمان را پاداش یافته، عبادتمان را پذیرفته، قرآن‌خوانی‌مان را بالارفته، و دعاهایمان را شنیده قرار بده، و ما را به بهترین کار، هدایت کن، و از سختی، دورمان ساز، و آسانی را برایمان هموار گردان، و درجات ما را بالا ببر، و حسنات ما را بیفزای، و روزه و نمازمان را بپذیر، و دعاهایمان را بشنو، و خطاهایمان را ببخشای، و از بدی‌هایمان درگذر، و ما را از عمل‌کنندگان کامیاب قرار بده و از آنانی قرار مده که بر آنان خشم گرفته‌ای و نه گمراهان، تا آن که ماه رمضان، در حالی از ما بگذرد که روزه‌داری و عبادتمان را پذیرفته باشی، کارهایمان را پاک ساخته باشی، گناهانمان را آمرزیده، و بهره ما را از هر خیری در این ماه، فراوان قرار داده باشی! همانا تو معبود اجابت‌کننده و پروردگار نزدیکی، و تو بر هر چیز، احاطه داری».



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش سوم

آداب میهمانی خدا



فصل یکم : آداب روزه داری

فصل دوم : کارهایی که بر آفتاب آنها آلوده است

فصل سوم : دعای شکر

فصل چهارم : آداب مخصوص شب های ماه رمضان

فصل پنجم : آداب مخصوص روزهای ماه رمضان

فصل ششم : اعمال مخصوص دهه آخر

فصل هفتم : نوافل ماه رمضان

الفصل الأول

آداب الصَّيام



مركز تقيت كميونير علوم و رسدي

أ- الورع عن محارم الله

٢٦٣. الإمام علي عليه السلام: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟

فَقَالَ: «يَا أَبَا الْحَسَنِ، أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ

مَحَارِمِ اللَّهِ»^١.

٢٦٤. رسول الله صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «مَنْ لَمْ تَصُمْ جَوَارِحَهُ عَنْ مَحَارِمِي، فَلَا حَاجَةَ فِي

أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ مِنْ أَجْلِي»^٢.

٢٦٥. عنه عليه السلام: أَرْبَعَةٌ تُفْسِدُ الصَّوْمَ وَأَعْمَالُ الْخَيْرِ: الْغِيْبَةُ، وَالْكَذِبُ، وَالنَّمِيمَةُ، وَالنَّظَرُ

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ٦١/٧٨، الأمالي للصدوق: ١٥٥/١٤٩، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/٢٩٧/٥٣،

الإقبال: ١/٢٧، كلها عن الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، بحار الأنوار:

٢٥/٣٥٨/٩٦.

٢. تاريخ أصبهان: ١٢٤/١٢٨٠، الفردوس: ٥/٢٤٢/٨٠٧٥ كلاهما عن ابن مسعود، كنز العمال:

٢٣٨٦٧/٥٠٨/٨.

فصل یکم

آداب روزه داری



الف - پرهیز از حرام های خدا *مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی*

۲۶۳. امام علی (ع): گفتم: ای پیامبر خدا! برترین کارها در این ماه چیست؟ فرمود:

«ای ابو الحسن! برترین کارها در این ماه، پرهیز از حرام های خداست.»

۲۶۴. پیامبر خدا (ص): خداوند می فرماید: «هر کس اعضایش از حرام های من، روزه دار

نباشد، نیازی نیست که به خاطر من، خوراک و نوشیدنی اش را ترک کند.»

۲۶۵. پیامبر خدا (ص): چهار چیز، روزه و کارهای نیک را خراب می کند: غیبت، دروغ،

سخن چینی، و نگاه به بیگانه (نامحرم).

إلى الأجنبي^١.

٢٦٦. عنه عليه السلام: مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، وَكَفَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ وَلِسَانَهُ عَنِ النَّاسِ، قَبِلَ اللَّهُ صَوْمَهُ وَغَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، وَأَعْطَاهُ ثَوَابَ الصَّائِرِينَ^٢.

٢٦٧. الإمام علي عليه السلام: الصَّيَامُ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ؛ كَمَا يَمْتَنِعُ الرَّجُلُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ^٣.
٢٦٨. الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: «يَا جَابِرُ، هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ؛ مَنْ صَامَ نَهَارَهُ وَقَامَ وَرَدًّا مِنْ لَيْلِهِ وَعَفَّ بَطْنَهُ وَفَرَجَهُ وَكَفَّ لِسَانَهُ، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَخُرُوجِهِ مِنَ الشَّهْرِ».

فَقَالَ جَابِرُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَ هَذَا الْحَدِيثَ!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَا جَابِرُ، وَمَا أَشَدَّ هَذِهِ الشُّرُوطَ!»^٤.

٢٦٩. رسول الله ﷺ: مَنْ تَأَمَّلَ حُلْفَ امْرَأَةٍ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُ حَجْمُ عِظَامِهَا مِنْ وَرَاءِ ثِيَابِهَا وَهُوَ صَائِمٌ، فَقَدْ أَفْطَرَ^٥.

٢٧٠. الإمام علي عليه السلام - فِي حَدِيثِ الْمِعْرَاجِ -: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «... يَا أَحْمَدُ، لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْعِبَادَةِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّوْمِ؛ فَمَنْ صَامَ وَلَمْ يَحْفَظْ لِسَانَهُ كَانَ كَمَنْ قَامَ وَلَمْ يَقْرَأْ فِي صَلَاتِهِ، فَأَعْطِيهِ أَجْرَ الْقِيَامِ وَلَمْ أُعْطِهِ أَجْرَ الْعَابِدِينَ»^٦.

١. المواعظ العددية: ٢١٠.

٢. المقنعة: ٣٠٥ عن الإمام علي عليه السلام.

٣. الغارات: ٥٠٣/٢ عن الأصمعي بن نباتة، بحار الأنوار: ٢١/٢٩٤/٩٦.

٤. الكافي: ٢/٨٧/٤، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٥/٥٦٠، المقنعة: ٣١٠، ثواب الأعمال: ١/٨٨ كلها عن جابر بن

يزيد الجعفي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٣٦/٩٨/٢ والثلاثة الأخيرة نحوه ومن دون إسناد إلى النبي ﷺ.

٥. معاني الأخبار: ٩٥/٤١٠ عن أنس، بحار الأنوار: ٧/٢٩٠/٩٦.

٦. إرشاد القلوب: ٢٠٥، بحار الأنوار: ٦/٢٩/٧٧.

۲۶۶. پیامبر خدا ﷺ: هر کس ماه رمضان را از روی ایمان و به خاطر پاداش الهی روزه بدارد و گوش و چشم و زبانش را از مردم باز دارد، خداوند روزه‌اش را می‌پذیرد و گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد و به او پاداش صابران را می‌دهد.

۲۶۷. امام علی علیه السلام: روزه‌داری، پرهیز از حرام‌هاست، همان گونه که انسان از غذا و نوشیدنی خودداری می‌کند.

۲۶۸. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا به جابر بن عبد الله فرمود: «ای جابر! این، ماه رمضان است. هر کس روزش را روزه بدارد و بخشی از شبش را به عبادت برخیزد و شکم و شهوتش را پاک نگه دارد و زبانش را حفظ کند، از گناهانش بیرون می‌شود، آن گونه که از این ماه بیرون می‌شود».

جابر گفت: ای پیامبر خدا! این سخن، چه نیکوست!

پیامبر خدا فرمود: «ای جابر! و این شرط‌ها چه سخت است».

۲۶۹. پیامبر خدا ﷺ: هر روزه‌داری که در پشت سر زنی با دقت بنگرد، تا حدی که حجم استخوان‌بندی زن از پشت لباسش برای او آشکار شود، روزه‌اش را افطار کرده است.

۲۷۰. امام علی علیه السلام - در حدیث معراج - : خدای متعال فرمود: «... ای احمد! هیچ عبادتی نزد من، محبوب‌تر از سکوت و روزه نیست. پس، هر که روزه بدارد، ولی زبانش را نگه ندارد، همچون کسی است که به عبادت، ایستاده، اما در نمازش قرائت ندارد. پس به او پاداش ایستادن به نماز را می‌دهم؛ اما پاداش عبادت‌گران را به او نمی‌دهم».

٢٧١ . فاطمة عليها السلام: مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَسَمْعَهُ وَبَصَرَهُ وَجَوَارِحَهُ؟^١

٢٧٢ . الإمام الصادق عليه السلام: لَا صِيَامَ لِمَنْ عَصَى الْإِمَامَ، وَلَا صِيَامَ لِعَبْدٍ أَبْقَى حَتَّى يَرْجِعَ، وَلَا صِيَامَ لِمَرَأَةٍ نَاشِزَةٍ حَتَّى تَتُوبَ، وَلَا صِيَامَ لَوَلَدٍ عَاقٍ حَتَّى يَبْرَأَ.^٢

ب - الإِجْتِنَابُ عَنِ الْغِيْبَةِ

٢٧٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّائِمُ فِي عِبَادَةٍ وَإِنْ كَانَ نَائِمًا عَلَى فِرَاشِهِ؛ مَا لَمْ يَغْتَبِ مُسْلِمًا.^٣

٢٧٤ . عنه عليه السلام: إِذَا اغْتَابَ الصَّائِمُ أَفْطَرَ.^٤

٢٧٥ . عنه عليه السلام: مَنْ اغْتَابَ امْرَأً مُسْلِمًا بَطَلَ صَوْمُهُ، وَنُقِضَ وَضُوؤُهُ.^٥

٢٧٦ . عنه عليه السلام - لِعَلِيِّ عليه السلام -: يَا عَلِيُّ، احْذَرِ الْغِيْبَةَ وَالنَّمِيْمَةَ؛ فَإِنَّ الْغِيْبَةَ تُفْطِرُ، وَالنَّمِيْمَةُ

تُوجِبُ عَذَابَ الْقَبْرِ.^٦

٢٧٧ . عنه عليه السلام: مَا صَامَ مَنْ ظَلَّ يَأْكُلُ لَحُومَ النَّاسِ.^٧

١ . دعائم الإسلام: ١/٢٦٨ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ٩٦/٢٩٥/٢٥.

٢ . دعائم الإسلام: ١/٢٦٨، بحار الأنوار: ٩٦/٢٩٥/٢٥.

٣ . فضائل الأشهر الثلاثة: ١٢٢/١٢٤، الكافي: ٩/٦٤/٤، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٠/٥٣٨ وليس فيهما «نائماً» وكلها عن عبد الله بن طلحة عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٧٤/١٧٧٢، ثواب الأعمال: ١/٧٥، الأمالي للصدوق: ٨٧٣/٦٤٥ كلاهما عن عبد الله بن طلحة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه عليه السلام: الفردوس: ٢/٤١١/٣٨٢٥ عن أبي هريرة وليس فيه «وإن كان نائماً على فراشه».

٤ . عوالي اللآلي: ١/٢٦٣/٥٣: نصب الراية: ٢/٤٨٢.

٥ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ٤/١٥/٤٩٦٨، الأمالي للصدوق: ٧٠٧/٥١٥ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، ثواب الأعمال: ١/٣٣٥ عن أبي هريرة وابن عباس، بحار الأنوار: ٧٥/٢٤٧/١٠.

٦ . تحف العقول: ١٤، بحار الأنوار: ٧٧/٦٧/٦.

٧ . المصنّف لابن أبي شيبة: ٢/٤٢٣/١٣، مسند الطيالسي: ٢٨٢/٣١٠٧ وفيه «كيف صام...»، الفردوس: ٤/٧٧/٦٢٣٨ كلاهما عن أنس، تفسير القرطبي: ١٦/٣٣٦: مستدرک الوسائل: ٧/٢٧٠/٨٤٤٣ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

۲۷۱. حضرت فاطمه علیها السلام: روزه‌دار، اگر زبان و گوش و چشم و اعضایش را نگه ندارد، با روزه‌اش می‌خواهد چه کند؟

۲۷۲. امام صادق علیه السلام: برای کسی که امام را نافرمانی می‌کند، روزه‌داری نیست؛ و برای بنده فراری، تا وقتی که برگردد، روزه‌داری نیست؛ و برای زن نافرمان [نسبت به شوهرش]، تا وقتی که توبه کند، روزه‌داری نیست؛ و برای فرزند نافرمان [نسبت به پدر و مادرش] روزه‌داری نیست تا آن که [نسبت به آنان] نیکی کند.^۱

ب - پرهیز از غیبت کردن

۲۷۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه‌دار، تا وقتی که از مسلمانی غیبت نکند، در حال عبادت است، هر چند در بسترش خفته باشد.

۲۷۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه روزه‌دار غیبت کند، روزه‌اش را گشوده است.

۲۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از فرد مسلمانی غیبت کند، روزه‌اش می‌شکند و وضویش باطل می‌شود.^۲

۲۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به علی علیه السلام :- ای علی! از غیبت و سخن چینی پرهیز؛ چرا که غیبت، روزه را می‌شکند و سخن چینی، عذاب قبر می‌آورد.

۲۷۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که پیوسته گوشت‌های مردم را می‌خورد (درباره مردم غیبت می‌کند)، روزه‌دار نیست.

۱. یعنی روزه اینان، پذیرفته درگاه خدا نیست.

۲. مقصود آن است که غیبت موجب عدم قبولی روزه و ضربه به طهارت باطنی می‌گردد.

٢٧٨ . عنه عليه السلام: مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لَمْ يُؤَجَّرْ عَلَى صِيَامِهِ.^١
 ٢٧٩ . عنه عليه السلام: مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً، إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ.^٢

٢٨٠ . مسند أبي يعلى عن عبيد مولى رسول الله عليه السلام: إِنَّ امْرَأَتَيْنِ كَانَتَا صَائِمَتَيْنِ، فَكَانَتَا تَغْتَابَانِ النَّاسَ، فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام بِقَدَحٍ، فَقَالَ لَهُمَا: «قِيئَا!» فَقَاءَتَا قَيْحًا وَدَمًا وَلَحْمًا عَبِيطًا.

ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ هَاتَيْنِ صَامَتَا عَنِ الْحَلَالِ، وَأَفْطَرَتَا عَلَى الْحَرَامِ».^٣

ج - الإِجْتِنَابُ عَنِ السَّبِّ

٢٨١ . الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَبِي عليه السلام قَالَ: «سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام امْرَأَةً تُسَابُّ جَارِيَةً لَهَا وَهِيَ صَائِمَةٌ، فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام بِطَعَامٍ فَقَالَ لَهَا: كُلِي! فَقَالَتْ: أَنَا صَائِمَةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!

فَقَالَ: كَيْفَ تَكُونِينَ صَائِمَةً وَقَدْ سَبَبْتَ جَارِيَتَكَ؟! إِنَّ الصَّوْمَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ، وَإِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حِجَابًا عَنِ سَوَاهُمَا مِنَ الْفَوَاحِشِ مِنَ الْفِعْلِ وَالْقَوْلِ يُفْطِرُ الصَّائِمَ. مَا أَقَلَّ الصَّوْمَ وَأَكْثَرَ الْجَوَاعِ!».^٤

٢٨٢ . رسول الله عليه السلام: الصَّيَامُ جُنَّةٌ، إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا فَلَا يَرَفَثْ وَلَا يَجْهَلَ، فَإِنْ

١ . جامع الأخبار: ١١٤٢/٤١٢، بحار الأنوار: ٥٣/٢٥٨/٧٥.

٢ . جامع الأخبار: ١١٤١/٤١٢، بحار الأنوار: ٥٣/٢٥٨/٧٥.

٣ . مسند أبي يعلى: ١٥٧٣/٢٣٤/٢، أسد الغابة: ٣/٥٣٣/٣٤٩٥، تاريخ دمشق: ١٠٣٦/٢٧٥/٤، السيرة

النبيه لابن كثير: ٦٢٩/٤، البداية والنهاية: ٣١٨/٥ وانظر مسند ابن حنبل: ٢٣٧١٤/١٦٥/٩.

٤ . النوادر للأشعري: ١٠/٢٢، الكافي: ٣/٨٧/٤، تهذيب الأحكام: ٥٥٣/١٩٤/٤، كتاب من لا يحضره

الفقيه: ١٨٦١/١٠٩/٢، الإقبال: ١٩٥/١ وليس فيها «إِنَّ أَبِي عليه السلام قَالَ» و«وَأِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ ...» وكلها عن

جراح المدائني، بحار الأنوار: ١٦/٢٩٣/٩٦.

۲۷۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در ماه رمضان دربارهٔ مسلمانی غیبت کند، بر روزه‌داری‌اش پاداشی نخواهد یافت.

۲۷۹. پیامبر خدا ﷺ: هر کس دربارهٔ مرد و زن مسلمانی غیبت کند، خداوند تا چهل شبانه‌روز، نماز و روزه‌اش را نمی‌پذیرد، مگر آن که آن شخص از وی درگذرد.

۲۸۰. مسند ابی یعلیٰ - به نقل از عبید، غلام پیامبر خدا - : دو زن، روزه بودند و دربارهٔ مردم غیبت می‌کردند. پیامبر خدا ظرفی طلبید و به آن دو گفت: «قی کنید». آن دو، چرک و خون و گوشت تازه، قی کردند.

سپس فرمود: «این دو زن با حلال روزه گرفتند؛ اما با حرام افطار کردند».

ج - پرهیز از دشنام دادن

۲۸۱. امام صادق علیه السلام: پدرم فرمود: «پیامبر خدا شنید که زنی روزه‌دار، کنیز خود را دشنام می‌دهد. پس، غذایی طلب کرد و به او گفت: «بخور».

زن گفت: من روزه‌ام، ای پیامبر خدا!

فرمود: «چگونه روزه‌ای، که کنیزت را دشنام دادی؟! روزه، تنها نخوردن غذا و نوشیدنی نیست و همانا خداوند، روزه را حجابی در برابر کار و سخن زشت قرار داده، که روزه‌دار با آن، روزه را افطار می‌کند. روزه‌داران، چه اندک‌اند و گرسنگان چه بسیار!».

۲۸۲. پیامبر خدا ﷺ: روزه، سپر است. هر گاه یکی از شما روزه بود، پس دشنام ندهد و نابخردی نکند و نیز اگر کسی با او به جنگ برخاست و یا دشنامش داد، بگوید: «من روزه‌ام، من روزه‌ام».

امرو قاتله أو شاتمه، فليقل: إني صائم، إني صائم^١.

٢٨٣. عنه عليه السلام: ما من عبد يصبح صائماً فيشتم فيقول: إني صائم سلام عليك، إلا قال الرب - تبارك وتعالى - لملائكته: «استجار عبدي بالصوم من عبدي، أجيروه من ناري، وأدخلوه جنتي»^٢.

٢٨٤. عنه عليه السلام: ما من عبد صالح يشتم فيقول: إني صائم سلام عليك لا أشتمك كما شتمتني، إلا قال الرب - تبارك وتعالى -: «استجار عبدي بالصوم من شر عبدي، فقد أجرته من النار»^٣.

٢٨٥. عنه عليه السلام: لا تساب وأنت صائم، فإن سبك أحد فقل: إني صائم، وإن كنت قائماً فاجلس^٤.

٢٨٦. فضائل الأوقات عن أبي البختري: إن امرأة كانت تصوم على عهد النبي عليه السلام في لسانها: يعني سباً، فقال عليه السلام: «ما صامت»، فتحفظت، فقال عليه السلام: «الآن»^٥.

٢٨٧. رسول الله عليه السلام: من لم يدع قول الزور والعمل به والجهل، فليس لله حاجة أن يدع

١. سنن أبي داود: ٢/٣٠٧/٢٣٦٣، صحيح البخاري: ٢/٦٧٠/١٧٩٥، صحيح مسلم: ٢/٨٠٧/١٦٣ كلاهما نحوه، الموطأ: ١/٣١٠/٥٧، مسند ابن حنبل: ٣/٦٨/٧٤٩٥، السنن الكبرى: ٤/٤٤٨/٨٣٠٩ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ٨/٤٤٧/٢٣٥٨٩.

٢. ثواب الأعمال: ١/٧٦، الأمالي للصدوق: ٢/٦٨٢/٩٣٣ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام. المحاسن: ١/١٥٠/٢١٦ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «فيستجير» بدل «فيشتم»، الجعفریات: ٦٠، النوادر للراوندي: ١٣٥/١٧٧ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وليس فيهما «أجيروه من ناري»، بحار الأنوار: ١/٢٨٨/٩٦.

٣. الكافي: ٤/٨٨/٥ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٠٩/١٨٦٠.

٤. السنن الكبرى للنسائي: ٢/٢٤١/٣٢٥٩، مسند ابن حنبل: ٣/٤١٨/٩٥٢٧ وليس فيه «وإن كنت قائماً فاجلس» وص ١٠٥٦٩/٥٧٦، صحيح ابن حبان: ٨/٢٥٩/٣٤٨٣، صحيح ابن خزيمة: ٢/٢٤١/١٩٩٤ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ٨/٥٠٨/٢٣٨٦٨.

٥. فضائل الأوقات للبيهقي: ٨٢/٤٨، المصنف لابن أبي شيبة: ٢/٢٢٢/٩ نحوه.

۲۸۳. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که روزه باشد و دشنامش دهند و او بگوید: «سلام بر تو! من روزه دارم»، مگر آن که پروردگار متعال به فرشتگانش گوید: «بنده‌ام از بنده دیگرم به روزه پناه جست. پس، او را از آتش من پناه دهید و او را وارد بهشت من کنید».

۲۸۴. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده شایسته‌ای نیست که دشنامش دهند و بگویند: «من روزه دارم. سلام بر تو! به تو دشنام نمی‌دهم، آن گونه که دشنام دادی»، مگر آن که پروردگار متعال گوید: «بنده من از شر بنده من، به روزه پناه برد. من هم او را از آتش، پناه دادم».

۲۸۵. پیامبر خدا ﷺ: وقتی روزه‌داری، دشنام مده، و اگر کسی دشنامت داد، بگو: «من روزه‌ام» و اگر ایستاده بودی، بنشین [تا خشم فرونشیند].

۲۸۶. فضائل الأوقات - به نقل از ابو الیختری -: زنی در روزگار پیامبر خدا تنها به زبان، روزه بود؛ یعنی دشنام می‌داد. پیامبر ﷺ فرمود: «او روزه نگرفته است». پس آن زن، [از کارش] خودداری کرد. پیامبر ﷺ فرمود: «حالا شد».

۲۸۷. پیامبر خدا ﷺ: هر کس سخن دروغ و حرام، عمل به آن و نابخردی را رها نکند، خداوند نیازی ندارد که او از خوردنی و نوشیدنی‌اش دست بکشد.

طعامه وشرابه^١.

٢٨٨ . عنه عليه السلام: مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَمَضَانَ فَسَلِمَ مِنْ ثَلَاثَةٍ، ضَعِنَتْ لَهُ الْجَنَّةُ عَلَى مَا فِيهِ سِوَى الثَّلَاثِ: لِسَانِهِ وَبَطْنِهِ وَفَرْجِهِ^٢.

٢٨٩ . عنه عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ دَخَلَ عَلَيْهِ شَهْرُ رَمَضَانَ فَصَامَ نَهَارَهُ وَكَفَّ شَرَّهُ وَغَضَّ بَصَرَهُ وَاجْتَنَبَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ، إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ^٣.

د - الإجتنبُ عَنِ الْكِذْبِ

٢٩٠ . الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْكَذْبَةَ لَيَفْطِرُ الصَّيَّامَ، وَالنَّظْرَةَ بَعْدَ النَّظْرَةِ، وَالظُّلْمَ كُلَّهُ؛ قَلِيلَةً وَكَثِيرَةً^٤.

هـ - الإجتنبُ عَنِ الرِّيَاءِ

٢٩١ . رسول الله عليه السلام: مَنْ صَامَ يُرَائِي فَقَدْ أَشْرَكَ^٥.

و - الإجتنبُ عَنِ كُلِّ مَا يَكْرَهُهُ اللَّهُ

٢٩٢ . رسول الله عليه السلام: إِنَّ الصَّيَّامَ لَيْسَ مِنَ الْأَكْلِ وَالشَّرْبِ فَقَطْ؛ إِنَّمَا الصَّيَّامُ مِنَ اللَّغْوِ

١ . صحيح البخاري: ٥/٢٢٥١/٥٧١٠ وج ٢/٦٧٣/١٨٠٤ نحوه، سنن أبي داود: ٢/٣٠٧/٢٣٦٢، سنن الترمذي: ٣/٨٧/٧٠٧ وليس فيهما «والجهل»، سنن ابن ماجه: ١/٥٣٩/١٦٨٩، السنن الكبرى: ٤/٤٢٩/٨٣١١، الزهد لابن المبارك: ١٣٠٧/٤٦١ كلها عن أبي هريرة.
٢ . كنز العمال: ٨/٢٣٧٢٨ نقلاً عن ابن عساكر، الدر المنثور: ١/٤٥٤ نقلاً عن ابن مردويه وكلاهما عن أبي هريرة.

٣ . فضائل الأشهر الثلاثة: ١٠٣/٨٩ عن أبي سعيد الخدري.

٤ . الإقبال: ١/١٩٥، بحار الأنوار: ٩٧/٣٥٢.

٥ . مسند ابن حنبل: ٦/٨٢/١٧١٤٠، المستدرک علی الصحیحین: ٤/٣٦٥/٧٩٣٨، المعجم الكبير: ٧/٢٨١/٧١٣٩، مسند الطيالسي: ١٥٣/١١٢٠، شعب الإيمان: ٥/٣٣٨/٦٨٤٤ كلها عن شداد بن أوس وص ٣٤٠/٦٨٥٢ عن عبد الرحمن بن غنم؛ مجمع البيان: ٦/٧٧١ عن شداد بن أوس، تفسير القمي: ٢/٤٧ عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام عنه عليه السلام وفيه «من صام مراعاة الناس فهو مشرك».

۲۸۸. پیامبر خدا ﷺ: هر کس یک روز از [ماه] رمضان را روزه بدارد و از سه چیز سالم باشد، بهشت را برای او تضمین می‌کنم، با هر چه در او باشد، جز این سه: زبان، شکم و شهوتش.

۲۸۹. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که ماه رمضان بر او وارد شود و او روزش را روزه بدارد و شر خود را از دیگران باز دارد و نگاهش را [از حرام] بپوشد و از آنچه خداوند بر او حرام کرده، بپرهیزد، مگر آن که خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند.

د - پرهیز از دروغ

۲۹۰. امام باقر ع: دروغ، روزه را باطل می‌کند؛ همچنین نگاه پس از نگاه؛ و همه [گونه‌های] ستم؛ اندکش و بسیارش.

ه. پرهیز از ریا

۲۹۱. پیامبر خدا ﷺ: هر کس ریاکارانه روزه بگیرد، شرک ورزیده است.

و. پرهیز از هر چه خدا خوش نمی‌دارد

۲۹۲. پیامبر خدا ﷺ: روزه، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست. همانا روزه، پرهیز از بیهوده‌گویی و دشنام دادن است. پس اگر کسی دشنامت داد، یا با تو

وَالرَّفَثِ، فَإِنْ سَأَبَكَ أَحَدٌ أَوْ جَهِلَ عَلَيْكَ فَقُلْ: إِنِّي صَائِمٌ.^١

٢٩٣. الإمام علي عليه السلام - فِي الْحَكَمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: لَيْسَ الصَّوْمُ الْإِمْسَاكُ عَنِ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ؛ الصَّوْمُ الْإِمْسَاكُ عَنِ كُلِّ مَا يَكْرَهُهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ.^٢

٢٩٤. الإمام زين العابدين عليه السلام: حَقُّ الصَّوْمِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ حِجَابَ ضَرْبَةِ اللَّهِ ﷻ عَلَى لِسَانِكَ وَسَمْعِكَ وَبَصَرِكَ وَبَطْنِكَ وَفَرْجِكَ؛ لَيْسْتُ رَكَ يَه مِنَ النَّارِ، فَإِنْ تَرَكَتَ الصَّوْمَ خَرَقْتَ سِتْرَ اللَّهِ عَلَيْكَ.^٣

٢٩٥. عنه عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ دُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ -: اللَّهُمَّ ... وَأَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنِ مَعَاصِيكَ وَاسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ؛ حَتَّى لَا نُصْغِيَ بِأَسْمَاعِنَا إِلَى لَغْوٍ، وَلَا نُسْرِعَ بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْوٍ، وَحَتَّى لَا نَبْسُطَ أَيْدِينَا إِلَى مَحْظُورٍ، وَلَا نَخْطُوَ بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَحْجُورٍ، وَحَتَّى لَا تَعْيَ بَطُونُنَا إِلَّا مَا أَحَلَّلْتَ، وَلَا تَتَطَقَّ أَلْسِنَتُنَا إِلَّا بِمَا مَقَّلْتَ، وَلَا نَتَكَلَّفَ إِلَّا مَا يُدْنِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَلَا تَتَعَاطَى إِلَّا الَّذِي يَبْقَى مِنْ عِقَابِكَ.^٤

٢٩٦. الكافي عن محمد بن مسلم: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا صُمْتَ فَلْيَضْمِ سَمْعَكَ وَبَصَرَكَ وَشَعْرَكَ وَجِلْدَكَ - وَعَدَّدَ أَشْيَاءَ غَيْرَ هَذَا - قَالَ: وَلَا يَكُونُ يَوْمُ صَوْمِكَ كَيَوْمِ

١. صحيح ابن حبان: ٢٥٦/٨، المستدرک علی الصحيحین: ١/٥٩٥/١٥٧٠، صحيح ابن خزيمة: ٢٤٢/٢٤٢، السنن الكبرى للبيهقي: ٢/٢٤٩/٨٣١٢، فضائل الأوقات للبيهقي: ٢٨/٧٩، كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ٨/٥٠٧/٢٣٨٦٤ وح ٢٣٨٦٦.

٢. شرح نهج البلاغة: ٢٠/٢٩٩/٤١٧.

٣. كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٢٠/٣٢١٤، الخصال: ١/٥٦٦، الأمالي للصدوق: ٤٥٢/٦١٠، مكارم الأخلاق: ٢/٣٠٠/٢٦٥٤، كلها عن أبي حمزة الثمالي، تحف العقول: ٢٥٨، وليس فيه «فإن تركت الصوم...»، بحار الأنوار: ١/٤/٧٤.

٤. الصحيفة السجادية: ١٦٦ الدعاء ٤٤، مصباح المتهجد: ٦٠٨/٦٩٥ وفيه «نسرع» بدل «نسرع»، الإقبال:

نابخردی کرد، بگو: من روزه‌ام.

۲۹۳. امام علی علیه السلام - در حکمت‌های منسوب به ایشان - : روزه، تنها نخوردن و نیاشامیدن نیست. روزه، پرهیز از هر چیزی است که خداوند آن را خوش نمی‌دارد.

۲۹۴. امام سجّاد علیه السلام : حقّ روزه، آن است که بدانی آن، حجابی است که خداوند بر زبان و گوش و چشم و شهوت زده تا تو را از آتش، نگه دارد. پس اگر روزه را ترک کنی، پوشش الهی را بر خویش، دریده‌ای.

۲۹۵. امام سجّاد علیه السلام - در دعای خویش به هنگام ورود ماه رمضان - : خداوندا!... ما را بر روزه‌داری این ماه یاری کن، با نگه داشتن اعضا از نافرمانی‌ات و به کارگیری آنها در آنچه خشنودت می‌سازد، تا آن که با گوش‌هایمان به بیهوده گوش نسپاریم و با چشم‌هایمان به بازیچه نشستیم و دستان خویش را به آنچه ممنوع است، نگشاییم و با گام‌هایمان، به سوی آنچه حرام است، راه نپوییم، و تا آن که شکممان جز از آنچه حلال کرده‌ای، پُر نشود و زبان‌هایمان جز به آنچه فرموده‌ای، گویا نشود و خود را جز در آنچه ما را به پاداش تو نزدیک می‌سازد، به زحمت نیفکنیم و جز به آنچه از کيفرت باز می‌دارد، نپردازیم.

۲۹۶. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم - : امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی روزه گرفتی، گوش و چشم و مو و پوست هم» و چیزهای دیگری هم بر شمرد «روزه باشند» و فرمود: «روز روزه‌داری‌ات، مثل روز خوردنت نباشد».

فطرك^١.

٢٩٧. الإمام الصادق عليه السلام - لِمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ -: يَا مُحَمَّدُ، إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصَرُكَ وَلِسَانُكَ وَلَحْمُكَ وَدَمُكَ وَجِلْدُكَ وَشَعْرُكَ وَبَشْرُكَ، وَلَا يَكُونُ يَوْمٌ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ^٢.

٢٩٨. عنه عليه السلام: إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصَرُكَ وَفَرْجُكَ وَلِسَانُكَ، وَتَغَضُّ بِصَرِّكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ، وَالسَّمْعَ عَمَّا لَا يَحِلُّ اسْتِمَاعُهُ إِلَيْهِ، وَاللِّسَانَ مِنَ الْكَذِبِ وَالْفَحْشِ^٣.

٢٩٩. عنه عليه السلام: لَيْسَ الصَّيَامُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ إِلَّا يَأْكُلُ الْإِنْسَانُ وَلَا يَشْرَبُ فَقَطْ، وَلَكِنْ إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصَرُكَ وَلِسَانُكَ وَبَطْنُكَ وَفَرْجُكَ، وَاحْفَظْ يَدَكَ وَفَرْجَكَ، وَأَكْثِرِ السُّكُوتَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ، وَارْفُقْ بِخَادِمِكَ^٤.

٣٠٠. عنه عليه السلام: صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَرَضٌ فِي كُلِّ عَامٍ، وَأَدْنَى مَا يَتِمُّ بِهِ فَرَضُ صَوْمِهِ: الْعَزِيمَةُ مِنْ قَلْبِ الْمُؤْمِنِ عَلَى صَوْمِهِ بِنَيَّْةٍ صَادِقَةٍ، وَتَرْكُ الْأَكْلِ وَالشَّرْبِ وَالنِّكَاحِ فِي نَهَارِهِ كُلِّهِ، وَأَنْ يَجْمَعَ فِي صَوْمِهِ التَّوَقُّيَ لِجَمِيعِ جَوَارِحِهِ وَكَفَّهَا عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ رَبِّهِ مُتَقَرِّبًا بِذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْهِ؛ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مُؤَدِّيًا لِفَرْضِهِ^٥.

٣٠١. عنه عليه السلام: لَيْسَ الصَّيَامُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ؛ وَالْإِنْسَانُ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَحْفَظَ لِسَانَهُ مِنَ اللَّغْوِ الْبَاطِلِ فِي رَمَضَانَ وَغَيْرِهِ^٦.

١. الكافي: ١/٨٧/٤، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٤/٥٥٤. كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٠٨/١٨٥٥، الإقبال:

١٩٥/١، بحار الأنوار: ٩٧/٣٥١/٣.

٢. وفي نسخة: «إذا».

٣. المقنعة: ٣١٠.

٤. الهداية: ١٨٩، بحار الأنوار: ٩٦/٢٩٥/٢٦.

٥. الإقبال: ١٩٦/١ عن محمد بن عجلان، بحار الأنوار: ٩٧/٣٥٢/٣.

٦. دعائم الإسلام: ١/٢٦٨، بحار الأنوار: ٩٦/٢٩٤/٢٥.

٧. تهذيب الأحكام: ٤/١٨٩/٥٣٤ عن أبي بصير.

۲۹۷. امام صادق علیه السلام : خطاب به محمد بن مسلم : ای محمد! هر گاه روزه گرفتی، گوش و چشم و زبان و گوشت و خون و مو و پوست هم روزه باشند و روز روزه‌داری‌ات، مثل روز خوردنت نباشد.

۲۹۸. امام صادق علیه السلام : هر گاه روزه گرفتی، گوش و چشم و شهوت و زبانت هم روزه باشند، و چشم‌ت را از آنچه نگاه به آن حلال نیست و گوشت را از آنچه شنیدنش حلال نیست و زبانت را از دروغ و دشنام، حفظ کن.

۲۹۹. امام صادق علیه السلام : روزه، تنها پرهیز از غذا و نوشیدنی نیست که انسان، تنها نخورد و نیاشامد. پس وقتی روزه گرفتی، گوش و چشم و زبان و شکم و شهوت هم روزه باشند و دست و شهوت را نگه دار؛ و بسیار سکوت کن، مگر از گفتن نیک؛ و با خدمت‌گزارت مدارا کن.

۳۰۰. امام صادق علیه السلام : روزه ماه رمضان، در هر سال، واجب است و کمترین چیزهایی که وجوب روزه‌اش با آنها به کمال می‌رسد، تصمیم قلبی مؤمن است (که آن را با نیت راست، روزه بدارد) و در تمام روز، خوردن و آشامیدن و آمیزش را ترک کند و در روزه‌اش تلاش خود را در نگهداری همه اعضایش از حرام‌های الهی قرار دهد و با همه اینها به خداوند، تقرب بجوید. پس اگر چنین کند، واجب این ماه را ادا کرده است.

۳۰۱. امام صادق علیه السلام : روزه، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست و سزاوار است که انسان در ماه رمضان و غیر آن، زبانش را از بیهوده‌گویی و باطل، نگه دارد.

٣٠٢. النوادر عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ الصَّوْمُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ؛ وَالْإِنْسَانُ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَحْفَظَ لِسَانَهُ وَجَارِحَتَهُ وَجَمِيعَ أَعْضَائِهِ مِنْ قَوْلِ اللَّغْوِ وَالْبَاطِلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَغَيْرِهِ - يَعْنِي إِذَا كَانَ صَائِمًا فِي غَيْرِهِ -^١

٣٠٣. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا صَامَ أَحَدُكُمْ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامِ مِنَ الشَّهْرِ فَلَا يُجَادِلَنَّ أَحَدًا، وَلَا يَجْهَلَ، وَلَا يُسْرِعَ إِلَى الْحَلْفِ وَالْأَيْمَانِ بِاللهِ، فَإِنْ جَهِلَ عَلَيْهِ أَحَدٌ فَلْيَتَحَمَّلْ.^٢

٣٠٤. عنه عليه السلام: إِذَا أَصْبَحْتَ صَائِمًا فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصْرُكَ مِنَ الْحَرَامِ، وَجَارِحَتُكَ وَجَمِيعُ أَعْضَائِكَ مِنَ الْقَبِيحِ، وَدَعْ عِنْدَهُ الْهَذْيَ وَأَذَى الْخَادِمِ، وَلْيَكُنْ عَلَيْكَ وَقَارُ الصِّيَامِ، وَالزَّمْ مَا اسْتَطَعْتَ مِنَ الصَّمْتِ وَالسُّكُوتِ إِلَّا عَنْ ذِكْرِ اللهِ، وَلَا تَجْعَلْ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ، وَإِيَّاكَ وَالْمُبَاشَرَةَ وَالْقُبْلَةَ وَالْقَهْقَرَةَ بِالضُّحَى! فَإِنَّ اللَّهَ يَمُقُّ ذَلِكَ.^٣

٣٠٥. الكافي عن جراح المدائني عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الصِّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَحْدَهُ، ثُمَّ قَالَ: قَالَتْ مَرْيَمُ: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا»^٤ أَي: صَوْمًا صَمْتًا، فَإِذَا صُمْتُمْ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَغُضُّوا أَبْصَارَكُمْ، وَلَا تَنَازَعُوا، وَلَا تَحَاسَدُوا....

قَالَ: وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصْرُكَ مِنَ الْحَرَامِ وَالْقَبِيحِ، وَدَعْ الْمِرَاءَ وَأَذَى الْخَادِمِ، وَلْيَكُنْ عَلَيْكَ وَقَارُ الصِّيَامِ، وَلَا تَجْعَلْ يَوْمَ

١. النوادر للأشعري: ١٣/٢٤.

٢. الكافي: ٤/٨٨/٤، تهذيب الأحكام: ٥٥٧/١٩٥/٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٧٨٧/٨٢/٢، الدرر النورية: ٥٧ كلها عن الفضيل بن يسار، مكارم الأخلاق: ٩٤١/٢٩٩/١، بحار الأنوار: ٣٩/١٠٤/٩٧.

٣. النوادر للأشعري: ٩/٢٠ عن جراح المدائني، بحار الأنوار: ١٦/٢٩٢/٩٦.

٤. مريم: ٢٦.

۳۰۲. النوادر - به نقل از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام - : روزه، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست و سزاوار است که انسان در ماه رمضان و غیر آن - اگر در غیر رمضان هم روزه بود - زبان و همه اعضایش را از بیهوده‌گویی و باطل، نگه دارد.

۳۰۳. امام صادق علیه السلام : هر گاه یکی از شما سه روز از ماه را روزه می‌گیرد، پس با کسی مجادله و نابخردی نکند و زود به خدا قسم نخورد. پس اگر کسی با او نابخردی کرد، تحمل کند.

۳۰۴. امام صادق علیه السلام : اگر روزه‌دار بودی، گوش و چشم تو از حرام، و همه اعضایت از زشتی، روزه باشند. هنگام روزه‌داری، یاوه‌گویی و آزدن خدمت‌گزار را رها کن و وقار روزه‌داری در تو باشد. تا می‌توانی برخوردار از سکوت و خموشی باش، مگر در یاد خدا. روز روزه‌داری ات را مثل روز خوردنت قرار مده، و پرهیز از آمیزش و بوسه و قهقهه در خندیدن، که خداوند آن را خوش نمی‌دارد.

۳۰۵. الکافی - به نقل از جراح مدائنی - : امام صادق علیه السلام فرمود: «روزه، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست». سپس فرمود: «مریم گفت: ﴿من برای خدا روزه‌ای نذر کردم﴾، یعنی روزه سکوت. پس چون روزه گرفتید، زبان‌هایتان را حفظ کنید، چشم‌هایتان را فرو بندید، نزاع نکنید و حسد نورزید...».

امام صادق علیه السلام همچنین فرمود: «چون روزه‌گرفتی، گوش و چشمت هم، از حرام و زشتی روزه باشند؛ جدال و آزدن خادم را و گذار؛ وقار روزه‌داری در تو باشد؛ و روز روزه‌داری ات، مثل روز خوردنت نباشد».

صَوْمُكَ كَيْومَ فِطْرِكَ^١.

٣٠٦. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الصَّيَّامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَحَدَهُ؛ إِنَّمَا لِلصَّوْمِ شَرْطٌ يَحْتَاجُ أَنْ يُحْفَظَ حَتَّى يَتِمَّ الصَّوْمُ؛ وَهُوَ الصَّمْتُ الدَّاخِلُ، أَمَا تَسْمَعُ مَا قَالَتْ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا؟»! يَعْنِي صَمْتُاً.

فَإِذَا صُمْتُمْ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنِ الْكَذِبِ، وَغُضُّوا أَبْصَارَكُمْ، وَلَا تَنَازَعُوا، وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَغْتَابُوا، وَلَا تَمَارُوا، وَلَا تَكْذِبُوا، وَلَا تُبَاشِرُوا،^٢ وَلَا تَخَالَفُوا، وَلَا تَغَاضِبُوا، وَلَا تَسَابُوا، وَلَا تَشَاتَمُوا، وَلَا تَفَاتَرُوا، وَلَا تَجَادَلُوا، وَلَا تَنَادُوا، وَلَا تَظْلِمُوا، وَلَا تَسَافَهُوا، وَلَا تَضَاجَرُوا، وَلَا تَغْفُلُوا عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ.

وَالزَّمُوا الصَّمْتَ وَالسُّكُوتَ، وَالْحِلْمَ وَالصَّبْرَ وَالصَّدْقَ، وَمُجَانِبَةَ أَهْلِ الشَّرِّ. وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ وَالْكَذِبِ وَالْفَرِي، وَالْخُصُومَةَ وَظَنُّ السُّوءِ، وَالْغِيْبَةَ وَالنَّمِيْمَةَ.

وَكُونُوا مُشْرِفِينَ عَلَى الْآخِرَةِ، مُنْتَظَرِينَ لِأَيَّامِكُمْ، مُنْتَظَرِينَ لِمَا وَعَدَكُمْ اللَّهُ، مُتَزَوِّدِينَ لِلِقَاءِ اللَّهِ، وَعَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، وَالْخُشُوعُ وَالْخُضُوعُ وَذُلُّ الْعَبْدِ الْخَائِفِ مِنْ مَوْلَاهُ، حَائِرِينَ خَائِفِينَ رَاجِينَ، مَرْغُوبِينَ مَرْهُوبِينَ، رَاجِينَ رَاهِبِينَ، قَدْ طَهَّرْتُمُ الْقُلُوبَ مِنَ الْعُيُوبِ، وَتَقَدَّسَتْ سَرَائِرُكُمْ مِنَ الْخُبَيْثِ، وَنُظِّفَتِ الْجِسْمُ مِنَ الْقَاذُورَاتِ، وَتَبَرَّأْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَدَاةٍ، وَوَالَيْتَ اللَّهَ فِي صَوْمِكَ بِالصَّمْتِ مِنْ جَمِيعِ الْجِهَاتِ مِمَّا قَدْ نَهَاكَ اللَّهُ عَنْهُ فِي السَّرِّ

١. الكافي: ٣/٨٧/٢، تهذيب الأحكام: ٥٥٣/١٩٤/٢ وح ٥٥٥، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٠٨/٢/١٨٥٧.

عن أبي بصير وص ١٠٩/١٨٦٢، الإقبال: ١/١٩٥، مصباح المتعبد: ٦٢٧، وفيه إلى «ولا تحاسدوا».

٢. كذا في النسخ الموجودة بأيدينا، ويحتمل أن يكون اللفظ بشكل آخر؛ فإن سياق الحديث هو النهي عن الأخلاق الذميمة.

۳۰۶. امام صادق علیه السلام: روزه‌داری، تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نیست. روزه، شرطی دارد که نیازمند مواظبت است تا کامل شود، و آن، سکوت درونی است. آیا نمی‌شنوی که مریم، دختر عمران، گفت: ﴿من برای خدا، روزه‌ای نذر کرده‌ام. پس، امروز با هیچ انسانی سخن نمی‌گویم﴾، یعنی سکوت [می‌کنم]. پس چون روزه گرفتید، زبان‌هایتان را از دروغ نگه دارید، چشم‌هایتان را فرو بندید، نزاع نکنید، حسد نورزید، غیبت نکنید، ستیزه‌جویی نکنید، دروغ نگوئید، آمیزش نکنید،^۱ با هم مخالفت نکنید، به هم خشم نگیرید، یکدیگر را ناسزا نگوئید و دشنام ندهید، در عبادت سستی نکنید، جدال نکنید، به تفرقه نگرانید، ستم نکنید، با هم با سفاکت (با دل‌تنگی) رفتار نکنید، همدیگر را نیازارید، از یاد خداوند و نماز غافل نشوید، پیوسته سکوت و بردباری و شکیبایی و راستگویی پیشه کنید، از اهل شر دوری نمایید، و از سخن ناروا، دروغ، افترا، دشمنی، بدگمانی، غیبت و سخن چینی پرهیزید.

از آنان باشید که روی به آخرت دارند. چشم به راه روزهای خود باشید. منتظر آنچه خداوند به شما وعده داده است، باشید. برای دیدار با خدا ره‌توشه بگیرید. آرامش و وقار و خشوع و خضوع داشته باشید. فروتنی بنده بیمناک از مولایش را داشته باشید. حیران و بیمناک و امیدوار، شیفته و هراسناک، خواستار و ترسناک باشید، آن چنان که دل‌ها را از عیب‌ها پاک، درون خویش را از آلودگی پیراسته، و بدن را از آلودگی، تمیز می‌نما.

چنان باش که از غیر خدا به خدا بیزاری بجویی و در روزه‌داری‌ات، با سکوت همه‌جانبه از آنچه خداوند، تو را در نهان و آشکار از آن نهی کرده، با او دوستی کنی و در نهان و آشکارت از او به حق، خشیت داشته باشی و خود

۱. اگر چه همه نسخه‌های در دسترس به یک گونه‌اند، اما احتمال دارد که متن اصلی، به گونه‌ای دیگر باشد، زیرا سیاق روایت، نهی از امور اخلاقی است.

وَالْعَلَانِيَّةِ، وَخَشِيتَ اللَّهَ حَقَّ خَشْيَتِهِ فِي سِرِّكَ وَعَلَانِيَّتِكَ، وَوَهَبْتَ نَفْسَكَ لِلَّهِ فِي أَيَّامِ صَوْمِكَ، وَفَرَّغْتَ قَلْبَكَ لَهُ، وَوَهَبْتَ نَفْسَكَ لَهُ فِيمَا أَمَرَكَ وَدَعَاكَ إِلَيْهِ. فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَأَنْتَ صَائِمٌ لِلَّهِ بِحَقِيقَةِ صَوْمِهِ، صَائِعٌ لِمَا أَمَرَكَ، وَكُلَّمَا نَقَصْتَ مِنْهَا شَيْئاً فِيمَا بَيَّنَّتُ لَكَ فَقَدْ نَقَصَ مِنْ صَوْمِكَ بِمِقْدَارِ ذَلِكَ.^١

٣٠٧. مصباح الشريعة في ما نسب إلى الصادق عليه السلام -: إِذَا صُمْتَ فَأَنْوِ بِصَوْمِكَ كَفَّ النَّفْسَ عَنِ الشَّهَوَاتِ، وَقَطَعَ الْهَمَّةَ عَنِ خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ، وَأَنْزَلَ نَفْسَكَ مَنْزِلَةَ الْمَرْضَى لَا تَشْتَهِي طَعَاماً وَلَا شَرَاباً، مُتَوَقِّعاً فِي كُلِّ لَحْظَةٍ شِفَاءَكَ مِنْ مَرَضِ الذُّنُوبِ، وَطَهَّرَ بَاطِنَكَ مِنْ كُلِّ كَذَرٍ وَغَفْلَةٍ وَظُلْمَةٍ يَقْطَعُكَ عَنْ مَعْنَى الْإِخْلَاصِ لِوَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى.^٢

٣٠٨. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام -: قَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ جَارِحَةٍ حَقّاً لِلصَّيَامِ؛ فَمَنْ أَدَّى حَقَّهَا كَانَ صَائِماً، وَمَنْ تَرَكَ شَيْئاً مِنْهَا نَقَصَ مِنْ فَضْلِ صَوْمِهِ بِحَسَبِ مَا تَرَكَ مِنْهَا.^٣

٣٠٩. سعد السعود: مِنْ سُنَنِ إِدْرِيسَ عليه السلام -: إِذَا دَخَلْتُمْ فِي الصَّيَامِ طَهَّرُوا نُفُوسَكُمْ مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَنَجَسٍ، وَصُومُوا لِلَّهِ بِقُلُوبٍ خَالِصَةٍ صَافِيَةٍ مُنْزَهَةٍ عَنِ الْأَفْكَارِ السَّيِّئَةِ وَالْهَوَاجِسِ الْمُنْكَرَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَحْبِسُ^٤ الْقُلُوبَ اللَّطِخَةَ وَالنِّيَّاتِ الْمَدْخُولَةَ، وَمَعَ صِيَامِ أَفْوَاهِكُمْ مِنَ الْمَأْكَلِ فَلْتَضْمِ جَوَارِحَكُمْ مِنَ الْمَآثِمِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنْكُمْ أَنْ تَصُومُوا مِنَ الْمَطَاعِمِ فَقَطْ، لَكِنْ مِنَ الْمَنَاكِرِ كُلِّهَا

١. النوادر للأشعري: ١٠/٢١ عن جراح المدائني، بحار الأنوار: ٩٦/٢٩٢ ذيل ح ١٦.

٢. مصباح الشريعة: ١٣٣، بحار الأنوار: ٩٦/٢٥٤/٢٨.

٣. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ٢٠٢، بحار الأنوار: ٩٦/٢٩١/١٣.

٤. كذا في المصدر، وفي بحار الأنوار «سيحبس»، وفي مستدرک الوسائل: ٧/٣٧٢/٨٤٤٧ «يحبس»، وفي عدة

الداعي «يستنجس».

را در روزهای روزه‌داری‌ات به خدا بخشنده باشی و دلت را برای او خالی ساخته و جان خویش را در آنچه فرمانت داده و به آن فرا خوانده است، بخشیده باشی.

پس، هر گاه همه اینها را انجام دادی، تو روزه‌دار واقعی برای خدایی و آنچه فرموده، ادا کرده‌ای؛ و از آنچه برایت بیان کردم، هر چه بکاهی، به همان مقدار، از [فضیلت] روزه‌ات کاسته شده است.

۳۰۷. مصباح الشریعة - منسوب به امام صادق علیه السلام - : وقتی روزه گرفتی، با روزه‌ات، باز داشتن نفس را از شهوت‌ها و بریدن همت را از گام‌های شیطان، نیت کن و خویش را چون بیماری قرار ده که اشتها یی به هیچ غذا و نوشیدنی‌ای ندارد، و هر لحظه چشم امید به شفا از بیماری گناهان بدوز و درونت را از هر تیرگی و غفلت و تاریکی‌ای که تو را از اخلاص برای خدای متعال باز می‌دارد، پاک ساز.

۳۰۸. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : خداوند در روزه، بر عهده هر عضوی حقی قرار داده است. پس، هر که حق اعضا را ادا کند، روزه‌دار است و هر که چیزی از آنها را واگذارد، به همان اندازه که ترک کرده، از فضیلت روزه‌اش کاسته است.

۳۰۹. سعد السعود : از سنت‌های ادريس علیه السلام است که: «چون وارد روزه شدید، جان‌هایتان را از هر آلودگی و پلیدی‌ای پاک سازید، و با دل‌های خالص، صاف و پاک از اندیشه‌های بد و خطورات ناپسند، برای خدا روزه بگیرید؛ همانا خداوند، دل‌های آلوده و نیت‌های خراب را تباه می‌سازد. و همراه با روزه بودن دهان‌هایتان از خوردنی‌ها، اعضایتان هم از گناهان، روزه باشند؛ چرا که خداوند از این که تنها از غذاها روزه‌دار باشید، از شما خشنود

وَالْفَوَاحِشِ بِأَسْرِهَا.^١

انظر: ص ٢٧٨ (ما لا ينبغي للصائم).

٢/١

مَا يَنْبَغِي قَبْلَ الصَّيَامِ

أ - السَّحُور

٣١٠. رسول الله ﷺ: السَّحُورُ بَرَكَةٌ.^٢

٣١١. عنه ﷺ: تَسَحَّرُوا؛ فَإِنَّ فِي السَّحُورِ بَرَكَةً.^٣

٣١٢. عنه ﷺ: تَسَحَّرُوا مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ؛ وَهُوَ الْغَدَاءُ الْمُبَارَكُ.^٤

٣١٣. عنه ﷺ: عَلَيْكُمْ بِغَدَاءِ السَّحُورِ؛ فَإِنَّهُ هُوَ الْغَدَاءُ الْمُبَارَكُ.^٥

٣١٤. سنن أبي داود عن العزباض بن سارية: دَعَانِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى السَّحُورِ فِي

مَرْكَزِ تَحْقِيقِ كُتُبِ تَرْوِيعِ عِلْمِ

١. سعد السعدي: ٣٩، عذّة الداعي: ١٦٨ وفيه إلى «المدخولة»، بحار الأنوار: ١٧/٢٩٣/٩٦ وج ١١/٢٨٣/١١.

٢. قال ابن الأثير في النهاية: وفيه (أي الحديث) ذكر «السحور» مكرراً في غير موضع، وهو بالفتح اسم ما يُتَسَحَّرُ به من الطعام والشراب، وبالضم المصدر والفعل نفسه. وأكثر ما يُروى بالفتح، وقيل: إن الصواب بالضم؛ لأنه بالفتح طعام، والبركة والأجر والثواب في الفعل لا في الطعام (النهاية: ٢/٣٤٧).

٣. الكافي: ٣/٩٥/٤، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٨/٥٦٨ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٣٥/١٩٥٧، مصباح المتهجد: ٦٢٦، بحار الأنوار: ٩٦/٣١٠/٢؛ مسند أبي يعلى: ٦/٥٨/٦٤١٦، كنز العمال: ٨/٥٢٦/٢٣٩٧٧ نقلاً عن الديلمي وكلاهما عن أبي هريرة.

٤. صحيح البخاري: ٢/٦٧٩/١٨٢٣، صحيح مسلم: ٢/٧٧٠/٤٥، سنن الترمذي: ٣/٨٨/٧٠٨، سنن ابن ماجه: ١/٥٤٠/١٦٩٢، السنن الكبرى: ٤/٣٩٨/٨١١٣ كلها عن أنس، كنز العمال: ٨/٥٢٤/٢٣٩٦٦؛ عوالي اللآلي: ١/١٠٤/٣٨ عن ابن مسعود، بحار الأنوار: ٦٢/٢٩٢.

٥. مسند الشاميين: ٣/٩٠/١٨٥٣ عن أبي الدرداء، تاريخ دمشق: ٥٢/١٣٨/١٠٩٥٦ عن أنس وفيه «تسحروا فإنه الغداء المبارك»، كنز العمال: ٨/٥١١/٢٣٨٩٠.

٦. سنن النسائي: ٤/١٤٦، مسند الشاميين: ٢/١٧١/١١٣٠ كلاهما عن المقدم بن معديكرب، كنز العمال: ٨/٥٢٤/٢٣٩٦٢.

نمی‌شود؛ لیکن از همه زشتی‌ها و ناپسندی‌ها پرهیز کنید».

ر.ک: ص ۲۷۹ (آنچه برای روزه‌دار، سزاوار نیست).

۲/۱

آنچه پیش از روزه گرفتن، سزاوار است

الف - خوردن سحری

۳۱۰. پیامبر خدا ﷺ: خوردن سحری، برکت است.
۳۱۱. پیامبر خدا ﷺ: سحری بخورید، که در سحری، برکت است.
۳۱۲. پیامبر خدا ﷺ: آخر شب، سحری بخورید و آن، غذای بابرکتی است.
۳۱۳. پیامبر خدا ﷺ: غذای سحری بخورید؛ چرا که غذای بابرکتی است.
۳۱۴. سنن ابی داوود - به نقل از عریاض بن ساریه - : پیامبر خدا، مرا در رمضان به

رَمَضَانَ، فَقَالَ: «هَلُمَّ إِلَى الْغَدَاءِ الْمُبَارَكِ».^١

٣١٥. رسول الله ﷺ: لَا تَدْعُ أُمَّيَّ السَّحُورَ وَلَوْ عَلَى حَشْفَةٍ.^٢

٣١٦. عنه ﷺ: تَسَحَّرُوا وَلَوْ بِجُرْعِ الْمَاءِ، أَلَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى الْمُتَسَحِّرِينَ!^٣

٣١٧. عنه ﷺ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَصُومَ فَلْيَتَسَحَّرْ بِشَيْءٍ.^٤

٣١٨. عنه ﷺ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُتَسَحِّرِينَ.^٥

٣١٩. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الْمُتَسَحِّرِينَ.^٦

٣٢٠. عنه ﷺ: السَّحُورُ أَكْلُهُ بَرَكَةٌ؛ فَلَا تَدْعُوهُ وَلَوْ أَنْ يَجْرَعَ أَحَدُكُمْ جُرْعَةً مِنْ مَاءٍ؛

فَإِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الْمُتَسَحِّرِينَ.^٧

١. سنن أبي داود: ٢٣٤٤/٣٠٣/٢، سنن النسائي: ١٤٥/٤، مسند ابن حنبل: ١٧١٤٣/٨٣/٦، صحيح

ابن حبان: ٣٤٦٥/٢٤٤/٨، صحيح ابن خزيمة: ١٩٣٨/٢١٤/٣، السنن الكبرى: ٨١١٦/٣٩٨/٤،

المعجم الكبير: ٨٢٨/٢٥٢/١٨، كنز العمال: ٢٣٩٦٣/٥٢٤/٨.

٢. الكافي: ٣/٩٥/٤، تهذيب الأحكام: ٥٦٨/١٩٨/٤، كلاهما عن السكوني، الإقبال: ١٨٥/١ وكلها عن

الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٩٥٧/١٣٥/٢، مصباح المتهجد: ٦٢٦، بحار

الأنوار: ٣/٣٤٣/٩٧.

٣. تهذيب الأحكام: ٥٦٦/١٩٨/٤، مصباح المتهجد: ٦٢٦، الإقبال: ١٨٥/١، كلها عن عمرو بن جميع،

المقنعة: ٣١٦، كلها عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام، بحار الأنوار: ٣/٣٤٤/٩٧، كنز العمال:

٢٣٩٧٤/٥٢٥/٨، نقلاً عن ابن النجار عن أبي سويد.

٤. مسند ابن حنبل: ١٤٩٥٥/١٥٦/٥، المصنف لابن أبي شيبة: ٤/٢٢٦/٢، مسند أبي يعلى:

٢٣٩٦٥/٥٢٤/٨، كنز العمال: ٢٣٩٦٥/٥٢٤/٨.

٥. التاريخ الكبير (كتاب الكنى): ٣٥٠/٤٠/٨، أسد الغابة: ١٥٦/٦، المعجم الكبير: ٨٢٥/٣٣٧/٢٢، وفيه «إنَّ

النبي ﷺ صَلَّى عَلَى الْمُتَسَحِّرِينَ» وكلها عن أبي سويد، كنز العمال: ٢٣٩٧٩/٥٢٦/٨.

٦. صحيح ابن حبان: ٣٤٦٧/٢٤٦/٨، المعجم الأوسط: ٦٤٣٣/٢٨٧/٦، حلية الأولياء: ٣٢٠/٨، كلها عن

ابن عمر، كنز العمال: ٢٣٩٨٤/٥٢٦/٨، نقلاً عن أبي محمد الجوهري في أماليه وزاد في صدره «نعم غداء

المؤمن السحور» وص ٢٣٩٥٩/٥٢٣.

٧. مسند ابن حنبل: ١١٠٨٦/٢٦/٤، وص ١١٣٩٦/٨٨، كلاهما عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال:

٢٣٩٥٧/٥٢٣/٨.

سحری دعوت کرد و فرمود: «بیا، غذای بابرکت بخور».

۳۱۵. پیامبر خدا ﷺ: امت من، سحری را ترک نکنند، هر چند با یک خرما باشد.

۳۱۶. پیامبر خدا ﷺ: سحری بخورید، هر چند که یک جرعه آب باشد. هلا! درودهای

خدا بر سحری خوران!

۳۱۷. پیامبر خدا ﷺ: هر که می‌خواهد روزه بگیرد، چیزی (مقداری) سحری بخورد.

۳۱۸. پیامبر خدا ﷺ: خداوند! بر سحری خوران، درود فرست!

۳۱۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند و فرشتگانش، بر سحری خوران درود می‌فرستند.

۳۲۰. پیامبر خدا ﷺ: سحری خوردن، برکت است. پس، آن را ترک نکنید، هر چند به

این باشد که یکی از شما جرعه‌ای آب بنوشد؛ چرا که خدای متعال و

فرشتگانش، بر سحری خوران درود می‌فرستند.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

٣٢١. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى الْمُسْتَغْفِرِينَ
وَالْمُتَسَحِّرِينَ بِالْأَسْحَارِ؛ فَلْيَتَسَحَّرْ أَحَدُكُمْ وَلَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ.^١

٣٢٢. عنه عليه السلام: تَعَاوَنُوا بِأَكْلِ السَّحُورِ عَلَى صِيَامِ النَّهَارِ، وَبِالنَّوْمِ عِنْدَ الْقِيلُولَةِ عَلَى
قِيَامِ اللَّيْلِ.^٢

٣٢٣. الكافي عَنْ أَبِي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّحُورِ لِمَنْ أَرَادَ
الصَّوْمَ، أَوَاجِبٌ هُوَ عَلَيْهِ؟

فَقَالَ: «لَا بَأْسَ بِالْأَيَّامِ الَّتِي تَتَسَحَّرُ فِيهَا شَاءَ، وَأَمَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ أَنْ
يَتَسَحَّرَ، نَحِبٌ أَلَّا يُتْرَكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ».^٣

٣٢٤. كتاب من لا يحضره الفقيه: سَأَلَ سَمَاعَةَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ السَّحُورِ لِمَنْ أَرَادَ
الصَّوْمَ، فَقَالَ:

أَمَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ الْفَضْلَ فِي السَّحُورِ وَلَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ، وَأَمَّا فِي
التَّطَوُّعِ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَسَحَّرَ فَلْيَفْعَلْ، وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَا بَأْسَ.^٤

١. كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/ ١٣٦/ ١٩٦١، المقنع: ٢٠٤ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام، المقنعة: ٣١٦، الأمالي
للطوسي: ١٠٩٠/ ٤٩٧ عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الإقبال: ١٨٥/ ١ عن
الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ١١/ ٣١٣/ ٩٦.

٢. تهذيب الأحكام: ٤/ ١٩٩/ ٥٧١ عن رفاعه بن موسى عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام، كتاب من لا يحضره
الفقيه: ٢/ ١٣٦/ ١٩٦٠، المقنعة: ٣١٦، فضائل الأشهر الثلاثة: ٧٢/ ٩٢ عن رفاعه عن الإمام الصادق عليه السلام
عنه عليه السلام وليس فيه «عند القيلولة»، الأمالي للطوسي: ١٠٨٩/ ٤٩٧ عن رفاعه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام
عنه عليه السلام وفيه «بالقائلة» بدل «بالنوم عند القيلولة»، بحار الأنوار: ٦/ ٣١٢/ ٩٦؛ مسنن ابن ماجه:
١/ ٥٤٠/ ١٦٩٣، المستدرک علی الصحيحین: ١/ ٥٨٨/ ١٥٥١ كلاهما عن ابن عباس وفيهما «استعينوا»
بدل «تعاونوا»، كنز العمال: ٨/ ٥٢٣/ ٢٣٩٥٦.

٣. الكافي: ٤/ ٩٤/ ١، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/ ١٣٦/ ١٩٥٩.

٤. كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/ ١٣٥/ ١٩٥٨، الكافي: ٤/ ٩٤/ ٢، تهذيب الأحكام: ٤/ ١٩٧/ ٥٦٥
وص ٩٥٢/ ٣١٤، مصباح المتعبد: ٦٢٦ كلها مضمراً.

۳۲۱. پیامبر خدا ﷺ: خداوند متعال و فرشتگانش، بر آنان که در سحرها استغفار می‌کنند و سحری می‌خورند، درود می‌فرستند. پس، هر یک از شما سحری بخورد، هر چند که جرعه‌ای آب باشد.

۳۲۲. پیامبر خدا ﷺ: با سحری خوردن، روزه‌داری روز را و با خواب قیلوله (نیم‌روز)، شب‌زنده‌داری را یاری کنید.

۳۲۳. الکافی - به نقل از ابو بصیر - : از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا برای کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، سحری خوردن واجب است؟

فرمود: «اشکالی ندارد که اگر خواست، سحری نخورد؛ ولی در ماه رمضان، بهتر است که سحری بخورد. دوست داریم که در ماه رمضان، سحری خوردن ترک نشود».

۳۲۴. کتاب من لایحضره الفقیه: سماعه از امام صادق علیه السلام درباره سحری خوردن کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، پرسید.

فرمود: «اما در ماه رمضان، بهتر است که سحری خورده شود، هر چند که جرعه‌ای آب باشد؛ و اما در روزه مستحب، هر کس دوست دارد، سحری بخورد و هر کس هم نخورد، اشکالی ندارد».

۳۲۵. امام صادق علیه السلام : برای بنده، مستحب است که سحری خوردن را ترک نکند.

۳۲۶. المقنعة : سحری خوردن در ماه رمضان، مستحب است و فضیلت بسیار دارد؛ چون به روزه‌داری کمک می‌کند و در این کار، مخالفت با یهود و اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله است. از آل محمد علیهم السلام روایت شده که فرموده‌اند: «سحری خوردن مستحب است، هر چند که جرعه‌ای آب باشد».

ب - برترین سحری

۳۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خرما، سحری خوبی برای مؤمن است.

۳۲۸. امام علی علیه السلام : از بهترین سحری‌های روزه‌دار، سویق^۱ و خرماست.

۳۲۹. امام صادق علیه السلام : بهترین سحری‌های شما، سویق و خرماست.

۳۳۰. تهذیب الأحکام - به نقل از جابر - شنیدم که امام باقر علیه السلام می‌فرمود: «پیامبر خدا با دو چیز سیاه، افطار می‌کرد».

گفتم: خدا رحمت کند! دو سیاه کدام‌اند؟

فرمود: «خرما و آب، و کشمش و آب، و نیز با این دو، سحری می‌خورد».

٣٣١. المقنعة: رُوِيَ أَنَّ أَفْضَلَ [أَيِ السَّحُورِ] التَّمْرُ وَالسَّوِيقُ؛ لِمَوْضِعِ اسْتِعْمَالِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ذَلِكَ فِي سَحُورِهِ مِنْ بَيْنِ أَصْنَافِ الطَّعَامِ.^١

ج - قِرَاءَةُ سُورَةِ الْقَدْرِ عِنْدَ السَّحُورِ

٣٣٢. الإمام الصادق عليه السلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ صَامٍ فَقَرَأَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» عِنْدَ سَحُورِهِ وَعِنْدَ إِفْطَارِهِ، إِلَّا كَانَ فِيمَا بَيْنَهُمَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^٢

٣/١

طَائِفَةُ الصَّائِمِينَ

أ - السَّوَاكُ

٣٣٣. رسول الله ﷺ: مِنْ خَيْرِ خِصَالِ الصَّائِمِ السَّوَاكُ.^٣

٣٣٤. عنه عليه السلام: إِذَا صُمْتُمْ فَاسْتَاكُوا بِالْفَدَاةِ وَلَا تَسْتَاكُوا بِالْعِشِيِّ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ صَائِمٍ تَبَيَّسَ شَفَتَاهُ بِالْعِشِيِّ إِلَّا كَانَ نَوْرًا تَبَيَّنَ عَيْنِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^٤

ب - الطَّيِّبُ

٣٣٥. رسول الله ﷺ: تُحَفُّهُ الصَّائِمِ الدُّهْنُ وَالْمِجْمَرُ.^٥

١. المقنعة: ٣١٦.

٢. الإقبال: ١٨٥/١ عن أبي يحيى الصنعاني.

٣. سنن ابن ماجه: ١٦٧٧/٥٣٦/١، السنن الكبرى: ٨٣٢٦/٤٥٢/٤، المعجم الأوسط: ٨٢٢٠/٢٠٩/٨ وص ٨٥٢٦/٢٤٤، الفردوس: ١٨٢/٢/٢٩٢٠، كنها عن عائشة، كنز العمال: ٥٠٧/٨/٢٣٨٦١.

٤. المعجم الكبير: ٣٦٩٦/٧٨/٤، الفردوس: ١/٢٧٣/١٠٦٤، كلاهما عن خباب، سنن الدارقطني: ٧/٢٠٤/٢، السنن الكبرى: ٨٣٣٦/٤٥٥/٤، كلاهما عن يزيد بن بلال عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ٢٣٨٥٩/٥٠٦/٨، مكارم الأخلاق: ١/١١٤/٢٤٠، بحار الأنوار: ٤٨/١٣٥/٧٦.

٥. سنن الترمذي: ٨٠١/١٦٤/٣، المعجم الكبير: ٢٧٥١/٨٩/٣، شعب الإيمان: ٣/٢٢١/٣٩٥٩، كلاهما عن عمير بن مأمون عن الإمام الحسن عليه السلام وح ٣٩٥٨ عن أبي معاوية عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ٢٥٨٦٨/٢٤٧/٩، كشف الغمّة: ٢/٢٤٣ عن الإمام الحسين عليه السلام.

۳۳۱. المقنعة: روایت شده که بهترین سحری‌ها، خرما و سویق است؛ چون پیامبر خدا در سحری خود، در میان انواع غذاها، از آنها استفاده می‌کرد.

ج - خواندن سورة قدر، هنگام خوردن سحری

۳۳۲. امام صادق علیه السلام: هیچ مؤمنی نیست که روزه بگیرد و هنگام سحری و افطارش سورة «إنا أنزلناه» بخواند، مگر آن که در فاصله بین آن دو (سحری و افطار) همچون کسی باشد که در راه خدا به خون خویش آغشته شده است.

۳/۱

آنچه برای روزه‌دار، شایسته است

الف - مسواک زدن

۳۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسواک زدن، از بهترین کارهای روزه‌دار است.

۳۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون روزه گرفتید، صبح، مسواک بزنید و شب، مسواک نزنید؛ چون هیچ روزه‌داری نیست که شب، لب‌هایش خشک شود، مگر آن که روز قیامت، نوری پیشاپیش او خواهد بود.

ب - عطر زدن

۳۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هدیه روزه‌دار، روغن و میجر^۱ است.

۱. میجر: عود و غیر آن که بخور داده می‌شود. مقصود از روغن، روغنی است که به بدن و مو می‌زنند.

٣٣٦. الإمام الحسن عليه السلام: تُحَفُّ الصَّائِمُ أَنْ يُدْهَنَ لِحْيَتُهُ وَيُجَمَّرَ ثَوْبُهُ، وَتُحَفُّ الْمَرَأَةُ الصَّائِمَةِ أَنْ تُمَسَّطَ رَأْسُهَا وَتُجَمَّرَ ثَوْبُهَا.^١

٣٣٧. الكافي عن الحسن بن راشد: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا صَامَ تَطَيَّبَ بِالطَّيِّبِ، وَيَقُولُ: «الطَّيِّبُ تُحَفُّ الصَّائِمُ».^٢

٣٣٨. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَطَيَّبَ بِطَيِّبٍ أَوَّلَ النَّهَارِ وَهُوَ صَائِمٌ لَمْ يَفْقَدْ عَقْلَهُ.^٣

ج - الزينة

٣٣٩. المعجم الكبير عن عبدالله بن مسعود: أَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم أَنْ أَصْبِحَ يَوْمَ صَوْمِي^٤ ذَهِيْنًا مَتَرَجِّلًا، وَلَا تُصْبِحَ يَوْمَ صَوْمِكَ عَبُوسًا.^٥

د - القيلولة

٣٤٠. رسول الله صلى الله عليه وسلم: أَرْبَعٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ قَوِيَ عَلَى صِيَامِهِ: أَنْ يَكُونَ أَوَّلَ فِطْرِهِ عَلَى مَاءٍ... وَلَا يَدْعَ الْقَائِلَةَ.^٦

٣٤١. الإمام الكاظم عليه السلام: قِيلُوا: فَإِنَّ اللَّهَ يُطْعِمُ الصَّائِمَ وَيَسْقِيهِ فِي مَنَامِهِ.^٧

وانظر: ص ٢٧٠، ح ٣٢٢.

١. الخصال: ٨٦/٦١ عن عمير بن مأمون، بحار الأنوار: ٢/٢٨٩/٩٦.

٢. الكافي: ٣/١١٣/٤، تهذيب الأحكام: ٧٩٩/٢٤٥/٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٧٢/١١٢/٢، الخصال: ٨٦/٦٢، بحار الأنوار: ٨٩/٥٤/٤٧.

٣. كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٠٤/٨٦/٢، ثواب الأعمال: ١/٧٧ عن يونس بن يعقوب، الدعوات: ١٩٦/٧٩، بحار الأنوار: ٩/٢٩٠/٩٦.

٤. في كنز العمال «أصبح يوم صومك»، وهو الأنسب.

٥. المعجم الكبير: ١٠٠٢٨/٨٤/١٠، كنز العمال: ٤٣٤٥٩/٨٦٩/١٥.

٦. الفردوس: ١/٣٧١/١٤٩٦، كنز العمال: ٢٣٩٧١/٥٢٥/٨، نقلاً عن الحاكم في تاريخه وكلاهما عن أنس.

٧. الكافي: ١٤/٦٥/٤، ثواب الأعمال: ٥/٧٥، فضائل الأشهر الثلاثة: ١٢٠/١٢١، كلها عن الحسن بن صدقة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٧٨٢/٧٦/٢، ج ١/١٤٤٧/٥٠٣، بحار الأنوار: ٨/٢٩٠/٩٦.

۳۳۶. امام حسن علیه السلام : هدیه مرد روزه‌دار، آن است که محاسن خود را روغن بزند و جامه‌اش را معطر سازد؛ و هدیه زن روزه‌دار، آن است که مویش را شانه بزند و جامه‌اش را معطر سازد.

۳۳۷. الکافی - به نقل از حسن بن راشد - : امام صادق علیه السلام ، وقتی روزه می‌گرفت، خود را با عطر خوش‌بو می‌ساخت و می‌فرمود: «بوی خوش، هدیه روزه‌دار است».

۳۳۸. امام صادق علیه السلام : هر کس که روزه‌دار است، اگر اول روز عطر بزند، عقلش را از دست نمی‌دهد.

ج - زیفت کردن

۳۳۹. المعجم الکبیر - به نقل از عبد الله بن مسعود - : پیامبر خدا، مرا سفارش کرد که روزی را که روزه می‌گیرم، روغن زده و شانه‌زده باشم، و این که: «در روز روزه‌داری‌ات، عبوس نباش».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

د - خواب نیم‌روز

۳۴۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چهار کار است که هر کس آنها را انجام دهد، بر روزه‌داری، نیرو می‌گیرد: آغاز افطارش با آب باشد... و خواب قیلوله (نیم‌روز) را ترک نکند.

۳۴۱. امام کاظم علیه السلام : در نیم‌روز بخوابید؛ به درستی که خداوند، روزه‌دار را در خوابش سیر و سیراب می‌کند.

٤/١

مَا لَا يَبْغِي لِلصَّائِمِ

أ - السَّفَرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ^١

٣٣٢ . الإمام علي عليه السلام: لَيْسَ لِلْعَبْدِ أَنْ يَخْرُجَ فِي سَفَرٍ إِذَا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ؛ لِقَوْلِ اللَّهِ ﷻ: ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾^٢.

٣٣٣ . تفسير العياشي عن الصباح بن سيابة: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ ابْنَ أَبِي يَعْفُورَ أَمَرَنِي أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ مَسَائِلَ.

فَقَالَ: «وَمَا هِيَ؟».

قَالَ: يَقُولُ لَكَ: إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَأَنَا فِي مَنْزِلِي أَلِيَّ أَنْ أَسَافِرَ؟
قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾، فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ شَهْرُ رَمَضَانَ وَهُوَ فِي أَهْلِهِ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُسَافِرَ إِلَّا لِحَاجٍّ، أَوْ عُمْرَةٍ، أَوْ فِي طَلَبِ مَالٍ يَخَافُ تَلَفَهُ»^٣.

٣٣٤ . الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَلِلَّهِ فِيهِ شَرْطٌ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾، فَلَيْسَ لِلرَّجُلِ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَّا فِي حَاجٍّ، أَوْ عُمْرَةٍ، أَوْ مَالٍ يَخَافُ تَلَفَهُ، أَوْ أَخٍ يَخَافُ هَلَاكَهُ، وَلَيْسَ لَهُ أَنْ

١ . من الواضح أَنَّ الحكم بکراهة السفر في شهر رمضان منصرف إلى ما كان ناقضاً لصومه من دون عذر أو غرض راجع على مصلحة الصوم في نفس الشهر المبارك، وعليه فيخرج من حكم الكراهة ما إذا كان السفر غير ناقض للصوم، أو كان ناقضاً ولكنه عن عذر لا بد منه كما يظهر من النصوص الآتية.

٢ . البقرة: ١٨٥.

٣ . الخصال: ١٠/٦١٤ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ١٠٤، بحار الأنوار: ٣/٣٢٢/٩٦.

٤ . تفسير العياشي: ١/٨٠/١٨٦، بحار الأنوار: ١٤/٣٢٤/٩٦.

۴/۱

آنچه برای روزه‌دار، سزاوار نیست

الف - مسافرت در ماه رمضان^۱

۳۴۲. امام علی علیه السلام: سزاوار نیست وقتی که ماه رمضان می‌رسد، بنده به سفر برود؛ چون خداوند فرموده است: «پس، هر کس از شما این ماه را شاهد بود، آن را روزه بگیرد».

۳۴۳. تفسیر العیاشی - به نقل از صباح بن سیتابه - : به امام صادق علیه السلام گفتم: ابن ابی یعفور، مرا فرمان داده تا از شما مسائلی را بپرسم. فرمود: «آنها چیستند؟».

[گفتم:] می‌گویند: اگر ماه رمضان وارد شد و من در خانه‌ام بودم، آیا می‌توانم مسافرت کنم؟

فرمود: «خداوند می‌فرماید: «پس، هر کس از شما این ماه را شاهد بود، آن را روزه بگیرد». پس، هر کس که ماه رمضان بر او وارد شود و او در میان خانواده‌اش باشد، نمی‌تواند مسافرت برود، مگر برای حج یا عمره یا در طلب مالی که می‌ترسد تلف شود»^۲.

۳۴۴. امام صادق علیه السلام: وقتی ماه رمضان وارد می‌شود، خداوند در آن شرطی دارد. خداوند فرموده است: «پس، هر کس از شما این ماه را شاهد بود، آن را روزه بگیرد». پس وقتی ماه رمضان وارد شد، شخص نمی‌تواند بیرون رود، مگر برای حج، یا عمره، یا مالی که بیم دارد تلف شود، یا برادری که می‌ترسد

۱. روشن است که حکم کراهت مسافرت در ماه رمضان، آن جاست که مسافر بدون عذر یا غرضی راجح بر مصلحت روزه ماه مبارک، روزه را بشکند. بنا بر این، اگر سفر، موجب نقض روزه‌اش نمی‌شود (مانند سفر کسانی که شغل آنها مسافرت است)، یا اگر موجب نقض روزه‌اش می‌شود، ولی از روی عذر است (آن چنان که از مباحث بعد، روشن می‌شود)، مسافرتش کراهت ندارد.

۲. علامه سید محمد حسین طباطبایی گویند: «این، استفاده‌ای لطیف برای یک حکم مستحب است، با تمسک به

يَخْرُجُ فِي إِتْلَافٍ مَالٍ أَخِيهِ، فَإِذَا مَضَتْ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ فَلْيَخْرُجْ حَيْثُ شَاءَ.^١

٣٣٥. الكافي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَهُوَ مُقِيمٌ لَا يُرِيدُ بَرَاحًا، ثُمَّ يَبْدُو لَهُ بَعْدَمَا يَدْخُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ أَنْ يُسَافِرَ؟ فَسَكَتَ، فَسَأَلْتُهُ غَيْرَ مَرَّةٍ.

فَقَالَ: «يُقِيمُ أَفْضَلَ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ حَاجَةٌ لَا بُدَّ مِنَ الْخُرُوجِ فِيهَا، أَوْ يَتَخَوَّفَ عَلَى مَالِهِ».^٢

٣٣٦. الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَخْرُجْ فِي رَمَضَانَ إِلَّا لِلْحَجِّ، أَوِ الْعُمْرَةِ، أَوْ مَالٍ تَخَافُ عَلَيْهِ الْقَوْتَ، أَوْ لِزَرْعٍ يَحِينُ حَصَادُهُ.^٣

٣٣٧. الكافي عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْخُرُوجِ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ؟ قَالَ: «لَا، إِلَّا فِيمَا أَخْبَرَكَ بِهِ: خُرُوجٌ إِلَى مَكَّةَ، أَوْ غَزْوٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ مَالٌ تَخَافُ هَلَاكَهُ، أَوْ أَخٌ تُرِيدُ وَدَاعَهُ، وَإِنَّهُ لَيْسَ أَخًا مِنَ الْأَبِّ وَالْأُمِّ».^٤

٣٣٨. تهذيب الأحكام عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَدْخُلُ عَلَيَّ شَهْرُ رَمَضَانَ فَأَصُومُ بَعْضَهُ، فَتَحْضُرُنِي نِسَاءُ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَأَزُورُهُ وَأُفْطِرُ ذَاهِبًا وَجَائِيًا، أَوْ أَقِيمُ حَتَّى أَفْطِرَ وَأَزُورَهُ بَعْدَمَا أَفْطِرُ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ؟

فَقَالَ: «أَقِمِ حَتَّى تُفْطِرَ».

قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَهُوَ أَفْضَلُ؟

١. تهذيب الأحكام: ٤/٢١٦/٢٦٦ عن علي بن أسباط عن رجل.

٢. الكافي: ٤/١٢٦/٢، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٣٩/١٩٦٩.

٣. تهذيب الأحكام: ٤/٣٢٧/١٠١٧ عن الحسين بن المختار.

٤. الكافي: ٤/١٢٦/١، تهذيب الأحكام: ٤/٣٢٧/١٠١٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٣٩/١٩٦٨.

هلاک گردد. نیز حق ندارد برای تلف کردن مال برادرش بیرون رود. پس چون شب بیست و سوم گذشت، می‌تواند هر جا که خواست، برود.

۳۴۵. الکافی - به نقل از حلبی - : از امام صادق علیه السلام دربارهٔ مردی پرسیدم که ماه رمضان وارد می‌شود و او در شهر خود است و قصد سفر ندارد. آن گاه پس از ورود ماه رمضان، تصمیم می‌گیرد که به مسافرت برود؟
امام علیه السلام ساکت ماند.

چند بار پرسیدم. فرمود: «بهتر، آن است که بماند، مگر این که نیازی باشد و چاره‌ای جز سفر برای آن نباشد، یا این که بر مال خویش بیمناک باشد».

۳۴۶. امام صادق علیه السلام : در رمضان جز برای حج یا عمره یا مالی که می‌ترسی از دست برود یا زراعتی که هنگام دروی آن رسیده است، مسافرت نرو.

۳۴۷. الکافی - به نقل از ابو بصیر - : از امام صادق علیه السلام دربارهٔ مسافرت، وقتی که ماه رمضان وارد شده باشد، پرسیدم.

فرمود: «نه، مگر در مواردی که می‌گویم: مسافرت به مکه، یا جهاد در راه خدا، یا مالی که می‌ترسی نابود شود، یا برادری که می‌خواهی با او خداحافظی کنی و او برادر پدر و مادری نیست».

۳۴۸. تهذیب الأحکام - به نقل از ابو بصیر - : به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! ماه رمضان بر من وارد می‌شود و بخشی از آن را روزه می‌گیرم. آن گاه تصمیم می‌گیرم به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروم. پس [آیا] او را زیارت کنم و روزه را در رفت و برگشت، افطار کنم، یا بمانم تا عید فطر را درک کنم و پس از آن که یکی دو روز از عید فطر گذشت، زیارتش کنم؟
فرمود: «بمان تا عید فطر شود».

به او گفتم: فدایت شوم! این، بهتر است؟

قَالَ: نَعَمْ، أَمَا تَقْرَأُ فِي كِتَابِ اللَّهِ: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ؟»^١.
 ٣٣٩. تهذيب الأحكام عن محمد بن الفضل البغدادي: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام:
 جَعَلْتُ فِدَاكَ! يَدْخُلُ شَهْرُ رَمَضَانَ عَلَى الرَّجُلِ فَيَقَعُ بِقَلْبِهِ زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ عليه السلام
 وَزِيَارَةُ أَبِيكَ بِبَغْدَادَ، فَيَقِيمُ فِي مَنْزِلِهِ حَتَّى يَخْرُجَ عَنْهُ شَهْرُ رَمَضَانَ ثُمَّ
 يَزُورُهُمْ، أَوْ يَخْرُجُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَيُفْطِرُ؟
 فَكَتَبَ عليه السلام: «لِشَهْرِ رَمَضَانَ مِنَ الْفَضْلِ وَالْأَجْرِ مَا لَيْسَ لِغَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ،
 فَإِذَا دَخَلَ فَهُوَ الْمَأْتُورُ»^٢.

ب - مَا يُؤَدِّي إِلَى الضَّعْفِ

٣٥٠. الإمام علي عليه السلام: لَا يَدْخُلُ الصَّائِمُ الْحَمَامَ، وَلَا يَحْتَجِمُ^٣.
 ٣٥١. الكافي: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ
 الْحَمَامَ وَهُوَ صَائِمٌ، فَقَالَ: «لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَخْشَ ضَعْفًا»^٤.
 ٣٥٢. تهذيب الأحكام عن سعيد الأعرج: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّائِمِ يَحْتَجِمُ؟
 فَقَالَ: «لَا بَأْسَ، إِلَّا أَنْ يَتَخَوَّفَ عَلَى نَفْسِهِ الضَّعْفَ»^٥.
 ٣٥٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ لَا يُعْرَضُ أَحَدُكُمْ نَفْسَهُ لَهُنَّ وَهُوَ صَائِمٌ: الْحِجَامَةُ،
 وَالْحَمَامُ، وَالْمَرَأَةُ الْحَسَنَاءُ^٦.

١. تهذيب الأحكام: ٩٦١/٣١٦/٤، بحار الأنوار: ٢٤/١١٦/١٠٠.

٢. تهذيب الأحكام: ١٩٨/١١٠/٦، بحار الأنوار: ٢٣/١١٥/١٠٠.

٣. جامع الأحاديث للقمي: ١٥٧ عن ابن مريم، بحار الأنوار: ٣٥٥/٨٩ وج ٣٠/٢٧٨/٩٦.

٤. الكافي: ٣/١٠٩/٤، تهذيب الأحكام: ٧٧٩/٢٦١/٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٧٣/١١٣/٢.

٥. تهذيب الأحكام: ٧٧٤/٢٦٠/٤، الاستبصار: ٢٨٧/٩٠/٢.

٦. النواحر للراوندي: ٤٦٧/٢٢٩ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الجعفریات: ٦٢ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

فرمود: «آری؛ آیا در کتاب خدا نمی‌خوانی که: ﴿پس، هر کس از شما این ماه را شاهد بود، آن را روزه بگیرد﴾؟»

۳۴۹. تهذیب الأحکام - به نقل از محمد بن فضل بغدادی - : به امام عسکری علیه السلام نامه نوشتم که: فدایت شوم! ماه رمضان بر کسی وارد می‌شود. از دلش می‌گذرد که به زیارت امام حسین علیه السلام و زیارت پدرت در بغداد برود. آیا در خانه‌اش بماند تا پس از پایان یافتن ماه رمضان به زیارت آنان برود، یا در ماه رمضان به مسافرت برود و روزه‌اش را افطار کند؟

امام علیه السلام چنین نوشت: «برای ماه رمضان، فضیلت و پاداشی است که ماه‌های دیگر ندارند. پس وقتی وارد شد، همان برگزیده می‌شود».^۱

ب - آنچه به ضعف می‌انجامد

۳۵۰. امام علی علیه السلام : روزه‌دار، وارد حمام نشود و حجامت نکند.

۳۵۱. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم - : از امام باقر علیه السلام درباره کسی پرسیدند که وارد حمام می‌شود، در حالی که روزه است. فرمود: «تا وقتی که بیم ضعف نداشته باشد، بی‌اشکال است».

۳۵۲. تهذیب الأحکام - به نقل از سعید أعرج - : از امام صادق علیه السلام پرسیدم: روزه‌دار، حجامت می‌کند؟ فرمود: «اشکالی ندارد، مگر این که بر خویش بترسد که ضعیف شود».

۳۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه چیز است که هر یک از شما روزه‌دار بود، خود را در معرض آنها قرار ندهد: حجامت، حمام و زن زیبا.

۱. علامه مجلسی در ذیل این دو حدیث می‌گوید: «این دو روایت، دلالت دارد که خوردن روزه به خاطر زیارت آنان، مطلوب نیست، در حالی که روایاتی در ترغیب به افطار برای آنچه کم‌فضیلت‌تر از آن است، وارد شده است. مثل: تشییع مؤمن یا استقبال از او. از سوی دیگر، به زیارت امام حسین علیه السلام در شب‌های قدر و شب‌های دیگر این ماه، تشویق شده و این زیارت برای بیشتر مردم جز با افطار روزه، عملی نیست و بعید نیست که بشود آن دو روایت را بر تقیه حمل کرد و خدا دانای‌تر است» (ر.ک: بحار الأنوار: ۱۱۶/۱۰۰).

٣٥٤. الإمام الصادق عليه السلام: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَحْتَجِمَ الصَّائِمُ إِلَّا فِي رَمَضَانَ؛ فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُغَرَّرَ بِنَفْسِهِ إِلَّا أَنْ يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ، وَإِنَّا إِذَا أَرَدْنَا الْحِجَامَةَ فِي رَمَضَانَ احْتَجَمْنَا لَيْلًا.^١

ج - مَا يُمَكِّنُ أَنْ يُؤَدَّى إِلَى نَقْضِ الصَّوْمِ

٣٥٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ، ثُمَّ كَرِهَتْهُنَّ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِي وَاتِّبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي^٢: الرَّفَثُ فِي الصَّوْمِ.^٣

٣٥٦. تهذيب الأحكام عن الأصبغ بن نباتة: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَقْبَلُ وَأَنَا صَائِمٌ؟

فَقَالَ لَهُ: «عِفَّ صَوْمَكَ؛ فَإِنْ بَدَأَ الْقِتَالِ اللَّطَامُ».^٤

٣٥٧. الكافي: عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ يَمَسُّ مِنَ الْمَرَأَةِ شَيْئًا، أَيُفْسِدُ ذَلِكَ صَوْمَهُ أَوْ يَنْقُضُهُ؟

فَقَالَ: «إِنَّ ذَلِكَ يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ الشَّابِّ مَخَافَةَ أَنْ يَسْبِقَهُ الْمَنِيُّ».^٥

١. عنه عليه السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١١٥/٣٩/٢ عن أحمد بن عامر الطائفي وأحمد بن عبد الله الهروي وداود بن سليمان الفراء، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ١٣٢/٢٢٣ كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ٢٧٧/٩٦/٢٧؛ الفردوس: ٢٥٠٠/٩٤/٢ عن أبي أمانة وزاد فيه «والنظر إلى» بعد «الحمام».

٢. تهذيب الأحكام: ٧٧٦/٢٦٠/٤، الاستبصار: ٢٨٩/٩١/٢ كلاهما عن عبد الله بن سنان، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٦٣/١٠٩/٢ وليس فيه صدره إلى «يخاف على نفسه».

٣. في كتاب من لا يحضره الفقيه: «أحدها الرفث...».

٤. الكافي: ١١/٨٩/٤، تهذيب الأحكام: ٥٥٩/١٩٥/٤ كلاهما عن إسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٥٦/١٠٨/٢ وانظر الخصال: ١٩/٣٢٧ والمحاسن: ٣١/٧٣/١ والجعفریات: ٣٧.

٥. تهذيب الأحكام: ٨٢٢/٢٧٢/٤، الاستبصار: ٢٥٢/٨٢/٢، علل الشرايع: ١/٣٨٦، بحار الأنوار: ٥/٢٨٩/٩٦.

٥. الكافي: ١/١٠٤/٤.

۳۵۴. امام صادق علیه السلام: اشکالی ندارد که روزه‌دار حجامت کند، مگر در [ماه] رمضان. همانا من خوش ندارم که او خود را به زیان افکند، مگر آن که بر جان خویش بترسد [و برای درمان، حجامت کند]. ما هر گاه در [ماه] رمضان بخواهیم حجامت کنیم، شب، حجامت می‌کنیم.

ج - آنچه ممکن است به شکستن روزه بینجامد

۳۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، شش کار را برای من خوش نداشت. من هم آنها را برای اوصیای خود که فرزندانم هستند و پیروانشان پس از خویش، خوش ندارم، از جمله: آمیزش جنسی در هنگام روزه را.

۳۵۶. تهذیب الأحکام - به نقل از اصبع بن نباته - : مردی خدمت امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! آیا در حال روزه می‌توانم ببوسم؟ به او فرمود: «روزه‌ات را پاک بدار؛ همانا آغاز جنگ، با سیلی است.»

۳۵۷. الکافی - به نقل از حلبی - : از امام صادق علیه السلام دربارهٔ مردی [روزه‌دار] پرسیدند که زن را اندکی لمس می‌کند: آیا این کار، روزه‌اش را خراب می‌کند و یا می‌شکند؟

فرمود: «این کار برای مرد جوان، مکروه است. بیم آن است که منی از او بیاید.»

٣٥٨. الكافي عن منصور بن حازم: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَا تَقُولُ فِي الصَّائِمِ يُقْبَلُ الْجَارِيَةُ وَالْمَرْأَةُ؟

فَقَالَ: «أَمَّا الشَّيْخُ الْكَبِيرُ مِثْلِي وَمِثْلَكَ فَلَا بَأْسَ، وَأَمَّا الشَّابُّ الشَّيْقُ فَلَا؛ لِأَنَّهُ لَا يُؤْمَنُ، وَالْقُبْلَةُ إِحْدَى الشَّهَوَتَيْنِ»^١.

٣٥٩. تهذيب الأحكام عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ رَجُلٍ كَلَّمَ امْرَأَتَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَهُوَ صَائِمٌ؟

فَقَالَ: «لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ... وَلَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَعَرَّضَ لِرَمَضَانَ»^٢.

٣٦٠. رسول الله ﷺ: إِذَا تَوَضَّأْتَ فَأَبْلِغِ الْإِسْتِنْشَاقَ مَا لَمْ تَكُ صَائِمًا^٣.

٣٦١. عنه ﷺ: أَسْبِغِ الْوُضُوءَ... وَابْلِغْ فِي الْإِسْتِنْشَاقِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِمًا^٤.

مركز تحقيقات مكتبة نور علوم و معارف

د- رواية الشعر

٣٦٢. تهذيب الأحكام عن حماد بن عثمان: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «يُكْرَهُ رِوَايَةُ الشَّعْرِ لِلصَّائِمِ وَلِلْمُحْرَمِ، وَفِي الْحَرَمِ وَفِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، وَأَنْ يَرُويَ بِاللَّيْلِ».

قُلْتُ: وَإِنْ كَانَ شِعْرٌ حَقٌّ؟

قَالَ: «وَإِنْ كَانَ شِعْرٌ حَقٌّ»^٥.

١. الكافي: ٣/١٠٤/٤.

٢. تهذيب الأحكام: ٨٢٤/٢٧٢/٤، الاستبصار: ٢٥٤/٨٣/٢.

٣. مسند ابن حنبل: ١٦٣٨٣/٥١٨/٥، السنن الكبرى للنسائي: ٣٠٤٧/١٩٨/٢ كلاهما عن لقيط بن صبرة.

٤. سنن أبي داود: ١٤٢/٣٦/١، سنن الترمذي: ٧٨٨/١٥٥/٣، سنن النسائي: ٦٦/١، سنن ابن ماجه:

١/١٤٢/٤٠٧، مسند ابن حنبل: ١٧٨٤٣/٢٥٦/٦، المستدرک علی الصحیحین: ٥٢٥/٢٤٩/١، السنن

الكبرى: ١/١٢٣/٣٥٩ كلها عن لقيط بن صبرة، كنز العمال: ٢٦١٢٩/٣٠٥/٩.

٥. تهذيب الأحكام: ٥٥٨/١٩٥/٤، مصباح المتهجد: ٦٢٧.

۳۵۸. الکافی - به نقل از منصور بن حازم - : به امام صادق علیه السلام گفتم: درباره روزه‌داری که کنیز یا زنش را می‌بوسد، چه می‌گویی؟

فرمود: «اما پیرمردی مثل من و تو، اشکالی ندارد؛ ولی جوان با شهوت جنسی، نه؛ چون ایمن نیست، و بوسه، یکی از دو شهوت است».

۳۵۹. تهذیب الأحکام - به نقل از ابو بصیر - : از امام صادق علیه السلام درباره مردی که در ماه رمضان و در حال روزه با زنش حرف می‌زند، پرسیدم.

فرمود: «عیبی ندارد...؛ ولی سزاوار نیست که متعرض رمضان شود».

۳۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وقتی وضو می‌گیری، استنشاق (آب در بینی کردن) را کامل انجام بده، [البته] وقتی که روزه نیستی.

۳۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وضو را کامل و پر آب بگیر... و استنشاق را کامل انجام بده، مگر آن که روزه باشی.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

د - شعرخوانی

۳۶۲. تهذیب الأحکام - به نقل از حماد بن عثمان - : شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «برای روزه‌دار و مُحَرِّم، و در حَرَم و روز جمعه و در وقت شب، شعر خواندن مکروه است».

گفتم: هر چند شعر حق باشد؟

فرمود: «اگرچه شعر حق باشد».

٣٦٣. الكافي عن حماد بن عثمان وغيره عن الإمام الصادق عليه السلام: «لا يُنشدُ الشعرُ بليلٍ، ولا يُنشدُ في شهرِ رَمَضانَ بليلٍ ولا نهارٍ».

فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ: يَا أَبَتَاهُ، فَإِنَّهُ فِينَا؟

قَالَ: «وإن كَانَ فِينَا».^١

وانظر: ص ٢٤٤ (أهم الآداب).

٥/١

طَائِفَةٌ مِنْ عِنْدِ الْإِفْطَارِ

أ - التَّعْجِيلُ

٣٦٤. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْفِطْرَ.^٢
٣٦٥. عنه عليه السلام: لا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْإِفْطَارَ وَأَخْرَوْا السَّحُورَ.^٣
٣٦٦. عنه عليه السلام: عَجَّلُوا الْإِفْطَارَ وَأَخْرَوْا السَّحُورَ.^٤
٣٦٧. عنه عليه السلام: مَنْ فَقِهَ الرَّجُلُ فِي دِينِهِ تَعَجَّلَ فِطْرَهُ وَتَأَخَّرَ سَحُورَهُ.^٥
٣٦٨. سنن النسائي عن أبي عطية: قُلْتُ لِعَائِشَةَ: فِينَا رَجُلَانِ أَحَدُهُمَا يُعَجِّلُ الْإِفْطَارَ

١. الكافي: ٤/٨٨، تهذيب الأحكام: ٤/١٩٥/٥٥٦، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٠٨/١٨٥٩.

٢. صحيح البخاري: ٢/٦٩٢/١٨٥٦، صحيح مسلم: ٢/٧٧١/٤٨، سنن الترمذي: ٣/٨٢/٦٩٩، سنن ابن ماجه: ١/٥٤١/١٦٩٧ وفيه «الإفطار» بدل «الفطر»، سنن الدارمي: ١/٤٣٢/١٦٥١، مسند ابن حنبل: ٨/٢٢٦/٢٢٨٦٨ وص ٢٢٩٠٩/٤٣٥، كنز العمال: ٨/٥١١/٢٣٨٨٦.

٣. مسند ابن حنبل: ٨/٧١/٢١٣٧٠ عن أبي ذر، أسد الغابة: ١/٥٨٥/٨٣٨، الإصباة: ٢/١٦١/٢٠٣٢ كلاهما عن حاتم بن عدي أو عدي بن حاتم الحمصي، كنز العمال: ٨/٥١٠/٢٣٨٨٥.

٤. المعجم الكبير: ٢٥/١٦٣/٣٩٥، أسد الغابة: ٧/٣١٠/٧٤٢٦ كلاهما عن أم حكيم بنت وداع، الفردوس: ٢/١٠/٢٠٨٤، سلسلة الأحاديث الصحيحة: ٤/٣٧٥/١٧٧٣ كلاهما عن أنس وفيهما «هكروا» بدل «عجلوا»، كنز العمال: ٨/٥١٠/٢٣٨٧٩.

٥. تاريخ دمشق: ٥٢/١٣٨/١٠٩٥٦ عن أنس، كنز العمال: ٨/٥١١/٢٣٨٩٠.

۳۶۳. الکافی - به نقل از حماد بن عثمان و دیگران، از امام صادق علیه السلام - : «در شب، شعر خوانده نشود و نیز در ماه رمضان، چه شب و چه روز».

اسماعیل به او گفت: پدر! اگرچه درباره ما خاندان باشد؟

فرمود: «اگرچه درباره ما باشد».

ر.ک: ص ۲۴۵ (مهم‌ترین آداب).

۵/۱

آنچه هنگام افطار، سزاوار است

الف - عجله

۳۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردم، تا وقتی که زود افطار می‌کنند، در نیکی‌اند.

۳۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امت من، تا وقتی که زود افطاری بخورند و سحری را به تأخیر اندازند، در نیکی‌اند.

۳۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : افطاری را زود بخورید و سحری را به تأخیر اندازید.

۳۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از دین‌شناسی مرد، زود افطاری خوردن و تأخیر در سحری خوردن است.

۳۶۸. سنن النسائی - به نقل از ابو عطیه - : به عایشه گفتم : میان ما، دو نفرند : یکی زود افطار می‌کند و دیر سحری می‌خورد، و دیگری افطار را به تأخیر

وَيُؤَخِّرُ السَّحُورَ، وَالْآخِرُ يُؤَخِّرُ الْفِطْرَ وَيُعَجِّلُ السَّحُورَ.

قَالَتْ: أَيُّهُمَا الَّذِي يُعَجِّلُ الْإِفْطَارَ وَيُؤَخِّرُ السَّحُورَ؟ قُلْتُ: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَتْ: هَكَذَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَصْنَعُ.^١

٣٦٩. دعائم الإسلام: رَوَيْنَا عَنْ عَلِيٍّ ؓ أَنَّهُ قَالَ: «السُّنَّةُ تَعْجِلُ الْفِطْرَ، وَتَأْخِيرُ السَّحُورَ، وَالْإِبْتِدَاءُ بِالصَّلَاةِ - يَعْنِي صَلَاةَ الْمَغْرِبِ قَبْلَ الْفِطْرِ - إِلَّا أَنْ يَحْضُرَ الطَّعَامُ، فَإِنْ حَضَرَ بُدِيَ بِهِ ثُمَّ صَلَّيْ، وَلَمْ يَدْعِ الطَّعَامَ وَيَقُومْ إِلَى الصَّلَاةِ». وَذَكَرَ ﷺ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَتَى بِكَتِفِ جَزْوَ مَشْوِيَةٍ وَقَدْ أَذَّنَ بِلَالٌ، فَأَمَرَهُ فَكَفَّ هُنَيْهَةً حَتَّى أَكَلَ وَأَكَلْنَا مَعَهُ، ثُمَّ عَادَ بِلَالٌ فَشَرِبَ وَشَرَبْنَا، ثُمَّ أَمَرَ بِلَالًا فَأَقَامَ وَصَلَّيْ وَصَلَّيْنَا مَعَهُ.^٢

ب - تَقْدِيمُ الصَّلَاةِ

٣٧٠. تهذيب الأحكام عن زرارة وفضيل عن الإمام الباقر ؓ: «فِي رَمَضَانَ تُصَلِّي ثُمَّ تُفْطِرُ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَعَ قَوْمٍ يَنْتَظِرُونَ الْإِفْطَارَ، فَإِنْ كُنْتَ مَعَهُمْ فَلَا تُخَالِفْ عَلَيْهِمْ وَأَفْطِرْ ثُمَّ صَلِّ، وَإِلَّا فَابْدَأْ بِالصَّلَاةِ».

قُلْتُ: وَلِمَ ذَلِكَ؟

قَالَ: «لِأَنَّهُ قَدْ حَضَرَكَ فَرَضَانِ: الْإِفْطَارُ وَالصَّلَاةُ، فَابْدَأْ بِأَفْضَلِهِمَا، وَأَفْضَلُهُمَا الصَّلَاةُ».

ثُمَّ قَالَ: «تُصَلِّي وَأَنْتَ صَائِمٌ فَتَكْتُبُ صَلَاتَكَ تِلْكَ فَتُخْتَمُ بِالصَّوْمِ، أَحَبُّ إِلَيَّ».^٣

١. سنن النسائي: ١٤٤/٤، صحيح مسلم: ٢/٧٧١/٤٩ و ٥٠، سنن أبي داود: ٢/٣٠٥/٢٣٥٤، سنن الترمذي:

٣/٨٣/٧٠٢، مسند ابن حنبل: ٩/٥٢٩/٢٥٤٥٤، السنن الكبرى: ٤/٣٩٩/٨١٢١، كلها نحوه.

٢. دعائم الإسلام: ١/٢٨٠.

٣. تهذيب الأحكام: ٤/١٩٨/٥٧٠، مصباح المتهجد: ٦٢٦.

می‌اندازد و سحری را زود می‌خورد.

گفت: کدام یک افطاری را زود می‌خورد و سحری را تأخیر می‌اندازد؟

گفتم: عبد الله بن مسعود.

گفت: پیامبر خدا نیز چنین می‌کرد.

۳۶۹. دعائم الإسلام: از علی علیه السلام برای ما روایت شده که فرمود: «زود افطاری خوردن و

دیر سحری خوردن، مستحب است و ابتدا به نماز (یعنی نماز مغرب) نمودن

قبل از افطار، مستحب است، مگر آن که غذا حاضر باشد. پس اگر حاضر بود،

ابتدا غذا خورده می‌شود و سپس نماز خوانده می‌شود. خوب نیست که غذا را

بگذارد و به نماز بایستد».

و امام علی علیه السلام یاد کرد که کتف بریان شده شتری را نزد پیامبر خدا آوردند،

در حالی که بلال، اذان گفته بود. دستور داد که بلال [در گفتن اقامه] اندکی

درنگ کند، تا آن که ایشان خورد و ما هم خوردیم. سپس اندکی شیر خورد و

ما هم خوردیم. سپس دستور داد بلال اقامه بگوید. آن گاه نماز خواند و ما نیز

با ایشان نماز خواندیم.

ب - جلو انداختن نماز

۳۷۰. تهذیب الأحکام - به نقل از زراره و فضیل، از امام صادق علیه السلام - : «در [ماه] رمضان

نماز می‌خوانی و سپس افطار می‌کنی، مگر آن که با گروهی باشی که منتظر

افطارند. اگر با آنان بودی، بر خلاف آنان عمل نکن؛ افطار کن و سپس نماز

بخوان، وگرنه اول، نماز بخوان».

گفتم: برای چه؟

فرمود: «برای آن که دو واجب برایت پیش آمده است: افطار و نماز. اول به

آن پرداز که برتر است و نماز، برترین آن دو است».

سپس فرمود: «نماز می‌خوانی، در حالی که روزه‌ای. پس، آن نمازت با روزه

به پایان برده می‌شود. این پیش من، محبوب‌تر است».

٣٧١. الإمام الباقر عليه السلام: تُقَدَّمُ الصَّلَاةُ عَلَى الْإِفْطَارِ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَعَ قَوْمٍ يَبْتَدِئُونَ بِالْإِفْطَارِ فَلَا تُخَالِفْ عَلَيْهِمْ وَأَفْطِرْ مَعَهُمْ، وَإِلَّا فَابْدَأْ بِالصَّلَاةِ؛ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ مِنَ الْإِفْطَارِ، وَتُكْتَبُ صَلَاتُكَ وَأَنْتَ صَائِمٌ أَحَبُّ إِلَيَّ.^١

٣٧٢. الإمام الصادق عليه السلام: يُسْتَحَبُّ لِلصَّائِمِ - إِنْ قَوِيَ عَلَى ذَلِكَ - أَنْ يُصَلِّيَ قَبْلَ أَنْ يُفْطِرَ.^٢

٣٧٣. عنه عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْإِفْطَارِ: قَبْلَ الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَهَا؟ -: إِنْ كَانَ مَعَ قَوْمٍ يَخْشَى أَنْ يَحْبِسَهُمْ عَنْ عَشَائِهِمْ فَلْيُفْطِرْ مَعَهُمْ، وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلْيُصَلِّ وَلْيُفْطِرَ.^٣

٣٧٤. عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحاک - فِي وَصْفِ صَوْمِ الْإِمَامِ الرُّضَا عليه السلام -: كَانَ - إِذَا أَقَامَ فِي بَلَدٍ عَشْرَةَ أَيَّامٍ - صَائِمًا لَا يُفْطِرُ، فَإِذَا جَنَّ اللَّيْلُ بَدَأَ بِالصَّلَاةِ قَبْلَ الْإِفْطَارِ.^٤

٣٧٥. المقنعة: وَقَدْ رُوِيَ أَيْضًا فِي ذَلِكَ أَنَّكَ إِذَا كُنْتَ تَتِمَّكُنْ مِنَ الصَّلَاةِ وَتَعْقِلُهَا وَتَأْتِي بِهَا عَلَى حُدُودِهَا قَبْلَ أَنْ تُفْطِرَ، فَالْأَفْضَلُ أَنْ تُصَلِّيَ قَبْلَ الْإِفْطَارِ، وَإِنْ كُنْتَ مِمَّنْ تُنَازِعُكَ نَفْسُكَ الْإِفْطَارَ وَتَشْغَلُكَ شَهْوَتُكَ عَنِ الصَّلَاةِ فَابْدَأْ بِالْإِفْطَارِ؛ لِيُذْهِبَ عَنْكَ وَسْوَاسُ النَّفْسِ اللَّوَامَةِ، غَيْرَ أَنَّ ذَلِكَ مَشْرُوطٌ بِأَنَّهُ لَا يَشْتَغِلُ بِالْإِفْطَارِ قَبْلَ الصَّلَاةِ إِلَى أَنْ يَخْرُجَ وَقْتُ الصَّلَاةِ.^٥

١. المقنعة: ٣١٨ عن الفضيل بن يسار ووزارة بن أعين.

٢. تهذيب الأحكام: ٥٧٥/١٩٩/٤ عن عبد الله بن بكير عن بعض أصحابنا، الإقبال: ٢٣٧/١ عن علي بن فضال، بحار الأنوار: ٢/٨/٩٨.

٣. الكافي: ٣/١٠١/٤، تهذيب الأحكام: ٥١٧/١٨٦/٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٢٩/٢/١٩٣٣ كلها عن الحلبي.

٤. عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٥/١٨٢/٢، بحار الأنوار: ١٢/٣١٤/٩٦ وج ٧/٩٤/٤٩.

٥. المقنعة: ٣١٨.

۳۷۱. امام باقر علیه السلام: نماز را بر افطار مقدم می‌داری، مگر آن که با گروهی باشی که اول، افطار می‌کنند. پس با آنان مخالفت نکن و با ایشان افطار کن، وگرنه اول، نماز بخوان؛ چرا که بهتر از افطار است و نماز با حالت روزه نوشته می‌شود و این نزد من، محبوب‌تر است.

۳۷۲. امام صادق علیه السلام: برای روزه‌دار، مستحب است که اگر توان داشته باشد، پیش از افطار، نماز بخواند.

۳۷۳. امام صادق علیه السلام - هنگامی که از ایشان پرسیدند: «افطار، قبل از نماز است یا پس از آن؟» - : اگر همراه او گروهی هستند که می‌تواند آنان را از غذایشان باز دارد، پس با آنان افطار کند. در غیر این حال، نماز بخواند و افطار کند.

۳۷۴. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از رجاء بن ابی ضحاک، در توصیف روزه امام رضا علیه السلام - : هر گاه در شهری ده روز می‌ماند، روزه بود و افطار نمی‌کرد. پس چون شب فرا می‌رسید، اول پیش از افطار، نماز می‌خواند.

۳۷۵. المقنعة: نیز در این مورد، روایت شده که: هر گاه می‌توانستی نماز را آگاهانه و با همه حدود و آدابش، پیش از آن که افطار کنی، بخوانی، بهتر آن است که قبل از افطار کردن، نماز بخوانی؛ و اگر از کسانی بودی که دلت پیش افطار کردن بود و میل تو، تو را از نماز مشغول می‌کرد، اول، افطار کن تا وسوسه نفس ملامتگر از تو برهد، جز این که شرط است که پرداختن به افطار پیش از نماز، سبب نشود که وقت نماز بگذرد.

ج - الصَّدَقَةُ

٣٧٦. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ تَصَدَّقَ وَقَتَ إِفْطَارِهِ عَلَى مِسْكِينٍ بِرَغِيفٍ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبَهُ، وَكَتَبَ لَهُ ثَوَابَ عِتْقِ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ.^١

٣٧٧. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام إِذَا كَانَ الْيَوْمُ الَّذِي يَصُومُ فِيهِ أَمَرَ بِشَاةٍ فَتَذْبِخُ وَتُقَطَّعُ أَعْضَاءُ وَتُطْبَخُ، فَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْمَسَاءِ أَكَبَّ عَلَى الْقُدُورِ حَتَّى يَجِدَ رِيحَ الْمَرْقِ وَهُوَ صَائِمٌ، ثُمَّ يَقُولُ: «هَاتُوا الْقِصَاعَ، اغْرِفُوا لِآلِ فُلَانٍ وَاغْرِفُوا لِآلِ فُلَانٍ»، ثُمَّ يُؤْتَى بِخُبْزٍ وَتَمَرٍ فَيَكُونُ ذَلِكَ عِشَاءَهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ.^٢

وانظر: ص ٣٢٤ (ما يؤكد استحبابه من الأعمال / كثرة الإنفاق).

د - قِرَاءَةُ سُورَةِ الْقَدْرِ

٣٧٨. الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ قَرَأَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» عِنْدَ فُطُورِهِ وَعِنْدَ سَحُورِهِ، كَانَ فِيمَا بَيْنَهُمَا كَالْمَسْحُوطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى.^٣

هـ - الدُّعَاءُ

٣٧٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنْ لِلصَّائِمِ عِنْدَ فِطْرِهِ لَدَعْوَةٌ مَا تُرَدُّ.^٤

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ٨٠ / ٩٦ وص ٩٧ / ١٠٦ كلاهما عن الحسن بن علي بن فضال، بحار الأنوار: ١٠ / ٣١٨ / ٩٦.

٢. الكافي: ٣ / ٦٨ / ٤، المحاسن: ١٥٨ / ٢ / ١٤٣٢ وزاد فيه «حتى يأتي على آخر القدور» قبل «ثم يؤتى بخبز» وكلاهما عن حمزة بن حمران، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٣٤ / ٢ / ١٩٥٥، مكارم الأخلاق: ١ / ٢٩٧ / ٩٣٠، المناقب لابن شهر آشوب: ١٥٥ / ٤، بحار الأنوار: ٩٦ / ٣١٧ / ٦ وج ٥٣ / ٧١ / ٤٦.

٣. الإقبال: ١ / ٢٤٠.

٤. سنن ابن ماجه: ١ / ٥٥٧ / ١٧٥٣، المستدرک علی الصحيحین: ١ / ٥٨٣ / ١٥٣٥، الدعاء للطبراني: ٩١٩ / ٢٨٦، عمل اليوم والليلة لابن السني: ١٦٩ / ٤٨١، كنهها عن عبد الله بن عمرو، مسند الطيالسي: ٢٩٩ / ٢٢٦٢ عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده وفيه «دعوة مستجابة» بدل «لدعوة ما ترد»، كنز العمال: ٨ / ٢٣٥٨٥ / ٤٤٧ الدعوات: ٢٧ / ٤٦ عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦ / ٢٥٥ / ٣٣.

ج - صدقه

۳۷۶. امام رضا علیه السلام: هر کس پیش از افطار کردنش گِردِهای نان به بینوایی صدقه دهد، خداوند گناهش را می‌آمرزد و برای او ثواب آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را می‌نویسد.

۳۷۷. امام صادق علیه السلام: امام سجّاد علیه السلام هر روز که روزه می‌گرفت، دستور می‌داد که گوسفندی ذبح شود و قطعه قطعه و پخته گردد. عصر که می‌شد، بر روی دیگ‌ها خم می‌شد تا بوی آب‌گوشت را در حال روزه احساس کند. سپس می‌فرمود: «ظرف‌ها را بیاورید. برای فلان خانواده بریزید. برای فلان خانواده بریزید...». سپس نان و خرما می‌آوردند و غذایش همان بود. درود خدا بر او و پدرانش باد!

ر.ک: ص ۲۲۵ (کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است / بسیار اتفاق کردن).

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

د - خواندن سوره قدر

۳۷۸. امام سجّاد علیه السلام: هر کس هنگام افطاری و سحری خوردن، سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند، میان آن دو [وقت،] همچون کسی خواهد بود که در راه خدا به خون خویش آغشته است.

هـ - دعا

۳۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای روزه‌دار، هنگام افطارش، یک دعای مستجاب است.

٣٨٠. عنه عليه السلام: إِنَّ لِكُلِّ صَائِمٍ دَعْوَةً، فَإِذَا هُوَ أَرَادَ أَنْ يُفْطِرَ فَلْيَقُلْ عِنْدَ أَوَّلِ لُقْمَةٍ:

يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي.^١

٣٨١. عنه عليه السلام: دَعْوَةُ الصَّائِمِ تُسْتَجَابُ عِنْدَ إِفْطَارِهِ.^٢

٣٨٢. عنه عليه السلام: لِكُلِّ عَبْدٍ صَائِمٍ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ، أُعْطِيَهَا فِي الدُّنْيَا أَوْ ذُخِرَ لَهُ

فِي الْآخِرَةِ.^٣

٣٨٣. عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُمْ: الصَّائِمُ حَتَّى يُفْطِرَ، وَالْإِمَامُ الْعَادِلُ، وَدَعْوَةُ

الْمَظْلُومِ.^٤

٣٨٤. عنه عليه السلام: أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ حَتَّى تُفْتَحَ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتَصِيرَ إِلَى



الْعَرْشِ: ... وَالصَّائِمُ حَتَّى يُفْطِرَ.^٥

و- الدُّعَاءُ بِالْمَأْثُورِ قَبْلَ الْإِفْطَارِ

٣٨٥. سنن أبي داود: عَنْ مُعَاذِ بْنِ زُهْرَةَ أَنَّهُ بَلَغَهُ أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا أَفْطَرَ قَالَ:

اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ.^٦

١. الزهد لابن المبارك: ١٤٠٩/٤٩٤، مسند الشهاب: ١٠٣١/١٢٨/٢ كلاهما عن الحارث بن عبيد، الدعوات:

٢٤/٤٤ عن أبي الحسن عليه السلام وفيه صدره فقط.

٢. مكارم الأخلاق: ٨٤/٦٩/١ عن الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام. المقنعة: ٣٢٠، الدعوات: ٢٦/٤٣ عن

أبي الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦/٢٥٥/٣٣ وص ١٧/٣١٥.

٣. نوادر الأصول: ١/١٩٠ عن ابن عمر، كنز العمال: ٨/٤٥١/٢٣٦١٣.

٤. سنن الترمذي: ٥/٥٧٨/٣٥٩٨ وج ٤/٦٧٢/٢٥٢٦ وفيه «حين يفطر» بدل «حتى يفطر». سنن ابن ماجه:

١/٥٥٧/١٧٥٢، مسند ابن حنبل: ٣/١٧١/٨٠٤٩ وص ٩٧٤٩/٤٥٢، صحيح ابن حبان: ٨/٢١٥/٣٤٢٨

وج ١٦/٢٩٦/٧٣٨٧، السنن الكبرى: ٣/٤٨١/٦٣٩٣ كلها عن أبي هريرة.

٥. الكافي: ٢/٥١٠/٦ عن عبد الله بن طلحة عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٢٢٤/٢٢٥٥،

فضائل الأشهر الثلاثة: ٨٦/٦٤، الأمالي للصدوق: ٣٣٧/٣٩٤ كلاهما عن عبد الله بن طلحة عن الإمام الصادق

عن آبائه عليهم السلام عنه عليه السلام.

٦. سنن أبي داود: ٢/٣٠٦/٢٣٥٨، السنن الكبرى: ٤/٤٠٣/٨١٣٤، الزهد لابن المبارك: ٤٩٥/١٤١٠

۳۸۰. پیامبر خدا ﷺ: هر روزه‌داری، یک دعا [ی مستجاب] دارد. پس هرگاه خواست افطار کند، هنگام اولین لقمه بگوید:

«ای آن که آمرزش گسترده است! مرا بیامرزا».

۳۸۱. پیامبر خدا ﷺ: دعای روزه‌دار، هنگام افطارش، مستجاب می‌شود.

۳۸۲. پیامبر خدا ﷺ: هر بنده روزه‌داری، هنگام افطارش، یک دعای مستجاب دارد، که آن، یا در دنیا به او داده می‌شود و یا برای آخرتش ذخیره می‌شود.

۳۸۳. پیامبر خدا ﷺ: سه نفرند که دعایشان رد نمی‌شود: روزه‌دار، تا آن که افطار کند؛ پیشوای دادگر؛ و نفرین ستم‌دیده.

۳۸۴. پیامبر خدا ﷺ: چهار نفرند که دعایی از آنان رد نمی‌شود، تا آن که درهای آسمان برای آنان گشوده شود و دعایشان به عرش برسد: ... و روزه‌دار، تا آن که افطار کند.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

و - خواندن دعای روایت‌شده پیش از افطار

۳۸۵. سنن أبی داود - به نقل از معاذ بن زهره - : به من چنین رسیده که پیامبر ﷺ هر گاه افطار می‌کرد، می‌گفت:

«خدایا! برای تو روزه گرفتم و بر روزی تو افطار کردم».

٣٨٦. الدعاء للطبراني عن أنس: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا أَفْطَرَ قَالَ:
بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ لَكَ صُومْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ، تَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.^١

٣٨٧. عمل اليوم واللييلة عن ابن عباس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَفْطَرَ يَقُولُ:
اللَّهُمَّ لَكَ صُومْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا، فَتَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ.^٢

٣٨٨. رسول الله ﷺ: إِذَا قُرَّبَ إِلَى أَحَدِكُمْ طَعَامٌ وَهُوَ صَائِمٌ فَلْيَقُلْ:
بِاسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، اللَّهُمَّ لَكَ صُومْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ
تَوَكَّلْتُ، مُبِحَانِكَ وَبِحَمْدِكَ، تَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.^٣

٣٨٩. عمل اليوم واللييلة عن معاذ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَفْطَرَ قَالَ:
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحَانَنِي فَصُومْتُ، وَرَزَقَنِي فَأَفْطَرْتُ.^٤

٣٩٠. رسول الله ﷺ: إِنَّ لِلصَّائِمِ عِنْدَ فِطْرِهِ دَعْوَةً:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.^٥

«و ١٤١١. المصنّف لابن أبي شيبة: ١/٥١١/٢ عن أبي هريرة وفيهما «كان رسول الله ﷺ إذا صام ثم أفطر قال...». كنز العمال: ١٨٠٥٦/٨١/٧؛ مكارم الأخلاق: ١/٣٠٠/٩٤٧.

١. الدعاء للطبراني: ٩١٨/٢٨٦، المعجم الصغير: ٥٢/٢، المعجم الأوسط: ٧/٢٩٨/٧٥٤٩ وليس فيهما من «تَقَبَّلْ...». كنز العمال: ١٨٠٥٧/٨١/٧.

٢. عمل اليوم واللييلة لابن السني: ١٦٩/٤٨٠، المعجم الكبير: ١٢/١١٤/١٢٧٢٠ والضمائر فيه للمفرد.

٣. كنز العمال: ٢٣٨٧٣/٥٠٩/٨ نقلاً عن الدارقطني في الإفراء عن أنس.

٤. عمل اليوم واللييلة لابن السني: ١٦٩/٤٧٩، تاريخ بغداد: ١٢/٧٥/٦٤٨٢، الأذكار: ١٧٢، كنز العمال: ١٨٠٥٨/٨١/٧.

٥. المستدرک علی الصحیحین: ١/٥٨٣/١٥٣٥، سنن ابن ماجه: ١/٥٥٧/١٧٥٣، عمل اليوم واللييلة لابن السني: ١٦٩/٤٨١ وزادا فيهما «ما ترد» بعد «دعوة» وليس فيهما «ذنوبي» وكلها عن عبد الله بن عمرو وفي الأخير من دون إسناد إليه ﷺ، مستدرک الوسائل: ٧/٣٦١/٨٤١٧ نقلاً عن درر اللآلي وفيه «إن للصائم عند فطره دعوة لا ترد»، فيقول إذا أفطر: «...».

۳۸۶. الدعاء طبرانی - به نقل از انس - : پیامبر ﷺ ، هرگاه افطار می‌کرد ، می‌گفت :

«به نام خدا. خدایا! برای تو روزه گرفتم و بر روزی تو افطار کردم. از من بپذیر! همانا تو شنوای دانایی.»

۳۸۷. عمل الیوم واللیلة - به نقل از ابن عباس - : پیامبر خدا ، هرگاه افطار می‌کرد ، می‌گفت :

«خدایا! برای تو روزه گرفتیم و بر روزی تو افطار کردیم. پس از ما بپذیر! همانا تو شنوای دانایی.»

۳۸۸. پیامبر خدا ﷺ : هرگاه نزدیک یکی از شما که روزه است ، غذایی آوردند ، بگویند :

«به نام خدا ، و حمد از آن خداست. خداوند! برای تو روزه گرفتم و بر روزی تو افطار کردم و بر تو توکل نمودم. تو منزهی و تو را می‌ستایم. از من بپذیر! همانا تو شنوای دانایی.»

۳۸۹. عمل الیوم واللیلة - به نقل از معاذ - : پیامبر خدا ، هر وقت افطار می‌کرد ، می‌گفت :

«سپاس ، خدایی را که مرا یاری کرد تا روزه گرفتم و روزی‌ام داد تا افطار کردم.»

۳۹۰. پیامبر خدا ﷺ : روزه‌دار را هنگام افطارش ، دعایی چنین است :

«پروردگارا! تو را به آن رحمت که هر چیز را فرا گرفته است ، می‌خوانم که گناهانم را بیامری.»

٣٩١. عنه عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ يَصُومُ فَيَقُولُ عِنْدَ إِفْطَارِهِ:

«يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ؛ أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ لِي غَيْرُكَ، إِغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ؛ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ» إِلَّا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.^١

٣٩٢. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «يَا أَبَا الْحَسَنِ، هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ أَقْبَلَ، فَاجْعَلْ دُعَاءَكَ قَبْلَ فُطُورِكَ؛ فَإِنَّ جِبْرِئِيلَ عليه السلام جَاءَنِي فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ قَبْلَ أَنْ يُفْطِرَ اسْتَجَابَ اللَّهُ تَعَالَى دُعَاءَهُ، وَقَبِلَ صَوْمَهُ وَصَلَاتَهُ، وَاسْتَجَابَ لَهُ عَشْرَ دَعَوَاتٍ، وَغَفَرَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَفَرَّجَ هَمَّهُ، وَنَفَسَ كُرْبَتَهُ، وَقَضَى حَوَائِجَهُ، وَأَنْجَحَ طَلِبَتَهُ، وَرَفَعَ عَمَلَهُ مَعَ أَعْمَالِ النَّبِيِّينَ وَالصُّدِّيقِينَ، وَجَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ أَضْوَأُ مِنْ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. فَقُلْتُ: مَا هُوَ يَا جِبْرِئِيلُ؟ فَقَالَ: قُلْ:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ^٢، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ^٣، وَرَبَّ الشَّفْعِ الْكَبِيرِ، وَالنُّورِ الْعَزِيزِ، وَرَبَّ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ.

أَنْتَ إِلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَإِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ جَبَّارُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَجَبَّارُ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، أَنْتَ مَلِكُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَلِكُ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا مَلِكَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْكَبِيرِ وَنُورِ وَجْهِكَ الْمُتَنِيرِ وَمِلْكِكَ الْقَدِيمِ.

١. الإقبال: ١/ ٢٤٠، البلد الأمين: ٢٣١، المصباح للكفعمي: ٨٣٢، بحار الأنوار: ٩٨/ ١١/ ٢؛ تاريخ دمشق:

٥٤/ ٢٣٨/ ١١٤٧٩ عن أنس، كنز العمال: ٨/ ٦١٤/ ٢٤٤٠٠.

٢. الرفيع: الشريف (مجمع البحرين: ٢/ ٧١٩).

٣. المسجور: أي المملوء (مجمع البحرين: ٢/ ٨٢٠).

۳۹۱. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که روزه بگیرد و هنگام افطارش بگوید: «ای بزرگ، ای بزرگ! تو معبود منی. هیچ معبودی جز تو نیست. گناه بزرگ مرا بیامرزا! همانا گناه بزرگ را جز بزرگ نمی‌آمرزد»، مگر آن که از گناهانش بیرون می‌آید، همچون روزی که مادرش او را زاده است.

۳۹۲. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «ای ابو الحسن! این، ماه رمضان است که آمده است. دعای خودت را پیش از افطارت قرار بده؛ چرا که جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: «ای محمد! هر کس در ماه رمضان، پیش از آن که افطار کند، این دعا را بخواند، خداوند دعایش را مستجاب می‌کند، روزه و نمازش را می‌پذیرد، ده دعای او را اجابت می‌کند، گناهش را می‌آمرزد، اندوهش را می‌زداید، رنجش را برطرف می‌کند، حوائجش را بر می‌آورد، او را به خواسته‌اش می‌رساند، عملش را با اعمال پیامبران و صدیقان بالا می‌برد، و روز قیامت با چهره‌ای درخشان‌تر از ماه شب چهاردهم می‌آید».

گفتم: آن، کدام دعاست، ای جبرئیل؟

گفت: «بگو:

«خداوند! ای پروردگار نور بزرگ و ای پروردگار تخت افراشته و ای پروردگار دریای سرشار و ای پروردگار شَفْع^۱ بزرگ و ای نور ارجمند و ای پروردگار تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ! تو، معبود آنانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند و در آنها، معبودی جز تو نیست. تو جبار آنانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند و در آنها، جباری جز تو نیست. تو پادشاه آنانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند و در آنها، جز تو پادشاهی نیست. تو را به نام بزرگت و فروغ چهره تابانت و به فرمان‌روایی دیرینت می‌خوانم.

۱. شفع، در لغت به معنای جفت و دوگانه و در اصطلاح، نمازی دو رکعتی است که به عنوان نافله شب خوانده می‌شود.

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
أَشْرَقَ بِهِ كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِاسْمِكَ ، الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ ،
وَبِاسْمِكَ الَّذِي صَلَحَ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَبِهِ يَصْلُحُ الْآخِرُونَ .

يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ ، وَيَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي بُسْرًا
وَفَرْجًا قَرِيبًا ، وَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَلَى هُدًى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

وَاجْعَلْ عَمَلِي فِي الْمَرْفُوعِ الْمُتَقَبَّلِ ، وَهَبْ لِي كَمَا وَهَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ
وَأَهْلِ طَاعَتِكَ ؛ فَإِنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَمُتَوَكِّلٌ عَلَيْكَ ، مُنِيبٌ إِلَيْكَ مَعَ قَصِيرِي
إِلَيْكَ ، وَتَجَمُّعٌ لِي وَلِأَهْلِي وَلِوَلَدِي الْخَيْرِ كُلَّهُ ، وَتَصْرِفٌ عَنِّي وَعَنْ وَلَدِي
وَأَهْلِي الشَّرِّ كُلَّهُ .

أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَتَّانُ ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، تُعْطِي الْخَيْرَ مَنْ تَشَاءُ
وَتَصْرِفُهُ عَمَّنْ تَشَاءُ ، فَاْمُنْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^١ .

٣٩٣ . الإمام الباقر (عليه السلام) : جَاءَ قَنْبَرٌ مَوْلَى عَلِيِّ (عليه السلام) بِفَطْرِهِ إِلَيْهِ ... فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَشْرَبَ قَالَ :

بِاسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ لَكَ صُمنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا ، فَتَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^٢ .

٣٩٤ . عنه (عليه السلام) : كَانَ عَلِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذَا أَفْطَرَ جَنَّا عَلَى رُكْبَتَيْهِ ، حَتَّى يَوْضَعَ

١ . الإقبال : ٢٣٩ / ١ عن المفضل بن عمر ، البلد الأمين : ٢٣١ ، المصباح للكفعمي : ٨٣٢ ، بحار الأنوار :

٩٨ / ١٠ / ٢ وانظر مصباح المتعبد : ٢٦٣ / ٣٧٤ ، جمال الأسبوع : ٨٧ و ص ١٢٤ .

٢ . تهذيب الأحكام : ٤ / ٢٠٠ / ٥٧٨ عن عبد الله بن ميمون القدّاج عن الإمام الصادق (عليه السلام) ، مصباح المتعبد :

٦٢٦ / ٧٠٤ من دون اسناد إلى الإمام الباقر (عليه السلام) وفيه « كان أمير المؤمنين (عليه السلام) إذا أراد أن يفطر قال ... » ،

بحار الأنوار : ٢٤ / ٣٣٩ / ٤٠ .

ای زنده، ای برپای! ای زنده، ای برپای! ای زنده، ای برپای! تو را به آن نامت می‌خوانم که به سبب آن، هر چیز تابان است، و به آن نامت که به سبب آن، آسمان‌ها و زمین فروزان‌اند، و به آن نامت که به سبب آن، اولین و آخرین، شایسته شده و می‌شوند.

ای زنده پیش از هر زنده! ای زنده پس از هر زنده! ای زنده‌ای که معبودی جز تو نیست! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گناهان مرا بیامرزد و در کار من آسانی و گشایشی نزدیک قرار بده و مرا بر آیین محمد و خاندان محمد و بر شیوه و سیره محمد و خاندان محمد و بر سنت محمد و خاندان محمد - که بر او و آنان درود باد - استوار بدار!

عمل مرا در زمره [اعمال] بالا برده‌شده پذیرفته قرار بده و آن گونه که به دوستان و فرمان‌بردارانت عطا کرده‌ای، به من هم عطا کن! همانا من به تو ایمان، و بر تو توکل دارم. به سوی تو باز می‌گردم و سرانجامم به سوی توست. همه خیر را برای من و خانواده و فرزندانم فراهم آر و هر بدی را از من و فرزندانم و خانواده‌ام دور بگردان!

تو مهرورز و صاحب نعمتی؛ پدیدآورنده آسمان‌ها و زمینی؛ به هر که خواهی، خیر می‌دهی و از هر که خواهی، آن را برمی‌گردانی. پس با رحمت بر من منت بگذار، ای مهربان‌ترین مهربانان!

۳۹۳. امام باقر علیه السلام: قنبر، غلام علی علیه السلام، افطاری را نزد وی آورد... چون خواست بیاشامد، فرمود: «به نام خدا. خداوند! برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار کردیم. پس، از ما بپذیر! همانا تو شنوای دانایی».

۳۹۴. امام باقر علیه السلام: علی علیه السلام، هرگاه افطار می‌کرد، دو زانو می‌نشست تا سفره بگذارند و می‌فرمود:

الْخَوَانُ^١ وَيَقُولُ:

اللَّهُمَّ لَكَ صُومُنَا وَعَلَيْ رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا ، فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ^٢.

٣٩٥. الإقبال: روى محمد بن أبي قرّة في كتاب عمل شهر رمضان - تغمّده الله
بالرضوان - بإسناده إلى مولانا موسى بن جعفر عن أبيه عن جدّه عن
الحسن بن عليّ عليه السلام: «إِنَّ لِكُلِّ صَائِمٍ عِنْدَ فُطُورِهِ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً، فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ
لُقْمَةٍ فَقُلْ:

بِاسْمِ اللَّهِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي».

وفي رواية أخرى: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي.

فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهَا عِنْدَ إِفْطَارِهِ غُفِرَ لَهُ^٣.

٣٩٦. الإمام الصادق عليه السلام: تَقُولُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ إِلَى آخِرِهِ:
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا فَصُمْنَا، وَرَزَقَنَا فَأَفْطَرْنَا، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا وَأَعِنَّا
عَلَيْهِ؛ وَسَلِّمْنَا فِيهِ وَسَلِّمُهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى
عَنَّا يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ^٤.

٣٩٧. الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام: إِذَا أَمْسَيْتَ صَائِمًا فَقُلْ عِنْدَ إِفْطَارِكَ: «اللَّهُمَّ لَكَ صُومْتُ
وَعَلَيْ رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ» يُكْتَبُ لَكَ أَجْرُ مَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ^٥.

١. الْخَوَانُ: مَا يُؤْكَلُ عَلَيْهِ، مَعْرَبٌ، وَفِيهِ ثَلَاثُ لَفَاتٍ: كَسْرُ الْخَاءِ؛ وَهِيَ الْأَكْثَرُ، وَضَمُّهَا، وَإِخْوَانُ (المصباح المنير:
١٨٥).

٢. الإقبال: ٢٤٤/١، بحار الأنوار: ٢/١٥/٩٨.

٣. الإقبال: ٢٤٤/١، بحار الأنوار: ٢/١٤/٩٨.

٤. الكافي: ٢/٩٥/٤، تهذيب الأحكام: ٥٧٧/٢٠٠/٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٥١/١٠٦/٢، المقنعة:

٣١٩، مصباح المتهجد: ٧٠٣/٦٢٥، الإقبال: ٢٤٤/١ كلّها عن أبي بصير، بحار الأنوار: ٥/٣١١/٩٦.

٥. الإقبال: ٢٤٤/١، بحار الأنوار: ٢/١٥/٩٨.

«خداوندا! برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار کردیم. پس، آن را از ما بپذیر! همانا تو شنوای دانایی».

۳۹۵. الإقبال: محمد بن ابی قرّه - که خدا او را قرین خشنودی خود سازد - در کتاب عمل شهر رمضان، با سند خویش از امام کاظم علیه السلام، از پدرش، از جدش امام مجتبی علیه السلام، روایت کرده است که: «هر روزه‌دار، هنگام افطارش، یک دعای مستجاب دارد. پس چون وقت اولین لقمه شد، بگو:

«به نام خدا. ای گسترده‌آمزش! مرا بیامرز».

در روایت دیگری است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. ای گسترده‌آمزش! مرا بیامرز!».

پس هر که هنگام افطارش چنین گوید، آمرزیده می‌شود».

۳۹۶. امام صادق علیه السلام: در هر شب ماه رمضان تا پایان آن، هنگام افطار می‌گویی:

«سپاس، خدایی را که یاری‌مان کرد تا روزه گرفتیم و روزی‌مان داد تا افطار کردیم. خداوندا! از ما بپذیر و ما را بر آن یاری کن و ما را در آن سالم بدار و آن را در آسانی و عافیت از ما دریافت کن! خدایی را سپاس که روزی از ماه رمضان را از ما گذراند».

۳۹۷. امام کاظم علیه السلام - به نقل از پدرانش علیهم السلام - : چون روزه بودی، هنگام افطار خویش بگو: «خداوندا! برای تو روزه گرفتم و بر روزی تو افطار کردم و بر تو توکل نمودم» تا برایت پاداش کسی را بنویسند که آن روز را روزه داشته است.

٣٩٨ . الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ قَالَ عِنْدَ إِفْطَارِهِ: «اللَّهُمَّ لَكَ صُومُنَا بِتَوْفِيقِكَ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا بِأَمْرِكَ، فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» غَفَرَ اللَّهُ مَا أَدْخَلَ عَلَى صَوْمِهِ مِنَ النَّقْصَانِ بِذُنُوبِهِ.^١

ز - الإفطار بالتمر، أو الزبيب، أو الشيء الخلو، أو اللبن، أو الماء الغائر
٣٩٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُ مَا يَبْدَأُ بِهِ الصَّائِمُ بِزَبِيبٍ أَوْ شَيْءٍ خُلُو.^٢

٤٠٠ . الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَوَّلُ مَا يُفْطِرُ عَلَيْهِ فِي زَمَنِ الرُّطَبِ الرُّطَبُ، وَفِي زَمَنِ التَّمْرِ التَّمْرُ.^٣

٤٠١ . تاريخ بغداد عن جابر بن عبد الله: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُعْجِبُهُ أَنْ يُفْطِرَ عَلَى الرُّطَبِ مَا دَامَ الرُّطَبُ، وَعَلَى التَّمْرِ إِذَا لَمْ يَكُنْ رُطَبُ، وَيَخْتِمَ بِهِنَّ وَيَجْعَلَهُنَّ وَتَرًا؛ ثَلَاثًا أَوْ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا.^٤

٤٠٢ . مسند أبي يعلى عن أنس: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يُحِبُّ أَنْ يُفْطِرَ عَلَى ثَلَاثِ تَمَرَاتٍ، أَوْ شَيْءٍ لَمْ تُصَبِّهِ النَّارُ.^٥

٤٠٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَفْطَرَ عَلَى تَمْرٍ حَلَالٍ، زِيدَ فِي صَلَاتِهِ أَرْبَعِمِئَةِ صَلَاةٍ.^٦

١ . فضائل الأشهر الثلاثة: ٨١/٩٦ وص ٩٨/١٠٦ كلاهما عن الحسن بن علي بن فضال، بحار الأنوار: ٦/٣١٢/٩٦.

٢ . الفردوس: ١٤٤٥/٣٥٨/١ عن سعد بن أبي وقاص: طَبَّ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: ٨ وفيه «الزبيب أو التمر أو شيء حلوا». بحار الأنوار: ٢٩٦/٦٢.

٣ . الكافي: ٦/١٥٣/٤ عن ابن القدّاح وح ٥، المحاسن: ٢/٢٤١/٢١٧٣ كلاهما عن طلحة بن زيد وح ٢١٧٢ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: دعائم الإسلام: ٢/١١١/٣٦٢ نحوه، بحار الأنوار: ١٥/٣١٤/٩٦.

٤ . تاريخ بغداد: ١٤٥٦/٣٥٤/٣، تاريخ دمشق: ٢٢٦/٤، كنز العمال: ١٨٠٨١/٨٥/٧.

٥ . مسند أبي يعلى: ٣/٣٣٧/٣٢٩٢، كنز العمال: ١٨٠٧٤/٨٣/٧.

٦ . الإقبال: ٢٤٢/١، بحار الأنوار: ٢/١٢/٩٨.

۳۹۸. امام رضا علیه السلام: هر کس هنگام افطارش بگوید: «خداوندا! با توفیق تو، برایت روزه گرفتیم و به فرمان تو با روزی‌ات افطار کردیم. پس، آن را از ما بپذیر و ما را پیامرزا! همانا تو آمرزندهٔ مهربانی»، خداوند کاستی‌هایی را که او با گناهانش بر روزه‌اش وارد کرده، می‌آمرزد.

ز - افطار با خرما یا کشمش یا شیرینی یا شیر یا آب و لرم

۳۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین چیزی که روزه‌دار، افطارش را با آن آغاز می‌کند، کشمش یا چیزی شیرین است.

۴۰۰. امام صادق علیه السلام: اولین چیزی که پیامبر خدا روزه‌اش را با آن افطار می‌کرد، در زمانِ رُطَب، رطب بود و در زمانِ خرما، خرما.^۱

۴۰۱. تاریخ بغداد - به نقل از جابر بن عبد الله - : پیامبر خدا خوشش می‌آمد که روزه‌اش را تا وقتی رطب بود، با رطب و اگر رطب نبود، با خرما افطار کند، و با همان به پایان برساند، با سه، یا پنج یا هفت دانه.

۴۰۲. مسند ابی یعلی - به نقل از انس - : پیامبر صلی الله علیه و آله خوشش می‌آمد که با سه دانه خرما افطار کند، یا با چیزی که آتش به آن نرسیده باشد (پخته نباشد).

۴۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با خرمای حلال افطار کند، به پاداش نمازش به اندازهٔ چهارصد نماز افزوده می‌شود.

۱. رُطَب، خرمای رسیده است و ثمر، خرمای خشک.

- ٤٠٤ . الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا صَامَ فَلَمْ يَجِدِ الحَلْوَاءَ أَفْطَرَ عَلَى المَاءِ.^١
- ٤٠٥ . رسول الله ﷺ: إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا فَلْيَفْطِرْ عَلَى التَّمْرِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدِ التَّمَرَ فَعَلَى المَاءِ؛ فَإِنَّ المَاءَ طَهُورٌ.^٢
- ٤٠٦ . عنه ﷺ: أَرْبَعٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ قَوِيَ عَلَى صِيَامِهِ: أَنْ يَكُونَ أَوَّلَ فِطْرِهِ عَلَى مَاءٍ، وَلَا يَدَعَ السَّحُورَ، وَلَا يَدَعَ القَائِلَةَ، وَأَنْ يَشُمَّ شَيْئًا مِنْ طِيبٍ.^٣
- ٤٠٧ . الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحَلْوَاءٍ يُفْطِرُ عَلَيْهَا، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فُسْكْرَةً أَوْ تَمْرَاتٍ، فَإِذَا أَعُوزَ ذَلِكَ كُلُّهُ فَمَاءٍ فَاتِرٍ، وَكَانَ يَقُولُ: يُنْقِي المَعِدَّةَ وَالكَبِدَ، وَيُطَيِّبُ النِّكْهَةَ وَالْقَمَ، وَيُقَوِّي الأَضْرَاسَ، وَيُقَوِّي الحَدَقَ، وَيَجْلُو النَّاطِرَ، وَيَغْسِلُ الذُّنُوبَ غَسْلًا، وَيُسَكِّنُ العُرُوقَ الهَائِجَةَ وَالمِرَّةَ الغَالِيَةَ، وَيَقْطَعُ البَلْغَمَ، وَيُطْفِئُ الحَرَارَةَ عَنِ المَعِدَّةِ، وَيَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ.^٤
- ٤٠٨ . الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَسْتَحِبُّ أَنْ يُفْطِرَ عَلَى اللَّبَنِ.^٥
- ٤٠٩ . عنه ﷺ: أَفْطَرَ عَلَى الحَلْوِ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْهُ فَأَفْطِرْ عَلَى المَاءِ؛ فَإِنَّ المَاءَ طَهُورٌ.^٦
- ٤١٠ . الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا صَامَ زَالَتْ عَيْنَاهُ مِنْ مَكَانِهِمَا، فَإِذَا أَفْطَرَ عَلَى

١ . الكافي: ١/١٥٢/٤ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام.

٢ . سنن أبي داود: ٢/٣٠٥/٢، سنن الدارمي: ١/٤٣٢/١٦٥٣، مسند ابن حنبل: ٥/٤٨٢/١٦٢٢٥ وص ١٦٢٣٧/٤٨٤، صحيح ابن خزيمة: ٣/٢٧٩/٢٠٦٧، السنن الكبرى: ٤/٤٠١/٨١٢٨ كلها عن سلمان بن عامر، سنن الترمذي: ٣/٧٨/٦٩٤ عن أنس نحوه، كنز العمال: ٨/٥٠٩/٢٣٨٧٤.

٣ . الفردوس: ١/٣٧١/١٤٩٦، كنز العمال: ٨/٥٢٥/٢٣٩٧١ نقلاً عن الحاكم في تاريخه وكلاهما عن أنس.

٤ . الكافي: ٤/١٥٣/٤، المقنعة: ٣١٧ كلاهما عن عبد الله بن مسكان، مكارم الأخلاق: ١/٦٩/٨٦، روضة الواعظين: ٣٤١ وكلها نحوه، بحار الأنوار: ١٦/٢٤٢ وج ١٧/٣١٥/٩٦.

٥ . تهذيب الأحكام: ٤/١٩٩/٥٧٤، الإقبال: ١/٢٤٢، المحاسن: ٢/٢٩٢/١٩٥٧ كلها عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام وح ١٩٥٨ عن مسعدة بن اليسع عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «يعجبه» بدل «يستحب»، بحار الأنوار: ٩٨/١٢/٢.

٦ . المقنعة: ٣١٧، بحار الأنوار: ٨٠/١٠/٧.

۴۰۴. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا، هر گاه روزه بود و حلوا (شیرینی) نمی‌یافت، با آب افطار می‌کرد.

۴۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما روزه بود، با خرما افطار کند و اگر خرما نیافت، با آب؛ چرا که آب، پاک‌کننده است.

۴۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز است که هر که آنها را انجام دهد، بر روزه‌داری، نیرو می‌یابد: آغاز افطارش، با آب باشد؛ سحری خوردن را ترک نکند؛ خواب نیم‌روز را ترک نکند؛ و بوی خوش بپوید.

۴۰۷. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، هر گاه افطار می‌کرد، با حلوا (شیرینی) آغاز می‌کرد و اگر نمی‌یافت، با شکر یا چند خرما و اگر اینها هم نبودند، با آب ولرم افطار می‌کرد و می‌فرمود: «معدة و کبد را تمیز می‌کند و بو و دهان را خوشبو می‌سازد و دندان‌ها را محکم می‌کند و سیاهی چشم را تقویت می‌کند و مردمک چشم را پر نور می‌سازد و گناهان را کاملاً می‌شوید و هیجان و زگ‌ها و صفرای غالب را می‌نشاند و بلغم را قطع می‌کند و حرارت معده را آرام می‌کند و سردرد را می‌برد».

۴۰۸. امام باقر علیه السلام: علی علیه السلام خوش می‌داشت که با شیر، افطار کند.

۴۰۹. امام باقر علیه السلام: با شیرینی افطار کن و اگر نیافتی، با آب افطار کن؛ چرا که آب، پاک‌کننده است.

۴۱۰. امام صادق علیه السلام: وقتی کسی روزه می‌گیرد، چشم‌هایش از جای خود جا به جا می‌شود. چون با شیرینی افطار کند، به جای خودش برمی‌گردد.^۱

۱. به نظر می‌رسد که اشاره به ضعف بینایی در حال روزه باشد که به وسیله افطار یا شیرینی، زود ترمیم می‌شود؛

چون زود هضم می‌شود و جذب بدن می‌گردد.

الحُلُو عَادَتَا إِلَى مَكَانِهِمَا.^١

٤١١. عنه عليه السلام: الْإِفْطَارُ عَلَى الْمَاءِ يَغْسِلُ الذُّنُوبَ مِنَ الْقَلْبِ.^٢

٤١٢. عنه عليه السلام: إِذَا أَفْطَرَ الرَّجُلُ عَلَى الْمَاءِ الْفَاتِرِ نَقَى كِبِدَهُ، وَغَسَلَ الذُّنُوبَ مِنَ الْقَلْبِ، وَقَوَّى الْبَصَرَ وَالْحَدَقَ.^٣

٤١٣. عنه عليه السلام: لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَسَحَّرُوا ثُمَّ لَمْ يُفْطِرُوا إِلَّا عَلَى الْمَاءِ، لَقَدَّرُوا عَلَى أَنْ يَصُومُوا الذَّهْرَ.^٤

ح - الدُّعَاءُ بِالْمَأْثُورِ إِذَا أَفْطَرَ

٤١٤. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَفْطَرَ قَالَ:

اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا ؛ ذَهَبَ الظَّمَأُ ، وَابْتَلَّتِ
الْعُرُوقُ ، وَبَقِيَ الْأَجْرُ .^٥

٤١٥. سنن أبي داود عن ابن عمر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَفْطَرَ قَالَ: «ذَهَبَ الظَّمَأُ، وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ، وَثَبَّتَ الْأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».^٦

١. المقنعة: ٣١٧ عن السكوني. الدعوات: ١٩٤/٧٩، بحار الأنوار: ٣٣/٢٥٥/٩٦ وج ٢٤/١٥١/٦٢.
٢. الكافي: ٣/١٥٢/٤، تهذيب الأحكام: ٥٧٢/١٩٩/٤، ثواب الأعمال: ١/١٠٤، الإقبال: ٢٤٢/١، الدعوات: ١٩٥/٧٩ وفيها «ذنوب القلب».
٣. الكافي: ٢/١٥٢/٤.
٤. كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٣٦/٢، تهذيب الأحكام: ٥٧٣/١٩٩/٤ نحوه، الهداية: ١٩٤، بحار الأنوار: ٥/٣١٢/٩٦.
٥. الكافي: ١/٩٥/٤، تهذيب الأحكام: ٥٧٦/١٩٩/٤، المقنعة: ٣١٩ كلها عن السكوني، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١٨٥٠/١٠٦/٢، مصباح المتجهد: ٧٠٢/٦٢٥، الإقبال: ٢٤٥/١، دعائم الإسلام: ٢٨٠/١ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ١٧/٣١٥/٩٦.
٦. سنن أبي داود: ٢٣٥٧/٣٠٦/٢، عمل اليوم والليلة للنسائي: ٢٩٩/٢٦٩، المستدرک علی الصحیحین: ١٥٣٦/٥٨٤/١، السنن الكبرى: ٨١٣٣/٤٠٣/٤، عمل اليوم والليلة لابن السني: ٤٧٨/١٦٨، كنز العمال: ١٨٠٥٥/٨١/٧.

۴۱۱. امام صادق علیه السلام: افطار با آب، آلودگی‌ها را از دل می‌شوید.

۴۱۲. امام صادق علیه السلام: هرگاه روزه‌دار با آب ولرم افطار کند، کبدش را تمیز می‌کند، آلودگی‌ها را از دلش می‌شوید و چشم و سیاهی آن را نیرو می‌بخشد.

۴۱۳. امام صادق علیه السلام: اگر مردم سحری بخورند و تنها با آب افطار کنند، خواهند توانست همه روزگار را روزه بگیرند.

ح - خواندن دعا‌های وارد شده به هنگام افطار

۴۱۴. امام صادق علیه السلام - به نقل از پدران خویش علیهم السلام - : هرگاه پیامبر خدا افطار می‌کرد، می‌گفت:

«خدایا! برای تو روزه گرفتیم و بر روزی تو افطار کردیم. پس، آن را از ما بپذیر! تشنگی رفت، رگ‌ها تر شدند و اجر، باقی ماند».

۴۱۵. سنن أبی داوود - به نقل از ابن عمر - : پیامبر خدا، هرگاه افطار می‌کرد، می‌گفت: «تشنگی رفت، رگ‌ها تر شدند و اگر خدا بخواهد، اجر باقی ماند».

ط - الشُّكْرُ إِذَا أَفْطَرَ عِنْدَ قَوْمٍ

٤١٦ . الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا طَعِمَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتٍ قَالَ لَهُمْ: «طَعِمَ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ، وَأَكَلَ عِنْدَكُمْ الْأَبْرَارُ، وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ الْأَخْيَارُ».^١

٤١٧ . الدعاء للطبراني عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا أَفْطَرَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتٍ قَالَ لَهُمْ: «أَفْطَرَ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ، وَغَشَّيْتُكُمْ الرَّحْمَةَ، وَأَكَلَ طَعَامَكُمْ الْأَبْرَارُ، وَتَنَزَّلَتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ».^٢

٤١٨ . الدعاء للطبراني عن عبدالله بن الزبير: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا أَفْطَرَ عِنْدَ قَوْمٍ قَالَ: «أَفْطَرَ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ، وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ».^٣

٤١٩ . سنن ابن ماجه عن عبدالله بن الزبير: أَفْطَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ فَقَالَ: «أَفْطَرَ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ، وَأَكَلَ طَعَامَكُمْ الْأَبْرَارُ، وَصَلَّتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ».^٤

مركز تحقيقات مكتبة نور علوم ودرسي

١ . الكافي: ١٠ / ٢٩٤ / ٦، تهذيب الأحكام: ٩٩ / ٩ / ٤٣٠ كلاهما عن السكوني . المحاسن: ٢ / ٢٢١ / ١٦٦٤ عن النوفلي بإسناده . بحار الأنوار: ٧٥ / ٤٥٤ / ٢٠ .

٢ . الدعاء للطبراني: ٢٨٧ / ٩٢٢ و ٩٢٣، عمل اليوم والليلة للنسائي: ٢٦٧ / ٢٩٦ و ٢٩٧، سنن الدارمي: ١ / ٤٥١ / ١٧٢١، المعجم الأوسط: ١ / ٩٩ / ٣٠١ وج ٦ / ١٩٢ / ٦١٦٢، المصنف لابن أبي شيبة: ٢ / ٥١١ / ٢ وليس فيها «وغشيتكم الرحمة»، كنز العمال: ٧ / ٨٦ / ١٨٠٨٦ .

٣ . الدعاء للطبراني: ٢٨٨ / ٩٢٧ .

٤ . سنن ابن ماجه: ١ / ٥٥٦ / ١٧٤٧، صحيح ابن حبان: ١٢ / ١٠٧ / ٥٢٩٦، سنن أبي داود: ٣ / ٢٦٧ / ٣٨٥٤، مسند ابن حنبل: ٤ / ٢٧٧ / ١٢٤٠٩، السنن الكبرى: ٧ / ٤٦٨ / ١٤٦٧٣ والثلاثة الأخيرة عن أنس، المقنعة: ٣١٩، مكارم الأخلاق: ١ / ٦٩ / ٨٣ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما «كان ﷺ إذا أكل عند قوم...». الجعفریات: ٦٠ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وفيه «كان رسول الله ﷺ إذا أفطر عند قوم...» وكلها نحوه، بحار الأنوار: ٩٦ / ٣١٥ / ١٧ .

ط - سپاسگزاری، هنگام افطار نزد دیگران

۴۱۶. امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا، هر گاه نزد خانواده‌ای غذا می‌خورد، به آنان می‌گفت: «روزه‌داران، نزد شما افطاری بخورند و نیکان، پیش شما غذا بخورند و فرشتگان نیکو، بر شما درود بفرستند».

۴۱۷. الدعاء طبرانی - به نقل از انس - : پیامبر خدا، هر گاه پیش خانواده‌ای افطار می‌کرد، به آنان می‌گفت: «روزه‌داران، پیش شما افطار کردند؛ رحمت، شما را فرا گرفت؛ نیکان، غذای شما را خوردند؛ و فرشتگان بر شما فرود آمدند».

۴۱۸. الدعاء طبرانی - به نقل از عبد الله بن زبیر - : پیامبر صلی الله علیه و آله، هر گاه پیش گروهی افطار می‌کرد، می‌گفت: «روزه‌داران، پیش شما افطار کردند و فرشتگان، بر شما درود فرستادند».

۴۱۹. سنن ابن ماجه - به نقل از عبد الله بن زبیر - : پیامبر خدا نزد سعد بن معاذ افطار کرد و گفت: «روزه‌داران، نزد شما افطار کردند و نیکان، غذای شما را خوردند و فرشتگان، بر شما درود فرستادند».

الفصل الثاني

مَا يُؤْكَلُ اسْتِحْبَابُهُ مِنْ الْأَعْمَالِ

١/٢

التَّطَوُّعُ بِخَصْلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ

٤٢٠. رسول الله ﷺ: مَنْ تَطَوَّعَ بِخَصْلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ ﷻ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ تَعَالَى فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ.^١
وانظر: ص ١٦٠ (خطابات النبي عند حضور شهر رمضان).

٢/٢

تَفْطِيرُ الصَّائِمِينَ

٤٢١. رسول الله ﷺ: مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ، غَيْرَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الصَّائِمِ شَيْئًا.^٢

١. المقنعة: ٣٤١.

٢. سنن الترمذي: ٨٠٧/١٧١/٣، سنن ابن ماجه: ١٧٤٦/٥٥٥/١، سنن الدارمي: ١٦٥٤/٤٣٢/١، مسند

ابن حنبل: ٥٩/٦/١٧٠٣٠، وص ١٧٤٠١/٦٢، صحيح ابن حبان: ٢١٦/٨/٣٤٢٩، السنن الكبرى:

٨١٣٧/٤٠٤/٤، كلها عن زيد بن خالد الجهني، كنز العمال: ٨/٤٥١/٢٣٦١٤.

فصل دوم

کارهایی که بر انتخاب آنها تأکید شده است



۴۲۰. پیامبر خدا ﷺ: کسی که در ماه رمضان، یکی از کارهای نیک را انجام دهد، همچون کسی است که هفتاد واجب از واجبات خدا را انجام داده است و هر کس در این ماه، واجبی از واجبات خدا را انجام دهد، همچون کسی است که هفتاد واجب از واجبات خدای متعال را در ماه‌های دیگر انجام داده است.

ر.ک: ص ۱۶۱ (خطبه‌های پیامبر، هنگام فرارسیدن ماه رمضان).

۲/۲ افطاری دادن به روزه‌داران

۴۲۱. پیامبر خدا ﷺ: کسی که روزه‌داری را افطار دهد، برای او پاداشی مثل اوست،^۱ جز این که چیزی از اجر روزه‌دار، کم نمی‌شود.

۱. سید ابن طاووس گوید: بدان که فضیلت طعام دادن، بر اساس رأی عقل‌هایی که تصدیق‌کننده پیامبران

۴۲۲. عنه عليه السلام: مَنْ فَطَرَ صَائِماً كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْهُ شَيْءٌ، وَمَا عَمِلَ بِقُوَّةِ ذَلِكَ الطَّعَامِ مِنْ بَرٍّ^۱.

۴۲۳. عنه عليه السلام: فَطْرُكَ لِأَخِيكَ الْمُسْلِمِ وَإِدْخَالُكَ الشُّرُورَ عَلَيْهِ أَعْظَمُ أَجْراً مِنْ صِيَامِكَ^۲.

۴۲۴. عنه عليه السلام - لِعَلِيِّ عليه السلام -: يَا عَلِيُّ، ثَلَاثُ فَرَاحَاتٍ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا: لِقَاءُ الْإِخْوَانِ، وَتَفْطِيرُ الصَّائِمِ، وَالتَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ^۳.

۴۲۵. عنه عليه السلام: مَنْ فَطَرَ مُؤْمِناً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِذُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ إِلَّا عَلَى مَذَقَةٍ لَبَنٍ فَقَطَّرَ بِهَا صَائِماً أَوْ شَرِبَهُ مِنْ مَاءٍ عَذِبٍ وَتَمَرٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ، أَعْطَاهُ اللَّهُ هَذَا الثَّوَابَ^۴.

۴۲۶. شعب الإيمان عن سلمان عن سلمان عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «مَنْ فَطَرَ صَائِماً فِي رَمَضَانَ مِنْ كَسْبٍ خَلَالَ صَلَّاتٍ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ لَيَالِي رَمَضَانَ كُلِّهَا، وَصَافَحَهُ جِبْرِئِيلُ عليه السلام لَيْلَةَ الْفِطْرِ^۵، وَمَنْ صَافَحَهُ جِبْرِئِيلُ تَكَثَّرَ دُمُوعُهُ وَبَرَّقَ قَلْبُهُ».

فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ مَنْ لَمْ يَكُنْ ذَاكَ عِنْدَهُ؟ قَالَ: «فَلَقَمَهُ خُبْزٍ».

۱. تهذيب الأحكام: ۵۸۲/۲۰۲/۴ عن حماد بن زيد، المقنعة: ۳۴۲ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عن أبيه عليه السلام، مصباح المتهجد: ۶۲۶، روضة الواعظين: ۳۷۴ عن الإمام الصادق عليه السلام.

۲. الجعفریات: ۶۰ عن الإمام الكاظم عن أبيه عليه السلام، المقنعة: ۳۴۲ وص ۳۴۳ عن سدير الصيرفي عن الإمام الصادق عليه السلام عن أبيه عليه السلام، المحاسن: ۱۵۱۹/۱۸۲/۲ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، روضة الواعظين: ۳۷۴، بحار الأنوار: ۷/۱۲۶/۹۷.

۳. كتاب من لا يحضره الفقيه: ۵۷۶۲/۳۶۰/۴ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً، مكارم الأخلاق: ۲/۳۲۵/۲ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عن أبيه عن جدّه عن الإمام علي عليه السلام، الخصال: ۱۲۱/۱۲۵ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ۸/۲۴۷/۹۶.

۴. المحاسن: ۱۵۸/۲/۱۴۳۰ عن أبي أيوب عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ۴/۳۱۶/۹۶.

۵. في نسخة: «القدر» بدل «الفطر» (هامش المصدر).

۴۲۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس روزه‌داری را افطاری دهد، مثل پاداش و هر عمل خوبی که روزه‌دار با نیروی آن غذا انجام می‌دهد، بدون آن که از پاداشش چیزی کم شود، برای افطاری‌دهنده است.

۴۲۳. پیامبر خدا ﷺ: افطاری دادنت به برادر مسلمانیت و خوش حال کردن او، پاداشی بزرگ‌تر از روزه‌داری تو دارند.

۴۲۴. پیامبر خدا ﷺ - خطاب به علی علیه السلام - : ای علی! مؤمن در دنیا سه خوش حالی دارد: دیدار برادران، افطاری دادن به روزه‌دار، و تهجد در آخر شب.

۴۲۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس مؤمنی را در ماه رمضان افطاری دهد، پاداش کارش [پاداشی برابر با پاداش] آزاد کردن بنده و [نیز] آمرزش گناهان گذشته اوست. پس اگر بجز جرعه‌ای شیر یا جرعه‌ای آب گوارا و خرما به روزه‌داری افطاری ندهد و بیش از این هم نتواند، خداوند همان پاداش را به او می‌دهد.

۴۲۶. شعب‌الایمان - به نقل از سلمان، از پیامبر خدا ﷺ - : «هر کس در ماه رمضان، از درآمد حلال به روزه‌داری افطاری دهد، در همه شب‌های رمضان، فرشتگان بر او درود می‌فرستند و شب عید فطر^۱ جبرئیل با او دست می‌دهد و هر کس که جبرئیل با او دست دهد، اشکش زیاد و دلش نازک می‌شود».

مردی گفت: ای پیامبر خدا! اگر کسی آن را نداشت؟ فرمود: «یک لقمه نان».

➤ الهی‌اند، اندیشمندانه است؛ زیرا اقدام یک شخص به اطعام روزه‌داران، مثل آن است که طاعت‌ها و عبادت‌های آنان را مالک شود؛ چون توانایی کسانی که توشه به ایشان می‌رسد، گویا نیروی بندهٔ اطعام‌کننده است که در تن اوست. همچنان که نیروی بدنی‌اش، هر چه با آن غذا فراهم شود، از عبادت او شمرده می‌شود، هر کاری هم که از نیروی افطاری دادن به روزه‌دار سر بزنند، در پروندهٔ کسی ثبت می‌شود که روزه‌دار را اطعام کرده است» (ر.ک: الإقبال: ۳۷ / ۱).

۱. در بعضی نسخه‌ها به جای «شب عید فطر»، «شب قدر» است.

قال: أفرأيت من لم يكن ذاك عنده؟ قال: «فَقَبْضَةٌ مِنْ طَعَامٍ».

قال: أفرأيت من لم يكن ذاك عنده؟ قال: «فَمَذْقَةٌ مِنْ لَبَنٍ».

قال: أفرأيت من لم يكن ذاك عنده؟ قال: «فَشَرْبَةٌ مِنْ مَاءٍ».^١

٢٢٧. الإمام الباقر عليه السلام: لَأَنْ أَفْطَرَ رَجُلًا مُؤْمِنًا فِي بَيْتِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ عِتْقِ كَذَا وَكَذَا نَسَمَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ.^٢

٢٢٨. عنه عليه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ فَطَرَ مُؤْمِنًا لَيْلَةً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً، وَمَنْ فَطَرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ كُلَّهُ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ أَجْرَ مَنْ أَعْتَقَ ثَلَاثِينَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً، وَكَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ.^٣

٢٢٩. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ فَطَرَ صَائِمًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ.^٤

٢٣٠. عنه عليه السلام: مَنْ فَطَرَ مُؤْمِنًا وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ مَلَكًا يُقَدِّسُونَهُ إِلَى مِثْلِ تِلْكَ اللَّيْلَةِ مِنْ قَابِلٍ.^٥

٢٣١. عنه عليه السلام: إِفْطَارُكَ لِأَخِيكَ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ تَطَوُّعًا.^٦

٢٣٢. عنه عليه السلام: إِفْطَارُكَ فِي مَنْزِلِ أَخِيكَ الْمُسْلِمِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ سَبْعِينَ ضِعْفًا أَوْ

١. شعب الإيمان: ٣/٤١٩/٣٩٥٥، فضائل الأوقات للبيهقي: ٩١/٥١، كنز العمال: ٨/٤٥٩/٢٣٦٥٨ وانظر المعجم الكبير: ٦/٢٤٢/٦١٦٢.

٢. المحاسن: ٢/١٥٧/١٤٢٦ عن مالك بن أعين الجهني، بحار الأنوار: ٩٦/٣١٦/٣.

٣. المقنعة: ٣٢٢، المحاسن: ٢/١٥٨/١٤٢٩ عن أبي بصير، ثواب الأعمال: ١/١٦٤ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيه «كتب الله له بذلك مثل أجر من أعتق نسمة مؤمنة ومن فطره شهر رمضان كله»، بحار الأنوار: ٩٦/٣١٦/١.

٤. الكافي: ٤/٦٨/١، تهذيب الأحكام: ٤/٢٠١/٥٧٩، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٣٤/١٩٥٢، مصباح المتعبد: ٦٢٦ كلها عن أبي الصباح الكناني، مكارم الأخلاق: ١/٢٩٧/٩٣١.

٥. المقنعة: ٢٤٤.

٦. الكافي: ٤/١٥٠/١ عن إسحاق بن عمار.

گفت: اگر آن را هم نداشت؟ فرمود: «یک مشت غذا».

گفت: اگر آن را هم نداشت؟ فرمود: «جرعه‌ای شیر».

گفت: اگر آن را هم نداشت؟ فرمود: «یک جرعه آب».

۴۲۷. امام باقر (ع): اگر مرد مؤمنی را در خانه‌ام افطاری دهم، برایم محبوب‌تر از آن است که فلان تعداد بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کنم.

۴۲۸. امام باقر (ع): هر مؤمنی که شبی از شب‌های ماه رمضان، مؤمنی را افطاری دهد، خداوند در مقابل، پاداش کسی را به او می‌دهد که یک برده مؤمن را آزاد کرده باشد؛ و هر کس در همه ماه رمضان به مؤمنی افطاری دهد، خداوند در مقابل، پاداش کسی را برای او می‌نویسد که سی نفر مؤمن را آزاد کرده است و نیز نزد خداوند، یک دعای مستجاب دارد.

۴۲۹. امام صادق (ع): هر کس روزه‌داری را افطاری دهد، همانند پاداش او را خواهد داشت.

۴۳۰. امام صادق (ع): هر کس به مؤمنی افطاری دهد، خداوند هفتاد فرشته را بر او می‌گمارد که او را تا مثل چنان شبی از سال آینده، تقدیس کنند.

۴۳۱. امام صادق (ع): افطاری دادن به برادر مؤمن، برتر از روزه گرفتن مستحبتی توست.

۴۳۲. امام صادق (ع): افطاری دادن در خانه برادر مسلمان، هفتاد یا نود برابر برتر از روزه‌داری توست.

تَسْعِينَ ضِعْفًا.^۱

۴۳۳. المقنعة: رُوِيَ أَنَّ زُرَّارَةَ دَخَلَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ بِالْحَبِيرَةِ - قَالَ: - فَلَمَّا صَلَّيْتُ الْعَصْرَ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لِي حَاجَةٌ فَأَذِّنْ لِي أَنْ أَذْهَبَ.

قَالَ: «وَمَا عَجَلْتُكَ؟» قُلْتُ: قَوْمٌ مِنْ مَوَالِيكَ يُفْطِرُونَ عِنْدِي.

فَقَالَ: «يَا زُرَّارَةُ بَادِرْ! بَادِرْ! بَادِرْ!» - ثَلَاثًا - ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى عُقْبَةَ فَقَالَ: «يَا عُقْبَةُ، مَنْ فَطَّرَ مُؤْمِنًا كَانَ كَفَّارَةً لِدُنْيَاهُ إِلَى قَابِلٍ، وَمَنْ فَطَّرَ اثْنَيْنِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ».^۲

۴۳۴. الإمام الصادق عليه السلام: دَخَلَ سَدِيرٌ عَلَى أَبِي عليه السلام فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ: «يَا سَدِيرُ، هَلْ تَدْرِي أَيُّ اللَّيَالِي هَذِهِ؟».

فَقَالَ: نَعَمْ، فِدَاكَ أَبِي! هَذِهِ لَيَالِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فَمَا ذَاكَ؟

فَقَالَ لَهُ: «أَتَقْدِرُ عَلَى أَنْ تُعْتِقَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ هَذِهِ اللَّيَالِي عَشْرَ رَقَبَاتٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ؟».

فَقَالَ لَهُ سَدِيرٌ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي! لَا يَبْلُغُ مَالِي ذَاكَ. فَمَا زَالَ يَنْقُصُ حَتَّى يَبْلُغَ بِهِ رَقَبَةٌ وَاحِدَةً، فِي كُلِّ ذَلِكَ يَقُولُ: لَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ.

فَقَالَ لَهُ: «فَمَا تَقْدِرُ أَنْ تُفْطِرَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ رَجُلًا مُسْلِمًا؟».

فَقَالَ لَهُ: بَلَى وَعَشْرَةٌ.

فَقَالَ لَهُ أَبِي عليه السلام: «فَذَاكَ الَّذِي أَرَدْتُ يَا سَدِيرُ؛ إِنَّ إِفْطَارَكَ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ

يَعْدِلُ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ عليه السلام».^۳

۱. المقنعة: ۳۴۲، المحاسن: ۲/ ۱۸۰/ ۱۵۱۳ عن داود الرقي، روضة الواعظين: ۳۷۴.

۲. المقنعة: ۳۴۳.

۳. الكافي: ۴/ ۶۸/ ۴، تهذيب الأحكام: ۴/ ۲۰۱/ ۵۸۱ كلاهما عن مسعدة بن صدقة، كتاب من لا يحضره

الغيبه: ۲/ ۱۳۴/ ۱۹۵۳، المقنعة: ۳۴۳، الإقبال: ۱/ ۳۸، روضة الواعظين: ۳۷۴.

۴۳۳. المقنعة - به نقل از زراره که در حیره^۱ خدمت امام صادق علیه السلام رسیده بود - : چون نماز عصر را خواندم ، گفتم: فدایت شوم! کاری دارم؛ اجازه بفرما بروم. فرمود: «چه عجله‌ای داری؟».

گفتم: گروهی از دوستانت نزد من افطار می‌کنند.

فرمود: «ای زراره! بشتاب، بشتاب، بشتاب» (سه بار). سپس رو به عقبه کرد و فرمود: «ای عقبه! هر کس مؤمنی را افطاری دهد، کفاره گناهش تا سال آینده است و هر کس دو نفر را افطاری دهد، بر خداست که او را به بهشت ببرد».

۴۳۴. امام صادق علیه السلام: در ماه رمضان، سدید بر پدرم وارد شد. فرمود: «ای سدید! می‌دانی این شب‌ها، چه شب‌هایی است؟».

گفت: آری؛ پدرم فدایت! این شب‌ها، شب‌های ماه رمضان است. مگر چه طور؟

[پدرم] به او فرمود: «آیا می‌توانی هر شب از این شب‌ها، ده نفر از فرزندان اسماعیل را آزاد کنی؟».

سدید به او گفت: پدر و مادرم، فدایت! ثروتم به این اندازه نمی‌رسد. [پدرم] پیوسته کم می‌کرد تا به یک برده رسید؛ ولی سدید در همه این موارد می‌گفت: نمی‌توانم.

[پدرم] فرمود: «آیا نمی‌توانی هر شب، مرد مسلمانی را افطاری دهی؟».

پاسخ داد: چرا. ده نفر را هم می‌توانم.

پدرم به او فرمود: «ای سدید! همین را می‌گفتم. افطاری دادنت به برادر مسلمانان، برابر است با [آزاد کردن] برده‌ای از فرزندان اسماعیل علیه السلام».

۱. حیره، شهری قدیمی پشت کوفه است که نعمان بن منذر در آن ساکن بود (مجمع البحرین: ۱ / ۴۷۹).

٣٣٥ . الإمام الكاظم عليه السلام: فِطْرُكَ أَخَاكَ الصَّائِمَ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ.^١

٣٣٦ . عنه عليه السلام: فِطْرُكَ لِأَخِيكَ وَإِدْخَالُكَ الشُّرُورَ عَلَيْهِ أَعْظَمُ مِنْ الصَّيَامِ وَأَعْظَمُ أَجْراً.^٢

وانظر: ص ١٦٠ (خطابات النبي عند حضور شهر رمضان).



مركز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

١ . الكافي: ٢/٦٨/٢، تهذيب الأحكام: ٤/٢٠١/٥٨٠، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٣٤/١٩٥٢ وفيه

«تفطيرك». المحاسن: ٢/١٥٨/١٤٣١ كلها عن موسى بن بكر، مصباح المتهجد: ٦٢٦ عن موسى بن بكر عن

الإمام الرضا عليه السلام. بحار الأنوار: ٩٦/٣١٧/٥.

٢ . المحاسن: ٢/١٨٢/١٥٢٠ عن موسى بن بكر، بحار الأنوار: ٩٧/١٢٦/٩.

۴۳۵. امام کاظم علیه السلام: افطاری دادن تو به برادر روزه‌دارت، برتر از روزه‌داریِ توست.

۴۳۶. امام کاظم علیه السلام: افطاری دادنت به برادرت و خوش حال کردن او، از روزه‌داری‌ات بزرگ‌تر و پاداشش نیز بزرگ‌تر است.

ر.ک: ص ۱۶۱ (خطبه‌های پیامبر، هنگام فرارسیدن ماه رمضان).

نکته

عالم ربّانی مرحوم آیه الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی گفته است:

از مهم‌ترین کارهای این ماه، افطاری دادن به روزه‌داران است. پاداش آن را در خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده‌ای. مهم‌تر، آن است که در این کار، نیت خالص و مؤدّب شدن به ادب الهی باشد و این که انگیزه آن جز به دست آوردن رضای خدا نباشد، نه ابراز شرافت دنیا و نه شرافت آخرت، نه تقلید و نه رسم و عادت.

باید بکوشد تا عمل خود را از این هدف‌ها خالص سازد و آن را با برخی آزمون‌ها بیازماید و از فریبکاری هوای نفس و شیطان، خاطر جمع نباشد و هم در اصل افطاری دادن، هم در تعیین کسانی که به آنان افطاری می‌دهد (مؤمنان)، هم در نوع غذا و هم در کیفیت برخورد با میهمانش، از خداوند مدد بجوید؛ چرا که همه اینها با اهداف مختلف، کیفیت‌های متفاوت می‌یابند. بیدار دلان، راه‌های ورود شیطان را در این موارد می‌شناسند و از آنچه موافق دستور شیطان است، پرهیز می‌کنند و پیرو چیزی می‌شوند که موافق فرمان و رضایت مالک دین و دنیایشان است. در نتیجه به پذیرش الهی نایل می‌شوند و از پاداش‌های او بیش از حدّ آرزوهایشان برخوردار می‌گردند.

همچنین درباره قبول دعوت دیگری برای افطار، در اخلاص نیتش بکوشد؛ چون گاه کسی که با اخلاص، دعوت مؤمنی را می‌پذیرد و در مجلس و افطار او حاضر می‌شود، بهره‌ای می‌برد که با عبادتِ دراز مدّت، به آن نمی‌رسد. از این رو، همت اولیای خدا بر خالص‌سازی کارها بوده است، نه زیاد بودن آنها. و این، عبرت گرفتن از کار آدم و ابلیس است؛ چرا که عبادت هزاران ساله آن خبیث، رد شد و یک بار توبه خالصانه آدم، پذیرفته گشت و مایه برگزیدگی‌اش شد.^۱

كِبْرَةُ الْإِنْفَاقِ

٣٣٧. سنن الترمذي عن أنس: سئل النبي ﷺ: ... أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «صَدَقَةُ فِي رَمَضَانَ»^١.

٣٣٨. رسول الله ﷺ: مَا مِنْ نَفَقَةٍ إِلَّا وَيَسْأَلُ الْعَبْدُ عَنْهَا، إِلَّا النَّفَقَةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ صَلََّةً لِلْعِبَادِ، وَكَانَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِمْ، وَمَنْ تَصَدَّقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِصَدَقَةٍ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فَمَا فَوْقَهَا؛ إِذَا كَانَ أَثْقَلَ عِنْدَ اللَّهِ ﷻ مِنْ جِبَالِ الْأَرْضِ ذَهَباً تَصَدَّقَ بِهَا فِي غَيْرِ رَمَضَانَ^٢.

٣٣٩. صحيح البخاري عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ أَجْوَدَ النَّاسِ بِالْخَيْرِ، وَكَانَ أَجْوَدُ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جِبْرِيلُ، وَكَانَ جِبْرِيلُ ﷺ يَلْقَاهُ كُلَّ لَيْلَةٍ فِي رَمَضَانَ حَتَّى يَنْسَلِخَ، يَعْزِضُ عَلَيْهِ النَّبِيُّ ﷺ الْقُرْآنَ، فَإِذَا لَقِيَهُ جِبْرِيلُ ﷺ كَانَ أَجْوَدَ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ^٣.

٣٤٠. ثواب الأعمال عن ابن عباس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ أَطْلَقَ كُلَّ أُسِيرٍ، وَأَعْطَى كُلَّ سَائِلٍ^٤.

١. سنن الترمذي: ٥١/٣، السنن الكبرى: ٥٠٣/٤، شعب الإيمان: ٣٧٧/٣، تاريخ بغداد: ١٣/٣١٥، كنز العمال: ٥٥٧/٨، ٢٤١٤٩/٥٩١ وص ٢٤٢٩٢.

٢. بحار الأنوار: ٩٦/٣٤٥، ٩ نقلًا عن القطب الراوندي في النوار عن عبد الله بن مسعود.

٣. صحيح البخاري: ٢/٦٧٢، ١٨٠٣/٤، صحيح مسلم: ٤/١٨٠٣، ٥٠/٤، سنن النسائي: ٤/١٢٥، مسند ابن حنبل: ١/٦١٨، ٢٦١٦، السنن الكبرى: ٤/٥٠٣، ٨٥١٥.

٤. ثواب الأعمال: ٩٧/١٣، فضائل الأشهر الثلاثة: ٥٦/٧٥، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٩٩/٢، ١٨٤٠، الإقبال: ١/٣٩، بحار الأنوار: ٩٦/٣٦٣، ٣٢/٣٦٣، مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا: ٢٥٣/٣٨٦، الطبقات الكبرى: ١/٣٧٧، شعب الإيمان: ٣/٣١١، ٣٦٢٩، كنز العمال: ٧/٨١، ١٨٠٦٠.

۳/۲

بسیار اتفاق کردن

۴۳۷. سنن الترمذی - به نقل از انس - : از پیامبر ﷺ پرسیدند: کدام صدقه برتر است؟

فرمود: «صدقه در [ماه] رمضان».

۴۳۸. پیامبر خدا ﷺ: هیچ خرج کردنی نیست، مگر آن که بنده از آن سؤال می‌شود، مگر خرج کردن در ماه رمضان در راه احسان به بندگان و این، کفاره گناهان می‌شود. هر کس در ماه رمضان به اندازه سنگینی ذره‌ای یا بالاتر از آن صدقه دهد، نزد خداوند سنگین‌تر از کوه‌های زمین از طلاست که در غیر ماه رمضان صدقه دهد.

۴۳۹. صحیح البخاری - به نقل از ابن عباس - : پیامبر ﷺ در بخشش، از همه مردم بخشنده‌تر بود و بیشترین بخشندگی او، وقتی بود که در ماه رمضان، جبرئیل او را دیدار می‌کرد و جبرئیل در [ماه] رمضان، هر شب، ایشان را دیدار می‌کرد تا آن که ماه رمضان سپری شود. و پیامبر ﷺ، قرآن را بر او عرضه می‌کرد. پس وقتی جبرئیل او را دیدار می‌کرد، در بخشندگی، بخشنده‌تر از بادِ وزان [نسبت به باران] بود.

۴۴۰. ثواب الأعمال - به نقل از ابن عباس - : وقتی ماه رمضان می‌شد، پیامبر خدا ﷺ همه اسیران را آزاد می‌کرد و به هر نیازمندی، بخشش می‌نمود.

٤٤١. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَصَدَّقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِصَدَقَةٍ صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنَ الْبَلَاءِ.^١

٤٤٢. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: أَحْسِنُوا إِلَى عِيَالِكُمْ وَوَسَّعُوا عَلَيْهِمْ؛ فَإِنَّهُ قَدْ أَرَوِي عَنِ الْعَالِمِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحَاسِبُ الصَّائِمَ عَلَى مَا أَنْفَقَهُ فِي مَطْعَمٍ وَلَا مَشْرَبٍ، وَإِنَّهُ لَا إِسْرَافَ فِي ذَلِكَ».^٢

٤٤٣. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: أَكْثَرُ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمُبَارَكِ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ، وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، وَكَثْرَةِ الصَّدَقَةِ، وَذِكْرِ اللَّهِ فِي آثَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَبِرِّ الْإِخْوَانِ، وَإِفْطَارِهِمْ مَعَكَ بِمَا يُمَكِّنُكَ؛ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ ثَوَاباً عَظِيماً وَأَجْراً كَبِيراً.^٣

وانظر: ص ٢٩٤ (ما ينبغي عند الإفطار / الصدقة).
ص ١٧٢، ح ٢٢٢.



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی
٤/٢

كثرة تلاوة القرآن

١ - ٤/٢

فُضِّلَ التَّلَاوَةُ وَالْحَتُّ عَلَيْهَا

٤٤٤. رسول الله صلى الله عليه وآله - فِي آدَابِ شَهْرِ رَمَضَانَ -: أَكْثَرُوا فِيهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ.^٤

٤٤٥. عنه عليه السلام: مَنْ قَرَأَ آيَةً فِي رَمَضَانَ أَوْ سَبَّحَ كَانَ لَهُ مِنَ الْفَضْلِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِي

١. ثواب الأعمال: ١٧١/١٩، بحار الأنوار: ٩٦/١٧٩/١٨، وص ٢/٣١٦.

٢. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ٢٠٦، بحار الأنوار: ٩٦/٣١٧/٧.

٣. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ٢٠٧، بحار الأنوار: ٩٦/٣٨١/٥.

٤. فضائل الأشهر الثلاثة: ٧٨/٩٥ عن محمد بن أبي عمير عن غير واحد عن الإمام الصادق عليه السلام.

کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است ۳۲۷

۴۴۱. امام صادق علیه السلام: هر کس در ماه رمضان صدقه‌ای بدهد، خداوند هفتاد نوع بلا را از او بر می‌گرداند.

۴۴۲. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: به نانخوران خود، نیکی کنید و بر آنان توسعه دهید، که من از عالم علیه السلام^۱ روایت می‌کنم که گفت: «خداوند، روزه‌دار را بر آنچه در خوردنی و آشامیدنی خرج کرده، محاسبه نمی‌کند و در این مورد، اسراف نیست».

۴۴۳. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: در این ماه مبارک، زیاد قرآن بخوان و بر پیامبر خدا زیاد صلوات بفرست و زیاد صدقه بده و زیاد در لحظات شب و روز، خدا را یاد کن و به برادران، نیکی کن و تا می‌توانی به آنان با خودت افطاری بده، که در این کار، پاداشی بزرگ و اجری عظیم است.

ر.ک: ص ۲۹۵ (آنچه هنگام افطار، سزاوار است / صدقه).

ص ۱۷۳، حدیث ۲۲۲

۴/۲

زیادتر آن خواندن

۴/۲-۱

فضیلت تلاوت قرآن و تشویق به آن

۴۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بیان آداب ماه رمضان -: در این ماه، زیاد قرآن بخوانید.

۴۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در ماه رمضان آیه‌ای بخواند و یا تسبیحی بگوید،

۱. لقب امام کاظم علیه السلام است.

عَلَى أُمَّتِي، فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ رَمَضَانَ! ثُمَّ طُوبَى لَهُ! ^١

٤٤٦. الإمام الباقر (عليه السلام): لِكُلِّ شَيْءٍ رَبِيعٌ، وَرَبِيعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ. ^٢

٤٤٧. الإقبال: إَعْلَمَ أَنَّهُ مَنْ بَلَغَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى أَنْ يَكُونَ مُتَصَرِّفًا فِي الْعِبَادَاتِ الْمُنْدُوبَاتِ بِأَمْرِ يَعْرِفُهُ فِي سِرِّهِ فَيَعْتَمِدُ عَلَيْهِ، فَإِنَّهُ يَكُونُ مِقْدَارُ قِرَاءَتِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِقَدْرِ ذَلِكَ الْبَيَانِ، وَأَمَّا مَنْ كَانَ مُتَصَرِّفًا فِي الْقِرَاءَةِ بِحَسَبِ الْأَمْرِ الظَّاهِرِ فِي الْأَخْبَارِ، فَإِنَّهُ بِحَسَبِ مَا يَتَّفِقُ لَهُ مِنَ التَّفَرُّغِ وَالْإِعْذَارِ.

فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ عَائِقُ عَنْ اسْتِمْرَارِ الْقِرَاءَةِ فِي شَهْرِ الصَّيَامِ، فَلْيَعْمَلْ مَا رُوِيَ عَنْ وَهَبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ فِي كَمْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ؟ قَالَ: «فِي سِتِّ فَصَاعِدًا».

قُلْتُ: فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ قَالَ: «فِي ثَلَاثِ فَصَاعِدًا» ^٣.

٤٤٨. الكافي عن علي بن أبي حمزة: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! أَقْرَأَ الْقُرْآنَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةٍ؟ فَقَالَ: «لا». قَالَ: فَفِي لَيْلَتَيْنِ؟ قَالَ: «لا». قَالَ: فَفِي ثَلَاثٍ؟ قَالَ: «ها» - وَأَشَارَ بِيَدِهِ ^٤ -.

ثُمَّ قَالَ: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، إِنَّ لِرَمَضَانَ حَقًّا وَحُرْمَةً لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ مِنَ الشُّهُورِ، وَكَانَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) يَقْرَأُ أَحَدَهُمُ الْقُرْآنَ فِي شَهْرٍ أَوْ أَقَلٍّ؛ إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يَقْرَأُ هَذَرَةً وَلَكِنْ يُرْتَّلُ تَرْتِيلاً، فَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ

١. بحار الأنوار: ٩/٣٤٥/٦ نقلًا عن القطب الراوندي في النوادر عن عبد الله بن مسعود.

٢. الكافي: ١٠/٦٣٠/٢، ثواب الأعمال: ١/١٢٩، معاني الأخبار: ١/٢٢٨، الأموال للصديق: ٩٥/١١٥ كلها عن جابر، المقنعة: ٣١٢، بحار الأنوار: ١/٣٨٦/٩٦.

٣. الإقبال: ٢٣٢/١.

٤. «ها» كلمة تنبيه للمخاطب ينبه به على ما يساق إليه من الكلام، و«أشار بيده» كأنه أشار إليه أن يسكت (مرآة العقول: ١٢/٥٠٥ و٥٠٤).

برتری آن بر غیر ماه رمضان، همچون برتری من بر امت من است. پس خوشا به حال آن که رمضان را دریابد! خوشا به حال او!

۴۲۶. امام باقر علیه السلام: هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن، ماه رمضان است.

۴۲۷. الإقبال: بدان که فضل خداوند، هر گاه به کسی برسد، در حدی که به عبادت‌های مستحب (به سبب امری که آن را در نهان خویش می‌شناسد و بر آن اعتماد می‌کند) اقدام کند، اندازه قرائتش در ماه رمضان به اندازه همان بیان^۱ است. اما هر کس به حسب دستور موجود در ظاهر احادیث، اقدام به قرائت کند، به هر مقدار که فرصت و مقدور باشد، به همان اندازه خواهد بود. پس اگر مانعی از پیوسته خواندن قرآن در ماه روزه ندارد، به آنچه از وهب بن حفص از امام صادق علیه السلام روایت شده، عمل کند. وی گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: یک فرد، قرآن را در چه مدت بخواند؟ فرمود: «در شش روز و بیشتر».

گفتم: در ماه رمضان [، چه]؟ فرمود: «در سه روز و بیشتر».

۴۲۸. الکافی- به نقل از علی بن حمزه -: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. ابو بصیر به او عرض کرد: فدایت شوم! آیا در ماه رمضان، قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: «نه».

گفت: در دو شب؟ فرمود: «نه».

گفت: در سه شب؟ [امام علیه السلام] با اشاره دست فرمود: «آری».

سپس فرمود: «ای ابو محمد! رمضان، حق و حرمتی دارد که هیچ یک از ماه‌ها شبیه آن نیست. هر کدام از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله قرآن را در یک ماه یا کمتر می‌خواند. قرآن نباید تندتند خوانده شود؛ بلکه با ترتیل و آرامش خوانده می‌شود. هر گاه به آیه‌ای رسیدی که یاد بهشت در آن است، درنگ کن و از خدا بهشت بخواه، و هر گاه به آیه‌ای رسیدی که یاد آتش در آن است،

۱. مقصود، قول معصوم است درباره ختم قرآن در ماه رمضان، که در ادامه مطلب می‌آید.

فَقِفْ عِنْدَهَا وَسَلِّ اللَّهُ ﷻ الْجَنَّةَ، وَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَقِفْ عِنْدَهَا وَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»^١.

٤٤٩. الكافي عن علي بن أبي حمزة: سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ وَأَنَا حَاضِرٌ، فَقَالَ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! أَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةٍ؟ فَقَالَ: «لا»، فَقَالَ: فِي لَيْلَتَيْنِ؟ فَقَالَ: «لا»، حَتَّى بَلَغَ سِتَّ لَيَالٍ، فَأَشَارَ بِيَدِهِ فَقَالَ: «ها».

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، إِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ﷺ كَانَ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي شَهْرٍ وَأَقْلَ، إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يَقْرَأُ هَذَرَمَةً وَلَكِنْ يُرْتَّلُ تَرْتِيلاً، إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ وَقَفْتَ عِنْدَهَا وَتَعَوَّذْتَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

فَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ: أَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي رَمَضَانَ فِي لَيْلَةٍ؟ فَقَالَ: «لا»، فَقَالَ: فِي لَيْلَتَيْنِ؟ فَقَالَ: «لا»، فَقَالَ: فِي ثَلَاثٍ؟ فَقَالَ: «ها - وَأَوْماً بِيَدِهِ - . نَعَمْ، شَهْرُ رَمَضَانَ لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ مِنَ الشُّهُورِ، لَهُ حَقٌّ وَحُرْمَةٌ، أَكْثَرُ مِنَ الصَّلَاةِ مَا اسْتَطَعْتَ»^٢.

٤٥٠. الإقبال عن علي بن المغيرة عن أبي الحسن ﷺ^٣، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَبِي سَأَلَ جَدَّكَ ﷺ عَنْ خَتَمِ الْقُرْآنِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ، فَقَالَ لَهُ: «فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، - قَالَ: - إِفْعَلْ فِيهِ مَا اسْتَطَعْتَ». فَكَانَ أَبِي يَخْتِمُهُ أَرْبَعِينَ خَتَمَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، ثُمَّ خَتَمَتُهُ بَعْدَ أَبِي فَرُبَّمَا زِدْتُ وَرُبَّمَا نَقَصْتُ، وَإِنَّمَا يَكُونُ ذَلِكَ عَلَى قَدَرِ فَرَاعِي وَشُغْلِي وَنَشَاطِي وَكَسْلِي، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْفِطْرِ جَعَلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَتَمَةً وَلِفَاطِمَةَ ﷺ خَتَمَةً وَلِلْأَئِمَّةِ ﷺ خَتَمَةً حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَيْكَ^٤ فَصَيَّرْتُ لَكَ وَاحِدَةً

١. الكافي: ٢/٦١٧/٢.

٢. الكافي: ٥/٦١٨/٢.

٣. الظاهر أنه الإمام الكاظم ﷺ، وعلي بن المغيرة المذكور هو من أصحاب الصادق ﷺ.

٤. في المصدر: «إليه» بدل «إليك»، والصحيح ما أثبتناه كما في المصادر الأخرى.

بایست و از آتش به درگاه خدا پناه ببر».

۲۴۹. الکافی - به نقل از علی بن ابی حمزه - : ابو بصیر از امام صادق علیه السلام سؤال کرد و من نیز حضور داشتم. او به ایشان گفت: فدایت شوم! آیا قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: «نه».

گفت: در دو شب [، چه]؟ فرمود: «نه».

تا این که به شش شب رسید. [امام علیه السلام] همراه با اشاره دست فرمود: «آری».

امام صادق علیه السلام سپس فرمود: «ای ابو محمد! همانا پیشینیان شما از اصحاب محمد صلی الله علیه و آله، قرآن را در یک ماه و کمتر، می خواندند. قرآن نباید تندتند خوانده شود؛ بلکه با ترتیل و آرامش خوانده می شود. هرگاه به آیه ای رسیدی که یاد آتش در آن است، می ایستی و از آتش به درگاه خدا پناه میبری».

ابو بصیر گفت: آیا در [ماه] رمضان، قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: «نه».

گفت: در دو شب؟ فرمود: «نه».

گفت: در سه شب؟

امام علیه السلام همراه با اشاره دست فرمود: «آری. هیچ یک از ماه ها مثل ماه رمضان نیست و آن، حق و حرمتی دارد. تا می توانی، نماز بخوان».

۲۵۰. الإقبال - به نقل از علی بن مغیره - : به ابو الحسن علیه السلام ^۱ گفتم: پدرم از جدّ تو درباره ختم قرآن در هر شب پرسید و وی به او فرمود: «در ماه رمضان، هر چه می توانی، بکن». از این رو پدرم در ماه رمضان، چهل قرآن ختم می کرد. من نیز پس از پدرم، قرآن ختم می کنم؛ گاهی بیشتر و گاهی کمتر. این، به خاطر فراغت یا گرفتاری، نشاط و یا بی حالی من است. پس چون عید فطر می شود، یک ختم برای پیامبر خدا، یک ختم برای فاطمه علیها السلام و یک ختم هم برای امامان علیهم السلام قرار می دهم تا به شما برسم و یک ختم هم برای شما قرار

۱. ظاهراً مقصود، امام کاظم علیه السلام است؛ چون علی بن مغیره - که در روایت، از او یاد شده - از اصحاب امام صادق علیه السلام است [و می توانسته از امام هفتم روایت کند].

مُنْذُ صِرْتُ فِي هَذِهِ الْحَالِ، فَأَيُّ شَيْءٍ لِي بِذَلِكَ؟

قَالَ: «لَكَ بِذَلِكَ أَنْ تَكُونَ مَعَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

قُلْتُ: اللَّهُ أَكْبَرُ! فَلِي بِذَلِكَ؟

قَالَ: «نَعَمْ» - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ -^۱.

۲-۴/۲

الدُّعَاءُ عِنْدَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ

۴۵۱. الإقبال: عَنْ عَلِيِّ بْنِ مِيمُونٍ الصَّائِغِ أَبِي الْأَكْرَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ مِنْ

دُعَائِهِ إِذَا أَخَذَ مُصْحَفَ الْقُرْآنِ وَالْجَامِعَ قَبْلَ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ وَقَبْلَ أَنْ يَنْشُرَهُ،

يَقُولُ حِينَ يَأْخُذُهُ بِيَمِينِهِ:

بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى
رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكِتَابُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ
رَسُولِكَ، وَفِيهِ حُكْمُكَ وَشَرَائِعُ دِينِكَ، أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ، وَجَعَلْتَهُ عَهْدًا
مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ، وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً،
وَقِرَاءَتِي تَفَكُّرًا، وَفِكْرِي اعْتِبَارًا، وَاجْعَلْنِي مِمَّنِ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ
فِيهِ، وَاجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ، وَلَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَاءَتِي كِتَابَكَ عَلَى قَلْبِي وَلَا عَلَى
سَمْعِي، وَلَا تَجْعَلْ عَلَى بَصَرِي غِشَاوَةً، وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَّبَّرُ
فِيهَا، بَلْ اجْعَلْنِي أَتَدَّبَّرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ، آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ، وَلَا تَجْعَلْ

۱. الإقبال: ۲۳۱/۱، الكافي: ۴/۶۱۸/۲، المقنعة: ۳۱۲ كلاهما نحوه، روضة الواعظين: ۳۷۳، بحار الأنوار:

می‌دهم، از وقتی که در این حال قرار گرفته‌ام. من در مقابل این، چه پاداشی دارم؟

فرمود: «پاداش تو برای این کار، آن است که در قیامت با آنان باشی».

گفتم: الله اکبر! من چنین پاداشی دارم؟

سه بار فرمود: «آری».

۲ / ۴ - ۲

دعای تلاوت قرآن

۴۵۱. الإقبال - به نقل از علی بن میمون زرگر (ابو الأکراد) - : امام صادق علیه السلام، هرگاه

قرآن را برای خواندن به دست می‌گرفت، پیش از آن که آن را بگشاید، وقتی آن را در دست راست خود می‌گرفت، می‌گفت:

«به نام خدا. خداوندا! گواهی می‌دهم این، کتاب توست که از سوی تو بر فرستاده‌ات محمد بن عبد الله - که درود خدا بر او و خاندانش باد - نازل شده است، و کتاب گویای توست بر زبان فرستاده‌ات و در آن است حکم و قوانین دین تو که آن را بر پیامبرت فرو فرستادی و آن را پیمانی از سوی خود با آفریدگانت و ریسمانی پیوسته میان خود و بندگانت قرار دادی.

خدایا! پیمان و کتاب تو را گشوده‌ام. خداوندا! نگاهم را به آن، عبادت قرار بده و خواندندم را تفکر، و اندیشیدنم را پندگیری! مرا از آنانی قرار بده که از بیان پندهای تو در آن، پند می‌گیرند و از نافرمانی تو می‌پرهیزند! و آن گاه که کتاب تو را می‌خوانم، بر دل و گوشم مهر نزن و بر چشمم پرده نیفکن و خواندندم را خواندنی بی‌تدبیر قرار مده؛ بلکه چنانم ساز که در آیه‌ها و احکامش تدبیر کنم و قوانین دین تو را عمل نمایم! و نگاهم را در آن، غفلت و قرائتم را

نَظَرِي فِيهِ غَفْلَةٌ ، وَلَا قِرَاءَتِي هَذَرَمَةً ، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ .^١

۴۵۲ . الإقبال: عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونِ الصَّائِغِ أَبِي الْأَكْرَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... يَقُولُ عِنْدَ الْفَرَاغِ مِنْ قِرَاءَةِ بَعْضِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ لِي مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُكَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَلَكَ الشُّكْرُ وَالْمِنَّةُ عَلَى مَا قَدَّرْتَ وَوَقَّعْتَ .

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَكَ ، وَيُحَرِّمُ حَرَامَكَ ، وَيَجْتَنِبُ مَعَاصِيكَ ، وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَمُتَشَابِهِهِ ، وَنَاسِيهِ وَمَنْسُوخِهِ ، وَاجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَرَحْمَةً ، وَحِرْزاً وَذُخْرًا .
اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي أُنْسًا فِي قَبْرِي ، وَأُنْسًا فِي حَشْرِي ، وَأُنْسًا فِي نَشْرِي ، وَاجْعَلْ لِي بَرَكَهً بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأْتُهَا ، وَارْفَعْ لِي بِكُلِّ حَرْفٍ دَرَسْتُهُ دَرَجَةً فِي أَعْلَى عِلِّيَّينَ ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَنَجِيِّكَ ، وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ ، وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ ، وَعَلَى أَوْصِيَائِهِمَا الْمُسْتَحْفَظِينَ دِينَكَ ، الْمُسْتَوْدَعِينَ حَقَّكَ ، وَالْمُسْتَرَعِينَ خَلْقَكَ ، وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .^٢

وانظر: الكافي: ج ٢، ص ٥٧٣، ح ١.

١ . الإقبال: ٢٣١/١، الاختصاص: ١٤١، مكارم الأخلاق: ٢/١٤٠/٢٣٥٠ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ٢/٥/٩٨ وج ٢٠٧/٩٢/٤.

٢ . الإقبال: ٢٣٣/١، الاختصاص: ١٤١ نحوه، مكارم الأخلاق: ٢/١٤١/٢٣٥١ مختصراً، بحار الأنوار: ٢/٧/٩٨ وج ٢٠٨/٩٢/٤.

شتاب زده (در هم آمیخته) قرار مده! همانا تو دلسوز و مهربانی.

۲۵۲. الإقبال - به نقل از علی بن میمون زرگر - : امام صادق علیه السلام ، هرگاه از قرائت بخشی از قرآن کریم فارغ می شد، می گفت:

«خداوندا! آنچه را از کتابت بر من مقدر فرمودی، خواندم؛ کتابی که بر پیامبرت محمد - که درود و رحمت تو بر او باد - نازل کردی. پروردگارا! تو را حمد و سپاس و منت که ما را توان و توفیق بخشیدی.

خداوندا! مرا از آنانی قرار بده که حلال تو را حلال می شمارند و حرام تو را حرام می دانند و از نافرمانی های پرهیز می کنند و به محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ آن، ایمان دارند، و قرآن را برایم شفا و رحمت و پناهگاه و ذخیره قرار بده!

خداوندا! آن را همدم من در گورم و مونس من در حشر و نشرم در قیامت قرار بده! با هر آیه ای که خواندم، برایم برکتی قرار بده و با هر حرفی که مرور کردم، مرا در بالاترین درجات بهشت، درجه ای بالا ببر! آمین، ای پروردگار جهانیان!

خداوندا! بر پیامبر و برگزیده و همسخن و راهنماییت و دعوتگر به راهت، محمد، درود فرست و نیز بر علی، امیر مؤمنان، ولی تو و جانشین تو پس از فرستاده ات، و بر جانشینان آنان که عهده دار حفظ دین تو و به ودیعت گیرندگان حق تو و عهده داران کار بندگانت هستند!

سلام و رحمت و برکات الهی بر همه آنان باد!.

۳-۴/۲

الدُّعَاءُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ

۴۵۳. مصباح المتهجد: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِذَا خَتَمَ الْقُرْآنَ قَالَ:

اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي ، وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي ، وَتَوَرَّ بِالْقُرْآنِ
بَصْرِي ، وَأَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي ، وَأُعِنِّي عَلَيْهِ مَا أَبْقَيْتَنِي ؛ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ .^۱

۴۵۴. الإمام علي عليه السلام: حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمَرَنِي أَنْ أَدْعُو بِهِنَّ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِخْبَاتَ الْمُخْبِتِينَ ، وَإِخْلَاصَ الْمَوْفِقِينَ ، وَمُرَافَقَةَ الْأَبْرَارِ ،
وَاسْتِحْقَاقَ حَقَائِقِ الْإِيمَانِ ، وَالْفَيْقَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ ،
وَوُجُوبَ رَحْمَتِكَ ، وَغَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ .^۲

۴۵۵. الإمام زين العابدين عليه السلام - كَانَ مِمَّا يَدْعُو بِهِ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ :-

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْنَتَنِي عَلَى خَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا^۳ ، وَجَعَلْتَهُ مُهِمِّنًا
عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ ، وَفَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ ، وَفُرْقَانًا فَرَقْتَ
بِهِ بَيْنَ حَلَائِكَ وَحَرَامِكَ ، وَقُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ ، وَكِتَابًا
فَضَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا ، وَوَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
وآلِهِ تَنْزِيلًا ، وَجَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ ،
وَشِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ^۴ بِقَهْمِ التَّصَدِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ ، وَمِيزَانًا قَسَطَ لَا يَحِيفُ

۱. مصباح المتهجد: ۴۳۱/۳۲۳، بحار الأنوار: ۶/۲۰۹/۹۲.

۲. مكارم الأخلاق: ۲/۱۳۹/۲۳۴۹، بحار الأنوار: ۱/۲۰۶/۹۲، المناقب للخوارزمي: ۷۶/۸۶، كنز العمال:

۲/۳۵۱/۴۲۲۱ نقلًا عن ابن النجار وكلاهما عن زر بن حبیش.

۳. في مصباح المتهجد: «نوراً وهدى».

۴. في الإقبال: «أنعمت».

۳-۴/۲

دعای ختم قرآن

۴۵۳. مصباح المتهجد: هرگاه امیر مؤمنان علیه السلام قرآن را ختم می‌کرد، می‌گفت:

«خداوندا! سینه‌ام را با قرآن گشایش بده و بدنم را با قرآن به کار گیر و چشمم را با قرآن فروغ بخش و زبانم را با قرآن گویا ساز و تا زنده‌ام، مرا در این کار، یاری کن! همانا هیچ توان و قدرتی نیست، مگر به تو.»

۴۵۴. امام علی علیه السلام: حبیب من، پیامبر خدا، مرا دستور داد که هنگام ختم قرآن، چنین دعا بخوانم:

«خداوندا! از تو می‌خواهم خشوع خاشعان، اخلاص اهل یقین، دوستی با نیکان، شایستگی برای حقایق ایمان، بهره‌مندی از هر نیکی، سلامت از هر گناه، لزوم رحمت، آمرزش‌های حتمی‌ات، رسیدن به بهشت، و رهایی از آتش را.»

۴۵۵. امام سجّاد علیه السلام - در دعایش هنگام ختم قرآن - : خداوندا! تو مرا بر ختم کتاب خویش یاری کردی؛ کتابی که آن را روشن‌گر فرو فرستادی و آن را بر هر کتابی که نازل کرده‌ای، گواه و غالب قرار دادی و آن را بر هر سخنی که برخوانده‌ای، برتری دادی و آن را معیاری ساختی و با آن میان حلال و حرمت جدایی انداختی؛ قرآنی که با آن، قوانین احکام خود را آشکار ساختی و کتابی که آن را برای بندگان تفصیل دادی و وحیی که آن را بر پیامبرت محمد - که درود تو بر او باد - نازل کردی و آن را فروغی قرار دادی که با پیروی از آن، راه را از تاریکی‌های گمراهی و نادانی باز می‌شناسیم، و نیز درمانی برای هر کس که از سر فهم و تصدیق، به آن گوش فرا دهد، و میزانی برای قسط که زبانش از حق برنمی‌گردد و نور هدایتی که بُرهان آن برای شاهدان، خاموش نمی‌شود و

عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ، وَنُورَ هُدًى لَا يُطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ، وَعِلْمَ نَجَاةٍ
لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ، وَلَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ
عِصْمَتِهِ.

اللَّهُمَّ فَإِذَا أَقْدَتْنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ، وَسَهَّلْتَ جَوَاسِي السِّنِّينَا بِحُسْنِ
عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَرَعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَيَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ
لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ، وَيَفْرَغُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ وَمَوْضِحَاتِ بَيِّنَاتِهِ^١.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُجْمَلًا^٢،
وَالْهَمَّتُهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكْمَلًا^٣، وَوَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَفَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ
جَهَلَ عِلْمَهُ، وَقَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِيقْ حَمْلَهُ.

اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً، وَعَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرْفَهُ وَفَضْلَهُ،
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَعَلَى آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ
بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يُعَارِضَنَا الشَّكُّ فِي تَصْدِيقِهِ، وَلَا يَخْتَلِجَنَا الرَّيْبُ عَنْ
قَصْدِ طَرِيقِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ، وَيَأْوِي مِنْ
الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقِلِهِ وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ
صَبَاحِهِ^٤، وَيَقْتَدِي بِتَبْلُجِ إِسْفَارِهِ، وَيَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ، وَلَا يَلْتَمِسُ الْهُدَى
فِي غَيْرِهِ.

اللَّهُمَّ وَكَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ، وَأَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ

١. في مصباح المتهجد: «ومحكم تبيان».

٢. في مصباح المتهجد: «متفرقا».

٣. في مصباح المتهجد: «مجملا».

٤. في مصباح المتهجد: «مصبحا».

پرچم نجاتی که هر کس روش آن را پیروی کند، گمراه نمی‌گردد و هر کس به دستگیره عصمتش بیاویزد، دست‌های هلاکت به آن نمی‌رسد.

خداوندا! حال که با یاری بر تلاوتش، سودمان بخشیدی و گره‌های زبانمان را با عبارت‌های نیکویش روان ساختی، پس ما را از آنانی قرار ده که آن را چنان که سزاوار است، رعایتش می‌کنند و با اعتقاد به تسلیم بودن در برابر آیات محکمش، تو را بندگی می‌کنند و به اقرار به متشابهات آن و دلایل روشن و روشن‌گرش، پناه می‌برند!

خداوندا! آن را بر پیامبرت محمد ﷺ، سربسته نازل کردی و دانش شگفتی‌هایش را به طور کامل به او الهام کردی و علم آن را با تفسیرش به ما ارث دادی^۱ و ما را بر آن که از علم آن ناآگاه است، برتری بخشیدی و ما را بر او نیرومند ساختی، تا ما را فراتر از کسی سازی که توان حمل دانش آن را نداشت.

خداوندا! آن گونه که دل‌های ما را حامل حقایقش ساختی و با رحمت خویش، شرافت و برتری آن را به ما آموختی، بر محمد، که زبان‌گویای آن بود، و بر خاندانش، که نگهبانان آن‌اند، درود فرست و ما را از آنانی ساز که معترف‌اند قرآن از سوی توست، تا تردیدی در تصدیق آن بر ما پیش نیاید و انحرافی از راه میانه‌اش، گریبانگیرمان نشود!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از آنانی قرار بده که به ریسمانش می‌آویزند و از متشابهات، به پناهگاه نگه‌دارنده‌اش پناه می‌برند و در سایهٔ بال رحمتش می‌آرمند و با روشنی بامدادش راه می‌یابند و به پرتو روشن‌گرش اقتدا می‌کنند و از چراغ آن نور می‌گیرند و از غیر آن، هدایت نمی‌جویند!

خداوندا! همان گونه که با آن، محمد را نشانه‌ای برای راهنمایی بر خویش قرار دادی و با خاندانش راه‌های رسیدن به رضای خود را روشن کردی، بر

۱. روشن است که آگاهی کامل از تفسیر قرآن و حمل حقایق آن ویژهٔ امامان است و همان‌گونه که سید ابن طاووس در آغاز این دعا گفته است، اگر دیگری بخواهد آنها را بخواند، باید آنها را به تناسب حال خود تغییر بدهد.

الرَّضَا^١ إِلَيْكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى
أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ ، وَسَلَّمًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ ، وَسَبَبًا نَجْزِي بِهِ
النَّجَاةَ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ ، وَذَرِيعَةً نَقْدُمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمُقَامَةِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاحْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقَلَ الْأَوْزَارِ ، وَهَبْ
لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ ، وَاقِفْ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آثَاءَ اللَّيْلِ
وَأَطْرَافِ النَّهَارِ ، حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ ذَنْسٍ يَبْطُهِرُهُ ، وَتَقْفُو بِنَا آثَارَ الَّذِينَ
اسْتَضَاؤُوا بِنُورِهِ ، وَلَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلَمِ اللَّيَالِي مُؤْنِسًا ،
وَمِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ الْوَسْوَاسِ حَارِسًا ، وَلِإِقْدَامِنَا عَنْ ثَقَلِهَا إِلَى
الْمَعَاصِي حَاسِبًا ، وَلِالْسَّيِّئَاتِ عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا آفَةٍ مُخْرِسًا ،
وَلِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْأَثَامِ زَاجِرًا ، وَلِمَا طَوَّتِ الْغَفْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ
الْإِعْتِبَارِ نَاشِرًا^٢ ، حَتَّى تَوْصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ ، وَزَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِي
ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرُّوَاسِي - عَلَى صَلَاتِهَا - عَنْ احْتِمَالِهِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَدِمِ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا ، وَاحْجُبْ بِهِ
خَطَرَاتِ الْوَسْوَاسِ عَنْ صِحَّةِ ضَمَائِرِنَا ، وَاغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَعَلَائِقَ
أَوْزَارِنَا ، وَاجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ أُمُورِنَا ، وَارَوْ بِهِ فِي مَوْقِفِ الْعَرَضِ^٣ عَلَيْكَ ظَمًا
هَوَاجِرِنَا ، وَاكْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْقَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتْنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ ،
وَسُقِ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَخِصْبَ^٤ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ ، وَجَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ

١. في الإقبال: «الوصول» .

٢. في الإقبال: «ناشداً» .

٣. في الإقبال: «الأرض» .

٤. في الإقبال: «وخصب» .

محمد و خاندانش درود فرست و قرآن را برای ما وسیله رسیدن به والاترین جایگاه‌های کرامت قرار بده، و نیز نردبانی که با بالا رفتن از آن به جایگاه ایمنی برسیم، و سببی که در عرصه قیامت با آن به سوی نجات گذر کنیم، و وسیله‌ای که با آن بر نعمت‌های سرای ابدی وارد شویم!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و به سبب قرآن، سنگینی بارها [ی‌گناه] را از دوش ما بردار و ویژگی‌های خوب نیکان را به ما عطا کن و ما را در پی آنانی روان کن که در دل شب و ساعات روز به تلاوت و عمل به آن برخاستند تا با پاک‌کنندگی‌اش، ما را از هر آلودگی پاک کنی و ما را در پی آنانی روان سازی که از نورش روشنی گرفتند و آرزو، از عمل، مشغولشان ساخت تا آنان را با فریب‌های غرورش از میان بردارد!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و قرآن را در تاریکی شب‌ها مونس ما، و در کشش‌ها و گذر وسوسه‌های شیطانی بر دل، نگهدارمان قرار بده و آن را نگهدار گام‌های ما از رفتن به سوی گناهان، و لال‌کننده زبانه‌ها از فرو رفتن در باطل - بی آن که آفتی یابد -، و بازدارنده اعضایمان از ارتکاب جرائم، و گستراننده طوماری که غفلت از پندگیری، آن را در هم پیچانده، قرار بده تا فهمیدن عجایبش را و مثل‌های بازدارنده‌اش را که کوه‌های استوار با همه صلابتشان از تحمل آن ناتوان‌اند، به دل‌های ما برساند!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و به سبب قرآن، آراستگی ظاهرمان را تداوم بخش و آن را مانعی در برابر رخنه وسوسه‌ها به سلامت درونمان، قرار ده و با آن، آلودگی دل‌هایمان را بشوی و رشته‌های وابستگی را از ما بگسل، و به سبب آن، از هم پاشیدگی کارهایمان را سامان بخش و در هنگامه عرضه شدن ما به حضورت [در روز واپسین]، با آن همه تشنگی، گرمای قیامت ما را خاموش کن و در قیامت، در روز وحشت بزرگ، به سبب آن، جامه‌های امن و امان بر ما بپوشان!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و به برکت قرآن، کمبود ما را جبران کن که تهی‌دست نباشیم و آسایش زندگی و فراوانی و گستردگی روزی

الْمَذْمُومَةُ وَمَدَانِي الْأَخْلَاقِ ، وَاعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّةِ الْكُفْرِ وَدَوَاعِي
التَّفَاقِي ، حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ قَائِدًا ، وَلَنَا فِي
الدُّنْيَا عَنْ مَخْطِئِكَ وَتَعْدِي حُدُودِكَ ذَائِدًا وَلِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ
وَتَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا
كَرْبَ السِّيَاقِ وَجَهْدَ الْأَنْبِيِّ وَتَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النَّفُوسُ الشَّرَاقِيَّ
وَقِيلَ : مَنْ رَاقٍ^١ وَتَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُيُوبِ ، وَرَمَاهَا
عَنْ قَوَسِ الْمَنَابِيا بِأَسْهُمِ وَحْشَةِ الْفِرَاقِ ، وَدَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ^٢ الْمَوْتِ كَأْسًا
مَسْمُومَةً الْمَذَاقِ ، وَدَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَةِ رَحِيلٌ وَانْطِلَاقٌ ، وَصَارَتْ الْأَعْمَالُ
قَلَائِدَ فِي الْأَعْنَاقِ ، وَكَانَتْ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَبَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى وَطُولِ
الْمُقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ النَّرَى ، وَاجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا ،
وَافْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَا حِدِنَا ، وَلَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ
بِمَوِيقَاتِ آثَامِنَا ، وَارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرِضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مُسْأَمِنَا ،
وَتَبَّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ حِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلَّلَ أَقْدَامِنَا ، وَنَوَّرَ بِهِ
قَبْلَ التَّبَعِ سُدَفَ قُبُورِنَا ، وَنَجَّنَا بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَشَدَّائِدِ
أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ ، وَبَيَّضَ وُجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظُّلَمَةِ فِي يَوْمِ
الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ ، وَاجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَدًّا ، وَلَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ
عَلَيْنَا نَكْدًا .

١. في مصباح المتهجد: «هيو» .

٢. إشارة إلى الآيتين ٢٦ و ٢٧ من سورة القيامة .

٣. في الإقبال: «ضعاف» . وفي مصباح المتهجد: «من دُعا ف مرارة الموت» . والدُّعا ف: السُّمُّ . ومَوْتُ دُعا ف: أي
سريع يعجل القتل (الصحاح: ٤ / ١٣٦١) .

را به برکت آن، به سویمان روان گردان و با آن، ما را از خوی‌های ناپسند و اخلاق پست دور کن و از پرتگاه کفر و انگیزه‌های نفاق نگه دار تا در قیامت، پیشوای ما در رسیدن به خشنودی و بهشت تو گردد و در دنیا از خشم تو و تعدی از حدود تو بازدارنده باشد و در حلال شمردن حلالش و حرام دانستن حرامش، برای آنچه نزد توست، گواه باشد!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و به برکت قرآن، در هنگام مرگ، سختی جان کندن و رنج نالیدن و به شماره افتادن نفَس‌ها را بر ما آسان گردان، آن گاه که جان‌ها به گلوگاه می‌رسند و گفته می‌شود: «کیست که شفا بخشد؟»^۱، آن گاه که فرشته مرگ برای جان ستاندن، از حجاب‌های غیبی چهره می‌نماید و از کمان مرگ‌ها، تیرهای وحشت جدایی را به سوی آنها پرتاب می‌کند و از شرنگ مرگ، جامی زهرآگین برایشان در هم می‌آمیزد و رفتن و کوچیدن ما به آخرت، نزدیک می‌شود و کارها همچون گردن‌بند، در گردن‌ها می‌آویزد و گورها جایگاه ما تا روز دیدار (قیامت) خواهد شد!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و در آمدن ما را به سرای فرسودگی و ماندن درازمدت ما را در میان طبقات خاک، بر ما مبارک گردان و گورها را پس از جدایی از دنیا، بهترین منزلگاه‌های ما قرار بده و با رحمت خویش، تنگنای گورهایمان را بر ما بگستران و ما را به خاطر گناهانِ هلاکت‌بارمان نزد حاضران در عرصه قیامت رسوا مگردان و به برکت قرآن، در جایگاهی که ما را بر تو عرضه می‌کنند، بر خواری جایگاه ما ترحم کن، و به برکت آن، لغزش قدم‌هایمان را در روز عبور از پل لرزان جهنم، ثابت بدار و به سبب آن، تاریکی‌های قبر ما را پیش از رستاخیز، روشن بگردان و ما را به برکت آن، از هر اندوه روز قیامت و هراس‌های سخت آن روز دشوار، نجات بده و در آن روز حسرت و ندامت، آن روز که چهره‌های ستمکاران سیاه می‌شود، ما را روسفید بگردان و محبت ما را در دل‌های مؤمنان بیفکن و زندگی را بر ما دشوار مگردان!

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ ، وَصَدِّعْ بِأَمْرِكَ ، وَنَصِّحْ لِعِبَادِكَ . اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا ، وَأَمَكْنَهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً ، وَأَجَلَّهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا وَأَوْجَهَهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ ، وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ ، وَقَرِّبْ وَسِيلَتَهُ ، وَيَتِّصْ وَجْهَهُ وَأَتِمِّ نُوْرَهُ ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ ، وَأَحِينَا عَلَى سُنَّتِهِ ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ ، وَخُذْ بِنَا مِنْهَاجَهُ ، وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمرَتِهِ ، وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ ، وَاسْقِنَا بِكَأْسِهِ .

وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ ، إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَفَضْلٍ كَرِيمٍ .
اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ ، وَأَدِّ مِنْ آيَاتِكَ ، وَنَصِّحْ لِعِبَادِكَ ، وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ ، أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .^۱

۵/۲

كَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ

۴۵۶ . رسول الله ﷺ : إِنَّ فِي رَمَضَانَ يُنَادِي مُنَادٍ بَعْدَ ثُلُثِ اللَّيْلِ الْأَوَّلِ ، أَوْ ثُلُثِ اللَّيْلِ الْآخِرِ : أَلَا سَائِلٌ يَسْأَلُ فَيُعْطَى ؟ أَلَا مُسْتَغْفِرٌ يَسْتَغْفِرُ فَيُغْفَرُ لَهُ ؟ أَلَا تَائِبٌ يَتُوبُ

۱ . الصحيفة السجادية: ۱۵۷ الدعاء ۴۲ ، مصباح المتعبد: ۶۰۳/۵۱۹ ، الإقبال: ۴۵۰/۱ عن محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني بإسناده ؛ ينابيع المودة: ۴۱۷/۳ مختصراً .

خداوندا! بر بنده و فرستاده‌ات محمد درود فرست، آن‌سان که رسالت تو را رساند و فرمان تو را آشکار نمود و برای بندگان خیرخواهی کرد. خداوندا! در روز قیامت، از میان پیامبران، پیامبر ما را - که درود تو بر او و خاندانش باشد - برخوردار از نزدیک‌ترین جایگاه در نزد تو، و شفاعتش را پذیرفته‌تر از همه آنان و منزلتش را برتر از همه آنان، و جاه و جلالش را بیشتر از همه آنان، قرار بده!

خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، بنیان (دین) او را بلندمرتبه ساز، بُرهانش را بزرگ بدار، میزانش را سنگین کن، شفاعتش را بپذیر، وسیله‌اش را نزدیک گردان، چهره‌اش را سفید، فروغش را کامل، و رتبه‌اش را والا بگردان و ما را بر روش او زنده بدار و بر آیین او بمیران و ما را در راه و روش او به کار گیر و در راهش پویا ساز و ما را از فرمان‌بردارانش قرار بده و ما را در زمرة او برانگیز و ما را وارد حوض [کوثر] بگردان و از جام او سیرابمان ساز!

خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست؛ درودی که به سبب آن، وی را به بهترین خیر و احسان و کرامتی که از تو امید دارد، برسانی! همانا تو صاحب رحمت گسترده و بخششی بزرگوارانه‌ای.

خداوندا! او را به خاطر آنچه از رسالات تو تبلیغ کرد و آیات تو را بر آنان خواند و برای بندگان خیرخواهی کرد و در راهت جهاد نمود، پاداش ده؛ بهترین پاداشی که به هر یک از فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده و برگزیده‌ات داده‌ای! سلام بر او و خاندان پاک و پاکیزه‌اش و رحمت و برکات خدا بر آنان باد!

۵/۲

زیاد استغفار کردن

۴۵۶. پیامبر خدا ﷺ: در رمضان، پس از گذشتن یک سوم اول شب - و یا یک سوم آخر آن - منادی ندا می‌دهد: «آیا خواهنده‌ای هست تا بخواهد و به او بدهند؟»

فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ؟^١

٣٥٧. الإمام علي عليه السلام: عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَالِدُعَاءِ؛ فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ، وَأَمَّا الْإِسْتِغْفَارُ فَيَمْحَى ذُنُوبَكُمْ.^٢

٣٥٨. عنه عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَرَأَ فِي رَجَبٍ، وَشَعْبَانَ، وَشَهْرِ رَمَضَانَ كُلَّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ: «فَاتِحَةَ الْكِتَابِ»، و«آيَةَ الْكُرْسِيِّ»، و«قُلْ يَتَّيِّهَا الْكَافِرُونَ»، و«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، و«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، و«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَيَقُولُ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ -، وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ»، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يَقُولُ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» أَرْبَعِينَ مَرَّةً.

ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَنْ قَرَأَ هَذِهِ السُّورَةَ وَفَعَلَ ذَلِكَ كُلَّهُ فِي الشُّهُورِ الثَّلَاثَةِ وَلَيَالِيهَا، لَا يَفُوتُهُ شَيْءٌ، لَوْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ عَدَدَ قَطْرِ الْمَطَرِ، وَوَرَقِ الشَّجَرِ، وَزَبَدِ الْبَحْرِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَإِنَّهُ يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْفِطْرِ يَقُولُ: يَا عَبْدِي أَنْتَ وَلِيِّي حَقًّا حَقًّا، وَلَكَ عِنْدِي بِكُلِّ حَرْفٍ قَرَأْتَهُ شَفَاعَةٌ فِي الْإِخْوَانِ وَالْأَخَوَاتِ بِكَرَامَتِكَ عَلَيَّ.^٤

١. شعب الإيمان: ٣/٣١١/٣٦٢٨ عن ابن عباس، كنز العمال: ٢/١١٢/٣٣٩٣.

٢. الكافي: ٤/٨٨/٧ عن حصين عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٠٨/١٨٥٨، فضائل الأشهر الثلاثة: ٥٩/٧٦، الأمالي للصدوق: ١١٨/١٠٣ كلاهما عن حصين عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، الإقبال: ١/٦٩ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦/٣٧٨/٢.

٣. في المصدر: «يفوتها»، والصحيح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.

٤. أعلام الدين: ٣٥٥، بحار الأنوار: ٩٧/٥٣/٤٣ نقلًا عن القطب الراوندي في النوادر عن أنس وليس فيه ذيله وج ٧/٣٨١/٩٦.

آیا استغفار کننده‌ای هست که آمرزش بخواهد و آمرزیده شود؟ آیا توبه کننده‌ای هست که توبه کند و خداوند هم توبه‌اش را بپذیرد؟»

۴۵۷. امام علی علیه السلام: در ماه رمضان، زیاد استغفار و دعا کنید؛ اما دعا، که به سبب آن، بلا از شما دور می‌شود، و اما استغفار، که گناهانتان را محو می‌کند.

۴۵۸. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر کس در رجب و شعبان و ماه رمضان، هر روز و شب، سوره حمد و آیه الکرسی و سوره‌های: "قل يا أيها الكافرون"، "قل هو الله أحد"، و "قل أعوذ برب الناس" و "قل أعوذ برب الفلق" را سه بار بخواند و سه بار بگوید: "سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر و لا حول و لا قوة إلا بالله العلي العظيم" و سپس سه بار بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرستد و سه بار بگوید: "خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست، و بر هر پیامبر!" و سپس سه بار بگوید: "خدایا مردان و زنان مؤمن را پیامرزا" و سپس چهارصد مرتبه بگوید: "استغفر الله و أتوب إليه".

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه فرمود: «قسم به آن که جانم در دست اوست، هر کس این سوره‌ها را بخواند و در آن سه ماه و شب‌هایش، همه اینها را انجام دهد، هیچ چیزی را از دست نمی‌دهد و اگر گناهانش به شمار قطره‌های باران و برگ درختان و کف‌های دریا باشد، خداوند او را می‌آمرزد. همانا روز عید فطر، منادی ندا می‌دهد و می‌گوید: «ای بنده من! تو به حق، بنده راستین منی و در برابر هر حرفی که خوانده‌ای، با کرامتی که نزد من داری، پیش من حق شفاعت درباره برادران و خواهران داری».

٢٥٩. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا كَانَ شَهْرُ رَمَضَانَ لَمْ يَتَكَلَّمْ إِلَّا بِالدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ وَالِاسْتِغْفَارِ وَالتَّكْبِيرِ.^١

٢٦٠. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ كَانَ تَائِباً مِنْ ذَنْبٍ فَلْيَتُوبْ إِلَى اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مِنْهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فَإِنَّهُ شَهْرُ التَّوْبَةِ وَالْإِنَابَةِ، وَشَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَمَا مِنْ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِيهِ وَلِلَّهِ^٢ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فِيهَا عِتْقَاءُ مِنَ النَّارِ كُلُّهُمْ قَدْ اسْتَوْجَبُوا بِذُنُوبِهِمُ النَّارَ.^٣

وانظر: ص ٦٠ (جوامع بركاته وخصائصه).

ص ١٦٠ (تأهيل الناس لضيافة الله).

ص ١٨٦ (أسباب التهيؤ لضيافة الله/تقديم التوبة).



الكتاب

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ».^٤

الحديث

٢٦١. رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم - فِي دُعَاءِ اللَّيْلِ الثَّامِنَةِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ -: اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُكَ الَّذِي أَمَرْتَ فِيهِ عِبَادَكَ بِالدُّعَاءِ وَضَعِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ، وَقُلْتَ: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ».^٥

١. الكافي: ٨/٨٨/٤ عن حصين، بحار الأنوار: ٣٥/٦٥/٤٦.

٢. كذا في الأصل، والقياس أن تكون العبارة «إلا والله». ولعلها من سهو النسخ.

٣. فضائل الأشهر الثلاثة: ٩٦/١٠٦ عن الحسن بن علي بن فضال.

٤. البقرة: ١٨٦.

٥. الإقبال: ٢٦٩/١، بحار الأنوار: ٢/٢٧/٩٨. انظر تمامه في «دعاء الليلة الثامنة» ص ٢٨٨ ح ٥٢٩.

کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است ۳۴۹

۴۵۹. امام صادق (ع): هر گاه ماه رمضان بود، امام سجاده (ع) جز به دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر، سخنی نمی گفت.

۴۶۰. امام رضا (ع): هر کس می خواهد از گناهی توبه کند، در ماه رمضان از آن گناه به آستان الهی توبه کند، که آن، ماه توبه و بازگشت و ماه آمرزش و رحمت است و هیچ شبی از شب های آن نیست، مگر آن که خداوند در آن شب، آزادشدگانی از آتش دارد که همه آنان به سبب گناهانشان، مستحق آتش اند.

ر.ک: ص ۶۱ (مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان).

ص ۱۶۱ (آمادگی برای میهمانی خدا).

ص ۱۸۷ (اسباب آمادگی برای میهمانی خدا، توبه، پیش از فرا رسیدن ماه رمضان).



قرآن

«و چون بندگان من از تو درباره من پرسند، پس به یقین، من نزدیکم؛ دعای نیایشگر را آن گاه که مرا بخواند، اجابت می کنم. پس، مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند؛ باشد که به راه حق در آیند».

حدیث

۴۶۱. پیامبر خدا (ص): در دعای شب هشتم ماه رمضان -: خداوندا! این، ماه توست؛ ماهی که بندگان را فرمان داده ای در آن تو را بخوانند و اجابت دعایشان را بر عهده گرفته ای و گفته ای: «و چون بندگان من از تو درباره من پرسند، پس به یقین، من نزدیکم؛ دعای نیایشگر را آن گاه که مرا بخواند، اجابت می کنم».

٤٦٢. فضائل الأوقات عن عائشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ رَمَضَانَ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ، وَكَثُرَتْ صَلَاتُهُ، وَابْتَهَلَ فِي الدُّعَاءِ وَأَشْفَقَ مِنْهُ.^١

٤٦٣. رسول الله ﷺ: ذَاكِرُ اللَّهِ فِي رَمَضَانَ مَغْفُورٌ لَهُ، وَسَائِلُ اللَّهِ فِيهِ لَا يُخَيَّبُ.^٢

٤٦٤. الإمام علي عليه السلام: لَمَّا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، كَفَاكُمْ اللَّهُ عَدْوَكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَقَالَ: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^٣ وَوَعَدَكُمْ الْإِجَابَةَ، أَلَا وَأَبْوَابُ السَّمَاءِ مُفْتَحَةٌ مِنْ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْهُ، أَلَا وَالِدُّعَاءُ فِيهِ مَقْبُولٌ.^٤

٤٦٥. رسول الله ﷺ - مِنْ كَلَامٍ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ -: إِنَّ اللَّهَ - جَلَّ جَلَالُهُ - يَقُولُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْ هَذَا الشَّهْرِ:

وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَقَدْ أَمَرْتُ مَلَائِكَتِي بِفَتْحِ أَبْوَابِ سَمَاوَاتِي لِلدَّاعِينَ مِنْ عِبَادِي وَإِمَائِي، فَمَا لِي أَرَى عَبْدِي الْغَافِلَ سَاهِيًا عَنِّي، مَتَى سَأَلَنِي فَلَمْ أَعْطِهِ؟ وَمَتَى نَادَانِي فَلَمْ أَجِبْهُ؟ وَمَتَى نَاجَانِي فَلَمْ أَقْرِبْهُ؟ وَمَتَى رَجَانِي فَخَيَّبْتُهُ؟ وَمَتَى أَمَلَنِي فَحَرَمْتُهُ؟ وَمَتَى قَصَدَ بَابِي فَحَجَبْتُهُ؟ وَمَتَى تَقَرَّبَ فَبَاعَدْتُهُ؟ وَمَتَى هَرَبَ مِنِّي فَلَمْ أَدْعُهُ؟ وَمَتَى رَجَعَ إِلَيَّ فَلَمْ أَقْبَلْهُ؟ وَمَتَى أَقْرَأَ بِذُنُوبِهِ فَلَمْ أَرْحَمْهُ؟ وَمَتَى اسْتَغْفَرَنِي فَلَمْ أَغْفِرْ لَهُ ذَنْبَهُ؟ وَمَتَى تَابَ فَلَمْ أَقْبَلْهُ تَوْبَتَهُ؟

١. فضائل الأوقات للبيهقي: ٨٤/٤٩، شعب الإيمان: ٣/٣١٠/٣٦٢٥، كنز العمال: ٧/٨٢/١٨٠٦٢ وفيه «واشفق لونه»: الإقبال: ٦٩/١.

٢. المعجم الأوسط: ٧/٢٢٦/٧٣٤١، فضائل الأوقات للبيهقي: ٨٥/٤٩، شعب الإيمان: ٣/٣١١/٣٦٢٧، الفردوس: ٢/٢٤٢/٣١٤١ كلها عن عمر بن الخطاب، كنز العمال: ٨/٤٦٤/٢٣٦٧٦.

٣. غافر: ٦٠.

٤. كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/٩٨/١٨٣٧، ثواب الأعمال: ٥/٩٠، مسند زيد: ٢٠٢ كلاهما عن زيد بن علي عن أبيه عن جده عليه السلام، الإقبال: ١/٧٢ عن أحمد بن محمد بن عبيد الله، دعائم الإسلام: ١/٢٨٦، بحار الأنوار: ٥٦/٣٧٢/٩٦.

۴۶۲. فضائل الأوقات - به نقل از عایشه - : هرگاه ماه رمضان وارد می‌شد، رنگ چهره پیامبر خدا دگرگون می‌شد و نمازش افزون می‌گشت و در دعا به درگاه خدا می‌نالید و از او بیمناک می‌شد.

۴۶۳. پیامبر خدا ﷺ: یادکننده خدا در [ماه] رمضان، آمرزیده است و خواهنده از او در این ماه، محروم نمی‌شود.

۴۶۴. امام علی علیه السلام: چون ماه رمضان رسید، پیامبر خدا ایستاد، خدا را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود: «ای مردم! خداوند شر دشمنان شما را (اعم از جن و انس) برطرف کرد و فرمود: «مرا بخوانید، تا اجابت کنم شما را» و به شما وعده اجابت داد. آگاه باشید که درهای آسمان از اولین شب این ماه، گشوده‌اند و دعا در آن پذیرفته است».

۴۶۵. پیامبر خدا ﷺ: در سخنی در ماه رمضان - : خداوند متعال در هر شب از این ماه می‌گوید: «به عزّت و جلالم سوگند، به فرشتگانم فرمان دادم که درهای آسمان‌هایم را به روی دعاکنندگان از بندگان و کنیزانم بگشایند. پس، چه شده که بنده غافل را می‌بینم که مرا فراموش کرده است؟ کی از من خواسته که نداده‌ام؟ کی ندایم کرده که پاسخ نداده‌ام؟ کی با من نجوا کرده که قُربش نبخشیده‌ام؟ کی به من امید بسته که محرومش کرده‌ام؟ کی آرزومندم شده که محرومش کرده‌ام؟ کی به درگاهم آمده که مانعش شده‌ام؟ کی به من نزدیک شده که دورش کرده‌ام؟ کی از من گریخته که صدایش نکرده‌ام؟ کی به سوی من بازگشته که قبولش نکرده‌ام؟ کی به گناهانش اعتراف کرده که به او رحم نکرده‌ام؟ کی از من آمرزش خواسته که گناهانش را نبخشیده‌ام؟ و کی توبه کرده که توبه‌اش را نپذیرفته‌ام؟

عَبْدِي! كَيْفَ تَقْصُدُ بِرَجَائِكَ مَلِكاً مَمْلُوكاً وَلَا تَقْصُدُنِي بِرَجَائِكَ وَأَنَا مَلِكُ
الْمُلُوكِ؟! أَمْ كَيْفَ تَسْأَلُ مَنْ يَخَافُ الْفَقْرَ وَلَا تَسْأَلُنِي وَأَنَا الْغَنِيُّ الَّذِي
لَا أَفْتَقِرُ؟! أَمْ كَيْفَ تَخْدُمُ مَلِكاً يَنَامُ وَيَمُوتُ وَلَا تَخْدُمُنِي وَأَنَا الْحَيُّ الَّذِي
لَا يَمُوتُ وَلَا يَأْخُذُنِي سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ؟! يَا سَوَاءَ لِمَنْ عَصَانِي! وَيَا بُؤْساً
لِلْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِي! بِعِزَّتِي خَلَفْتُ لَأَخُذَنَّهُ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ يَغْضَبُ لِعُضْبِهِ
السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ، فَأَيْنَ تَفِرُّ مِنِّي إِلَّا إِلَيَّ؟ وَأَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.^١

٤٦٦. عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَمَضَانُ شَهْرُ اللَّهِ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - اسْتَكَثَرُوا فِيهِ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ
وَالْتَحْمِيدِ وَالتَّمْجِيدِ وَالتَّسْبِيحِ، وَهُوَ رَيْعُ الْفُقَرَاءِ، وَإِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ الْأَضْحَى
لِتَشْبَعَ الْمَسَاكِينُ مِنَ اللَّحْمِ، فَأُظْهِرُوا مِنْ فَضْلِ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ عَلَى
عِيَالَتِكُمْ وَجِيرَانِكُمْ، وَأَحْسِنُوا جَوَارِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَوَاصِلُوا إِخْوَانَكُمْ،
وَأَطْعِمُوا الْفُقَرَاءَ وَالْمَسَاكِينُ مِنْ إِخْوَانِكُمْ؛ فَإِنَّهُ مَنْ فَطَّرَ صَائِماً فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ
مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْئاً، وَسُمِّيَ شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرَ الْعِتْقِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ فِي
كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ سِتْعِمَةٌ عَتِيقٍ، وَفِي آخِرِهِ مِثْلُ مَا أَعْتَقَ فِيهَا مَضَى.^٢

وانظر: ص ٣٣٣ (كثرة الاستغفار).

ص ٦٠ (جوامع بركاته وخصائصه).

ص ١٦٠ (تأهيل الناس لضيافة الله).

٧/٢

كثرة الصلاة

٤٦٧. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا جَاءَ شَهْرُ رَمَضَانَ زَادَ فِي الصَّلَاةِ، وَأَنَا

١. فضائل الأشهر الثلاثة: ٨٥/٩٩ عن ابن عباس.

٢. النوادر للأشعري: ٢/١٧ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ٩٦/٣٨١.

بنده من! چگونه با امیدت، به درگاه پادشاهی مملوک می‌روی؛ اما با امیدت، به درگاه من نمی‌آیی، با آن که من فرمانروای فرمان‌روایانم؟ یا چگونه از کسی که از فقر می‌ترسد، درخواست می‌کنی؛ اما از من درخواست نمی‌کنی، با آن که من بی‌نیازی بدون فقرم؟ یا چگونه به خدمت پادشاهی در می‌آیی که می‌خواهد و می‌میرد؛ اما مرا خدمت نمی‌کنی، با آن که من زنده نامیرایم و نه چرت، مرا می‌گیرد و نه خواب؟ بدا به حال آن که نافرمانی‌ام کند! بدا به حال مایوسان از رحمت! به عزتم سوگند، او را می‌گیرم، گرفتن عزیز نیرومندی که به خشمش، آسمان و زمین، خشمگین می‌شوند. از من به کجا می‌گریزی، جز به درگاه من، حال آن که منم خداوند با قدرت حکیم؟»

۴۶۶. پیامبر خدا ﷺ: ماه رمضان، ماه خدای متعال است. در آن، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و تکبیر و حمد و تمجید و تسبیح، بسیار بگویید. آن، بهار تنگ‌دستان است. خداوند، عید قربان را قرار داده تا بینوایان، از گوشت، سیر شوند.

از فضل نعمت‌هایی که خداوند به شما داده است، بر خانواده و همسایگانان آشکار کنید؛ با نعمت‌های الهی‌ای که نزد شماست، خوب همجواری کنید؛ به برادرانتان برسید؛ برادران فقیر و بینوای خود را غذا بدهید، که همانا هر کس روزه‌داری را افطاری دهد، برای او پاداشی همانند اوست، بی آن که از اجر روزه‌دار، چیزی کاسته شود. ماه رمضان را «ماه آزاد کردن» نامیده‌اند؛ چون خداوند در هر روز و شب [این ماه]، ششصد آزاد شده دارد و در پایان آن نیز به اندازه همه آنان که در گذشته آزاد کرده، آزاد می‌کند.

ر.ک: ص ۳۲۵ (زیاد استغفار کردن).

ص ۶۱ (مجموعه برکات و ویژگی‌های ماه رمضان).

ص ۱۶۱ (آمادگی برای میهمانی خدا).

۷/۲

زیادت از خواندن

۴۶۷. امام صادق علیه السلام: چون ماه رمضان می‌آمد، پیامبر خدا بر نمازش می‌افزود. من نیز

أزید فزیدوا.^١

٤٦٨ . تهذيب الأحكام: عَنْ أَبِي بصيرٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : أَيْزِدُ الرَّجُلُ فِي الصَّلَاةِ فِي رَمَضَانَ؟

فَقَالَ: «نَعَمْ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ زَادَ فِي رَمَضَانَ فِي الصَّلَاةِ».^٢

٤٦٩ . الإمام الصادق عليه السلام - لجابر بن عبد الله -: إِنَّ أَصْحَابَنَا هَؤُلَاءِ أَبَوَا أَنْ يَزِيدُوا فِي صَلَاتِهِمْ فِي رَمَضَانَ، وَقَدْ زَادَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي صَلَاتِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.^٣

٤٧٠ . الكافي عن أبي العباس البقباق وعبيد بن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَزِيدُ فِي صَلَاتِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، إِذَا صَلَّى الْعَتَمَةَ^٤ صَلَّى بَعْدَهَا، فَيَقُومُ النَّاسُ خَلْفَهُ فَيَدْخُلُ وَيَدْعُهُمْ، ثُمَّ يَخْرُجُ أَيْضاً فَيَجِئُونَ وَيَقُومُونَ خَلْفَهُ فَيَدْعُهُمْ وَيَدْخُلُ مِرَاراً.

وَقَالَ: لَا تُصَلِّ بَعْدَ الْعَتَمَةِ فِي غَيْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ.^٥

٤٧١ . تهذيب الأحكام عن محمد بن يحيى: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَسُئِلَ: هَلْ يُزَادُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي صَلَاةِ النَّوَافِلِ؟

فَقَالَ: «نَعَمْ، قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي بَعْدَ الْعَتَمَةِ فِي مُصَلَّاهُ فَيُكْثِرُ، وَكَانَ النَّاسُ يَجْتَمِعُونَ خَلْفَهُ لِيُصَلُّوا بِصَلَاتِهِ، فَإِذَا كَثُرُوا خَلْفَهُ تَرَكَهُمْ وَدَخَلَ مَنْزِلَهُ، فَإِذَا تَفَرَّقَ النَّاسُ عَادَ إِلَى مُصَلَّاهُ فَصَلَّى كَمَا كَانَ يُصَلِّي، فَإِذَا كَثُرَ النَّاسُ خَلْفَهُ تَرَكَهُمْ وَدَخَلَ مَنْزِلَهُ، وَكَانَ يَصْنَعُ ذَلِكَ مِرَاراً».^٦

١. تهذيب الأحكام: ٢٠٤/٦٠/٣، الاستبصار: ١٧٩٣/٤٦١/١ كلاهما عن أبي خديجة.

٢. تهذيب الأحكام: ٢٠٧/٦١/٣، الاستبصار: ١٧٩٠/٤٦٠/١.

٣. تهذيب الأحكام: ٢٠٦/٦١/٣، الاستبصار: ١٧٨٩/٤٦٠/١ عن جابر بن عبد الله.

٤. العَتَمَةُ: صلاة العشاء (مجمع البحرين: ١١٦٣/٢).

٥. الكافي: ٢/١٥٤/٤، تهذيب الأحكام: ٢٠٨/٦١/٣، الاستبصار: ١٧٩٢/٤٦١/١.

٦. تهذيب الأحكام: ٢٠٥/٦٠/٣، الاستبصار: ١٧٩٥/٤٦٢/١ وفيه «فيكثر» بدل «فيكثر» و«كثروا» بدل

«كثروا» و«كثير الناس» بدل «كثير الناس».

می‌افزایم؛ پس شما هم بیفزایید.

۴۶۸. تهذیب الأحکام - درباره ابو بصیر - : از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا مرد در ماه رمضان بر نماز بیفزاید؟

فرمود: «آری؛ پیامبر خدا در ماه رمضان بر نماز می‌افزود».

۴۶۹. امام صادق علیه السلام - خطاب به جابر بن عبد الله - : یاران ما، از افزودن بر نمازهایشان در ماه رمضان سر باز می‌زنند، در حالی که پیامبر خدا در ماه رمضان بر نمازش می‌افزود!

۴۷۰. الکافی - به نقل از ابو العباس بقباق و عبید بن زراره، از امام صادق علیه السلام - : پیامبر خدا، در ماه رمضان بر نمازش می‌افزود. چون نماز عشا را می‌خواند، پس از آن هم نماز می‌خواند. مردم نیز پشت سر او به نماز می‌ایستادند. پس، او وارد نماز می‌شد و آنان را و او می‌گذاشت و سپس از نماز بیرون می‌آمد. مردم می‌آمدند و پشت سرش می‌ایستادند و او آنان را و او می‌گذاشت و مکرر وارد نماز می‌شد. و فرمود: «در غیر ماه رمضان، پس از نماز عشا، نماز نخوان».

۴۷۱. تهذیب الأحکام - به نقل از محمد بن یحیی - : خدمت امام صادق علیه السلام بودم. از او پرسیدند: آیا در ماه رمضان بر نمازهای نافله افزوده می‌شود؟

فرمود: «آری. پیامبر خدا، پس از نماز عشا، در جایگاه نماز خود، نماز می‌خواند و زیاد می‌خواند. مردم، پشت سرش جمع می‌شدند تا با او نماز بخوانند و چون زیاد می‌شدند، آنان را پشت سرش و او می‌گذاشت و به خانه‌اش می‌رفت. چون مردم، پراکنده می‌شدند، به جایگاه نماز خود برمی‌گشت و نماز می‌خواند، آن گونه که عادت داشت. چون مردم، پشت سرش زیاد می‌شدند، آنان را و او می‌گذاشت و به خانه‌اش می‌رفت، و بارها چنین می‌کرد».

٢٧٢ . صحيح مسلم عن أبي هريرة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُرْغَبُ فِي قِيَامِ رَمَضَانَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَأْمُرَهُمْ فِيهِ بِعَزِيمَةٍ، فَيَقُولُ: «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»^١.

٢٧٣ . مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يُرْغَبُ النَّاسَ فِي قِيَامِ رَمَضَانَ، وَيَقُولُ: «مَنْ قَامَهُ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». وَلَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جَمَعَ النَّاسَ عَلَى الْقِيَامِ^٢.

٢٧٤ . رسول الله ﷺ: مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ ﷻ رَكَعَتَيْنِ يَتَطَوَّعُ بِهِمَا، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ^٣.

٢٧٥ . مصباح المتجهد عن أبي حمزة الثمالي: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ - صَلَّوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا - يُصَلِّي عَامَّةَ اللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَإِذَا كَانَ السَّحَرُ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ: إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِمَقْوَلِكَ...^٤

٢٧٦ . الإمام الصادق عليه السلام: شَهْرُ رَمَضَانَ لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ مِنَ الشُّهُورِ؛ لَهُ حَقٌّ وَحُرْمَةٌ، أَكْثَرُ مِنَ الصَّلَاةِ مَا اسْتَطَعْتَ^٥.

١ . صحيح مسلم: ١/٥٢٣/١٧٤، من أبي داود: ٢/٤٩/١٣٧١، سنن الترمذي: ٣/١٧١/٨٠٨، الموطأ: ١/١١٣/٢، سنن النسائي: ٤/١٥٦، مسند ابن حنبل: ٣/١٢٢/٧٧٩٢، السنن الكبرى: ٢/٤٥٩٩/٦٩٣.

صحيح البخاري: ١/٢٢/٣٧ وليس فيه صدره إلى «بعزيمة».

٢ . مسند ابن حنبل: ٣/١٣٨/٧٨٨٦.

٣ . عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١/٢٩٣/٤٦، فضائل الأشهر الثلاثة: ٥٣/٧٣، الأمالي للصدوق: ١٠٩/٨٢، كلها عن

الحسن بن علي بن فضال عن الإمام الرضا عن آبائه عليه السلام، روضة الواعظين: ٣٧٢، بحار الأنوار: ٩٦/٣٦١/٢٩.

٤ . مصباح المتجهد: ٥٨٢/٦٩١، الإقبال: ١/١٥٧، بحار الأنوار: ٩٨/٨٢/٢. انظر الدعاء في «أدعية

الأسعار» ص ٣٩٠ ح ٥٠٤.

٥ . الكافي: ٢/٦١٩/٥ وج ١/١٥٤/٤ وفيه «لشهر رمضان حرمة وحق لا يشبهه شيء من الشهور، صل ما

استطعت في شهر رمضان تطوعاً بالليل والنهار» وكلاهما عن علي بن أبي حمزة.

۴۷۲. صحیح مسلم - به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا به نماز در [ماه] رمضان ترغیب می‌کرد، بی آن که دستوری حتمی به آنان بدهد و می‌فرمود: «هر کس در ماه رمضان از روی ایمان و برای پاداش الهی به عبادت بایستد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود».

۴۷۳. مسند ابن حنبل - به نقل از ابو هریره - : شنیدم که پیامبر خدا مردم را به نماز در [ماه] رمضان ترغیب می‌کرد و می‌فرمود: «هر کس از روی ایمان و برای پاداش الهی به نماز بایستد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود» و هرگز پیامبر خدا مردم را برای برپایی نماز [استحبابی به جماعت]، گردآوری نکرد.

۴۷۴. پیامبر خدا ﷺ: هر کس از شما در این ماه، دو رکعت نماز مستحب برای خدا بخواند، خداوند او را می‌آمرزد.

۴۷۵. مصباح المتهجد - به نقل از ابو حمزه ثمالی - : امام سجّاد در ماه رمضان، همه شب را نماز می‌خواند و سحر که می‌شد، این دعا را می‌خواند: «إلهی! لا تؤدّبنی بعقوبتک...»^۱.

۴۷۶. امام صادق علیه السلام: ماه رمضان، ماهی است که هیچ یک از ماه‌ها شبیه آن نیست. آن، حق و حرمتی دارد. تا می‌توانی [در این ماه]، زیاد نماز بخوان.

۱. این دعا، در بخش مربوط به دعاها آمده است (ر.ک: ص ۳۹۱، ح ۵۰۴).

۴۷۷. الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ أَبِي يَزِيدُ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ عِشْرِينَ رَكْعَةً.^۱

وانظر: ص ۶۲۰ (نوافل شهر رمضان).

۸/۲

زِيَارَةُ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ

۴۷۸. الإقبال: عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ فَيْضِ بْنِ مُخْتَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ زِيَارَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقِيلَ: هَلْ فِي ذَلِكَ وَقْتُ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ وَقْتٍ؟

فَقَالَ: «زُورُوهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - فِي كُلِّ وَقْتٍ وَفِي كُلِّ حِينٍ؛ فَإِنَّ زِيَارَتَهُ عليه السلام خَيْرُ مَوْضُوعٍ؛ فَمَنْ أَكْثَرَ مِنْهَا فَقَدْ اسْتَكْتَرَّ مِنَ الْخَيْرِ وَمَنْ قَلَّ قُلُّ لَهُ، وَتَحَرَّوْا بِزِيَارَتِكُمُ الْأَوْقَاتِ الشَّرِيفَةَ فَإِنَّ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ فِيهَا مُضَاعَفَةٌ، وَهِيَ أَوْقَاتُ مَهَبِطِ الْمَلَائِكَةِ لِزِيَارَتِهِ».

قَالَ: فَسُئِلَ عَنْ زِيَارَتِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ فَقَالَ:

«مَنْ جَاءَهُ عليه السلام خَاشِعاً مُحْتَسِباً مُسْتَقْبِلاً مُسْتَغْفِراً فَشَهِدَ قَبْرَهُ فِي إِحْدَى ثَلَاثِ لَيَالٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ: أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنَ الشَّهْرِ أَوْ لَيْلَةَ النِّصْفِ أَوْ آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ، تَسَاقَطَتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ وَخَطَايَاهُ الَّتِي اجْتَرَحَهَا كَمَا يَتَسَاقَطُ هَشِيمُ الْوَرَقِ بِالرَّيْحِ الْعَاصِفِ، حَتَّى إِنَّهُ يَكُونُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، وَكَانَ لَهُ مَعَ ذَلِكَ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ حَجَّ فِي عَامِهِ ذَلِكَ وَاعْتَمَرَ، وَيُنَادِيهِ مَلَكَانِ يَسْمَعُ نِدَاءَهُمَا كُلُّ ذِي رُوحٍ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، يَقُولُ أَحَدُهُمَا:

۱. تهذيب الأحكام: ۳/ ۶۷/ ۲۱۹، الاستبصار: ۱/ ۴۶۶/ ۱۸۰۳ كلاهما عن محمد بن سنان، قرب الإسناد:

۱۲۶۳/ ۲۵۳ عن البرنظي، بحار الأنوار: ۹۶/ ۲۸۴/ ۲.

کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است ۳۵۹

۴۷۷. امام رضا علیه السلام: پدرم در دهه آخر ماه رمضان، هر شب، بیست رکعت بر نمازهایش می افزود.

ر.ک: ص ۶۲۱ (نوافل ماه رمضان).

۸/۲

زیارت امام حسین

۴۷۸. الإقبال - به نقل از علی بن محمد بن فیض بن مختار، از پدرش -: از امام صادق علیه السلام درباره زیارت امام حسین علیه السلام پرسیدند که: آیا وقتی هست که برتر از وقت دیگر باشد؟

فرمود: «او را - که درود خدا بر او باد - زیارت کنید، هر وقت و هر لحظه، که زیارتش بهترین چیز است. هر که بیشتر، زیارتش کند، بیشتر به خیر می رسد و هر که کمتر زیارتش کند، از خیرش کم می شود. برای زیارتتان وقت های شریف را بجوئید؛ چرا که کارهای شایسته در اوقات شریف، پاداشی مضاعف دارند و آنها، وقت هایی هستند که فرشتگان برای زیارتش فرود می آیند».

از وی درباره زیارتش در ماه رمضان پرسیدند.

فرمود: «هر کس با خشوع و به امید پاداش، عذرخواه و آمرزش خواه، به زیارتش برود و در یکی از [این] سه شب ماه رمضان: شب اول، شب نیمه و یا شب آخر، کنار قبر وی باشد، گناहانی که مرتکب شده است، فرو می ریزد، آن گونه که برگ ها با تندباد فرو می ریزند، و بی گناه می شود، همانند روزی که مادرش او را زاده است. علاوه بر این، پاداشی همچون پاداشی کسی دارد که آن سال به حج و عمره رفته باشد. و دو فرشته که ندایشان را هر جاننداری غیر از جن و انس می شنود، ندا می دهند؛ یکی می گوید: "ای بنده خدا! پاک شدی؛ پس، کار را از سر بگیر" و دیگری می گوید: "ای بنده خدا! نیکی کردی؛

يَا عَبْدَ اللَّهِ، طَهَّرْتَ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ، وَيَقُولُ الْآخَرُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، أَحْسَنْتَ فَأَبْشِرْ
بِمَغْفِرَةٍ مِنْ اللَّهِ وَفَضْلٍ^١.

وانظر: ص ٥٢٠ (آداب الليلة الخامسة عشرة).

٤٧٩. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَمَاتَ فِي الطَّرِيقِ،
لَمْ يُعْرَضْ وَلَمْ يُحَاسَبْ، وَيُقَالُ لَهُ: «أَدْخُلِ الْجَنَّةَ آمِنًا»^٢.

٩/٢

الْعُمْرَةُ بَعْدَ مَضِيِّ لَيْلَةِ الثَّالِثِ الْعِشْرِينَ

٤٨٠. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ عُمْرَةَ فِي رَمَضَانَ تَقْضِي حَجَّةً مَعِيَ^٣.

٤٨١. عنه عليه السلام: عُمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً^٤.

٤٨٢. عنه عليه السلام: - لِامْرَأَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ: إِذَا كَانَ رَمَضَانُ اعْتَمَرِي فِيهِ؛ فَإِنَّ عُمْرَةَ فِي
رَمَضَانَ حَجَّةٌ^٥.

١. الإقبال: ١/٤٥، بحار الأنوار: ١٠١/٩٨/٢٩.

٢. كامل الزيارات: ٨٣٦/٥٤٦ عن محمد بن الفضل، بحار الأنوار: ١٠١/٩٧/٢٠.

٣. صحيح البخاري: ٢/٦٥٩/١٧٦٤، صحيح مسلم: ٢/٩١٨/٢٢٢ كلاهما عن ابن عباس، المعجم الكبير:
١/٢٥١/٧٢٢ عن أنس وفيه «كحجة» بدل «تقضي حجة».

٤. سنن الترمذي: ٣/٢٧٦/٩٣٩، سنن الدارمي: ١/٤٨١/١٨٠٢ كلاهما عن أم معقل، سنن ابن ماجه:
٢/٩٩٦/٢٩٩٤، صحيح ابن حبان: ٩/١٣/٣٧٠٠، مسند ابن حنبل: ١/٦٦٠/٢٨٠٩ كلها عن ابن عباس؛
دعائم الإسلام: ١/٣٣٣ عن الإمام الصادق عليه السلام، الإقبال: ١/٣٥٨ عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن
الإمام الرضا عليه السلام.

٥. صحيح البخاري: ٢/٦٣١/١٦٩٠، صحيح مسلم: ٢/٩١٧/٢٢١، سنن النسائي: ٤/١٣١، سنن الدارمي:
١/٤٨١/١٨٠١، مسند ابن حنبل: ١/٤٩٣/٢٠٢٥ كلها عن ابن عباس، سنن أبي داود: ٢/٢٠٥/١٩٨٩
عن يوسف بن عبد الله بن سلام، الموطأ: ١/٣٤٧/٦٦ عن أبي بكر بن عبد الرحمن: الجعفریات: ٦٧ عن
الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام.

کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است ۳۶۱

پس، مژده باد تو را به آمرزش و نعمت الهی!».

۴۷۹. امام صادق علیه السلام: هر کس در ماه رمضان، قبر حسین علیه السلام را زیارت کند و در راه بمیرد، [در قیامت،] نه به محشر آورده می شود و نه از او حساب می کشند و به او می گویند: «آسوده وارد بهشت شو».

ر.ک: ص ۵۲۱ (آداب شب پانزدهم).

۹/۲

عمره بعد از گذشتن شب بیت دوم

۴۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عمره در ماه رمضان، در حکم حج همراه من است.

۴۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عمره در [ماه] رمضان، برابر حج است.

۴۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خطاب به زنی از انصار: چون [ماه] رمضان شود، در آن عمره به جای آور؛ چرا که یک عمره در رمضان، [برابر با] حج است.

٢٨٣. الكافي عن الوليد بن صبيح: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: بَلَّغْنَا أَنَّ عُمْرَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً.

فَقَالَ: «إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي امْرَأَةٍ وَعَدَّهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَهَا: اِئْتِمِرِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَهِيَ لَكَ حَجَّةٌ»^١.

٢٨٤. رسول الله ﷺ: رَمَضَانُ بِمَكَّةَ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ رَمَضَانَ بِغَيْرِ مَكَّةَ^٢.

٢٨٥. عنه عليه السلام: مَنْ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ بِمَكَّةَ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِئَةَ أَلْفِ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي غَيْرِهَا، وَكَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ مَغْفِرَةٌ وَشَفَاعَةٌ، وَبِكُلِّ لَيْلَةٍ مَغْفِرَةٌ وَشَفَاعَةٌ، وَبِكُلِّ يَوْمٍ حُمْلَانُ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ^٣.

٢٨٦. عنه عليه السلام: مَنْ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ بِمَكَّةَ فَصَامَهُ وَقَامَهُ بِمَا تَيَسَّرَ لَهُ عَدَلَ مِئَةَ أَلْفِ شَهْرِ فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الْبَلَدِ، وَكَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ حُمْلَانُ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَكُلُّ لَيْلَةٍ حُمْلَانُ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فِي كُلِّ لَيْلَةٍ عِتْقُ رَقَبَةٍ، وَكُلُّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ لَيْلَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ يَوْمٍ شَفَاعَةٌ، وَكُلُّ لَيْلَةٍ شَفَاعَةٌ، وَكُلُّ يَوْمٍ دَرَجَةٌ^٤.

٢٨٧. الكافي عن علي بن حديد: كُنْتُ مُقِيمًا بِالْمَدِينَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ سَنَةً ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَمِائَتَيْنِ، فَلَمَّا قَرُبَ الْفِطْرُ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْخُرُوجِ فِي

١. الكافي: ١/٥٣٥/٤.

٢. كنز العمال: ١٢/١٩٧/٣٤٦٤٣، مجمع الزوائد: ٣/٢٤٨/٤٧٩٩ وفيه «صوم رمضان» وكلاهما نقلاً عن البرزاري عن ابن عمر.

٣. شعب الإيمان: ٣/٢٨٧/٤١٤٩ وص ٣٤٧/٢٧٢٩ كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ١٢/٢١١/٣٤٧٠٩؛ بحار الأنوار: ٩٦/٣٤٩/١٦ نقلاً عن القطب الراوندي في النوار عن أبي عبيد.

٤. فضائل الأشهر الثلاثة: ١٣٦/١٤٥؛ سنن ابن ماجه: ٢/١٠٤١/٣١١٧ نحوه وكلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ١٢/٢٠٠/٣٤٦٥٧.

کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است ۳۶۳

۴۸۳. الکافی - به نقل از ولید بن صبیح - : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : به ما چنین رسیده که عمره در رمضان ، با حج برابر است .

فرمود : « این در مورد زنی بود که پیامبر خدا به او وعده داد و فرمود : در ماه رمضان ، عمره به جا آور ، که برایت حج است » .

۴۸۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : رمضان در مکه بودن ، برتر از هزار رمضان در غیر مکه بودن است .

۴۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس [ماه] رمضان را از آغاز تا پایانش با روزه و نمازش در مکه درک کند ، خداوند برای او صد هزار رمضان در غیر مکه می نویسد و برای او در هر روز ، یک آمرزش و شفاعت ، و در هر شب ، یک آمرزش و شفاعت ، و در هر روز ، [ثواب] به راه انداختن یک اسب [برای جهاد] در راه خداست . و برای اوست در هر روز ، یک دعای مستجاب .

۴۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس ماه رمضان را در مکه درک کند و به اندازه ای که در توانش باشد ، آن را روزه بدارد و نماز بخواند ، [پاداشش] برابر با هزار ماه [درک کردن ماه رمضان] در شهری جز آن است و برای او در هر روز ، [ثواب] به راه انداختن یک اسب [برای جهاد] در راه خدا ، و در هر شب ، [ثواب] به راه انداختن یک اسب [برای جهاد] در راه خداست و در هر شب ، [پاداش] آزاد کردن یک بنده ، و در هر روز ، یک صدقه ، و در هر شب ، یک صدقه ، و در هر روز ، شفاعتی ، و در هر شب ، شفاعتی ، و در هر روز ، درجه ای برای اوست .

۴۸۷. الکافی - به نقل از علی بن حدید - : در سال دویست و سیزده [قمری] ، در ماه رمضان ، مقیم مدینه بودم . چون عید فطر نزدیک شد ، به امام جواد علیه السلام نامه نوشتم و از او پرسیدم که : آیا در ماه رمضان برای عمره خارج شوم ، بهتر

عُمْرَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْضَلَ أَوْ أَقِيمُ حَتَّى يَنْقَضِيَ الشَّهْرُ وَأَتِمَّ صَوْمِي؟ فَكُتِبَ إِلَيَّ
كِتَابًا قَرَأْتُهُ بِخَطِّهِ:

«سَأَلْتُ - رَحِمَكَ اللَّهُ! - عَنْ أَيِّ الْعُمْرَةِ أَفْضَلُ؟ عُمْرَةُ شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْضَلُ،
يَرْحَمُكَ اللَّهُ!»^١

٤٨٨. الكافي عن حماد بن عثمان: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَرَادَ الْعُمْرَةَ انْتَهَضَ إِلَى صَبِيحَةٍ
ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، ثُمَّ يَخْرُجُ مُهَلًّا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.^٢

١٠/٢

الِإِعْتِكَافُ

٤٨٩. رسول الله ﷺ: إِعْتِكَافُ عَشْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ.^٣

٤٩٠. الإمام الصادق ﷺ: كَانَتْ بَدْرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَمْ يَعْتَكِفِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، فَلَمَّا أَنْ
كَانَ مِنْ قَابِلِ إِعْتِكَافِ عِشْرِينَ: عِشْرًا لِعَامِهِ، وَعِشْرًا قَضَاءً لِمَا فَاتَهُ.^٤

٤٩١. صحيح البخاري عن أبي هريرة: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَعْتَكِفُ فِي كُلِّ رَمَضَانَ عَشْرَةَ
أَيَّامٍ، فَلَمَّا كَانَ الْعَامُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ اعْتَكَفَ عِشْرِينَ يَوْمًا.^٥

١. الكافي: ٤/٥٣٦/٢.

٢. الكافي: ٤/٥٣٦/٤، بحار الأنوار: ٨٣/١١٨/٤٤.

٣. كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٨٨/٢١٠١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ، النوادر للراوندي:
٢٠٩/٤٠٨ وفيه «اعتكاف شهر رمضان...»، «عائم الإسلام: ١/٢٨٦ وفيه «اعتكاف العشر الأواخر...»
وكلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ: المعجم الكبير: ٣/١٢٨/٢٨٨٨ عن محمد بن سليمان عن
الإمام زين العابدين عن أبيه ﷺ، كنز العمال: ٨/٥٣٠/٢٤٠٠٨.

٤. الكافي: ٤/١٧٥/٢ عن الحلبي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٨٤/٢٠٨٨، الفقه المنسوب للإمام
الرضا ﷺ: ١٩٠ عن العالم ﷺ، بحار الأنوار: ٩٧/١٢٨/٢ وج ١٦/٢٧٤/١٠٣.

٥. صحيح البخاري: ٢/٧١٩/١٩٣٩، سنن أبي داود: ٢/٣٣٢/٢٤٦٦، سنن ابن ماجه: ١/٥٦٢/١٧٦٩،
مسند ابن حنبل: ٣/٢٣٦/٨٤٤٣ وفيه «العشر الأواخر» بدل «عشرة أيام» وص ٢٧٣/٨٦٧٠، السنن
الكبرى: ٤/٥١٦/٨٥٦٣.

کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است ۳۶۵

است، یا آن که بمائیم تا ماه بگذرد و روزه‌ام را تمام کنم؟

در پاسخ، نامه‌ای به خط خویش نوشت: «رحمت خدا بر توا پرسیدی که

کدام عمره برتر است؟ عمره ماه رمضان، برتر است. خدای رحمت کند!».

۴۸۸. الکافی - به نقل از حماد بن عثمان - : هرگاه امام صادق علیه السلام می‌خواست عمره

انجام دهد، تا صبح بیست و سوم ماه رمضان صبر می‌کرد و در همان روز،

تلبیه می‌گفت و به سوی مکه می‌رفت.

۱۰/۲

اعتکاف

۴۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اعتکاف ده روز ماه رمضان، برابر دو حج و دو عمره است.

۴۹۰. امام صادق علیه السلام : جنگ بدر، در ماه رمضان بود. پس، پیامبر خدا معتکف نشد.

سال بعد، بیست روز معتکف شد؛ ده روز برای همان سال، و ده روز برای

قضای آنچه از او فوت شده بود.

۴۹۱. صحیح البخاری - به نقل از ابو هریره - : پیامبر صلی الله علیه و آله در هر رمضان، ده روز،

معتکف می‌شد اما در سالی که در آن وفات کرد، بیست روز معتکف شد.

٣٩٢ . الإمام الصادق عليه السلام: اِعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ، ثُمَّ اِعْتَكَفَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ الْوُسْطَى، ثُمَّ اِعْتَكَفَ فِي الثَّالِثَةِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ.^١

وانظر: ص ٦١٢ (الاعمال المختصة بالعشر الأواخر / الاعتكاف).

١١/٢

قِرَاءَةُ سُورَةِ الْفَتْحِ فِي التَّطَوُّعِ

٣٩٣ . الإقبال عن يزيد بن هارون عن المسعودي: بَلَغَنِي أَنَّهُ مَنْ قَرَأَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا»^٢ فِي التَّطَوُّعِ، حَفِظَ ذَلِكَ الْعَامَ.^٣



مركز تحقيقات کتب ویران اسلامی

١ . الکافي: ٣/١٧٥/٤، کتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٨٩/٢١٠٥ كلاهما عن أبي العباس، الإقبال: ١/٢٣٠ وفيه «اعتكف رسول الله ﷺ في أول ما فرض شهر رمضان...»، بحار الأنوار: ٢/٤/٩٨ وراجع الغارات: ١/٢٤٩.

٢ . الفتح: ١.

٣ . الإقبال: ١/٧٥ نقلًا عن علي بن عبد الواحد النهدي في كتاب عمل شهر رمضان، بحار الأنوار: ٩٦/١٩/٣٥٠ نقلًا عن القطب الراوندي في النوادر وفيه «من قرأ أول ليلة من شهر رمضان «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» حفظ إلى مثلها من قابل».

کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است ۳۶۷

۴۹۲. امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا در ماه رمضان، در ده روز اول، معتکف شد. سال بعد، در ده روز وسط، و در سال سوم، در ده روز آخر معتکف شد. سپس پیوسته در ده روز آخر، معتکف شد.

ر.ک: ص ۶۱۳ (آداب مخصوص دهه آخر / اعتکاف).

۱۱/۲

خواندن سوره فتح در نمازهای تحب

۴۹۳. الإقبال - به نقل از یزید بن هارون، از مسعودی - : به من چنین روایت رسیده که هر کس در هر شبی از ماه رمضان، در نماز مستحب، سوره «إِنَّا فَتَحْنَا» بخواند، آن سال، محفوظ می ماند.



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

الفصل الثالث

الدُّعَاءُ الْمَشْتَرِكَةُ

١/٣ الدُّعَاءُ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ

أ- دُعَاءُ «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ»

٤٩٢. رسول الله ﷺ: مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بَعْدَ الْمَكْتُوبَةِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَهُوَ:

اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ، اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ، اللَّهُمَّ
أَسْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ، اللَّهُمَّ اكْشُ كُلَّ غُرْيَانٍ، اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدْيُونٍ^١،
اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ، اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ، اللَّهُمَّ فُكِّ كُلَّ أَسِيرٍ،
اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ، اللَّهُمَّ
سُدِّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ، اللَّهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ، اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ
وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^٢.

١. وفي البلد الأمين: «مدين» بدل «مديون».

٢. المصباح للكفعمي: ٨١٦، البلد الأمين: ٢٢٢، بحار الأنوار: ٩٨/١٢٠/٣ نقلاً عن خط الشهيد الأول رحمه الله.

فصل سوم

دعای مشترک

۱/۳

دعای منازعات واجب

الف - دعای «اللَّهُمَّ أَنْزِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ»

۳۹۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس در ماه رمضان، پس از نماز واجب، این دعا را بخواند، خداوند گناهان او را تا روز قیامت می‌آمرزد. دعا این است:

«خداوند! بر خفتگان گورها، شادی وارد کن. خداوند! هر نیازمندی را بی‌نیاز بگردان. خداوند! هر گرسنه‌ای را سیر کن. خداوند! هر برهنه‌ای را بپوشان. خداوند! بدهی هر بدهکاری را ادا کن. خدایا! گرفتاری هر گرفتاری را برطرف ساز. خدایا! هر غریبی را به [وطنش] باز گردان. خدایا! هر اسیری را برهان. خدایا! هر تباهی‌ای را از کارهای مسلمانان، سامان بخش. خدایا! هر بیماری را شفا بده. خدایا! نیازمندی ما را با بی‌نیازی خویش برطرف ساز. خدایا! بد حالی ما را با حال نیک خودت، تغییر بده. خدایا! بدهی ما را ادا کن و ما را از فقر، بی‌نیاز گردان؛ همانا تو بر هر چیز، توانایی.»

ب - دُعَاءُ الْحَجِّ

٤٩٥ . الإمام الصادق والإمام الكاظم (عليهما السلام): تَقُولُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ بَعْدَ كُلِّ فَرِيضَةٍ :

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ مَا أَبْقَيْتَنِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَسَعَةٍ رِزْقٍ ، وَلَا تُخْلِنِي مِنْ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ ، وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي جَمِيعِ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَكُنْ لِي .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَوِي فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ ، الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِمْ ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ ، الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ، وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمُرِي فِي طَاعَتِكَ ، وَتُوسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي ، وَتُوَدِّيَ عَنِّي أَمَانَتِي وَدِينِي ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .^١

ولنظر: ص ٥٠٠، ح ٥٢٠.

ج - دُعَاءُ «يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ»

٤٩٦ . الإقبال: تَدْعُو عَقِيبَ كُلِّ فَرِيضَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلًا كَانَ أَوْ نَهَارًا فَتَقُولُ :

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ ، أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ، وَهَذَا شَهْرُ عَظَمَتِهِ وَكَرَمَتِهِ وَشَرَفَتِهِ وَفَضْلَتِهِ عَلَى الشُّهُورِ ، وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ ، وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ، فَيَا ذَا الْمَنِّْ وَلَا يُمَنَّ

ب - دعای حج

۴۹۵. امام صادق و امام کاظم علیهما السلام: از اوّل تا پایان ماه رمضان، پس از هر نماز واجب می‌گویی:

«خداوندا! امسال و در هر سال، تا وقتی مرا زنده می‌داری، حجّ خانه خودت را روزی‌ام کن، در آسانی و تن‌درستی و وسعت روزی از سوی خودت؛ و جای مرا در آن جایگاه‌های ارزشمند و حرم‌های شریف، خالی مگذار و از زیارت قبر پیامبرت - که درود تو بر او و خاندانش باد - محروم مکن؛ و در همه نیازهای دنیا و آخرت، برای من باش!

خداوندا! از تو می‌خواهم در آنچه حتمی و مقدر می‌کنی از فرمان قطعی در شب قدر، از آن تقدیری که بر نمی‌گردد و عوض نمی‌شود، که مرا از حُجّاج خانه با حرمت خویش قرار دهی؛ از آنان که حُجّشان پذیرفته، تلاششان پاداش یافته، گناهانشان آمرزیده، و خطاهایشان پوشیده است؛ و در آنچه تقدیر و حتمی می‌کنی، این را قرار بده که عمرم را در فرمان‌برداری‌ات بلند گردانی و روزی‌ام را بر من وسعت بخشی و امانت و بدهی مرا از جانب من ادا کنی! آمین، ای پروردگار جهانیان!»

ر.ک: ص ۵۰۱، ح ۵۲۰

ج - دعای «یا علی یا عظیم»

۴۹۶. الإقبال: در ماه رمضان، پس از هر نماز واجب، چه شب باشد و چه روز، می‌گویی:

«ای والا، ای بزرگ، ای آمرزنده، ای مهربان! تو، آن پروردگار بزرگی که همانند او، چیزی نیست و او شنوای بیناست، و این، ماهی است که آن را بزرگ داشته، کرامت و شرافت بخشیده، و بر [دیگر] ماه‌ها برتری داده‌ای، و این، ماهی است که روزه‌داری آن را بر من واجب کرده‌ای، و آن، ماه رمضان است که در آن، قرآن را برای راهنمایی مردم و به عنوان نشانه‌هایی روشن از هدایت و فرقان [جداکننده حق از باطل]، نازل کرده‌ای و شب قدر را در آن قرار داده و آن را بهتر از هزار ماه قرار داده‌ای. پس، ای صاحب نعمت و متّ

عَلَيْكَ ، مَنْ عَلَيَّ بِفَكَائِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فَيَمَنْ تُمْنُ عَلَيْهِ ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .^١

٢/٣

الدُّعَاءُ كُلَّ لَيْلَةٍ

أ - الدُّعَاءُ لِلْحَجِّ

٣٩٧ . الإمام الصادق عليه السلام - في الدُّعَاءِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ - :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ^٢ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي الْأَمْرِ
الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ
الْحَرَامِ ، الْمَبْرُورِ حُجَّتُهُمْ ، الْمُكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ ،
الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ ، وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي
الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تُطِيلَ
عُمْرِي وَأَنْ تُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ
وَلَا تَسْتَبْدِلَ بِي غَيْرِي .^٣

٣٩٨ . الإقبال : عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ بَعْضِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ : مَنْ

قَالَ هَذَا الدُّعَاءُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُ أَرْبَعِينَ سَنَةً :

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلَى عِبَادِكَ
فِيهِ الصَّيَامَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي

١ . الإقبال : ٧٩ / ١ ، المصباح للكفعمي : ٨٣٢ .

٢ . زاد في الإقبال هنا : « أَنْ تَجْعَلَ » .

٣ . الكافي : ٤ / ١٦١ / ٣ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَطِيَّةَ . الإقبال : ١٤٥ / ١ عَنْ ابْنِ عُمَيْرٍ بِإِسْنَادِهِ وَص ١٤٤ . كِتَابُ مَنْ

لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه : ١٦٢ / ٢ مِنْ دُونِ إِسْنَادٍ إِلَى الْمَعْصُومِ وَكُلَّهَا نَحْوُهُ .

که کسی را بر تو منتی نیست! با آزاد کردنم از آتش، بر من نیز، در جمع آنان که بر ایشان منت می‌گذاری، منت گذار و وارد بهشتم کن! به رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان!».

۲/۳ دعای هر شب

الف - دعا برای حج

۴۹۷. امام صادق علیه السلام - در دعا در هر شب از ماه رمضان - :

خداوندا! از تو می‌خواهم در آنچه حتمی و مقدر می‌کنی، از فرمان قطعی در امر حکیمانه، از آن تقدیری که بر نمی‌گردد و عوض نمی‌شود، که مرا از حجاج خانه با حرمت خویش قرار دهی؛ از آنان که حجتشان پذیرفته، گناهانشان پوشیده، نافرمانی‌هایشان آمرزیده، و تلاششان پاداش یافته است، و [از تو می‌خواهم] در آنچه قطعی و مقدر می‌کنی، از آن فرمان قطعی در امر حکیمانه در شب قدر، از آن تقدیری که بر نمی‌گردد و عوض نمی‌شود، مرا عمری طولانی بخشی و به روزی‌ام وسعت دهی و مرا از آنانی قرار دهی که دین تو را یاری می‌کنند، و دیگری را جایگزین من نسازی!

۴۹۸. الإقبال - به نقل از محمد بن ابی عمیر، از کسانی، از بعضی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله - : هر کس این دعا را در هر شب از ماه رمضان بخواند، گناهان چهل ساله‌اش آمرزیده می‌شود:

«خداوندا! ای پروردگار ماه رمضان، ماهی که در آن، قرآن نازل کرده‌ای و در آن روزه را بر بندگانت واجب ساخته‌ای! بر محمد و خاندانش درود فرست و

عامي هذا وفي كل عام ، وَاغْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ ؛ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا
غَيْرُكَ يَا رَحْمَانُ يَا عَلَّامٌ^١.

وانظر: ص ٥٠٠، ح ٥٢٠.

ب - دُعَاءُ حُسْنِ الْقَضَاءِ

٤٩٩ . الإمام الصادق (عليه السلام) - فِي الدُّعَاءِ عِنْدَ كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ :-

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُمِ فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ
فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ فِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ ، أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَأَنْ
تُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ وَلَا تَسْتَبْدِلَ بِي غَيْرِي.^٢

وانظر: ص ٣٧٢، ح ٤٩٧.



ج - الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

٥٠٠ . الإمام الجواد (عليه السلام): يُسْتَحَبُّ أَنْ تُكَبِّرَ مِنْ أَنْ تَقُولَ فِي كُلِّ وَقْتٍ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ مِنْ
أَوَّلِ الشَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ:

يَا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ، ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ، ثُمَّ يَبْقَى وَيَفْنَى كُلُّ
شَيْءٍ ، يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى
وَلَا فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَى وَلَا فَوْقَهُنَّ وَلَا تَحْتَهُنَّ وَلَا بَيْنَهُنَّ إِلَهٌ يُعْبَدُ غَيْرُهُ .
لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهِ إِلَّا أَنْتَ . فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ .^٣

١ . الإقبال: ١/ ١٤٤، الهداية: ١٨٧ عن الإمام الصادق (عليه السلام) نحوه . بحار الأنوار: ٩٦/ ٣١١/ ٥.

٢ . تهذيب الأحكام: ٣/ ١٠٢/ ٢٦٤ عن محمد بن عطية، مصباح المتهجد: ٧٠٨/ ٦٣٠ وليس فيه «في ليلة
القدر»، المصباح للكفعمي: ٧٧٣ نحوه .

٣ . المقنعة: ٣٢٠ عن علي بن مهزيار، الإقبال: ١/ ٢٤٨ ذكره في أدعية الليلة التاسعة عشرة، المصباح للكفعمي:
٨٢٣، البلد الأمين: ٢٢٦ ذكره في أدعية كل يوم، وكلها من دون إسناد إلى المعصوم .

حج خانه خودت را امسال و هر سال، روزی ام کن و آن گناهان بزرگ مرا
بیمارز، که آنها را جز تو نمی‌آمرزد! ای بخشنده، ای بسیار دانا!».

ر.ک: ص ۵۰۱، ح ۵۲۰.

ب - دعا برای تقدیر نیکو

۴۹۹. امام صادق (ع) - در دعایی در هر شب از ماه رمضان :-

خداوندا! از تو می‌خواهم در آنچه حتمی و مقدر می‌کنی، از فرمان قطعی
در امر حکیمانه خویش در شب قدر، در آن تقدیری که بر نمی‌گردد و عوض
نمی‌شود، که عمرم را طولانی سازی و روزی‌ام را وسعت بخشی و مرا از کسانی
قرار دهی که با او دینت را یاری می‌کنی و دیگری را جایگزین من نسازی!

ر.ک: ص ۳۷۳، ح ۴۹۷



ج - صلوات بر پیامبر و خاندانش

۵۰۰. امام جواد (ع) : مستحب است در هر وقتی از شب یا روز از اول تا پایان این ماه،

زیاد بگویی:

«ای آن که پیش از هر چیز بود، سپس همه چیز را آفرید، سپس باقی
می‌ماند و همه چیز، فانی می‌شود! ای آن که چیزی همانند او نیست! ای آن
که نه در آسمان‌های بلند و نه در زمین‌های پایین و نه بالای آنها و نه زیر آنها
و نه میان آنها، معبودی جز او نیست که پرستیده شود! تو را حمد و سپاس،
حمدی که کسی جز تو بر شمارش آن توانا نیست. پس بر محمد و خاندان
محمد درود فرست؛ درودی که کسی جز تو، شمارش آن را نتواند!».

د - دُعَاءُ الْإِفْتِتَاحِ

٥٠١ . الإقبال عن أبي عمرو محمد بن محمد بن نصر السكوني: سَأَلْتُ أَبَا بَكْرٍ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنِ عُثْمَانَ الْبَغْدَادِيَّ أَنْ يُخْرِجَ إِلَيَّ أَدْعِيَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّتِي كَانَ عَمُّهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ السَّعِيدِ الْعَمَرِيُّ يَدْعُو بِهَا، فَأَخْرَجَ إِلَيَّ دَفْتَرًا مُجَلَّدًا بِأَحْمَرَ، فَنَسَخْتُ مِنْهُ أَدْعِيَةً كَثِيرَةً، وَكَانَ مِنْ جُمْلَتِهَا:

وَتَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فَإِنَّ الدُّعَاءَ فِي هَذَا الشَّهْرِ تَسْمَعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَسْتَغْفِرُ لِصَاحِبِهِ، وَهُوَ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الشَّاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَأَيَقُنْتُ أَنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنَّقِمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبَّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ .
اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا! وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا! وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَنْتَهَا! وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا!
وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا!

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكِبَرُهُ تَكْبِيرًا . الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ، الظَّاهِرُ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُهُ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا

د - دعای افتتاح

۵۰۱. الإقبال - به نقل از ابو عمرو محمد بن محمد بن نصر سکونی - : از ابو بکر احمد بن محمد بن عثمان بغدادی خواستم دعاهای ماه رمضان را که عمویش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری^۱ می خوانده، برای من درآورد. پس دفتری را که جلد قرمز داشت، بیرون آورد. من، دعاهای بسیاری را از روی آن نوشتم و از جمله آنها، این دعا بود:

«خداوندا! من ستایشت را با حمد تو آغاز می کنم و تو با نعمت خویش، توفیق دهنده بر راه درستی.

یقین دارم که تو، در جای گذشت و رحمت، مهربان ترین مهربانانی و در جای کیفر و انتقام، سرسخت ترین کیفردهندگان و در جایگاه بزرگی و عظمت، بزرگ ترین جبارانی.^۲

خداوندا! اذنم داده ای تا تو را بخوانم و از تو بخواهم. پس، ای شنوا! ستایشم را بشنو، و ای مهربان! دعایم را اجابت کن، و ای آمرزنده! از لغزشم درگذر. خدایا! چه بسیار اندوهی که برطرفش ساختی و غمی که آن را زدودی و لغزشی که از آن درگذشتی و رحمتی که آن را گستردی و زنجیره بلایی که آن را از هم گسستی!

ستایش، خدایی را که نه همسری گرفته و نه فرزندی، و نه او را در پادشاهی، شریکی است و نه او را از روی خواری، سرپرستی. او را به شایستگی، تکبیر بگوی و بزرگ بدار. خدا را سپاس، با همه ستودگی هایش، بر همه نعمت هایش.

سپاس، خدایی را که نه او را در حکمرانی، ضدی است و نه در فرمانش، او را مخالفی.

سپاس، خدایی را که در میان آفریدگانش، شریکی ندارد و در عظمتش، بی همتاست.

سپاس، خدایی را که فرمان او و ستایشش در میان خلق، پراکنده و آشکار است؛ آن که شکوهش با بخشندگی، هویداست و دستش به سخاوت، گشوده

۱. هر چند این دعا از اهل بیت علیهم السلام روایت نشده است اما با عنایت به این که محمد بن عثمان یکی از نایبان خاص امام عصر عجل الله فرجه بوده است به احتمال قوی این دعا را از آن حضرت اخذ کرده است.

۲. جبار درباره خداوند، به معنای جبران کننده و نیز کسی که بر همه زورمندان چیره است، می باشد.

وَكَرَمًا ، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ ، وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ .

اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي ، وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسِتْرَكَ عَلَى قَبِيحِ عَمَلِي ، وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَمَا كَانَ مِنْ خَطِيئِي وَعَمْدِي ، أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَّفْتَنِي مِنْ إِجَانَتِكَ ، فَصِرْتُ أَدْعُوكَ آمِنًا وَأَسْأَلَكَ مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجَلًا ، مُدْلًا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ ، وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي ؛ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ ، فَلَمْ أَرَ قَوْلِي كَرِيمًا أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَقِيمٍ مِنْكَ عَلَيَّ .

يَا رَبِّ ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْتِنِي عَنْكَ ، وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَّبَعُضُ إِلَيْكَ ، وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أُقْبِلُ مِنْكَ ، كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ .

الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِي الْفُلْكِ ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ، دَيَّانِ الدِّينِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنْاتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَى مَا يُرِيدُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ بَاسِطِ الرِّزْقِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَقُرْبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى تَبَارَكَ وَتَعَالَى ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شَبِيهٌ يُشَاكِلُهُ وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاضِدُهُ ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعْزَاءَ وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءَ فَتَبَلَّغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

است؛ آن که بخشش زیاد، نه از گنجینه‌هایش می‌کاهد و نه بر آن می‌افزاید، مگر بر بخشندگی و کرمش. همانا او قدرتمند بخشنده است.

خداوند! از تو اندکی از نیاز فراوانم را می‌خواهم، با آن که نیازم به آن، بسیار است و بی‌نیازی تو از آن، دیرین. آن نزد من، بسیار است؛ اما بر تو آسان و ناچیز.

خداوند! بخشایش تو از گناهانم، و گذشت تو از خطایم، و چشم‌پوشی تو از ظلمم، و پرده‌پوشی تو بر کار زشتم، و بردباری تو از گناه بسیارم - آن جا که به عمد یا خطا گناه کردم - مرا به طمع انداخت تا از تو چیزی بخواهم که از سوی تو شایسته آن نیستم، چیزی که از رحمت خویش، روزی‌ام کردی و از قدرت خود، نشانم دادی و از اجابت خویش، مرا شناساندی.

پس چنین گشتم که با ایمنی، تو را می‌خوانم و بی‌وحشت و ترس، از تو می‌خواهم و نیز در آنچه به درگاهت روی می‌آورم، با ناز و عشوه، طلب می‌کنم. پس اگر حاجتم دیر برآید، جاهلانه عتابت می‌کنم، با آن که شاید آنچه تأخیر افتاده، برایم بهتر باشد؛ چرا که تو فرجام کارها را می‌دانی. پس، هیچ مولای بزرگواری را بر بنده‌ای فرومایه، شکیباتر از تو بر خود ندیده‌ام.

پروردگارا! تو مرا می‌خوانی؛ من از تو روی برمی‌گردانم. تو به من دوستی می‌کنی؛ من با تو بی‌مهری می‌کنم. تو با من مهربانی می‌کنی؛ من از تو نمی‌پذیرم، گویا که من بر تو نعمت و منت دارم؛ اما اینها باز هم تو را از رحمت بر من و نیکی و بخشش از روی جود و کرم به من، باز نمی‌دارند. پس، این بنده نادانت را ترحم کن و با فضل و احسانت بر او ببخش! همانا تو بخشنده بزرگواری.

ستایش، خدایی را که مالک فرمان‌روایی است، روان‌سازنده کشتی، مسخر کننده باده‌ها، شکافنده صبح، جزا دهنده روز جزا و پروردگار جهانیان است.

خدا را سپاس بر بردباری‌اش پس از علمش. خدا را سپاس بر گذشتش پس از قدرتش. خدا را سپاس بر تحمل طولانی‌اش پس از خشمش، در حالی که او بر هر چه بخواهد، تواناست.

خدا را سپاس، که آفریدگار خلق است، گشاینده روزی، صاحب شکوه و بزرگواری و احسان و نعمت‌دهی؛ آن که دور است، پس دیده نمی‌شود، و نزدیک است، آن چنان که نجوا را شاهد است. بزرگوار و والاست.

سپاس، خدایی را که نه مخالفی دارد که با او برابری کند، و نه مشابهی دارد که با او هم‌تا شود، و نه پشتیبانی دارد تا از او حمایت کند. با قدرت

الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ ، وَيَسْتُرْ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ ، وَيُعْظِمُ
النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ ، فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي! وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ
قَدْ كَفَانِي! وَبَهْجَةٍ مُوْنِقَةٍ قَدْ أَرَانِي! فَأَتْنِي عَلَيْهِ حَامِداً وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً .
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَهْتِكُ حِجَابَهُ وَلَا يُغْلِقُ بَابَهُ ، وَلَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيِّبُ
أَمِلُهُ .

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ ، وَيَرْفَعُ
الْمُسْتَضْعِفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ ، وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ مُبِيرِ الظَّالِمِينَ ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ تَكَالِ
الظَّالِمِينَ ، صَرِيحِ الْمُسْتَصْرِخِينَ مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ مُعْتَمِدِ
الْمُؤْمِنِينَ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَشُكَّانُهَا ، وَتَرْجُفُ
الْأَرْضُ وَعُمَارُهَا ، وَتَمُوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبَحُ^١ فِي غَمَرَاتِهَا ، (الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ)^٢ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ
وَلَمْ يَخْلُقْ وَيَرْزُقْ وَلَا يَرْزُقُ^٣ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ ، وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي
الْمَوْتَى وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيكَ وَحَبِيبِكَ
وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبْلِغِ رِسَالَتِكَ ، أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ
وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ
وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَخَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ
وَرُسُلِكَ وَصَفَوَاتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ .

١ . ويمكن ضبطها أيضاً بهذا الشكل : «يُسْبِحُ» .

٢ . ما بين القوسين أثبتناه من الطبعة الحجرية للمصدر ، وكذلك في البلد الأمين والمصباح للكفعمي .

٣ . في الطبعة المعتمدة «ولم يرزق» ، والتصويب من الطبعة الحجرية والمصادر الأخرى .

خویش، قدرتمندان را شکست داده و بزرگان، در پیشگاه عظمتش، فروتنی کرده‌اند. پس با قدرتش به آنچه می‌خواهد، رسیده است.

سپاس، خدایی را که چون می‌خوانمش، پاسخ می‌دهد و با آن که نافرمانی‌اش می‌کنم، هر عیب مرا می‌پوشاند و نعمت خویش را بر من بزرگ می‌دارد و من سپاسش نمی‌گزارم. چه بسیار موهبت و بخشش بزرگی که به من بخشید و چه بسیار امر بزرگ و ترسناکی که از من دفع کرد و چه بسیار شادمانی دل‌ربایی که نشانم داد! پس، او را ستایشگرانه ثنا می‌گوییم و به پاکی و بی‌عیبی، یادش می‌کنم.

سپاس، خدایی را که پرده‌اش دریده نمی‌شود، درش بسته نمی‌گردد، درخواست‌کننده از او برگردانده نمی‌شود و آرزومند او محروم نمی‌گردد.

سپاس، خدایی را که بیمناکان را ایمن می‌سازد، شایستگان را نجات می‌بخشد، ضعیف‌شمرده‌شدگان را رفعت می‌دهد، مستکبران را پست می‌کند و پادشاهانی را هلاک می‌کند و پادشاهان دیگری را جایگزین می‌سازد.

سپاس، خدایی را که در هم کوبنده جباران، نابودکننده ستمگران، دریابنده فراریان، کیفر دهنده ظالمان، فریادرس درماندگان، جایگاه [تأمین] نیازهای خواهندگان و تکیه‌گاه مؤمنان است.

سپاس، خدایی را که از بیم او آسمان‌ها و آسمانیان و زمین و آبادکنندگانش می‌لرزند و دریاها و آنچه در اعماقشان شناور است، در جوش و خروش‌اند.

«سپاس، خدایی را که ما را به این [دین] هدایت کرد و اگر او هدایت‌مان نمی‌کرد، هرگز راه نمی‌یافتیم».

سپاس، خدایی را که می‌آفریند و خود، آفریده نیست؛ روزی می‌دهد، ولی روزی خور نیست؛ می‌خوراند، ولی خورنده نیست؛ زندگان را می‌میراند و مردگان را زنده می‌کند و او زنده نامیراست. نیکی به دست اوست و او بر هر چیز، تواناست.

خداوند! بر محمد، بنده و فرستاده‌ات، امین و برگزیده‌ات، محبوب و انتخاب‌شده‌ات از میان بندگان، رازداری و رساننده رسالت‌هایت، درود فرست، به بهترین، نیکوترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، رشدیابنده‌ترین، پاکیزه‌ترین، والاترین و بیشترین درود و برکت و رحمت و نعمت؛ و درودی که به هر یک از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگانت و آفریدگان صاحب کرامتت فرستاده‌ای!

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ،
 (عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَآيَتِكَ الْكُبْرَى
 وَالنَّبِيَّ الْعَظِيمِ) ^١ وَصَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ،
 وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَإِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ
 أَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَصَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ : (عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
 وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
 وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلْفِ الْمَهْدِيِّ) ^٢ حُجَّجَكَ عَلَى عِبَادِكَ
 وَأَمَنَاتِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً .

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ ، وَحُفَّهِ
 بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيَّدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .
 اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ ، وَاسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ
 كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ ، مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ ، أَبْدِلْهُ مِنْ
 بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا .

اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ ، وَانصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا (وافتَحْ
 لَهُ فَتْحًا مُبِينًا وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا) ^٣ .

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ ؛ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ
 مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ .

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ
 بِهَا التَّفَاقَ وَأَهْلَهُ ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى

١. ما بين القوسين لا يوجد في مصباح المتهجد والبلد الأمين وتهذيب الأحكام.

٢. ما بين القوسين لا يوجد في مصباح المتهجد وتهذيب الأحكام.

٣. ما بين القوسين أثبتناه من الطبعة الحجرية للمصدر ، وكذلك في المصباح للكفعمي .

خداوندا! بر علی، امیر مؤمنان، وصی فرستاده پروردگار جهانیان، بنده و دوست و برادر پیامبرت و حجت تو بر آفریدگانت و نشانه بزرگ تو و خبر بزرگ درود فرست! و بر بانوی راست‌کردار پاک، فاطمه، سرور زنان جهان، درود فرست! و بر دو نواده رحمت و دو پیشوای هدایت، حسن و حسین، دو سرور جوانان بهشتی، درود فرست! و بر پیشوایان مسلمانان: علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و جانشین او مهدی، حجت‌های تو بر بندگانت و امینان تو در سرزمین‌هایت، درود فرست، درودی فراوان و پیوسته!

خداوندا! بر عهده‌دار فرمانت، امام قائم، که مورد آرزوست و عدالت مورد انتظار است، درود فرست و او را با فرشتگان مقرب خویش، فراگیر و او را - ای پروردگار جهانیان - با روح القدس مؤید بدار!

خداوندا! او را دعوت‌کننده به کتابت و برپاکننده دینت قرار بده، و او را در زمین، جانشین، قرار بده، آن گونه که پیشینیان از او را جانشین ساختی، و آیینی را که برای او پسندیده‌ای، برای او حاکم ساز، و او را پس از بيمش ایمنی بخش تا تنها تو را بپرستد و چیزی را شریک تو قرار ندهد!

خداوندا! او را عزت بخش و [ما را] به او عزیز (مقتدر) بگردان و او را به پیروزی برسان و او را یاری کن، یاری‌ای قدرتمندانه، و برای او فتحی آشکار قرار بده و از پیش خود، قدرتی برخوردار از یاری برای وی قرار بده!

خداوندا! با او دین خود و سنت پیامبرت را چیره ساز تا از حق هیچ چیزی، از بیم احدی از مردم، پنهان نماند!

خداوندا! ما از درگاه تو دولت کریمه‌ای را می‌خواهیم که با آن، اسلام و مسلمانان را عزت بخشی و نفاق و منافقان را خوارگردانی و ما را در آن حکومت، از دعوتگران به طاعتت و فرماندهان و پیشوایان راهت قرار دهی و

سَبِيلِكَ ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَتَبَلَّغْنَاهُ .

اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهْ شَعْنَنَا وَاشْعَبْ بِهْ صَدَعْنَا وَارْتُقْ بِهْ فَتَقْنَا ، وَكَثِّرْ بِهْ قِلَّتَنَا ،
وَأَعِزَّ بِهْ ذِلَّتَنَا ، وَأَغْنِ بِهْ عَائِلَتَنَا ، وَاقْضِ بِهْ عَنْ مَغْرَمِنَا ، وَاجْبُرْ بِهْ فَقْرَنَا ،
وَسُدِّ بِهْ خَلَّتَنَا ، وَيَسِّرْ بِهْ عُسْرَنَا ، وَيَبْضِ بِهْ وُجُوهَنَا ، وَفُكِّ بِهْ أَسْرَنَا ، وَأَنْجِحْ
بِهْ طَلِبَتَنَا ، وَأَنْجِزْ بِهْ مَوَاعِيدَنَا ، وَاسْتَجِبْ بِهْ دَعَوَتَنَا ، (وَأَعْطِنَا بِهْ سُؤْلَنَا ،
وَبَلِّغْنَا بِهْ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَانًا) ^١ ، وَأَعْطِنَا بِهْ آمَانًا ، وَأَعْطِنَا بِهْ فَوْقَ
رَغْبَتِنَا ، يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ ، إِشْفِ بِهْ صُدُورَنَا ، وَأَذْهِبْ
بِهْ غَيْظَ قُلُوبِنَا ، وَاهْدِنَا بِهْ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ ؛ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ
تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ، وَانصُرْنَا بِهْ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ .
اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا ^٢ ،
وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا (وَقِلَّةَ عَدَدِنَا) ^٣ وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا ، وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا ، فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ ، وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ
تُعِزُّهُ ، وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تُظْهِرُهُ ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ [مِنْكَ]
تُلَبِّسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . ^٤

هـ- دُعَاءُ «الدُّخُولِ فِي الصَّالِحِينَ»

٥٠٢. الإقبال: دُعَاءُ آخَرُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْهُ:

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا ، وَفِي عَلِيِّينَ فَارْقِعْنَا ، وَبِكَأْسِ

١. ما بين القوسين أثبتناه من الطبعة الحجرية للمصدر ، وكذلك في المصباح للكفعمي .

٢. في المصباح للكفعمي «وَلَيْنَا» بدل «إِمَامِنَا» .

٣. ما بين القوسين أثبتناه من الطبعة الحجرية للمصدر ، وكذلك في البلد الأمين والمصباح للكفعمي .

٤. الإقبال: ١/ ١٣٨ ، تهذيب الأحكام: ٣/ ١٠٨ ، مصباح المتعبد: ٥٧٧ / ٦٩٠ ، المصباح للكفعمي: ٧٧٠ ، البلد

الأمين: ١٩٣ كلها من دون إسناد إلى المعصوم .

با آن، کرامت دنیا و آخرت را روزی ما کنی.

خداوندا! آنچه از حق به ما شناساندی، توفیق عمل به آن را هم به ما ببخش و آنچه بدان دست نیافتیم، ما را به آن برسان!

خداوندا! پراکندگی ما را با وجود او وحدت بخش و آشفتگی ما را با او به سامان برسان و تفرقه ما را با او بزدای و اندکی ما را با او افزون گردان و خواری ما را با او به عزت برسان و نیازمند ما را با او بی‌نیاز کن و بدهی بدهکار ما را با او ادا کن و تنگ‌دستی ما را با او جبران ساز و نیاز ما را با او برطرف گردان و سختی ما را با او آسان ساز و چهره‌های ما را با او سفید گردان و گرفتار ما را با او رها ساز و خواسته ما را با او برآور و وعده‌هایی را که به ما داده‌ای، با او محقق ساز و دعایمان را با او اجابت فرما و خواسته ما را با او عطا کن و آرزوهای ما را در دنیا و آخرت با او برآور و آمال ما را با او عطا فرما و ما را به برکت او بالاتر از خواسته‌مان عطا کن! ای بهترین درخواست‌شدگان، ای گسترده‌ترین عطا‌کنندگان! دل‌های ما را با او شفا بخش و کینه دل‌های ما را با او بزدای و در آنچه از حق، مورد اختلاف است، به اذن خودت، ما را با او به حق هدایت کن - همانا تو هر که را بخواهی، به راه راست هدایت می‌کنی - و ما را با او بر دشمن خودت و دشمن ما یاری کن! ای خدای حق، آمین!

خداوندا! ما به درگاهت شکوه می‌آوریم فقدان پیامبران را - که درود تو بر او و خاندانش باد - و غیبت پیشوایمان را، و فزونی دشمنان را، و اندکی شمارمان را، و سختی فتنه‌ها را بر ما، و هماهنگی [مردم] زمان را به زیان ما. پس بر محمد و دودمان محمد درود فرست و ما را بر این خواسته‌ها، یاری کن، با فتحی که زود پیش می‌آوری و با رنجی که می‌زدایی و با یاری‌ای که مایه قدرت می‌سازی و با حکومت حقی که آشکار و پیروزش می‌کنی و با رحمتی از سوی خود، که بر ما شامل می‌کنی و عافیتی از سوی خود، که بر ما می‌پوشانی، به رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان!.

هـ- دعای «ورود به جمع صالحان»

۵۰۲. الإقبال - در بخشی از دعایی دیگر برای هر شب :-

خداوندا! به رحمتت، ما را در جمع شایستگان، وارد کن و در بهشت برین، بالایمان ببر و به ما جامی گوارا از چشمه سلسبیل، بنوشان و به رحمتت، از حوریان بهشتی همسرمان گردان و از پسرکان جاودان [در بهشت]، که همچون لؤلؤ پوشیده‌اند، به خدمت ما بگمار و از میوه‌های بهشتی و

مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلَسْبِيلٍ فَاسْقِنَا ، وَمِنْ الْحَوْرِ الْعَيْنِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا ،
وَمِنْ الْوِلْدَانِ الْمُحَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لَوْلُؤُا مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنَا ، وَمِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ
وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا ، وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبِسْنَا ،
وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ فَوَفِّقْ لَنَا ، وَصَالِحَ الدُّعَاءِ
وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا ، يَا خَالِقَنَا اسْمَعْ وَاسْتَجِبْ لَنَا . وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا ، وَبِرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا ، وَفِي جَهَنَّمَ
فَلَا تَقْلُنَا ، وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا ، وَمِنْ الرِّقَومِ وَالضَّرِيعِ
فَلَا تُطْعِمْنَا ، وَقَعَ الشَّيَاطِينِ فَلَا تَجْمَعْنَا ، وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكُبَّنَا ،
وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطْرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا ، وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَتَجِبْنَا .

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی
الرَّعِيَّةُ الْأَسْحَارُ

۱- دُعَاءُ أَبِي جَعْفَرٍ ؑ

۵۰۳ . الإقبال: عَنْ أَيُّوبَ بْنِ يَظْطِينٍ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ؑ يَسْأَلُهُ أَنْ
يُصَحِّحَ لَهُ هَذَا الدُّعَاءَ ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ : «نَعَمْ ، وَهُوَ دُعَاءُ أَبِي جَعْفَرٍ ؑ بِالْأَسْحَارِ
فِي شَهْرِ رَمَضَانَ .

قَالَ أَبِي ؑ : قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ؑ : لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مِنْ عِظَمِ هَذِهِ الْمَسَائِلِ عِنْدَ
اللَّهِ وَسُرْعَةِ إِجَابَتِهِ لِصَاحِبِهَا لَاقْتَتَلُوا عَلَيْهِ وَلَوْ بِالسُّيُوفِ ، وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ
مَنْ يَشَاءُ .

گوشت‌های پرندگان، غذایمان ده و از جامه‌های دیبا و پرنیان و زربفت بر ما
 بپوشان و توفیق درک شب قدر و حج خانه خودت و شهادت در راهت را به ما بده
 و دعا و خواسته شایسته ما را اجابت کن - ای آفریدگار ما! بشنو و اجابت کن - و آن
 گاه که در روز قیامت، اولین و آخرین را گرد آوری، بر ما ترحم کن و امان‌نامه
 نجات از آتش را برایمان بنویس و ما را در جهنم به غل و زنجیر مکش و ما را دچار
 عذاب و خواری از سوی خود مساز و از زقوم و ضریع^۱ به ما مخوران و ما را با
 شیطان‌ها یک جا قرار مده و ما را به رو در آتش دوزخ میفکن و از جامه‌های
 آتشین و پیراهن‌های گدازنده بر ما میپوشان و ما را از هر بدی - ای آن که هیچ
 معبودی جز تو نیست، به حق آن که معبودی جز تو نیست - برهان!

۳/۳

دعای تحری

الف - دعای امام باقر (ع)

۵۰۳. الإقبال - درباره ایوب بن یقطين - : وی نامه‌ای به امام رضا (ع) نوشت و از او
 خواست که درستی این دعا را بیان کند. *توضیح: این دعا در سحرهای ماه رمضان*
 امام (ع) به او نوشت: «آری. این، دعای امام باقر (ع) در سحرهای ماه رمضان
 است. پدرم فرمود که امام باقر (ع) فرمود: «اگر مردم از عظمت این خواسته‌ها نزد
 خداوند و سرعت اجابت آنها برای صاحبانش خبر داشتند، بر سر آن با یکدیگر به
 جنگ می‌پرداختند، حتی با شمشیر؛ و خداوند، رحمتش را به هر کس بخواهد،
 ویژه می‌سازد».

۱. زقوم و ضریع، نام خوراکی‌های تلخ دوزخیان است.

۲. سید ابن طاووس گوید: «بدان که در اعمال روز و شب از کتاب المهمات و التتمات چنین روایت کرده‌ایم که
 سحر هر شب، منادی از سوی خداوند برآورنده حاجت‌ها، چنین ندا می‌دهد: آیا نیازمندی هست؟ آیا خواهنده
 و جوینده‌ای هست؟ آیا آرزوش خواهی هست؟ ای جویای خیرا بیا، و ای جویای شرا دست بردار.
 پیش‌تر در فصلی از این کتاب گفتیم که منادی از سوی خداوند در ماه رمضان از اوّل تا آخر شب، ندا
 می‌دهد. هرگز مبادا که از منادی خداوند اعراض کنی، در حالی که از تو می‌خواهد که تا می‌توانی، از ذخایر الهی
 درخواست کنی، حال آن که تو به کمتر از آنچه تو را خوانده است نیز نیازمندی. پس، گشوده بودن درها و ندای
 منادی الهی را مغتنم بشمار و اگر گوش‌هایت نشنیده است، گوش عقل و دلت شنیده است، اگر مسلمان و
 تصدیق‌کننده مولای خود هستی که مالک دنیا و آخرت توست» (ر.ک: الإقبال: ۱/ ۱۵۶).

وقال أبو جعفر عليه السلام: لو حلفت لبررت أن اسم الله الأعظم قد دخل فيها، فإذا دعوتهم^١ فاجتهدوا في الدعاء فإنه من مكنون العلم، واكتموه إلا من أهله، وليس من أهله المنافقون والمكذبون والجاحدون، وهو دعاء المباهلة تقول:

اللهم إني أسألك من بهائك بأبهاه وكل بهائك بهي، اللهم إني أسألك
ببهائك كله؛ اللهم إني أسألك من جمالك بأجمله وكل جمالك جميل،
اللهم إني أسألك بجمالك كله؛ اللهم إني أسألك من جلالك بأجله وكل
جلالك جليل، اللهم إني أسألك بجلالك كله؛ اللهم إني أسألك من
عظمتك بأعظمها وكل عظمتك عظيمة، اللهم إني أسألك بعظمتك كلها؛
اللهم إني أسألك من نورك بأنوره وكل نورك نير، اللهم إني أسألك بنورك
كله؛ اللهم إني أسألك من رحمتك بأوسعها وكل رحمتك واسعة، اللهم
إني أسألك برحمتك كلها؛ اللهم إني أسألك من كلماتك بأتمها وكل
كلماتك تامة، اللهم إني أسألك بكلماتك كلها؛ اللهم إني أسألك من
كمالك بأكملها وكل كمالك كامل، اللهم إني أسألك بكمالك كله؛ اللهم
إني أسألك من أسمائك بأكبرها وكل أسمائك كبيرة، اللهم إني أسألك
بأسمائك كلها؛ اللهم إني أسألك من عزتك بأعزها وكل عزتك عزيزة،
اللهم إني أسألك بعزتك كلها؛ اللهم إني أسألك من مشيتك بأمضاها وكل
مشيتك ماضية، اللهم إني أسألك بمشيتك كلها؛ اللهم إني أسألك من
قدرتك بالقُدرة التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مُستطيلة،
اللهم إني أسألك بقدرتك كلها؛ اللهم إني أسألك من علمك بأنفذه وكل
علمك نافذ، اللهم إني أسألك بعلمك كله؛ اللهم إني أسألك من قولك

١. في المصدر و بحار الأنوار: «دعوتهم» وهو تصحيف.

و امام باقر علیه السلام فرمود: "اگر قسم بخورم، راست گفته‌ام که اسم اعظم خداوند، در این دعاست. پس هر گاه دعا کردید، در دعا بکوشید؛ چرا که آن از دانش نهفته است و آن را جز از اهلش، از دیگران پنهان ندارید. منافقان، تکذیب‌کنندگان و منکران، از اهل آن نیستند و این، دعای مباحله است. چنین می‌گویید:

«خداوندا! من از تو درخواست می‌کنم، از جلوه‌های نورانیت، به برترین جلوه‌اش، در حالی که همه جلوه‌های تو نورانی است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه جلوه‌های نورانی‌ات.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از زیبایی‌هایت، به زیباترینش، در حالی که همه جمال تو زیباست. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه زیبایی‌ات. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از شکوه‌هایت، به شکوه‌مندترینش، در حالی که همه شکوه تو باشکوه است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه شکوهت. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از عظمت‌هایت، به بزرگ‌ترینش، در حالی که همه عظمت بزرگ است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه عظمت.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از فروغ‌هایت، به فروزان‌ترینش، در حالی که همه فروغ تو فروزان است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه فروغ.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، و از رحمت‌هایت، به گسترده‌ترینش، در حالی که همه رحمت گسترده است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه رحمت. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از سخنان، به کامل‌ترینش، در حالی که همه سخنان کامل است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه سخنان.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از کمال‌هایت به کامل‌ترینش، در حالی که همه کمال کامل است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه کمال.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از نام‌هایت، به بزرگ‌ترینش، در حالی که همه نام‌هایت بزرگ است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه نام‌هایت.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از عزت‌هایت به توانا‌ترینش، در حالی که همه عزت شکست‌ناپذیر است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه عزت.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از اراده‌هایت، به نافذترینش، در حالی که همه اراده‌ات نافذ است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه اراده‌ات.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به آن توانی که با آن بر هر چیز، احاطه یافتی، در حالی که همه توانت فراگیر است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه توانایی‌ات.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از دانش‌هایت به نافذترینش، در حالی که

بَارِضَاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٍّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 مِنْ مَسَائِلِكَ بِأَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَكُلُّ مَسَائِلِكَ إِلَيْكَ حَبِيبَةٌ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِمَسَائِلِكَ كُلِّهَا ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرِّكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرِّكَ شَرِيفٌ ،
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرِّكَ كُلِّهِ ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَكُلُّ
 سُلْطَانِكَ دَائِمٌ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
 مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَكُلُّ مُلْكِكَ فَاحِخٌ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوكَ بِأَعْلَاهُ وَكُلُّ عُلُوكَ عَالٍ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعُلُوكَ كُلِّهِ ؛
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ
 كُلِّهِ ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَكْرَمِهَا وَكُلُّ آيَاتِكَ كَرِيمَةٌ ، اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ وَالْجَبْرُوتِ ،
 وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَحَدَةٍ وَجَبْرُوتٍ وَحَدَا ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي
 بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ فَأَجِيبْنِي يَا اللَّهُ ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا .

وَتَذَكَّرُ حَاجَتَكَ ، فَإِنَّكَ تُعْطَاهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى»^١.

ب - دُعَاءُ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ

٥٠٤ . مصباح المتهجد عن أبي حمزة الثمالي^٢ : كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ
 - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا - يُصَلِّي عَامَّةَ اللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ، فَإِذَا كَانَ (فِي)
 السَّحَرِ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ :

إِلَهِي لَا تُؤْذِنِي بِعُقُوبَتِكَ ، وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ ، مِنْ أَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ

١ . الإقبال : ١ / ١٧٥ ، بحار الأنوار : ٩٨ / ٩٤ / ٢ .

٢ . ورواه في الإقبال بهذا السند : رويناه بإسنادنا إلى أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري بإسناده إلى الحسن بن محبوب الزرّاد عن أبي حمزة الثمالي .

همه دانشت نافذ است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه دانشت.
 خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از گفتارهایت، به پسندیده‌ترینش، در حالی
 که همه گفتارت پسندیده است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه گفتارت.
 خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از خواسته‌های برآمده در درگاهت، به
 محبوب‌ترین آنها در پیشگاهت، در حالی که همه آن خواسته‌ها نزد تو محبوب
 است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه خواسته‌های برآمده در درگاهت.
 خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از شرافت‌هایت، به شریف‌ترینش، در حالی
 که همه شرافتت شریف است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه شرافتت.
 خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از فرمان‌روایی‌هایت به مانا‌ترینش، در حالی
 که همه فرمان‌روایی‌ات ماناست. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه
 فرمان‌روایی‌ات.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از پادشاهی‌هایت، به والاترینش، در حالی
 که همه پادشاهی تو والا است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه پادشاهی‌ات.
 خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از والایی‌هایت به بلندمرتبه‌ترینش، در حالی
 که همه والایی تو بلندمرتبه است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه
 والایی‌ات.

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از احسان‌هایت، به کهن‌ترینش، در حالی که
 همه احسان تو دیرین است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه احسانت.
 خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، از آیات، به گرمی‌ترینش، در حالی که
 همه آیات گرمی است. خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به همه آیات.
 خداوندا! از تو درخواست می‌کنم، به آن جایگاه و شکوهی که در آنی، و از تو
 درخواست می‌کنم، به هر جایگاهی به تنهایی، و به هر شکوهی به تنهایی. خداوندا!
 از تو درخواست می‌کنم، به آنچه وقتی تو را به آن بخوانم، جوابم می‌دهی.
 پس خداوندا! دعایم را اجابت کن و با من چنین و چنان کن.
 حاجت خود را یاد می‌کنی، این شاء الله برآورده می‌شود.

ب - دعای ابو حمزه ثمالی

۵۰۴. مصباح‌المتجهّد - به نقل از ابو حمزه ثمالی - : امام سجّاد علیه السلام در ماه رمضان،
 همه شب را نماز می‌خواند و چون سحر می‌شد، این دعا را می‌خواند:
 «خدایا! مرا با کيفرت ادب نکن و با عقوبت غافلگیرکننده‌ات، به من نیرنگ

يَا رَبِّ وَلَا يَوْجُدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ ، وَمِنْ أَيْنَ لِيَ النِّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ ،
لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَغْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ
وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ - حَتَّى يَنْقَطِعَ
النَّفْسُ - بِكَ ^١ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ ، وَلَوْلَا أَنْتَ
لَمْ أُدْرِ مَا أَنْتَ .

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي ، وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي
لِي حَاجَتِي .

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو ^٢ غَيْرَهُ ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي
دُعَائِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو ^٣ غَيْرَهُ ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ
رَجَائِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ
فَيُهَيِّنُونِي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي ، فَزَبَّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي .
اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُسْرَعَةً ، وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ
مُنْرَعَةً ، وَالِاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمْلَكَ مُبَاحَةً ، وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ
لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً ، وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِينَ ^٤ بِمَوْضِعِ إِبْجَايَةٍ وَلِلْمَلْهُوفِينَ
بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ ، وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضًا مِنْ مَنَعَ

١. لفظة «بك» ليست في المصدر وأثبتناها من المصادر الأخرى .

٢. في الإقبال والمصباح للكفعمي والبلد الأمين : «أدعوه ولا أدعو غيره» .

٣. في الإقبال والمصباح للكفعمي والبلد الأمين : «أرجوه ولا أرجو غيره» .

٤. في المصدر : «للراحي» ، وما أثبتناه من المصادر الأخرى ، إذ هو المناسب للسياق .

مزن. پروردگارا! برایم از کجا خیر تواند بود، با آن که جز از پیش تو یافت نمی‌شود؛ و برایم از کجا رهایی خواهد بود، با آن که جز به یاری‌ات، در توان نیست؟ نه آن که نیکی کند، از یاری و رحمت بی‌نیاز است و نه آن که بدی کند و بر تو گستاخ شود و تو را ناخرسند سازد، از قلمرو قدرتت بیرون. ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من!...».

بگویند تا آن که نفس قطع شود.

«تو را با تو شناختم و تو خود، مرا بر خودت راهنمایی کردی و به سویت خواندی و اگر تو نبودی، نمی‌دانستم که تو چیستی.

سپاس، خدایی را که او را می‌خوانم، پس جوابم می‌دهد، هر چند وقتی مرا می‌خواند، گاهلم.

سپاس، خدایی را که از او می‌خواهم، پس عطایم می‌کند، هر چند وقتی از من وام می‌خواهد، بخیلیم.

سپاس، خدایی را که هر گاه بخواهم، برای نیازم او را می‌خوانم و هر گاه بخواهم، برای راز و نیازم با او خلوت می‌کنم، بدون هیچ واسطه‌ای. او نیز حاجتم را برمی‌آورد.

سپاس، خدایی را که جز او را نمی‌خوانم، و اگر جز او را بخوانم، دعایم را اجابت نمی‌کند.

سپاس، خدایی را که جز به او امید ندارم، و اگر جز به او امید بندم، امیدم را ناامید می‌کند.

سپاس، خدایی را که مرا به خودش وا گذاشت. پس گرامی‌ام داشت و مرا به مردم وا نگذاشت تا خوارم سازند.

سپاس، خدایی را که با من اظهار دوستی کرد، با آن که او از من، بی‌نیاز است.

سپاس، خدایی را که نسبت به [گناهان] من بردباری می‌ورزد، چنان که گویی مرا گناهی نیست. پس، پروردگارم، پیش من ستوده‌ترین چیز و شایسته‌ترین کس به ستایش من است.

خداوندا! من راه‌های نیازخواهی را به سوی تو باز می‌بینم و چشمه‌های امید به درگاهت را پُر آب می‌یابم و یاری جستن از احسان تو را برای امیدواران، به تو روا می‌بینم و درهای دعا به پیشگاهت را برای فریادخواهان، گشوده می‌یابم؛ و می‌دانم که برای امیدواران، در جایگاه اجابتی و برای

الباخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ ، وَأَنْ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ
الْمَسَافَةِ ، وَأَنْتَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ^١ دُونَكَ ،
وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي ، وَجَعَلْتُ بِكَ
اسْتِغْنَاءَتِي وَبِذُعَائِكَ تَوَسُّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي
وَلَا اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي ، بَلْ لِنَقْتِي بِكَرَمِكَ وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ
وَلَجَّئْتُ إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ ، وَيَقِينِي^٢ بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَلَّا رَبَّ لِي غَيْرُكَ ،
وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ .

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ : «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»^٣
«إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»^٤ ، وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ
وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ ، وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ
بِتَحْنُنٍ رَأْفَتِكَ .

إِلَهِي زَيَّنْتَنِي فِي نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَتَوَهَّتَ بِاسْمِي كَبِيرًا ، فَيَا
مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ ، وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى
عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ ، مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلَّتْنِي (دَلِيلِي) عَلَيْكَ ، وَحُبِّي لَكَ
شَفِيعِي إِلَيْكَ ، وَأَنَا وَائِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى
شَفَاعَتِكَ ، أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَحْرَسَهُ ذَنْبُهُ ، رَبِّ أَنَا جِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ
أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ ، أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا ، إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ
ذُنُوبِي فَرَعْتُ ، وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ ، فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرٌ رَاحِمٍ ، وَإِنْ
عَذَّبْتَ فَخَيْرٌ ظَالِمٍ ، حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِيْيَانِي مَا

١. في الإقبال : «الأعمال السيئة» .

٢. في المصدر : «نقتي» ، وما أثبتناه من المصادر الأخرى .

٣. إشارة إلى قوله تعالى : «وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» (النساء : ٣٢) .

٤. إشارة إلى قوله تعالى : «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (النساء : ٢٩) .

پریشان‌خاطران، در کمینِ فریادرسی، و [می‌دانم که] در نالیدن به درگاه جود تو و خرسندی از تقدیر تو، بهترین عوض از بخلِ بخیلان است و وسعت و بی‌نیازی از آنچه در دست دنیا طلبان است و [نیز می‌دانم] آن که به سوی تو کوچ کند، راهش نزدیک است و تو خود را از بندگانت نمی‌پوشانی، مگر آن که کارهای بدِ آنان، حجابی میان آنان و تو گردد. من خواسته‌ام را به درگاه تو آورده‌ام و نیازم را نزد تو باز می‌گویم و پناهجویی‌ام را به نزد تو و وسیله‌جویی‌ام را با دعا به آستان تو قرار داده‌ام، بی آن که شایسته آن باشم که از من بشنوی و یا از من درگذری؛ بلکه از آن رو که به بزرگواری‌ات اطمینان دارم و به درستی وعده‌ات دل آرامم و به ایمان به یگانگی‌ات پناه برده‌ام و یقین دارم که مرا چنان می‌شناسی که پروردگاری جز تو و معبودی غیر از تو ندارم، که تو یگانه بی‌شریکی.

خداوندا! تو فرموده‌ای و سخنت حق و وعده‌ات راست است که: «از فضل (احسان) خدا بخواهید»^۱ «همانا خداوند به شما مهربان است»^۲ و از صفات تو - ای سرور من - آن نیست که به خواستن، فرمان دهی، ولی عطا نکنی، در حالی که تو با بخشش‌هایت، به اهل مملکت خویش نعمت‌دهنده‌ای و با رأفت و مهربانی‌ات، به آنان عنایت داری.

خداوندا! مرا از کوچکی، در دامان نعمت و احسانت پروراندی و در بزرگی هم بلندآوازه‌ام کردی. پس، ای آن که در دنیا با نیکی و احسان و نعمت‌هایش مرا پرورد و در آخرت به بخشایش و بزرگواری‌اش اشارتم فرموده‌ای مولای من! معرفتم، راهنمای من بر توست و محبت‌م به تو، واسطه من به درگاهت است و من به راهنمایی تو، به این راهنمایم اطمینان دارم و به شفاعت تو، به شفیع خود دل‌گرمم.

سرورم! تو را با زبانی می‌خوانم که گناهش، آن را لال کرده است و با قلبی با تو نجوا می‌کنم که جرمش، او را به هلاکت افکنده است.

پروردگارا! تو را می‌خوانم، بیمناک و مشتاق، و امیدوار و ترسان. مولای من! چون به گناهانم می‌نگرم، وحشت‌زده می‌نالم و چون بر کرم‌ت چشم می‌دوزم، امیدوار می‌شوم. پس اگر ببخشایی، بهترین مهربانی و اگر عذاب کنی، ستم نکرده‌ای.

۱. اشاره است به آیه ۲۹ سوره نساء.

۲. اشاره است به آیه ۳۲ سوره نساء.

تَكَرَّهُ: جودُكَ وَكَرَمُكَ ، وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قِلَّةِ حَيَاتِي : رَأْفَتُكَ
وَرَحْمَتُكَ ، وَقَدْ رَجَوْتُ أَلَّا تُغَيِّبَ بَيْنَ دَيْنٍ وَدَيْنٍ مُنَيَّتِي ، فَحَقَّقْ رَجَائِي^١
وَاسْمَعْ دُعَائِي^٢ يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ ، عَظُمَ يَا سَيِّدِي
أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي ، فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ
عَمَلِي ، فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ ، وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ
الْمُقْصِرِينَ ، وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ ، مُنْتَجِزٌ
(مُتَنَجِّزٌ) مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا ، وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا
خَطَرِي ، هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ ، أَيُّ رَبِّ جَلَّلَنِي بِسِتْرِكَ
وَأَعَفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ ، فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَيَّ ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا
فَعَلْتُهُ ، وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لِأَحْتَبَبْتُهُ ، لَا لِأَنَّكَ أَهْوَى النَّاطِرِينَ إِلَيَّ
وَأَخَفُ الْمُطَّلَعِينَ عَلَيَّ ، بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّائِرِينَ وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ
وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ ، سَتَارُ الْعُيُوبِ عَقَارُ الذُّنُوبِ عَلَامُ الْغُيُوبِ ، تَسْتُرُ الذَّنْبَ
بِكَرَمِكَ وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ
وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ ، وَيَحْمِلُنِي وَيُجَرِّئُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ
عَنِّي ، وَيَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ سِتْرُكَ عَلَيَّ ، وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوُئْبِ عَلَيَّ
مَحَارِمُكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ .

يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ ، يَا
عَظِيمَ الْمَنْ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ ، أَيْنَ سِتْرُكَ الْجَمِيلُ؟ أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ؟ أَيْنَ
فَرْجُكَ الْقَرِيبُ؟ أَيْنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ؟ أَيْنَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ؟ أَيْنَ عَطَايَاكَ
الْفَاضِلَةُ؟ أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ؟ أَيْنَ صَنَائِعُكَ السَّيِّئَةُ؟ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ؟

١. في الإقبال: «فصل على محمد وآل محمد وحقق رجائي...».

٢. في الإقبال: «ندائي».

خدایا! حجت من در گستاخی ام بر خواستن از تو، با این که آنچه را نمی‌پسندی، انجام داده‌ام، بخشش و کرم توسست و پشتوانه‌ام در سختی خویش با وجود بی‌شرمی‌ام، رأفت و مهربانی توسست. امید بسته‌ام که بین اینها، ناامیدم نمی‌کنی. پس، امیدم را برآور و دعایم را بشنو، ای بهترین کسی که نیایشگر، او را می‌خواند و برترین کسی که امیدوار، به او امید می‌بندد!

سرورم! آرزویم بزرگ، ولی کردارم زشت است؛ از بخشایش خود به اندازه آرزویم عطا کن و مرا به بدترین کارم مؤاخذه نکن. تو بزرگوarter از آنی که گنهکاران را کیفر دهی و بردبارتر از آنی که کوتاهی‌کنندگان را مجازات کنی.

سرورم! به احسانت پناهنده‌ام و از تو به سوی خودت می‌گریزم و وعده‌گذشتی را که به خوش‌بینان به خویش داده‌ای، حتمی می‌دانم. پروردگارا! مگر من کیستم و چه اهمیتی دارم؟ به احسانت مرا ببخشای و به گذشتت بر من منت گذار. پروردگارا! با پوششت مرا بپوشان و با ذات بزرگوarter از سرزنشم درگذر. اگر امروز، کسی جز تو بر گناه من آگاه می‌شد، انجامش نمی‌دادم و اگر از کیفر امروزت بیم داشتم، از آن پرهیز می‌کردم، [البته] نه آن که پیش من بی‌مقدارترین بینندگان یا ناچیزترین مطلقان از من باشی؛ بلکه چون تو - ای پروردگار - بهترین پوشانندگان و دادگرترین داوران و بزرگوarterترین بزرگوarterانی؛ [و] عیب‌پوش و خطابخش و غیب‌دانی؛ [و] با کرم‌ت گناه را می‌پوشی و با بردباری‌ات، کیفر را به تأخیر می‌افکنی. پس، تو را سپاس بر بردباری‌ات پس از دانستنت، و بر گذشتت پس از قدرتت. بردباری‌ات به من، برگناه، گستاخم می‌کند و عیب‌پوشی‌ات بر من، به بی‌شرمی‌ام می‌کشانند و شناختی که از رحمت گسترده و گذشت بزرگ تو دارم، مرا در روی آوردن به گناهان، شتاب می‌بخشد.

ای بردبار، ای بزرگوarter، ای زنده‌پابرجا، ای آمرزنده‌گناه، ای پذیرنده‌توبه، ای بزرگ‌منت و ای دیرین‌احسان! کجاست پوشش زیبایت؟ کجاست گذشت بزرگت؟ کجاست گشایش نزدیکت؟ کجاست پناه دادن سریع؟ کجاست رحمت گسترده‌ات؟ کجاست بخشش‌های فراوانت؟ کجاست عطا‌های گوارایت؟ کجاست رفتارهای ارجمندت؟ کجاست فضل بزرگ و منت عظیم و احسان دیرینت؟ کرم‌ت کجاست، ای کریم؟ با کرم‌ت، نجاتم بخش و با رحمتت، رهایم کن!

ای احسان‌کننده، ای زیباکردار، ای نعمت‌بخش و ای صاحب احسان! در نجات از کیفرت، به اعمال خود تکیه نمی‌کنیم؛ بلکه به احسانت بر ما، دل بسته‌ایم؛ چرا که تو اهل تقوا و اهل آمرزشی. از روی نعمت، آغازگر احسانی و

أَيْنَ مَنَّاكَ الْجَسِيمُ؟ أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمُ^١؟ أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ؟ بِهِ^٢
فَاسْتَنْقِذْنِي وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي .

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ ، لَسْنَا نَتَّكِلُ^٣ فِي النِّجَاةِ مِنْ
عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا ، بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ،
تُبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا ، فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ ، أَجْمِلُ
مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ؟ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ وَأَوَلَيْتَ؟ أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ
وَعَاقَيْتَ؟ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ ، وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَازَ بِكَ وَانْقَطَعَ
إِلَيْكَ ، أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيءُونَ ، فَتَجَاوَزَ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحٍ مَا عِنْدَنَا
بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ ، وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ ، أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلُ
مِنْ أَنْاتِكَ ، وَمَا قَدَرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمَتِكَ ، وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا تُقَابِلُ
بِهَا كَرَمَكَ ، بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ ، يَا وَاسِعَ
الْمَغْفِرَةِ ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ ، فَوَعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي مَا
بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ ، وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ ، تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ ،
وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ .

لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ ، وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ ، وَلَا تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ ،
وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ ، لَكَ الْخَلْقُ
وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ .

يَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ مَنْ لَازَ بِكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَأَلْفَ إِحْسَانِكَ

١. ليس في الإقبال من «أين صنائعك» إلى «إحسانك القديم» .

٢. في نسخة: «به وبمحمد وآل محمد» .

٣. في المصدر: «لست أتكل» ، وما في المتن أثبتناه من بعض النسخ الخطية للمصدر ، وكذلك في الإقبال .

از روی کَرَم، بخشاینده گناه. نمی دانیم چگونه سپاست گوئیم و کدام نعمت را شکر کنیم: آیا بر آن زیبایی ای که می گستری؟ یا بر آن زشتی ای که می پوشانی؟ یا بر آن بلاها و امتحان های بزرگی که آسان ساختی؟ و یا آن سختی های بسیاری که از آنها نجات و عافیت بخشیدی؟

ای دوست آن که به درگاهت مهر ورزدا ای نور چشم آن که به تو پناه آورد و از دیگران بگسلد! تو نیکوکاری و ما بدکاریم. پس، پروردگارا! به زیبایی لطف و کَرمت، از زشتی گناهمان درگذرا

پروردگارا! کدام نابخردی است که بخشش تو نتواند آن را فرا گیرد؟ یا کدام زمان، بلندمدت تر از تحمل توست؟ و اندازه کارهای ما در کنار نعمت های تو چیست؟ و چگونه کارهای زشتان را در مقابل بزرگواری ات، زیاد بشماریم؟ بلکه چگونه مجال بر گنهکاران، تنگ می شود، با آن رحمت گسترده تو که آنان را فرا گرفته است؟

ای گسترده آمرزش، ای گشاده دست به رحمت! به عزت سوگند - ای سرورم - اگر مرا برانی، از درگاهت نروم و از التماس به تو دست بردارم؛ چرا که تو را با جود و کَرَم می شناسم. تو آنچه را بخواهی، می کنی؛ و هر که را هر گونه بخواهی، عذاب می کنی؛ و هر که را به هر سبب که بخواهی، هر گونه که بخواهی، رحم می کنی.

در کار تو، چون و چرا نیست و در فرمان روایی ات کسی مخالف نیست. در فرمانت، بی شریکی و در حکومت، بی رقیبی و در تدبیرت، کسی بر تو ایراد نمی گیرد. آفرینش و فرمان، برای توست. خجسته است خداوند، پروردگار جهانیان.

پروردگارا! این، جایگاه کسی است که به تو روی آورده و به آستان کَرمت پناهنده شده و همدم احسان و نعمت های توست. تو، آن بخشنده ای هستی

وَنِعْمَتِكَ ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ ، وَقَدْ تَوَقَّعْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ ، أَفْتَرَاكَ يَا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَيِّبُ آمَالَنَا؟ كَلَّا يَا كَرِيمُ لَيْسَ هَذَا ظُنُّنَا بِكَ وَلَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا ، يَا رَبِّ ، إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا ، إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا ، عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا ، فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا ، وَلَكِنَّ عِلْمَكَ فِيْنَا وَعِلْمُنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ (حَتُّنَا عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ)^١ وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ ، فَاْمُنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُتَحَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ ، يَا غَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا ، وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا ، وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ، ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ إِلَيْكَ ، تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَتُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ ، خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ ، وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالْ مَلَكُكَ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِآلَائِكَ ، فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئًا وَمُعِيدًا ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَفِعَالُكَ ، أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي ، فَالْعَفْوُ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي .

اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ ، وَأَعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ وَأَجْرْنَا مِنْ عَذَابِكَ ، وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ ، وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ ، وَارْزُقْنَا حَاجَّ نَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ ، وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ

که گذشت تو تنگ نمی شود و احسانت کاسته و رحمتت کم نمی گردد. ما به عفو دیرین تو و احسان بزرگ و رحمت گسترده ات، اطمینان داریم. پروردگارا! آیا ممکن است بر خلاف گمانمان با ما رفتار کنی و یا آرزوهایمان را بر نیاوری؟ هرگز، ای بزرگوار! نه گمان ما به تو این گونه است و نه انتظار ما از تو، چنین. پروردگارا! ما به درگاهت آرزویی طولانی و بسیار و بزرگ داریم. نافرمانی ات کرده ایم؛ لیک امید آن داریم که بر ما بپوشانی. تو را خوانده ایم و امید استجابت داریم. مولای ما! امیدمان را برآور، که می دانیم با کارهایمان مستحق چه کیفری هستیم؛ لیکن این که به ما آگاهی و این که می دانیم روی رحمت از ما بر نمی گردانی، ما را بر آن داشته که به درگاهت رغبت کنیم، هر چند شایسته رحمت نباشیم؛ اما تو شایسته آنی که بر ما و گناهکاران، با احسان گسترده ات، بخشش کنی. پس، آن گونه که تو شایسته آنی، بر ما منت بگذار و بر ما ببخش، که ما نیازمند احسان تویم.

ای آمرزنده! به فروغ تو، راه یافته ایم و به احسان تو، بی نیاز شده ایم و صبح و شام ما، همدم نعمت توست. گناهانمان پیش روی توست؛ از آنها به درگاهت آمرزش می طلبیم و توبه می کنیم. تو با نعمت ها، به ما محبت می کنی و ما با گناهان، با تو مخالفت می کنیم. نیکی تو بر ما فرود می آید؛ ولی بدی ما به سویت بالا می رود. همیشه فرشته ای بزرگوار، از ما کار زشت به حضورت می آورد؛ اما این، سبب نمی شود که نعمت ها و نیکی های ما را از ما دریغ بداری. پس، منزهی تو، از آغاز تا انجام. چه بردبار و بزرگ و کریم بوده ای و هستی! نام های مقدس، ستایش بزرگ، و نعمت ها و کارهای بزرگوارانه بوده است. خدایا! احسان و بردباری ات، گسترده تر و بزرگ تر از آن است که آن را با رفتار و خطای من مقایسه کنی. پس سرورم، سرورم، سرورم! ببخشای، ببخشای!

خداوند! ما را به یاد خودت مشغول دار و از خشم و عذابت پناهمان ده و از نعمت های روزی مان بخش و از احسان خود بر ما نعمت بده و حج خانه ات و زیارت قبر پیامبرت را - که درود و رحمت و آمرزش و رضوان تو بر او و خاندانش باد - روزی مان کن. همانا تو نزدیک و شنوایی؛ و به ما عمل به فرمانبری ات را روزی کن و ما را بر آیین خود و سنت پیامبرت ﷺ بمیران!

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

اللَّهُمَّ اغْفِرْ^١ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ، اجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ عُفْرَانًا ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ ، وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا ، شَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ، ذَكِّرْنَا وَأُنْثَانَا ، صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا ، حُرَّنَا وَمَمْلُوكِنَا ، كَذِبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي ، وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً ، وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا خَلَالًا طَيِّبًا ، اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي بِكِلَافَتِكَ ، وَارْزُقْنِي حَاجَّ نَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ^٢ ، وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ .

اللَّهُمَّ ثُبِّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَعْصِيكَ وَأَلْهِمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ ، وَخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي^٣ كَلَّمَا قُلْتُ : قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ ، أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ ، وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ ، مَا لِي كَلَّمَا قُلْتُ : قَدْ صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي وَقَرَّبْتُ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي ، عَرَضْتَ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ .

١. في الإقبال: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ...» .

٢. زاد في المصباح للكفعمي والبلد الأمين: «والأئمة (عليهم السلام)» .

٣. في الإقبال: «إلهي ما لي» بدل «اللَّهُمَّ إِنِّي» .

خداوندا! مرا و پدر و مادرم را بیمارز و رحمتشان کن، آن گونه که در خُردی، تربیتم کردند. آنان را در مقابل نیکی، پاداش نیک و در مقابل گناهان، آمرزش عطا کن. خداوندا! مردان و زنان مؤمن، زندگان و مردگان را بیمارز و در نیکی‌ها میان ما و آنان پیونده بده. خدایا! زنده و مرده ما را، حاضر و غایب ما را، مرد و زن ما را، کوچک و بزرگ ما را و آزاد و برده ما را ببخشای. آنان که از خدا برگشتند، دروغ گفتند و بسیار گمراه شدند و به خسارتی آشکار دچار گشتند.

خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و کار مرا با نیکی به پایان ببر و درباره آنچه (از کار دنیا و آخرتم) مرا پریشان خاطر کرده، کفایت کن و آن که را بر من رحم نمی‌کند، بر من چیره مگردان و از پیش خود، برایم نگه‌دارنده و باقی‌دارنده قرار بده، و نعمت‌های شایسته‌ای را که به من داده‌ای، از من مگیر، و از فضل خویش، مرا روزی گسترده و حلال و پاکیزه، عطا کن. خداوندا! با نگاهبانی‌ات، مرا نگهبان باش و با نیروی نگه‌دارنده‌ات، مرا نگه دار و با حمایت، مرا در پناه خود بگیر و حج خانه با حرمت خودت و زیارت قبر پیامبرت را امسال و هر سال، روزی‌ام گردان و مرا از آن حرم‌های با شرافت و جاهای با کرامت، دور مگردان.

خداوندا! توفیق توبه‌ام ده تا نافرمانی‌ات نکنم، و نیکی و عمل به نیکی را به من الهام کن و خشیت خودت را در شب و روز، تا زنده‌ام، ارزانی‌ام دار، ای پروردگار جهانیان!

خداوندا! من هر چه پیش خود گفتم که: «آماده و مهیا شدم و برای نماز و مناجات در پیشگاهت ایستادم»، [ولی] هنگام نمازم بر من حالت خواب انداختی و توفیق مناجات را هنگام مناجاتم از من گرفتی. مرا چه شده که هر گاه گفته‌ام: «دروغم پاک و شایسته شده است و به مجالس توبه‌کاران راه یافته‌ام»، باز هم بلایی برایم پیش آمده، گامم را لغزنده و مرا از خدمت باز داشته است؟

سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ
رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ
فَقَلَيْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ
رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ
فَحَذَلْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ
رَأَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَتَبَنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ
تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي ، أَوْ لَعَلَّكَ
بِقِلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَاوَزْتَنِي ، فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ
قَبْلِي ؛ لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ (مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ ، وَحِلْمِكَ يَكْبُرُ
عَنْ) ^١ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ ، وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ ، مُتَنَجِّزٌ
(مُتَنَجِّزٌ) مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا .

إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِعَقْلِي ، أَوْ أَنْ
تَسْتَرْلَنِي بِخَطِيئَتِي ، وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطَرِي ؟ ! هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي ،
وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلَلْنِي بِسِتْرِكَ ، وَاعْفُ عَنِ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ .
سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ ، وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ ، وَأَنَا الضَّالُّ
الَّذِي هَدَيْتَهُ ، وَ (أَنَا) الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ ، وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ ،
وَالْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ ، وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ ، وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ
وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ ، وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ ، وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ ،
وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ ، وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ ، وَالْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ
وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقْلَنْتَهُ ، وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ ، وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي

١ . ما بين القوسين أثبتناه من الإقبال .

سرور! شاید مرا از درگاهت رانده و از خدمتت دورم کرده‌ای! یا شاید چون دیده‌ای حقّت را سبک می‌شمارم، دورم ساخته‌ای! یا شاید چون دیده‌ای که از تو روی‌گردانم، بر من غضب کرده‌ای! یا شاید چون مرا در زمره دروغگویان یافته‌ای، ردّم کرده‌ای! یا شاید چون نسبت به نعمت‌هایت ناسپاسم دیده‌ای، محرومم ساخته‌ای! یا شاید چون مرا در مجالس عالمان نیافته‌ای، مرا وا گذاشته‌ای! یا شاید چون مرا در جمع غافلان دیده‌ای، از رحمتت نومیدم کرده‌ای! یا شاید چون دیده‌ای که همدم مجالس اهل باطم، مرا با همانان وا گذاشته‌ای! یا شاید چون دوست نداشتی دعایم را بشنوی، دورم کرده‌ای! یا شاید مرا به جرم و خطایم کیفر داده‌ای! و یا شاید مرا به بی‌شرمی‌ام مجازات کرده‌ای!

پروردگارا! پس اگر درگذری، چه بسیار گنه‌کارانی که پیش از من از آنان درگذشته‌ای؛ چرا که کَرمت - ای پروردگار - بالاتر از آن است که بندگان مقصّر را کیفر دهی. من پناهنده به فضل تو ام [و] از تو به سوی تو گریزانم [و] وعده‌ای را که داده‌ای که از هر که به تو خوش‌گمان باشد، درمی‌گذری، حتمی می‌دانم. خدایا! احسان تو گسترده‌تر، و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که مرا با عملم بسنجی، یا به خطایم خوارم گردانی، و مگر - ای سرورم - من چیستم و چه اهمیتی دارم؟ مرا - ای مولای من - به فضل خویش ببخشای و با گذشت خود بر من، منّت بگذار و با خطاپوشی‌ات، مرا بپوشان و با ذات بزرگواریت، از سرزنشم درگذر.

سرورم! منم آن کوچکی که تربیتش کردی. منم آن نادانی که علمش آموختی. منم آن گم‌راهی که هدایتش کردی. منم آن پستی که رفعم دادی. منم آن ترسانی که آرامش ساختی و گرسنه‌ای که سیرش کردی و تشنه‌ای که سیرابش ساختی و عریانی که جامه‌اش پوشاندی و تنگ‌دستی که بی‌نیازش کردی و ناتوانی که نیرومندش ساختی و خواری که عزّتش بخشیدی و بیماری که شفایش دادی و خواهانی که عطایش کردی و گنه‌کاری که گناهش را پوشاندی و خطاکاری که از او درگذشتی. منم آن اندکی که فزونش کردی و ناتوانی که یاری‌اش کزدی و رانده‌ای که پناهش دادی.

نَصْرَتُهُ ، وَأَنَا الطَّرِيدُ^١ الَّذِي آوَيْتَهُ^٢ .

أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرَاقِبَكَ فِي الْمَلَاءِ ، أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى ، أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى ، أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ ، أَنَا الَّذِي أُعْطِيتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرُّشَا ، أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْمَى ، أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ ، وَسَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ ، وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ ، وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ ، فَبِحِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي وَبِسِرِّكَ سَتَرْتَنِي ، حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي ، وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي .

إِلَهِي لَمْ أَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاوِدٌ ، وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ ، وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ ، وَلَا لِعَوِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ ، لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَغَلَبَتْني هَوَايَ وَأَعَانَتْني عَلَيْهَا شِقْوَتِي ، وَغَرَّنِي سِرُّكَ الْمُرْحَى عَلَيَّ ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي ، قَالَآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي؟ وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ عَدَاً مَنْ يُخَلِّصُنِي؟ وَبِحَبْلِ مَنْ أُتَصِّلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي؟ فَوَا سَوَاْنَا عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ ، وَنَهْيِكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنْطَطُ عِنْدَمَا أَتَذَكَّرُهَا ، يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ .

اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ ، وَبِحُبِّ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ ، فَلَا تَوْحِشْ اسْتِنَاسَ إِيْمَانِي ، وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ ، فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسِّيْتِهِمْ لِيُحَقِّنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ فَأَدْرَكُوا مَا

١ . فِي الْمَصْبَاحِ لِلْكَفَعَمِي : «الشَّرِيدُ» .

٢ . زَادَ فِي الْإِقْبَالِ هُنَا : «فَلَكَ الْحَمْدُ» .

پروردگارا! منم آن که در نهان، از تو شرم نکردم و در آشکار، تو را مراقب نبودم. منم صاحب مصیبت‌های بزرگ. منم آن که بر سرور خود، گستاخی کردم. منم آن که خدای جبارِ آسمان را نافرمانی کردم. منم آن که بر گناهان بزرگ، رشوه دادم. منم آن که چون مژده گناه بزرگ به من دادند، شتابان به سویش رفتم. منم آن که مهلتم دادی؛ اما از گناه برنگشتم، و بر من پرده افکندی؛ اما شرم نکردم و نافرمانی‌ها کردم و از حد گذشتم، و مرا از چشم خود انداختی؛ ولی باز هم اعتنا نکردم. پس با بردباری‌ات، مهلتم دادی و با پرده‌پوشی‌ات مرا پوشاندی، تا آن جا که گویی از من غافل شده‌ای و مرا از کیفرهای گناهانم دور داشته‌ای، تا آن جا که گویا تو از من شرم کرده‌ای.

خدایا! آن گاه که نافرمانی‌ات کردم، نه پروردگاری‌ات را منکر بودم و نه فرمانت را سبک می‌شمردم و نه خود را در معرض کیفرت قرار می‌دادم و نه وعیدهای تو را نادیده می‌انگاشتم؛ بلکه گناهی بود که پیش آمد. نفس [آماره] من نیز آن را بر من مشتبه ساخت و هوسم بر من چیره شد. بدبختی‌ام هم به یاری‌اش آمد و پرده‌پوشی‌ات بر من نیز مغرورم ساخت. پس با اختیار و تلاش خودم، تو را نافرمانی و مخالفت کردم. پس، اینک کیست که از عذابت نجاتم دهد؟ و فردای قیامت، چه کسی از دست دشمنان، رهایم سازد؟ اگر تو ریسمان رحمتت را از من بگسلی، به ریسمان چه کس آویزم؟ پس، وای بر من از کردار زشتم، که کتاب تو آن را بر من به شمار آورده است! اگر آمیدی که به کرم و رحمت گسترده‌ات دارم، نبود و تو نهی نکرده بودی که ناامید نباشم، وقتی گناهانم را یاد می‌کردم، مأیوس می‌شدم، ای بهترین کسی که هر نیایشگر او را خوانده است و [ای] برترین کسی که هر امیدواری به او امید بسته است! خداوندا! به سبب پیمان اسلام به تو تو تسل می‌جویم و به احترام قرآن، بر تو تکیه می‌کنم و با عشقی که به پیامبر اُمّی قُرشی هاشمی عربی تَهامی مکی مدنی دارم، امیدوارم که در پیشگاهت مقرب شوم. پس انس مرا به سبب ایمانم، به وحشت، مبدّل مکن و پاداش مرا، پاداش آن که جز تو را پرستید، قرار مده؛ چرا که گروهی برای حفظ جانشان، به زبان، ایمان آوردند و به

أَمْلُوا ، وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِأَلْسِنَتِنَا وَقُلُوبِنَا لِنَعْفُو عَنْكَ فَأَدِرْكُنَا مَا أَمَلْنَا ، وَتَبَّتْ رَجَاءُكَ فِي صُدُورِنَا ، وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ، فَوَعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بِابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أُلْهِمَ قَلْبِي^١ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ ، إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ ، وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِيُ الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ .

إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ ، وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ ، وَذَلَّلْتَ عَلَيَّ فَضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ ، وَأَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ وَحُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ ، مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ ، وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي ، أَنَا لَا أَنْسَى أَبَادَتَكَ عِنْدِي وَسِتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا .

سَيِّدِي^٢ أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي ، اجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، وَانْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ الثَّوْبَةِ إِلَيْكَ ، وَأَعِزَّنِي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمْرِي ، وَقَدْ نَزَلْتُ مَنَزِلَةَ الْآيسِينَ مِنْ خَيْرِي ، فَكَيْفَ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي^٣ ، لَمْ أَقْهَدُهُ لِرَقْدَتِي وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي ، وَمَا لِي لَا أَبْكِي وَمَا أُدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَقْصِرِي ، وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَايِلُنِي؟ وَقَدْ خَفَقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ ، فَمَا لِي لَا أَبْكِي؟! أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي ، أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي ، أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي ، أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ ، أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي غُرْبَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلَى

١. زاد في الإقبال هنا: «يا سيدي».

٢. زاد في الإقبال هنا: «صل على محمد وآل محمد».

٣. في الإقبال والمصباح للكفعمي: «إلى قبر».

خواسته‌شان رسیدند، و ما با زبان‌ها و دل‌هایمان به تو ایمان آورده‌ایم تا از ما درگذری. پس، ما را به خواسته‌هایمان برسان و امیدت را در سینه‌هایمان استوار بدار و پس از آن که هدایتمان کردی، دل‌هایمان را به گم‌راهی میفکن و ما را از پیش خودت رحمتی بخش، که همانا تویی بخشنده!

پس به عزّت سوگند، اگر مرا برانی، از درگاهت نمی‌روم و دست از تملّق به آستانت برنمی‌دارم؛ چرا که کُرم و رحمت گسترده‌ات، بر دلم الهام شده است. بنده، جز به درگاه مولایش کجا می‌رود؟ و آفریده، جز به آستان آفریدگارش کجا پناه می‌برد؟

خدایا! اگر مرا به بندها و زنجیرها بکشی و از میان همه، مرا از رحمت محروم کنی و چشم بندگانت را به رسوایی‌هایم باز کنی و فرمان دهی که به آتشم افکنند و میان من و نیکان، جدایی اندازی، امیدم را از تو نمی‌گسلم و آرزوی بخشش را از تو برنمی‌گردانم و محبتت، از دلم بیرون نمی‌رود. من، هرگز نعمت‌هایت را در حق خودم از یاد نمی‌برم و آنچه را در سرای دنیا بر من پوشاندی، فراموش نمی‌کنم.

سرور من! محبت دنیا را از دلم بیرون کن و میان من و محمد مصطفی ﷺ (که برگزیده تو از میان آفریدگانت، و خاتم پیامبرانت است) و خاندانش، جمع کن و مرا به رتبه توبه در درگاهت منتقل ساز و یاری‌ام کن تا بر خویش بگیریم؛ چرا که عمرم را با تأخیر انداختن‌ها و آرزوها تباه کردم و به جایگاه ناامیدان از خیر خویش، فرود آمده‌ام. اگر مرا با همین حال به گورم ببرند، چه کسی بدحال‌تر از من است، که نه آن را آماده آرمیدم ساختم و نه آن را با عمل صالح، برای خوابیدنم فرش کرده‌ام؟ چرا نگیریم، در حالی که نمی‌دانم سرنوشتم چه خواهد شد؟ نفس من با من نیرنگ می‌کند و روزگارم با من خدعه می‌ورزد و عقاب مرگ بر بالینم بال و پر می‌زند. پس چرا نگیریم؟!

می‌گیریم برای جان‌کندنم، می‌گیریم برای تاریکی گورم، می‌گیریم برای تنگی قبرم، می‌گیریم برای سؤال نکیر و منکر از من، می‌گیریم بر این که عریان و خوار، با بار سنگین گناهان بر دوش، از گورم بیرون می‌آیم، که گاهی به راست

ظَهري ، أَنْظُرْ مَرَّةً عَن يَمِينِي وَأُخْرَى عَن شِمَالِي ، إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ
شَأْنِي ، لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ، وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ
مُسْتَبْشِرَةٌ ، وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَذَلَّةٌ ، سَيِّدِي عَلَيْكَ
مُعَوَّلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي ، وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي ، تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ
مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِنَ
الشَّرِّ قَلْبِي ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي ، أَفِيلِسَانِي هَذَا الْكَالَ
أَشْكُرُكَ؟ أَمْ بِغَايَةِ جَهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ؟ وَمَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي
جَنْبِ شُكْرِكَ وَمَا قَدَرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ .

إِلَهِي^١ إِنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي ، وَشُكْرَكَ قَبَّلَ عَمَلِي ، سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي
وإِلَيْكَ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي ، قَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي
عَلَّقْتُ هِمَّتِي^٢ وَفِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتِي ، وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي
وَخَوْفِي ، وَبِكَ أُنِسْتُ مَحَبَّتِي وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ يَدِي ، وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ
رَهْبَتِي .

مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي ، وَبِمُنَاجَاةِكَ بَرَّدَتْ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي ، فَيَا
مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي ، فَارْقَ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ
لُزُومِ طَاعَتِكَ ، فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقْدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ ، الَّذِي
أَوْجَبْتُهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ ، قَالَ أَمْرُ لَكَ وَحَدَّكَ ، وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ
عِيَالُكَ^٣ وَفِي قَبْضَتِكَ ، وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكَتَ يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ .

١ . في الإقبال والمصباح للكفعمي : «اللَّهُمَّ فَلَكَ ...» .

٢ . في الإقبال والمصباح للكفعمي والبلد الأمين : «إِلَّا» بدل «إِلَهِي» .

٣ . في بعض نسخ المصدر الخطيَّة والمصادر الأخرى : «عَكَفْتُ» بدل «عَلَّقْتُ» .

٤ . في الإقبال : «عِبَادُكَ» بدل «عِيَالُكَ» .

می‌نگرم و گاهی به چپ، در حالی که هر کس در حالتی است غیر از حالت من.
هر کس از آنان را آن روز، کاری است که او را بس است. آن روز، چهره‌هایی
سفید و خندان و شادمان‌اند و چهره‌هایی غبارآلود و خوار و ذلیل.

سرورم! تکیه‌گاه و اعتماد و امید و توکلم بر توست و به رحمت و وابسته‌ام.
رحمتت را به هر کس خواهی، می‌رسانی و به بزرگواری‌ات هر که را خواهی،
هدایت می‌کنی. تو را سپاس، که دلم را از شرک، پاک ساختی و تو را شکر، که
زبانم را گشودی. آیا با این زبان گنگ، سپاست گویم، یا با نهایت تلاش در
کارم، خشنودت سازم؟ مگر - پروردگارا - اندازه‌ی زبانم در کنار شکر تو چه قدر
است و کارم در برابر نعمت‌ها و احسانت بر من، چه ارزشی دارد؟

خدایا! بخشنندگی‌ات، آرزویم را گسترده، و سپاس‌گزاری‌ات کارم را پذیرفته
است. سرور! شوق و رغبت و آرزومندی‌ام، به توست. آرزویم، مرا به سوی تو
می‌کشاند و - ای یکتا پروردگارم - همتم به تو وابسته است و شوقم به پاداشی
که نزد توست، بال‌گشوده است. امید و هراس خالصانه‌ام، برای توست و
محببت، با تو انس گرفته است. دستم را به درگاه رحمتت، و هراسم را به رشته
طاعتت آویخته‌ام.

مولای من! دلم زنده به یاد توست و با مناجات به درگاهت، رنج هراس را از
خویش آرام ساخته‌ام. پس، ای مولای من، ای امید من، و ای نهایت
خواسته‌ام! میان من و گناه، که مرا از اطاعت پیوسته باز داشته، جدایی
افکن! خواست من از تو، به خاطر این است که امید دیرینم به تو، و آرزوی
بزرگم از توست - که آن را بر خویش حتمی کرده‌ای، از سرِ رأفت و رحمت - .
فرمان، تنها از آن توست و مردم، همه نانخوران تو و در قبضه‌ی اراده‌ی تو هستند
و همه چیز، فرمان‌بردار توست. خجسته‌ای، ای پروردگار جهانیان!

إِلَهِي ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي ، وَكُلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ
سُؤَالِكَ إِتَايَ لُبِّي ، فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اسْتَدَّتْ فَاقَتِي ،
وَلَا تَرُدَّنِي لِجَهْلِي ، وَلَا تَمْتَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي ، أَعْطِنِي لِفَقْرِي وَارْحَمْنِي
لِضَعْفِي ، سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي ، وَبِرَحْمَتِكَ
تَعَلَّقِي وَبِفَنَائِكَ أُحْطُ رَحْلِي ، وَلِجُودِكَ أَقْصِدُ طَلِبَتِي ، وَبِكَرَمِكَ أَيُّ رَبِّ
أَسْتَفْتِيحُ دُعَائِي ، وَلَدَيْكَ أَرْجُو غِنَى^١ فَاقَتِي ، وَبِغِنَاكَ أَجْبِرُ عَيْلَتِي ،
وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي ، وَإِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي ، وَإِلَى
مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي ، فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي ، وَلَا تُسَكِّنِي
الْهَوَايَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي ، يَا سَيِّدِي لَا تُكَذِّبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ ،
فَإِنَّكَ نِقْتِي^٢ وَلَا تَحْرِمْ نِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي .

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي ، فَقَدْ جَعَلْتُ
الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي وَسَائِلَ عَمَلِي^٣ .

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ^٤ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي
الْحُكْمِ . إِرْحَمْ^٥ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي ، وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي ، وَفِي الْقَبْرِ
وَحْدَتِي ، وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلِّي
مَوْقِفِي ، وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ الْآدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي ، وَأَدِمْ لِي مَا بِهِ
سَتَرْتَنِي ، وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي ، وَتَفْضُلِ
عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسِلِ يُقَلِّبُنِي^٦ صَالِحُ جِبَرَتِي ، وَتَحَنُّنُ عَلَيَّ مَحْمُولاً

١. ليس في المصباح للكفعمي والبلد الأمين: «غنى»، وفي الإقبال: «سدَّ فاقتي وبعنایتك أجبر عيلتي».

٢. زاد في الإقبال هنا: «ورجائي».

٣. في البلد الأمين: «عملي».

٤. زاد في المصباح للكفعمي هنا: «بالعفو».

٥. في المصباح للكفعمي: «اللَّهُمَّ ارحم».

٦. في الإقبال والمصباح للكفعمي والبلد الأمين: «يغسلني» بدل «يقلبني».

خدایا! مرا رحم کن، آن گاه که دلیلم قطع می‌شود و زبانم از پاسخ دادن به تو باز می‌ماند و هوش و خردم - آن گاه که از من سؤال می‌کنی - به اضطراب می‌افتد. پس، ای امید بزرگم! آن گاه که نیازم شدت می‌یابد، محرومم مکن و به نادانی‌ام ردم منما و به خاطر کم‌صبری‌ام محرومم مگردان! چون نیازمندم، عطایم کن و چون ناتوانم، رحمم کن!

سرور! تکیه‌گاه و اعتماد و امید و توکل‌م بر توست و دل‌بستگی‌ام به رحمت توست. به درگاه احسانت، بار می‌افکنم و خواسته‌ام را از آستان جود تو می‌طلبم و دعایم را - پروردگارا - به گرم تو باز می‌گشایم و رفع نیازم را از پیشگاه تو امیدوارم و ناداری خود را با توانگری تو جبران می‌کنم. زیر سایه بخشایشت ایستاده‌ام و نگاهم را به آستان جود و کرم‌ت دوخته‌ام و چشمم پیوسته به لطف و احسان توست. پس، مرا که به تو امید بسته‌ام، به آتش مسوزان و در دوزخم جای نده؛ چرا که تو فروغ دیدگان منی. ای سرور! گمان نیکویی را که به احسانت دارم، دروغ مگردان، که تو تکیه‌گاه منی؛ و از پاداش خود محرومم مساز، که نیازم را می‌شناسی!

خدایا! اگر زمان مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نساخته است، اعتراف به گناه خود را اسباب عذرخواهی‌ام قرار داده‌ام.

خدایا! اگر عفو کنی، از تو شایسته‌تر کیست؟ و اگر کیفر دهی، از تو دادگستر در داوری کیست؟

[خدایا!، رحم کن در این دنیا به غربتم، و هنگام مرگ به غم و حسرت‌م! و در قبر به تنهایی و وحشت‌م! و هنگامی که برای حساب زنده می‌شوم در پیشگاهت به وقوف ذلیلانه‌ام! و آنچه را (از کارم) بر آدمیان پوشیده است، بیامرز و پوشش خود را بر خطایم ادامه بده و مرا رحم کن، آن گاه که بر بستر مرگ افتاده‌ام و دست‌های دوستانم مرا می‌گردانند! بر من لطف کن، آن گاه که مرا بر سنگ غسل خوابانده‌اند و همسایگان خویم مرا به چپ و راست می‌چرخانند! و بر من احسان کن، آن دم که مرا با تابوت برمی‌دارند و خویشاوندان، اطراف جنازه‌ام

قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِي ، وَجَدَ عَلَيَّ مَنَقُولًا قَدْ نَزَلَتْ بِكَ
وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي ، وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي حَتَّى
لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ ، يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ ، سَيِّدِي فَيَمَنْ
أَسْتَغِيثُ إِنْ لَمْ تُقِلْنِي عَثْرَتِي؟ فَالَى مَنْ أَفْرَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي
ضَجْعَتِي؟ وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِئُ إِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتِي؟ سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي
إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي؟ وَفَضْلَ مَنْ أُوْمَلُّ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي؟ وَإِلَى مَنْ
الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي؟ سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ .

إِلَهِي حَقِّقْ رَجَائِي وَآمِنْ خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا
عَفْوَكَ ، سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ التَّغْفِيرَةِ
فَاغْفِرْ لِي ، وَالْبِسْنِي مِنْ نَظَرِكَ ثَوْبًا يُعْطِي عَلَيَّ التَّسْبِيعَاتِ وَتَغْفِرُهَا لِي
وَلَا أُطَالِبُ بِهَا ، إِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٍ وَصَفِيحٍ عَظِيمٍ وَتَجَاوِزٍ كَرِيمٍ .

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ شَيْئَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ وَعَلَى الْجَاحِدِينَ
بِرُبُوبِيَّتِكَ ، فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَيَقِنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ؟
تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ، سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَقَامَتُهُ الْخَصَاصَةُ
بَيْنَ يَدَيْكَ ، يَفْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ وَيَسْتَغْطِفُ جَمِيلَ نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ
رَجَائِهِ، فَلَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ ، فَقَدْ دَعَوْتُكَ
بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنَا أَرْجُو أَلَّا تَرُدَّنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ ، إِلَهِي أَنْتَ
الَّذِي لَا يُحْفِيكَ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ؛ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَقَوْلًا صَادِقًا وَأَجْرًا
عَظِيمًا ، أَسْأَلُكَ يَا رَبَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ ، أَسْأَلُكَ
اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ

را می گیرند! و بر من کَرم کن، آن گاه که در گورم تنها به حضورت می آیم! در آن خانه نو بر غریبتم ترحم کن، تا جز به تو انس نگیرم!

سرور! اگر مرا به خودم وا گذاری، تباه می شوم. سرورم! اگر گناهم را نیامرزی، به که پناه برم و اگر عنایتت را در آرامگاهم از دست بدهم، به چه کسی روی آورم و اگر گرفتاری ام را برطرف نسازی، به که پناهنده شوم؟

سرورم! من، که را دارم و کیست که بر من رحم کند، اگر تو بر من ترحم نکنی؟ و به احسان که آرزو بندم، اگر هنگام نیازم، از احسان تو محروم گردم؟ و اگر اَجَلَم فرا رسد، از گناهانم به سوی چه کسی بگریزم؟ سرورم! عذابم مکن، در حالی که به تو امیدوارم.

خدایا! امیدم را برآور و هراسم را ایمنی بخش؛ چرا که درباره گناهان فراوانم، جز به عفو تو امید ندارم!

سرورم! من از تو، چیزی را طلب می کنم که سزاوار آن نیستم و تو، اهل تقوا و آمرزشی. پس مرا بیامرز و از نگاه کریمانهات، جامه ای بر من بپوشان که پیامدهای گناهم را بر من بپوشاند و [بدین ترتیب،] آنها را ببخشایی و به خاطر آنها مؤاخذه نشوم! همانا تو صاحب احسان دیرین و گذشت بزرگ و چشم پوشی کریمانه ای.

خدایا! تو آن کریمی هستی که با پروردگاریات، احسان خویش را حتی بر آنان که از تو درخواست نمی کنند و بر آنان که انکارت می کنند، سرازیر می کنی. پس، با آن که دست نیاز به درگاهت دارد و یقین دارد که عالم آفرینش، برای تو و امور، به سوی توست، چگونه خواهی بود؟ خجسته و والا گشته ای، ای پروردگار جهانیان!

سرورم! بندهات به درگاه توست [و] نیاز، او را در آستان قرار داده است. با دعایش، در رحمتت را می کوبد و با امید درونی اش، چشم به عنایت و توجه زیبای تو دوخته است. پس، چهره کریمانهات را از من بر مگردان و آنچه را می گویم، از من بپذیر! من تو را با این دعا خوانده ام و امیدوارم که رَدَم نمی کنی؛ چرا که به رأفت و مهربانیات آشنایم. خدایا! تو آنی که هیچ پُرسنده ای، به ستوهت نمی آورد و هیچ بخششی، از تو نمی کاهد. تو، آن گونه ای که خود می گویی و برتر از آنی که ما می گوئیم.

خداوند! از تو صبری نیکو، گشایشی نزدیک، گفتاری صادقانه و پاداشی بزرگ می طلبم. پروردگار! از تو از همه نیکی ها می خواهم: آنچه می دانم و آنچه نمی دانم. پروردگار! از تو بهترین چیزهایی را که بندگان شایستهات از تو

أعطني ، أعطني سُؤلي في نفسي وأهلي ووالدي وأهل حُرَاتِي
وَإِخْوَانِي فِيكَ ، وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأُظْهِرْ مُرُوتِي وَأُصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي ،
وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمرُهُ وَحَسُنَتْ عَمَلُهُ ، وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعَمَتَكَ
وَرَضِيتَ عَنْهُ ، وَأَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأُسْبَغِ الْكَرَامَةَ وَأَتَمِّ
الْعَيْشَ ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ .

اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ ، وَلَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي
آثَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْراً وَلَا بَطْراً وَاجْعَلْنِي لَكَ
مِنَ الْخَاشِعِينَ .

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ ، وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي
الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمُقَامِ فِي نِعَمِكَ عِنْدِي ، وَالصَّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ
فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ
نَصِيباً فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ
مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ ، مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُبْرِسُهَا وَيَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ
تَنْقَبِلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا ، وَارْزُقْنِي حَاجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا
وَفِي كُلِّ عَامٍ ، وَارْزُقْنِي رِزْقاً وَاسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ ، وَاصْرِفْ عَنِّي يَا
سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ ، وَاقْضِ عَنِّي الدِّينَ وَالظُّلُمَاتِ حَتَّى لَا أَتَأَذَى بِشَيْءٍ مِنْهُ ،
وَخُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَأَبْصَارٍ أَعْدَائِي وَحُسَادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَانصُرْنِي
عَلَيْهِمْ ، وَأَقِرَّ عَيْنِي وَفَرِّحْ قَلْبِي ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجاً
وَمَخْرَجاً ، وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ ،
وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي ، وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ

می طلبند، می خواهیم.

ای بهترین درخواست شونده، ای بخشنده ترین عطا بخش! خواسته ام را درباره خودم، خانواده ام، پدر و مادرم، فرزندانم، خاندانم و برادران دینی ام، برآور؛ زندگی ام را سرشار و جوان مردی ام را آشکار کن؛ همه احوالم را سامان بخش؛ مرا از آنانی قرار ده که عمرشان را طولانی، و کارشان را نیکو ساخته ای و نعمت را بر آنان کامل گردانده ای و از آنان خرسندی و آنان را با زندگی پاک و مداوم ترین مسرت و سرشارترین کرامت و کامل ترین زندگانی، حیات بخشیده ای! تو آنچه را خواهی، انجام می دهی و آنچه جز تو بخواهد، انجام نمی گیرد.

خداوندا! مرا از سوی خودت به یاد ویژه ات، مخصوص گردان و آنچه را با آن، در لحظات شب و ساعات روز، به درگاهت تقرب می جویم، برای ریا و نامجویی و از روی برتری طلبی و بی خیالی، قرار مده و مرا از خاشعان درگاهت قرار بده!

خداوندا! مرا گشایش در روزی، امنیت در وطن، روشنایی چشم در مورد خانواده و مال و فرزند، پایداری نعمت های نزد من، درستی در انجام دادن کارها، نیرومندی در بدن و سلامت در دین عطا کن؛ و تا مرا عمر می دهی، مرا در خدمت اطاعت خودت و فرستاده ات محمد ﷺ، به کار گیر و مرا از بهره مندترین بندگانت قرار بده، در بهره بردن از هر خیری که در ماه رمضان در شب قدر و در طول سال، نازل کرده و می کنی، و از هر رحمتی که می گسترانی و عافیتی که می پوشانی و بلایی که برمی گردانی و حسناتی که قبول می کنی و گناهانی که می بخشایی؛ و زیارت خانه خودت را امسال و همه سال روزی ام کن و از رحمت گسترده ات، روزی گسترده عطایم کن!

سرورم! بدی ها را از من برگردان؛ وام ها و حقوق مردم را از جانب من ادا کن تا به هیچ یک از آنها آزرده نشوم؛ گوش ها و چشم های دشمنانم و حسودان به من و ستمگران بر من را به روی من ببند و مرا بر آنان یاری کن؛ چشمم را فروغ بخش؛ دلم را شاد گردان؛ برایم از اندوه و رنجم، گشایش و رهایی قرار بده؛ هر که را از همه آفریدگانت نسبت به من قصد بدی دارد، زیر پاهایم [تحت سلطه ام] قرار ده؛ شر شیطان، شر حکومت و بدی های عملم را از من کفایت کن؛ از همه گناهان، پاکم کن؛ با عفو خویش، از آتشم نگه دار و با رحمت

كُلُّهَا ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي مِنَ
الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ ، وَالْحَقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ
وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَيْسَ طَالِبَتْنِي بِذُنُوبِي لِأَطَالِبَتِكَ
بِعَفْوِكَ ، وَلَيْسَ طَالِبَتْنِي بِلُؤْمِي لِأَطَالِبَتِكَ بِكَرَمِكَ ، وَلَيْسَ أَدْخَلَتْنِي النَّارَ
لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ .

إِلَهِي وَسَيِّدِي إِنْ كُنْتُ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَالْيَ مَنْ يَفْرَعُ
الْمُذْنِبُونَ؟ وَإِنْ كُنْتُ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَيَمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسِئُونَ؟
إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ عَدُوُّكَ ، وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ
فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيُّكَ ، وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ
سُرُورِ عَدُوِّكَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْدِيقًا لَكَ
وَإِيمَانًا بِكَ وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، حَبِّبْ إِلَيَّ
لِقَاءَكَ وَأَحْبِبْ لِقَائِي ، وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ .

اللَّهُمَّ الْحَقْنِي بِصَالِحٍ مَنِ مَضَى وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ ، وَخُذْ بِي
سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ ،
وَاخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ ، وَأَعِزَّنِي عَلَى
صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي ، وَتَبَتَّنِي يَا رَبِّ وَلَا تُرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَقْذَنْتَنِي مِنْهُ يَا
رَبَّ الْعَالَمِينَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ ، أَحِبِّي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ
وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ ، وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَأَبْرِئْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ

خویش به بهشتم درآور؛ به فضل خویش، با حوریان بهشتی قرینم ساز و مرا به
دوستان شایسته‌ات، محمد و خاندان شایسته و پاکیزه و پاک و خوش - که
درود تو و رحمت خدا و برکاتش بر آنان باد - ملحق ساز!

خدایا و سرورا! به عزت و جلالت سوگند که اگر مرا به گناهانم بازخواست
کنی، تو را به بخشایش طلب می‌کنم، و اگر مرا به فرومایگی‌ام بازخواست
کنی، تو را به کزمت درخواست می‌کنم، و اگر مرا به آتش افکنی، به دوزخیان
خواهم گفت که دوست دارم.

خدایا و سرورا! اگر جز دوستان و مطیعان را نمی‌آمیزی، پس گنهکاران به
که روی آورند؟ و اگر جز اهل وفا را نمی‌نوازی، پس بدکاران به که پناهنده
شوند؟

خدایا! اگر مرا به آتش افکنی، شادمانی دشمنت در این است، و اگر به
بهشتم ببری، پیامبرت خرسند می‌شود، و من - به خدا سوگند - می‌دانم که
شادمانی پیامبرت را بیش از شادی دشمنت دوست داری.

خداوندا! از تو می‌خواهم که دلم را از محبت به تو و خشیت از خودت، از
تصدیق تو و ایمان به خودت، و از بیم از تو و اشتیاق به خودت بیاکنی.

ای شکوهمند باکرامت! دیدارت را محبوبم گردان و دیدارم را دوست بدار و
برایم در دیدار خودت، آسایش و گشایش و کرامت قرار بده!

خداوندا! مرا به گذشتگان شایسته ملحق ساز و از آیندگان شایسته قرار بده؛
مرا به راه صالحان بدار و مرا در غلبه بر نفس خود یاری کن، به آنچه صالحان را
برای غلبه بر نفسشان یاری می‌کنی؛ کارم را به بهترین صورت به پایان ببر و با
رحمت خویش پاداش عملم را بهشت قرار بده و مرا در به کارگیری شایسته
آنچه عطایم کردی، یاری کن؛ مرا - پروردگارا - ثابت قدم بدار و مرا به آن بدی
که از آن نجاتم دادی، بر مگردان، ای پروردگار جهانیان!

خداوندا! از تو ایمانی می‌خواهم که پایانی جز دیدارت نداشته باشد. تا مرا
زنده داشته‌ای، بر آن ایمان، زنده بدارم و چون می‌میرانی، بر آن بمیرانم و
چون مرا برانگیختی، بر آن برانگیز؛ و دلم را از ریا، تردید و آوازه‌خواهی در

وَالشُّكَّ وَالسُّمْعَةَ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصاً لَكَ .

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْماً فِي حُكْمِكَ وَفِقْهاً فِي عِلْمِكَ ،
وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعاً يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَيُبَيِّضُ وَجْهِي بِنُورِكَ
وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْما عِنْدَكَ ، وَتَوْفَّقْنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَقْلِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالغَفْلَةِ
وَالْقَسْوَةِ وَالذَّلَّةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ ، وَالْقَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ
مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ
وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي
وَعَلَى جَمِيعٍ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ .
اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا أَحَدٌ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً ، فَلَا تَجْعَلْ
نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ ، وَلَا تُرْدُنِي بِهَلَكَةٍ وَلَا تُرْدُنِي بِعَذَابٍ أَلِيمٍ .
اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعْلِ ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَخُطِّ وَزْرِي وَلَا تُذَكِّرْنِي
بِخَطِيئَتِي ، وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ
وَالْجَنَّةَ ، أَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ ، إِنِّي إِلَيْكَ
رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُو عَنْ ظَلَمْنَا ، وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا
فَاعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَى بِذَلِكَ مِنَّا ، وَأَمَرْتَنَا أَلَّا نُرَدَّ سَائِلاً عَنْ أَبْوَابِنَا وَقَدْ
جِئْتُكَ سَائِلاً فَلَا تُرْدُنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي ، وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَا
مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا وَنَحْنُ أَرْقَاؤُكَ فَأَعِيقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ .

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي ، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي ، إِلَيْكَ فَزَعْتُ وَبِكَ
اسْتَعَثْتُ وَلُذْتُ ، لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ

دینت، پیراسته کن تا کارم، خالص برای تو باشد!
خداوندا! مرا بصیرتی در دینت، فهمی در حکمت، ژرفنگری در دانشت،
دو سهم از رحمتت، و پرهیزی بازدارنده از نافرمانی‌ات، عطا کن و با نور
خویش، روسفیدم گردان و اشتیاقم را به آنچه نزد توست، قرار بده و مرا در
راحت و بر آیین پیامبرت ﷺ بمیران!

خداوندا! به درگاهت پناه می‌برم از: تنبلی، بی‌حالی، سستی، اندوه، ترس،
بخل، غفلت، سنگ‌دلی، خواری، بیچارگی، تنگ‌دستی، نیازمندی و از هر بلا
و از زشتی‌های آشکار و نهان. به تو پناه می‌برم از نفسی که قانع نمی‌شود،
شکمی که سیر نمی‌گردد، دلی که خشوع نمی‌یابد، دعایی که اجابت نمی‌شود و
عملی که سود نمی‌بخشد. و به تو - پروردگارا - از شیطان رانده‌شده پناه می‌برم
دربارهٔ خودم، دینم، مالم و همهٔ آنچه روزی‌ام کرده‌ای. همانا تویی تو شنوای
دانا.

خداوندا! جز تو، کسی مرا از قهرت پناه نمی‌دهد و جز تو، پشت و پناهی
نمی‌یابم. پس، مرا در هیچ عذابی قرار مده و مرا به سوی هلاکت، و مرا به
سوی عذاب دردناک، باز نگردان! *گویند مردم رسد*
خداوندا! از من پذیرا باش؛ یادم را بلند و رتبه‌ام را والا گردان؛ بار گناه‌ام را
فرو ریز؛ گناه‌ام را به یادم نینداز؛ پاداش نشستن و سخن گفتن و نیایشم را
رضای خود و بهشت قرار بده؛ و همهٔ آنچه را از تو خواستم و بیش از آن را
- پروردگارا - از احسان خویش عطایم کن! من مشتاق تو هستم، ای پروردگار
جهانیان!

خداوندا! در کتاب خویش، چنین نازل کرده‌ای که: از آن که بر ما ستم کرد،
درگذریم. ما به خود، ستم کرده‌ایم. پس، از ما درگذر، که تو بر این گذشت،
سزاوارتر از مایی؛ و ما را فرمان داده‌ای که نیازمندی را از در خود نرانیم. اینک
من، نیازمندانه، به درگاهت آمده‌ام. مرا جز با برآوردن حاجتم، بر نگردان؛ و ما
را به احسان به بردگانمان دستور داده‌ای. ما بردگان تویم. پس، ما را از آتش
دوزخ برهان!

ای پناهگاه من در هنگام رنج و بلایم! ای فریادرس من در هنگام
گرفتاری‌ام! به درگاه تو نالیدم و به آستان تو پناه آوردم و جز به درگاهت به

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَأَغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي ، يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ
الكَثِيرِ ، اقْبَلْ مِنِّي التَّسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ .
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي ، وَيَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي
إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي ، وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ^١ .

ج - دُعَاءُ إِدْرِيسَ ؑ

٥٠٥ . مصباح المتهجد: ويدعو أيضاً في السَّحَرِ بِدُعَاءِ إِدْرِيسَ ؑ ^٢ :

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ ، يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ الرَّفِيعِ فِي
جَلَالِهِ ، يَا اللَّهُ الْمُحْمَدُ فِي كُلِّ فِعَالِهِ ، يَا رَحْمَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَرَاحِمَهُ ، يَا حَيَّ
حِينَ لَا حَيَّ فِي دِيمُومَةٍ مُلْكِهِ وَبِقَائِهِ ، يَا قَتُومَ فَلَا يَفُوتُ شَيْئًا عِلْمُهُ
وَلَا يُوَوِّدُهُ ، يَا وَاحِدُ الْبَاقِي أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرُهُ ، يَا دَائِمُ بِغَيْرِ فَنَاءٍ
وَلَا زَوَالٍ لِمُلْكِهِ ، يَا صَبَدَأَ مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ وَلَا شَيْءَ كَمِثْلِهِ ، يَا بَارُّ وَلَا شَيْءَ
كُفُوهُ وَلَا مُدَانِيَّ لَوْصِفِهِ ، يَا كَبِيرُ أَنْتَ الَّذِي لَا تَهْتَدِي الْقُلُوبُ لِعَظَمَتِهِ ، يَا
بَارِي الْمُنْشِئِ بِلَا مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهِ ، يَا زَاكِي الطَّاهِرُ مِنْ كُلِّ آفَةٍ بِقُدْسِهِ ،
يَا كَافِي الْمَوْسِعِ لِمَا خَلَقَ مِنْ عَطَايَا فَضْلِهِ ، يَا نَقِيٍّ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ لَمْ يَرْضَهُ
وَلَمْ يُخَالِطْهُ فِعَالُهُ ، يَا حَنَّانُ الَّذِي وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ ، يَا مَنَّانُ ذَا
الْإِحْسَانِ قَدْ عَمَّ الْخَلَائِقَ مَنُّهُ ، يَا ذِيَّانَ الْعِبَادِ فَكُلُّ يَقُومُ خَاضِعاً لِرَهْبَتِهِ ، يَا
خَالِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَكُلُّ إِلَيْهِ مَعَادُهُ ، يَا رَحْمَانَ كُلِّ صَرِيخٍ
وَمَكْرُوبٍ وَغِيَاثُهُ وَمَعَادُهُ ، يَا بَارُّ فَلَا تَصِفُ الْأَلْسُنُ كُنَّةَ جَلَالِ مُلْكِهِ وَعِزِّهِ ،

١ . مصباح المتهجد: ٥٨٢/٦٩١ ، الإقبال: ١/١٥٧ ، المصباح للكفعمي: ٧٨١ ، البلد الأمين: ٢٠٥ . بحار الأنوار:

٢/٨٢/٩٨

٢ . وزاد في الإقبال: «ورأيت في إسناد هذا الدعاء أنه الذي رفعه الله - جلَّ جلاله - به إليه ، وأنه من أفضل الدعاء» ؛
وفي المصباح للكفعمي: «ثم ادع بدعاء إدريس ؑ وهو أربعون اسماً عدد أيام التوبة» .

دیگری پناه نمی‌برم و جز از تو، گشایش نمی‌طلبم. پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و پناهم ده و گرفتاری‌ام را بزدای!
ای آن که اندک را می‌پذیری و از گناه بسیار درمی‌گذری! اندکم را بپذیر و گناه فراوانم را ببخشای! همانا تو مهربان و آمرزنده‌ای.
خداوندا! از تو ایمانی می‌خواهم که دلم را همدم آن سازی و یقینی که بدانم جز آنچه برایم مقدر کرده‌ای، به من نخواهد رسید. مرا از زندگی به آنچه برایم سهم نهاده‌ای، خرسند ساز، ای مهربان‌ترین مهربانان!.

ج - دعای ادریس علیه السلام

۵۰۵. مصباح المتهجد: نیز در سحر، دعای ادریس علیه السلام^۱ را بخواند:

«پاک و منزهی تو. معبودی جز تو نیست. ای پروردگار و وارث هر چیز! ای خدای همه معبودها که در شکوهت، والایی! ای خداوندی که در همه کارهایت ستوده‌ای! ای بخشنده و بخشایشگر هر چیز! ای زنده، از آن زمان که زنده‌ای نبود، در ماندگاری فرمان‌روایی! ای برپای استواری که چیزی از علم تو بیرون نمی‌ماند و بر آن سنگینی نمی‌کند! ای یگانه باقی، در آغاز و انجام هر چیز! ای ماندگار بی‌فنا که ملک تو، بی‌زوال است! ای بی‌نیاز بی‌همتا که چیزی همانند تو نیست! ای نیکوکردار بی‌همانند که کسی هم‌وصف او نیست! ای بزرگ! تو آنی که دل‌ها به درک عظمت راه نمی‌یابند.

ای آفریدگار، که بی‌نمونه‌گیری از دیگری، پدیدآورنده است! ای منزّه پاک، که با قداست خود، از هر آفتی مبرا است! ای کفایت‌کننده‌ای که از بخشش‌های احسان خود، روزی مخلوقاتش را وسعت می‌بخشد! ای پاک از هر ستمی که خود، آن را نپسندیده و با کارهایش در نیامیخته است! ای مهربانی که رحمتش هر چیز را فرا گرفته است! ای عطابخش صاحب احسان که نیکی خود را بر همه بندگان گسترده است! ای جزادهنده بندگان که همه در برابر عظمتش خاکسارند! ای آفریدگار هر که در آسمان‌ها و زمین‌هاست و بازگشت همه به سوی اوست! ای رحم‌آورنده و پشت و پناه هر فریادگر و گرفتار! ای نیکوکرداری که هیچ زبانی را یارای وصف گنه شکوه فرمان‌روایی و عزتش نیست! ای

۱. در الإقبال نیز افزوده است: «در سند این دعا دیدم که این، همان دعایی است که خداوند، او را به سبب آن نزد خویش بالا برد و از بهترین دعاهاست». در المصباح کفعمی آمده است: «سپس دعای ادریس علیه السلام را بخوان، که چهل نام (به تعداد روزهای توبه) است».

يا مُبْدِيَ الْبَرَايا لَمْ يَبْغِ فِي إِنشَائِهَا أَعْوَاناً مِنْ خَلْقِهِ ، يا عَلَامَ الْغُيُوبِ
 فَلَا تَوُدُّهُ مِنْ شَيْءٍ حِفْظُهُ ، يا مُعِيداً ما أَفْنَاهُ^١ إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ
 مَخَافَتِهِ ، يا حَلِيمُ ذَا الْأَناءِ فَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ مِنْ خَلْقِهِ ، يا مَحْمُودَ الْفِعَالِ ذَا
 الْمَنْ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ ، يا عَزِيزُ الْمَنِيعِ الْغَالِبُ عَلَى أَمْرِهِ وَلَا شَيْءَ
 يَعْدِلُهُ ، يا قَاهِرُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ أَنْتَ الَّذِي لَا يُطَاقُ انْتِقَامُهُ ، يا مُتَعَالِي
 الْقَرِيبُ فِي عُلُوِّ ارْتِفَاعِ دُنُوهِ ، يا جَبَّارُ الْمَذَلِّ كُلِّ شَيْءٍ بِقَهْرِ عَزِيزِ
 سُلْطَانِهِ ، يا نَوَّارُ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ الَّذِي فَلَقَ الظُّلُمَاتِ نَوْرَهُ ، يا قُدُّوسُ
 الظَّاهِرِ مِنْ كُلِّ سَوْءٍ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ ، يا قَرِيبُ الْمُجِيبِ الْمُتَدَانِي دُونَ كُلِّ
 شَيْءٍ قُرْبُهُ ، يا عَالِي السَّامِخِ فِي السَّمَاءِ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عُلُوِّ ارْتِفَاعِهِ ، يا
 بَدِيعَ الْبَدَائِعِ وَمُعِيدَهَا بَعْدَ فَنَائِهَا بِقُدْرَتِهِ ، يا جَلِيلُ الْمُتَكَبِّرِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 فَالْعَدْلُ أَمْرُهُ وَالصَّدْقُ وَعْدُهُ ، يا مُجِيدُ فَلَا يَبْلُغُ الْأَوْهَامُ كُلَّ شَأْنِهِ وَمَجِيدِهِ ،
 يا كَرِيمَ الْعَفْوِ ذَا الْعَدْلِ أَنْتَ الَّذِي مَلَأَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْلُهُ ، يا عَظِيمُ ذَا الثَّنَاءِ
 الْفَاخِرِ وَالْعِزِّ وَالْكِبْرِيَاءِ فَلَا يَذُلُّ عِزُّهُ ، يا عَجِيبُ فَلَا تَنْطِقُ الْأَلْسُنُ بِكُلِّ
 آيَةٍ وَثَنَائِهِ .

أَسْأَلُكَ يَا مُعْتَمِدِي عِنْدَ كُلِّ كُرْبَةٍ وَغِيَاثِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ
 أَمَاناً مِنْ عُقُوبَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، (و) أَسْأَلُكَ أَنْ تَصْرِفَ عَنِّي بِهِنَّ كُلَّ
 سَوْءٍ وَمَخَوْفٍ وَمَحْذُورٍ ، وَتَصْرِفَ عَنِّي أَبْصَارَ الظَّالِمَةِ الْمُرِيدِينَ بِي
 السَّوْءَ الَّذِي نَهَيْتَ عَنْهُ مِنْ شَرٍّ مَا يُضْمِرُونَ إِلَى خَيْرٍ مَا لَا يَمْلِكُونَ وَلَا
 يَمْلِكُهُ غَيْرُكَ يَا كَرِيمُ .

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فَأَعْجِزَ عَنْهَا ، وَلَا إِلَى النَّاسِ فَيَظْفَرُوا بِي^٢ ،
 وَلَا تُحَيِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ وَلَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَدْعُوكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا

١ . في المصدر : «إِذَا أَفْنَى» ، والتصويب من الإقبال وبحار الأنوار ، وفي المصباح للكفعمي : «لما أفناه» .

٢ . في الإقبال : «فيرفضوني» بدل «فيظفروا بي» .

پدیدآورنده موجودات، که در آفرینش آنها در پی یاورانی از خلقش نبوده است! ای بسیار غیب‌دان، که حفظ هیچ چیزی او را خسته نمی‌سازد! ای بازآفریننده آنچه نابودش ساخته است، آن روز که همه آفریده‌ها از مهابت او در پاسخ دعوتش فراز آیند! ای بردبار شکیب، که هیچ چیزی از آفریدگانش، همتای او نیست! ای ستوده کردار صاحب نعمت بر همه مخلوقاتش از روی لطفش! ای قدرتمند بلندمرتبه چیره بر کارش، که هیچ چیزی با او برابر نیست! ای پرتوان نیرومند! تویی آن که کسی را تاب انتقامت نیست.

ای بزرگ‌مرتبه نزدیک که نزدیکی‌اش درجه‌ای والا دارد! ای صاحب قدرتی که با قدرت حکومت شکست‌ناپذیرش، هر چیز را در هم می‌شکند! ای فروغ هر چیز! تویی آن که فروغش ظلمت‌ها را دریده است.

ای منزّه پاک از هر بدی، که چیزی همتای او نیست! ای نزدیک اجابت‌کننده نزدیک‌شونده، که قرب او نزدیک‌تر از هر چیز است! ای والای بلندمرتبه در آسمان، که والایی رفعتش برتر از هر چیز است! ای آفریننده و بازآفریننده هر چیز پس از فنایش با قدرت خود! ای سرفراز والاتر از هر چیز، که فرمانش عدالت، و وعده‌اش راست است! ای شوکت‌مندی که اندیشه‌ها، به همه شأن و شکوه او نمی‌رسند! ای نیکوبخشایش صاحب عدالت! تویی آن که عدالتش هر چیز را آکنده است.

ای بزرگ صاحب ستایش والا و عزت و بزرگی، که عزتش در هم نمی‌شکند! ای شگفت، که زبان‌ها گویای همه نعمت‌ها و ستایش او نیستند! ای تکیه‌گاهم در هر گرفتاری، و پناهم در هر سختی! به حق این نام‌ها، ایمنی از کیفرهای دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم و به برکت این نام‌ها از تو می‌طلبم که هر بدی و بیمناکی و خطری را از من دور گردانی و چشم‌های ستمگرانی را که قصد سوء به من دارند و تو از آن نهی کرده‌ای، از من دور سازی و اندیشه‌های بد و پنهانی آنان را به خیری که نه آنان و نه جز تو، مالک آن است، بگردانی، ای بزرگوار!

خداوند! مرا به خودم وا مگذار که در نتیجه از او ناتوان گردم^۱ و نه به مردم و اگذار که بر من چیره شوند، و مرا ناکام مگردان، که به تو امیدوارم، و عذابم مکن، که تو را می‌خوانم!

خداوند! آن گونه که فرمانم داده‌ای، می‌خوانمت. پس، آن گونه که وعده‌ام

۱. سید ابن طاووس در پایان این دعا نوشته است: در این دعا آمده است «ولا تکلني إلى نفسي فاعجز عنها! مرا به خود وا مگذار که در نتیجه از آن ناتوان شوم. در حالی ظاهراً باید چنین باشد: «ولا تکلني إلى نفسي فتعجز عني؛ مرا به نفسم وا مگذار که در نتیجه از من ناتوان شوم. اما متن را چنین یافتیم.

أَمَرْتَنِي فَأَجِبْنِي كَمَا وَعَدْتَنِي . اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي مَا وَلِيَ أَجَلِي ،
اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّرْ جَسَدِي وَلَا تُرْسِلْ حَظِي وَلَا تُسَوِّ صَدِيقِي . أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُقْمٍ
مُضْرِعٍ وَفَقْرٍ مُدْقِعٍ وَمِنْ الذَّلِّ وَبُئْسَ الْخِلُّ . اللَّهُمَّ سَلِّ قَلْبِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ لَا
أَتَزَوَّدُهُ إِلَيْكَ ، وَلَا أُنْتَفِعُ بِهِ يَوْمَ الْفَاكِ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ ، ثُمَّ أَعْطِنِي قُوَّةَ
عَلَيْهِ وَعِزًّا وَقَنَاعَةً وَمَقْنَأً لَهُ وَرِضَاكَ فِيهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَطَايَاكَ الْجَزِيلَةِ ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مِثْنِكَ
الْمُتَوَاتِرَةِ الَّتِي بِهَا دَافَعْتَ عَنِّي مَكَارِهِ الْأُمُورِ ، وَبِهَا آتَيْتَنِي مَوَاهِبَ
السُّرُورِ مَعَ تَمَادِيٍّ فِي الْعَقْلَةِ وَمَا بَقِيَ فِيَّ مِنَ الْقِسْوَةِ ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنْ
فِعْلِي أَنْ عَفَوْتَ عَنِّي وَسَتَرْتَ ذَلِكَ عَلَيَّ وَسَوَّغْتَ لِي مَا فِي يَدِي مِنْ
نِعَمِكَ ، وَتَابَعْتَ عَلَيَّ إِحْسَانَكَ ، وَصَفَحْتَ لِي عَنْ قَبِيحٍ مَا أَفْضَيْتُ بِهِ
إِلَيْكَ ، وَانْتَهَكْتُهُ مِنْ مَعَاصِيكَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ يَحِقُّ عَلَيْكَ فِيهِ إِجَابَةُ الدُّعَاءِ إِذَا
دُعِيَ بِهِ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ ذِي حَقٍّ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ عَلَى جَمِيعٍ مَنِ هُوَ
دُونَكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى آلِهِ ، وَمَنْ أَرَادَنِي
بِسُوءٍ فَخُذْ بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ
شِمَالِهِ ، وَامْنَعُهُ مِنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ ، يَا مَنْ لَيْسَ مَعَهُ رَبٌّ يُدْعَى ، وَيَا مَنْ
لَيْسَ فَوْقَهُ خَالِقٌ يُخْشَى ، وَيَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ إِلَهٌ يُتَّقَى ، وَيَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ
يُؤْتَى ، وَيَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى ، وَيَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَتَّابٌ يُنَادَى ،
وَيَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا وَعَلَى تَتَابُعِ الذُّنُوبِ إِلَّا
مَغْفِرَةً وَعَفْوًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ إِنَّكَ أَهْلُ
التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ .^١

١ . مصباح المتعبد: ٦٠١/٦٩٣ ، الإقبال: ١/١٨٠ ، المصباح للكفعمي: ٨٠٠ ، البلد الأمين: ٢١٦ ، بحار الأنوار:

داده‌ای، پاسخم ده!

خداوندا! بهترین قسمتِ عمرم را آن قسمتی قرار بده که نزدیک اَجَلَم باشد!
خداوندا! بدنم را دگرگون مساز؛ بهره‌ام را وا مگذار؛ دوستم را بد مکن! به تو
پناه می‌برم از: بیماریِ خوارکننده و فقری که خاک‌نشین سازد و از: خواری و
همنشین بد.

خداوندا! دلم را از هر چه ره‌توشه‌ام به سوی تو نیست و از هر حلال و
حرامی که در روز دیدار تو سودم نمی‌بخشد، رها ساز و مرا بر آن توانا گردان و
نسبت به آن، عزّت و قناعتم بخش و در نظرم نکوهیده دار و خشنودی‌ات را در
آن، روزی‌ام گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان!

خداوندا! تو را سپاس بر بخشش‌های فراوانت؛ تو را سپاس بر نعمت‌های
پیای‌ات که ناخوشایندی‌کارها را با آنها از من دور کردی و موهبت‌های
شادی‌آفرین را با آنها به من دادی، با این که پیوسته در غفلت و برخوردار از
قساوت بودم؛ ولی این گونه کارهایم مانع نشد که مرا ببخشایی و بر من
خطاپوشی کنی و نعمت‌هایت را در دستانم قرار دهی و احسانت را بر من ادامه
دهی و از کارهای زشتی که در حضورت انجام داده‌ام و با نافرمانی‌ات حریمت را
شکسته‌ام، درگذری.

خداوندا! تو را به هر اسمی که داری، همان که اگر با آن بخوانندت، سزاوار
است که دعا را اجابت کنی، می‌خوانمت، و تو را به حق هر که بر تو حقی دارد و
به حقی که تو بر هر کس جز خویش داری، می‌خوانمت که بر بنده و فرستاده‌ات
محمد و خاندانش درود فرستی و هر کس به من قصد بدی داشت، گوش و
چشمش را و از پیش او و پشت سر و راست و چپش او را بگیری و با توان و
قدرت او را [از آسیب‌رسانی] باز داری.

ای که با او پروردگاری نیست که بخوانندش! ای که فراتر از او آفریدگاری
نیست که از او بترسند! ای که فروتر از او معبودی نیست که از او پروا کنند! ای
که وزیری ندارد تا به سراغش بروند! ای که واسطه‌ای ندارد تا رشوه‌اش دهند!
ای که درباری ندارد که صدایش کنند! ای که با عطای بسیار، جز هر گِرم و
جودش نیفزاید و بر گناهان پیوسته، جز آمرزش و گذشتش، افزون نگردد! بر
محمد و خاندانش درود فرست و با من، آن کن که تو شایسته‌ای! همانا تو
سزاوار تقوا و شایسته‌آمرزشی.»

د - دُعَاءُ «يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي»

٥٠٦ . مصباح المتهجد: ويدعو أيضاً في السَّحَرِ بهذا الدُّعَاءِ :

يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي ، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي ، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي ،
وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي ، أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي وَالْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ
عَثْرَتِي ، فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خُشُوعَ الْإِيمَانِ قَبْلَ خُشُوعِ الذَّلِّ فِي النَّارِ ، يَا وَاحِدُ يَا
أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ، يَا مَنْ يُعْطِي
مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً ، وَيَبْتَدِئُ بِالْخَيْرِ مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ
وَكَرَمًا ، يَكْرِمُكَ الدَّائِمُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ، وَهَبْ لِي رَحْمَةً
وَاسِعَةً جَامِعَةً أَبْلُغُ بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِمَا ثُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ
خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَن ظُلْمِي وَجُرْمِي بِحِلْمِكَ
وَجُودِكَ يَا كَرِيمُ ، يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْقُذُ نَائِلُهُ ، يَا مَنْ عَلَا فَلَاشِيءٌ
فَوْقَهُ وَدَنَا فَلَاشِيءٌ دُونَهُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي يَا فَالِقَ
الْبَحْرِ لِمُوسَى ، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ ، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ .

اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ ، وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ ، وَلِسَانِي مِنَ الْكَذِبِ ،
وَعَيْنِي مِنَ الْخِيَانَةِ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورِ .

يَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ ، هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ ،
هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَغِيثِ بِكَ مِنَ النَّارِ ، هَذَا مَقَامُ الْهَارِبِ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ ، هَذَا
مَقَامُ مَنْ يَبُوءُ لَكَ بِخَطِيئَتِهِ وَيَعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ وَيَتَوْبُ إِلَى رَبِّهِ ، هَذَا مَقَامُ
الْبَائِسِ الْفَقِيرِ ، هَذَا مَقَامُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ ، هَذَا مَقَامُ الْمَحْزُونِ

د - دعای «یا عُدَّتِی فی کُرْبَتِی»

۵۰۶. مصباح المتعجد: نیز در سحر، این دعا را بخواند:

«ای پشتوانه من در پریشانی‌ام! ای همراه من در سختی‌ام! ای سرپرست من در برخورداری‌ام! ای منتهای اشتیاقم! تویی پوشاننده عیبم و ایمنی‌بخش هراسم و درگذرنده از خطایم. پس، گناهم را بیامرزا

خداوندا! از تو فروتنی ایمان را پیش از خواری و ذلت آتش، می‌طلبم. ای یگانه! ای یکتا! ای بی‌نیاز! ای آن که نزاده است و زاده کسی نیست و هیچ همتایی ندارد! ای آن که از روی مهربانی و رحمت خویش، به هر که از او بخواهد، عطا می‌کند و از روی فضل و بزرگواری، هر که را هم که از او درخواست نکند، بی‌تقاضا عطایش می‌کند! به حق کرم دایمت، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا رحمتی گسترده و فراگیر ببخش که با آن به خیر دنیا و آخرت برسم!

خداوندا! از تو به خاطر گناهی که از آن به درگاهت توبه کردم، ولی باز انجامش دادم، آمرزش می‌طلبم و از تو به خاطر هر نیکی که خواستم خالصانه انجامش دهم، ولی نیت‌های غیر خدایی به آن آمیخت، آمرزش می‌خواهم. خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و - ای بزرگوار - به خاطر بردباری و بخششت، از ستم و جرمم درگذرا!

ای آن که خواهانش ناکام نشود و برخوردار از نعمتش، بی‌بهره نماند! ای آن که برتری یافت؛ پس، چیزی برتر از او نیست! ای آن که نزدیک شد؛ پس، چیزی نزدیک‌تر از او نیست! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر من رحمت آور - ای شکافنده دریا برای موسی - همین امشب، همین امشب، همین امشب، همین ساعت، همین ساعت، همین ساعت!

خداوندا! دلم را از نفاق، پاک گردان و عملم را از ریا، و زبانم را از دروغ، و چشمم را از خیانت، پاکیزه دار، که تو چشم‌های خیانتکار و آنچه را در سینه‌ها نهان است، می‌دانی!

پروردگارا! این، جایگاه کسی است که از دوزخ، به تو پناه می‌آورد. این، جایگاه کسی است که از آتش، به تو پناهنده می‌شود. این، جایگاه کسی است که از آتش، از درگاه تو یاری می‌جوید. این، جایگاه کسی است که از آتش، به درگاه تو می‌گریزد. این، جایگاه کسی است که از خطایش، به آستان تو روی می‌آورد و به گناهش اعتراف دارد و به سوی پروردگارش توبه می‌کند. این، جایگاه پریشان‌نیازمند است. این، جایگاه ترسان پناهجوست. این، جایگاه

الْمَكْرُوبِ ، هَذَا مَقَامُ الْمَحْزُونِ الْمَغْمُومِ الْمَهْمُومِ ، هَذَا مَقَامُ الْغَرِيبِ الْفَرِيقِ ، هَذَا مَقَامُ الْمُسْتَوْحِشِ الْفَرِيقِ ، هَذَا مَقَامُ مَنْ لَا يَجِدُ لِدُنْيِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ وَلَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا إِلَّا أَنْتَ ، وَلَا لَهُمْ مَفْرَجًا سِوَاكَ .

يَا اللَّهُ يَا كَرِيمُ ، لَا تُحْرِقْ وَجْهِي بِالنَّارِ بَعْدَ سُجُودِي لَكَ وَتَعْفِيرِي بِغَيْرِ مَنْ مَنِي عَلَيْكَ ، بَلْ لَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنْ وَالْتَفَضُّلُ عَلَيَّ . اِرْحَمِ أَيُّ رَبِّ أَيُّ رَبِّ أَيُّ رَبِّ - حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفْسُ - ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَتَبَدُّدَ أَوْصَالِي وَتَنَاضُرَ لَحْمِي وَجِسْمِي وَجَسَدِي وَوَحْدَتِي وَوَحْشَتِي فِي قَبْرِي وَجَزَعِي مِنْ صَغِيرِ الْبَلَاءِ . أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قُرَّةَ الْعَيْنِ وَالْإِغْتِبَاطَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ ، بَيِّضَ وَجْهِي يَا رَبِّ يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ ، آمِنِّي مِنَ الْقَزَعِ الْأَكْبَرِ ، أَسْأَلُكَ الْبُشْرَى يَوْمَ تُقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ، وَالْبُشْرَى عِنْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ عَوْنًا فِي حَيَاتِي ، وَأُعِدُّهُ ذُخْرًا لِيَوْمِ فَاقَتِي ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ (و) لَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَخَيَّبَ دُعَائِي . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنِيعِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُفْضِلِ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، وَلِيِّ كُلِّ نِعْمَةٍ ، وَصَاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ ، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ ، وَقَاضِي كُلِّ حَاجَةٍ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارْزُقْنِي الْيَقِينَ وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ ، وَأَثْبِتْ رَجَاكَ فِي قَلْبِي ، وَاقْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا أَرْجُوَ غَيْرَكَ وَلَا أَتَّقِيَ إِلَّا بِكَ . يَا لَطِيفًا لِمَا يَشَاءُ ، الطُّفْ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى . يَا رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَلَى النَّارِ فَلَا تُعَذِّبْنِي بِالنَّارِ . يَا رَبِّ اِرْحَمِ دُعَائِي وَتَضَرُّعِي وَخَوْفِي وَذُلِّي وَمَسْكَنَتِي وَتَعْوِيدِي وَتَلْوِيدِي .

يَا رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ عَنِ طَلَبِ الدُّنْيَا وَأَنْتَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ ، أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ

غمگین گرفتار است. این، جایگاه اندوهگین غمناک پریشان خاطر است. این، جایگاه بی کس غرق گشته است. این، جایگاه وحشت زده هراسان است. این، جایگاه کسی است که برای گناهش آمرزنده، و برای ناتوانی اش توانبخش، و برای اندوهش غمزدایی جز تو نمی یابد.

ای خدا، ای بزرگوار! چهره ام را به آتش مسوزان، پس از آن که بدون منتی از من بر تو، در پیشگاهت سجده کرده و به خاک افتاده ام؛ بلکه تو را بر من حقّ سپاس و منت و احسان است. رحم کن - ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار! - بگوید تا آن که نفس قطع شود «ناتوانی و بیچارگی ام را، نازکی پوست و از هم گسستن رگ هایم را، فروپاشی گوشت و بدن و جسمم را، تنهایی و وحشتم را در گورم، و بی تابی ام را از بلای کوچک!

پروردگارا! از درگاهت، در روز حسرت و پشیمانی، فروغ دیده و شادمانی می طلبم. پروردگارا! آن روز که چهره ها سیاه می شود، روسفیدم گردان و در روز هراس بزرگ، ایمنم سازا از تو، آن روز که دل ها و دیده ها هراسان و نگران می شوند و هنگام جدایی از دنیا، بشارت می طلبم. سپاس، خدایی را که در زندگی ام به یاری او امیدوارم و برای روز نیازم، ذخیره اش می شمارم.

سپاس، خدایی را که تنها او را می خوانم و دیگری را نمی خوانم و اگر دیگری را بخوانم، دعایم را ناکام می گذارد.

سپاس، خدایی را که به او امید دارم و جز به او امیدم نیست و اگر به غیر او امیدوار شوم، ناامیدم می کند.

سپاس، خدایی را که نعمت بخش و نیکوکار و اهل احسان و نیکی و دارای شکوه و بزرگواری است و صاحب هر نعمت و حسنه ای است و نهایت هر اشتیاق و برآورنده هر نیاز است.

خداوند! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا یقین و خوش باوری به خودت روزی گردان؛ امیدت را در دلم استوار دار؛ امیدم را از جز خودت بتر تا به غیر خودت امید نبندم و جز به تو اطمینان نکنم!

ای صاحب لطف، به هر چه خواهی! در همه حالاتم، آن گونه که دوست داری و می پسندی، به من لطف کن!

پروردگارا! بر آتش دوزخ، ناتوانم. پس به آتش، عذابم مکن!

پروردگارا! بر دعا و نالیدنم، بر بیم و خواری و نیازمندی ام، بر پناهجویی و پناهندگی ام، رحم کن!

پروردگارا! من از دنیا طلبیدن ناتوانم. تو هم وسعت بخش و بزرگواری.

بِقُوَّتِكَ عَلَى ذَلِكَ وَقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ وَغِنَاكَ عَنْهُ وَحَاجَتِي إِلَيْهِ ، أَنْ تَرْزُقَنِي
فِي عَامِي هَذَا وَشَهْرِي وَيَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ رِزْقاً تُغْنِينِي بِهِ عَنْ
تَكَلُّفِ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ ؛ مِنْ رِزْقِكَ الْخَلَالِ الطَّيِّبِ .

أَيَّ رَبِّ ، مِنْكَ أَطْلُبُ وَإِلَيْكَ أَرْغَبُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَأَنْتَ أَهْلُ ذَلِكَ ،
لَا أَرْجُو غَيْرَكَ وَلَا أَتَقَرُّ إِلَّا بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . أَيَّ رَبِّ ، ظَلَمْتُ نَفْسِي
فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَعَافِنِي ، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ قُوَّةٍ ،
وَيَا بَارِئَ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ ، يَا مَنْ لَا تَغْشَاهُ الظُّلُمَاتُ وَلَا تَشْتَبِيهِ عَلَيْهِ
الْأَصْوَاتُ ، وَلَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
أَفْضَلَ مَا سَأَلْتَهُ وَأَفْضَلَ مَا سَأَلْتُ لَهُ وَأَفْضَلَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ ، وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ حَتَّى تُهَيِّئَ لِي الْمَعِيشَةَ ، وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرِ حَتَّى
لَا تَضُرَّنِي الذُّنُوبُ .

مَرْتَبَةُ كَلْبِ طَبَقِ رَسْمِي

اللَّهُمَّ رَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي حَتَّى لَا أَسْأَلَ أَحَدًا شَيْئاً ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ ، وَارْحَمْنِي رَحْمَةً لَا تُعَذِّبُنِي
بَعْدَهَا أَبَداً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقاً حَلالاً
طَيِّباً لَا تُفْقِرُنِي إِلَى أَحَدٍ بَعْدَهُ سِوَاكَ ، تَزِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْراً وَإِلَيْكَ فَاقَّةً
وَقَفْراً وَبِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ غِنًى وَتَعَلُّفاً ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجِيبُ ، يَا مُنِيعُ يَا
مُفْضِلُ ، يَا مَلِكُ يَا مُقْتَدِرُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِي الْمُهْمَ كُلَّهُ ،
وَاقْضِ لِي بِالْحُسْنَى بَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي وَاقْضِ لِي جَمِيعَ حَوَائِجِي .
اللَّهُمَّ يَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ تَعْسِيرَهُ فَإِنَّ تَيْسِيرَ مَا أَخَافُ تَعْسِيرُهُ عَلَيْكَ
يَسِيرٌ ، وَسَهِّلْ لِي مَا أَخَافُ حُزُونَتَهُ ، وَنَقِّسْ عَنِّي مَا أَخَافُ ضَيْقَهُ ، وَكُفِّ
عَنِّي مَا أَخَافُ غَمَّهُ ، وَاصْرِفْ عَنِّي مَا أَخَافُ بَلِيَّتَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

پروردگارا! از تو، که بر خواسته دنیایی‌ام توانایی و از آن بی‌نیازی و من بدان نیازمندم، می‌خواهم که در همین سال و همین ماه و همین روز و همین ساعت، از روزی حلال و پاک خود، چنان روزی‌ام دهی که از زحمت دستیابی به آنچه در دست مردم است، بی‌نیازم گردانی.

پروردگارا! از تو می‌خواهم و به تو مشتاقم و از تو امید دارم و تو شایسته آنی. به غیر تو امید ندارم و جز به تو اعتماد نمی‌کنم، ای مهربان‌ترین مهربانان! پروردگارا! بر خویش ستم کردم. پس، مرا بیامرز و ترحم کن و از من درگذرا! ای شنوای هر صدا! ای گردآورنده هر از دست رفته! ای بازآفریننده آدمیان، پس از مرگ! ای آن که نه تاریکی، او را فرا می‌گیرد و نه صداها بر او اشتباه می‌شود و نه چیزی او را از چیزی غافل می‌سازد! به محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - بهترین چیزی را که از تو خواسته و برترین چیزی را که تو برایش خواسته‌ای و برترین چیزی که تا روز قیامت برای او از تو می‌خواهند، عطا کن و مرا هم عافیت بخش تا زندگی‌ام را گوارا کند و مرا عاقبت به خیر گردان تا گناهان، زیانم نرسانند!

خداوندا! به آنچه قسمتم کردی، راضی‌ام گردان تا از کسی چیزی نخواهم! خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گنجینه‌های رحمتت را بر من بگشای و مرا چنان رحمتی عنایت کن که پس از آن هرگز در دنیا و آخرت، عذابم نکنی و از احسان گسترده‌ات، چنان روزی حلال و پاکیزه‌ای روزی‌ام گردان که پس از آن به هیچ کس جز خودت، نیازمندم نسازی و به خاطر آن، سپاسم را بیفزایی و نیازم را به درگاهت و بی‌نیازی و پرهیزم را از جز خودت، افزون کنی!

ای نیکویی‌کننده، ای صاحب لطف، ای نعمت‌بخش، ای عطاکننده، ای فرمانروا، ای توانمند! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و همه مهمات امورم را برآور و به بهترین صورت برایم ادا کن و همه کارهایم را خجسته گردان و همه نیازهایم را برآور!

خداوندا! آنچه را از دشواری‌اش می‌ترسم، برایم آسان ساز؛ چرا که آسان ساختن آنچه از دشواری‌اش بیمناکم، بر تو آسان است؛ و آنچه را از سختی و ناهنجاری‌اش می‌ترسم، برایم آسان کن؛ و آنچه را از تنگنایی‌اش هراس دارم، غمش را از من بزدای؛ و آنچه را از اندوهش نگرانم، از من دور بدار؛ و آنچه را از گرفتاری‌اش ترسانم، از من بگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان!

اللَّهُمَّ اَمَلًا قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ ، وَتَصَدِيقًا^١ وَإِيمَانًا بِكَ وَفَرَقًا
مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ .
اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ حُقُوقًا فَتَصَدَّقْ بِهَا عَلَيَّ ، وَلِلنَّاسِ قِبَلِي تَبِعَاتٌ فَتَحْمَلْهَا
عَنِّي ، وَقَدْ أَوْجَبْتَ لِكُلِّ ضَيْفٍ قِرَى وَأَنَا ضَيْفُكَ فَاجْعَلْ قِرَائِي اللَّيْلَةَ
الْجَنَّةَ ، يَا وَهَّابَ الْجَنَّةِ ، يَا وَهَّابَ الْمَغْفِرَةِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ .^٢

هـ- دُعَاءُ «يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي»

٥٠٧. الإقبال: دعاء آخر في السَّحَرِ نُقِلَ مِنْ أَصْلِ عَتِيقٍ مِنْ أَصُولِ أَصْحَابِنَا، أَوَّلُ
رِوَايَتِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، وَتَارِيخُ كِتَابَتِهِ سَنَةُ ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ وَثَلَاثِمِئَةً:

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي ، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي ، إِلَيْكَ فَرِغْتُ وَبِكَ
اسْتَفْغْتُ وَبِكَ لُذْتُ ، لَا أَلُودُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ ، فَأَغِثْنِي
وَفَرِّجْ عَنِّي ، يَا مَنْ يَقْتُلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ ، اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ
عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَيَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ
لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي ، وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ .

يَا عُذَّتِي فِي كُرْبَتِي ، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي ، وَيَا وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي ،
وَيَا غَايَتِي فِي رَغْبَتِي ، أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي وَالْأَمِينُ رَوْعَتِي وَالْمُقِيلُ
عَثْرَتِي ، فَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .^٣

١. في الإقبال: «وتصديقاً بكتابك».

٢. مصباح المتهجد: ٥٩٨/٦٩٢، الإقبال: ١/١٧٧، المصباح للكفعمي: ٧٩٧. البلد الأمين: ٢١٤. بحار الأنوار:
٢/٩٥/٩٨.

٣. الإقبال: ١/١٨٣، بحار الأنوار: ٢/١٠٠/٩٨.

خداوندا! دلم را از محبت و خشیت خودت و از باور و ایمان به خودت و از خوف از تو و اشتیاق به خویش، لبریز گردان، ای صاحب شکوه و بزرگواری!
 خداوندا! تو را [بر من] حقوقی است. پس، آنها را بر من ببخش! مردم را نیز بر من حقوقی است. آنها را هم از جانب من بر عهده گیر! برای هر میهمانی، پذیرایی ای واجب کرده‌ای. من هم میهمان تو ام. پس، امشب، پذیرایی مرا بهشت قرار بده، ای بخشنده بهشت، ای عطاکننده آمرزش! قدرت و نیرویی جز به تو نیست».

هـ. دعای «یا مَفْزَعی عِنْدَ کُزْبَتی»

۵۰۷. الإقبال: دعایی دیگر برای وقت سحر است که از یکی از منابع کهن اصحاب ما، نقل شده است. اول روایت وی، نام حسن بن محبوب است و تاریخ نوشتن آن، سال ۳۷۳ [ق]:

«ای پناهگاه من در هنگام گرفتاری ام! ای فریادرس من در هنگام سختی ام! به آستان تو پناه آورده‌ام و تو را به فریادرسی می‌خوانم و به تو پناهنده شده‌ام. جز به تو به کسی پناه نمی‌برم و جز از تو، از کسی گشایش نمی‌طلبم. پس به فریادم برس و گشایشم ده!

ای که طاعت اندک را می‌پذیری و از گناه بسیار می‌گذری! اندک مرا بپذیر و بسیار مرا ببخشای! همانا تویی آمرزنده مهربان.

خداوندا! از تو ایمانی می‌خواهم که با آن همیشه در دلم باشی، و یقینی که بدانم جز آنچه برایم نوشته‌ای، مرا نخواهد رسید. مرا از زندگی به آنچه قسمتم فرموده‌ای، خرسند ساز، ای مهربان‌ترین مهربانان!

ای تکیه‌گاه (ذخیره) من در گرفتاری ام! ای همدم من در سختی ام! ای سرپرست من در نعمتم! ای نهایت آرزوی من در خواسته ام! تویی که عیب‌پوش منی و ایمنی‌بخش هراس منی و پذیرای پوزش منی. پس، خطایم را بیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان!».

و - التَّسْبِيحُ

٥٠٨. الإقبال: وَقَالَ فِي الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ^١: التَّسْبِيحُ فِي السَّحْرِ:

سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ ، سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ ،
سُبْحَانَ مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ، سُبْحَانَ الرَّبِّ
الْوَدُودِ ، سُبْحَانَ الْفَرْدِ الْوَحِيدِ ، سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي
عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يُؤَاخِذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ ،
سُبْحَانَ الْحَتَّانِ الْمَتَّانِ ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ ، سُبْحَانَ الْجَبَّارِ الْجَوَادِ ،
سُبْحَانَ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ ، سُبْحَانَ الْبَصِيرِ الْعَلِيمِ ، سُبْحَانَ الْبَصِيرِ الْوَاسِعِ ،
سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِقْبَالِ النَّهَارِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى إِدْبَارِ النَّهَارِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَى
إِدْبَارِ اللَّيْلِ وَإِقْبَالِ النَّهَارِ ، وَلَهُ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَالْعِزَّةُ وَالْكِبَرِيَاءُ مَعَ كُلِّ
نَفْسٍ ، وَكُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ وَكُلِّ لَمَعَةٍ سَبَقَ فِي عَلَيْهِ ، سُبْحَانَكَ مِلَّةً مَا أَحْصَى
كِتَابُكَ ، سُبْحَانَكَ زُفَّةً غَرَسَكَ ، سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ^٢.

٤/٣

الرَّحْمَةُ كُلُّهَا

أ - دُعَاءُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

٥٠٩. الكافي: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ
يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ^٣ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ:

١. أي: من أصل عتيق من أصول أصحابنا.

٢. الإقبال: ١٨٤/١، بحار الأنوار: ٩٨/١٠٠/٢.

٣. أقول: ممّا ينبغي التنبيه عليه هو أنّ هذا الدعاء قد ورد أيضاً ولكن مع زيادات كثيرة ومن دون إسناد إلى المعصوم في المصادر التالية: تهذيب الأحكام: ١١١/٣، مصباح المستهجد: ٦١٠/٦٩٦، المقنعة: ٣٣٢، الإقبال: ٢٠٢/١، المصباح للكفعمي: ٨١٧، البلد الأمين: ٢٢٣.

و - تسبیح

۵۰۸. الإقبال: در همان کتاب^۱ آمده است: تسبیح هنگام سحر [چنین است]:

«منزه است خدایی که دستاوردهای دل‌ها را می‌داند. منزه است آن که تعداد گناهان را بر می‌شمارد. منزه است آن که هیچ پوشیده و پنهانی در آسمان‌ها و زمین‌ها بر او پنهان نیست. منزه است پروردگار مهربان. منزه است آن یکتای بی‌همتا. منزه است آن بزرگ‌تر. منزه است آن که به اهل مملکتش تجاوز نمی‌کند. منزه است آن که زمینیان را با انواع عذاب‌ها تنبیه نمی‌کند. منزه است آن مهرورز نعمت‌بخش. منزه است آن خیرخواه مهربان. منزه است آن شوکت‌مند بخشنده. منزه است آن بُردبار بزرگوار. منزه است آن بینای دانا. منزه است آن بینای نعمت‌گستر. منزه است خداوند، هنگام روی آوردن روز. منزه است خداوند، هنگام به پایان رسیدن روز. منزه است خداوند، هنگام فرو رفتن شب و برآمدن روز. با هر نفس، با هر چشم بر هم زدن، با هر اشاره‌ای که در علم او هست، او را ستایش و بزرگواری و عظمت و کبریایی است. منزه‌ی تو، به اندازه‌ای که کتابت برشمرده است. منزه‌ی تو، همسنگ عرشت. منزه‌ی تو، منزه‌ی تو، منزه‌ی تو».

۴/۳

دعای هر روز

الف - دعای امام سجّاد علیه السلام

۵۰۹. الکافی - به نقل از عبد الرحمان بن بشیر، از برخی راویان خود - : امام سجّاد علیه السلام

در هر روز از ماه رمضان، این دعا را می‌خواند:^۲

۱. اشاره به کتابی است که در آغاز حدیث شماره ۵۰۷ بدان اشاره شد.

۲. گفتنی است که این دعا با افزوده‌هایی بسیار و بدون اسناد به معصوم، در منابع زیر نیز آمده است:

تهذیب الأحکام: ۱۱۱/۳، مصباح المتعجّد: ۶۱۰/۶۹۶، المقنعة: ۳۲۲، الإقبال: ۱/۲۰۲، المصباح، کفعمی:

۸۱۷، البلد الأمين: ۲۲۳.

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ ، وَهَذَا شَهْرُ الصَّيَامِ ، وَهَذَا شَهْرُ الْإِنَابَةِ ، وَهَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ ، وَهَذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ ، وَهَذَا شَهْرُ الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْقَوْزِ بِالْجَنَّةِ ، اللَّهُمَّ فَسَلِّمْهُ لِي وَتَسَلِّمْهُ مِنِّي ، وَأَعِنِّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ ، وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِطَاعَتِكَ ، وَفَرِّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ ، وَأَعْظِمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَاتَ وَأَحْسِنْ لِي فِيهِ الْعَاقِبَةَ ، وَأَصِحِّ لِي فِيهِ بَدَنِي وَأَوْسِعْ فِيهِ رِزْقِي ، وَاكْفِنِي فِيهِ مَا أَهَمَّنِي وَاسْتَجِبْ لِي فِيهِ دُعَائِي وَتَلَّغْنِي فِيهِ رَجَائِي .

اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ الشُّعَاسَ وَالْكَسَلَ وَالسَّامَةَ وَالْفَتْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغِرَّةَ .

اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي فِيهِ الْعِلَلَ وَالْأَسْقَامَ ، وَالْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ ، وَالْأَعْرَاضَ وَالْأَمْرَاضَ ، وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ ، وَأَصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ وَالتَّعَبَ وَالْعَنَاءَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ .

اللَّهُمَّ أَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمَزِهِ وَلَمَزِهِ وَنَفَثِهِ وَنَفْخِهِ وَوَسْوَاسِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ وَحِيلِهِ وَأُمَانِيَّتِهِ وَخُدَعِهِ وَغُرُورِهِ وَفِتْنَتِهِ وَرَجْلِهِ وَشَرَكِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتِّبَاعِهِ وَأَخْدَانِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَأَوْلِيَائِهِ وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ كَيْدِهِمْ .

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ تَمَامَ صِيَامِهِ وَتُلُوعَ الْأَمَلِ فِي قِيَامِهِ ، وَاسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ فِيهِ صَبْرًا وَإِيمَانًا وَتَقِينًا وَاحْتِسَابًا ، ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنَّا بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَالْأَجْرِ الْعَظِيمِ .

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ وَالْجَزَعَ وَالرَّقَّةَ وَصِدْقَ اللِّسَانِ ، وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ ، وَالْوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِكَ بِصَالِحِ الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدُّعَاءِ وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ

«خداوندا! این، ماه رمضان است. این، ماه روزه‌داری است. این، ماه بازگشت است. این، ماه توبه است. این، ماه آمرزش و رحمت است. این، ماه آزادی از آتش و رسیدن به بهشت است.

خداوندا! آن را برایم سلامت بدار و آن را از من، سالم بگیر و مرا با بهترین یاریات، بر [روزه‌داری] آن، یاری کن و به اطاعت در آن، توفیقم ده و مرا برای عبادت و دعا به درگاهت و خواندن کتابت، فارغ گردان و برکتی را در آن، بزرگ بدار و عاقبتی را در آن، نیکو کن و بدنم را در آن سلامت بدار و روزی‌ام را در آن، وسعت بخش و آنچه اندوهگینم می‌سازد، برطرف ساز و دعایم را در آن، اجابت کن و مرا به امیدم برسان!

خداوندا! در آن، چرت و کسالت و ملالت و سستی و سنگ‌دلی و غفلت و غرور را از من دور کن!

خداوندا! در این ماه، مرا از دردها و بیماری‌ها، غم‌ها و اندوه‌ها، عوارض و مرض‌ها و از لغزش‌ها و گناهان، دور بدار و در این ماه، بدی و زشتی و مشقت و بلا و خستگی و رنج را از من برگردان! همانا تو شنوای دعایی.

خداوندا! در این ماه، مرا از شیطان رانده‌شده و بدگویی و عیبجویی‌اش، از نفوذ و دم و وسوسه و نیرنگ و حيله و آرزوهای شیطانی، از فریب و غرور و فتنه و پیاده‌نظام شیطان، و از شریکان و یاران و پیروان و دوستان و هواداران و هواخواهان و شریکان او و از همه کید و نیرنگ آنان، پناه ده!

خداوندا! در این ماه، روزه‌داری کامل، عبادت در نهایت آرزو، و به کمال رساندن آنچه را خرسندت می‌سازد، از روی صبر و ایمان و یقین و خلوص، روزی‌ام کن. سپس آن را چندین برابر و با پاداش بزرگ، از ما قبول فرما!

خداوندا! در این ماه، جدیت و تلاش، نیرو و نشاط، بازگشت و توبه، شوق و خوف، تضرع و رقت، راستگویی، بیم از خودت، امید و توکل و اعتماد به خودت و پرهیز از حرام‌هایت را روزی‌ام کن، با سخنی شایسته و تلاشی پذیرفته و عملی به سوی خدا بالارفته و دعایی اجابت‌شده؛ و میان من و این خواسته‌ها، با هیچ عارضه و بیماری و غم و اندوهی، فاصله نینداز، به

مِنْ ذَلِكَ بِعَرِضٍ وَلَا مَرَضٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا غَمٍّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^١.

ب - تسبیحات كُلِّ يَوْمٍ

٥١٠. الإقبال: وَمِنْ الْعَمَلِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ التَّسْبِيحُ، رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى أَبِي الْعَبَّاسِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ الْعَلَّافُ فِي كِتَابِهِ سَنَةَ خَمْسٍ وَسِتِّينَ وَمِئَتَيْنِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ، وَحُسَيْنُ بْنُ أَبِي الْعَلَاءِ الزَّنْدَجِيُّ^٢ جَمِيعاً عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تُسَبِّحُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ - وَنَذْكُرُ فِيهِ زِيَادَةً مِنْ رِوَايَةِ جَدِّي أَبِي جَعْفَرٍ الطُّوسِيِّ^٣ -:

الأول: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئُ النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْهَجَرِ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ اللَّهِ السَّمِيعِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَسْمَعُ مِنْهُ، يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ، وَيَسْمَعُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَيَسْمَعُ الْأَنِينَ وَالشَّكْوَى، وَيَسْمَعُ السَّرَّ وَأَخْفَى، وَيَسْمَعُ وَسَاوِسَ الصُّدُورِ وَلَا يُصِغُّ سَمْعَهُ صَوْتٌ.

الثاني: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئُ النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْهَجَرِ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

١. الكافي: ٧/٧٥/٤، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٠٤/١٨٤٩.

٢. في المصدر: «الزیدجی»، وما في المتن أثبتناه من المصادر الرجالية.

٣. وفي مصباح المتهجد: «ويسبح في كل يوم من شهر رمضان إلى آخره عشرة أجزاء، كل جزء منها على حدة».

رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان!».

ب - تسبیح‌های هر روز

۵۱۰. الإقبال: از اعمال هر روز ماه رمضان، تسبیح است. با سند ما به ابو العباس احمد بن محمد بن سعید بن عقده، برای ما روایت شده که گفت: یحیی بن زکریا بن شیبان علاف در کتابش در سال ۲۶۵ [ق] خبر داده است که علی بن حمزه، از پدرش و حسین بن ابی العلاء زندجی، همگی از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: «در هر روز از ماه رمضان، چنین تسبیح می‌گویی» و در این تسبیح، افزوده‌ای از روایت جدم ابو جعفر طوسی را می‌آوریم:^۱

اول. «منزه است خداوند، آفریدگار بندگان. منزه است خداوند صورت‌آفرین. منزه است خداوند، آفریدگار همه جفت‌ها. منزه است خداوند، پدیدآورنده تاریکی‌ها و روشنی. منزه است خداوند، شکافنده دانه و هسته. منزه است خداوند، آفریننده هر چیز. منزه است خداوند، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزه است خداوند، به اندازه کلمات بی‌پایانش. منزه است خداوند، پروردگار جهانیان. منزه است خداوند شنوایی که چیزی شنواتر از او نیست؛ از فراز عرش خود، آنچه را زیر زمین‌های هفتگانه است، می‌شنود و آنچه را در تاریکی‌های خشکی و دریاست، می‌شنود، و ناله و شکوه را، و راز و نهان را، و وسوسه‌های سینه را می‌شنود و از شنوایی او، هیچ صدایی ناشنیده نمی‌ماند».

دوم. «منزه است خداوند، آفریدگار بندگان. منزه است خداوند صورت‌آفرین. منزه است خداوند، آفریدگار همه جفت‌ها. منزه است خداوند، پدیدآورنده تاریکی‌ها و روشنی. منزه است خداوند، شکافنده دانه و هسته. منزه است خداوند، آفریننده هر چیز. منزه است خداوند، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزه است خداوند، به اندازه کلمات بی‌پایانش. منزه است خداوند، پروردگار جهانیان».

۱. در مصباح المتهجد است: «در هر روز از ماه رمضان تا آخرش، ده بخش تسبیح گفته می‌شود که هر بخشی از آن، تسبیحی جداگانه است».

سُبْحَانَ اللَّهِ الْبَصِيرِ الَّذِي لَيْسَ شَيْءٌ أَبْصَرَ مِنْهُ ، يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مَا تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ ، وَيُبْصِرُ مَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ، وَلَا تَغْشَى بَصَرَهُ الظُّلُمَةُ وَلَا يُسْتَتَرُ مِنْهُ بِسِتْرٍ ، وَلَا يُوَارِي مِنْهُ جِدَارٌ وَلَا يَغِيبُ عَنْهُ بَرٌّ وَلَا بَحْرٌ ، وَلَا يُكِنُّ مِنْهُ جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ وَلَا قَلْبٌ مَا فِيهِ وَلَا جَنْبٌ مَا فِي قَلْبِهِ ، وَلَا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغِيرٌ وَلَا كَبِيرٌ ، وَلَا يَسْتَخْفِي مِنْهُ صَغِيرٌ لِصِغَرِهِ ، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ .

الثَّالِثُ : سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ وَيُسْخِجُ الرَّعْدَ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةَ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ ، وَيُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرَى بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ، وَيُنْزِلُ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِكَلِمَاتِهِ ، وَيُنْبِتُ النَّبَاتَ بِقُدْرَتِهِ وَيَسْقِطُ الْوَرَقَ بِعِلْمِهِ^١ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ، وَلَا أَصْفَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ .

الرَّابِعُ : سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

١. في الطبعة المعتمدة : «وييسط الرزق بعلمه» ، وما أثبتناه من الطبعة الحجرية والمصادر الأخرى .

منزه است خداوند بینایی که چیزی شنواتر از او نیست؛ از فراز عرش خود، آنچه را زیر زمین‌های هفتگانه است، می‌بیند و آنچه را در تاریکی‌های خشکی و دریاست، می‌بیند. دیدگان، او را نمی‌بینند و او دیدگان را می‌بیند و او لطیف و آگاه است. نه تاریکی، چشمش را می‌پوشاند و نه چیزی با پرده، از او پوشیده می‌ماند و نه دیواری، چیزی را از او پنهان می‌سازد و نه خشکی و نه دریایی، از او پوشیده است و نه کوهی، آنچه را در ریشه خود دارد، از او می‌پوشاند و نه دلی، آنچه را در آن است و نه پهلویی، آنچه را در دلش است. و هیچ ریز و درشتی، از او پوشیده نیست و هیچ کوچکی به خاطر کوچکی‌اش از او مخفی نمی‌شود و چیزی نه در زمین و نه در آسمان، از او پوشیده نمی‌ماند. اوست که در رجم‌ها، شما را آن گونه که می‌خواهد، تصویرگری می‌کند. معبودی جز او نیست؛ او که قدرتمند حکیم است».

سوم. «منزه است خداوند، آفریدگار بندگان. منزه است خداوند صورت‌آفرین. منزه است خداوند، آفریدگار همه جفت‌ها. منزه است خداوند، پدیدآورنده تاریکی‌ها و روشنی. منزه است خداوند، شکافنده دانه و هسته. منزه است خداوند، آفریننده هر چیز. منزه است خداوند، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزه است خداوند، به اندازه کلمات بی‌پایانش. منزه است خداوند، پروردگار جهانیان.

منزه است خداوندی که ابرهای سنگین را پدید می‌آورد و رعد با ستایش او، تسبیح می‌گوید و فرشتگان، از بیم او تسبیح می‌گویند و آذرخش را می‌فرستد و با آن، هر که را بخواهد، هدف قرار می‌دهد و بادهای پیشاپیش رحمتش می‌فرستد و با کلماتش از آسمان، آب فرو می‌فرستد و با قدرت خود، گیاه را می‌رویاند و با علم او برگ درخت، فرو می‌افتد. منزه است خداوندی که همسنگ ذره‌ای، نه در زمین و نه در آسمان، از او پنهان نمی‌ماند؛ و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر از آن نیست، مگر آن که در نوشته‌ای روشن‌گر است».

چهارم. «منزه است خداوند، آفریدگار بندگان. منزه است خداوند صورت‌آفرین. منزه است خداوند، آفریدگار همه جفت‌ها. منزه است خداوند، پدیدآورنده تاریکی‌ها و روشنی. منزه است خداوند، شکافنده دانه و هسته. منزه است خداوند، آفریننده هر چیز. منزه است خداوند، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزه است خداوند، به اندازه کلمات بی‌پایانش. منزه است خداوند، پروردگار جهانیان.

سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ
وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ مِنْكُمْ
مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ لَهُ
مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي
يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَيُقِرُّ فِي
الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى .

الخامس: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ
خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ
الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَىٰ وَمَا
لَا يُرَىٰ ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

سُبْحَانَ اللَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ
وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يَبْدَأُ الْخَيْرَ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، تَوَلِّجُ
اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتَوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ
الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ .

السادس: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِي النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ
خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ
الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَىٰ وَمَا
لَا يُرَىٰ ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ
الَّذِي عِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ
وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ .

منزه است خداوندی که می‌داند هر زنی چه باری دارد و رَجَم‌ها چه اندازه [از زمان بارداری را] کم یا زیاد می‌کنند، و هر چیزی نزد او به اندازه است. دانای نهان و آشکار، و بزرگ و متعالی است. یکسان است کسی از شما سخن را پنهانی بگوید یا آشکارا، و نیز کسی که شبانه پنهان می‌شود و در روز آشکار می‌گردد. برای هر چیز و هر کس، نگهبانانی است که از پیش رو و پشت سر به فرمان خدا نگهبانی‌اش می‌کنند. منزه است خداوندی که زندگان را می‌میراند و مردگان را حیات می‌بخشد و می‌داند که زمین، از آنان چه می‌کاهد، و آنچه را بخواهد، تا زمانی معین در رَجَم‌ها نگه می‌دارد».

پنجم. «منزه است خداوند، آفریدگار بندگان. منزه است خداوند صورت‌آفرین. منزه است خداوند، آفریدگار همه جفت‌ها. منزه است خداوند، پدیدآورنده تاریکی‌ها و روشنی. منزه است خداوند، شکافنده دانه و هسته. منزه است خداوند، آفریننده هر چیز. منزه است خداوند، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزه است خداوند، به اندازه کلمات بی‌پایانش. منزه است خداوند، پروردگار جهانیان.

منزه است خداوند، مالک فرمان‌روایی. به هر که بخواهی، فرمان‌روایی می‌دهی و از هر که بخواهی، فرمان‌روایی را می‌ستانی. هر که را خواهی، عزت می‌بخشی و هر که را خواهی، خوار می‌سازی. نیکی به دست توست. همانا تو بر هر چیز، توانایی. شب را وارد روز می‌کنی و روز را به شب وارد می‌کنی و زنده را از مرده بیرون می‌آوری و مرده را از زنده بیرون می‌آوری و هر که را بخواهی، بی حساب روزی می‌دهی».

ششم. «منزه است خداوند، آفریدگار بندگان. منزه است خداوند صورت‌آفرین. منزه است خداوند، آفریدگار همه جفت‌ها. منزه است خداوند، پدیدآورنده تاریکی‌ها و روشنی. منزه است خداوند، شکافنده دانه و هسته. منزه است خداوند، آفریننده هر چیز. منزه است خداوند، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزه است خداوند، به اندازه کلمات بی‌پایانش. منزه است خداوند، پروردگار جهانیان.

منزه است خداوندی که کلیدهای غیب، نزد اوست و آنها را جز او نمی‌داند، و می‌داند آنچه را در خشکی و دریاست، و هیچ برگگی [از درختی] نمی‌افتد، مگر آن که می‌داندش، و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین نیست و نه هیچ تر و خشکی، مگر آن که در کتابی روشن‌نگر است».

السَّابِعُ: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئُ النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ
الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ
وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ،
سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي
لَا يُحْصِي مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يَجْزِي بِآلَائِهِ الشَّاكِرُونَ الْعَابِدُونَ وَهُوَ كَمَا
قَالَ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ ، وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ كَمَا أَتْنَى عَلَى نَفْسِهِ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ
مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا
وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ .

الثَّامِنُ: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئُ النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ
الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ
وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ،
سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا
يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ،
وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا عَمَّا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ
مِنْهَا ، وَلَا يَشْغَلُهُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا عَمَّا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا
يَعْرُجُ فِيهَا ، وَلَا يَشْغَلُهُ عِلْمُ شَيْءٍ عَنْ عِلْمِ شَيْءٍ ، وَلَا يَشْغَلُهُ خَلْقُ شَيْءٍ عَنْ
خَلْقِ شَيْءٍ وَلَا حِفْظُ شَيْءٍ عَنْ حِفْظِ شَيْءٍ ، وَلَا يُسَاوِيهِ شَيْءٌ وَلَا يَعْدِلُهُ
شَيْءٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ .

التَّاسِعُ: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئُ النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ
الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ
وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ،
سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ

هفتم. «منزه است خداوند، آفریدگار بندگان. منزه است خداوند صورت آفرین. منزه است خداوند، آفریدگار همه جفت‌ها. منزه است خداوند، پدیدآورنده تاریکی‌ها و روشنی. منزه است خداوند، شکافنده دانه و هسته. منزه است خداوند، آفریننده هر چیز. منزه است خداوند، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزه است خداوند، به اندازه کلمات بی‌پایانش. منزه است خداوند، پروردگار جهانیان.

منزه است خداوندی که گویندگان، ستایش او را نمی‌توانند شمرد و سپاس‌گزاران پرستنده، از عهده شکر نعمت‌هایش بر نمی‌آیند، و او همان گونه است که خود فرموده و بالاتر از آن است که ما می‌گوییم. و خداوند پاک، همان گونه است که خویش را ستوده و جز به مقداری که او بخواهد، به چیزی از علم او احاطه نیابند. تخت فرمان‌روایی‌اش، آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته است و نگهبانی آسمان‌ها و زمین، او را خسته نمی‌سازد و او بلندمرتبه بزرگ است».

هشتم. «منزه است خداوند، آفریدگار بندگان. منزه است خداوند صورت آفرین. منزه است خداوند، آفریدگار همه جفت‌ها. منزه است خداوند، پدیدآورنده تاریکی‌ها و روشنی. منزه است خداوند، شکافنده دانه و هسته. منزه است خداوند، آفریننده هر چیز. منزه است خداوند، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزه است خداوند، به اندازه کلمات بی‌پایانش. منزه است خداوند، پروردگار جهانیان.

منزه است خداوندی که می‌داند آنچه را در زمین فرو می‌رود و آنچه را از آن بیرون می‌آید و آنچه را از آسمان فرود می‌آید و آنچه را به آسمان بالا می‌رود. آنچه از آسمان فرود می‌آید و در آسمان فرو می‌رود، او را از آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از زمین بیرون می‌آید، مشغول نمی‌سازد؛ آگاهی به چیزی، او را از آگاهی به چیزی دیگر، مشغول نمی‌سازد؛ آفرینش چیزی، از آفرینش چیزی دیگر مشغولش نمی‌سازد؛ و نگهبانی از چیزی، از نگهبانی از چیزی دیگر مشغولش نمی‌سازد. هیچ چیزی همسان و برابر با او نیست و هیچ چیزی مانند او نیست و او شنوای بی‌ناست».

نهم. «منزه است خداوند، آفریدگار بندگان. منزه است خداوند صورت آفرین. منزه است خداوند، آفریدگار همه جفت‌ها. منزه است خداوند، پدیدآورنده تاریکی‌ها و روشنی. منزه است خداوند، شکافنده دانه و هسته. منزه است خداوند، آفریننده هر چیز. منزه است خداوند، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزه است خداوند، به اندازه کلمات بی‌پایانش. منزه است خداوند، پروردگار جهانیان.

منزه است خداوند، آفریننده آسمان‌ها و زمین، که فرشتگان را

وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ .

العاشر: سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ، مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَمَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ، سُبْحَانَ الَّذِي يَنْعَمُ بِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ .^١

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

ج - الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ

٥١١. مصباح المنتهجد - بَعْدَ ذِكْرِ تَسْبِيحَاتِ كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ -: ثُمَّ أَتْبِعُهُ بِالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ عليه السلام فَتَقُولُ :

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^٢ ، لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَسَعْدَيْكَ وَسُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ .

١. الإقبال: ٢٠٨/١، تهذيب الأحكام: ١١٥/٣، مصباح المنتهجد: ٦٩٨/٦١٦، المفصلة: ٣٢٤، المصباح

للكفعمي: ٨٢٥، البلد الأمين: ٢٢٧ كلها من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ٩٨/١٠٥/٣.

٢. الأحزاب: ٥٦.

فرستادگانی دارای دو بال، سه بال و [یا] چهار بال، قرار داد! در آفرینش، آنچه می‌خواهد، می‌افزاید. همانا خداوند بر هر چیز، تواناست. هر رحمتی را که خداوند برای مردم بگشاید، جلوگیری از آن نیست و هر چه را او جلو بگیرد، پس از او، فرستنده‌ای نیست. و او قدرتمند حکیم است».

دهم. «منزه است خداوند، آفریدگار بندگان. منزه است خداوند صورت‌آفرین. منزه است خداوند، آفریدگار همه جفت‌ها. منزه است خداوند، پدیدآورنده تاریکی‌ها و روشنی. منزه است خداوند، شکافنده دانه و هسته. منزه است خداوند، آفریننده هر چیز. منزه است خداوند، آفریدگار آنچه دیدنی و نادیدنی است. منزه است خداوند، به اندازه کلمات بی‌پایانش. منزه است خداوند، پروردگار جهانیان.

منزه است خداوندی که آنچه را در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، می‌داند. هیچ رازگویی سه‌نفره‌ای نیست، مگر آن که او چهارمین آنان است و نه رازگویی پنج‌نفره‌ای، مگر آن که او ششمین‌شان است و نه کمتر و نه بیشتر از آن، مگر آن که او با آنان است، هر جا که باشند. سپس در روز قیامت، آنان را از عملکردشان آگاه می‌سازد. همانا خداوند بر هر چیز، داناست. منزه است آن که کارهای شایسته، با نعمت او کمال می‌یابند».

ج - صلوات بر پیامبر و خاندانش

۵۱۱. **مصباح‌المتهجد** - پس از ذکر تسبیحات هر روز ماه رمضان - : سپس در پی آنها

بر پیامبر ﷺ و خاندانش صلوات می‌فرستی و می‌گویی:

«خداوند و فرشتگانش، بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر او درود بفرستید و سلام دهید، سلامی شایسته». فرمانت را اجابت می‌کنم و به روی چشم - پروردگارا - و تو منزه‌ی.

خداوند! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به محمد و خاندان محمد برکت عطا کن، آن گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود و خجستگی نثار کردی! همانا تو ستوده و بزرگواری.

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ^١ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ
إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ .

اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ .
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ .
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيبُ عَنْهُ بِهِ
الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ .

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ ، عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ أَوْ بَرَقَتْ ، عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ذُكِرَ
السَّلَامُ ، عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ مَلَكٌ أَوْ قَدَّسَهُ .

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ ، وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي
الْآخِرِينَ ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، (السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ) .

اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْعَرَامِ أْبْلِغْ
مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ عَنَّا السَّلَامَ^٢ .

اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا مِنَ الْبَهَاءِ وَالنُّصْرَةِ وَالشُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ وَالْغِيبَةِ
وَالْوَسِيلَةَ وَالْمَنْزِلَةَ وَالْمَقَامَ وَالشَّرَفَ وَالرَّفْعَةَ وَالشَّفَاعَةَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَعْطِ مُحَمَّدًا وَآلِهِ فَوْقَ مَا تُعْطِي
الْخَلَائِقَ مِنَ الْخَيْرِ أَوْضَاعًا (مُضَاعَفَةً) كَثِيرَةً لَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى
وَأَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى (أَحَدٍ مِنْ) الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَعَلَى أَحَدٍ مِنْ

١ . كذا في مصباح المتهجد، وفي جميع المصادر «كما رحمت إبراهيم...» وهو المناسب للسياق .

٢ . في نسخة : «أبلغ نبيك محمداً وأهل بيته عنا أفضل التحية والسلام» .

خداوندا! بر محمد و خاندان محمد رحمت آور، آن گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، رحمت آوردی! همانا تو ستوده و بزرگواری.

خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، آن گونه که در جهانیان بر نوح، درود فرستادی!

خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، آن گونه که ما را با او هدایت فرمودی!

خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و او را به جایگاهی پسندیده برسان که اولین و آخرین، به مقام او رشک برند!

سلام بر محمد و خاندانش، هر چه خورشید برمی آید یا غروب می کند!

سلام بر محمد و خاندانش، هر چه چشمی بر هم می خورد و می درخشد!

سلام بر محمد و خاندانش، هر چه سلام، ذکر می شود!

سلام بر محمد و خاندانش، هر چه فرشته ای خدا را تسبیح می گوید و منزه می شمارد!

سلام بر محمد و خاندانش در اولین! سلام بر محمد و خاندانش در آخرین! سلام بر محمد و خاندانش در دنیا و آخرت! سلام و رحمت و برکات خدا بر محمد و خاندانش!

خداوندا! ای پروردگار شهر امن (مکه)، و ای پروردگار رکن و مقام، و ای پروردگار غیر حَرَم و حَرَم! بر پیامبرت محمد از جانب ما سلام برسان!

خداوندا! محمد را شکوه، شادابی، شادی، کرامت، مایه رشک بودن، وسیله بودن، منزلت، مقام، شرافت، رفعت، و شفاعت نزد خودت در روز قیامت، عطا کن، به برترین وجهی که به یکی از بندگان عطا می کنی، و به محمد و خاندانش عطا کن بالاترین چیزی را که از خیر، به بندگان می دهی، چندین برابر بیشتر، که جز تو کسی شمار آن را نداند!

خداوندا! بر محمد و خاندانش محمد درود فرست، پاکیزه ترین، پاک ترین، بالنده ترین و برترین درودی را که بر کسی از اولین و آخرین فرستاده ای و

خَلْقِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى (عَلِيٍّ) أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ^١ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ
عَادَاهُ ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَالْعَنَ مَنْ
آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا .

(اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهَا وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ
ظَلَمَهَا) .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِمَامَيِ الْمُسْلِمِينَ ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُمَا
وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِيهِمَا .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ
مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ
عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ
مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ
مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ
مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ
عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ .

١ . في جميع المصادر زيادة : «ووصي رسول رب العالمين» هنا .

برترین درودی را که بر یکی از آفریدگانت فرستاده‌ای، ای مهربان‌ترین مهربانان!

خداوندا! بر علی، امیر مؤمنان،^۱ درود فرست و با آن که با او دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنش است، دشمن باش و کیفر آن را که در خون او شرکت جست، دو چندان کن!

خداوندا! بر فاطمه دختر پیامبرت محمد - که بر او و خاندانش سلام باد - درود فرست و هر کس را که درباره او پیامبرت را آزد، لعنت کن! خدایا! با هر که با او دوستی کرد، دوستی کن و عذاب هر که را بر او ستم کرد، دو چندان کن!

خداوندا! بر حسن و حسین، دو پیشوای مسلمانان، درود فرست و با هر که با آن دو دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنشان است، دشمن باش و عذاب هر که را در خون آن دو شرکت جست، دو چندان کن!

خداوندا! بر علی بن الحسین، پیشوای مسلمانان، درود فرست و با هر که با او دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنش است، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد، دو چندان کن!

خداوندا! بر محمد بن علی، پیشوای مسلمانان، درود فرست و با هر که با او دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنش است، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد، دو چندان کن!

خداوندا! بر جعفر بن محمد، پیشوای مسلمانان، درود فرست و با هر که با او دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنش است، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد، دو چندان کن!

خداوندا! بر موسی بن جعفر، پیشوای مسلمانان، درود فرست و با هر که با او دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنش است، دشمن باش و عذاب هر که را در خون او شرکت جست، دو چندان کن!

خداوندا! بر علی بن موسی، پیشوای مسلمانان، درود فرست و با هر که با او دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنش است، دشمن باش و عذاب هر که را در خون او شرکت جست، دو چندان کن!

خداوندا! بر محمد بن علی، پیشوای مسلمانان، درود فرست و با هر که با او دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنش است، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد، دو چندان کن!

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِي مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ
عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِي مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ
عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِي مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ
مَنْ عَادَاهُ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقَاسِمِ وَالطَّاهِرِ ابْنَيْ نَبِيِّكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُقَيْةَ بِنْتِ
نَبِيِّكَ وَالْعَن مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمِّ كُلثُومِ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَالْعَن
مَنْ آذَى نَبِيِّكَ فِيهَا .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ ، اللَّهُمَّ اخْلُفْ نَبِيِّكَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ ، اللَّهُمَّ
مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ غَدِيدِهِمْ وَمَقْدِيدِهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ عَلَى
الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ ، اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِدَحْلِهِمْ وَوَتَرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ وَكُفِّ عَنَّا
وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بِأَسْ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ ، وَكُلِّ دَائِيَةٍ أَنْتَ آخِذٌ
بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا^١ .

د - دُعَاءُ «اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ»

٥١٢ . البلد الأمين: ثُمَّ ادْعُ بِمَا ذَكَرَهُ السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ بَاقِي ؛ فِي اخْتِيَارِهِ ؛ فَقَدْ
رُوي أَنَّهُ مَنْ دَعَا بِهِ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبُ أَرْبَعِينَ
سَنَةً، وَهُوَ:

اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتَ عَلَى عِبَادِكَ
فِيهِ الصَّيَّامَ ، أَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هَذَا الْعَامِ وَفِي كُلِّ عَامٍ ، وَاعْفِرْ

١ . مصباح المتهجد: ٦٢٠/٦٩٩ ، الإقبال: ١/٢١٢ ، المعصباح للكفعمي: ٨٢٩ ، البلد الأمين: ٢٢٩ كلها نحوه .

خداوندا! بر علی بن محمد، پیشوای مسلمانان، درود فرست و با هر که با او دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنش است، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد، دو چندان کن!

خداوندا! بر حسن بن علی، پیشوای مسلمانان، درود فرست و با هر که با او دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنش است، دشمن باش و عذاب هر که را بر او ستم کرد، دو چندان کن!

خداوندا! بر جانشین پس از او، پیشوای مسلمانان، درود فرست و با هر که با او دوستی می‌کند، دوستی کن و با هر که دشمنش است، دشمن باش!

خداوندا! بر قاسم و طاهر، پسران پیامبرت، درود فرست!

خداوندا! بر رقیه، دختر پیامبرت، درود فرست و هر که پیامبرت را درباره او آزار داد، لعنت کن!

خداوندا! بر امّ کلثوم، دختر پیامبرت، درود فرست و هر که پیامبرت را درباره او آزار داد، لعنت کن!

خداوندا! بر فرزندان پیامبرت درود فرست!

خداوندا! پیامبرت را درباره خاندانش جانشینی (سرپرستی) کن!

خداوندا! آنان را در روی زمین، قدرت و توان ببخش!

خداوندا! ما را از شمار آنان و مددکاران و یارانِ برحق آنان در نهان و آشکار، قرار بده!

خداوندا! خونخواه آنان باش و از ما و آنان و از هر مرد و زن مؤمن، ستم هر تجاوزگر سرکش و هر جنبنده‌ای را که اختیارش در دست توست، باز بدار! همانا قدرت تو، بیشتر و بازدارندگی و عبرت‌دهی تو، سخت‌تر است».

د - دعای «اللّٰهُمَّ رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ»

۵۱۲. البلد الامین: سپس دعایی را بخوان که سید علی بن الحسین بن باقی^{علیه السلام} آن را در کتابش (الاختیار) نقل کرده است. روایت شده که هر کس آن را در هر روز از ماه رمضان بخواند، خداوند گناهان چهل سال او را می‌آمرزد. آن دعا، این است:

«خداوندا! ای پروردگار ماه رمضان که در آن قرآن را نازل کرده و روزه‌داری

لِي الذُّنُوبِ الْعِظَامِ ؛ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ^١.

هـ- دُعَاءُ آخِرُ لِكُلِّ يَوْمٍ

٥١٣. مصباح المتهجد: وَيَدْعُو أَيْضاً فِي كُلِّ يَوْمٍ بِهَذَا الدُّعَاءِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلُّ فَضْلِكَ فَاضِلٌ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعَمِّهِ وَكُلُّ رِزْقِكَ عَامٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِأَهْنَيْهِ وَكُلُّ عَطَائِكَ هَنِيءٌ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلُّ إِحْسَانِكَ حَسَنٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِحْسَانِكَ كُلِّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ ، فَأَجِبْنِي يَا اللَّهُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُتَرْضَى وَرَسُولِكَ الْمُصْطَفَى وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ دُونَ خَلْقِكَ ، وَنَجِيِّكَ مِنْ عِبَادِكَ وَنَيْتِكَ بِالْصِّدْقِ وَحَبِيبِكَ .

وَصَلِّ عَلَى رَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّراجِ الْمُنِيرِ ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَحَبَّبْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ ، وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنَبِّئُونَ عَنْكَ بِالْصِّدْقِ ، وَعَلَى رُسُلِكَ الَّذِينَ خَصَّصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ بِرِسَالَاتِكَ وَعَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ ، الْأَيْمَةِ الْمُهْتَدِينَ الرَّاشِدِينَ ، وَأَوْلِيائِكَ الْمُطَهَّرِينَ ، وَعَلَى جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ ، وَمَالِكِ خَازِنِ النَّارِ ، وَرِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَانِ ، وَرُوحِ الْقُدُسِ ، وَالرُّوحِ الْأَمِينِ ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَعَلَى

١. البلد الأمين: ٢٢٣، المصباح للكفعمي: ٨١٧، المزار الكبير: ٦٢٨.

در آن را بر بندگانت واجب ساخته‌ای! امسال و همه سال، حج خانه خودت را روزی‌ام کن و گناهان بزرگ مرا بیامرز؛ چرا که جز تو، آنها را نمی‌آمرزد، ای صاحب شکوه و بزرگواری!».

هـ- دعایی دیگر برای هر روز

۵۱۳. مصباح المتهجد: نیز هر روز، روزه‌دار، این دعا را بخواند:

«خداوندا! از احسان تو، بهترینش را می‌خواهم و همه احسان تو، نیکوست. خداوندا! من از تو، همه احسان تو را می‌خواهم.

خداوندا! من از روزی تو، فراگیرترینش را می‌خواهم و همه روزی تو، فراگیر است. خداوندا! من از تو، همه روزی تو را می‌خواهم.

خداوندا! من از بخشش تو، گواراترینش را می‌خواهم و همه بخشش تو، گواراست. خداوندا! من از تو، همه بخشش تو را می‌خواهم.

خداوندا! من از خیر تو، نزدیک‌ترینش را می‌خواهم و همه خیر تو، نزدیک است. خداوندا! من از تو همه خیر تو را می‌خواهم.

خداوندا! من از نیکی تو، بهترینش را می‌خواهم و همه نیکی تو، زیباست. خداوندا! من از تو، همه نیکی تو را می‌خواهم.

خداوندا! تو را به چیزی می‌خوانم که هر گاه تو را به آن بخوانم، جوابم می‌دهی. پس، خداوندا! جوابم ده و بر بنده پسندیده و فرستاده برگزیده‌ات، محمد، امین تو و محرم رازت (از میان همه آفریدگانت) و برگزیده‌ات (از میان بندگانت) و پیامبر راستین و محبوبت، درود فرست!

و بر پیامبرت، برگزیده از میان جهانیان، بشارت‌دهنده بیم‌دهنده، چراغ فروزان، درود فرست و نیز بر خاندان او که نیکان و پاکان‌اند، و بر فرشتگانت که آنان را ویژه خود گردانده و از بندگانت پوشانده‌ای، و بر پیامبرانت که صادقانه از تو خبر می‌دهند، و بر فرستادگانت که آنان را مخصوص وحی خود ساخته‌ای و با رسالت‌های خود آنان را بر جهانیان برتری داده‌ای، و بر بندگان شایسته‌ات که آنان را در رحمت خویش وارد کرده‌ای، [همان] پیشوایان هدایت‌یافته راهنما و دوستان پاک خود، و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و فرشته مرگ و «مالک» که نگهبان دوزخ است و «رضوان» که نگهبان بهشت است، و بر روح القدس و روح‌الآمین و حاملان مقرب عرشت و دو فرشته‌ای

الْمَلَائِكَةِ الْحَافِظِينَ عَلَيَّ ، بِالصَّلَاةِ الَّتِي تُحِبُّ أَنْ يُصَلِّيَ بِهَا عَلَيْهِمْ أَهْلُ
السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِينَ ، صَلَاةً طَيِّبَةً كَثِيرَةً مُبَارَكَةً زَاكِئَةً نَامِيَةً ، ظَاهِرَةً
بَاطِنَةً شَرِيفَةً فَاضِلَةً ، تُبَيِّنُ بِهَا فَضْلَهُمْ عَلَيَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ .

اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَاجْزِهِ عَنَّا خَيْرَ مَا
جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ ، اللَّهُمَّ وَأَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ كُلِّ زُلْفَةٍ
زُلْفَةً ، وَمَعَ كُلِّ وَسِيلَةٍ وَسِيلَةً ، وَمَعَ كُلِّ فَضِيلَةٍ فَضِيلَةً ، وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ
شَرَفًا ! تُعْطِي^١ مُحَمَّدًا وَآلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ أَحَدًا مِنَ
الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَدْنَى
الْمُرْسَلِينَ مِنْكَ مَجْلِسًا ، وَأَفْضَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلًا ، وَأَقْرَبَهُمْ إِلَيْكَ
وَسِيلَةً ، وَاجْعَلْهُ أَوَّلَ شَافِعٍ وَأَوَّلَ مُسْتَجِبٍ وَأَوَّلَ قَائِلٍ وَأَنْجَحَ سَائِلٍ وَابْعَثْهُ
الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي يَغِيْطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَسْمَعَ صَوْتِي
وَتُجِيبَ دَعْوَتِي وَتَجَاوِزَ عَنِّي عَظِيئَتِي وَتَصْفَحَ عَنِّي ظُلْمِي ، وَتُنَجِّحَ طَلِبَتِي
وَتَقْضِيَ حَاجَتِي وَتُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي ، وَتُقْبِلَ عَثْرَتِي وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي ،
وَتَسْعِفُو عَنِّي جُرْمِي ، وَتَقْبَلَ عَمَلِي وَلَا تُعْرِضَ عَنِّي ، وَتَرْحَمْنِي
وَلَا تُعَذِّبْنِي ، وَتُعَافِيَنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي ، وَتَرْزُقْنِي مِنَ الرِّزْقِ الطَّيِّبِ وَأَوْسَعِهِ
وَلَا تَحْرِمْنِي يَا رَبِّ ، وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَضَعْ عَنِّي وَزْرِي ، وَلَا تُحَمِّلْنِي
مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ !

يَا مَوْلَايَ وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

١ . في بحار الأنوار : «اللهم أعط» .

که بر من گماشته شده‌اند؛ درودی که دوست داری آسمانیان و زمینیان، آن گونه بر آنان درود فرستند: درودی پاک، فراوان، خجسته، رشدیابنده، آشکار، پنهان، نیکو، و بافضیلت، تا بدین وسیله، برتری آنان را بر اولین و آخرین، روشن سازی!

خداوندا! به محمد، وسیله شرافت و فضیلت عطا کن و او را از سوی ما به بهترین پاداشی که به پیامبری از سوی امتش می‌دهی، پاداش ده! خداوندا! محمد را - که درود خدا بر او و خاندانش باد - با هر رتبه‌ای، رتبه‌ای دیگر؛ و با هر وسیله‌ای، وسیله‌ای دیگر؛ و با هر فضیلتی، فضیلتی بالاتر؛ و با هر شرافتی، شرافتی دیگر عطا کن! روز قیامت، محمد و خاندانش را عطا کن بهترین چیزی را که به هر یک از اولین و آخرین، عطا کرده‌ای!

خداوندا! محمد را - که درود خدا بر او و خاندانش باد - نزدیک‌ترین پیامبران به خودت از جهت جایگاه، و وسیع‌ترین آنان در بهشت از جهت منزل، و نزدیک‌ترین آنان از جهت وسیله، قرار بده! او را اولین شفاعت‌کننده و اولین کسی که شفاعتش پذیرفته است و اولین گوینده و کامیاب‌ترین خواهنده، قرار بده و او را به مقام پسندیده (مقام شفاعت) که مایه رشک اولین و آخرین است، برسان، ای مهربان‌ترین مهربانان!

و از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و صدایم را بشنوی و دعایم را پاسخ دهی و از خطایم درگذری و ستم مرا ببخشی و خواسته‌ام را برآوری و نیازم را برطرف کنی و آنچه را وعده‌ام داده‌ای، وفا کنی و لغزشم را ببخشایی و گناهانم را بیامرزی و جرمم را عفو کنی و عملم را قبول کنی و از من روی نگردانی، و مرا رحمت کنی نه عذاب، و عافیتم بخشی نه بلا، و پاکیزه‌ترین و وسیع‌ترین روزی را روزی‌ام کنی و نیز - پروردگارا - محرومم نسازی و بدهی‌ام را ادا کنی و بار [گناهم] را از دوشم برگیری و آنچه طاقتش را ندارم، بر دوشم ننهی.

سرورم! مرا در هر چیزی که محمد و خاندان محمد را در آن وارد کرده‌ای، وارد ساز، و از هر بدی که محمد و خاندان محمد را - که درود و سلام و رحمت و برکات تو بر او و آنان باد - از آن بیرون آورده‌ای، بیرونم آورا! سپس بگو:

«خداوندا! تو را می‌خوانم، آن گونه که فرمانم داده‌ای. پس، اجابت‌کن، آن گونه که وعده‌ام داده‌ای» (سه بار).

ثُمَّ قُلْ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي ، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي - ثَلَاثًا - .
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ
قَدِيمٌ ، وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ ، فَأَمْنُنْ عَلَيَّ بِهِ إِنَّكَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .^١

٥/٣

دَعَاءُ الْجُوشَنِ الْكَبِيرِ

٥١٤ . الإمام زين العابدين عن أبيه عن جده عليه السلام : نَزَلَ جَبْرَائِيلُ عليه السلام عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَهُوَ فِي
بَعْضِ غَزَوَاتِهِ وَعَلَيْهِ جُوشَنُ ثَقِيلٌ أَلْمَهُ ثِقَلُهُ ، وَقَالَ : « يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُقَرِّئُكَ
السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ : اِخْلَعْ هَذَا الْجُوشَنَ وَاقْرَأْ هَذَا الدُّعَاءَ ، فَهُوَ أَمَانٌ لَكَ
وَلَا مُتَّكَ : فَمَنْ قَرَأَهُ عِنْدَ خُرُوجِهِ مِنْ مَنْزِلِهِ أَوْ حَمَلَهُ ، حَفِظَهُ اللَّهُ وَأَوْجَبَ حَقَّهُ
عَلَيْهِ ، وَوَفَّقَهُ اللَّهُ تَعَالَى لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ

وَمَنْ دَعَا بِهِ بِنِيَّةٍ خَالِصَةٍ فِي أَوَّلِ شَهْرِ رَمَضَانَ رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى لَيْلَةَ الْقَدْرِ ،
وَخَلَقَ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَيُقَدِّسُونَهُ ، وَجَعَلَ ثَوَابَهُمْ لَهُ . [يَا
مُحَمَّدُ ، مَنْ دَعَا بِهِ لَمْ يَبْقَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى حِجَابٌ ، وَلَمْ يَطْلُبْ مِنَ اللَّهِ
تَعَالَى شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ]^٢

وَمَنْ دَعَا بِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ [أَوْ مَرَّةً وَاحِدَةً]^٣ حَرَّمَ اللَّهُ

١ . مصباح المنهج : ٦٢٣ / ٧٠٠ ، تهذيب الأحكام : ١٢١ / ٣ ، الإقبال : ٢١٦ / ١ ، المصباح للكفعمي : ٨٢٣ كلها

من دون إسناد إلى المعصوم ، بحار الأنوار : ١١١ / ٩٨ .

٢ . ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

٣ . ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

«خداوندا! از تو اندکی از بسیار را می‌خواهم، با آن که نیازم به تو بسیار بزرگ است و بی‌نیازی تو از آن، دیرین است و آن خواسته نزد من، بسیار؛ ولی بر تو، آسان و اندک است. پس با اجابت این خواسته، بر من منت بگذار! همانا تو بر هر چیز، توانایی. آمین، ای پروردگار جهانیان!».

۵/۳

دعای جوشن کبیر

۵۱۴. امام سجّاد علیه السلام - به نقل از پدرش، از جدّش علیه السلام - : در یکی از جنگ‌ها که پیامبر خدا زره سنگینی در بر داشت و سنگینی آن آزارش می‌داد، جبرئیل بر ایشان نازل شد و گفت: «ای محمّد! پروردگارت سلام می‌رساند و می‌فرماید: این زره را بر کن و این دعا را بخوان، که برای تو و امت تو، مایه ایمنی است. هر کس آن را در هنگام بیرون آمدن از خانه بخواند یا با خود داشته باشد، خداوند او را حفظ می‌کند و حق او را بر خود لازم می‌سازد و او را به کارهای شایسته موفق می‌دارد....»

و هر کس با نیت خالص، آن را در آغاز ماه رمضان بخواند، خداوند متعال، شب قدر را روزی او می‌کند و برایش هفتاد هزار فرشته می‌آفریند که خدا را تسبیح می‌گویند و تقدیس می‌کنند و پاداش آنان را برای او قرار می‌دهد.

ای محمّد! هر کس این دعا را بخواند، میان او و خدای متعال، حجابی نمی‌ماند و از خداوند، چیزی درخواست نمی‌کند، مگر آن که خدا آن را به وی عطا می‌کند....

و هر کس آن را در ماه رمضان سه بار^۱ [یا یک بار] بخواند، خداوند بدن او

۱. به نظر می‌رسد که این دعا، مخصوص ماه رمضان نیست؛ لیکن بر خواندن آن در اوّل ماه رمضان، همچنین سه بار خواندنش در این ماه، تأکید شده است. از این رو، دلیلی بر قرار دادن این دعا در اعمال شب‌های قدر نیست. البته علامه مجلسی در زاد المعاد (ص ۱۷۶) چنین گفته است: «در برخی روایات، خواندن دعای جوشن کبیر در هر یک از این سه شب، آمده است». گفتنی است که مرحوم شیخ عبّاس قمی در مفاتیح الجنان می‌فرماید: «در روایات، چیزی نیست که به استحباب خواندن این دعا در شب‌های قدر اشاره کند؛ لیکن سخن علامه مجلسی در زاد المعاد در این زمینه کافی است». نگارنده گوید: بعید است که علامه مجلسی در این باره به روایت دیگری دست یافته باشد و به نظر می‌رسد که ایشان، جمله: «هر کس آن را در ماه رمضان سه بار بخواند» را بر شب‌های قدر تطبیق کرده است که اشکال آن، پوشیده نیست. روشن است که خواندن این دعا در شب‌های قدر، به قصد قربت مطلق، کاری پسندیده است، همان گونه که در ایران معمول است.

تَعَالَى جَسَدُهُ عَلَى النَّارِ، وَأَوْجَبَ لَهُ الْجَنَّةَ، وَوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَسْلِكِينَ يَحْفَظَانِهِ مِنَ الْمَعَاصِي، وَكَانَ فِي أَمَانِ اللَّهِ طَوْلَ حَيَاتِهِ، يَا مُحَمَّدُ، وَلَا تُعَلِّمُهُ إِلَّا لِمُؤْمِنٍ تَقِيٍّ».

قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام: أَوْصَانِي أَبِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بِحِفْظِ هَذَا الدُّعَاءِ وَتَعْظِيمِهِ، وَأَنْ أَكْتُبَهُ عَلَى كَفِّهِ، وَأَنْ أَعَلِّمَهُ أَهْلِي وَأَحْتَتُمْ عَلَيْهِ، وَهُوَ أَلْفُ اسْمٍ وَفِيهِ الْإِسْمُ الْأَعْظَمُ^١.

٥١٥. المصباح للكفعمي: دُعَاءُ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ مَرْوِيُّ عَنْ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَهُوَ مِئَةُ فَصْلِ كُلِّ فَصْلٍ عَشْرَةُ أَسْمَاءٍ، وَتَقُولُ فِي آخِرِ كُلِّ فَصْلٍ مِنْهَا:

سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثُ الْغَوْثُ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ.

الْأَوَّلُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا كَرِيمُ،

يَا مُقِيمُ، يَا عَظِيمُ، يَا قَدِيمُ، يَا عَلِيمُ، يَا حَلِيمُ، يَا حَكِيمُ.

الثَّانِي: يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ، يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ، يَا

وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ، يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ، يَا مُعْطِيَ الْمَسْأَلَاتِ، يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ،

يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ، يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ، يَا دَافِعَ الْبَلَيَاتِ.

الثَّالِثُ: يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، يَا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ، يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ، يَا خَيْرَ

الْحَاكِمِينَ، يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ، يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ، يَا خَيْرَ الْحَامِدِينَ، يَا خَيْرَ

الذَّاكِرِينَ، يَا خَيْرَ الْمُنْزِلِينَ، يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ.

الرَّابِعُ: يَا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمَالُ، يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ، يَا مَنْ لَهُ

الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ، يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِي، يَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثَّقَالِ، يَا

مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ، يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ، يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ

١. المصباح للكفعمي: ٣٣٢ أورده في الحاشية. بحار الأنوار: ٣٨٢/٩٤ وج ٣٢/٣٣١/٨١.

را بر آتش، حرام می‌کند و بهشت را برایش حتمی می‌سازد و دو فرشته بر او می‌گمارد که از گناهان نگاهش دارند و تا زنده است، در امان خدا خواهد بود. ای محمدا آن را جز به مؤمن پرهیزگار، نیاموز.»

امام حسین علیه السلام فرمود: «پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام، مرا به حفظ و بزرگداشت این دعا توصیه فرمود و نیز این که آن را بر کفن او بنویسم و آن را به خانواده‌ام بیاموزم و بر خواندنش تشویق کنم. این دعا، هزار نام است و اسم اعظم، در آن است.»

۵۱۵. المصباح کفعمی^۱: دعای جوشن کبیر، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است و صد بخش است و هر بخشی ده نام است و در آخر هر بخش آن، می‌گویی: «سبحانک یا لا إله إلا أنت! الغوث، الغوث، الغوث، خَلَصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ! منزهی تو، ای آن که معبودی جز تو نیست! به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس. پروردگارا! ما را از آتش، نجات بده.»

یکم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای خداوند، ای بخشایشگر، ای مهربان، ای بزرگوار، ای برپادارنده، ای بزرگ، ای دیرین، ای دانا، ای بردبار، ای حکیم!»

دوم. «ای سرور سروران، ای اجابت‌کننده دعاها، ای بالابرنده رتبه‌ها، ای سرپرست نیکی‌ها، ای آمرزنده خطاها، ای برآورنده خواسته‌ها، ای پذیرنده توبه‌ها، ای شنوای صداها، ای دانای نهان‌ها، ای زداینده بلاها!»

سوم. «ای بهترین آمرزندگان، ای بهترین گشاینده‌گان، ای بهترین یاوران، ای بهترین داوران، ای بهترین روزی‌دهندگان، ای بهترین میراث‌بران، ای بهترین ستایشگران، ای بهترین یادآوران، ای بهترین نازل‌کنندگان، ای بهترین نیکوکاران!»

چهارم. «ای که عزّت و زیبایی، از آن اوست؛ ای که قدرت و کمال، از آن اوست؛ ای که فرمان‌روایی و جلال، از آن اوست؛ ای آن که بزرگ و والاست؛ ای پدیدآورنده ابرهای سنگین و پر بار؛ ای آن که سخت‌کیفر است؛ ای آن که زودحسابگر است؛ ای آن که عقوبتش دشوار است؛ ای آن که پاداش نیکو، نزد

۱. در البلد الأمين آمده است: «دعای جوشن کبیر، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است و صد بخش دارد و هر بخشی، ده نام است. در آغاز هر بخش، بسم الله الرحمن الرحیم می‌گویی و در آخر هر بخش می‌گویی: سبحانک یا لا إله إلا أنت، الغوث، الغوث، صلّ علی محمّد و آله و خلّصنا من النار یا ربّ، یا ذا الجلال و الإکرام، یا أرحم الراحمین.»

العقاب ، يا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ، يا مَنْ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ .

الخامس : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَنَّانُ ، يَا مَنَّانُ ، يَا ذِيانُ ، يَا بُرْهَانَ ، يَا سُلْطَانَ ، يَا رِضْوَانَ ، يَا غُفْرَانَ ، يَا مُبْحَانَ ، يَا مُسْتَعَانَ ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْيَمَانِ .

السادس : يا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ ، يا مَنْ اسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ ، يا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ ، يا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ ، يا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ ، يا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ ، يا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ ، يا مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِإِذْنِهِ ، يا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ ، يا مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ .

السابع : يا غَافِرَ الْخَطَايَا ، يا كَاشِفَ التَّلَايَا ، يا مُنْتَهَى الرَّجَايَا ، يا مُجِرِلَ الْعَطَايَا ، يا وَاهِبَ الْهَدَايَا ، يا رَازِقَ الْبَرَايَا ، يا قَاضِيَ الْمَنَايَا ، يا سَامِعَ الشَّكَايَا ، يا بَاعِثَ الْبَرَايَا ، يا مُطْلِقَ الْأَسَارِي .

الثامن : يا ذَا الْحَمْدِ وَالثَّنَاءِ ، يا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ يا ذَا الْمَجْدِ وَالسَّنَاءِ ، يا ذَا الْعَهْدِ وَالْوَفَاءِ ، يا ذَا الْعَفْوِ وَالرِّضَاءِ ، يا ذَا الْمَنِّ وَالْعَطَاءِ ، يا ذَا الْفَصْلِ وَالْقَضَاءِ ، يا ذَا الْعِزِّ وَالْبَقَاءِ ، يا ذَا الْجُودِ وَالسَّخَاءِ ، يا ذَا الْإِلَاءِ وَالنِّعْمَاءِ .
التاسع : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَانِعٌ ، يَا دَافِعٌ ، يَا رَافِعٌ ، يَا صَانِعٌ ، يَا نَافِعٌ ، يَا سَامِعٌ ، يَا جَامِعٌ ، يَا شَافِعٌ ، يَا وَاسِعٌ ، يَا مُوسِعٌ .

العاشر : يا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ ، يا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ ، يا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ ، يا مَالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ ، يا كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ ، يا فَارِجَ كُلِّ مَهْمُومٍ ، يا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ ، يا نَاصِرَ كُلِّ مَخْذُوعٍ ، يا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ ، يا مُلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ .

اوست؛ ای آن که اصل علوم و حقایق، پیش اوست».

پنجم. «خداوندا! تو را به نامت می خوانم: ای مهرورز، ای نعمت بخش، ای پاداش دهنده، ای برهان، ای حاکم، ای مایه خرسندی، ای آمرزنده، ای وارسته، ای یاری خواسته شده، ای صاحب نعمت و بخشنده نعمت بیان».

ششم. «ای آن که هر چیزی در برابر عظمتش فروتن است، ای آن که هر چیزی تسلیم قدرت اوست، ای آن که هر چیزی در برابر قدرتش ذلیل است، ای آن که هر چیزی در برابر هیبتش خاضع است، ای آن که هر چیزی رام خشیت اوست، ای آن که کوه ها از بیم او از هم می شکافند، ای آن که آسمان ها به فرمان او برپایند، ای آن که زمین ها به اذن او پابرجایند، ای آن که رعذ تسبیحگوی حمد اوست، ای آن که بر اهل مملکت خویش ستم نمی کند».

هفتم. «ای بخشاینده خطاها، ای زداینده بلاها، ای نهایت آرزوها، ای افزون کننده عطاها، ای بخشنده هدایا، ای روزی بخش بندگان، ای برآورنده آرزوها، ای شنوای شکوه ها، ای برانگیزنده آفریده ها، ای آزادکننده اسیران».

هشتم. «ای صاحب ستایش و ثنا، ای صاحب فخر و شکوه، ای صاحب والایی و بزرگی، ای صاحب عهد و وفا، ای صاحب بخشایش و رضا، ای صاحب نعمت و عطا، ای صاحب تفکیک و تقدیر، ای صاحب عزت و جاودانگی، ای صاحب سخاوت و بخشندگی، ای صاحب موهبت ها و نعمت ها».

نهم. «خداوندا! تو را می خوانم، ای بازدارنده، ای زداینده، ای بالابرنده، ای آفریننده، ای سودرساننده، ای شنونده، ای گردآورنده، ای شفاعت پذیرنده، ای گسترده رحمت، ای گسترنده».

دهم. «ای پدیدآورنده هر پدیده، ای آفریننده هر آفریده، ای روزی رسان هر روزی خورنده، ای صاحب هر بنده، ای زداینده هر غصه، ای گشاینده هر غم زده، ای رحم کننده هر رحمت شده، ای یاور هر بی کس، ای پوشاننده هر عیناک، ای پناهگاه هر رانده شده».

الحادي عشر: يا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي ، يا رَجَائِي عِنْدَ مُصِيبَتِي ، يا
مُؤْنِسِي عِنْدَ وَحْشَتِي ، يا صَاحِبِي عِنْدَ غُرْبَتِي ، يا وَلِيَّتِي عِنْدَ نِعْمَتِي ، يا
غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي ، يا ذَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي ، يا غِنَائِي عِنْدَ اِفْتِقَارِي ، يا
مَلَجَّتِي عِنْدَ اضْطِرَارِي ، يا مُعِينِي عِنْدَ مَفْرَعِي .

الثاني عشر: يا عَلَامَ الْغُيُوبِ ، يا عَفَّارَ الذُّنُوبِ ، يا سِتَّارَ الْغُيُوبِ ، يا
كَاشِفَ الْكُرُوبِ ، يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ، يا طَبِيبَ الْقُلُوبِ ، يا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ ،
يا أُنِيسَ الْقُلُوبِ ، يا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ ، يا مُنْقِصَ الْغُمُومِ .

الثالث عشر: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا جَلِيلُ ، يَا جَمِيلُ ، يَا وَكِيلُ ، يَا
كَفِيلُ ، يَا ذَلِيلُ ، يَا قَبِيلُ ، يَا مُدِيلُ ، يَا مُنِيلُ ، يَا مُقِيلُ ، يَا مُحِيلُ .

الرابع عشر: يا ذَلِيلَ الْمُتَحَيِّرِينَ ، يا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ، يا صَرِيحَ
الْمُسْتَصْرِخِينَ ، يا جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ ، يا أَمَانَ الْخَائِفِينَ ، يا عَوْنَ
الْمُؤْمِنِينَ ، يا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ ، يا مَلَجَأَ الْعَاصِينَ ، يا غَافِرَ الْمُذْنِبِينَ ، يا
مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ .

الخامس عشر: يا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ ، يا ذَا الْفَضْلِ وَالْإِمْتِنَانِ ، يا ذَا
الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ ، يا ذَا الْقُدُسِ وَالسُّبْحَانِ ، يا ذَا الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ ، يا ذَا
الرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ ، يا ذَا الْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ ، يا ذَا الْعِظَمَةِ وَالسُّلْطَانِ ، يا ذَا
الرَّأْفَةِ وَالْمُسْتَعَانِ ، يا ذَا الْعَفْوِ وَالْغُفْرَانِ .

السادس عشر: يَا مَنْ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ، يَا مَنْ هُوَ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ ، يَا مَنْ
هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ، يَا مَنْ هُوَ صَانِعُ كُلِّ شَيْءٍ ، يَا مَنْ هُوَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ، يَا
مَنْ هُوَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ، يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ ، يَا مَنْ هُوَ عَالِمٌ بِكُلِّ
شَيْءٍ ، يَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ، يَا مَنْ هُوَ بَاقِي وَيَقْنِي كُلِّ شَيْءٍ .

السابع عشر: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُؤْمِنُ ، يَا مُهَيِّمُ ، يَا مُكَوِّنُ ،

یازدهم. «ای پشوانه من در هنگام سختی ام، ای امید من در هنگام مصیبت، ای همدم من در هنگام وحشت، ای همنشین من در هنگام غربت، ای سرپرست من در هنگام نعمت داری ام، ای پناه من در هنگام گرفتاری ام، ای راهنمای من در هنگام سرگردانی ام، ای مایه بی نیازی من در هنگام نیازمندی ام، ای پناهگاه من در هنگام درماندگی ام، ای یاور من در هنگام هراسانی ام!».

دوازدهم. «ای دانای غیبها، ای آمرزنده گناهها، ای پوشاننده عیبها، ای زداینده سختیها، ای دگرگون ساز دلها، ای طبیب قلبها، ای روشنگر دلها، ای همدم دلها، ای از بین برنده غمها، ای زداینده اندوهها!».

سیزدهم. «خداوندا! تو را به نامت می خوانم: ای با عظمت، ای زیبا، ای نگهدار، ای عهده دار، ای راهنما، ای روی آور به هستی، ای چیره بر قدرت ها، ای عطابخش، ای پوزش پذیر، ای کارساز عالم!».

چهاردهم. «ای رهنمای سرگشتگان، ای فریادرس یاری خواهان، ای دادرس دادخواهان، ای پناه پناهجویان، ای امان ترسانان، ای یاور مؤمنان، ای ترحم کننده بر بینوایان، ای پناهگاه گنهکاران، ای آمرزنده خطاکاران، ای پاسخگوی دعای درماندگان!».

پانزدهم. «ای صاحب بخشنده و نیکی، ای صاحب نعمت و منت، ای صاحب امنیت و امان، ای صاحب قداست و پاکی، ای صاحب حکمت و گویایی، ای صاحب رحمت و رضوان، ای صاحب حجت و برهان، ای صاحب عظمت و فرمانروایی، ای صاحب عطوفت و یاری رسانی، ای صاحب گذشت و آمرزش!».

شانزدهم. «ای آن که پروردگار هر چیز است، ای آن که معبود هر چیز است، ای آن که آفریننده هر چیز است، ای آن که پدیدآورنده هر چیز است، ای آن که پیش از هر چیز [بوده] است، ای آن که پس از هر چیز است، ای آن که برتر از هر چیز است، ای آن که دانا به هر چیز است، ای آن که توانای بر هر چیز است، ای آن که می ماند و هر چیزی فانی می شود!».

هفدهم. «خداوندا! تو را به نامت می خوانم: ای ایمنی بخش، ای مقتدر،

يا مُلْكُنْ ، يا مُبَيِّنُ ، يا مُهَوِّنُ ، يا مُمَكِّنُ ، يا مُزَيِّنُ ، يا مُعَلِّنُ ، يا مُقَسِّمُ .
 الثَّامِنَ عَشَرَ : يا مَنْ هُوَ فِي مُلْكِهِ مُقِيمٌ ، يا مَنْ هُوَ فِي سُلْطَانِهِ قَدِيمٌ ، يا
 مَنْ هُوَ فِي جَلَالِهِ عَظِيمٌ ، يا مَنْ هُوَ عَلَى عِبَادِهِ رَحِيمٌ ، يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمٌ ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ ، يا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ ، يا مَنْ هُوَ
 فِي صُنْعِهِ حَكِيمٌ ، يا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ لَطِيفٌ ، يا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ قَدِيمٌ .
 التَّاسِعَ عَشَرَ : يا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ ، يا مَنْ لَا يُسَأَلُ إِلَّا عَفْوُهُ ، يا مَنْ
 لَا يُنْظَرُ إِلَّا بِرُّهُ ، يا مَنْ لَا يُخَافُ إِلَّا عَدْلُهُ ، يا مَنْ لَا يَدُومُ إِلَّا مُلْكُهُ ، يا مَنْ
 لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانُهُ ، يا مَنْ وَسِعَتْ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ ، يا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ
 غَضَبَهُ ، يا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمُهُ ، يا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ مِثْلَهُ .

العِشْرُونَ : يا فَارِجَ الْهَمِّ ، يا كَاشِفَ الْغَمِّ ، يا غَافِرَ الذَّنْبِ ، يا قَابِلَ
 التَّوْبِ ، يا خَالِقَ الْخَلْقِ ، يا صَادِقَ الْوَعْدِ ، يا مُوفِيَّ الْعَهْدِ ، يا عَالِمَ السِّرِّ ،
 يا فَالِقَ الْحَبِّ ، يا رَازِقَ الْأَنَامِ .

الحَادِي وَالْعِشْرُونَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَلِيُّ ، يَا وَفِيُّ ، يَا غَنِيُّ ،
 يَا مَلِيٍّ ، يَا حَفِيٍّ ، يَا رَضِيٍّ ، يَا زَكِيٍّ ، يَا بَدِيٍّ ، يَا قَوِيٍّ ، يَا وَلِيٍّ .

الثَّانِي وَالْعِشْرُونَ : يا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ ، يا مَنْ سَتَرَ الْقَبِيحَ ، يا مَنْ لَمْ
 يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ ، يا مَنْ لَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ ، يا عَظِيمَ الْعَفْوِ ، يا حَسَنَ
 التَّجَاوُزِ ، يا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ ، يا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ ، يا صَاحِبَ كُلِّ
 نَجْوَى ، يا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى .

الثَّالِثَ وَالْعِشْرُونَ : يا ذَا النُّعْمَةِ السَّابِقَةِ ، يا ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ ، يا ذَا الْمِنَّةِ
 السَّابِقَةِ ، يا ذَا الْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ ، يا ذَا الْقُدْرَةِ الْكَامِلَةِ ، يا ذَا الْحُجَّةِ الْقَاطِعَةِ ،
 يا ذَا الْكِرَامَةِ الظَّاهِرَةِ ، يا ذَا الْعِزَّةِ الدَّائِمَةِ ، يا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينَةِ ، يا ذَا الْعِظَمَةِ
 الْمَنْيَعَةِ .

ای هستی بخش، ای تلقین کننده، ای روشنگر، ای آسان ساز، ای قدرت بخش، ای آراسته ساز، ای آشکار کننده، ای تقسیم کننده!.

هجدهم. «ای آن که در فرمان‌روایی‌اش پایدار است، ای آن که در حکومتش دیرین است، ای آن که در شکوهش بزرگ است، ای آن که به بندگانش مهربان است، ای آن که به هر چیزی داناست، ای آن که به نافرمانش بردبار است، ای آن که به امیدوارش بخشنده است، ای آن که در آفرینش خود حکیم است، ای آن که در حکمتش با لطف است، ای آن که در لطف و رحمتش دیرین است!.

نوزدهم. «ای آن که جز به احسان او امید نیست، ای آن که جز بخشایش او را نخواهند، ای آن که جز به نیکی او چشم امید نیست، ای آن که جز از عدالتش بیمی نیست، ای آن که جز فرمان‌روایی او پایدار نیست، ای آن که حکومتی جز حکومتش نیست، ای آن که رحمتش فراگیر هر چیز است، ای آن که رحمتش پیش از خشم اوست، ای آن که دانشش دربرگیرنده هر چیز است، ای آن که هیچ کس همچون او نیست!.

بیستم. «ای زدايننده اندوه، ای برطرف ساز غم، ای آمرزنده گناه، ای پذیرای توبه، ای آفریننده خلق، ای درست‌وعده، ای وفاکننده به پیمان، ای دانای نهان، ای شکافنده دانه، ای روزی بخش مردم!.

بیست و یکم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای والا، ای وفاکننده، ای بی‌نیاز، ای دارای مطلق، ای دانای مهربان، ای خرسند ساز، ای پاک، ای سرآغاز، ای نیرومند، ای سرپرست (عهده‌دار)!.

بیست و دوم. «ای آن که زیبایی را آشکار کرد، ای آن که زشتی را پوشاند، ای آن که بندگان را به گناه نگرفت، ای آن که پرده را ندرید، ای بزرگ‌بخشایش، ای نیکوگذشت، ای گسترده‌آمرزش، ای گشاده‌دست به رحمت، ای آگاه از هر راز نهان، ای نهایت هر شکوه و حاجتمندی!.

بیست و سوم. «ای صاحب نعمت سرشار، ای صاحب رحمت گسترده، ای صاحب نعمت پیشین، ای صاحب حکمت رسا، ای صاحب قدرت کامل، ای صاحب برهان محکم، ای صاحب بزرگواری آشکار، ای صاحب عزت ابدی، ای صاحب نیروی استوار، ای صاحب عظمت دست‌نیافتنی!.

الرَّابِعَ وَالْعِشْرُونَ: يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ ، يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ ، يَا رَاحِمَ
 الْعِبْرَاتِ ، يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ ، يَا سَاتِرَ الْقَوَارِ ، يَا مُحْيِيَ الْأَمْوَاتِ ، يَا مُنْزِلَ
 الْآيَاتِ ، يَا مُضَعِّفَ الْحَسَنَاتِ ، يَا مَاحِي السَّيِّئَاتِ ، يَا شَدِيدَ النَّقِمَاتِ .
 الْخَامِسَ وَالْعِشْرُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ ، يَا مُقَدِّرُ ،
 يَا مُدَبِّرُ ، يَا مُطَهِّرُ ، يَا مُنَوِّرُ ، يَا مُبَسِّرُ ، يَا مُنْذِرُ ، يَا مُقَدِّمُ ،
 يَا مُؤَخِّرُ .

الْسادِسَ وَالْعِشْرُونَ: يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ ، يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ ، يَا
 رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ ، يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ، يَا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ، يَا رَبَّ
 الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ، يَا رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ ، يَا رَبَّ النُّورِ وَالظُّلَامِ ، يَا رَبَّ
 التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ ، يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ .
 السَّابِعَ وَالْعِشْرُونَ: يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ، يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ ، يَا أَصْدَقَ
 الصَّادِقِينَ ، يَا أَطْهَرَ الطَّاهِرِينَ ، يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ، يَا أَسْرَعَ الْحَامِيبِينَ ، يَا
 أَسْمَعَ السَّامِعِينَ ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ ، يَا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ ، يَا أَكْرَمَ
 الْأَكْرَمِينَ .

الثَّامِنَ وَالْعِشْرُونَ: يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ ، يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ ، يَا ذُخْرَ
 مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ ، يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ ، يَا فَخْرَ مَنْ
 لَا فَخْرَ لَهُ ، يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ ، يَا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ ، يَا أُنَيْسَ مَنْ لَا أُنَيْسَ
 لَهُ ، يَا أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ .

التَّاسِعَ وَالْعِشْرُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَاصِمُ ، يَا قَائِمُ ، يَا دَائِمُ ،
 يَا رَاحِمُ ، يَا سَالِمُ ، يَا حَاكِمُ ، يَا عَالِمُ ، يَا قَاسِمُ ، يَا قَابِضُ ، يَا بَاسِطُ .
 الثَّلَاثُونَ: يَا عَاصِمَ مَنْ اسْتَعَصَمَهُ ، يَا رَاحِمَ مَنْ اسْتَرْحَمَهُ ، يَا غَافِرَ مَنْ

بیست و چهارم. «ای پدیدآورنده آسمان‌ها، ای آفریننده تاریکی‌ها، ای رحم‌کننده بر اشک‌ها، ای خطابخش لغزش‌ها، ای پوشاننده عیب‌ها، ای حیات‌بخش مرده‌ها، ای نازل‌کننده آیه‌ها، ای افزون‌ساز نیکی‌ها، ای زداینده گناه‌ها، ای سخت‌انتقام!».

بیست و پنجم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای صورت‌آفرین، ای تقدیرکننده، ای تدبیرکننده، ای پاک‌کننده، ای روشنی‌بخش، ای آسان‌ساز، ای بشارت‌دهنده، ای بیم‌دهنده، ای پیش‌اندازنده، ای تأخیر‌اندازنده!».

بیست و ششم. «ای پروردگار خانه گرامی (کعبه)، ای پروردگار ماه حرام، ای پروردگار شهر امن (مکه)، ای پروردگار رکن و مقام، ای پروردگار مشعر الحرام، ای پروردگار مسجد الحرام، ای پروردگار غیرحرم و حرم، ای پروردگار روشنی و تاریکی، ای پروردگار درود و سلام، ای پروردگار قدرت در میان مردم!».

بیست و هفتم. «ای برترین داوران، ای دادگسترین دادگران، ای راستگوترین راستگویان، ای پاک‌ترین پاکان، ای بهترین آفرینندگان، ای سریع‌ترین حسابگران، ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینندگان، ای شفاعت‌پذیرترین شفاعت‌پذیران، ای بزرگوارترین بزرگواران!».

بیست و هشتم. «ای تکیه‌گاه آن که بی‌تکیه‌گاه است، ای نگهدار آن که بی‌نگهدار است، ای ذخیره آن که بی‌پشتوانه است، ای نگهبان آن که بی‌نگهبان است، ای فریادرس آن که بی‌فریادرس است، ای فخر آن که بی‌افتخار است، ای عزت‌بخش آن که بی‌عزت است، ای یاری‌رسان آن که بی‌یاور است، ای همدم آن که بی‌همدم است، ای ایمنی‌بخش آن که بی‌ایمان است!».

بیست و نهم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای نگه‌دارنده، ای برپادارنده، ای همیشگی، ای صاحب رحمت، ای سلامت‌بخش، ای داور، ای دانا، ای تقسیم‌کننده، ای گیرنده، ای گشاینده!».

سی‌ام. «ای نگهدار آن که از او عصمت طلبد، ای ترحم‌کننده بر آن که از

اسْتَغْفِرُهُ ، يَا نَاصِرَ مَنْ اسْتَنْصَرَهُ ، يَا حَافِظَ مَنْ اسْتَحَفَّظَهُ ، يَا مُكْرِمَ مَنْ
اسْتَكْرَمَهُ ، يَا مُرْشِدَ مَنْ اسْتَرْشَدَهُ ، يَا صَرِيحَ مَنْ اسْتَصْرَحَهُ ، يَا مُعِينَ مَنْ
اسْتَعَانَهُ ، يَا مُغِيثَ مَنْ اسْتَغَاثَهُ .

الحادي والثلاثون: يَا عَزِيزاً لَا يُضَامُ ، يَا لَطِيفاً لَا يُرَامُ ، يَا قَيُّوماً
لَا يَنَامُ ، يَا دَائِماً لَا يَفُوتُ ، يَا حَيّاً لَا يَمُوتُ ، يَا قَلِيقاً لَا يَزُولُ ، يَا بَاقِياً
لَا يَفْنَى ، يَا عَالِماً لَا يَجْهَلُ ، يَا صَمِداً لَا يُطْعَمُ ، يَا قَوِيّاً لَا يُضْعَفُ .

الثاني والثلاثون: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا أَحَدُ ، يَا وَاحِدُ ، يَا شَاهِدُ ،
يَا مَاجِدُ ، يَا حَامِدُ ، يَا رَاشِدُ ، يَا بَاعِثُ ، يَا وَارِثُ ، يَا ضَارُّ ، يَا نَافِعُ .

الثالث والثلاثون: يَا أَعْظَمَ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ ، يَا أَكْرَمَ مِنْ كُلِّ كَرِيمٍ ، يَا
أَرْحَمَ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ ، يَا أَعْلَمَ مِنْ كُلِّ عَلِيمٍ ، يَا أَحْكَمَ مِنْ كُلِّ حَكِيمٍ ، يَا
أَقْدَمَ مِنْ كُلِّ قَدِيمٍ ، يَا أَكْبَرَ مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ ، يَا أَلْطَفَ مِنْ كُلِّ لَطِيفٍ ، يَا أَجَلَ
مِنْ كُلِّ جَلِيلٍ ، يَا أَعَزَّ مِنْ كُلِّ عَزِيزٍ .

الرابع والثلاثون: يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ ، يَا كَثِيرَ الْخَيْرِ ، يَا
قَدِيمَ الْفَضْلِ ، يَا دَائِمَ اللَّطْفِ ، يَا لَطِيفَ الصَّنْعِ ، يَا مُنْقِصَ الْكَرْبِ ، يَا
كَاشِفَ الضُّرِّ ، يَا مَالِكَ الْمُلْكِ ، يَا قَاضِيَ الْحَقِّ .

الخامس والثلاثون: يَا مَنْ هُوَ فِي عَهْدِهِ وَفِيٍّ ، يَا مَنْ هُوَ فِي وَفَائِهِ
قَوِيٌّ ، يَا مَنْ هُوَ فِي قُوَّتِهِ عَلِيٌّ ، يَا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ قَرِيبٌ ، يَا مَنْ هُوَ
فِي قُرْبِهِ لَطِيفٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي لُطْفِهِ شَرِيفٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي شَرَفِهِ عَزِيزٌ ،
يَا مَنْ هُوَ فِي عِزِّهِ عَظِيمٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ مُجِيدٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي
مُجِيدِهِ حَمِيدٌ .

السادس والثلاثون: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا كَافِي ، يَا شَافِي ،
يَا وَافِي ، يَا مُعَافِي ، يَا هَادِي ، يَا دَاعِي ، يَا قَاضِي ، يَا رَاضِي ، يَا عَالِي ،

او رحمت خواهد، ای بخشاینده آن که از او آموزش طلبد، ای یاور آن که از او یاری جوید، ای نگهدار آن که از او محافظت طلبد، ای گرمی‌دارنده آن که از او کرامت خواهد، ای راهنمای آن که از او هدایت طلبد، ای فریادرس آن که او را به دادخواهی خواند، ای یاریگر آن که از او کمک طلبد، ای دادرس آن که از او پناه خواهد!».

سی و یکم. «ای قدرتمندی که خوار نگردد، ای لطیفی که دست‌نیافتنی است، ای پاینده‌ای که نمی‌خوابد، ای ابدی‌ای که نابود نمی‌شود، ای زنده‌ای که نمی‌میرد، ای فرمان‌روایی که حکومتش پایان نمی‌پذیرد، ای باقی‌بی‌فنا، ای دانای بی‌جهل، ای بی‌نیازی که نیازمند غذا نیست، ای نیرومندی که ناتوان نمی‌گردد!».

سی و دوم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای یکتا، ای یگانه، ای گواه، ای باعظمت، ای ستایش‌کننده، ای راهنما، ای برانگیزنده، ای میراث‌بر، ای زیان‌رسان، ای سودبخش!».

سی و سوم. «ای بزرگ‌تر از هر بزرگ، ای باکرامت‌تر از هر کریم، ای مهربان‌تر از هر مهربان، ای داناتر از هر دانا، ای حکیم‌تر از هر حکیم، ای پیشین‌تر از هر قدیم، ای بزرگ‌تر از هر بزرگ، ای مهرورزتر از هر صاحب لطف، ای شکوهنده‌تر از هر باشکوه، ای قدرتمندتر از هر شکست‌ناپذیرا!».

سی و چهارم. «ای درگذرنده بزرگوار، ای نعمت‌بخش بزرگ، ای دارنده خیر بسیار، ای دیرین‌عطا، ای پیوسته‌لطف، ای ظریف‌آفرینش، ای غم‌زدا، ای زداینده درد و رنج، ای مالک فرمان‌روایی، ای دادگر حق!».

سی و پنجم. «ای آن که در پیمان‌ش اهل وفاست، ای آن که در وفایش تواناست، ای آن که در توانایی‌اش والاست، ای آن که در والایی‌اش نزدیک است، ای آن که در نزدیکی‌اش لطیف است، ای آن که در لطفش شریف است، ای آن که در شرافتش قدرتمند است، ای آن که در قدرتمندی‌اش بزرگوار است، ای آن که در بزرگواری‌اش شکوهمند است، ای آن که در شکوهش ستوده است!».

سی و ششم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای کفایت‌کننده، ای شفابخش، ای وفاکننده، ای عافیت‌دهنده، ای هدایتگر، ای دعوتگر، ای

يا باقي .

السَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ : يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَهُ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ ،
يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ كَاثِنٌ لَهُ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مَوْجُودٌ بِهِ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ مُنِيبٌ
إِلَيْهِ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْهُ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ
صَائِرٌ إِلَيْهِ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ ، يَا مَنْ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ .
الثَّامِنُ وَالثَّلَاثُونَ : يَا مَنْ لَا مَقَرَّ إِلَّا إِلَيْهِ ، يَا مَنْ لَا مَفْرَجَ إِلَّا إِلَيْهِ ، يَا مَنْ
لَا مَقْصَدَ إِلَّا إِلَيْهِ ، يَا مَنْ لَا مَنَاجَى مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ ، يَا مَنْ لَا يُرْعَبُ إِلَّا إِلَيْهِ ، يَا
مَنْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ ، يَا مَنْ لَا يُسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ ، يَا مَنْ لَا يُتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ ،
يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يُعْتَدُ إِلَّا بِآثِهِ .

التَّاسِعُ وَالثَّلَاثُونَ : يَا خَيْرَ الْمَرْهُومِينَ ، يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ ، يَا خَيْرَ
الْمَطْلُوبِينَ ، يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ ، يَا خَيْرَ الْمُقْصُودِينَ ، يَا خَيْرَ
الْمَذْكُورِينَ ، يَا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ ، يَا خَيْرَ الْمُحْبُوبِينَ ، يَا خَيْرَ الْمَدْعُودِينَ ،
يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنَسِينَ .

الرَّابِعُونَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا غَافِرُ ، يَا سَاتِرُ ، يَا قَادِرُ ، يَا
قَاهِرُ ، يَا فَاطِرُ ، يَا كَاسِرُ ، يَا جَابِرُ ، يَا ذَاكِرُ ، يَا نَاطِرُ ، يَا نَاصِرُ .

الْحَادِي وَالرَّابِعُونَ : يَا مَنْ خَلَقَ فَسَوَّى ، يَا مَنْ قَدَّرَ فَهَدَى ، يَا مَنْ
يَكْشِفُ الْبَلَاءَ ، يَا مَنْ يَسْمَعُ النَّجْوَى ، يَا مَنْ يُنْقِذُ الْغَرَقَى ، يَا مَنْ يُنْجِي
الْهَلَكَى ، يَا مَنْ يَشْفِي الْمَرْضَى ، يَا مَنْ أَصْحَكَ وَأَبْكَى ، يَا مَنْ أَمَاتَ
وَأَحْيَا ، يَا مَنْ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى .

الثَّانِي وَالرَّابِعُونَ : يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ ، يَا مَنْ فِي الْأَفَاقِ آيَاتُهُ ،
يَا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ ، يَا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ ، يَا مَنْ فِي الْقُبُورِ

دادگر، ای راضی شونده، ای والامقام، ای پاینده».

سی و هفتم. «ای آن که هر چیز، خاضع در برابر اوست؛ ای آن که هر چیز، خاشع برای اوست؛ ای آن که هر چیز، برای او هست؛ ای آن که هر چیز، به سبب او هست؛ ای آن که هر چیز، بازگردنده به سوی اوست؛ ای آن که هر چیز، ترسان از اوست؛ ای آن که هر چیز، برپا به اوست؛ ای آن که هر چیز، برگشته به سوی اوست؛ ای آن که هر چیز، با ستایش خود، تسبیح‌گوی اوست؛ ای آن که هر چیز، نابودشدنی است، جز ذات او!».

سی و هشتم. «ای آن که گریزگاهی جز به سوی او نیست، ای آن که پناهگاهی جز درگاه او نیست، ای آن که مقصدی جز به سوی او نیست، ای آن که راه نجاتی از او جز به سوی او نیست، ای آن که هیچ قدرت و توانی جز به او نیست، ای آن که جز از او یاری نخواهند، ای آن که جز بر او تکیه نکنند، ای آن که جز به او امید نبندند، ای آن که جز او را نپرستند».

سی و نهم. «ای بهترین کسی که از او می‌ترسند، ای بهترین کسی که به او اشتیاق دارند، ای بهترین طلب‌شدگان، ای بهترین درخواست‌شوندگان، ای بهترین مقصودان، ای بهترین یادشدگان، ای بهترین سپاس‌گزاری‌شدگان، ای بهترین محبوبان، ای بهترین خوانده‌شدگان، ای بهترین انس‌گرفتگان».

چهل. «خداوند! تو را به نامت می‌خوانم: ای آمرزنده، ای پوشاننده، ای توانا، ای غالب، ای آفریننده، ای شکننده، ای جبران‌کننده، ای یادکننده، ای بیننده، ای یاری‌کننده».

چهل و یکم. «ای آن که آفرید، پس سامان داد؛ ای آن که مقدر کرد، پس هدایت نمود؛ ای آن که گرفتاری را برطرف می‌سازد؛ ای آن که راز پنهان را می‌شنود؛ ای آن که غرق‌شدگان را نجات می‌دهد؛ ای آن که هلاک‌شدگان را می‌رهاند؛ ای آن که بیماران را شفا می‌بخشد؛ ای آن که خندانید و گریانید؛ ای آن که میراند و حیات بخشید؛ ای آن که دو جفت مرد و زن را آفرید».

چهل و دوم. «ای آن که راهش در خشکی و دریاست، ای آن که نشانه‌هایش در آفاق است، ای آن که برهان او در نشانه‌هاست، ای آن که

عِبْرَتُهُ ، يَا مَنْ فِي الْقِيَامَةِ مُلْكُهُ ، يَا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ ، يَا مَنْ فِي
الْمِيزَانِ قَضَاؤُهُ ، يَا مَنْ فِي الْجَنَّةِ ثَوَابُهُ ، يَا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ .

الثَّالِثُ وَالْأَرْبَعُونَ: يَا مَنْ إِلَيْهِ يَهْرَبُ الْخَائِفُونَ ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَفْزَعُ
الْمُذْنِبُونَ ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَقْصُدُ الْمُتَنَبِّهُونَ ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ ، يَا مَنْ
إِلَيْهِ يَلْجَأُ الْمُتَحَيِّرُونَ ، يَا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُزِيدُونَ^١ ، يَا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ
الْمُحِبُّونَ ، يَا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ^٢ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ الْمَوْقِنُونَ ،
يَا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ .

الرَّابِعُ وَالْأَرْبَعُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَبِيبُ ، يَا طَيِّبُ ،
يَا قَرِيبُ ، يَا رَقِيبُ ، يَا حَسِيبُ ، يَا مُهَيْبُ ، يَا مُثِيبُ ، يَا مُجِيبُ ، يَا خَبِيرُ ،
يَا بَصِيرُ .

الخَامِسُ وَالْأَرْبَعُونَ: يَا أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ ، يَا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ ،
يَا أَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ ، يَا أَعَزَّ مِنْ كُلِّ خَبِيرٍ ، يَا أَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ ،
يَا أَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ ، يَا أَقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ ، يَا أَغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ ، يَا
أَجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ ، يَا أَرَأَفَ مِنْ كُلِّ رَوْوِفٍ .

السَّادِسُ وَالْأَرْبَعُونَ: يَا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ ، يَا صَانِعاً غَيْرَ مَصْنُوعٍ ، يَا
خَالِقاً غَيْرَ مَخْلُوقٍ ، يَا مَالِكاً غَيْرَ مَمْلُوكٍ ، يَا قَاهِراً غَيْرَ مَقْهُورٍ ، يَا رَافِعاً
غَيْرَ مَرْفُوعٍ ، يَا حَافِظاً غَيْرَ مَحْفُوظٍ ، يَا نَاصِراً غَيْرَ مَنْصُورٍ ، يَا شَاهِداً غَيْرَ
غَائِبٍ ، يَا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ .

السَّابِعُ وَالْأَرْبَعُونَ: يَا نَوْرَ النُّورِ ، يَا مُنَوَّرَ النُّورِ ، يَا خَالِقَ النُّورِ ، يَا
مُدَبِّرَ النُّورِ ، يَا مُقَدِّرَ النُّورِ ، يَا نَوْرَ كُلِّ نَوْرٍ ، يَا نَوْرَ قَبْلِ كُلِّ نَوْرٍ ، يَا نَوْرَ

١ . فِي الْمَصْدَرِ: «الْمُزِيدُونَ» ، وَالتَّصْوِيبُ مِنَ الْبَلَدِ الْأَمِينِ .

٢ . فِي نَسْخَةِ: «الْخَائِفُونَ» .

قدرتش در مُردن افراد است، ای آن که عبرتش در گورهاست، ای آن که فرمان‌روایی‌اش در قیامت است، ای آن که مهابت او در حسابرسی است، ای آن که داوری‌اش در سنجش [اعمال] است، ای آن که پاداشش در بهشت است، ای آن که کیفرش در آتش دوزخ است!».

چهل و سوم. «ای آن که خائفان، به سوی او می‌گریزند؛ ای آن که گنهکاران، به درگاه او پناه می‌برند؛ ای آن که اهل انابت، به او توجه می‌کنند؛ ای آن که پارسایان، به او مشتاق‌اند؛ ای آن که سرگردانان، به آستان او پناه می‌آورند؛ ای آن که مریدان با او انس می‌گیرند؛ ای آن که دوستداران، به او می‌بالند؛ ای آن که خطاکاران، به بخشایش او طمع می‌ورزند؛ ای آن که اهل یقین، با او آرامش می‌یابند؛ ای آن که اهل توکل، بر او تکیه می‌کنند!».

چهل و چهارم. «خداوند! تو را به نامت می‌خوانم: ای محبوب، ای طبیب، ای نزدیک، ای مراقب، ای حسابگر، ای باهیت، ای جزادهنده، ای اجابت‌کننده، ای آگاه، ای بینا».

چهل و پنجم. «ای نزدیک‌تر از هر نزدیک، ای بهتر از هر محبوب، ای بیناتر از هر بینا، ای آگاه‌تر از هر آگاه، ای برتر از هر شریف، ای والاتر از هر والا، ای نیرومندتر از هر نیرومند، ای بی‌نیازتر از هر بی‌نیاز، ای بخشنده‌تر از هر بخشنده، ای مهربان‌تر از هر مهربان!».

چهل و ششم. «ای چیره‌ای که مغلوب نمی‌شود، ای سازنده‌ای که ساخته‌شده نیست، ای آفریننده‌ای که پدیده‌آمده نیست، ای مالکی که بنده نیست، ای غالبی که بی‌شکست است، ای رفعت‌بخشی که کسی برتر از او نیست، ای نگهبانی که کسی نگهبان او نیست، ای یاری‌کننده‌ای که نیازمند یاری نیست، ای گواهی که غایب نیست، ای نزدیکی که دور نیست!».

چهل و هفتم. «ای نورِ نور، ای روشنی‌بخش نور، ای آفریدگار نور، ای تدبیرکننده نور، ای تقدیرکننده نور، ای فروغ هر نور، ای نور پیش از هر نور، ای نور پس از هر نور، ای نور برتر از هر نور، ای نوری که نوری

بَعْدَ كُلِّ نَوْرٍ ، يَا نَوْرًا فَوْقَ كُلِّ نَوْرٍ ، يَا نَوْرًا لَيْسَ كَمِثْلِهِ نَوْرٌ .
 الثَّامِنُ وَالْأَرْبَعُونَ : يَا مَنْ عَطَاؤُهُ شَرِيفٌ ، يَا مَنْ فِعْلُهُ لَطِيفٌ ، يَا مَنْ لُطْفُهُ
 مُقِيمٌ ، يَا مَنْ إِحْسَانُهُ قَدِيمٌ ، يَا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ ، يَا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ ، يَا مَنْ
 عَفْوُهُ فَضْلٌ ، يَا مَنْ عَذَابُهُ عَذْلٌ ، يَا مَنْ ذِكْرُهُ حُلْوٌ ، يَا مَنْ فَضْلُهُ غَمِيمٌ .
 التَّاسِعُ وَالْأَرْبَعُونَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَهِّلُ ، يَا مُفَضِّلُ ،
 يَا مُبَدِّلُ ، يَا مُدَلِّلُ ، يَا مُنَزِّلُ ، يَا مُنَوِّلُ ، يَا مُفَضِّلُ ، يَا مُجَزِّلُ ، يَا مُمِهِّلُ ،
 يَا مُجَمِّلُ .

الْخَمْسُونَ : يَا مَنْ يَرَى وَلَا يُرَى ، يَا مَنْ يَخْلُقُ وَلَا يُخْلَقُ ، يَا مَنْ يَهْدِي
 وَلَا يُهْدَى ، يَا مَنْ يُحْيِي وَلَا يُحْيَا ، يَا مَنْ يُسْأَلُ وَلَا يَسْأَلُ ، يَا مَنْ يُطْعَمُ وَلَا
 يُطْعَمُ ، يَا مَنْ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ ، يَا مَنْ يَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْهِ ، يَا مَنْ
 يَحْكُمُ وَلَا يُحْكَمُ عَلَيْهِ ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ .
 الْحَادِي وَالْخَمْسُونَ : يَا نِعَمَ الْحَسْبِ ، يَا نِعَمَ الطَّبِيبِ ، يَا نِعَمَ الرَّقِيبِ ، يَا
 نِعَمَ الْقَرِيبِ ، يَا نِعَمَ الْمُجِيبِ ، يَا نِعَمَ الْحَبِيبِ ، يَا نِعَمَ الْكَفِيلِ ، يَا نِعَمَ
 الْوَكِيلِ ، يَا نِعَمَ الْمَوْلَى ، يَا نِعَمَ النَّصِيرِ .

الثَّانِي وَالْخَمْسُونَ : يَا شُرُورَ الْعَارِفِينَ ، يَا مُنَى الْمُحِبِّينَ ، يَا أَنْيَسَ
 الْمُتَرِيدِينَ ، يَا حَبِيبَ التَّوَابِينَ ، يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ ، يَا رَجَاءَ الْمَدِينِينَ^١ ،
 يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْعَابِدِينَ ، يَا مُنْقَسًا عَنِ الْمَكْرُوبِينَ ، يَا مُفَرِّجًا عَنِ الْمَغْمُومِينَ ،
 يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ .

الثَّالِثُ وَالْخَمْسُونَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا رَبَّنَا ، يَا إِلَهَنَا ، يَا سَيِّدَنَا ،
 يَا مَوْلَانَا ، يَا نَاصِرَنَا ، يَا حَافِظَنَا ، يَا دَلِيلَنَا ، يَا مُعِينَنَا ، يَا حَبِيبَنَا ، يَا طَبِيبَنَا .
 الرَّابِعُ وَالْخَمْسُونَ : يَا رَبَّ النَّبِيِّينَ وَالْأَبْرَارِ ، يَا رَبَّ الصَّادِقِينَ

١ . في البلد الأمين : «يا رجاء المدنيين» .

همچون او نیست!».

چهل و هشتم. «ای آن که عطایش باشرافت است، ای آن که کارش از روی لطف است، ای آن که لطفش همیشگی است، ای آن که احسانش دیرین است، ای آن که سخنش حق است، ای آن که وعده‌اش راست است، ای آن که گذشتش فضل است، ای آن که کیفرش عادلانه است، ای آن که یادش شیرین است، ای آن که احسانش فراگیر است!».

چهل و نهم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای آسان‌ساز، ای عطا‌بخش، ای تبدیل‌کننده، ای خوارسازنده، ای فرودآورنده، ای نعمت‌دهنده، ای احسان‌کننده، ای بخشنده نعمت بسیار، ای مهلت‌دهنده، ای نیکویی‌کننده!».

پنجاهم. «ای آن که می‌بیند و دیده نمی‌شود، ای آن که می‌آفریند و آفریده نیست، ای آن که هدایت می‌کند و به راهنمایی نیازش نیست، ای آن که حیات می‌بخشد و حیاتش از کسی نیست، ای آن که می‌پرسد و از او حق پرسش نیست، ای آن که غذا می‌دهد و غذایش ندهند، ای آن که پناه می‌دهد و پناه نیاز ندارد، ای آن که داوری می‌کند و نیازمند داوری نیست، ای آن که حکم می‌کند و بر او حکم نمی‌شود، ای آن که نه می‌زاید و نه زاده کسی است و کسی همتای او نیست!».

پنجاه و یکم. «ای حسابرس نیک، ای طبیب خوب، ای مراقب شایسته، ای نزدیک خوب، ای جواب‌دهنده خوب، ای محبوب خوب، ای عهده‌دار شایسته، ای سرپرست خوب، ای مولای نیکو، ای یاور خوب!».

پنجاه و دوم. «ای شادمانی عارفان، ای آرزوی دوستداران، ای همدم مریدان، ای محبوب تائبان، ای روزی‌دهنده تهی‌دستان، ای امید‌بدهکاران، ای نور چشم پرستشگران، ای غم‌زدای گرفتاران، ای گشایش‌بخش اندوهناکان، ای معبود اولین و آخرین!».

پنجاه و سوم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای پروردگار ما، ای معبود ما، ای سرور ما، ای مولای ما، ای یاور ما، ای نگهدار ما، ای راهنمای ما، ای کمک‌کننده ما، ای محبوب ما، ای طبیب ما!».

پنجاه و چهارم. «ای پروردگار پیامبران و نیکان، ای پروردگار صدیقان و

وَالْأَخْيَارِ ، يَا رَبَّ الْجَنَّةِ وَالتَّارِ ، يَا رَبَّ الصَّغَارِ وَالْكِبَارِ ، يَا رَبَّ الْحُبُوبِ
وَالثَّمَارِ ، يَا رَبَّ الْأَنْهَارِ وَالْأَشْجَارِ ، يَا رَبَّ الصَّحَارِ وَالْقِفَارِ ، يَا رَبَّ
الْبَرَارِ وَالْبِحَارِ ، يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَالتَّهَارِ ، يَا رَبَّ الْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ .

الخامس والخمسون : يَا مَنْ نَفَذَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَمْرَهُ ، يَا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عِلْمُهُ ، يَا مَنْ بَلَّغَتْ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ قُدْرَتُهُ ، يَا مَنْ لَا تُحْصِي الْعِبَادُ
نِعْمَتَهُ ، يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ ، يَا مَنْ لَا تُدْرِكُ الْأَفْهَامُ جَلَالَهُ ، يَا مَنْ
لَا تَنَالُ الْأَوْهَامُ كُنْهَهُ ، يَا مَنْ الْعِظَمَةُ وَالْكِبَرِيَاءُ رِداؤُهُ ، يَا مَنْ لَا تَرُدُّ الْعِبَادُ
قَضَاءَهُ ، يَا مَنْ لَا مُلْكَ إِلَّا مُلْكُهُ ، يَا مَنْ لَا عَطَاءَ إِلَّا عَطَاؤُهُ .

السادس والخمسون : يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى ، يَا مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْيَا ،
يَا مَنْ لَهُ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى ، يَا مَنْ لَهُ جَنَّةُ الْمَأْوَى ، يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَى ،
يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ، يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَالْقَضَاءُ ، يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ
وَالْقَضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَالثَّرَى ، يَا مَنْ لَهُ السَّمَاوَاتُ الْعُلَى .

السابع والخمسون : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَفُو ، يَا غَفُور ، يَا
صَبُور ، يَا شَكُور ، يَا رَوْوْف ، يَا عَطُوف ، يَا مَسْئُول ، يَا وَدُود ، يَا
شَبُوح ، يَا قُدُّوس .

الثامن والخمسون : يَا مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ^١ عَظَمَتُهُ ، يَا مَنْ فِي الْأَرْضِ
آيَاتُهُ ، يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلَالَتُهُ ، يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ ، يَا مَنْ فِي
الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ ، يَا مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ ، يَا
مَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لُطْفَهُ ، يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ، يَا مَنْ تُصَرِّفُ
فِي الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ .

شایستگان، ای پروردگار بهشت و دوزخ، ای پروردگار کوچکان و بزرگان، ای پروردگار دانه‌ها و میوه‌ها، ای پروردگار رودها و درختان، ای پروردگار صحراها و دشت‌ها، ای پروردگار خشکی‌ها و دریاها، ای پروردگار شب و روز، ای پروردگار پیدا و پنهان!.

پنجاه و پنجم. «ای آن که فرمانش در هر چیز، نافذ است؛ ای آن که دانشش به هر چیز، پیوسته و محیط است؛ ای آن که قدرتش به هر چیز، رسیده است؛ ای آن که بندگان، نعمتش را نتوانند شمرد؛ ای آن که آفریدگان، از سپاسش ناتوان‌اند؛ ای آن که فهم‌ها جلال او را در نمی‌یابند؛ ای آن که اندیشه‌ها به گنه او نمی‌رسند؛ ای آن که عظمت و بزرگی، جامهٔ زیبندهٔ اوست؛ ای آن که بندگان، از تقدیرش سرپیچی نتوانند؛ ای آن که هیچ فرمان‌روایی‌ای جز فرمان‌روایی او نیست؛ ای آن که عطایی، جز بخشش او نیست!.

پنجاه و ششم. «ای آن که برترین مثال، از آن اوست؛ ای آن که صفات والا، از آن اوست؛ ای آن که انجام و آغاز، از آن اوست؛ ای آن که بهشت جایگاه ابدی، از آن اوست؛ ای آن که نشانه‌های بزرگ، از آن اوست؛ ای آن که نام‌های نیکو، از آن اوست؛ ای آن که حکم و تقدیر، از آن اوست؛ ای آن که هوا و فضا، از آن اوست؛ ای آن که عرش و زمین خاکی، از آن اوست؛ ای آن که آسمان‌های بلند، از آن اوست!.

پنجاه و هفتم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای باگذشت، ای آمرزنده، ای شکیبایا، ای پذیرای سپاس، ای رؤف، ای عطوف، ای سؤال‌شده، ای مهرورز، ای منزّه، ای وارسته!.

پنجاه و هشتم. «ای آن که عظمتش در آسمان‌هاست؛ ای آن که نشانه‌هایش در زمین است؛ ای آن که در هر چیز، نشانه‌های راهنمای اوست؛ ای آن که شگفتی‌هایش در دریاهاست؛ ای آن که گنجینه‌هایش در کوه‌هاست؛ ای آن که آفرینش را آغاز می‌کند و سپس باز می‌آفریند؛ ای آن که همهٔ کارها به او برمی‌گردد؛ ای آن که لطفش را در هر چیز، آشکار ساخته است؛ ای آن که هر چه را آفریده، نیکو آفریده است؛ ای آن که قدرتش در همهٔ آفریده‌ها دست اندر کار است!.

التَّاسِعَ وَالْخَمْسُونَ: يَا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ، يَا طَبِيبَ مَنْ لَا طَبِيبَ لَهُ،
يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ، يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ، يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ
لَهُ، يَا مُغِيثَ مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ، يَا ذَلِيلَ مَنْ لَا ذَلِيلَ لَهُ، يَا أُنَيْسَ مَنْ لَا أُنَيْسَ
لَهُ، يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ، يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ.

السُّتُونَ: يَا كَافِيَ مَنْ اسْتَكْفَاهُ، يَا هَادِيَ مَنْ اسْتَهْدَاهُ، يَا كَالِيَّ مَنْ
اسْتَكَلَاهُ، يَا رَاعِيَ مَنْ اسْتَرَعَاهُ، يَا شَافِيَ مَنْ اسْتَشْفَاهُ، يَا قَاضِيَ مَنْ
اسْتَقْضَاهُ، يَا مُغْنِيَ مَنْ اسْتَغْنَاهُ، يَا مُوفِيَ مَنْ اسْتَوْفَاهُ، يَا مُقْوِيَّ مَنْ
اسْتَقْوَاهُ، يَا وَلِيَّ مَنْ اسْتَوْلَاهُ.

الحَادِي وَالسُّتُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ، يَا نَاطِقُ
يَا صَادِقُ، يَا فَالِقُ يَا فَارِقُ، يَا فَاتِقُ يَا رَاتِقُ، يَا سَابِقُ يَا سَامِقُ.
الثَّانِي وَالسُّتُونَ: يَا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، يَا مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ
وَالْأَنْوَارَ، يَا مَنْ خَلَقَ الظَّلَّ وَالْحَرُورَ، يَا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ، يَا مَنْ
قَدَّرَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ، يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا
مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، يَا مَنْ
لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ.

الثَّالِثُ وَالسُّتُونَ: يَا مَنْ يَعْلَمُ مُرَادَ الْمُرِيدِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ
الصَّامِتِينَ، يَا مَنْ يَسْمَعُ أُنِينَ الْوَاهِنِينَ، يَا مَنْ يَرَى بُكَاءَ الْخَائِفِينَ، يَا مَنْ
يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ، يَا مَنْ لَا يُصْلِحُ عَمَلًا
الْمُفْسِدِينَ، يَا مَنْ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ، يَا مَنْ لَا يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ
الْعَارِفِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ.

پنجاه و نهم. «ای محبوب آن که محبوبی ندارد، ای طیب آن که طیبی ندارد، ای پاسخگوی آن که جواب‌دهنده‌ای ندارد، ای مهربان آن که مهربانی ندارد، ای رفیق آن که همراهی ندارد، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای راهنمای آن که راهنمایی ندارد، ای همدم آن که مونس‌ی ندارد، ای رحم‌کننده بر آن که رحم‌کننده‌ای ندارد، ای همنشین آن که بی‌همنشین است!».

شصتم. «ای کفایت‌کننده آن که از او کفایت خواهد، ای راهنمای آن که از او هدایت جوید، ای سرپرست آن که از او سرپرستی طلبد، ای عهده‌دار آن که از او رعایت خواهد، ای شفاعت‌بخش آن که از او درمان جوید، ای داور آن که او را به قضاوت خواند، ای بی‌نیازکننده آن که از او بی‌نیازی طلبد، ای وفاکننده آن که از او وفا جوید، ای نیروبخش آن که از او قدرت طلبد، ای سرپرست آن که او را به ولایت گزیند!».

شصت و یکم. «خداوند! تو را به نامت می‌خوانم: ای آفریدگار، ای روزی‌رسان، ای گویا، ای راست‌گفتار، ای شکافنده، ای جداکننده، ای گشاینده بسته‌ها، ای برهم‌آورنده گشوده‌ها، ای پیش از همه چیز، ای برتر از هر چیز!».

شصت و دوم. «ای آن که شب و روز را می‌گرداند، ای آن که تاریکی‌ها و روشنی‌ها را پدید آورد، ای آن که سایه و گرمای خورشید را آفرید، ای آن که آفتاب و ماه را رام ساخت، ای آن که نیک و بد را مقدر کرد، ای آن که مرگ و زندگی را آفرید، ای آن که آفرینش و فرمان برای اوست، ای آن که جفت و فرزند برنگرفت، ای آن که در فرمان‌روایی بی‌شریک است، ای آن که سرپرستی (یاری) برایش نیست، البته نه از روی خواری!».

شصت و سوم. «ای آن که خواسته خواهندگان را می‌داند، ای آن که درون خاموشان را می‌خواند، ای آن که ناله خسته‌دلان را می‌شنود، ای آن که گریه خائفان را می‌بیند، ای آن که نیاز نیازمندان را داراست، ای آن که عذرخواهی تائبان را پذیراست، ای آن که کار تبه‌کاران را سامان نمی‌بخشد، ای آن که پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد، ای آن که از دل‌های عارفان دور نیست، ای پاسخ‌گویت‌ترین بخشنندگان!».

الرَّابِعُ وَالسُّتُونَ: يَا دَائِمَ الْبَقَاءِ، يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ، يَا وَاسِعَ الْعَطَاءِ، يَا غَافِرَ الْخَطَا، يَا بَدِيعَ السَّمَاءِ، يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ، يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ، يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ، يَا كَثِيرَ الْوَفَاءِ، يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ.

الخَامِسُ وَالسُّتُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَتَارُ يَا غَفَارُ، يَا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ، يَا صَبَّارُ يَا بَارُ، يَا مُخْتَارُ يَا فَتَّاحُ، يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَّاحُ.

السادسُ وَالسُّتُونَ: يَا مَنْ خَلَقَنِي وَسَوَّانِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّانِي، يَا مَنْ أَطْعَمَنِي وَسَقَانِي، يَا مَنْ قَرَّبَنِي وَأَدْنَانِي، يَا مَنْ عَصَمَنِي وَكَفَّانِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي وَكَلَّانِي، يَا مَنْ أَعَزَّنِي وَأَغْنَانِي، يَا مَنْ وَفَّقَنِي وَهَدَانِي، يَا مَنْ آتَسَنِي وَآوَانِي، يَا مَنْ أَمَاتَنِي وَأَحْيَانِي.

السَّابِعُ وَالسُّتُونَ: يَا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ، يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ هَضَلَ عَنْ سَبِيلِهِ، يَا مَنْ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ، يَا مَنْ لَا رَادَّ لِقَضَائِهِ، يَا مَنْ أَنْفَادَ كُلِّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ، يَا مَنْ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ، يَا مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ.

الثَّامِنُ وَالسُّتُونَ: يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَادًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا، يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا، يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِيَاسًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتًا، يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً، يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ أَزْوَاجًا، يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصَادًا.

التَّاسِعُ وَالسُّتُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَمِيعُ يَا شَفِيعُ، يَا رَفِيعُ يَا مَنِيعُ، يَا سَرِيعُ يَا بَدِيعُ، يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ، يَا خَبِيرُ يَا مُجِيرُ.

السَّبْعُونَ: يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ، يَا حَيُّ الَّذِي لَا يَحْتَاجُ إِلَى حَيٍّ،

شصت و چهارم. «ای همیشه باقی، ای شنوای دعا، ای گسترده عطا، ای آمرزنده خطا، ای پدیدآورنده آسمان، ای شایسته آزمون، ای زیباستایش، ای دیرین شکوه، ای بسیار باوفا، ای نیکوپاداش!».

شصت و پنجم. «خداوندا! تو را به نامت می خوانم: ای عیب پوش، ای آمرزنده، ای فاتح، ای صاحب عظمت، ای بسیار شکیبا، ای نیکوکار، ای برگزیننده، ای گشاینده، ای نعمت بخش، ای وسعت بخش!».

شصت و ششم. «ای آن که مرا آفرید و آراست، ای آن که مرا روزی داد و تربیت کرد، ای آن که مرا سیر کرد و سیراب نمود، ای آن که مرا مقرب و نزدیک ساخت، ای آن که مرا حفظ کرد و کفایت نمود، ای آن که مرا نغمه داشت و سرپرستی کرد، ای آن که مرا بی نیاز ساخت و عزتم بخشید، ای آن که مرا توفیق داد و هدایت کرد، ای آن که همدم من شد و پناهم داد، ای آن که مرا میراند و زنده کرد!».

شصت و هفتم. «ای آن که حق را با کلمات خود ثابت می کند، ای آن که توبه را از بندگان می پذیرد، ای آن که میان انسان و دلش حایل می شود، ای آن که شفاعت جز به اذن او سود نمی بخشد، ای آن که او داناتر است به کسی که از راهش گم راه می شود، ای آن که فرمانش را چیزی به تأخیر نمی اندازد، ای آن که تقدیرش را چیزی بر نمی گرداند، ای آن که هر چیزی تسلیم فرمان اوست، ای آن که آسمان ها پیچیده در دست قدرت اوست، ای آن که باده را پیشاپیش رحمتش مژده رسان می فرستد!».

شصت و هشتم. «ای آن که زمین را گهواره ساخت، ای آن که کوه ها را نگه دارنده زمین قرار داد، ای آن که خورشید را چراغ قرار داد، ای آن که ماه را روشنایی قرار داد، ای آن که شب را پوشش قرار داد، ای آن که روز را وسیله معاش ساخت، ای آن که خواب را مایه آرامش قرار داد، ای آن که آسمان را بنایی افراشته ساخت، ای آن که اشیاء را جفت قرار داد، ای آن که آتش دوزخ را کمینگاه [کافران] قرار داد!».

شصت و نهم. «خداوندا! تو را به نامت می خوانم: ای شنوا، ای شفاعت پذیر، ای والا، ای بلندمرتبه، ای سریع، ای پدیدآورنده، ای بزرگ، ای توانا، ای آگاه، ای پناه دهنده!».

هفتم. «ای زنده قبل از هر زنده، ای زنده پس از هر زنده، ای زنده ای که هیچ زنده ای همانند او نیست، ای زنده ای که هیچ زنده ای شریک او نیست،

يا حَيُّ الَّذِي يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ ، يا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ ، يا حَيُّ لَمْ يَرِثِ
الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ ، يا حَيُّ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى ، يا حَيُّ يا قَيُّوْمُ لا تَأْخُذْهُ سِنَّةٌ
وَلَا نَوْمٌ .

الحادي وَالسَّبْعُونَ : يا مَنْ لَهُ ذِكْرٌ لَا يُنْسَى ، يا مَنْ لَهُ نُوْرٌ لَا يُطْفَأُ ، يا
مَنْ لَهُ نِعَمٌ لَا تُعَدُّ ، يا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لَا يَزُولُ ، يا مَنْ لَهُ ثَنَاءٌ لَا يُحْصَى ، يا مَنْ
لَهُ جَلالٌ لَا يُكَيَّفُ ، يا مَنْ لَهُ كَمالٌ لَا يُدْرَكُ ، يا مَنْ لَهُ قَضَاءٌ لَا يُرَدُّ ، يا مَنْ
لَهُ صِفاَتٌ لَا تُبَدَّلُ ، يا مَنْ لَهُ نُعُوْتُ لَا تُغَيَّرُ .

الثَّاني وَالسَّبْعُونَ : يا رَبَّ الْعَالَمِينَ ، يا مالِكَ يَوْمِ الدِّينِ ، يا غايَةَ
الطَّالِبِينَ ، يا ظَهَرَ اللَّاحِثِينَ ، يا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ ، يا مَنْ يُجِيبُ الصَّابِرِينَ ، يا
مَنْ يُجِيبُ التَّوَّابِينَ ، يا مَنْ يُجِيبُ الْمُسْتَظْهِرِينَ ، يا مَنْ يُجِيبُ الْمُحْسِنِينَ ، يا مَنْ
هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ .

الثَّالِثُ وَالسَّبْعُونَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يا شَفِيقُ يا رَفِيقُ ، يا حَفِيقُ
يا مُحِيطُ ، يا مُقِيتُ يا مُغِيثُ ، يا مُعِزُّ يا مُدِلُّ ، يا مُبْدِيُّ يا مُعِيدُ .

الرَّابِعُ وَالسَّبْعُونَ : يا مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلَا ضِدٍّ ، يا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلَا نِدٍّ ، يا مَنْ
هُوَ صَمَدٌ بِلَا عَيْبٍ ، يا مَنْ هُوَ وَتَرٌ بِلَا كَيْفٍ ، يا مَنْ هُوَ قاضٍ بِلَا حَافِيفٍ ، يا
مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلَا وَزِيرٍ ، يا مَنْ هُوَ عَزِيزٌ بِلَا دُلٍّ ، يا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِلَا فَقْرٍ ، يا
مَنْ هُوَ قَلِيكٌ بِلَا عَزَلٍ ، يا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلَا شَبِيهِ .

الخامِسُ وَالسَّبْعُونَ : يا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلدَّاكِرِينَ ، يا مَنْ شُكْرُهُ قُوْرٌ
لِلشَّاكِرِينَ ، يا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ لِلْحامِدِينَ ، يا مَنْ طاعَتُهُ نِجاةٌ لِلْمُطِيعِينَ ، يا مَنْ
بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ ، يا مَنْ سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِلْمُنْبِيِّينَ ، يا مَنْ آيَاتُهُ بُرْهانٌ
لِلنَّاظِرِينَ ، يا مَنْ كِتَابُهُ تَذَكُّرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ، يا مَنْ رِزْقُهُ عُمومٌ لِلطَّائِعِينَ
وَالْعاصِينَ ، يا مَنْ رَحْمَتُهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ .

ای زنده‌ای که به هیچ زنده‌ای نیازمند نیست، ای زنده‌ای که هر زنده‌ای را می‌میراند، ای زنده‌ای که هر زنده‌ای را روزی می‌دهد، ای زنده‌ای که حیات را از هیچ زنده‌ای به ارث نبرده است، ای زنده‌ای که مردگان را زنده می‌کند، ای زنده، ای پایداری که هیچ چُرت و خوابی او را فرا نمی‌گیرد!.

هفتاد و یکم. «ای آن که او را یادی فراموش‌نشدنی است، ای آن که او را فروغی خاموشی‌ناپذیر است، ای آن که او را نعمت‌های بی‌شمار است، ای آن که او را حکومتی بی‌زوال است، ای آن که او را ستایشی بی‌اندازه است، ای آن که او را شکوهی وصف‌ناپذیر است، ای آن که او را کمالی دست‌نیافتنی است، ای آن که او را تقدیری برگشت‌ناپذیر است، ای آن که او را صفاتی تبدیل‌ناشدنی است، ای آن که او را اوصافی تغییرناپذیر است!.

هفتاد و دوم. «ای پروردگار جهانیان، ای فرمان‌روای روز جزا، ای منتهای خواسته طلب‌کنندگان، ای پشت و پناه پناهندگان، ای دریابنده گریزانان، ای دوستدار شکیبایان، ای دوستدار توبه‌کاران، ای دوستدار پاکی‌جویان، ای دوستدار نیکوکاران، ای داناتر به رهیافتگان!.

هفتاد و سوم. «خداوند! تو را به نامت می‌خوانم: ای شفیق، ای مهربان، ای نگه‌دارنده، ای احاطه‌یابنده، ای نگهبان، ای پناه‌دهنده، ای عزت‌بخش، ای خوارکننده، ای آغازکننده، ای بازگرداننده!.

هفتاد و چهارم. «ای آن که یگانه بی‌ضد است، ای آن که یکتای بی‌مانند است، ای آن که بی‌نیاز بی‌عیب است، ای آن که یکتایی بی‌چگونگی است، ای آن که داور بی‌ستم است، ای آن که پروردگار بی‌همکار است، ای آن که قدرتمند بدون خواری است، ای آن که توانگر بی‌نیاز است، ای آن که پادشاه بدون عزل است، ای آن که وصف‌شده‌ای بی‌مانند است!.

هفتاد و پنجم. «ای آن که یادش شرافتِ ذاکران است، ای آن که سپاسش رستگاریِ شاكران است، ای آن که ستایشش عزتِ ستایشگران است، ای آن که اطاعتش نجات فرمان‌برداران است، ای آن که درش برای جویندگان باز است، ای آن که راهش برای بازگردندگان روشن است، ای آن که نشانه‌هایش برهانِ بینندگان است، ای آن که کتابش مایهٔ یاد اهل تقواست، ای آن که روزی‌اش فراگیر مطیعان و نافرمانان است، ای آن که رحمتش به نیکوکاران نزدیک است!.

السَّادِسُ وَالسَّبْعُونَ: يَا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ ، يَا مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ ، يَا مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ ، يَا مَنْ جَلَّ ثَنَاؤُهُ ، يَا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ ، يَا مَنْ يَدُومُ بَقَاؤُهُ ، يَا مَنْ الْعَظَمَةُ بِهَاؤُهُ ، يَا مَنْ الْكِبَرِيَاءُ رِداؤُهُ ، يَا مَنْ لَا تُحْصَى آلاؤُهُ ، يَا مَنْ لَا تُعَدُّ نِعْمَاؤُهُ .

السَّابِعُ وَالسَّبْعُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُعِينُ يَا أَمِينُ ، يَا مُبِينُ يَا مَتِينُ ، يَا مَكِينُ يَا رَشِيدُ ، يَا حَمِيدُ يَا مُجِيدُ ، يَا شَدِيدُ يَا شَهِيدُ .

الثَّامِنُ وَالسَّبْعُونَ: يَا ذَا الْعَرْشِ الْمُجِيدِ ، يَا ذَا الْقَوْلِ الشَّدِيدِ ، يَا ذَا الْفِعْلِ الرَّشِيدِ ، يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ ، يَا ذَا الْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ ، يَا مَنْ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ، يَا مَنْ هُوَ فَقَالَ لِمَا يُرِيدُ ، يَا مَنْ هُوَ قَرِيبٌ غَيْرُ بَعِيدٍ ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ، يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ .

التَّاسِعُ وَالسَّبْعُونَ: يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ ، يَا مَنْ لَا مِثْلَ لَهْ وَلَا نَظِيرَ ، يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ الْمُنِيرِ ، يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ ، يَا جَابِرَ الْعَظَمِ الْكَاسِرِ ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ ، يَا مَنْ هُوَ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

الثَّمَانُونَ: يَا ذَا الْجُودِ وَالنِّعَمِ ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْكَرَمِ ، يَا خَالِقَ اللَّوْحِ وَالْقَلَمِ ، يَا بَارِئَ الذَّرِّ وَالنَّسَمِ ، يَا ذَا الْبَأْسِ وَالنَّقَمِ ، يَا مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ ، يَا عَالِمَ السِّرِّ وَالْهِمَمِ ، يَا رَبَّ الْبَيْتِ وَالْحَرَمِ ، يَا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ .

الْحَادِي وَالثَّمَانُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا فَاعِلُ يَا جَاعِلُ ، يَا قَابِلُ يَا كَامِلُ ، يَا فَاضِلُ يَا فَاصِلُ^١ ، يَا عَادِلُ يَا غَالِبُ ، يَا طَالِبُ يَا وَاهِبُ .

١. في البلد الأمين: «يا فاضل، يا واصل» بدل «يا فاضل، يا فاضل».

هفتاد و ششم. «ای آن که نامش خجسته است؛ ای آن که عظمتش والاست؛ ای آن که معبودی جز او نیست؛ ای آن که ثنای او، شکوهمند است؛ ای آن که نام‌هایش مقدس است؛ ای آن که بقای او، جاودانی است؛ ای آن که بزرگی، جلوۀ اوست؛ ای آن که بزرگواری، برازندۀ اوست؛ ای آن که موهباتش قابل شمارش نیست؛ ای آن که نعمت‌های او بیرون از شمار است».

هفتاد و هفتم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای یاور، ای امان‌بخش، ای روشنگر، ای استوار، ای قدرتمند، ای راهنما، ای ستوده، ای باشکوه، ای سرسخت، ای گواه».

هفتاد و هشتم. «ای صاحب عرش شکوهمند؛ ای صاحب سخن استوار؛ ای صاحب رفتار درست؛ ای صاحب قدرت سخت؛ ای صاحب وعده و وعید؛ ای آن که سرپرست و ستوده است؛ ای آن که آنچه را بخواهد، حتماً انجام می‌دهد؛ ای آن که نزدیک است، نه دور؛ ای آن که بر هر چیز، گواه است؛ ای آن که هرگز به بندگان، ستمگر نیست».

هفتاد و نهم. «ای آن که بی شریک و وزیر است، ای آن که بی همتا و بی‌نظیر است، ای آفریننده خورشید و ماه فروزان، ای بی‌نیازکننده بینوای نیازمند، ای روزی‌دهنده کودک خردسال، ای ترخم‌کننده بر پیر سال‌خورده، ای جبران‌کننده استخوان شکسته، ای نگه‌دارنده ترسان پناهنده، ای آن که به بندگان آگاه و بیناست، ای آن که بر هر چیزی تواناست».

هشتادم. «ای صاحب سخاوت و نعمت‌ها، ای صاحب احسان و بزرگواری، ای آفریدگار لوح و قلم، ای پدیدآورنده موران و آدمیان، ای صاحب قدرت و انتقام، ای الهام‌بخش عرب و عجم، ای زداینده رنج و درد، ای دانای نهان‌ها و نیت‌ها، ای پروردگار کعبه و حرم، ای آن که موجودات را از نیستی آفرید».

هشتاد و یکم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای انجام‌دهنده، ای آفریننده، ای پذیرنده، ای کامل، ای نیکویی‌کننده، ای جداکننده، ای دادگر، ای پیروز، ای خواهنده، ای بخشنده».

الثَّانِي وَالْثَّمَانُونَ: يَا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ، يَا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ، يَا مَنْ
جَادَ بِلُطْفِهِ، يَا مَنْ تَعَزَّزَ بِقُدْرَتِهِ، يَا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهِ، يَا مَنْ حَكَّمَ
بِتَدْبِيرِهِ، يَا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ، يَا مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ دَنَا فِي عُلُوِّهِ، يَا مَنْ
عَلَا فِي دُنُوِّهِ.

الثَّالِثُ وَالْثَّمَانُونَ: يَا مَنْ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ
يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يَغْفِرُ
لِمَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشَاءُ، يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِي
الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ، يَا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ.

الرَّابِعُ وَالْثَّمَانُونَ: يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ
شَيْءٍ قَدْرًا، يَا مَنْ لَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا،
يَا مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا، يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا، يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ
الْمَاءِ بَشَرًا، يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَقْدَارًا، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا
مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا.

الخَامِسُ وَالْثَّمَانُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ، يَا بَاطِنُ
يَا ظَاهِرُ، يَا بَرُّ يَا حَقُّ، يَا قَرْدُ يَا وَتَرُ، يَا صَمْتُ يَا سَرْمَدُ.

السَّادِسُ وَالْثَّمَانُونَ: يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرِفَ، يَا أَفْضَلَ مَعْبُودٍ عُبِدَ، يَا
أَجَلَ مَشْكُورٍ شُكِرَ، يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ ذُكِرَ، يَا أَعْلَى مَحْمُودٍ حُمِدَ، يَا أَقْدَمَ
مَوْجُودٍ طُلِبَ، يَا أَرْفَعَ مَوْصُوفٍ وُصِفَ، يَا أَكْبَرَ مَقْصُودٍ قُصِدَ، يَا أَكْرَمَ
مَسْئُولٍ سُئِلَ، يَا أَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عُلِمَ.

السَّابِعُ وَالْثَّمَانُونَ: يَا حَبِيبَ الْبَاكِينَ، يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِينَ، يَا هَادِيَ
الْمُضِلِّينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أُنَيْسَ الذَّاكِرِينَ، يَا مَفْرَعَ الْمَلْهُوفِينَ،
يَا مُنْجِي الصَّادِقِينَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، يَا أَعْلَمَ الْعَالِمِينَ، يَا إِلَهَ الْخَلْقِ

هشتاد و دوم. «ای آن که با توانمندی‌اش نعمت بخشید، ای آن که با بخشنندگی‌اش کرم نمود، ای آن که با لطفش جود ورزید، ای آن که با قدرتش عزت یافت، ای آن که با حکمتش مقدر کرد، ای آن که با تدبیرش حکم کرد، ای آن که با علمش تدبیر نمود، ای آن که با بردباری‌اش گذشت کرد، ای آن که با بلندی‌اش نزدیک است، ای آن که با نزدیکی‌اش بلند است».

هشتاد و سوم. «ای آن که هر چه بخواهد، می‌آفریند؛ ای آن که هر چه بخواهد، می‌کند؛ ای آن که هر که را بخواهد، هدایت می‌کند؛ ای آن که هر که را بخواهد، گمراه می‌کند؛ ای آن که هر که را بخواهد، کیفر می‌دهد؛ ای آن که هر که را بخواهد، می‌آمرزد؛ ای آن که هر که را بخواهد، عزت می‌بخشد؛ ای آن که هر که را بخواهد، خوار می‌سازد؛ ای آن که آنچه را بخواهد، در رجم‌ها تصویرگری می‌کند؛ ای آن که هر که را بخواهد، به رحمت خویش مخصوص می‌سازد».

هشتاد و چهارم. «ای آن که جفت و فرزندی نگرفت؛ ای آن که برای هر چیز، اندازه‌ای قرار داد؛ ای آن که در فرمان‌روایی‌اش کسی را شریک نمی‌سازد؛ ای آن که فرشتگان را پیام‌رسانان خود قرار داد؛ ای آن که در آسمان، برج‌هایی قرار داد؛^۱ ای آن که زمین را جایی آرام قرار داد؛ ای آن که از آب، بشری آفرید؛ ای آن که برای هر چیز، فرجامی قرار داد؛ ای آن که دانش او، هر چیز را فرا گرفته است؛ ای آن که شمار هر چیز را می‌داند».

هشتاد و پنجم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای اول، ای آخر، ای پنهان، ای آشکار، ای نیکو، ای حق، ای یکتا، ای بی‌همتا، ای بی‌نیاز، ای همیشگی!».

هشتاد و ششم. «ای بهترین معروف شناخته‌شده، ای برترین معبود پرستیده‌شده، ای والاترین سپاس‌گفته‌شده، ای مقتدرترین یادشده‌ای که یادش کرده‌اند، ای برترین ستوده‌ای که شنایش گفته‌اند، ای قدیم‌ترین موجودی که طلبش کرده‌اند، ای والاترین موصوفی که وصفش گفته‌اند، ای بزرگ‌ترین مقصودی که به او روی آورده‌اند، ای گرمی‌ترین درخواست‌شده‌ای

۱. برج‌های آسمان، منزلگاه‌های ماه و خورشید است. بروج، به معنای ستارگان بزرگ نیز آمده است (ر.ک.:

أَجْمَعِينَ .

الثَّامِنُ وَالثَّمَانُونَ : يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ ، يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَّرَ ، يَا مَنْ بَطَنَ
فَنَجَبَرَ ، يَا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ ، يَا مَنْ عُصِيَ فَغَفَرَ ، يَا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ ،
يَا مَنْ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرٌ ، يَا رَازِقَ الْبَشَرِ ، يَا مُقَدَّرَ
كُلِّ قَدَرٍ .

التَّاسِعُ وَالثَّمَانُونَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَافِظُ يَا بَارِي ، يَا ذَارِي
يَا بَازِغُ ، يَا فَارِجُ يَا فَاتِحُ ، يَا كَاشِفُ يَا ضَامِنُ ، يَا آمِرُ يَا نَاهِي .
التَّسْعُونَ : يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ الشُّوءَ إِلَّا هُوَ ،
يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يُنِيمُ
النِّعْمَةَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ ،
يَا مَنْ لَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يُحْيِي
الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ .

الحَادِي وَالتَّسْعُونَ : يَا مُعِينَ الضُّعَفَاءِ ، يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ ، يَا نَاصِرَ
الْأَوْلِيَاءِ ، يَا قَاهِرَ الْأَعْدَاءِ ، يَا رَافِعَ السَّمَاءِ ، يَا أَنْيَسَ الْأَصْفِيَاءِ ، يَا حَبِيبَ
الْأَتَقِيَاءِ ، يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ ، يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ ، يَا أَكْرَمَ الْكُرَمَاءِ .

الثَّانِي وَالتَّسْعُونَ : يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، يَا قَائِمًا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ،
يَا مَنْ لَا يُشَبِّهُهُ شَيْءٌ ، يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ شَيْءٌ ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ
شَيْءٌ ، يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْءٌ ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، يَا مَنْ
لَا يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْءٌ^١ ، يَا مَنْ هُوَ خَبِيرٌ بِكُلِّ شَيْءٍ ، يَا مَنْ وَسِعَتْ
رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ .

١. أي لا يغيب عن علمه ولا يخفى (مجمع البحرين: ٢/١٢٠٦).

که از او خواسته‌اند، ای شریف‌ترین محبوبی که شناخته شده است!.

هشتاد و هفتم. «ای محبوب گریه‌کنندگان، ای سرور توکل‌کنندگان، ای هدایتگر گمراهان، ای سرپرست مؤمنان، ای همدم یادآوران، ای پناه درماندگان، ای نجات‌بخش راستگویان، ای تواناترین توانایان، ای داناترین دانایان، ای معبود همه آفریدگان!».

هشتاد و هشتم. «ای آن که والا گشت و چیره شد، ای آن که حکومت یافت و قدرتمند گشت، ای آن که نهان گشت و از هر چیز خبر یافت، ای آن که پرستیده شد و پاداش داد، ای آن که نافرمانی شد و آمرزید، ای آن که اندیشه‌ها او را در نیابند، ای آن که چشمی او را نبیند، ای آن که نشانی از او پنهان نماند، ای روزی‌دهنده بشر، ای تقدیرکننده هر اندازه!».

هشتاد و نهم. «خداوند! تو را به نامت می‌خوانم: ای نگه‌دارنده، ای پدیدآرنده، ای آفریننده، ای والا، ای گشاینده، ای فاتح، ای آشکارکننده، ای ضامن، ای فرمان‌دهنده، ای نهی‌کننده!».

نودم. «ای آن که جز او غیب نداند، ای آن که جز او بلا را برطرف نکند، ای آن که آفریدگان را جز او نیافریند، ای آن که جز او گناه را نیامرزد، ای آن که جز او نعمت را کامل نسازد، ای آن که جز او دل‌ها را دگرگون نکند، ای آن که جز او کار را سامان ندهد، ای آن که جز او باران نفرستد، ای آن که جز او روزی نگستراند، ای آن که جز او مردگان را حیات نبخشد!».

نود و یکم. «ای یاور ناتوانان، ای همنشین غریبان، ای یاریگر دوستان، ای کوبنده دشمنان، ای برافرازنده آسمان، ای همدم پاک‌دلان، ای محبوب تقوایندگان، ای گنج‌نیازمندان، ای معبود توانگران، ای کریم‌ترین بزرگواران!».

نود و دوم. «ای کفایت‌کننده از هر چیز، ای نگهبان استوار بر هر چیز، ای آن که چیزی همانند او نیست، ای آن که چیزی در فرمان‌روایی‌اش نیفزاید، ای آن که چیزی از او نهان نماند، ای آن که از گنجینه‌هایش چیزی نکاهد، ای آن که چیزی همانند او نیست، ای آن که از دانش او چیزی پوشیده نیست، ای آن که بر هر چیزی آگاه است، ای آن که رحمتش همه چیز را فرا گرفته است!».

الثَّالِثُ وَالتَّسْعُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُكْرِمُ يَا مُطْعِمُ ، يَا مُنْعِمُ
 يَا مُعْطِي ، يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي ، يَا مُفْنِي يَا مُحْيِي ، يَا مُرْضِي يَا مُنْجِي .
 الرَّابِعُ وَالتَّسْعُونَ: يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَهُ ، يَا إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ ،
 يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَصَانِعَهُ ، يَا بَارِيَّ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَهُ ، يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْءٍ
 وَبَاسِطَهُ ، يَا مُبْدِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُعِيدَهُ ، يَا مُنْشِئَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُقَدِّرَهُ ، يَا
 مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَمُحَوِّلَهُ ، يَا مُحْيِي كُلِّ شَيْءٍ وَمُمِيتَهُ ، يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ
 وَوَارِثَهُ .

الخَامِسُ وَالتَّسْعُونَ: يَا خَيْرَ ذَا كِرٍّ وَمَذْكُورٍ ، يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَمَشْكُورٍ ، يَا
 خَيْرَ حَامِدٍ وَمَحْمُودٍ ، يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ، يَا خَيْرَ دَاعٍ وَمَدْعُودٍ ، يَا خَيْرَ
 مُجِيبٍ وَمُجَابٍ ، يَا خَيْرَ مُؤْنِسٍ وَأُنِيسٍ ، يَا خَيْرَ صَاحِبٍ وَجَلِيسٍ ، يَا خَيْرَ
 مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ ، يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَمَحْبُوبٍ .

السَّادِسُ وَالتَّسْعُونَ: يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ ، يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ
 حَبِيبٌ ، يَا مَنْ هُوَ إِلَى مَنْ أَحَبَّهُ قَرِيبٌ ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ اسْتَحَقَّه رَقِيبٌ ، يَا
 مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ ، يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ
 رَحِيمٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ ، يَا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ قَدِيمٌ ، يَا مَنْ هُوَ
 بِمَنْ أَرَادَ عَلَيْهِ .

السَّابِعُ وَالتَّسْعُونَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَبِّبُ ، يَا مُرْغَبُ ، يَا
 مُقَلَّبُ ، يَا مُعَقَّبُ ، يَا مُرْتَبُ ، يَا مُخَوِّفُ ، يَا مُحَذِّرُ ، يَا مُذَكِّرُ ، يَا مُسَخِّرُ ،
 يَا مُعَيِّرُ .

الثَّامِنُ وَالتَّسْعُونَ: يَا مَنْ عِلْمُهُ سَابِقُ ، يَا مَنْ وَعْدُهُ صَادِقُ ، يَا مَنْ لُطْفُهُ
 ظَاهِرٌ ، يَا مَنْ أَمْرُهُ غَالِبٌ ، يَا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ ، يَا مَنْ قَضَائُهُ كَائِنٌ ، يَا مَنْ

نود و سوم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای گرم‌کننده، ای طعام‌دهنده، ای نعمت‌بخش، ای بخشنده، ای بی‌نیازکننده، ای عطاکننده، ای فانی‌سازنده، ای حیات‌بخش، ای خرسندساز، ای نجات‌بخش!».

نود و چهارم. «ای آغاز و انجام هر چیز، ای معبود و مالک هر چیز، ای پروردگار و آفریدگار هر چیز، ای پدیدآورنده و آفریننده هر چیز، ای گیرنده و گشاینده هر چیز، ای هستی‌بخش و بازآفریننده هر چیز، ای ایجادکننده و تقدیرکننده هر چیز، ای هستی‌بخش و دگرگون‌ساز هر چیز، ای حیات‌بخش و میراننده هر چیز، ای آفریدگار و میراث‌بر هر چیز!».

نود و پنجم. «ای بهترین یادکننده و یادشده، ای بهترین سپاس‌گزار و سپاس‌شده، ای بهترین ستایشگر و ستوده، ای بهترین گواه و گواهی‌شونده، ای بهترین دعوتگر و خوانده‌شده، ای بهترین پاسخ‌دهنده و اجابت‌شده، ای بهترین مونس و همدم، ای بهترین رفیق و همنشین، ای بهترین مقصود و مطلوب، ای بهترین دوستدار و دوست!».

نود و ششم. «ای آن که هر که را بخواندش، پاسخ می‌دهد؛ ای آن که هر که را اطاعتش کند، دوست می‌دارد؛ ای آن که به هر که دوستش بدارد، نزدیک است؛ ای آن که نگهبان کسی است که از او نگهبانی خواهد؛ ای آن که به هر که امید به او بندد، بزرگوار است؛ ای آن که به هر که نافرمانی‌اش کند، بردبار است؛ ای آن که با همه عظمتش مهربان است؛ ای آن که با همه حکمتش بزرگ است؛ ای آن که در احسان خود، دیرین است؛ ای آن که به هر که بخواهد، دانا است!».

نود و هفتم. «خداوندا! تو را به نامت می‌خوانم: ای سبب‌ساز، ای شوق‌آفرین، ای دگرگون‌ساز، ای تعقیب‌کننده، ای ترتیب‌دهنده، ای ترساننده، ای برحذردارنده، ای یادآورنده، ای تسخیرکننده، ای تغییردهنده!».

نود و هشتم. «ای آن که دانشش پیشین است، ای آن که وعده‌اش راست است، ای آن که لطفش آشکار است، ای آن که فرمانش چیره است، ای آن

قُرْآنُهُ مَجِيدٌ ، يَا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمٌ ، يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ ، يَا مَنْ عَرْشُهُ عَظِيمٌ .
 التَّاسِعُ وَالتَّسْعُونَ : يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ ، يَا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ
 عَنْ فِعْلٍ ، يَا مَنْ لَا يُلْهِمُهُ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ ، يَا مَنْ لَا يُغْلَطُهُ سُؤَالٌ عَنْ سُؤَالٍ ، يَا
 مَنْ لَا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ ، يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ الْمُلْحِحِينَ ، يَا مَنْ هُوَ
 غَايَةُ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ ، يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ ، يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى
 طَلِبِ الطَّالِبِينَ ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ .
 الْمِئَةُ : يَا حَلِيمًا لَا يَعْجَلُ ، يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ ، يَا صَادِقًا لَا يُخْلِفُ ، يَا
 وَهَّابًا لَا يَمَلُّ ، يَا قَاهِرًا لَا يُغْلَبُ ، يَا عَظِيمًا لَا يَوْصَفُ ، يَا عَدْلًا لَا يَحِيفُ ،
 يَا غَنِيًّا لَا يَفْتَقِرُ ، يَا كَبِيرًا لَا يَصْغُرُ ، يَا حَافِظًا لَا يَفْضُلُ .
 سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْقَوْتُ الْقَوْتُ ، خَلَّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ .^١

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

که کتابش استوار است، ای آن که تقدیرش حتمی است، ای آن که قرآنش با عظمت است، ای آن که فرمان‌روایی‌اش دیرین است، ای آن که نعمتش فراگیر است، ای آن که عرشش بزرگ است!».

نود و نهم. «ای آن که شنیدنی، او را از شنیدن دیگر، باز نمی‌دارد؛ ای آن که کاری، او را از کار دیگر، باز نمی‌دارد؛ ای آن که سخنی، او را از سخن دیگر، مشغول نمی‌سازد؛ ای آن که درخواستی، او را از درخواست دیگر، به خطا نمی‌افکند؛ ای آن که چیزی، حجاب او نسبت به چیز دیگر نمی‌شود؛ ای آن که اصرار درخواست‌کنندگان، او را به ستوه نمی‌آورد؛ ای آن که نهایت خواسته‌م‌ریدان است؛ ای آن که منتهای همت عارفان است؛ ای آن که نهایت خواسته‌جویندگان است؛ ای آن که در جهانیان، چیزی بر او پوشیده نمی‌ماند!».

صدم. «ای بردباری که [در کفر دادن،] شتاب نمی‌کند؛ ای بخشنده‌ای که بخل نمی‌ورزد، ای راستگویی که خلاف وعده عمل نمی‌کند؛ ای بخشنده‌ای که از بخشش، خسته نمی‌شود؛ ای قدرتمندی که شکست نمی‌خورد؛ ای بزرگی که به وصف نمی‌آید؛ ای دادگری که ستم نمی‌کند؛ ای بی‌نیازی که فقیر نمی‌شود؛ ای بزرگی که کوچک نمی‌شود؛ ای نگهبانی که غافل نمی‌گردد!»

منزهی تو، ای آن که معبودی جز تو نیست! به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس. پروردگارا! ما را از آتش، نجات بده!».

الفصل الرابع الأجوبة المختصة بالليالي



مركز تحقيق وتطوير علوم إسلامية

أ - الغسل

٥١٦. الإمام الصادق عليه السلام: غُسلُ أوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يُسْتَحَبُّ.^١

٥١٧. عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَلَّا يَكُونَ بِهِ الْحِكَّةُ فَلْيَغْتَسِلْ أوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فَإِنَّهُ مَنْ اغْتَسَلَ أوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْهُ لَا يُصِيبُهُ حِكَّةٌ إِلَى شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ قَابِلٍ.^٢

ب - الصَّلَاةُ

٥١٨. عنه عليه السلام: مَنْ صَلَّى أوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ الشَّهْرِ رَكَعَتَيْنِ بِسُورَةِ الْأَنْعَامِ وَسَأَلَ اللَّهَ أَنْ يَكْفِيَهُ، كَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مَا يَخَافُهُ فِي ذَلِكَ الشَّهْرِ، وَوَقَاهُ مِنَ الْمَخَافِ وَالْأَسْقَامِ.^٣

١. الكافي: ٢/٤٠/٣، تهذيب الأحكام: ١/١٠٤/٢٧٠، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١/٧٩/١٧٦، كلها عن سماعة بن مهران.

٢. الإقبال: ١/٥٦، بحار الأنوار: ٨١/١٨/٢٤.

٣. الإقبال: ١/٧٥، الدرر والواقية: ٤٠ نحوه، بحار الأنوار: ٩١/٣٨٢/٦ وج ٩٧/١٣٣/١.

فصل چهارم

آداب مخصوص شب های ماه رمضان



الف - غسل

۵۱۶. امام صادق علیه السلام : غسل اولین شب ماه رمضان، مستحب است.

۵۱۷. امام صادق علیه السلام : هر کس دوست دارد خارش پوست نداشته باشد، شب اول ماه رمضان غسل کند، که هر کس در نخستین شب از این ماه غسل کند، تا رمضان آینده دچار خارش نمی شود.

ب - نماز

۵۱۸. امام صادق علیه السلام : هر کس در شب اول این ماه، دو رکعت نماز با سوره انعام بخواند و از خداوند بخواهد که او را کفایت کند، خداوند او را در آن ماه، از آنچه می ترسد، کفایت می کند، و او را از هراس ها و بیماری ها حفظ می کند.

ج - الدعاء

٥١٩. رسول الله ﷺ - مِمَّا كَانَ يَدْعُو بِهِ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ -:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِكَ أَيُّهَا الشَّهْرُ الْمُبَارَكُ ، اللَّهُمَّ فَقِّمْنَا عَلَى صِيَامِنَا
وَقِيَامِنَا ، وَتَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ .
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ فَلَا وَلَدَ لَكَ ، وَأَنْتَ الصَّمَدُ فَلَا شِبْهَ لَكَ ، وَأَنْتَ
الْعَزِيزُ فَلَا يُعْزَلُكَ شَيْءٌ ، وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ ، وَأَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ ،
وَأَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمُذْنِبُ ، وَأَنْتَ الرَّحِيمُ وَأَنَا الْمُخْطِئُ ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ
وَأَنَا الْمَخْلُوقُ ، وَأَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ ، أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي
وَتَرْحَمَنِي وَتَتَجَاوَزَ عَنِّي ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^١ .

٥٢٠. المقنعة: إذا صليت المغرب من هذه الليلة وهي أول ليلة في الشهر فادعُ بهذا

الدعاء وهو دعاء الحج فتقول:

اللَّهُمَّ^٢ مِنْكَ أَطْلُبُ حَاجَتِي ، وَمَنْ طَلَبَ حَاجَتَهُ إِلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ
فَإِنِّي لَا أَطْلُبُ حَاجَتِي إِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ
وَرِضْوَانِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ عَامِي هَذَا
إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيلًا حَجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَكِيَّةً خَالِصَةً لَكَ تَقْرَأُ بِهَا عَيْنِي
وَتَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي وَتَرْزُقَنِي أَنْ أَغْضَ بَصْرِي وَأَنْ أَحْفَظَ فَرْجِي وَأَنْ
أَكُفَّ عَنْ جَمِيعِ مَحَارِمِكَ حَتَّى لَا يَكُونَ شَيْءٌ آثَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ
وَحَشْيَتِكَ وَالْعَمَلِ بِمَا أَحَبَبْتَ وَالتَّوَكُّلِ لِمَا كَرِهْتَ وَنَهَيْتَ عَنْهُ ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ
فِي يُسْرٍ وَعَافِيَةٍ^٣ وَ[أَوْزِعْنِي شُكْرًا^٤ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ . وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ

١. الإقبال: ١/ ١٤٦، البلد الأمين: ١٩٥ نحوه، بحار الأنوار: ٩٨/ ٧٤/ ٢.

٢. في المصادر الأخرى: «اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ وَمِنْكَ أَطْلُبُ ...».

٣. في بعض نسخ المصدر: «في يسر منك وعافية» وفي الكافي والإقبال: «في يسر ويسار وعافية».

٤. ما بين المعقوفين أئبتهاه من المصادر الأخرى.

ج - دعا

۵۱۹. پیامبر خدا ﷺ - از جمله دعا‌هایی که در اولین شب ماه رمضان می‌خواند - : ای ماه مبارک! خداوندی را سپاس که ما را به تو کرامت بخشید. خداوند! ما را بر روزه‌داری و عبادت‌مان نیرو بخش و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری کن!

خداوند! تو یکتای بی‌فرزندی، و تو بی‌نیاز^۱ بی‌همانندی، تو آن قدرتمندی هستی که چیزی به تو قدرت نمی‌بخشد. تو بی‌نیازی و من نیازمندم. تو مولایی و من بنده‌ام. تو آمرزنده‌ای و من گنه‌کارم. تو مهربانی و من خطاکارم. تو آفریدگاری و من آفریده‌ام. تو زنده‌ای و من مرده‌ام. تو را به مهربانی‌ات می‌خوانم که مرا بیامرزی، بر من رحم کنی و از من درگذری. همانا تو بر هر چیز، توانایی.

۵۲۰. المقنعة: چون نماز مغرب امشب - شب اول ماه رمضان - را خواندی، این دعا را که دعای حج است، بخوان^۲:

«خداوند! حاجتم را از تو می‌طلبم. هر کس حاجتش را از یکی از مردمان می‌خواهد؛ اما من حاجتم را تنها از تو طلب می‌کنم. انبازی برای تو نیست. تو را به احسان و رضوانت می‌خوانم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و برای من از این سال، راهی برای زیارت خانه خودت قرار دهی، برای حجی شایسته، قبول شده، پاک و خالص برای تو، که چشمم را بدان روشن سازی و رتبه‌ام را بدان بالا ببری و روزی‌ام کنی که چشم [از گناه] بر بندم و عافم را نگه دارم و از همه گناهانت دست بردارم، تا آن که هیچ چیز نزد من برگزیده‌تر و بهتر از طاعت تو و پروا کردن از تو و عمل به آنچه واجب کرده‌ای و ترک آنچه برای تو ناخوشایند است و از آن نهی کرده‌ای، نباشد. و این همه را در آسانی و توانگری و تن‌درستی قرار بده و توفیقم بده نعمتی را که به من داده‌ای، سپاس گویم؛ و از تو می‌خواهم که مرگم را کشته شدن در راهت،

۱. صمد، یعنی آنچه جسم ندارد و تو خالی نیست (ر.ک: بحار الأنوار: ۴ / ۱۸۹).

۲. در الکافی است: «امام صادق علیه السلام این دعا را در ماه رمضان می‌خواند». در الإقبال است: «امام صادق علیه السلام فرمود: در شب‌های ماه رمضان بعد از نماز مغرب این دعا را که برای حج است، بخوان...» در بحار الأنوار است: «دعای حج، در اولین شب ماه رمضان خوانده می‌شود». کفعمی در المصباح و البلد الأمين گفته است: «مستحب است در هر روز از ماه رمضان و در شب اول آن، این دعا را بخواند که دعای حج نامیده می‌شود. کراچکی در روضة العابدین، شیخ مفید و کلینی هم آن را از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند».

وَفَاتِي قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ
أَوْلِيَائِكَ^١ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَاءَكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ
تُكَرِّمَنِي بِهَوَانٍ مَنِ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَلَا تُهْنِي بِكَرَامَةٍ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ .
اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا حَسْبِيَ اللَّهُ ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ^٢ .

٥٢١ . الإمام الصادق (ع): إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلْ :

اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ ، هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي
أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَأَنْزَلْتَ فِيهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ ، اللَّهُمَّ
ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَأَعِنَّا عَلَى قِيَامِهِ ، اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا وَسَلِّمْنا فِيهِ وَتَسَلِّمْهُ
مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَمُعَافَاةٍ ، وَاجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِ
فِيْمَا يُفَرِّقُ^٣ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ
وَلَا يُبَدَّلُ ، أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ ، الْمَبْرُورِ حُجَّتُهُمُ الْمَشْكُورِ
سَعِيَّتُهُمْ ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ^٤ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ ، وَاجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ
أَنْ تُطِيلَ لِي فِي عُمْرِي وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ^٥ .

وانظر: ص ١٢٣ (أدعية التهذيب لضيافة الله كلها، فإنها تُقرأ على الأغلب في الليلة الأولى).

د - إتيانُ الأهلِ

القرآن

﴿أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَامِ أَلْزَفْتُ إِلَيَّ نِسَاءَكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنْكُمْ

١ . في البلد الأمين والمصباح للكفعمي: «وليك» بدل «أوليائك» .

٢ . المقنعة: ٣١٣ ، الكافي: ٤ / ٧٤ / ٦ ، الإقبال: ١ / ٧٨ نحوه وكلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق (ع) ، البلد

الأمين: ٢٢٢ ، المصباح للكفعمي: ٨١٦ ، بحار الأنوار: ١ / ١ / ٩٨ نقلاً عن خطِّ الشيخ الجباعي من دون إسناد
إلى المعصوم .

٣ . في الإقبال: «وفيما تفرق» .

٤ . في الإقبال: «المغفور ذنوبهم» .

٥ . الكافي: ٤ / ٧١ / ٢ ، الإقبال: ١ / ٧٧ كلاهما عن عمّار الساباطي وص ١٤٥ نقلاً عن ابن أبي قرّة نحوه .

زیر پرچم پیامبرت با دوستان خودت قرار دهی؛ و از تو می‌خواهم که دشمنانت و دشمنان پیامبرت به دست من کشته شوند؛ و از تو می‌خواهم که با خواری هر کدام از بندگان که بخواهی، بر من اکرام کنی و با اکرام هیچ یک از اولیایت، مرا خوار نسازی. خداوند! برای من راهی (ارتباطی) با پیامبر ﷺ قرار بده! مرا خداوند، پسندیده است. و درود خداوند بر محمد و خاندان پاکش باد!».

۵۲۱. امام صادق علیه السلام: چون شب اول ماه رمضان شود، بگو:

«خداوند! ای پروردگار ماه رمضان و نازل‌کننده قرآن! این، ماه رمضان است که در آن، قرآن را فرو فرستادی و در آن، آیه‌هایی روشن از هدایت و فرقان نازل کردی. خداوند! روزه‌داری آن را روزی ما کن و بر عبادت این ماه، یاری‌مان نما! خداوند! آن را برای ما سالم بدار و ما را در آن، تن‌درست کن و آن را از ما همراه با آسانی از سوی خود و عافیت، بگیر؛ و قرار بده در آنچه از قضا و تقدیر خویش قرار می‌دهی، از امر حتمی در آنچه در شب قدر از فرمان حکیمانه‌ات مقدر می‌کنی؛ تقدیری که بر نمی‌گردد و تغییر نمی‌یابد، این که مرا از حاجیان خانه با حرمت خویش بنویسی، از آنان که حجتشان نیکو و تلاششان قدردانی می‌شود و گناهانشان بخشوده و بدی‌هایشان پوشانده می‌شود؛ و در آنچه مقرر و مقدر می‌کنی، چنین قرار بده که عمرم را بلند گردانی و از روزی حلال، بر من بگسترانی!».

رک: ص ۲۰۱ (دعاهای آمادگی برای میهمانی خدا که اغلب در شب اول خوانده می‌شوند).

د - همخوابگی با همسر

قرآن

«در شب روزه‌داری، همخوابگی با زنانتان بر شما حلال شده است. آنان برای شما لباس‌اند و شما هم برای آنان لباسید. خداوند دانست که شما به خودتان خیانت می‌کنید؛ پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس، اینک با آنان در آمیزید و آنچه را خداوند برای شما مقرر کرده، طلب کنید، و بخورید و بیاشامید، تا آن دم که رشته سفید (صبح) از رشته سیاه (شب) در سپیده‌دم، بر شما نمودار شود. سپس روزه را تا شب، به پایان برید. و در حالی که در مسجدها معتکف عبادتید، با آنان در نیامیزید.

كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُمْ وَأَنْبَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرُوهُمْ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ^١.

الحديث

٥٢٢. الإمام الصادق (ع): حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ (ع) أَنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ لِقَوْلِ اللَّهِ (ع): ﴿أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةُ الصِّيَامِ الزُّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ﴾، وَالزُّفْتُ الْمُجَامَعَةُ^٢.

٢/٤

كِتَابُ اللَّيْلَةِ الثَّانِيَةِ

٥٢٣. رسول الله (ص):

يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَإِلَهَ مَنْ بَقِيَ وَإِلَهَ مَنْ قَضَى، رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَنْ فِيهِنَّ، فَالِقَ الْإِصْبَاحِ وَجَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبَانًا، لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ، وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الطُّلُوعُ، وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ.

أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ سَيِّدِي وَجَمَالِكَ مَوْلَايَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَتَجَاوَزَ عَنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^٣.

١. البقرة: ١٨٧.

٢. الكافي: ٤/١٨٠/٣ عن أبي بصير، كتاب من لا يحضره الفقيه: ٢/١٧٣/٢٠٥٢ وج ٣/٤٧٣/٤٦٥٣. الخصال: ١٠/٦١٢ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم، مكارم الأخلاق: ١/٤٦١/١٥٦٩، الإقبال: ١/١٩٠، بحار الأنوار: ٣/٣٤٨/٩٧.

٣. الإقبال: ١/٢٤٨، البلد الأمين: ١٩٥، بحار الأنوار: ٢/١٧/٩٨ وص ٢/٧٤.

اینها حدود الهی اند. پس به آنها نزدیک نشوید. خداوند، آیاتش را این گونه برای مردم، روشن می‌سازد. باشد که تقوا پیشه کنند».

حدیث

۵۲۲. امام صادق علیه السلام: پدرم از جدم از پدرانش روایت کرد که علی علیه السلام فرمود: «برای مرد، مستحب است که شب اول ماه رمضان با همسرش آمیزش کند؛ چرا که خداوند فرموده است: «در شب روزه‌داری، همخوابگی با زنانتان برای شما حلال شده است» و «زَفَتْ» [موجود در اصل آیه،] یعنی آمیزش جنسی»^۱.

۲/۴

دعای شب دوم

۵۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای معبود اولین و آخرین و ای معبود آن که مانده و آن که در گذشته است! ای پروردگار آسمان‌های هفتگانه و هر که در آنهاست! ای شکافنده صبح و ای که شب را برای آرامش، و خورشید و ماه را برای حسابگری قرار دادی! تو را ستایش و تو را سپاس و تو را نعمت بزرگ و تو را نیکی و والایی است و تو یگانه بی‌نیازی.

سرورم! تو را به جلالت می‌خوانم. مولایم! تو را به جمالت می‌خوانم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و مرا بیامرزی و بر من ترحم کنی و از من درگذری. همانا تو آمرزنده مهربانی.

۱. سید ابن طاووس گفته است: «خلوت با زنان در شب اول ماه رمضان، از عبادت‌هاست. پس با پیروی از طبع، آن را از خداپرستی به شهوت‌پرستی، بیرون نیاور و خلوت با زنان در آن شب، تو را از مقام‌های رستگاری، باز ندارد و اگر اراده سست تو را ناتوان می‌سازد، پس، از خدای توانا یاری بطلب تا ناتوانی‌ات را نیرو بخشد و شایستگی آن جایگاه با شرافت را به تو بدهد».

می‌گوییم: شاید مراد صاحب آداب در این حال، و تخصیص پرداختن به زنان قبل از ورود به ماه رمضان، برای این است که خاطر انسان در آغاز ماه رمضان، از اخلاص و توجه خاص به روزه، پُر شود و از وسوسه‌های شیطان پاک بماند، یا به این جهت است که این کار در جاهلیت، حرام بوده است. پس، از بنده خواسته شده که حلال بودن و نسخ حکم حرمتش را آشکار سازد و یا شاید مراد، احیای سنت پیامبر خدا در مورد ازدواج در شب اول ماه رمضان باشد. وجوه دیگری هم می‌توان گفت؛ ولی شاید آنچه گفتیم، به فهم‌ها نزدیک‌تر باشد.

(ر.ک: الإقبال: ۱/ ۱۸۹).

٣/٣

لَيْلَةُ اللَّيْلَةِ الثَّالِثَةِ

٥٢٤ . رسول الله ﷺ:

يا إله إبراهيم وإله إسحاق وإله يعقوب والأسباط ، رَبِّ الْمَلَائِكَةِ
وَالرُّوحِ ، السَّمِيعِ الْعَلِيمِ ، الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ ، الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، لَكَ صُمْتُ وَعَلَى
رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ ، وَإِلَى كَتِفِكَ أَوَيْتُ ، وَإِلَيْكَ أَنْبْتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ، وَأَنْتَ
الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ ، قَوْنِي عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ ، وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ ،
إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ .^١



٥٢٥ . رسول الله ﷺ:

يا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِمَهُمَا ، يَا جَبَّارَ الدُّنْيَا وَيَا مَالِكَ
الْمُلُوكِ ، يَا رَازِقَ الْعِبَادِ ، هَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ وَهَذَا شَهْرُ الثَّوَابِ وَهَذَا شَهْرُ
الرَّجَاءِ ، وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ .

أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ ، وَأَنْ تَسْتُرَنِي بِالسُّتْرِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ ، وَتَجَلِّلَنِي بِعَافِيَتِكَ الَّتِي
لَا تُرَامُ ، وَتُعْطِنِي سُؤْلِي وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ ، وَأَلَّا تَدْعَ لِي ذَنْبًا إِلَّا
عَفَرْتَهُ ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ ، وَلَا كُرْبَةً إِلَّا كَشَفْتَهَا ، وَلَا حَاجَةً إِلَّا قَضَيْتَهَا ،
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَجَلُ الْأَعْظَمُ .^٢

١ . الإقبال: ٢٥١/١ ، البلد الأمين: ١٩٥ ، بحار الأنوار: ٢/١٩/٩٨ وص ٢/٧٤ .

٢ . الإقبال: ٢٥٦/١ ، البلد الأمين: ١٩٥ ، بحار الأنوار: ٢/٢١/٩٨ وص ٢/٧٥ .

۳/۴ دعای شب سوم

۵۲۴. پیامبر خدا ﷺ: ای معبود ابراهیم و معبود اسحاق و معبود یعقوب و نوادگان! ای پروردگار فرشتگان و روح! ای شنوای دانا! ای بردبار بزرگوار! ای والای بزرگا! برای تو روزه گرفتم و با روزی تو افطار کردم و به حمایت تو پناه آوردم و به سوی تو بازگشتم و سرانجامم، به سوی توست و تو رثوف و مهربانی. بر نماز و روزه‌داری، نیرویم بخش و در روز قیامت، خوارم مکن! همانا تو از وعده تخلف نمی‌کنی.

۴/۴ دعای شب چهارم

۵۲۵. پیامبر خدا ﷺ: ای بخشنده دنیا و آخرت و مهربان در آن دوا! ای قدرتمند دنیا! ای فرمانروای پادشاهان! ای روزی‌دهنده بندگان! این، ماه توبه است و این، ماه پاداش است و این، ماه امید است و تو، شنوای دانایی. از تو می‌خواهم مرا در زمره بندگان شایسته‌ات قرار دهی، آنان که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. و می‌خواهم مرا با پوششی بپوشانی که دریده نمی‌شود، و مرا با عافیت خویش در برگیری که آسیبی به آن نمی‌رسد، و خواسته‌ام را عطا کنی، و به رحمت خود وارد بهشتم کنی، و این که هیچ گناهی را وانگذاری، جز آن که آن را آمرزیده باشی؛ و نه اندوهی را، مگر آن که زدوده باشی؛ و نه غصه جانکاهی را، مگر آن که برطرف کرده باشی؛ و نه حاجتی را، جز آن که برآورده کرده باشی، به حق محمد و خاندان محمد. همانا تویی تو، با شکوه‌تر و بزرگ‌تر.

٥/٤

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الْخَامِسَةِ

٥٢٦ . رسول الله ﷺ:

يا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ ، ويا جَابِرَ كُلِّ كَسِيرٍ ، ويا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى ، ويا
رَبَّاهُ ويا سَيِّدَاهُ ، أَنْتَ التَّوَرُّ فَوْقَ التَّوَرِ وَنُورٌ كُلِّ نُورٍ ، فَيَا نُورَ كُلِّ نُورٍ
أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبَ اللَّيْلِ وَذُنُوبَ النَّهَارِ ، وَذُنُوبَ السَّرِّ وَذُنُوبَ
الْعَلَانِيَةِ .

يا قَادِرُ يا قَدِيرُ ، يا وَاحِدُ يا أَحَدُ يا صَمَدُ ، يا وَدُودُ يا غَفُورُ يا رَحِيمُ ،
يا غَافِرَ الذَّنْبِ وَقَابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقَابِ ذَا الطَّلَوِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ ، تُحْيِي وَتُمِيتُ وَتُمِيتُ وَتُحْيِي ، وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ، صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفُ عَنِّي وَارْحَمْنِي وَاعْفُ عَنِّي ، إِنَّكَ أَنْتَ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ .

٦/٤

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ السَّادِسَةِ

٥٢٧ . رسول الله ﷺ:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ، وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ ، وَأَنْتَ الْإِلَهُ الصَّمَدُ ،
رَفَعْتَ السَّمَاوَاتِ بِقُدْرَتِكَ ، وَدَحَّوْتَ الْأَرْضَ بِعِزَّتِكَ ، وَأَنْشَأْتَ السَّحَابَ
بِوَحْدَانِيَّتِكَ ، وَأَجَزْتَ الْبَحَارَ بِسُلْطَانِكَ .

يا مَنْ سَبَّحَتْ لَهُ الْحَيَاتَانُ فِي الْبُحُورِ وَالسَّبَاعُ فِي الْقَلَوَاتِ ، يا مَنْ

۵/۴

دعای شب پنجم

۵۲۶. پیامبر خدا ﷺ: ای آفریننده هر آفریده، ای جبران‌کننده هر شکسته، ای گواه هر رازگویی، ای پروردگار و سرور! تویی آن نور بالای نور و نور هر نور. پس - ای فروغ هر روشنایی - از تو می‌خواهم که گناهان شب و گناهان روز و گناهان پنهان و گناهان آشکارم را بیامری.

ای توانا، ای توانگر! ای یگانه، ای یکتا، ای بی‌نیاز! ای با رأفت، ای آمرزنده، ای مهربان! ای بخشاینده گناه و ای پذیرنده توبه! ای سخت‌کیفر صاحب نعمت! معبودی جز تو نیست. یکتایی بی‌شریکی، زنده می‌کنی و می‌میرانی و می‌میرانی و زنده می‌کنی و تویی یکتای قدرتمند. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بیامرز و بر من ترحم کن و از من درگذر! همانا تو بخشاینده و مهربانی.

۶/۴

دعای شب ششم

۵۲۷. پیامبر خدا ﷺ: خداوند! تویی شنوای دانا و تویی یکتای بزرگوار و تویی معبود بی‌نیاز. با قدرتت آسمانها را بر افراستی و با توانمندی‌ات زمین را گستراندی و با یکتایی‌ات ابر را پدید آوردی و با قدرتت دریاها را به جریان انداختی. ای آن که ماهیان در دریاها و درندگان در بیابانها تسبیح‌گوی اویند! ای آن که هیچ پنهانی در آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه، بر او پوشیده نیست!

لا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ .
 يَا مَنْ يُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ ، يَا مَنْ
 لَا يَمُوتُ وَلَا يَبْقَى إِلَّا وَجْهُهُ الْجَلِيلُ الْجَبَّارُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاعْفِرْ
 لِي وَارْحَمْنِي وَاعْفُ عَنِّي ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ .^١

٧/٤

سُورَةُ النَّازِعَاتِ السَّابِعَةُ

٥٢٨ . رسول الله ﷺ :

يَا مَنْ كَانَ وَيَكُونُ وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَبْقَى إِلَّا وَجْهُهُ
 الْجَبَّارُ ، يَا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ ، يَا مَنْ إِذَا دُعِيَ
 أَجَابَ ، يَا مَنْ إِذَا اسْتُرْجِمَ رَجِمَ ، يَا مَنْ لَا يُدْرِكُ الْوَاصِفُونَ صِفَتَهُ مِنْ
 عَظَمَتِهِ ، يَا مَنْ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ،
 يَا مَنْ يَرَى وَلَا يُرَى وَهُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى ، يَا مَنْ لَا يُعْزُهُ شَيْءٌ وَلَا يَفُوقُهُ
 أَحَدٌ ، يَا مَنْ يَتَذَكَّرُ نَوَاصِي الْعِبَادِ .

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ وَحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْحَمَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى
 إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ .^٢

١ . الإقبال : ٢٦٢/١ ، البلد الأمين : ١٩٦ ، بحار الأنوار : ٢/٧٥/٩٨ .

٢ . الإقبال : ٢٦٦/١ ، البلد الأمين : ١٩٦ ، وليس فيه «يا من لا يموت ولا يبقى إلا وجهه الجبار» و«يا من لا يعزّه شيء»

ولا يفوقه أحد» . بحار الأنوار : ٢/٢٦/٩٨ و ٢/٧٦ .

ای آن که آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه در آنهاست، تسبیح‌گوی اویندا! ای خدای نامیرا! ای آن که جز ذات شکوهمند و مقتدر او پاینده نیست! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بیامرزد و بر من ترحم کن و از من درگذرد! همانا تو آمرزندهٔ مهربانی.

۷/۴ دعای شب‌مقتم

۵۲۸. پیامبر خدا ﷺ: ای آن که بوده است و خواهد بود و چیزی همانند او نیست! ای خدای نامیرا که جز ذات مقتدر او پاینده نیست! ای آن که رعد، با ستایش او، تسبیح‌گوی اوست و فرشتگان از بیم او تسبیح‌گوی اویندا! ای آن که چون خوانده شود، پاسخ می‌دهد! ای آن که چون از او رحمت خواهند، ترحم می‌کند! ای آن که از نهایت عظمتش توصیف‌گران، توصیف او را نتوانند! ای آن که چشم‌ها او را در نمی‌یابند و او چشم‌ها را درک می‌کند و او صاحب لطف است و آگاه است! ای آن که می‌بیند و دیده نمی‌شود و بر فراز نگریستن است! ای آن که چیزی او را شکست نمی‌دهد و کسی برتر از او نیست! ای آن که اختیار بندگان به دست اوست!

تو را می‌خوانم به حق محمد بر تو و به حق تو بر محمد، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و بر محمد و خاندان محمد رحمت آوری، آن گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم در جهانیان، درود و برکت فرستادی و رحمت آوردی. همانا تو ستودهٔ باشکوهی.

۸/۴

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الثَّامِنَةِ

۵۲۹. رسول الله ﷺ:

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُكَ الَّذِي أَمَرْتَ فِيهِ عِبَادَكَ بِالدُّعَاءِ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ ،
وَقُلْتَ : «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا
دَعَانِ»^۱ ، فَأَدْعُوكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّ ، وَيَا كَاشِفَ السُّوءِ عَنِ
الْمَكْرُوبِ ، وَيَا جَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَنًا ، وَيَا مَنْ لَا يَمُوتُ اغْفِرْ لِمَنْ يَمُوتُ ،
قَدَّرْتَ وَخَلَقْتَ وَسَوَّيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ ، أَطْعَمْتَ وَسَقَيْتَ وَآوَيْتَ وَرَزَقْتَ
فَلَكَ الْحَمْدُ .

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ، وَفِي
النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ، وَفِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى ، وَأَنْ تَكْفِيَنِي مَا أَهْمَنِي ، وَتَغْفِرَ
لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^۲ .

۹/۴

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الثَّاسِعَةِ

۵۳۰. رسول الله ﷺ:

يَا سَيِّدَاهُ وَيَا رَبَّاهُ ، وَيَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، وَيَا ذَا الْعَرْشِ الَّذِي
لَا يَنَامُ ، وَيَا ذَا الْعِزِّ الَّذِي لَا يُرَامُ ، يَا قَاضِيَ الْأُمُورِ ، يَا شَافِيَ الصُّدُورِ ،
اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا ، وَاقْذِفْ رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي حَتَّى لَا أَرْجُوَ

۱. البقرة: ۱۸۶.

۲. الإقبال: ۱/ ۲۶۹، البلد الأمين: ۱۹۶ وليس فيه «أطعمت وسقيت وآويت ورزقت فلك الحمد»، بحار الأنوار:

۸/۴

دعای شب‌هشتم

۵۲۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند! این، ماه توست که بندگان را فرمان داده‌ای که در آن تو را بخوانند و برای آنان اجابت را تضمین کرده‌ای و فرموده‌ای: «و هر گاه بندگانم از تو درباره من پرسیدند، پس همانا من نزدیکم؛ دعای خواننده را آن گاه که مرا بخوانند، جواب می‌دهم» پس تو را می‌خوانم، ای اجابت‌کننده دعای درمانده، و ای زداينده بدی از پریشان، و ای که شب را مایه آرامش قرار داد و ای آن که نمی‌میرد! بیامرز آن را که می‌میرد!

مقدر کردی، آفریدی، و پرداختی. پس، تو را ستایش. خوراندی، سیراب کردی، پناه دادی و روزی بخشیدی. پس، تو را ستایش.

از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی، در شب (آن گاه که فرا می‌گیرد) و در روز (آن گاه که روشن می‌گردد) و در آخرت و دنیا، و نیز این که آنچه مرا اندوهگین ساخته، از من کفایت کنی و مرا بیامرزی. همانا تویی آمرزنده مهربان.

۹/۴

دعای شب‌نهم

۵۳۰. پیامبر خدا ﷺ: سرور! پروردگار! ای صاحب شکوه و بزرگواری! ای صاحب‌عرشی که نمی‌خوابد! ای صاحب عزتی که کسی را یارای تعرض به او نیست! ای مقدر کننده کارها! ای شفابخش سینه‌ها! برای من از کارم گشایش و راه نجاتی قرار بده و امیدت را در دلم افکن تا جز به تو، امید نبندم!

سرور! بر تو تکیه کردم. مولای من! به سوی تو روی آوردم، و بازگشت به سوی توست.

أَحَدًا سِوَاكَ ، عَلَيكَ سَيِّدِي تَوَكَّلْتُ ، وَإِلَيْكَ مَوَلَايَ أَنْبْتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ .
 أَسْأَلُكَ يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ ، وَيَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ ، وَيَا كَبِيرَ الْأَكْبَارِ ، الَّذِي مَنْ
 تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ وَكَانَ حَسْبَهُ وَبَالِغَ أَمْرِهِ ، عَلَيكَ تَوَكَّلْتُ فَكَفِنِي ، وَإِلَيْكَ
 أَنْبْتُ فَارْحَمْنِي ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ فَاغْفِرْ لِي ، وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ
 وُجُوهُ وَتَبْيِضُ وُجُوهُ ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ .^١

١٠/٣

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الْعَاشِرَةِ

٥٣١ . رسول الله ﷺ:

اللَّهُمَّ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُ ، يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ ، يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ ، يَا
 وَاحِدُ يَا قَرْدُ ، يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ ، يَا وَدُودُ يَا حَلِيمُ ، مَضَى مِنْ
 الشَّهْرِ الْمُبَارَكِ الثُّلُثُ ، وَلَسْتُ أَدْرِي سَيِّدِي مَا صَنَعْتَ فِي حَاجَتِي ، هَلْ
 غَفَرْتَ لِي؟ إِنْ أَنْتَ غَفَرْتَ لِي فَطُوبَى لِي ، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لِي
 فَوَاسْوَأَتَاهُ .

فَمِنْ الْآنَ سَيِّدِي فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ وَلَا تَخْذُلْنِي ،
 وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي ، وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنِّي بِعَفْوِكَ وَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ ،
 وَتَجَاوَزْ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ ، إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ .^٢

١ . الإقبال: ٢٧٢/١ ، البلد الأمين: ١٩٧ وليس فيه «ويا ذا العرش الذي لا ينام» ، بحار الأنوار: ٢/٢٩/٩٨ و ص ٢/٧٦ .

٢ . الإقبال: ٢٧٥/١ ، البلد الأمين: ١٩٧ وزاد فيه «يا عزيز» بعد «يا مهيم» وليس فيه «مضى من الشهر المبارك الثلث» ، بحار الأنوار: ٢/٣١/٩٨ و ص ٢/٧٦ .

۱۱/۴

دعای شب یازدهم

۵۳۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوندا! کار را از سر می‌گیرم و امید عفو دارم و این، نخستین شب از شب‌های دههٔ دوم است. تو را به نام‌های نیکت می‌خوانم و از آن آتش همیشه شعله‌ور ت به تو پناه می‌برم و از تو می‌خواهم که بر عبادت و روزه‌داری آن نیرویم بخشی و مرا بیامرزی و بر من ترحم کنی. همانا تو وعده را خلاف نمی‌کنی.

خداوندا! به آن رحمت که همه چیز را فرا گرفته است و کارهای نیک با آن به کمال می‌رسند و تکیه‌ام بر آن است - و تو آن بی‌نیازی که نه زاده‌ای و نه زاییده کسی هستی و هیچ کس همتای تو نیست، - بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بیامرز و بر من رحمت آور و از من درگذرا همانا تو توبه‌پذیر مهربانی.

۱۲/۴

دعای شب دوازدهم

۵۳۳. پیامبر خدا ﷺ: خداوندا! تویی قدرتمند حکیم، و تویی آمرزندهٔ مهربان، و تویی والامرتبهٔ بزرگ. تو را سپاس، سپاسی ماندگار و فناپذیر؛ و تو را شکر، شکری ماندگار و فناپذیر. و تویی زندهٔ حکیم دانا. از تو می‌خواهم، به فروغ ذات با کرامت و به آن شکوهت که بدان آسیب نمی‌رسد و به آن عزت که شکست نمی‌خورد، این که بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و مرا بیامرز و بر من ترحم کنی. همانا تویی مهربان‌ترین مهربانان.

۱۳/۴

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الثَّالِثَةِ عَشْرَةَ

۵۳۴. رسول الله ﷺ:

يا جَبَّارَ السَّمَاوَاتِ وَجَبَّارَ الْأَرْضِينَ ، يَا مَنْ لَهُ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ
وَمَلَكُوتُ الْأَرْضِينَ ، وَغَفَّارَ الذُّنُوبِ وَالسَّمِيعَ الْعَلِيمَ ، الْغَفُورَ الْعَزِيزَ الْحَلِيمَ
الرَّحِيمَ ، الصَّمَدَ الْقَرْدَ الَّذِي لَا شَبِيهَ لَكَ وَلَا وَلِيَّ لَكَ ، أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى
وَالْقَدِيرُ الْقَادِرُ ، وَأَنْتَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَأَلِهِ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .^۱

۱۴/۴

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الرَّابِعَةِ عَشْرَةَ

۵۳۵. [رسول الله ﷺ]:^۲

يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ ، يَا وَلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ وَجَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ ،
أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَلَمْ أَكُ شَيْئاً ، وَأَنْتَ أَمَرْتَنِي بِالطَّاعَةِ فَأَطَعْتُ سَيِّدِي جَهْدِي ،
فَإِنْ كُنْتُ تَوَانَيْتُ أَوْ أَخْطَأْتُ أَوْ نَسِيتُ فَتَقَضَّلْ عَلَيَّ سَيِّدِي ، وَلَا تَقْطَعْ
رَجَائِي فَاْمُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ ، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ بْنِ
عَبْدِ اللَّهِ ﷺ ، وَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ .^۳

۱. الإقبال: ۲۸۶/۱، البلد الأمين: ۱۹۷ نحوه، بحار الأنوار: ۲/۲۶/۹۸ و ص ۲/۷۷.

۲. سقط اسم رسول الله ﷺ في المصدر من أول الدعاء في هذه الليلة وفي الليلة الخامسة عشرة، والحال أن هذه الأدعية الثلاثين قد وردت برواية واحدة متسلسلة كما في البلد الأمين.

۳. الإقبال: ۲۹۱/۱، البلد الأمين: ۱۹۷ وليس فيه «يا وليَّ الأولياء» وزاد فيه «ويا إله الأولين والآخرين» بعد «الجبابرة»، بحار الأنوار: ۲/۳۹/۹۸ و ص ۲/۷۷.

ای معبود همهٔ معبودها! ای قدرتمند همهٔ قدرتمندان! ای بزرگ بزرگان،
آن که هر کس بر او توکل کند، کفایتش نماید و او را بس است و کارش را به
پایان می‌رساند! از تو می‌خواهم. بر تو توکل کردم؛ پس کفایتم کن. به سوی تو
رو کردم؛ پس بر من ترحم کن. بازگشت، به سوی توست؛ پس مرا بیامرز و آن
روز که چهره‌هایی سیاه و چهره‌هایی سفید می‌شوند، روسیاهم مکن! همانا تو
قدرتمند حکیمی. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر من رحمت آور و
از من درگذر! همانا تویی آمرزندهٔ مهربان.

۱۰/۴

دعای شب‌بیم

۵۳۱. پیامبر خدا ﷺ: خداوندا، ای سلام! ای ایمنی‌بخش، ای مَهِیْمِن! ای مقتدر،
ای بزرگا ای یگانه، ای بی‌نیاز! ای یکتا، ای بی‌نظیر! ای آمرزنده، ای
مهربان! ای با رأفت، ای بردبار! یک سوم از ماه مبارک گذشت و - سرورا -
نمی‌دانم که در مورد نیازم چه کرده‌ای. آیا مرا آمرزیده‌ای؟ که اگر مرا
آمرزیده‌ای، پس خوشا به حالم و اگر مرا نیامرزیده‌ای، پس وای بر من!
پس، از هم‌اکنون - سرورم - مرا بیامرز و بر من رحمت‌آور و توبه‌ام را بپذیر
و خوارم مکن و از لغزشم درگذر و با پوشش خودت [عیب‌های] مرا بپوشان و
با بخشایش خودت مرا ببخشای و با رحمتت بر من ترحم کن و با قدرتت از
من درگذر! همانا تو مقتدر می‌کنی و کسی بر تو فرمان نمی‌راند و تو بر هر چیز،
توانایی.

۱. مَهِیْمِن، از نام‌های خداوند است؛ یعنی: آن که عهده‌دار کارها، اجل‌ها و روزی‌های مردم است. نیز گفته شده:
یعنی مراقب بر هر چیز و نیز: امینی که حق کسی، نزد او ضایع نمی‌شود (ر.ک: مجمع البحرین: ۳/ ۱۸۹۵).

١١/٤

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الْخَامَةِ عَشْرَةَ

٥٣٢ . رسول الله ﷺ :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَأْنِفُ الْعَمَلَ وَأَرْجُو الْعَفْوَ ، وَهَذِهِ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي
الثُّلُثِينَ ، أَدْعُوكَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْ نَارِكَ الَّتِي لَا تُطْفَأُ ،
وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُقَوِّنِي عَلَى قِيَامِهِ وَصِيَامِهِ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِنَّكَ
لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ .

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِهَا تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ ، وَعَلَيْهَا
اتَّكَلْتُ ، وَأَنْتَ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ،
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمَنِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي ، إِنَّكَ
أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ .^١

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی
١٢/٣

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ

٥٣٣ . رسول الله ﷺ :

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ،
لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَبْقَى وَلَا يَفْنَى ، وَلَكَ الشُّكْرُ شُكْرًا يَبْقَى وَلَا يَفْنَى ،
وَأَنْتَ الْحَيُّ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ .

أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَبِجَلَالِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي
لَا تُفْهَرُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي ،
إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .^٢

١ . الإقبال: ٢٧٨/١ ، البلد الأمين: ١٩٧ نحوه ، بحار الأنوار: ٢/٣٢/٩٨ و ص ٢/٧٧ .

٢ . الإقبال: ٢٨٢/١ ، البلد الأمين: ١٩٧ وليس فيه «وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» ، بحار الأنوار: ٢/٣٤/٩٨ .

۱۳/۴

دعای شب‌یزدہم

۵۳۴. پیامبر خدا ﷺ: ای جبار آسمان‌ها و زمین‌ها^۱ و ای آن که فرمان‌روایی آسمان‌ها و فرمان‌روایی زمین‌ها از آن اوست، و ای آمرزنده گناهان و شنوای دانا! ای آمرزنده قدرتمند و بردبار مهربان! ای بی‌نیاز یگانه‌ای که نه همتایی داری و نه سرپرستی! تویی والامرتبه برتر و قدرتمند توانا، و تویی توبه‌پذیر مهربان. از تو می‌خواهم بر محمد و خاندان محمد درود بفرستی و مرا بیامرزی و بر من ترحم کنی. همانا تویی مهربان‌ترین مهربانان.

۱۴/۴

دعای شب‌چهاردهم

۵۳۵. پیامبر خدا ﷺ: ای آغاز آغازها و ای فرجام پایان‌ها! ای سرپرست اولیا. و ای چیره بر همه زورمندان! تو مرا آفریدی، در حالی که چیزی نبودم؛ و تو مرا به فرمان‌برداری دستور دادی و من - ای سرورم - به اندازه توانم اطاعت کردم. پس اگر کوتاهی یا خطا یا فراموش کردم، - سرور من - بر من احسان کن و امیدم را ناامید نکن و با بهشت، بر من منت بگذار و مرا با پیامبر رحمت، محمد بن عبد الله ﷺ همدم ساز و مرا بیامرز! همانا تویی توبه‌پذیر مهربان.

۱. جبار، معانی متعددی دارد، اما درباره خدا به معنای چیره است و نیز آن که وضع مردم را اصلاح و کاستی آنان را جبران می‌کند (ر.ک: مجمع البحرین: ۱/ ۲۶۵).

١٥/٤

آداب اللَّيْلَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ

اللَّيْلَةُ الْخَامِسَةُ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ هِيَ لَيْلَةُ وَلَادَةِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْمَجْتَبَى (ع)، وَفِي رَوَايَةٍ أَنَّهَا لَيْلَةُ وَلَادَةِ الْإِمَامِ مُحَمَّدٍ الْجَوَادِ (ع).

قَالَ الشَّيْخُ الْمُفِيدُ (ع): فِي يَوْمِ النِّصْفِ مِنْهُ سَنَةٌ ثَلَاثٌ مِنَ الْهَجْرَةِ كَانَ مَوْلِدُ سَيِّدِنَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع).

وَفِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ سَنَةٌ خَمْسٌ وَتِسْعِينَ وَمِئَةً وَلِدَ سَيِّدُنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى (ع)، وَهُوَ يَوْمُ سُرُورِ الْمُؤْمِنِينَ. وَيَسْتَحَبُّ فِيهِ الصَّدَقَةُ وَالتَّطَوُّعُ بِالْخَيْرَاتِ، وَالْإِكْثَارُ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى ظُهُورِ حُجَّتِهِ وَإِقَامَةِ دِينِهِ بِخَلِيفَتِهِ فِي الْعَالَمِينَ وَابْنِ نَبِيِّهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.^٢ وَفِيمَا يَلِي آدَابُ لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْهُ:

أ - الْغُسْلُ

٥٣٦. الْإِقْبَال - فِي بَيَانِ اسْتِحْبَابِ الْغُسْلِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ -: أَمَّا الْغُسْلُ فَرَوَيْنَاهُ عَنْ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ (ع).

وَفِي رَوَايَةٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ^٣ يُسْتَحَبُّ لَيْلَةُ النِّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.^٤

١. المشهور أنَّ ولادته (ع) كانت في غير هذا اليوم.

٢. مسار الشيعه: ٢٤.

٣. في بعض نسخ المصدر: «أنه قال: ...».

٤. الإقبال: ١/ ٢٩٣، بحار الأنوار: ٩٨/ ٢/ ٤٠.

۱۵/۴

آداب شب پانزدهم

شب پانزدهم ماه مبارک رمضان، شب میلاد امام حسن مجتبی‌علیه السلام و به روایتی میلاد امام محمد جوادعلیه السلام است.

شیخ مفیدرحمته الله گفته است: «در نیمهٔ رمضان سال سوم هجرت، تولد مولایمان ابو محمد حسن بن علی بن ابی طالبعلیه السلام اتفاق افتاده است.

نیز در چنین روزی در سال ۱۹۵ [ق]، سرورمان ابو جعفر محمد بن علی بن موسیعلیه السلام به دنیا آمده است^۱ و این روز، روز شادی مؤمنان است و مستحب است صدقه دادن و انجام دادن کارهای نیک و شکرگزاری فراوان به درگاه خداوند به خاطر آشکار شدن حجتش و برپایی دینش در میان جهانیان به وسیلهٔ جانشینش و فرزند پیامبرش، سرور رسولانعلیهم السلام. آنچه در پی می‌آید، آداب شب نیمهٔ رمضان است.

الف - غسل

۵۳۶. الإقبال - در بیان مستحب بودن غسل در این شب - : اما غسل، ما آن را از شیخ مفید روایت کرده‌ایم.^۲

و در روایتی از امام صادقعلیه السلام است که غسل در شب نیمهٔ ماه رمضان، مستحب است.

۱. مشهور، آن است که تولد امام جوادعلیه السلام، در غیر این روز است.

۲. شیخ مفید در مسار الشیعة، (ص ۲۳) گفته است: «غسل در شب نیمهٔ ماه رمضان، مستحب است» و در المقنعة (ص ۳۱۱) گفته است: «از آداب رمضان، غسل در شش شب از آن است: ... و در شب نیمهٔ آن».

ب - الزَّيَارَةُ

٥٣٧. الإقبال: عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ الشَّيْبَانِيِّ، بِإِسْنَادِهِ مِنْ كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ التَّهْدِيِّ فِي حَدِيثٍ، يَقُولُ فِيهِ عَنِ الصَّادِقِ (ع)، أَنَّهُ قِيلَ لَهُ: فَمَا تَرَى لِمَنْ حَضَرَ قَبْرَهُ - يَعْنِي الْحُسَيْنَ (ع) - لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؟

فَقَالَ: «بَخٍ بَخٍ! مَنْ صَلَّى عِنْدَ قَبْرِهِ لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَشْرَ رَكَعَاتٍ مِنْ بَعْدِ الْعِشَاءِ مِنْ غَيْرِ صَلَاةِ اللَّيْلِ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ بِ«فَاتِحَةِ الْكِتَابِ» وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَاسْتَجَارَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، كَتَبَهُ اللَّهُ عَتِيقاً مِنَ النَّارِ، وَلَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى فِي مَنَامِهِ مَلَائِكَةً يُبَشِّرُونَهُ بِالْجَنَّةِ، وَمَلَائِكَةً يُؤْمِنُونَهُ مِنَ النَّارِ»^١.

وانظر: من ٢٥٨ (ما يؤكد استحبابه من الأعمال / زيارة الإمام الحسين).

ج - الصَّلَاةُ مِئَةَ رَكَعَةٍ

٥٣٨. رسول الله (ص): مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مِئَةَ رَكَعَةٍ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ «الْحَمْدَ»، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ عَشْرَةَ أَمْلاكٍ يَدْرُوْنَ عَنْهُ أَعْدَاءَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَهْبَطَ اللَّهُ عِنْدَ مَوْتِهِ ثَلَاثِينَ مَلَكاً يُبَشِّرُونَهُ بِالْجَنَّةِ، وَثَلَاثِينَ مَلَكاً يُؤْمِنُونَهُ مِنَ النَّارِ^٢.

٥٣٩. تهذيب الأحكام: عَنْ أَبِي يَحْيَى عَنْ عِدَّةٍ مِمَّنْ يُوَثَّقُ بِهِمْ قَالُوا:

قَالَ^٣: «مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مِئَةَ رَكَعَةٍ، يَقْرَأُ فِي

١. الإقبال: ٢٩٤/١. بحار الأنوار: ١٠١/٢٤٩/٢ وج ٢٠/٤٠/٩٨.

٢. الإقبال: ٢٩٣/١ عن الإمام الصادق (ع) عن أبيه (ع)، تهذيب الأحكام: ٢١٢/٦٢/٣ عن سليمان بن عمرو، المقنعة: ١٧١ كلاهما عن الإمام الصادق (ع) وليس فيهما «يبشرونه بالجنة»، الدعوات: ٢٧٨/٨٠٥ نحوه وكلها عن الإمام علي (ع) من دون إسناد إليه (ع).

٣. كذا في المصدر مضمراً.

ب - زیارت

۵۳۷. الإقبال - به نقل از ابو مفضل شیبانی، به سند خود از کتاب علی بن عبدالواحد نهدی - : به امام صادق علیه السلام گفتند: درباره آن که شب نیمه ماه رمضان به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌رود، چه می‌فرماید؟

فرمود: «به به! هر کس شب نیمه ماه رمضان، در کنار قبر آن امام، پس از عشا، چند رکعت غیر از نماز شب بخواند، بدین صورت که در هر رکعت، سوره حمد و ده بار سوره «قل هو الله» را بخواند و به خداوند از آتش پناه ببرد، خداوند او را آزاد شده از دوزخ قرار می‌دهد و او نمی‌میرد، تا آن که در خواب می‌بیند که فرشتگانی او را به بهشت مرده می‌دهند و نیز فرشتگانی او را از آتش، بیمه می‌کنند».

ر.ک: ص ۲۵۹ (کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است / زیارت امام حسین علیه السلام).



ج - نماز صد رکعت

۵۳۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در شب نیمه رمضان، صد رکعت نماز بخواند که در هر رکعت، سوره حمد و ده بار سوره «قل هو الله احد» بخواند، خداوند ده فرشته به سوی او می‌فرستد که دشمنان او را از جن و انس، از او دفع کنند، و هنگام مرگش سی فرشته می‌فرستد که او را به بهشت مرده دهند و سی فرشته که او را مرده ایمنی از آتش دهند.

۵۳۹. تهذیب الأحکام - به نقل از ابو یحیی، از گروهی که مورد اطمینان بوده‌اند [از یکی از امامان علیهم السلام روایت کرده که] - : فرمود^۱: «هر کس در شب نیمه ماه رمضان، صد رکعت نماز بخواند و در هر رکعتش ده بار سوره «قل هو الله احد»

۱. در منبع نیز نام معصوم، ذکر نشده است.

كُلَّ رَكْعَةٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ بِـ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فَذَلِكَ أَلْفُ مَرَّةٍ فِي مِئَةٍ، لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى فِي مَنَامِهِ مِئَةً مِنَ الْمَلَائِكَةِ، ثَلَاثِينَ يُبَشِّرُونَهُ بِالْجَنَّةِ، وَثَلَاثِينَ يُؤْمِنُونَهُ مِنَ النَّارِ، وَثَلَاثِينَ تَعَصُّمُهُ مِنْ أَنْ يُخْطِئَ، وَعَشْرَةٌ يَكِيدُونَ مَنْ كَادَهُ»^١.

٥٢٠. مسار الشيعة: وفي ليلة النصف منه يُسْتَحَبُّ الْغُسْلُ وَالتَّنْفُلُ بِمِئَةِ رَكْعَةٍ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ مِنْهَا «الْحَمْدُ» وَاحِدَةً، وَعَشْرَ مَرَّاتٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، خَارِجَةً عَنِ الْأَلْفِ رَكْعَةٍ الَّتِي ذَكَرْنَاهَا فِيمَا تَقَدَّمَ، وَقَدْ وَرَدَ الْخَبَرُ فِي فَضْلِ ذَلِكَ بِأَمْرِ جَسِيمٍ^٢.

د - الدُّعَاءُ

٥٢١. [رسول الله ﷺ]:

الْحَنَانُ أَنْتَ سَيِّدِي، الْمَنَّانُ أَنْتَ مَوْلَايَ، الْكَرِيمُ أَنْتَ سَيِّدِي، الْعَفُوُّ أَنْتَ مَوْلَايَ، الْحَلِيمُ أَنْتَ سَيِّدِي، الْوَهَّابُ أَنْتَ مَوْلَايَ، الْعَزِيزُ أَنْتَ سَيِّدِي، الْقَرِيبُ أَنْتَ مَوْلَايَ، الْوَاحِدُ أَنْتَ سَيِّدِي، الْقَاهِرُ أَنْتَ مَوْلَايَ، الصَّمَدُ أَنْتَ سَيِّدِي، الْعَزِيزُ أَنْتَ مَوْلَايَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي إِنَّكَ أَنْتَ الْأَجَلُ الْأَعْظَمُ^٣.

١٦/٢

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سِتَّةً عَشْرَةَ

٥٢٢. رسول الله ﷺ:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ

١. تهذيب الأحكام: ٢١١/٦٢/٣، الإقبال: ٢٩٤/١ نقلًا عن ابن أبي قرة نحوه، بحار الأنوار: ٩٨/٢٠/٢؛

الدعاء للطبراني: ٩١٧/٢٨٥ نحوه.

٢. مسار الشيعة: ٢٣.

٣. الإقبال: ٢٩٤/١، البلد الأمين: ١٩٨ نحوه، بحار الأنوار: ٩٨/٢٢/٢ وص ٢/٧٧.

يا رَحْمَانُ ، يا رَحْمَانُ يا رَحْمَانُ ، يا رَحْمَانُ يا رَحْمَانُ ، يا رَحْمَانُ
 يا رَحْمَانُ ، يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ ، يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ ، يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ ،
 يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ، يا غَفُورُ يا غَفُورُ ، يا غَفُورُ يا غَفُورُ ، يا غَفُورُ يا غَفُورُ،
 يا غَفُورُ يا غَفُورُ ، يا رَوْوْفُ يا رَوْوْفُ ، يا رَوْوْفُ يا رَوْوْفُ ، يا رَوْوْفُ
 يا رَوْوْفُ ، يا رَوْوْفُ يا رَوْوْفُ ، يا حَنَّانُ يا حَنَّانُ ، يا حَنَّانُ يا حَنَّانُ ،
 يا حَنَّانُ يا حَنَّانُ ، يا حَنَّانُ يا حَنَّانُ ، يا عَلِيُّ يا عَلِيُّ ، يا عَلِيُّ يا عَلِيُّ ،
 يا عَلِيُّ يا عَلِيُّ ، يا عَلِيُّ يا عَلِيُّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ
 الرَّحِيمُ^١.

١٧/٤

آدابُ اللَّيْلَةِ السَّابِعَةِ عَشْرَةَ

مرکز تحقیقات کتب ویران‌سوی

أ - الغُسل

٥٣٣. الإمام الباقر (عليه السلام): الغُسلُ في سَبْعَةِ عَشَرَ مَوْطِنًا: لَيْلَةُ سَبْعِ عَشْرَةِ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ؛
 وَهِيَ لَيْلَةُ التَّقَاءِ الْجَمْعَيْنِ لَيْلَةُ بَدْرِ....^٢

ب - الدُّعاء

٥٣٤. رسول الله (صلى الله عليه وآله):

اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ ، وَأَمَرْتَ فِيهِ بِعِمَارَةِ
 الْمَسَاجِدِ وَالْدُّعَاءِ وَالصَّيَامِ وَالْقِيَامِ وَضَمِنْتَ لَنَا فِيهِ الْإِسْتِجَابَةَ ، فَقَدْ

١. الإقبال: ٣٠١/١، البلد الأمين: ١٩٨ وفيه «يا جَبَّارُ سَبْعًا» بدل «يا حَنَّانُ...»، بحار الأنوار: ٢/٤٢/٩٨ و ص ٢/٧٨.

٢. الخصال: ١/٥٠٨، تهذيب الأحكام: ٣٠٢/١١٤/١ وليس فيه «ليلة بدر» وكلاهما عن محمد بن مسلم والأخير عن أحدهما (عليه السلام)، كتاب من لا يحضره الفقيه: ١/٧٧/١٧٢ وليس فيه «وهي ليلة التقاء الجمعين ليلة بدر»، بحار الأنوار: ٦/٥/٨١ و ٦/٩٧/١٥/٢٨.

ای بخشنده، ای بخشنده، ای بخشنده، ای بخشنده، ای بخشنده! ای
بخشایشگر مهربان، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان، ای
مهربان، ای مهربان، ای بخشایشگر! ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده،
ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده! ای رئوف،
ای رئوف، ای رئوف، ای رئوف، ای رئوف، ای رئوف، ای رئوف! ای
مهربان، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان، ای مهربان، ای
مهربان، ای مهربان! ای بلندمرتبه، ای بلندمرتبه، ای بلندمرتبه، ای
بلندمرتبه، ای بلندمرتبه، ای بلندمرتبه، ای بلندمرتبه! بر
محمد و خاندانش درود فرست! همانا تویی آمرزنده و مهربان.



الف - غُسل

۵۴۳. امام باقر علیه السلام: غُسل در هفده مورد [، مستحب است]: شب هفدهم ماه رمضان،
که شب درگیری مسلمانان و کفار در شب بدر است....

ب - دعا

۵۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

خداوندا! این، ماه رمضان است که در آن قرآن نازل کردی و در آن به آباد
ساختن مساجد، دعا، روزه‌داری، نماز و عبادت فرمان دادی و برای ما اجابت

اجتهدنا وأنت أعنتنا فَاغْفِرْ لَنَا فِيهِ ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا ، وَاعْفُ عَنَّا
فَإِنَّكَ رَبُّنَا ، وَارْحَمْنَا فَإِنَّكَ سَيِّدُنَا ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلَى مَغْفِرَتِكَ
وَرِضْوَانِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَجَلُ الْأَعْظَمُ^١.

٥٣٥. الإقبال: دُعَاءُ آخَرُ فِي اللَّيْلَةِ السَّابِعَةِ عَشْرَةَ مِنْهُ رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى الْعَالِمِ رحمته أَنَّهُ
قَالَ: إِنَّ هَذِهِ اللَّيْلَةُ هِيَ اللَّيْلَةُ الَّتِي التَّقَى فِيهَا الْجَمْعَانِ يَوْمَ بَدْرٍ، وَأُظْهِرَ اللَّهُ
تَعَالَى آيَاتِهِ الْعِظَامَ فِي أَوْلِيَائِهِ وَأَعْدَائِهِ، الدُّعَاءُ فِيهَا:

يَا صَاحِبَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَوْمَ حُنَيْنٍ ، وَيَا مُبِيرَ الْجَبَّارِينَ وَيَا عَاصِمَ
النَّبِيِّينَ ، أَسْأَلُكَ يَا سَيِّدَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَبِطْنَةِ وَسَائِرِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَهَبَ لِي اللَّيْلَةَ تَأْيِيداً تُشَدُّ بِهِ عَضْدِي
وَتُسَدُّ بِهِ خَلَّتِي ، يَا كَرِيمُ أَنَا الْمُقِرُّ بِالذُّنُوبِ فَافْعَلْ بِي مَا تَشَاءُ لَنْ يُصِيبَنِي
إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ حَسْبِي ، وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ .
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَعِيشَةِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي بُلْغَةً إِلَى انْقِضَاءِ أَجَلِي ،
أَتَقَوَّى بِهَا عَلَى جَمِيعِ حَوَائِجِي ، وَأَتَوَصَّلُ بِهَا إِلَيْكَ ، مِنْ غَيْرِ أَنْ تَفْتِنَنِي
بِإِكْثَارِ فَاطِنِي ، أَوْ بِتَقْصِيرٍ^٢ عَلَيَّ فَأَشْقَى ، وَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ ،
وَأَعْطِنِي غِنًى عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا .
اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا لِي سِجْنًا ، وَلَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا لِي حُزْنًا ، أَخْرِجْنِي
عَنْ فِتْنِهَا إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي مِنْ حَيَاتِي ، مَقْبُولًا عَمَلِي إِلَى دَارِ
الْحَيَوَانِ وَمَسَاكِينِ الْأَخْيَارِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَزْلِهَا وَزِلْزَالِهَا ، وَسَطَوَاتِ
سُلْطَانِهَا وَبَغْيِ بُعَاثِهَا .

١. الإقبال: ٣٠٥/١، البلد الأمين: ١٩٨، وزاد فيه «هدى للناس وبيئات من الهدى والفرقان» بعد «القرآن» و«بحق»

محمد وآله» بعد «ورضوانك»، بحار الأنوار: ٩٨/٤٧/٢ و ص ٢٨/٢٧.

٢. في المصدر: «بتقصير» وما أثبتناه من بحار الأنوار.

را تضمین کردی. پس ما کوشیدیم. تو هم یاری‌مان کردی. پس در این ماه، ما را بیمارز و آن را آخرین رمضان ما قرار مده و از ما درگذر که همانا تو پروردگار مایی، و بر ما ترحم کن که تو سرور مایی و ما را از آنانی قرار ده که به سوی آمرزش و رضوان تو باز می‌گردند! همانا تویی باشکوه‌تر و بزرگ‌تر.

۵۴۵. الإقبال: دعایی دیگری در شب هفدهم ماه رمضان است که آن را با سند خویش از عالم (امام کاظم علیه السلام) روایت کرده‌ایم که فرمود: «این شب، شبی است که دو گروه (مسلمانان و کفار) در روز بدر با هم نبرد کردند و خداوند متعال، نشانه‌های بزرگ خویش را در مورد دوستان و دشمنانش آشکار ساخت. دعای این شب چنین است:

«ای همراه محمد صلی الله علیه و آله، در روز حُنین و ای هلاک‌کننده طغیانگران و ای نگه‌دارنده پیامبران! تو را می‌خوانم به یاسین و قرآن حکیم و به طاها و بقیه قرآن عظیم، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و امشب، مرا تأییدی بخشی که با آن بازویم را استوار کنی و نیازم را برآوری. ای بزرگوار! منم اعتراف‌کننده به گناهان پس با من، آن کن که خودت می‌خواهی. جز آنچه مقدر کرده‌ای، مرا نخواهد رسید. بر تو تکیه کردم و تو برای من بسی، و تو پروردگار عرش والایی.

خداوندا! از تو می‌طلبم بهترین زندگی را در حد کفافم، همواره تا مرا باقی داشته‌ای، تا آن گاه که مهلتم سرآید؛ آن گونه معیشتی که به سبب آن بر همه نیازهایم توان یابم و به سبب آن به تو برسم، بی آن که با ثروت زیاد، مرا بیازمایی که طغیان کنم یا با تنگ‌دستی، که شقاوت یابم. و مرا از سپاس نعمت باز مدار و مرا بی‌نیازی از بندگان بد خویش عطا کن! از شر دنیا و شر آنچه در آن است، به تو پناه می‌برم.

خداوندا! دنیا را زندان من مگردان و جدایی از آن را مایه حزنم مساز! اگر مرگ برایم بهتر از زندگی‌ام است، مرا از فتنه‌های آن برون آر و در حالی که عمل مرا پذیرفته‌ای، مرا به سرای زندگی و قرارگاه نیکان ببر! از تنگناها و لرزش‌ها و سختی‌های حاکمانش و سرکشی سرکشانش، به تو پناه می‌برم.

اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي فَأَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ ، وَاكْفِنِي هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ
هَمَّهُ ، وَصَدِّقْ قَوْلِي بِفِعْلِي ، وَأَصْلِحْ لِي حَالِي ، وَبَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَمَالِي
وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي .

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي ، وَاعْصِمْنِي فِي مَا بَقِيَ مِنْ عُثْرِي ،
حَتَّى أَلْقَاكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ . وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ .
ثُمَّ تَسْجُدُ عَقِيبَ الدُّعَاءِ وَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ :

سَجَدَ وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي الْمَوْقُوفُ الْمُحَاسِبُ الْمُذْنِبُ الْخَاطِئُ
لِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ الْبَاقِي الدَّائِمِ الْغَفُورِ الرَّحِيمِ . سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى
وَبِحَمْدِهِ . أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ
زِيَادَةً :

اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْعَظِيمَةِ ، لَكَ الْحَمْدُ كَمَا عَصَمْتَنِي مِنْ مَهَاوِي
الْهَلَكَةِ ، وَالتَّمَشُّكِ بِحِبَالِ الظُّلْمَةِ ، وَالْجُحُودِ لِطَاعَتِكَ ، وَالرَّدِّ
عَلَيْكَ أَمْرَكَ ، وَالتَّوَجُّهِ إِلَى غَيْرِكَ ، وَالزُّهْدِ فِي مَا عِنْدَكَ وَالرَّغْبَةِ فِي
مَا عِنْدَ غَيْرِكَ ، مَتَى مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَرَحِمْتَ رَحِمَتِي بِهَا ، مِنْ غَيْرِ عَمَلٍ
سَالِفٍ مِنِّي وَلَا اسْتِحْقَاقٍ لِمَا صَنَعْتُ بِي ، وَاسْتَوْجَبْتَ مِنِّي الْحَمْدَ عَلَى
الدَّلَالَةِ عَلَى الْحَمْدِ ، وَاتَّبَعَ أَهْلَ الْفَضْلِ وَالْمَعْرِفَةِ ، وَالتَّبَصُّرِ
بِأَبْوَابِ الْهُدَى ، وَلَوْلَاكَ مَا اهْتَدَيْتُ إِلَى طَاعَتِكَ وَلَا عَرَفْتُ أَمْرَكَ وَلَا
سَلَكْتُ سَبِيلَكَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا وَلَكَ الْمَنْ فَاضِلًا ، وَبِنِعْمَتِكَ تَبَتُّمُ
الصَّالِحَاتِ .^١

خداوندا! هر که در باره‌ام اندیشه بد می‌کند، در پی او باش و هر که نیرنگم می‌زند، او را نیرنگ بزن و اندوهی را که هر کس بر من وارد می‌آورد، کفایت کن و کارم را گواه سخنم قرار ده و حالم را اصلاح کن و مرا درباره خانواده و مال و فرزندان و برادرانم برکت عطا کن!

خداوندا! گناهان گذشته‌ام را بیامرز و مرا در باقی‌مانده عمرم نگه دار تا در حالی دیدارت کنم که از من خرسندی! حاجت خویش را می‌طلبی. سپس بعد از دعا سجده می‌کنی و در سجده‌ات می‌گویی:

چهره فانی، پوسیده، نگه داشته شده، بازخواست شده، گنهکار و خطاکار من، در پیشگاه ذات بزرگوار، پایدار، ابدی، آمرزنده و مهربان تو سجود کرده است. منزّه است پروردگار برتر من و او را می‌ستایم. از خداوند، آمرزش می‌طلبم و به سوی او توبه می‌کنم.

افزوده:

«خداوندا! ای پروردگار این شب بزرگ! تو را سپاس، آن گونه که مرا از پرتگاه‌های هلاکت نگه داشتی و مرا از: چنگ زدن به ریسمان ستمگران، انکار آگاهانه طاعت، سرپیچی از فرمانت، روی آوردن به غیر خودت، بی‌ رغبتی به آنچه نزد توست و گرایش به آنچه نزد دیگران است، حفظ کردی. این، نعمتی بود که عطایم کردی و رحمتی بود که با آن مرا مورد ترحم قرار دادی، بی آن که از گذشته، عملی در خور، و شایستگی بهره‌مندی از این بزرگواری‌ات را داشته باشم. و چون مرا به ستایش خویش رهنمون شدی و به پیروی از اهل فضل و معرفت، راهنمایی‌ام کردی و به درهای هدایت، بینایم ساختی، از سوی من مستوجب ثناگشتی. اگر تو نبودی، نه به طاعتت راه می‌یافتم و نه فرمانت را می‌شناختم و نه راهت را می‌پیمودم. پس، تو را سپاس فراوان، و تو را نعمت افزون [بر من] است؛ و کارهای شایسته، به سبب نعمت تو کمال می‌یابند».

١٨/٤

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الثَّامِنَةِ عَشْرَةَ

٥٤٦ . رسول الله ﷺ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِشَهْرِنَا هَذَا وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا فِيهِ الْقُرْآنَ وَعَرَّفَنَا حَقَّهُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى الْبَصِيرَةِ ، فَيَنْوِرُ وَجْهَكَ يَا إِلَهَنَا وَإِلَهَ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ أَرْزُقْنَا فِيهِ الثَّوْبَةَ ، وَلَا تَخْذُلْنَا وَلَا تُخْلِفْ ظَنَّنَا ، إِنَّكَ أَنْتَ الْجَلِيلُ الْجَبَّارُ .^١

١٩/٤

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الثَّاسِعَةِ عَشْرَةَ

٥٤٧ . رسول الله ﷺ:

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَزُولُ مُلْكُهُ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَسْقُطُ وَرَقَةٌ إِلَّا يَعْلَمُهَا ، وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَيُقَدِّرُهَا .
فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ ، سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ ، سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ ، مَا أَعْظَمَ شَأْنَهُ وَأَجَلَّ سُلْطَانَهُ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْنَا مِنْ عَتَقَائِكَ وَسُعْدَائِهِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ .^٢

وانظر: ص ٨١٦ (آداب ليلة القدر المشتركة).

ص ٨٤٤ (ما يختص بالليلة التاسعة عشرة).

١ . الإقبال: ١ / ٣١٠ ، البلد الأمين: ١٩٨ وزاد فيه «بك صل على محمد وآله واعف عنا وارحمنا» بعد «ولا تخلف ظننا» ، بحار الأنوار: ٩٨ / ٢٩ و ص ٢ / ٧٨ .

٢ . الإقبال: ١ / ٢٤٩ ، البلد الأمين: ١٩٨ ، بحار الأنوار: ٩٨ / ١٤٨ و ص ٢ / ٧٨ .

۱۸/۴

دعای شب‌هجدهم

۵۴۶. پیامبر خدا ﷺ: سپاس، خدایی را که با این ماه، ما را مورد کرامت قرار داد و در آن قرآن را بر ما فرو فرستاد و حق آن را به ما شناساند. خدا را سپاس بر نعمت بصیرت. تو را به نور ذاتت سوگند - ای معبود ما و خدای پدران پیشین ما - که در این ماه، توفیق توبه روزی ما گردانی و ما را خوار مگردانی و گمان [نیک] ما را [به خودت]، خلاف مسازی! همانا تو بزرگوار و مقتدری.

۱۹/۴

دعای شب‌نوزدهم

۵۴۷. پیامبر خدا ﷺ: منزّه است آن که نمی‌میرد. منزّه است آن که فرمان‌روایی‌اش بی‌زوال است. منزّه است آن که هیچ‌نهادی بر او پوشیده نیست. منزّه است آن که هیچ‌برگی مگر با دانش او، فرو نمی‌افتد و نه دانه‌ای که در تاریکی‌های زمین است و نه هیچ‌تر و خشکی، مگر آن که در نوشته‌ای روشن است، مگر آن که با علم و قدرت اوست.

پس، منزّه است او، منزّه است او، منزّه است او، منزّه است او، منزّه است او، منزّه است او. شانش چه بزرگ، و حکومتش چه شکوهمند است! خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را در سایهٔ آمرزش خویش، از آزادشدگان و بندگان رستگارت قرار بده! همانا تو آمرزنده و مهربانی.

ر.ک: ص ۸۱۷ (آداب مشترک شب قدر).

ص ۸۴۵ (آنچه مخصوص شب نوزدهم است).

٢٠/٤

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الْعَشِيرِ

٥٣٨ . رسول الله ﷺ:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِمَّا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي فَأَنْسِيْتُهَا وَهِيَ مُتَّبِعَةٌ عَلَيَّ يُحْصِيهَا عَلَيَّ
الْكَرَامُ الْكَاتِبُونَ يَعْلَمُونَ مَا أَفْعَلُ ، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ مَوَاقَاتِ الذُّنُوبِ ،
وَأَسْتَغْفِرُهُ مِنْ مُفْطَعَاتِ الذُّنُوبِ ، وَأَسْتَغْفِرُهُ مِمَّا فَرَضَ عَلَيَّ فَتَوَانَيْتُ ،
وَأَسْتَغْفِرُهُ مِنْ نِسْيَانِ الشَّيْءِ الَّذِي بَاعَدَنِي مِنْ رَبِّي .
وَأَسْتَغْفِرُهُ مِنَ الزَّلَّاتِ وَالضَّلَالَاتِ وَمِمَّا كَسَبْتُ يَدَايَ ، وَأُوْمِنُ بِهِ
وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَثِيرًا ، وَأَسْتَغْفِرُهُ وَأَسْتَغْفِرُهُ وَأَسْتَغْفِرُهُ وَأَسْتَغْفِرُهُ
وَأَسْتَغْفِرُهُ وَأَسْتَغْفِرُهُ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَعْفُو عَنِّي
وَتَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي ، وَاسْتَجِبْ يَا سَيِّدِي دُعَائِي ، فَإِنَّكَ أَنْتَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ .^١

٢١/٤

دُعَاءُ اللَّيْلَةِ الْحَالِيَةِ وَالْعَشِيرِ

٥٣٩ . رسول الله ﷺ:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا ،
وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ .
وَأَشْهَدُ أَنَّ الرَّبَّ رَبِّي لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَلَا وَلَدَ لَهُ وَلَا وَلِدَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُ

١ . الإقبال: ١/ ٣٥٣ ، البلد الأمين: ١٩٨ وليس فيه «والضَّلالات» ، بحار الأنوار: ٩٨/ ٥١ و ٢/ ٧٨ .

۲۰ / ۴

دعای شب‌بیم

۵۳۸. پیامبر خدا ﷺ:

از خداوند، آمرزش می‌خواهم بر گناهان گذشته‌ام؛ آنهایی که فراموششان کرده‌ام و بر من ثبت شده‌اند و نویسندگان والاقدر خدا (که آنچه می‌کنم، می‌دانند)، آنها را بر من می‌شمارند.

از خداوند، آمرزش می‌خواهم بر گناهان هلاکت‌بار. از او آمرزش می‌خواهم بر گناهان زشت. از او آمرزش می‌خواهم بر آنچه بر من واجب ساخته است و من سستی کرده‌ام. از او آمرزش می‌خواهم بر فراموش کردن چیزی که مرا از پروردگار دور ساخته است.

از او آمرزش می‌خواهم از: لغزش‌ها، گمراهی‌ها، و آنچه دستاتم انجام داده‌اند. به او ایمان دارم و بسیار بر او توکل می‌کنم. از او آمرزش می‌خواهم، از او آمرزش می‌خواهم، از او آمرزش می‌خواهم، از او آمرزش می‌خواهم، از او آمرزش می‌خواهم، از او آمرزش می‌خواهم. پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست! می‌خواهم که از من درگذری و گناهان گذشته‌ام را بیامرزی. سرورا! دعایم را بپذیر! همانا تو توبه‌پذیر و مهربانی.

۲۱ / ۴

دعای شب‌بیت‌یکم

۵۳۹. پیامبر خدا ﷺ: گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند یکتای بی‌شریک نیست.

و گواهی می‌دهم که محمد، بنده او و فرستاده اوست. و گواهی می‌دهم که بهشت، حق است و آتش، حق است و این که قیامت، بی‌شک، آمدنی است و این که خداوند همه به گورخفتگان را برمی‌انگیزد.

و گواهی می‌دهم که پروردگار، پروردگار من است و شریک، فرزند، و پدری

الْقَعَالُ لِمَا يُرِيدُ ، وَالْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالصَّانِعُ لِمَا يُرِيدُ ، وَالْقَاهِرُ مَنْ
يَشَاءُ ، وَالرَّافِعُ مَنْ يَشَاءُ ، مَالِكُ الْمُلْكِ وَرَازِقُ الْعِبَادِ ، الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
الْعَلِيمُ الْحَلِيمُ .

أَشْهَدُ أَشْهَدُ ، أَشْهَدُ أَشْهَدُ ، أَشْهَدُ أَشْهَدُ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ سَيِّدِي
كَذَلِكَ وَفَوْقَ ذَلِكَ ، لَا يَبْلُغُ الْوَاصِفُونَ كُنْهَ عَظَمَتِكَ ، اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاهْدِنِي وَلَا تُضِلَّنِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي ، إِنَّكَ أَنْتَ
الْهَادِي الْمَهْدِي^١ .

وانظر: ص ٨١٦ (آداب ليلة القدر المشتركة).

ص ٨٤٦ (ما يختص بالليلة الحادية والعشرين).



٥٥٠ . رسول الله ﷺ :

أَنْتَ سَيِّدِي جَبَّارٌ عَفَّارٌ قَادِرٌ قَاهِرٌ ، سَمِيعٌ عَلِيمٌ غَفُورٌ رَحِيمٌ ، غَافِرُ
الذَّنْبِ وَقَابِلُ التَّوْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ ، فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى ، مَوْلِجُ اللَّيْلِ فِي
النَّهَارِ وَمَوْلِجُ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ ، وَمُخْرِجُ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ
الْحَيِّ ، وَرَازِقُ الْعِبَادِ بِغَيْرِ حِسَابٍ .

يَا جَبَّارُ يَا جَبَّارُ ، يَا جَبَّارُ يَا جَبَّارُ ، يَا جَبَّارُ يَا جَبَّارُ (صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ) وَاعْفُ عَنِّي وَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي ، إِنَّكَ أَنْتَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^٢ .

١ . الإقبال: ١/ ٣٦١ ، البلد الأمين: ١٩٩ نحوه ، بحار الأنوار: ٩٨/ ١٥٣/ ٣ و ص ٢/ ٧٩ .

٢ . الإقبال: ١/ ٣٧٢ ، البلد الأمين: ١٩٩ وفيه «في هذا الشهر وهذه الليلة» بدل «وأرحمني» وليس فيه «غفور

رحيم» ، بحار الأنوار: ٩٨/ ٥٣/ ٢ و ص ٢/ ٧٩ .

٢٣/٢

آداب الليلة الثالثة والعشرين

٥٥١ . رسول الله ﷺ:

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الرُّوحِ
وَالْعَرْشِ ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ
الْبِحَارِ وَالْجِبَالِ ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ يُسَبِّحُ لَهُ الْحَيَتَانُ وَالْهُوَامُ وَالسَّبَاعُ فِي
الْأَكَامِ ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ سَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ عَلَا
فَقْهَرٌ وَخَلَقَ فَقَدَّرَ ، سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ ، سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ ، سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ سُبُّوحٌ ،
قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ ، قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ ، قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ .^١

وانظر: ص ٨١٦ (آداب ليلة القدر المشتركة).

ص ٨٧٠ (ما يختص بالليلة الثالثة والعشرين).

٢٤/٢

آداب الليلة الرابعة والعشرين

أ - الغسل

٥٥٢ . الإمام الصادق عليه السلام - لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - : اغْتَسِلْ فِي لَيْلَةِ أَرْبَعٍ
وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ، مَا عَلَيْكَ أَنْ تَعْمَلَ فِي اللَّيْلَتَيْنِ جَمِيعاً^٢

وانظر: ص ٥٧٤ (الأعمال المختصة بالعشر الأواخر / الغسل).

١ . الإقبال: ٣٧٧/١ ، البلد الأمين: ١٩٩ وزاد في آخره «أسألك أن تصلي على محمد وآله وأن تغفر لي وترحمني
فإنك أنت الأحد الصمد» ، بحار الأنوار: ٩٨/١٦١/٥ و ص ٢/٧٩ .

٢ . الإقبال: ٣٨٨/١ ، الخصال: ٥٠٨/١ ، بحار الأنوار: ٨١/٢٥/٢٥ و ج ٢/٥٥/٩٨ .

۲۳ / ۴

دعای شب‌بیت سوم

۵۵۱. پیامبر خدا ﷺ: منزّه و بی‌عیب است پروردگار فرشتگان و روح. منزّه و بی‌عیب است، پروردگار روح و عرش. منزّه و بی‌عیب است پروردگار آسمان‌ها و زمین‌ها. منزّه و بی‌عیب است پروردگار دریاها و کوه‌ها. منزّه و بی‌عیب است آن که ماهی‌ها و پرندگان و درندگان در کوه‌ها و دشت‌ها او را تسبیح می‌گویند. منزّه و بی‌عیب است آن که فرشتگان مقرب، او را تسبیح می‌گویند. منزّه و بی‌عیب است آن که والاست و غالب؛ آن که آفرید و اندازه گرفت. منزّه است، منزّه است، منزّه است، منزّه است، منزّه است، منزّه است، بی‌عیب است، بی‌عیب است، بی‌عیب است، بی‌عیب است، بی‌عیب است، بی‌عیب است.

ر.ک: ص ۸۱۷ (آداب مشترک شب قدر).

ص ۸۵۵ (آنچه مخصوص شب بیست و سوم است).

۲۴ / ۴

آداب شب‌بیت چهارم

الف - غسل

۵۵۲. امام صادق علیه السلام - خطاب به عبد الرحمان بن ابی عبد الله - : شب بیست و چهارم از ماه رمضان، غسل کن مانعی ندارد که در هر دو شب چنین کنی.

ر.ک: ص ۵۹۱ (اعمال مخصوص دهه آخر / غسل).

۱. در یک نسخه، چنین افزوده‌ای دارد: «از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود بفرستی و مرا پیامبری و بر من ترخم کنی. همانا تو یکتای بی‌نیازی» (ر.ک: بحار الأنوار: ۹۸ / ۱۶۱).

ب - الدُّعاء

٥٥٣. رسول الله ﷺ:

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَمَرْتَ بِالْدُّعَاءِ وَهَمِمْتَ الْإِجَابَةَ ، فَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ عِبَادُكَ
وَبَنُو إِمَائِكَ نَوَاصِينَا بِيَدِكَ ، وَأَنْتَ رَبُّنَا وَنَحْنُ عِبَادُكَ ، وَلَمْ يَسْأَلِ الْعِبَادُ
مِثْلَكَ ، وَتَرَعَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ يَرَعَبِ الْخَلَائِقُ إِلَى مِثْلِكَ ، يَا مَوْضِعَ شَكْوَى
السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى حَاجَةِ الرَّاغِبِينَ ، يَا ذَا الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ ، يَا ذَا
السُّلْطَانِ وَالْعِزِّ .

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، يَا بَارُّ يَا رَحِيْمُ ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ ، يَا بَدِيْعَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، يَا ذَا التَّعَمُّ الْجِسَامِ وَالطُّوْلِ الَّذِي
لَا يُرَامُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيْمُ .^١

٢٥/٤
مركز تحقيقات كهنوتی و روحانی
آداب الیلة الخامسة والعشرون

أ - الغُسل

٥٥٤. الإقبال: عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَيْسَى بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ ﷺ ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْغُسْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ، فَقَالَ: كَانَ أَبِي يَغْتَسِلُ
فِي لَيْلَةٍ تِسْعَ عَشْرَةَ ، وَإِحْدَى وَعِشْرِينَ ، وَثَلَاثَ وَعِشْرِينَ ، وَخَمْسَ
وَعِشْرِينَ .^٢

١. الإقبال: ١ / ٣٩٠ ، البلد الأمين: ١٩٩ وفيه «ولن يصل العباد مسألتك والرغبة إليك كرمًا وجوداً وربوبيةً
ووحدايةً» بدل «وبنو إمائك نواصينا بيدك وأنت ربنا... الخلائق إلى مثلك» ، بحار الأنوار: ٩٨ / ٥٦ / ٢
وص ٢ / ٨٠ .

٢. الإقبال: ١ / ٣٩٣ ، بحار الأنوار: ٨١ / ١٩ / ٢٥ وج ٩٨ / ٥٨ / ٢ .

ب - دعا

۵۵۳. پیامبر خدا ﷺ: تو به دعا فرمان داده‌ای و اجابت را تضمین کرده‌ای. ما هم تو را خوانده‌ایم، در حالی که ما، بندگان تویم و فرزندانِ بندگان تو. اختیار ما، در دست توست. تو، پروردگار مایی و ما، بندگان تویم. بندگان، هرگز از کسی چون تو نخواستہ‌اند. ما مشتاق تویم و خلاق به مثل تو رغبت ندارند، ای جایگاه شکایت خواستاران و نهایت نیاز مشتاقان! ای صاحب قدرت و فرمان‌روایی! ای صاحب حکومت و عزت!

ای زنده پایدار و عهده‌دار جهان و جهانیان! ای نیکوکار! ای مهربان! ای عطوف! ای صاحب احسان! ای آفریننده آسمان‌ها و زمین! ای صاحب شکوه و بزرگواری! ای صاحب نعمت‌های بزرگ و احسان بی‌نظیر! بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا بیا مرزا! همانا تو آمرزنده مهربانی.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی
۲۵/۴

آداب شب بیست و پنجم

الف - غسل

۵۵۴. الإقبال - به نقل از علی بن عبدالواحد، با سندش به عیسی بن راشد - : از امام صادق علیه السلام درباره غسل در ماه رمضان پرسیدم. فرمود: «پدرم در شب‌های نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم و بیست و پنجم، غسل می‌کرد».

ب - الدعاء

٥٥٥ . رسول الله ﷺ:

تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ، خَالِقُ الْخَلْقِ وَمُنْشِئُ السَّحَابِ ، وَآمِرُ
الرَّعْدِ أَنْ يُسَبِّحَ لَهُ ، تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ،
الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ، تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ
الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا .

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ فُصُورًا ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ .^١



٥٥٦ . رسول الله ﷺ:

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ
الْوَهَّابُ ، رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا ، رَبَّنَا
فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ . رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا
عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ .

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ، رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا
حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا ، رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ، وَاعْفُ عَنَّا
وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ .^٢

١ . الإقبال: ٣٩٥/١ ، البلد الأمين: ١٩٩ ، بحار الأنوار: ٢/٥٩/٩٨ و ص ٢/٨٠ .

٢ . الإقبال: ٣٩٨/١ ، البلد الأمين: ٢٠٠ نحوه ، بحار الأنوار: ٢/٦٠/٩٨ و ص ٢/٨٠ .

ب - دعا

۵۵۵. پیامبر خدا ﷺ: خجسته است خداوند، که بهترین آفریدگاران است؛ آفریننده خلق، پدیدآورنده ابر و فرمان‌دهنده به رعد که او را تسبیح گوید.
خجسته است آن که فرمان‌روایی به دست اوست و او بر هر چیز، تواناست؛ آن که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان بهتر عمل می‌کنید.
خجسته است آن که فرقان^۱ را بر بنده خود نازل کرد تا بیم‌دهنده جهانیان باشد.

خجسته است آن که اگر بخواهد، بهتر از این را برایت قرار می‌دهد:
باغ‌هایی که از زیر درختانش نهرها جاری‌اند، و برای تو، کاخ‌هایی قرار می‌دهد.

خجسته است خداوند، که بهترین آفریدگاران است.



۵۵۶. پیامبر خدا ﷺ: پروردگارا! پس از آن که هدایت‌مان کردی، دل‌های ما را [از حق و ایمان] بر مگردان^۲ و از سوی خود برای ما رحمتی عطا کن! همانا تو بخشنده‌ای.
پروردگارا! ما منادی‌ای را شنیدیم که به ایمان فرا می‌خواند که: «به پروردگارتان ایمان آورید». ما هم ایمان آوردیم.

پروردگارا! گناهان ما را بیامرز و خطاهای ما را ببوشان و ما را با نیکان بمیران!
پروردگارا! آنچه با فرستادگانت به ما وعده داده‌ای، به ما عطا کن و ما را در روز قیامت، خوار مگردان! همانا تو وعده را خلاف نمی‌کنی.

پروردگارا! اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را تنبیه نکن!
پروردگارا! بار گناهی را که بر پیشینیان ما نهادی، بر عهده ما مگذار!
پروردگارا! آنچه را فراتر از توان ماست، بر دوش ما مگذار، و از ما درگذر، و ما را بیامرز، و بر ما ترحم کن! تو مولای مایی. پس، ما را بر گروه کافران، پیروز گردان!

۱. فرقان، از نام‌های قرآن است، به معنای جداکننده حق و باطل و حلال و حرام (ر.ک: لسان العرب: ۳۰۲/۱۰).

۲. یعنی از ما توفیق بر هدایت را که نصیبمان کرده‌ای، دریغ مکن.

٢٧/٤

آدابُ اللَّيْلَةِ السَّابِعَةِ وَالْعِشْرِينَ

أ - الغُسل

٥٥٧ . الإقبال عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْغُسْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ: «إِغْتَسِلْ لَيْلَةَ تِسْعَ عَشْرَةَ، وَاحِدَى وَعِشْرِينَ، وَثَلَاثَ وَعِشْرِينَ، وَسَبْعَ وَعِشْرِينَ، وَتِسْعَ وَعِشْرِينَ»^١.

ب - الصَّلَاةُ

٥٥٨ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ سَبْعَ وَعِشْرِينَ رَكَعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ «فَاتِحَةَ الْكِتَابِ»، وَ«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» مَرَّةً، وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خَمْسًا وَعِشْرِينَ مَرَّةً، فَإِذَا سَلَّمَ اسْتَغْفَرَ مِئَةَ مَرَّةٍ، وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ مِئَةَ مَرَّةٍ، فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ^٢.

ج - الدُّعَاءُ

٥٥٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله:

رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ .
رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا، رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ

١ . الإقبال: ١ / ٤٠٠، بحار الأنوار: ٩٨ / ٢ / ٢٠٦.

٢ . مستدرک الوسائل: ٧ / ٤٨٣ / ٨٧٠٨ نقلًا عن القطب الراوندي في لب اللباب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .
وقال المحدث النوري رحمته الله في ذيل الرواية: فَإِنَّ هَذِهِ الرَّوَايَةَ لَا تَنَافِي مَا صَحَّ مِنْ أَنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لَيْلَةُ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ؛ لِأَنَّ هَذِهِ الرَّوَايَةَ تَخْتَصُّ بِمَنْ فَاتَهُ لَيْلَةُ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ فَأَدْرَكَ لَيْلَةَ سَبْعَ وَعِشْرِينَ .

۲۷/۴

آداب شب‌بیت هفتم

الف - غسل

۵۵۷. الإقبال - به نقل از ابن ابی یعفور - : از امام صادق علیه السلام درباره غسل در ماه رمضان پرسیدم. فرمود: «شب‌های: نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم، بیست و هفتم، و بیست و نهم، غسل کن».

ب - نماز

۵۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در شب بیست و هفتم، دو رکعت نماز بخواند (در هر رکعت «فاتحة الكتاب» و سوره «إنا أنزلناه» را یک بار و سوره «قل هو الله أحد» را بیست و پنج بار) و چون سلام نماز را گفت، صد بار استغفار کند و صد بار بر پیامبر و خاندانش صلوات بفرستد، شب قدر را درک کرده است.

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

ج - دعا

۵۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پروردگارا! ایمان آوردیم، پس، گناهانمان را بیامرز و خطاهایمان را بپوشان و ما را با نیکان بمیران!
پروردگارا! آنچه با پیامبرانت به ما وعده داده‌ای، به ما عطا کن و روز قیامت، خوارمان مگردان! همانا تو وعده را خلاف نمی‌کنی.
پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی. پس به گناهانمان اعتراف کردیم. پس، آیا راهی برای برون رفتن هست؟
پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما برگردان، که عذاب آن، همیشگی و هلاکت‌بار است!
پروردگارا! از همسران و فرزندان ما برای ما نور چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده!
پروردگارا! بر تو تکیه کردیم و به سوی تو روی آوردیم و بازگشت، به سوی توست.

أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ، رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا
وَإِلَيْكَ أُنَبِّئَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ .

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا
بِالْإِيمَانِ ، وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا ، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ .^١

٥٤٠ . الإقبال عن زيد بن علي عليه السلام : سَمِعْتُ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام لَيْلَةَ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ
مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يَقُولُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ :

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ ،
وَالِاسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْقَوْتِ .^٢

٢٨/٤

لُحَاءُ اللَّيْلَةِ الثَّامِنَةِ وَالْعِشْرِينَ

مَرْتَبَةُ كُتُبِهِ طَبْعِي

٥٤١ . رسول الله صلى الله عليه وآله :

آمَنَّا بِاللَّهِ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ ، آمَنَّا بِمَنْ لَا يَمُوتُ ، آمَنَّا بِمَنْ
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ وَالْجِبَالَ وَالشَّجَرَ
وَالدَّوَابَّ ، وَخَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ . آمَنَّا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَيْهَا
وَالْهُكْمُ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ، آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ، آمَنَّا بِرَبِّ
الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، آمَنَّا بِمَنْ أُنْشِأَ السَّحَابَ ،
وَخَلَقَ الْعَذَابَ وَالْعِقَابَ ، آمَنَّا آمَنَّا آمَنَّا آمَنَّا آمَنَّا بِاللَّهِ .^٣

١ . الإقبال: ١/ ٤٠٣ ، البلد الأمين: ٢٠٠ نحوه وفيه من «رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا...» ، بحار الأنوار: ٩٨/ ٦٣/ ٢
وص ٢/ ٨١ .

٢ . الإقبال: ١/ ٤٠٢ ، بحار الأنوار: ٩٨/ ٦٣/ ١ .

٣ . الإقبال: ١/ ٤٠٦ ، البلد الأمين: ٢٠٠ وفيه «آمَنَّا بِكَ سَبْعًا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَجَاوَزْ عَنَّا إِنَّكَ
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ» بدل «آمَنَّا آمَنَّا...» ، بحار الأنوار: ٩٨/ ٦٥/ ٢ و ص ٢/ ٨١ .

پروردگارا! ما را وسیله آزمایش کافران قرار مده!
 پروردگارا! ما را و برادران ما را که پیش از ما ایمان آوردند، ببخشای و در
 دل‌های ما کینه به مؤمنان را قرار مده! پروردگارا! تو رؤف و مهربانی.
۵۶۰. الإقبال - به نقل از زید بن علی علیه السلام - : شنیدم که پدرم علی بن الحسین علیه السلام در
 شب بیست و هفتم ماه رمضان، از اول شب تا آخر آن می‌گفت:
 «پروردگارا! فاصله گرفتن از سرای غرور و فریب را نصیبم کن و روی آوردن
 به سرای جاودانگی و آمادگی برای مرگ را پیش از آن که فرصت از دست
 برود، روزی‌ام گردان!».

۲۸/۴

دعای شب‌بست هشتم

۵۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به خداوند، ایمان آوردیم و به جبت و طاغوت، کفر ورزیدیم.^۱
 به کسی ایمان آوردیم که نمی‌میرد. به کسی ایمان آوردیم که آسمان‌ها و
 زمین‌ها و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان را آفرید و
 جن و انس را خلق کرد.
 به آنچه بر ما نازل شده و بر شما نازل شده، ایمان آوردیم. معبود ما و
 معبود شما، یکی است و ما تسلیم اویمیم.
 به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم. به پروردگار فرشتگان و روح ایمان
 آوردیم. به خداوند یکتای بی‌شریک، ایمان آوردیم به آن که ابر را پدید آورد و
 عذاب و کیفر (مجازات) را آفرید. ایمان آوردیم، ایمان آوردیم، ایمان آوردیم،
 ایمان آوردیم، ایمان آوردیم، ایمان آوردیم، به خداوند ایمان آوردیم.^۲

۱. جبت، هر معبود غیر خداست. جبت به جادو هم گفته می‌شود. جبت و طاغوت، به معنای کاهنان و شیاطین
 است. گویند: «جبت، کلمه‌ای است که به بُت، کاهن و جادوگر گفته می‌شود». طاغوت، از «طغیان» است، یعنی
 سرکشی. گاهی هم به کافر، شیطان، بت‌ها و بر هر سرکرده گمراهی، طاغوت گفته می‌شود (ر.ک:
 مجمع‌البحرین: ۱/ ۲۶۵ و ۲/ ۱۱۰۵).

۲. در نسخه‌ای، به جای «ایمان آوردیم، ایمان آوردیم، ایمان آوردیم، ایمان آوردیم، ایمان آوردیم، ایمان
 آوردیم، به خداوند ایمان آوردیم، چنین آمده است: (هفت بار) به تو ایمان آوردیم. پس، گناهان ما را بیامرز -
 به حق محمّد و خاندان او - و از ما در گذرا همانا تو قدرتمند شکست‌ناپذیری» (ر.ک: بحار الأنوار: ۲/ ۶۵ و ۹۸ و
 ص ۲/ ۸۱).

۲۹/۴

دعای شب بیست و نهم

۵۶۲. پیامبر خدا ﷺ: بر سروری توکل کردم که کسی بر او چیره نمی‌شود. بر مقتدری توکل کردم که کسی او را شکست نمی‌دهد. بر قدرتمند مهربانی توکل کردم که وقتی برمی‌خیزم و در میان سجده‌کنندگان جابه‌جا می‌شوم، مرا می‌بیند. بر زنده‌ای توکل کردم که نمی‌میرد. بر کسی توکل کردم که اختیار بندگان، به دست اوست.

بر بردباری توکل کردم که شتاب نمی‌کند. بر دادگری توکل کردم که ستم نمی‌کند. بر بی‌نیازی توکل کردم که نه زاده و نه زاده‌کسی است و نه هیچ کس، همتای اوست. بر خدای توانا و چیره و والای بی‌نیاز، توکل کردم. توکل کردم، توکل کردم، توکل کردم، توکل کردم، توکل کردم.

مرکز تحقیقات پژوهش‌های اسلامی
۳۰/۴
دعای شب سی‌ام

۵۶۳. پیامبر خدا ﷺ: پروردگارا! این ماه مبارک، از دست ما رفت؛ ماهی که ما را در آن به روزه و عبادت، فرمان دادی. خداوند! این را آخرین رمضان ما قرار مده و گناهان گذشته و آینده ما را ببامرز!

پروردگارا! ما را خوار مکن و از آمرزش، محروممان مساز و از ما درگذر و ما را ببامرز و بر ما ترحم کن و توبه ما را بپذیر و ما را روزی بده و از ما راضی باش و ما را از دوستان هدایت‌یافته و دوستان پروا پیشه خود قرار بده - به حق محمد و خاندان محمد - و این ماه را از ما بپذیر و آن را آخرین دیدار ما با آن قرار مده و حج خانه خودت را امسال و همه ساله روزی‌مان کن! همانا تو عطاکننده، روزی‌دهنده، دلسوز و اهل احسانی.

ری: آنچه به شب بیست و یکم تا شب سی‌ام مربوط می‌شود:



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست تفصیلی

۷	پیش‌گفتار.....
۸	روش کتاب.....
۱۳	درآمد.....
۱۴	آیا «رمضان» نام خداست؟.....
۱۵	نام‌های ماه رمضان.....
۱۶	ویژگی‌ها و برکات ماه رمضان.....



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

بخش اول : فضایل ماه خدا

۳۳	فصل یکم: عظمت و احترام ماه رمضان.....
۳۹	فصل دوم: ویژگی‌های ماه رمضان.....
۳۹	۱/۲ ماه خدا.....
۴۱	۲/۲ ماه میهمانی خدا.....
۴۳	۳/۲ سرور ماه‌ها.....
۴۳	۴/۲ آغاز سال.....
۴۷	۵/۲ شب قدر، در ماه رمضان است.....
۴۹	۶/۲ نزول قرآن در شب قدر.....

۵۱	۷/۲ نزول کتب آسمانی در آن است.....
۵۳	فصل سوم: برکات ماه رمضان.....
۵۳	۱/۳ آمرزش الهی.....
۵۹	۲/۳ آزادی از آتش دوزخ.....
۶۱	۳/۳ مجموعه برکات و ویژگی های ماه رمضان.....
۷۷	سخنی درباره به بند کشیده شدن شیطان ها در ماه رمضان.....
۷۸	علت به بند کشیده شدن شیاطین در ماه رمضان.....
۷۸	۱. طبیعت پیشگیرانه روزه.....
۸۰	۲. عنایت ویژه خداوند.....
۸۰	علت سود نبردن از به بند کشیده شدن شیاطین.....
۸۱	۱. شیطان، به تنهایی زمینه ساز گناهان نیست.....
۸۱	۲. در بند بودن شیطان ها، نسبی است.....
۸۳	فصل چهارم: تأکید بر بهره‌وری از برکات ماه رمضان.....
۸۷	نکته.....

بخش دوم: آمادگی برای میهمانی خدا

۹۱	فصل یکم: شناخت میهمانی خدا.....
۹۱	۱/۱ وجوب روزه گرفتن.....
۹۵	۲/۱ حکمت روزه گرفتن.....
۱۰۱	۳/۱ فضیلت روزه.....
۱۰۱	۴/۱ روزه برای خداست.....
۱۰۵	سخنی در شرح حدیث: «روزه، برای من است».....
۱۱۱	۵/۱ ارزش روزه‌دار.....

فهرست تفصیلی	۵۵۳
۶/۱ دعای فرشتگان برای روزه‌دار	۱۱۹
۷/۱ برکات میهمانی خدا	۱۲۳
الف - تقوا	۱۲۳
ب - کاستن از سرمستی و غریزه جنسی	۱۲۷
ج - دور شدن شیطان	۱۳۱
د - تن‌درستی	۱۳۱
هـ - مقاومت در مصیبت‌ها	۱۳۳
و - حکمت	۱۳۵
ز - تقرّب به خدا	۱۳۷
ح - اجابت دعا	۱۳۷
ط - ایمنی در روز قیامت	۱۳۹
ی - آسودگی در روز حساب	۱۳۹
ک - شفاعت در آخرت	۱۴۱
ل - دور شدن از آتش	۱۴۱
م - بهشتی شدن	۱۴۵
ن - مجموعه برکت‌ها	۱۴۹
۸/۱ درجات میهمانی خدا	۱۵۳
سخنی درباره مراتب روزه‌داری	۱۵۷
دسته اول. روزه عوام	۱۵۷
دسته دوم. روزه خواص	۱۵۸
دسته سوم. روزه خواص خواص	۱۵۸
فصل دوم: آمادگی برای میهمانی خدا	۱۶۱
۱/۲ خطبه‌های پیامبر، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان	۱۶۱
۲/۲ خطبه‌های امیر مؤمنان، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان	۱۷۷

..... ۵۵۴ ماه خدا

..... ۱۸۳ ۳/۲ سخن امام هشتم، هنگام فرا رسیدن ماه رمضان

..... ۱۸۷ فصل سوم: اسباب آمادگی برای میهمانی خدا

..... ۱۸۷ ۱/۳ توبه، پیش از فرا رسیدن ماه رمضان

..... ۱۸۹ ۲/۳ سه روز روزه در آخر شعبان

..... ۱۸۹ ۳/۳ اصلاح غذا

..... ۱۹۵ سخنی درباره تقویت آثار روزه با اصلاح غذا

..... ۱۹۶ انواع خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حرام

..... ۱۹۶ پرهیز از غذاهای شبهه‌ناک

..... ۱۹۷ انگیزه‌های خوردن و آشامیدن

..... ۲۰۱ فصل چهارم: دعا‌های آمادگی برای میهمانی خدا

..... ۲۰۱ ۱/۴ دعا‌های آخر شعبان

..... ۲۰۵ ۲/۴ دعا‌های دیدن هلال ماه رمضان

..... ۲۱۵ ۳/۴ دعا‌های ورود ماه رمضان

..... ۲۱۵ الف - دعا‌های پیامبر ﷺ

..... ۲۱۷ ب - دعای امام سجّاد ؑ

..... ۲۲۳ ج - دعا‌های امام صادق ؑ

..... ۲۳۳ د - دعای امام کاظم ؑ

..... ۲۳۹ هـ - دعای امام جواد ؑ

بخش سوم: آداب میهمانی خدا

..... ۲۴۵ فصل یکم: آداب روزه‌داری

..... ۲۴۵ ۱/۱ مهم‌ترین آداب

فهرست تفصیلی ۵۵۵

الف - پرهیز از حرام‌های خدا ۲۴۵

ب - پرهیز از غیبت کردن ۲۴۹

ج - پرهیز از دشنام دادن ۲۵۱

د - پرهیز از دروغ ۲۵۵

هـ - پرهیز از ریا ۲۵۵

و - پرهیز از هر چه خدا خوش نمی‌دارد ۲۵۵

۲/۱ آنچه پیش از روزه گرفتن، سزاوار است ۲۶۷

الف - خوردن سحری ۲۶۷

ب - برترین سحری ۲۷۳

ج - خواندن سوره قدر، هنگام خوردن سحری ۲۷۵

۳/۱ آنچه برای روزه‌دار، شایسته است ۲۷۵

الف - مسواک زدن ۲۷۵

ب - عطر زدن ۲۷۵

ج - زینت کردن ۲۷۷

د - خواب نیم‌روز ۲۷۷

۴/۱ آنچه برای روزه‌دار، سزاوار نیست ۲۷۹

الف - مسافرت در ماه رمضان ۲۷۹

ب - آنچه به ضعف می‌انجامد ۲۸۳

ج - آنچه ممکن است به شکستن روزه بینجامد ۲۸۵

د - شعرخوانی ۲۸۷

۵/۱ آنچه هنگام افطار، سزاوار است ۲۸۹

الف - عجله ۲۸۹

ب - جلو انداختن نماز ۲۹۱

ج - صدقه ۲۹۵

د - خواندن سورة قدر ۲۹۵

هـ - دعا ۲۹۵

و - خواندن دعای روایت شده پیش از افطار ۲۹۷

ز - افطار با خرما یا کشمش یا شیرینی یا شیر یا آب و لُرم ۳۰۷

ح - خواندن دعا های وارد شده به هنگام افطار ۳۱۱

ط - سپاسگزاری، هنگام افطار نزد دیگران ۳۱۳

فصل دوم: کارهایی که بر استحباب آنها تأکید شده است ۳۱۵

۱/۲ همه کارهای نیک ۳۱۵

۲/۲ افطاری دادن به روزه داران ۳۱۵

نکته ۳۲۳

۳/۲ بسیار انفاق کردن ۳۲۵

۴/۲ زیاد قرآن خواندن ۳۲۷

۴/۲ - ۱ فضیلت تلاوت قرآن و تشویق به آن ۳۲۷

۴/۲ - ۲ دعای تلاوت قرآن ۳۳۳

۴/۲ - ۳ دعای ختم قرآن ۳۳۷

۵/۲ زیاد استغفار کردن ۳۴۵

۶/۲ زیاد دعا خواندن و ذکر گفتن ۳۴۹

۷/۲ زیاد نماز خواندن ۳۵۳

۸/۲ زیارت امام حسین ۳۵۹

۹/۲ عُمَره بعد از گذشتن شب بیست و سوم ۳۶۱

۱۰/۲ اعتکاف ۳۶۵

۱۱/۲ خواندن سورة فتح در نماز مستحب ۳۶۷

فهرست تفصیلی	۵۵۷
فصل سوم: دعاهای مشترک	۳۶۹
۱/۳ دعاهای نمازهای واجب	۳۶۹
الف - دعای «اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ الشُّرُورَ»	۳۶۹
ب - دعای حج	۳۷۱
ج - دعای «یا عَلٰی یا عَظِیْمُ»	۳۷۱
۲/۳ دعاهای هر شب	۳۷۳
الف - دعا برای حج	۳۷۳
ب - دعا برای تقدیر نیکو	۳۷۵
ج - صلوات بر پیامبر و خاندانش	۳۷۵
د - دعای افتتاح	۳۷۷
هـ - دعای «ورود به جمع صالحان»	۳۸۵
۳/۳ دعاهای سحر	۳۸۷
الف - دعای امام باقر علیه السلام	۳۸۷
ب - دعای ابو حمزه ثمالی	۳۹۱
ج - دعای ادریس علیه السلام	۴۲۳
د - دعای «یا عُدَّتِی فِی کُرْبَتِی»	۴۲۹
هـ - دعای «یا مَقْرَعِی عِنْدَ کُرْبَتِی»	۴۳۵
و - تسبیح	۴۳۷
۴/۳ دعاهای هر روز	۴۳۷
الف - دعای امام سجّاد علیه السلام	۴۳۷
ب - تسبیح‌های هر روز	۴۴۱
ج - صلوات بر پیامبر و خاندانش	۴۴۹
د - دعای «اللَّهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ»	۴۵۵



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

..... ۴۵۷	هـ-دعایی دیگر برای هر روز
..... ۴۶۱	۵/۳ دعای جوشن کبیر
..... ۴۹۹	فصل چهارم: آداب مخصوص شب‌های ماه رمضان
..... ۴۹۹	۱/۴ آداب شب نخست
..... ۴۹۹	الف- غسل
..... ۴۹۹	ب- نماز
..... ۵۰۱	ج- دعا
..... ۵۰۳	د- هم‌وابگی با همسر
..... ۵۰۵	۲/۴ دعای شب دوم
..... ۵۰۷	۳/۴ دعای شب سوم
..... ۵۰۷	۴/۴ دعای شب چهارم
..... ۵۰۹	۵/۴ دعای شب پنجم
..... ۵۰۹	۶/۴ دعای شب ششم
..... ۵۱۱	۷/۴ دعای شب هفتم
..... ۵۱۳	۸/۴ دعای شب هشتم
..... ۵۱۳	۹/۴ دعای شب نهم
..... ۵۱۵	۱۰/۴ دعای شب دهم
..... ۵۱۷	۱۱/۴ دعای شب یازدهم
..... ۵۱۷	۱۲/۴ دعای شب دوازدهم
..... ۵۱۹	۱۳/۴ دعای شب سیزدهم
..... ۵۱۹	۱۴/۴ دعای شب چهاردهم
..... ۵۲۱	۱۵/۴ آداب شب پانزدهم
..... ۵۲۱	الف- غسل



مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی

۵۵۹	فهرست تفصیلی
۵۲۳	ب- زیارت
۵۲۳	ج- نماز صدر رکعت
۵۲۵	د- دعا
۵۲۵	۱۶/۴ دعای شب شانزدهم
۵۲۷	۱۷/۴ آداب شب هفدهم
۵۲۷	الف- غُسل
۵۲۷	ب- دعا
۵۳۳	۱۸/۴ دعای شب هجدهم
۵۳۳	۱۹/۴ دعای شب نوزدهم
۵۳۵	۲۰/۴ دعای شب بیستم
۵۳۵	۲۱/۴ دعای شب بیست و یکم
۵۳۷	۲۲/۴ دعای شب بیست و دوم
۵۳۹	۲۳/۴ دعای شب بیست و سوم
۵۳۹	۲۴/۴ آداب شب بیست و چهارم
۵۳۹	الف- غُسل
۵۴۱	ب- دعا
۵۴۱	۲۵/۴ آداب شب بیست و پنجم
۵۴۱	الف- غُسل
۵۴۳	ب- دعا
۵۴۳	۲۶/۴ دعای شب بیست و ششم
۵۴۵	۲۷/۴ آداب شب بیست و هفتم
۵۴۵	الف- غُسل
۵۴۵	ب- نماز



مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

..... ۵۶۰ ماه خدا

..... ج- دعا ۵۴۵

..... ۲۸/۴ دعای شب بیست و هشتم ۵۴۷

..... ۲۹/۴ دعای شب بیست و نهم ۵۴۹

..... ۳۰/۴ دعای شب سیام ۵۴۹



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی